سورهٔ نمل

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

طس [= طا. سین]. این، آیات قرآن و کتابی روشنگر است. (۱) [که] هدایت و بشارت برای مؤمنان است. (۲) [همان] کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به آخرت یقین دارند. (۳) در حقیقت، کسانی که به آخرت ایمان نمی‌آورند، اعمال آنان را برایشان آراسته‌ایم؛ پس [کوردل و] سرگشته‌اند. (۴) آنان کسانی هستند که عذاب دردناک [در پیش] دارند و در آخرت زیانکارترین [مردم] هستند. (۵) و [ای پیامبر،] یقیناً تو قرآن را از پیشگاهِ [پروردگار] حکیم دانا دریافت می‌کنی. (۶) [یاد کن از] هنگامی که موسی به خانواده‌اش گفت: «[بایستید؛] من آتشی [از دور] دیدم. به زودی خبری از آن برایتان می‌آورم یا شعله آتشی می‌آورم تا گرم شوید». (۷) چون به آن [آتش] رسید، ندا داده شد که: «مبارک [و خجسته] باد آن که در آتش است و هر [فرشته‌ای] که پیرامون آن است؛ و پاک و منزّه است الله ـ پروردگار جهانیان. (۸) ای موسی، به راستی که منم الله شکست‌ناپذیرِ حکیم. (۹) و عصایت را بیفکن». چون [موسی] آن را دید که همچون ماری [با سرعت] می‌خزد، [از ترس] پشت کرد و گریخت و بازنگشت. [ندا آمد که:] «ای موسی، نترس. پیامبران در پیشگاهِ من هیچ ترسی ندارند. (۱۰) اما کسی که ستم کند، آنگاه [پس از توبه،] بدی را به نیکی تبدیل نماید [بداند که] بی‌تردید، من آمرزندهٔ مهربانم. (۱۱) و دستت را در گریبانت فرو بر [تا] سپید و بدون عیب [و بدون بیماری پیسی] خارج شود. [این معجزه‌ای است] در زمرهٔ معجزات نُه‌گانه [که باید] به سوی فرعون و قومش [ببری؛ چرا که] بی‌تردید، آنان گروهی نافرمانند». (۱۲) اما وقتی آیات [و معجزات] ما روشن [و واضح] به سویشان آمد، گفتند: «این، جادویی آشکار است». (۱۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿هُدَى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْأٓخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾
اگر سوال شود افراد زیادی ادعا می‌کنند مومن هستند، آیا ایمان همگی پذیرفته می‌شود؟ یا باید این ادعا دلیلی داشته باشد؟ پاسخ این است که ادعای ایمان بدون دلیل پذیرفته نمی‌شود؛ زیرا الله تعالی در توصیف مومنان می‌فرماید: ﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْأٓخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾. سعدی: ۶۰۱.
پرسش: ایمان راستین چه نشانه‌ای دارد؟

۲ ﴿وَهُم بِٱلْأٓخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾
یقین مومنان به آخرت باعث می‌شود تلاش کامل خود را برای آن به‌کار گیرند و از اسباب و موجبات عذاب دوری کنند. این امر، اصل و اساس تمام نیکی‌هاست. سعدی: ۶۰۱.
پرسش: ایمان به روز آخرت باعث انجام چه کاری می‌شود؟

۳ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾
منظور از این اعمال، اعمال ظاهری و باطنی مشرکانه است؛ زیرا به سبب انس و رابطهٔ شدید با این اعمال، این شایستگی را از دست داده‌اند که با قرآن که نزدشان آمده است هدایت یابند. ابن عاشور: ۱۹/ ۲۲۰.
پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که اصرار بر گناه چه سرانجامی دارد؟

۴ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾
﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾ یعنی: ایمان را ایجاد و تجدید نمی‌کنند ﴿بِٱلْأٓخِرَةِ﴾ یعنی: به عظمت ما که غیر قابل دفاع است ﴿لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ﴾ یعنی: اعمال ناپسندشان، تا این‌که عاقبت شوم این اعمال را نادیده گرفتند، هر چند زشتی و ناپسندی‌اش آشکار است. بقاعی: ۱۴/ ۱۲۷.
پرسش: ایمان ضعیف به آخرت چه نتیجه‌ای به همراه دارد؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ﴾
شیطان با وسوسه، اعمالشان را برایشان می‌آراید و آنان می‌پذیرند؛ چنان‌که الله تعالی به نقل از سخن ابلیس می‌فرماید: ﴿فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ ۝٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ ٱلْمُخْلَصِينَ ۝٨٣﴾ [ص: ۸۲-۸۳]؛ «پس به عزتت سوگند، که همهٔ آن‌ها را گمراه خواهم کرد. مگر بندگان مخلص تو را، از میان آن‌ها»... از صیغهٔ مضارع مشخص می‌شود که سرگردانی آنان تازه می‌شود و همیشگی است؛ یعنی چون گمان می‌کنند که بر راه راست و درست قرار دارند به هدایت بازنمی‌گردند... به‌علاوه، این استمرار از نظر مدت متفاوت است: شدیدترین نوع آن، تا زمان مرگ انسان ادامه دارد و نوع دیگر آن، کوتاه‌تر است. هر یک از این انواع، بر اساس تزیین کفر در نفس ایجاد می‌گردد. ابن عاشور: ۱۹/ ۲۲۱.
پرسش: آیه کدام یک از راه‌های نفوذ شیطان بر انسان را بیان می‌کند؟

۶ ﴿وَأَلْقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنٌّ وَلَّىٰ مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلْمُرْسَلُونَ﴾
قید ﴿لَدَيَّ﴾ به این سبب آمد که رسولان در سایر اوقات، ترسان‌ترین مردم از الله هستند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا يَخْشَى ٱللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ ٱلْعُلَمَٰٓؤُاْ﴾ [فاطر: ۲۸]؛ «جز این نیست که از میان بندگان الله دانایان از او می‌ترسند». هیچ‌کس بیشتر از رسولان از بزرگی الله آگاه نیست. آلوسی: ۱۰/ ۱۵۹.
پرسش: چرا ترس رسولان از الله با قید ﴿لَدَيَّ﴾ همراه شد؟

۷ ﴿يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلْمُرْسَلُونَ ۝١٠ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسْنًۢا بَعْدَ سُوٓءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ﴾
اگر این سوال مطرح شود که ترس بعد از توبه و مغفرت به چه معناست؟ این‌گونه پاسخ داده می‌شود: کسانی که به الله علم دارند از گناهان‌شان می‌ترسند و نگران هستند و از سوی دیگر، مطمئن نیستند که تمام شروط توبه را به جای آورده باشند و نگران هستند که در این مورد بازخواست شوند. قرطبی: ۱۶/ ۳۳۰.
پرسش: چرا افراد صالح پس از استغفار هم از گناهان‌شان می‌ترسند؟

سورة (النمل) الجزء (۱۹) صفحة (۳۷۷)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓۚ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡقُرۡءَانِ وَكِتَابٖ مُّبِينٍ ۝١ هُدٗى وَبُشۡرَىٰ
لِلۡمُؤۡمِنِينَ ۝٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم
بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ۝٣ إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمۡ
أَعۡمَٰلَهُمۡ فَهُمۡ يَعۡمَهُونَ ۝٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمۡ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ
وَهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ هُمُ ٱلۡأَخۡسَرُونَ ۝٥ وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلۡقُرۡءَانَ مِن
لَّدُنۡ حَكِيمٍ عَلِيمٍ ۝٦ إِذۡ قَالَ مُوسَىٰ لِأَهۡلِهِۦٓ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا سَـَٔاتِيكُم
مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ ءَاتِيكُم بِشِهَابٖ قَبَسٖ لَّعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ ۝٧ فَلَمَّا جَآءَهَا
نُودِيَ أَنۢ بُورِكَ مَن فِي ٱلنَّارِ وَمَنۡ حَوۡلَهَا وَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ رَبِّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ۝٨ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّهُۥٓ أَنَا ٱللَّهُ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٩ وَأَلۡقِ عَصَاكَۚ
فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰ لَا تَخَفۡ
إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَيَّ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ۝١٠ إِلَّا مَن ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلَ حُسۡنَۢا بَعۡدَ
سُوٓءٖ فَإِنِّي غَفُورٞ رَّحِيمٞ ۝١١ وَأَدۡخِلۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ بَيۡضَآءَ مِنۡ
غَيۡرِ سُوٓءٖۖ فِي تِسۡعِ ءَايَٰتٍ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَقَوۡمِهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ
۝١٢ فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ ءَايَٰتُنَا مُبۡصِرَةٗ قَالُواْ هَٰذَا سِحۡرٞ مُّبِينٞ ۝١٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَعۡمَهُونَ	در اعمال زشت‌شان سرگردان و حیران می‌شوند.
لَتُلَقَّى	دریافت می‌کنی.
مِن لَّدُنۡ	از نزد.
ءَانَسۡتُ	دیدم.
بِشِهَابٖ قَبَسٖ	شعله‌ای آتش.
تَصۡطَلُونَ	خود را با آن در برابر سرما گرم کنید.
مُبۡصِرَةٗ	آشکارا و روشن.

عمل به آیات

۱. نمازها را با خشوع و واجبات و سنن آن‌ها در مسجد ادا کن، ﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾
۲. به یکی از نیازمندان صدقه بده، ﴿وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ﴾
۳. الله تعالی را با دو نام ﴿حَكِيمٍ﴾ و ﴿عَلِيمٍ﴾ بخوان که حکمت و علم به تو روزی دهد، ﴿وَإِنَّكَ لَتُلَقَّى ٱلْقُرْءَانَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ﴾

رهنمودها

۱. قرآن کریم اعجازانگیز است؛ چون آیاتش از حروفی مانند طس و حم تشکیل شده اما مردم از نوشتن مثل آن ناتوانند، ﴿طسٓۚ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ﴾
۲. نماز را با ارکان و واجبات و شروط و خشوعش برپا دار تا بتوانی از آیات قرآن کریم فایده ببری، ﴿هُدَى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ ۝٢ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْأٓخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾
۳. انکار رستاخیز و سرای آخرت، انسان را بدترین مخلوق و پست‌تر از چهارپایان قرار می‌دهد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِٱلْأٓخِرَةِ زَيَّنَّا لَهُمْ أَعْمَٰلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ ۝٤ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ لَهُمْ سُوٓءُ ٱلْعَذَابِ وَهُمْ فِي ٱلْأٓخِرَةِ هُمُ ٱلْأَخْسَرُونَ﴾

سورة (النمل) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٨)

وَجَحَدُواْ بِهَا وَٱسۡتَيۡقَنَتۡهَآ أَنفُسُهُمۡ ظُلۡمٗا وَعُلُوّٗاۚ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ (۱۴) وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ عِلۡمٗاۖ
وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
(۱۵) وَوَرِثَ سُلَيۡمَٰنُ دَاوُۥدَۖ وَقَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ عُلِّمۡنَا مَنطِقَ
ٱلطَّيۡرِ وَأُوتِينَا مِن كُلِّ شَيۡءٍۖ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡمُبِينُ (۱۶)
وَحُشِرَ لِسُلَيۡمَٰنَ جُنُودُهُۥ مِنَ ٱلۡجِنِّ وَٱلۡإِنسِ وَٱلطَّيۡرِ فَهُمۡ
يُوزَعُونَ (۱۷) حَتَّىٰٓ إِذَآ أَتَوۡاْ عَلَىٰ وَادِ ٱلنَّمۡلِ قَالَتۡ نَمۡلَةٞ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّمۡلُ ٱدۡخُلُواْ مَسَٰكِنَكُمۡ لَا يَحۡطِمَنَّكُمۡ سُلَيۡمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمۡ
لَا يَشۡعُرُونَ (۱۸) فَتَبَسَّمَ ضَاحِكٗا مِّن قَوۡلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ
أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ
صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ
(۱۹) وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ
مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ (۲۰) لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ
أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ (۲۱) فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ فَقَالَ
أَحَطتُ بِمَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ وَجِئۡتُكَ مِن سَبَإِۭ بِنَبَإٖ يَقِينٍ (۲۲)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُوزَعُونَ	ابتدای هر جنسی به پایان آن بازگردانده می‌شود تا همگی مرتب و منظم کنار یکدیگر قرار گیرند.
أَوۡزِعۡنِيٓ	به من الهام کن.
فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ	اندکی درنگ کرد.
سَبَإِۭ	شهری در یمن.

عمل به آیات

۱. سه نعمت را که الله تعالی به تو اختصاص داده به یاد آور، سپس با پیروی از پیامبران، شکر الله تعالی را در قبال این نعمت‌ها بگزار، ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ وَسُلَيۡمَٰنَ عِلۡمٗاۖ وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

۲. در زندگی مورچه بیندیش یا به یک برنامهٔ علمی در مورد زندگی این حیوان گوش بده، سپس سه فایده از این تجربه یادداشت کن، ﴿قَالَتۡ نَمۡلَةٞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّمۡلُ ٱدۡخُلُواْ مَسَٰكِنَكُمۡ لَا يَحۡطِمَنَّكُمۡ سُلَيۡمَٰنُ وَجُنُودُهُۥ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ﴾

۳. بگو: ﴿رَبِّ أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ وَأَنۡ أَعۡمَلَ صَٰلِحٗا تَرۡضَىٰهُ وَأَدۡخِلۡنِي بِرَحۡمَتِكَ فِي عِبَادِكَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

رهنمودها

۱. در جاهایی که تبسّم مناسب است تبسم بزن و از ترشرویی همیشگی بپرهیز، ﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكٗا مِّن قَوۡلِهَا﴾

۲. هر گاه الله نعمتی به یکی از والدینت بخشید به سبب این نعمت از الله سپاس‌گزاری کن؛ زیرا نعمت بر پدر و مادر، نعمت بر فرزند به شمار می‌رود، و ستایش و سپاس‌گزاری، یکی از اسباب دوام نعمت‌هاست، ﴿أَوۡزِعۡنِيٓ أَنۡ أَشۡكُرَ نِعۡمَتَكَ ٱلَّتِيٓ أَنۡعَمۡتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَٰلِدَيَّ﴾

۳. هر کس که الله امری را به او واگذار کرده باشد، بخشی از تقوای الهی این است که موضوع و حال افراد تحت سرپرستی‌اش را بررسی و محافظت کند، ﴿وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ﴾

ترجمه آیات

و آنها را از روی ستم و سرکشی انکار کردند در حالی که دل‌هایشان به آنها یقین داشتند؛ پس بنگر که سرانجام مفسدان چگونه بود. (۱۴) و به راستی، به داود و سلیمان دانشی [عظیم] دادیم و آنان گفتند: «ستایش از آنِ الله است که ما را بر بسیاری از بندگان مؤمن خود برتری بخشید». (۱۵) و سلیمان از داود [علم و نبوت و پادشاهی را] میراث برد و گفت: «ای مردم، [فهمِ] زبان پرندگان به ما آموخته شده و از هر چیز به ما [بهره‌ای] داده‌اند. بی‌تردید، این فضلی آشکار [از جانب پروردگار] است». (۱۶) و سپاهیان سلیمان ـ از جن و انس و پرندگان ـ نزدش گِرد آمدند؛ آنگاه منظم [و پیوسته در کنار یکدیگر] می‌رفتند. (۱۷) [آنان به راه خود ادامه دادند] تا وقتی به سرزمین مورچگان [در شام] رسیدند. مورچه‌ای گفت: «ای مورچگان، به لانه‌های خود بروید تا سلیمان و لشکریانش شما را [ندیده و] ندانسته پایمال نکنند». (۱۸) [سلیمان] از سخن آن [مورچه] خندید و گفت: «پروردگارا، به من توفیق بده تا شکر نعمتی را که بر من و بر پدر و مادرم ارزانی داشته‌ای به جای آورم و [یاری‌ام کن تا] کاری شایسته انجام دهم که مایهٔ رضایتت گردد و به رحمت خویش مرا در جمعِ بندگان شایسته‌ات وارد کن». (۱۹) و [سلیمان، حالِ] پرندگان را جویا شد و گفت: «چه شده است که هدهد را نمی‌بینم؟ [آیا جایی پنهان شده] یا غایب است؟ (۲۰) [چون او را نیافت گفت:] قطعاً او را به سختی مجازات می‌کنم یا سرش را می‌بُرم، مگر اینکه دلیل روشنی [برای غیبتش] بیاورد». (۲۱) دیری نپایید [که هدهد آمد] و گفت: «از چیزی آگاهی یافته‌ام که تو به آن آگاهی نیافته‌ای و از [سرزمین] سبأ خبری موثق برایت آورده‌ام. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُفۡسِدِينَ﴾

مفهوم عبارت این است: ای کسانی که محمد را تکذیب و رسالت او از جانب پروردگارش را انکار می‌کنید برحذر باشید از این‌که عذابی که به آنان رسید به طریق اولی و سزاوارتر به شما برسد؛ زیرا محمد ﷺ برتر و بزرگ‌تر از موسی علیه‌السلام و دلیلش نیز قوی‌تر و روشن‌تر از دلیل موسی علیه‌السلام است. ابن کثیر: ۳/ ۳۴۵- ۳۴۶.

پرسش: آیه با وجود این‌که در مورد کافران به موسی علیه‌السلام است اما کسانی را که به نبوت محمد ﷺ کفر می‌ورزند تهدید می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَقَالَا ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٖ مِّنۡ عِبَادِهِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

خوشبختی بنده در این است که: سپاسگزار الله در قبال نعمت‌های دینی و دنیوی باشد و تمام نعمت‌ها را از جانب پروردگارش بداند؛ بنابراین به آن‌ها فخرفروشی نکند و به شگفت نیاید، بلکه بر این باور باشد که باید شکر زیادی در قبال این نعمت‌ها به جای آورد. سعدی: ۶۰۲.

پرسش: با توجه به آیه، تاثیر نعمت‌ها بر نیکوکاران را توضیح دهید.

۳ ﴿وَوَرِثَ سُلَيۡمَٰنُ دَاوُۥدَ﴾

میراثِ پادشاهی و نبوت منظور است نه میراث مالی؛ زیرا اگر مالی بود از میان فرزندان داود علیه‌السلام فقط به سلیمان علیه‌السلام اختصاص نمی‌یافت... به‌علاوه، پیامبران اموال‌شان را به میراث نمی‌گذارند. سعدی: ۳۴۶.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که ایمان و علم و حکمت بهترین ارث فرزند از پدر است.

۴ ﴿فَتَبَسَّمَ ضَاحِكٗا مِّن قَوۡلِهَا﴾

زجاج می‌گوید: خندهٔ پیامبران از تبسم فراتر نمی‌رفت و ﴿ضَاحِكٗا﴾ به معنای «مبتسماً» است. بغوی: ۳/ ۳۹۱.

پرسش: پیامبران چگونه می‌خندیدند؟

۵ ﴿وَتَفَقَّدَ ٱلطَّيۡرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَآ أَرَى ٱلۡهُدۡهُدَ أَمۡ كَانَ مِنَ ٱلۡغَآئِبِينَ (۲۰) لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که امام باید احوال رعیتش را جستجو و از آنان محافظت کند. سلیمان علیه‌السلام با این‌که پادشاهی بزرگ بود از حال پرنده‌ای کوچک مانند هدهد غافل نشد. الله عمر رضی‌الله‌عنه را نیز بیامرزد که بر این روش سلیمان علیه‌السلام عمل می‌کرد و می‌گفت: اگر بزغاله‌ای در ساحل فرات به چنگ گرگ بیفتد عمر در مورد آن بازخواست خواهد شد. قرطبی: ۱۶/ ۱۳۱.

پرسش: آیا امارت نوعی افتخار و مباهات است یا امانت و مسئولیتی است که انسان در مورد آن بازخواست می‌شود؟ با توجه به آیه توضیح دهید.

۶ ﴿لَأُعَذِّبَنَّهُۥ عَذَابٗا شَدِيدًا أَوۡ لَأَاْذۡبَحَنَّهُۥٓ أَوۡ لَيَأۡتِيَنِّي بِسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٖ﴾

یعنی: دلیلی آشکار بر غیبت خویش بیاورد. این امر بیانگر زیرکی و انصاف سلیمان علیه‌السلام است؛ او فقط به شکنجه یا قتل هدهد سوگند یاد نکرد؛ زیرا شکنجه فقط در برابر گناه انجام می‌شود و احتمال دارد که غیبت او عذر موجهی داشته باشد؛ از این رو، استثنای مذکور را با زیرکی و هوشیاری افزود. سعدی: ۶۰۴.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر پرهیزگاری و تأنی و عدم شتاب سلیمان علیه‌السلام را بیان کنید.

۷ ﴿فَمَكَثَ غَيۡرَ بَعِيدٖ فَقَالَ أَحَطتُ بِمَا لَمۡ تُحِطۡ بِهِۦ وَجِئۡتُكَ مِن سَبَإِۭ بِنَبَإٖ يَقِينٍ﴾

گفتگوی سلیمان و هدهد اشاره دارد به این‌که ضعیف‌ترین مخلوق گاهی علمی دارد که قوی‌ترین مخلوق به آن دست نیافته است؛ تا علما علم‌شان را کوچک شمارند و علم همه‌چیز را به الله نسبت دهند. به‌علاوه این سخن روافض را رد می‌کند که می‌گویند: هیچ‌چیز بر امام پوشیده نمی‌ماند و او داناترین فرد زمان خودش است. بقاعی: ۱۴/ ۱۵۰.

پرسش: آگاهی هدهد از امری که بر سلیمان علیه‌السلام با وجود علم و پادشاهی گسترده‌اش مخفی مانده بود چه دلالتی دارد؟

سورة (النمل) الجزء (١٩) صفحة (٣٧٩)

إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا
عَرۡشٌ عَظِيمٞ ٢٣ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ
مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ
فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ ٢٤ أَلَّا يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ ٢٥ ٱللَّهُ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ ٱلۡعَرۡشِ ٱلۡعَظِيمِ۩ ٢٦ ۞قَالَ سَنَنظُرُ
أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ٢٧ ٱذۡهَب بِّكِتَٰبِي هَٰذَا
فَأَلۡقِهۡ إِلَيۡهِمۡ ثُمَّ تَوَلَّ عَنۡهُمۡ فَٱنظُرۡ مَاذَا يَرۡجِعُونَ ٢٨ قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلۡمَلَؤُاْ إِنِّيٓ أُلۡقِيَ إِلَيَّ كِتَٰبٞ كَرِيمٌ ٢٩ إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ
بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ ٣٠ أَلَّا تَعۡلُواْ عَلَيَّ وَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ ٣١
قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ
تَشۡهَدُونِ ٣٢ قَالُواْ نَحۡنُ أُوْلُواْ قُوَّةٖ وَأُوْلُواْ بَأۡسٖ شَدِيدٖ وَٱلۡأَمۡرُ
إِلَيۡكِ فَٱنظُرِي مَاذَا تَأۡمُرِينَ ٣٣ قَالَتۡ إِنَّ ٱلۡمُلُوكَ إِذَا دَخَلُواْ قَرۡيَةً
أَفۡسَدُوهَا وَجَعَلُوٓاْ أَعِزَّةَ أَهۡلِهَآ أَذِلَّةٗۚ وَكَذَٰلِكَ يَفۡعَلُونَ ٣٤
وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٣٥

ترجمه آیات

من [آنجا] زنی را یافته‌ام که بر آنان فرمانروایی می‌کند و [به او] از هر گونه نعمتی داده‌اند و تخت بزرگی دارد. (۲۳) او و قومش را دیدم که به جای الله، برای خورشید سجده می‌کنند، و شیطان کارهای [باطل و شرکِ] آنان را برایشان آراسته و آنان را از راه [راست] بازداشته است؛ از این رو هدایت نمی‌شوند». (۲۴) [شیطان فریبشان داده است] تا برای الله سجده نکنند؛ [همان معبودی] که نهان آسمان‌ها و زمین را آشکار می‌کند و آنچه را که پنهان می‌کنید و آشکار می‌سازید، [همه را] می‌داند. (۲۵) الله، که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست، پروردگار عرش بزرگ است. (۲۶) [سلیمان] گفت: «خواهیم دید که آیا راست گفته‌ای یا دروغگویی. (۲۷) این نامهٔ مرا ببر و به سوی آنان بیفکن؛ آنگاه دور شو و [در گوشه‌ای بایست و] بنگر که [دربارهٔ آن] چه می‌گویند». (۲۸) [ملکهٔ سبا] گفت: «ای بزرگان، نامهٔ ارجمندی به سوی من افکنده شده است. (۲۹) این [نامه] از جانب سلیمان است و چنین است: "به نام الله بخشندهٔ مهربان. (۳۰) بر من برتری مجویید و در حالی که [از شرک دست برداشته و] تسلیم [حق و توحید] شده‌اید، نزد من بیایید"». (۳۱) [ملکه] گفت: «ای بزرگان، نظرتان را در این مورد بگویید؛ [چرا که] من هرگز بدون حضور [و مشورتِ] شما دربارهٔ کاری تصمیم نگرفته‌ام». (۳۲) آنان گفتند: «ما نیروی بسیار و جنگجویانِ قدرتمندی داریم؛ ولی اختیار [و تصمیم نهایی] با توست؛ پس بررسی کن که چه دستوری بدهی». (۳۳) [ملکه] گفت: «بی‌تردید، وقتی پادشاهان [به عنوان فاتح] وارد شهری می‌شوند، آن را ویران [و تباه] می‌سازند و بزرگانش را خوار و ذلیل می‌کنند و رفتارشان همواره چنین بوده است. (۳۴) و من هدیه‌ای برایشان می‌فرستم و منتظر می‌مانم تا ببینم فرستادگان چه پاسخی [برایم] می‌آورند». (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ ٢٣ وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ﴾
از ابوبکره رضی الله عنه روایت است که گفت: وقتی به رسول الله ﷺ خبر رسید دختر کسری بر قوم فارس حکومت می‌کند فرمود: «لَنْ يُفْلِحَ قَوْمٌ وَلَّوْا أَمْرَهُمُ امْرَأَةً» [صحیح بخاری: ۴۴۲۵ و ۷۰۹۹] «مردمی که امورشان را به عهدهٔ زنان واگذارند رستگار نمی‌شوند». بغوی: ۳/ ۴۹۹.
پرسش: یک فایده از آیه استخراج کن؟

۲ ﴿أَلَّا يَسۡجُدُواْۤ لِلَّهِ ٱلَّذِي يُخۡرِجُ ٱلۡخَبۡءَ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَيَعۡلَمُ مَا تُخۡفُونَ وَمَا تُعۡلِنُونَ﴾
یعنی: باید ذاتی را که تمام کمال از آنِ اوست عبادت کنند، از طریق سجده که محل انس و موضع قرب و سرای مناجات و نشانهٔ عافیت است؛ اگر الله را سجده می‌کردند قطعاً هدایت می‌یافتند؛ زیرا نماز از فحشا و منکر بازمی‌دارد و هدف شیطان از گمراهی آنان از بین می‌رفت. بقاعی: ۱۴/ ۱۵۲- ۱۵۳.
پرسش: گزاردن سجده در برابر الله چه تاثیری بر زندگی انسان دارد؟

۳ ﴿قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾
عبارت ﴿أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾ دلالت دارد بر این‌که امام باید عذر رعیت را بپذیرد و در صورت وجود عذر موجه، مجازات آنان را لغو کند؛ چنان‌که سلیمان علیه السلام هدهد را که معذور بود و سخن راستی ارائه داد مجازات نکرد. بغوی: ۳/ ۴۵۹.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید یکی از سنت‌های پیامبران این است که سخنان را مورد بررسی و تحقیق قرار می‌دهند و در تصمیم‌گیری عجله نمی‌کنند؟

۴ ﴿قَالَتۡ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَفۡتُونِي فِيٓ أَمۡرِي مَا كُنتُ قَاطِعَةً أَمۡرًا حَتَّىٰ تَشۡهَدُونِ﴾
برای استحباب مشورت و یاری‌گرفتن از آرا در امور مهم به این آیه استدلال شده است. آلوسی: ۱۰/ ۱۹۲.
پرسش: کارهای مهم باید چگونه انجام شود؟

۵ ﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾
بر مستحب‌بودن آغاز نوشتن با «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» دلالت دارد. سعدی: ۶۰۴.
پرسش: چه امری در آغاز نوشتن مستحب است؟

۶ ﴿وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾
قتاده می‌گوید: «الله این زن را رحمت کند و از او خشنود شود، هم در زمان اسلام و هم در زمان شرک بسیار خردمند بود! می‌دانست که هدیه بر مردم اثر می‌گذارد». ابن عباس رضی الله عنهما و بیش از یک نفر گفته‌اند: «به قومش گفت: اگر هدیه را پذیرفت بدانید که پادشاه است پس با او بجنگید اما اگر آن را نپذیرفت بدانید که پیامبر است و از او پیروی کنید». ابن کثیر: ۶/ ۱۹۰.
پرسش: رفتار حکیمانه گاهی به هدایت منجر می‌شود. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ فَنَاظِرَةُۢ بِمَ يَرۡجِعُ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾
ملکهٔ سبأ به قومش گفت: این مرد را با هدیه‌ای از اموال ارزشمند می‌آزمایم، اگر پادشاهی دنیایی باشد به مال خشنود می‌شود اما اگر پیامبر باشد مال او را خشنود نمی‌کند بلکه زمانی راضی خواهد شد که دینش را بپذیریم. آن‌گاه هدیه‌ای بزرگ به سوی سلیمان علیه السلام فرستاد. ابن جزی: ۲/ ۱۳۰.
پرسش: ملکهٔ سبأ چگونه توانست راستی سلیمان علیه السلام را بفهمد؟ چه نکته‌ای از این امر به دست می‌آید؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡخَبۡءَ	نهان و پوشیده از دیدگان.
ٱلۡمَلَؤُاْ	اشراف.
تَعۡلُواْ عَلَيَّ	بر من برتری جویید.
أَفۡتُونِي	به من مشورت دهید.
قَاطِعَةً أَمۡرًا	قضاوت‌کننده و صادرکننده حکم
تَشۡهَدُونِ	حاضر شوید.
أُوْلُواْ	اصحاب.
فَنَاظِرَةُۢ	منتظر.

عمل به آیات

۱. امروز در مورد خبری که می‌شنوی تحقیق کن؛ زیرا تحقیق و بررسی اخبار، منهجی قرآنی است که صالحان از آن غافل نمی‌شوند، ﴿قَالَ سَنَنظُرُ أَصَدَقۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾
۲. به منکری که در محل زندگی‌ات انجام می‌شود اعتراض کن؛ چنان‌که هدهد بر شرک به الله تعالی اعتراض کرد، ﴿وَجَدتُّهَا وَقَوۡمَهَا يَسۡجُدُونَ لِلشَّمۡسِ مِن دُونِ ٱللَّهِ﴾
۳. به کسی که به هدایتش امید داری هدیه‌ای بده؛ زیرا این کار سبب نزدیکی و محبت دل‌ها به یکدیگر می‌شود، ﴿وَإِنِّي مُرۡسِلَةٌ إِلَيۡهِم بِهَدِيَّةٖ﴾

رهنمودها

۱. انسان خردمند از ضعف زن آگاه است؛ از این رو او را به اعمالی که شایسته او نیست گرفتار نمی‌کند، ﴿إِنِّي وَجَدتُّ ٱمۡرَأَةٗ تَمۡلِكُهُمۡ وَأُوتِيَتۡ مِن كُلِّ شَيۡءٖ وَلَهَا عَرۡشٌ عَظِيمٞ﴾
۲. به یاد داشته باش که شیطان اعمال ناپسند را برای کسانی که از یاد الله غافل هستند می‌آراید و بنده را از طاعت الله تعالی بازمی‌دارد، ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ فَهُمۡ لَا يَهۡتَدُونَ﴾
۳. مستحب است که تألیف کتاب و ایراد سخنرانی و رسایل با «بِسْمِ اللهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آغاز شود، ﴿إِنَّهُۥ مِن سُلَيۡمَٰنَ وَإِنَّهُۥ بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ﴾

سورة (النمل) الجزء (١٩) صفحة (٣٨٠)

فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ
ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ ﴿٣٦﴾ ٱرۡجِعۡ إِلَيۡهِمۡ فَلَنَأۡتِيَنَّهُم
بِجُنُودٖ لَّا قِبَلَ لَهُم بِهَا وَلَنُخۡرِجَنَّهُم مِّنۡهَآ أَذِلَّةٗ وَهُمۡ صَٰغِرُونَ ﴿٣٧﴾
قَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا قَبۡلَ أَن يَأۡتُونِي مُسۡلِمِينَ
﴿٣٨﴾ قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ
وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ﴿٣٩﴾ قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠
ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ
قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا
يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ ﴿٤٠﴾ قَالَ نَكِّرُواْ لَهَا
عَرۡشَهَا نَنظُرۡ أَتَهۡتَدِيٓ أَمۡ تَكُونُ مِنَ ٱلَّذِينَ لَا يَهۡتَدُونَ ﴿٤١﴾ فَلَمَّا
جَآءَتۡ قِيلَ أَهَٰكَذَا عَرۡشُكِۖ قَالَتۡ كَأَنَّهُۥ هُوَۚ وَأُوتِينَا ٱلۡعِلۡمَ مِن قَبۡلِهَا
وَكُنَّا مُسۡلِمِينَ ﴿٤٢﴾ وَصَدَّهَا مَا كَانَت تَّعۡبُدُ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ إِنَّهَا كَانَتۡ مِن
قَوۡمٖ كَٰفِرِينَ ﴿٤٣﴾ قِيلَ لَهَا ٱدۡخُلِي ٱلصَّرۡحَۖ فَلَمَّا رَأَتۡهُ حَسِبَتۡهُ لُجَّةٗ
وَكَشَفَتۡ عَن سَاقَيۡهَاۚ قَالَ إِنَّهُۥ صَرۡحٞ مُّمَرَّدٞ مِّن قَوَارِيرَۗ قَالَتۡ رَبِّ
إِنِّي ظَلَمۡتُ نَفۡسِي وَأَسۡلَمۡتُ مَعَ سُلَيۡمَٰنَ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٤٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
صَٰغِرُونَ	خوارشدگان.
عِفۡرِيتٞ	یاغی‌ای قوی و محکم.
نَكِّرُواْ	تغییر دهید.
ٱلصَّرۡحَ	کاخ؛ کف آن از شیشه و زیر آن آب بود.
مُّمَرَّدٞ	صاف و مسطح.
مِّن قَوَارِيرَ	از شیشه‌ای صاف.

عمل به آیات

۱. با نوشتن پیامی، خطر ترجیح دنیا بر دین را بیان کن، ﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم﴾

۲. یک سخنرانی یا رساله از طریق تلفن همراه ارائه بده و در آن از رشوه برحذر دار، ﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم﴾

۳. سه مورد از نعمت‌هایی را که الله بر تو بخشیده است به یاد آور سپس از او تعالی سپاس‌گزاری کن، تا در این نعمت‌ها برایت برکت نهد، ﴿فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُۖ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ﴾

رهنمودها

۱. معیارهای پیروان آخرت با معیارهای پیروان دنیا متفاوت است؛ از این رو بر خلاف دنیادوستان، از دنیا شاد نمی‌شوند، ﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُمۚ بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ﴾

۲. بدان که بزرگ‌ترین نعمت، نعمت دین است، اما دنیا رو به زوال است و مؤمن به آن متمایل نمی‌شود، ﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم﴾

۳. در یکجا آمدن دو صفت غنی و کریم برای الله تعالی بیندیش، ﴿وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که [فرستادۀ ملکه] نزد سلیمان آمد، [سلیمان] گفت: «آیا [می‌خواهید] با مال [و ثروت] به من کمک کنید؟ آنچه الله [از پیامبری و دانش و فرمانروایی] به من بخشیده، از آن چیزی که به شما عطا کرده بهتر است؛ بلکه شمایید که به هدیۀ خویش [و ثروت‌های دنیا] شادمان می‌شوید. (۳۶) نزد آنان بازگرد [و بگو که] قطعاً با لشکریانی به سویشان خواهیم آمد که توان مقابله با آن را نداشته باشند و بی‌تردید، آنان را از آن [سرزمین] با خفت و خواری بیرون می‌کنیم». (۳۷) [آنگاه] گفت: «ای بزرگان، کدام‌یک از شما ـ پیش از آنکه آنان تسلیم‌شده نزد من بیایند ـ تخت او را برایم می‌آورد؟» (۳۸) یکی از جنّیانِ تنومند گفت: «پیش از آنکه از جایت برخیزی، من آن را نزدت می‌آورم و قطعاً بر انجام این کار، نیرومند و امینم». (۳۹) کسی که دانشی از کتاب [الهی] داشت گفت: «پیش از آنکه چشم بر هم بزنی، آن را برایت می‌آورم». وقتی [سلیمان] آن [تخت] را نزد خود مستقر دید، گفت: «این از فضل پروردگار من است تا مرا بیازماید که آیا سپاس می‌گزارم یا ناسپاسی می‌کنم؛ پس هر کس سپاس گزارد، تنها به سود خویش سپاس می‌گزارد و هر کس ناسپاسی کند، [به زیانِ خود ناسپاسی کرده است؛ چرا که] بی‌تردید، پروردگارم بی‌نیاز کریم است. (۴۰) [سلیمان] گفت: «تختش را [تغییر شکل دهید و] برایش ناشناس کنید تا ببینیم آیا [آن را] تشخیص می‌دهد یا از کسانی است که [اشیا و اموال خود را] نمی‌شناسند. (۴۱) هنگامی که [ملکۀ سبأ] آمد، [به او] گفته شد: «آیا تخت تو این گونه است؟» [ملکه] گفت: «گویی همان است» و [سلیمان گفت:] «این دانش [و توانایی] پیش از این به ما داده شده است و همواره فرمانبردار بوده‌ایم». (۴۲) و آنچه [به تقلید از قومش] به جای الله عبادت می‌کرد، او را [از ایمان و توحید] بازداشته بود. بی‌تردید، او [= ملکه] از جملۀ کافران بود. (۴۳) به وی گفته شد: «به صحن [قصر] وارد شو». هنگامی که آن را دید، پنداشت که حوضی است و دو ساق [پای] خویش را برهنه کرد [تا از آب بگذرد. سلیمان] گفت: «این [آب نیست؛ بلکه] کاخی است که با [قطعات] بلور فرش شده است». [آنگاه او را به توحید دعوت داد. ملکه سبأ] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کرده‌ام و [اینک] همراه سلیمان، تسلیم الله ـ پروردگار جهانیان ـ شدم». (۴۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَمَّا جَآءَ سُلَيۡمَٰنَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٖ فَمَآ ءَاتَىٰنِۦَ ٱللَّهُ خَيۡرٞ مِّمَّآ ءَاتَىٰكُم﴾
بلقیس قبول یا رد هدیه را نشانه‌ای بر پادشاهی یا پیامبری سلیمان عليه السلام قرار داد؛ زیرا سلیمان عليه السلام در نامه‌اش نوشته بود: «بر من برتری مجویید، و تسلیم‌شده نزد من بیایید». دریافت یا تقدیم هدیه در چنین اموری جایز نیست و شریعت به آن اجازه نداده است؛ بلکه رشوه و فروختن حق به باطل به شمار می‌رود که حلال نیست. اما هدیۀ مطلق برای اظهار محبت و دوستی، از هر کسی و در هر حالی جایز است. قرطبی: ۱۶/ ۱۵۹.
پرسش: چرا سلیمان عليه السلام هدیه را بازگرداند؟

۲ ﴿بَلۡ أَنتُم بِهَدِيَّتِكُمۡ تَفۡرَحُونَ﴾
یعنی: چون همت شما بر دنیا محدود است و محبت زیادی به دنیا دارید به هدیه‌ای که به من می‌دهید شادمانید. این امر به طرز آشکاری جایگاه آنان را پایین می‌آورد. آلوسی: ۱۰/ ۱۹۵.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که دعوتگر به سوی حق و هدایت نباید فریب زیور دنیا را بخورد.

۳ ﴿قَالَ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَؤُاْ أَيُّكُمۡ يَأۡتِينِي بِعَرۡشِهَا﴾
ابوجعفر می‌گوید: صحیح‌ترین دیدگاه در مورد سببی که سلیمان عليه السلام از میان تمام اموال این زن، فقط تخت پادشاهی‌اش را از لشکریانش خواست حاضر کنند- تا حجتی بر نبوت سلیمان عليه السلام بر این زن باشد و به قدرت و بزرگی الله پی ببرد- این است که بلقیس تختش را در اتاقی در دل اتاق‌های دیگر که تو در تو و بسته و قفل شده بودند قرار داده بود، پس الله بدون گشودن در و قفل‌ها، تختش را از داخل این اتاق خارج کرد و به سوی یکی از دوستانش فرستاد و به او تحویل داد؛ پس این امر بزرگ‌ترین دلیل بر حقیقت دعوت سلیمان عليه السلام و راستی او در ادعای نبوتش است که به بلقیس خبر داده بود. طبری: ۱۹/ ۴۶۳.
پرسش: چرا سلیمان عليه السلام از میان اموال ملکه فقط تخت پادشاهی او را خواست که حاضر کنند؟

۴ ﴿قَالَ عِفۡرِيتٞ مِّنَ ٱلۡجِنِّ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن تَقُومَ مِن مَّقَامِكَۖ وَإِنِّي عَلَيۡهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٞ ﴿٣٩﴾ قَالَ ٱلَّذِي عِندَهُۥ عِلۡمٞ مِّنَ ٱلۡكِتَٰبِ أَنَا۠ ءَاتِيكَ بِهِۦ قَبۡلَ أَن يَرۡتَدَّ إِلَيۡكَ طَرۡفُكَۚ فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُ﴾
مناظره میان عفریتی از جن و کسی که علمی از کتاب داشت اشاره دارد به این‌که با حکمت و علم می‌توان کاری انجام داد که با زور و قدرت انجام نمی‌شود. ابن عاشور: ۱۹/ ۲۷۱.
پرسش: نحوۀ دلالت آیه بر فضیلت علم و حکمت را بیان کنید.

۵ ﴿فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُ﴾
﴿مِن فَضۡلِ رَبِّي﴾ یعنی: لطف و مهربانی پروردگارم است نه این‌که خودم استحقاقش را داشته باشم یا آن را در قبال عملی که انجام داده‌ام به من پاداش داده باشد. آلوسی: ۱۰/ ۱۹۹.
پرسش: بزرگ‌ترین سپاس‌گزاری این است که انسان نعمت را به ذاتی که آن را بخشیده است نسبت دهد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿فَلَمَّا رَءَاهُ مُسۡتَقِرًّا عِندَهُۥ قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُ﴾
﴿قَالَ هَٰذَا مِن فَضۡلِ رَبِّي لِيَبۡلُوَنِيٓ ءَأَشۡكُرُ أَمۡ أَكۡفُرُ﴾ یعنی: تا مرا با آن بیازماید. سلیمان عليه السلام همانند پادشاهان نادان فریب پادشاهی و قدرت و زورش را نخورد، بلکه دانست این کار آزمایشی از جانب پروردگارش است و ترسید که نتواند شکر این نعمت را به جای آورد. سپس اشاره شد که این سپاس‌گزاری، نفعی به الله نمی‌رساند بلکه سود آن به خود انسان بازمی‌گردد: ﴿وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ﴾. سعدی: ۶۰۵.
پرسش: تفاوت اصلی میان پادشاهان صالح و پادشاهان نادان چیست؟

۷ ﴿وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ كَرِيمٞ﴾
﴿وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦ﴾ یعنی: فایدۀ سپاس‌گزاری به خودش بازمی‌گردد؛ به این نحو که باعث می‌شود نعمت بر او کامل گردد و همیشگی شود؛ زیرا شکر، نعمت موجود را حفظ و نعمت مفقود را جذب می‌کند. ﴿وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيّٞ﴾ از شکر او [بی‌نیاز است] ﴿كَرِيمٞ﴾ با انعام به کسی که از نعمت‌هایش ناسپاسی کند. بغوی: ۳/ ۴۰۴.
پرسش: سپاس‌گزاری از نعمت چه فایده‌ای به همراه دارد؟

ترجمه آیات

و به سوی قوم ثمود، برادرشان صالح را فرستادیم که [بگوید:] «الله یگانه را عبادت کنید»؛ ولی آنان به دو گروه [مؤمن و کافر] تقسیم شدند و به ستیز پرداختند. (۴۵) [صالح] گفت: «ای قوم من، چرا به جای رحمت، شتابزده خواهان عذاب الهی هستید؟ چرا از الله آمرزش نمی‌خواهید؟ باشد که مورد رحمت قرار گیرید» (۴۶) آنان گفتند: «ما تو و کسانی را که همراهت هستند به فال بد گرفته‌ایم». [صالح] گفت: «فالِ بد شما [و دانشِ آن] نزد الله است؛ بلکه شما گروهی هستید که آزمایش می‌شوید». (۴۷) و در شهر [حِجر] نُه نفر [سردستهٔ گروه] بودند که در آن سرزمین به فساد می‌پرداختند و [هیچ] کارِ شایسته‌ای نمی‌کردند. (۴۸) [آنان به یکدیگر] گفتند: «برای همدیگر به الله سوگند یاد کنید که بر او [= صالح] و خانواده‌اش شبیخون بزنیم [و آنان را بکشیم]؛ آنگاه به خونخواهش بگوییم: "ما هنگام کشتارِ خانواده‌اش حاضر نبودیم و قطعاً راست می‌گوییم"». (۴۹) آنان [برای قتل صالح و پیروانش] نیرنگی به کار بردند و ما [نیز برای نابودی کافران] نیرنگی اندیشیدیم؛ در حالی که آنان نمی‌دانستند. (۵۰) بنگر عاقبت نیرنگشان چه شد: ما همهٔ آن افراد و قومشان را نابود کردیم. (۵۱) اینک خانه‌هایشان به سزای ستمی که کردند [ویران و] تهی مانده است. بی‌گمان، در این [کیفر،] برای کسانی که می‌دانند [و ایمان دارند] نشانه‌ای [برای عبرت گرفتن] است. (۵۲) و کسانی را که ایمان آورده و پرهیزگار بودند، [همراه صالح] نجات دادیم. (۵۳) و [یاد کن از] لوط آنگاه که به قومش گفت: «با آنکه [زشتی و گناهِ لواط را] می‌دانید، آیا [باز هم] مرتکب این عمل بی‌شرمانه می‌شوید؟ (۵۴) آیا از روی شهوت، به جای زنان، با مردان درمی‌آمیزید؟ بلکه شما گروهی نادانید». (۵۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾
یعنی: هر خیر و شری که به شما می‌رسد به فرمان الله است و بر شما نوشته شده است. به سبب سرعت نزول آن بر انسان، طائر (پرنده) نامیده شد که هیچ‌چیزی سریعتر از قضا و قدر قطعی نیست. بغوی: ۳/ ۴۰۷.

پرسش: چرا قضا و قدر، پرنده نامیده شد؟

۲ ﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾
هیچ‌چیز به اندازهٔ فال بد زدن، به رأی و نظر زیان نمی‌رساند و تدبیر را فاسد نمی‌کند و هر کس گمان کند بانگ گاو یا آواز کلاغ، قضا و قدر را بازمی‌گرداند قطعاً به جهالت افتاده است. قرطبی: ۱۶/ ۱۸۱.

پرسش: فال بد زدن چه خطری بر انسان دارد؟

۳ ﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾
﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ﴾ آنان - الله چهره‌شان را زشت گرداند- ادعا کردند که هیچ خیری در صالح عليه السلام نمی‌بینند، بلکه او و مومنان همراهش سبب محرومیت آنان از برخی خواسته‌های دنیوی‌شان هستند. الله چهرهٔشان را زشت گرداند-. صالح به آنان گفت: ﴿طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ﴾ یعنی: فقط به سبب گناهان‌تان مصیبت بر شما وارد می‌شود، ﴿بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾ با آسایش و سختی و خیر و شر آزمایش می‌شوید تا مشخص شود آیا از کارهای‌تان دست می‌کشید و توبه می‌کنید یا نه؟ سعدی: ۶۰۶.

پرسش: اسباب حوادث و مصیبت‌هایی که بر انسان وارد می‌شود چیست؟

۴ ﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ﴾
الله تعالی توطئه‌چینی آنان را مکر نامید؛ زیرا در خفا برای انجام کاری مضر رایزنی می‌کردند. ابن عاشور: ۱۹/ ۲۸۴.

پرسش: چرا دسیسه و توطئه‌چینی در آیه، مکر نامیده شد؟

۵ ﴿فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ﴾
- بنا بر آن‌چه گفته شده- آیه دلالت دارد بر این‌که ستم سبب ویرانی خانه‌هاست. از ابن عباس رضي الله عنه روایت شده که گفت: «در کتاب الله تعالی دیدم که ستم، خانه‌ها را ویران می‌کند» سپس این آیه را تلاوت کرد. در تورات چنین آمده است: «ای فرزند آدم ستم نکن که خانه‌ات خراب می‌شود». بنابر قولی: به نابودی ستمکار اشاره دارد؛ زیرا ویرانی خانه، نابودی صاحب خانه را به همراه دارد. واضح است که ستم به معنای جور و گردنکشی بر بندگان الله تعالی، سبب ویرانی خانه‌هاست و به کثرت شاهد این امر هستیم. آلوسی: ۱۰/ ۲۰۹.

پرسش: سخت‌ترین پیامد ستم چیست؟

۶ ﴿فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ﴾
الله تعالی اعمال قوم کافر ثمود را که مشتمل بر موارد متعددی مانند فساد بود فقط با ستم توصیف کرد. این امر اشاره دارد به این‌که ستم در ویرانی سرزمین‌ها تاثیر دارد. ابن عاشور: ۱۹/ ۲۸۵.

پرسش: چرا آیه از میان تمام اسباب عذاب ثمود فقط ستم را بیان کرد؟

۷ ﴿وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ﴾
یعنی: کار بسیار ناپسندی که عقل و فطرت آن را زشت می‌شمارد و شریعت آن را تقبیح می‌کند. سعدی: ۶۰۷.

پرسش: چرا گناه قوم لوط فاحشه نامیده شد؟

سورة (النمل) الجزء (١٩) صفحة (٣٨١)

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمۡ صَٰلِحًا أَنِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
فَإِذَا هُمۡ فَرِيقَانِ يَخۡتَصِمُونَ ﴿٤٥﴾ قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُونَ
بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ
تُرۡحَمُونَ ﴿٤٦﴾ قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ
عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ ﴿٤٧﴾ وَكَانَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ
تِسۡعَةُ رَهۡطٖ يُفۡسِدُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا يُصۡلِحُونَ ﴿٤٨﴾
قَالُواْ تَقَاسَمُواْ بِٱللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُۥ وَأَهۡلَهُۥ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِۦ
مَا شَهِدۡنَا مَهۡلِكَ أَهۡلِهِۦ وَإِنَّا لَصَٰدِقُونَ ﴿٤٩﴾ وَمَكَرُواْ
مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ﴿٥٠﴾ فَٱنظُرۡ
كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿٥١﴾ فَتِلۡكَ بُيُوتُهُمۡ خَاوِيَةَۢ بِمَا ظَلَمُوٓاْۚ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡلَمُونَ ﴿٥٢﴾ وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
وَكَانُواْ يَتَّقُونَ ﴿٥٣﴾ وَلُوطًا إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَتَأۡتُونَ
ٱلۡفَٰحِشَةَ وَأَنتُمۡ تُبۡصِرُونَ ﴿٥٤﴾ أَئِنَّكُمۡ لَتَأۡتُونَ ٱلرِّجَالَ
شَهۡوَةٗ مِّن دُونِ ٱلنِّسَآءِۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تَجۡهَلُونَ ﴿٥٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱطَّيَّرۡنَا	فال بد زده‌ایم.
طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِ	هر خیر یا شری که به شما برسد، الله آن را برای‌تان مقدر کرده است.
تَقَاسَمُواْ	برای یکدیگر سوگند یاد کردند.
لَنُبَيِّتَنَّهُۥ	که شبانه به صورت ناگهانی نزدش می‌رویم و او را می‌کشیم.
خَاوِيَةَۢ	خالی.

عمل به آیات

۱. با ارسال پیامی بیان کن حکم فال بد زدن، مخصوص به پرندگان نیست، بلکه برای هر چیزی است که با آن فال بد زده شود، ﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾

۲. این دعا را که در مورد کراهیت فال بد زدن وارد شده است حفظ کن: «اللَّهُمَّ لَا خَيْرَ إِلَّا خَيْرُكَ، وَلَا طَيْرَ إِلَّا طَيْرُكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ» [حسن؛ مسند احمد: ۷۰۴۵] «یا الله! هیچ خیر و شری نیست مگر این‌که تو آن را مقرر فرموده‌ای و هیچ معبود بر حقی جز تو وجود ندارد»، ﴿قَالُواْ ٱطَّيَّرۡنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَۚ قَالَ طَٰٓئِرُكُمۡ عِندَ ٱللَّهِۖ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ تُفۡتَنُونَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه دسیسه‌هایی را که کافران علیه پیروان اسلام می‌چینند سبب نابودی خودشان قرار دهد، ﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ مَكۡرِهِمۡ أَنَّا دَمَّرۡنَٰهُمۡ وَقَوۡمَهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

رهنمودها

۱. مؤمن همیشه خوش‌بین است؛ زیرا خوش‌بینی خیر و خوبی به همراه دارد و نوعی گمان نیک به الله است، ﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ لِمَ تَسۡتَعۡجِلُونَ بِٱلسَّيِّئَةِ قَبۡلَ ٱلۡحَسَنَةِۖ لَوۡلَا تَسۡتَغۡفِرُونَ ٱللَّهَ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ﴾

۲. به یاد داشته باش هر کس علیه مردم مکر کند الله علیه او مکر می‌کند، و سرانجام بد مکر به صاحبش بازمی‌گردد، ﴿وَمَكَرُواْ مَكۡرٗا وَمَكَرۡنَا مَكۡرٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ﴾

۳. یقین ما بر این‌که الله تعالی به دوستانش یاری می‌رساند و آنان را حفظ می‌کند ثابت و پابرجاست، ﴿وَأَنجَيۡنَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَكَانُواْ يَتَّقُونَ﴾

سورة (النمل) الجزء (۲۰) صفحة (۳۸۲)

۞ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ
لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ ۝٥٦ فَأَنجَيْنَٰهُ
وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ ۝٥٧ وَأَمْطَرْنَا
عَلَيْهِم مَّطَرًاۖ فَسَآءَ مَطَرُ ٱلْمُنذَرِينَ ۝٥٨ قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ
وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ
۝٥٩ أَمَّنْ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ
مَآءً فَأَنۢبَتْنَا بِهِۦ حَدَآئِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَن
تُنۢبِتُواْ شَجَرَهَآۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ ۝٦٠
أَمَّن جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنْهَٰرًا وَجَعَلَ
لَهَا رَوَٰسِىَ وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ
بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ۝٦١ أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا
دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِۗ
أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ ۝٦٢ أَمَّن يَهْدِيكُمْ فِى
ظُلُمَٰتِ ٱلْبَرِّ وَٱلْبَحْرِ وَمَن يُرْسِلُ ٱلرِّيَٰحَ بُشْرًۢا بَيْنَ يَدَىْ
رَحْمَتِهِۦٓۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ تَعَٰلَى ٱللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ ۝٦٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَدَّرْنَٰهَا	زن لوط را قرار دادیم.
ٱلْغَٰبِرِينَ	بازماندگان در عذاب.
ذَاتَ بَهْجَةٍ	دارای منظری نیکو.
يَعْدِلُونَ	برای الله نظیر و همانند قرار می‌دهند.
خِلَٰلَهَآ	وسط آن.
رَوَٰسِىَ	کوه‌هایی ثابت.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه ایمان را محبوب تو قرار دهد و آن را در قلبت بیاراید، و کفر و فسوق و عصیان را ناپسند تو قرار دهد، ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾
۲. امروز و همیشه این دعا را بسیار بخوان: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»؛ «پروردگارا! از ناحیهٔ همسران و فرزندان‌مان، روشنایی دیده به ما عطا فرما و ما را پیشوای پرهیزگاران قرار بده»، ﴿فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ﴾
۳. یکی از کارهایت را که بر تو دشوار شده است به یاد آور و با اصرار به درگاه الله تعالی دعا کن انجام آن را آسان گرداند، ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾

رهنمودها

۱. ستمگران وقتی از آوردن دلایل و براهین ناتوان شوند به زور پناه می‌برند، ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾
۲. انسان اگر بر گناه عادت کند، دیگر آن را زشت و ناپسند نمی‌داند، ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾
۳. یکی از سنت‌های الله تعالی این است که دوستانش را نجات می‌دهد و دشمنانش را نابود می‌گرداند، ﴿فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ﴾

ترجمه آیات

امّا پاسخ قومش جز این نبود که [به یکدیگر] گفتند: «خانوادهٔ لوط را از شهر خود بیرون کنید [چرا که] بی‌تردید، اینها افرادی پاکدامن [و مقدس‌مآب] هستند». (۵۶) آنگاه او و خانواده‌اش را نجات دادیم؛ مگر همسرش را که مقدر کردیم از بازماندگان [در عذاب] باشد. (۵۷) و بارانی [از سنگ] بر آنان باراندیم؛ و بارانِ بیم‌داده‌شدگان چه بد بود! (۵۸) بگو: «ستایش و سپاس از آنِ الله است و سلام بر بندگانش که [آنان را] برگزیده است». آیا الله بهتر است یا آنچه [با او] شریک می‌سازند؟ (۵۹) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که آسمان‌ها و زمین را آفرید و آبی از آسمان برایتان نازل کرد و با آن باران، بوستان‌هایی خرم [و زیبا] رویاندیم که هرگز توان رویاندن درختانش را نداشتید؟ آیا معبود دیگری با الله است؟ [هرگز؛] بلکه آنان مردم منحرف هستند [که مخلوقات را هم‌طرازِ الله قرار می‌دهند]. (۶۰) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که زمین را قرارگاه [امنی] ساخت و جویبارهایی میان آن جاری ساخت و کوه‌هایی [استوار] برایش پدید آورد و میان دو دریا مانعی قرار داد [تا آب شور و شیرین با هم نیامیزند]؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ [هرگز؛] اما بیشتر آنان نمی‌دانند. (۶۱) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که [دعای] درمانده را ـ وقتی او را بخواند ـ اجابت می‌کند و گرفتاری را برطرف می‌سازد و شما را جانشینان [پیشینیان در] زمین قرار می‌دهد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ چه اندک پند می‌گیرید! (۶۲) [آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که شما را در تاریکی‌های بیابان و دریا [به وسیلهٔ ماه و ستارگان] هدایت می‌کند و آن ذاتی که پیش از [باران] رحمتش، بادها را به مژده می‌فرستد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ الله از چیزهایی که [برایش] شریک قرار می‌دهند برتر است. (۶۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُوٓاْ أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾
عذاب و مصیبت، به سخن وابسته است؛ زیرا گفتند: ﴿أَخْرِجُوٓاْ ءَالَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْۖ إِنَّهُمْ أُنَاسٌ يَتَطَهَّرُونَ﴾. مفهوم این سخن عبارت است از: شما به پلیدی و ناپاکی آلوده هستید که باعث می‌شود عذاب بر آبادی شما فرود آید و هر کس از آن خارج شود نجات یابد. سعدی: ۶۰۷.
پرسش: این مطلب را توضیح دهید که منطق قوم لوط سبب نابودی آنان شد.

۲ ﴿فَأَنجَيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥٓ إِلَّا ٱمْرَأَتَهُۥ قَدَّرْنَٰهَا مِنَ ٱلْغَٰبِرِينَ﴾
یعنی: در زمرهٔ نابودشدگان قومش بود؛ زیرا با رضایت از افعال زشت‌شان، آنان را بر دین‌شان و بر راهی که بودند یاری می‌رساند؛ یعنی قومش را [از موجودیت] مهمانان لوط ﷺ [مطلع نمود و آنان را] راهنمایی می‌کرد تا نزد آنان بیایند، نه به این خاطر [هلاک شد] که مرتکب فواحش می‌شد؛ [این سخن به این سبب گفته می‌شود] تا مقام پیامبر الله گرامی داشته شود نه بخاطر آن زن. ابن کثیر: ۳/ ۳۵۶.
پرسش: چرا زن لوط نابود شد؟ و از چه نظر با قومش موافق بود؟

۳ ﴿قُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَٰمٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ ٱلَّذِينَ ٱصْطَفَىٰٓۗ ءَآللَّهُ خَيْرٌ أَمَّا يُشْرِكُونَ﴾
پیامبر ﷺ پس از حمد و سپاس الله فرمان یافت که بر رسولان سلام فرستد، همان کسانی که قبل از او، رنج و سختی‌های زیادی در انتشار دین حق متحمّل شدند. ابن عاشور: ۲۰/ ۶.
پرسش: چرا رسول الله ﷺ فرمان یافت که پس از حمد و سپاس الله، بر رسولان سلام فرستد؟

۴ ﴿أَمَّن جَعَلَ ٱلْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَٰلَهَآ أَنْهَٰرًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِىَ وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
این تدبیری عجیب است و فقط زمانی می‌توانیم این آفرینش شگفت را درک کنیم که بدانیم این زمین در هوا شناور و مدام در حرکت است، اما برای ساکنانش بدون حرکت به نظر می‌رسد که این امر، بر شگفتی تدبیر می‌افزاید. به‌علاوه، رحمت و نعمت به شمار می‌رود؛ زیرا اگر زمین آرام و ساکن نبود مردم بر روی آن آشفته و متزلزل می‌شدند و انجام کارهای‌شان بر آنان دشوار می‌گشت. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۳.
پرسش: چگونه به تدبیر بزرگ الله در مورد زمین پی می‌بریم؟

۵ ﴿وَجَعَلَ لَهَا رَوَٰسِىَ وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ حَاجِزًاۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
﴿وَجَعَلَ بَيْنَ ٱلْبَحْرَيْنِ﴾ دریای شور و دریای شیرین ﴿حَاجِزًا﴾ که نمی‌گذارد با هم درآمیزند و منفعت مطلوب از هر یک از بین برود. سعدی: ۶۰۸.
پرسش: چرا میان دو دریا حایلی قرار داده شد؟

۶ ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِۗ أَءِلَٰهٌ مَّعَ ٱللَّهِۚ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ﴾
دلیل اجابت دعای مضطر این است که اضطرار باعث شده خالصانه الله را بخواند و از غیر او تعالی دل بکند؛ الله نیز فرموده که دعای کسانی را که خالصانه او را عبادت کنند اجابت می‌کند حتی اگر کافر باشند: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا كُنتُمْ فِى ٱلْفُلْكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُواْ بِهَا جَآءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَجَآءَهُمُ ٱلْمَوْجُ مِن كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ لَئِنْ أَنجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِۦ لَنَكُونَنَّ مِنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾ [یونس: ۲۲]؛ «تا آن‌گاه که در کشتی قرار می‌گیرید، و (کشتی‌ها) با بادی ملایم آن‌ها را (به سوی مقصد) حرکت می‌دهند و (آن‌ها) به آن شادمان می‌شوند (ناگهان) طوفان شدیدی می‌وزد، و موج از هر سو (به سوی آن‌ها) بیاید، و گمان کنند، که راه گریزی ندارند (و هلاک خواهند شد)، الله را از روی اخلاص می‌خوانند: که اگر ما را از این (گرفتاری) نجات دهی، قطعاً از سپاس‌گزاران خواهیم بود». و ﴿فَلَمَّا نَجَّىٰهُمْ إِلَى ٱلْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ﴾ [العنکبوت: ۶۵]؛ «پس چون (الله) آن‌ها را (با آوردن) به خشکی نجات داد، باز آنان شرک می‌آورند». بنابراین الله هنگام ضرورت و اخلاص آنان، دعای‌شان را اجابت کرد با این‌که می‌دانست به شرک خویش بازخواهند گشت. شوکانی: ۴/ ۱۶۹.
پرسش: چرا دعای مضطر اجابت می‌شود حتی اگر کافر باشد؟

۷ ﴿أَمَّن يُجِيبُ ٱلْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ ٱلسُّوٓءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَآءَ ٱلْأَرْضِ﴾
الله تعالی اجابت دعای مضطر را تضمین کرده و آن را بر عهده گرفته است. سبب اجابت دعای انسان مضطر این است که ضرورت باعث می‌شود خالصانه دعا کند و از هر آن‌چه غیر الله است دل بکند و اخلاص جایگاه و ارزش زیادی نزد الله دارد، چه از سوی مومن یا کافر یا فرمانبردار یا نافرمان انجام گیرد. قرطبی: ۱۶/ ۱۹۳.
پرسش: خالص‌گردانیدن دعا برای الله سبحانه و تعالی چه ثمره‌ای دارد؟

ترجمه آیات

[آیا معبودان شما بهترند] یا ذاتی که آفرینش را آغاز کرد و سپس آن را بازمی‌گرداند و [یا] آن ذاتی که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ آیا معبود دیگری با الله وجود دارد؟ بگو: «اگر راستگویید، دلیلتان را بیاورید». (۶۴) بگو: «کسانی که در آسمان‌ها و زمین هستند از غیب آگاه نیستند، مگر الله؛ و نمی‌دانند چه زمانی برانگیخته می‌شوند. (۶۵) آیا علمشان دربارهٔ آخرت به کمال رسیده است [و درباره آن یقین دارند؟ هرگز؛] بلکه آنان در این مورد، در شک [و حیرانی] هستند؛ بلکه آنان نسبت به [فهمِ] آن [بی‌بصیرت و] کوردلند. (۶۶) و کسانی که کفر ورزیدند گفتند: «آیا هنگامی که ما و پدرانمان خاک شدیم، ما را [زنده می‌کنند و از گور] بیرون می‌آورند؟ (۶۷) در حقیقت، این را به ما و پیش از این به پدرانمان [نیز] وعده داده‌اند. این [سخن، چیزی] نیست، مگر افسانه‌های [خیالی] پیشینیان». (۶۸) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که سرانجامِ گناهکاران چگونه بوده است». (۶۹) و از [رویگردانیِ] آنان غمگین نباش و از نیرنگ‌هایی که می‌ورزند، دلتنگ نشو. (۷۰) و [کافران] می‌گویند: «اگر راستگویید، این وعده [عذاب] کی خواهد بود؟» (۷۱) بگو: «چه بسا برخی از آنچه به شتاب می‌خواهید، به شما نزدیک باشد». (۷۲) و بی‌گمان، پروردگارت نسبت به مردم بخشش [و رحمت] دارد؛ ولی بیشتر آنان سپاس نمی‌گزارند. (۷۳) و بی‌تردید، پروردگارت آنچه را در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، به خوبی می‌داند. (۷۴) و هیچ پنهانی در آسمان و زمین نیست، مگر آنکه در کتابی روشن [= لوح محفوظ] ثبت است. (۷۵) بی‌گمان، این قرآن بیشتر آنچه را بنی‌اسرائیل درباره‌اش اختلاف دارند، برایشان بیان می‌کند. (۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ﴾

در ادامهٔ آیات قبلی که معبودیت بت‌های مشرکان را با دلایل آشکار باطل کرد و ریشهٔ عقیدهٔ شرک‌ورزی را بَرکند، در این‌جا نیز یکی از آثار شرک باطل می‌شود که عبارت است از ادعای علم غیب از طریق کهانت و خبردادن جن‌ها. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۹.

پرسش: آیات کدام یک از آثار شرک را باطل کرده‌اند؟

❷ ﴿بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّنۡهَاۖ بَلۡ هُم مِّنۡهَا عَمُونَ﴾

به ترتیب ذیل از احوال این تکذیب‌کنندگان خبر داد: زمان آخرت را نمی‌دانند، علم ضعیفی در مورد آخرت دارند، در آن شک دارند، نسبت به آن کورند، آن را انکار می‌کنند، و وقوع آن را بعید می‌شمارند. یعنی: به سبب این احوال، ترس آخرت از دل‌های‌شان رفت، آن‌گاه از الله نافرمانی کردند و تکذیب حق و تصدیق باطل بر آنان آسان شد و به جای انجام عبادات، شهوات را حلال دانستند؛ بنابراین دنیا و آخرت‌شان تباه شد. سعدی: ۶۰۹.

پرسش: چرا کافران در تمام گناهان پیشرو و گستاخ هستند؟

❸ ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ﴾

الله تعالی در ادامه آنان را با حال امت‌های تکذیب‌کننده اندرز داد. به پیامبرش دستور داد که به آنان امر کند در زمین بگردند و از احوال گناهکاران امت‌های پیشین آگاه شوند و برحذر باشند از این‌که به عذابی همانند عذاب آنان گرفتار آیند. ابن عطیه: ۴/ ۲۶۹.

پرسش: مطالعهٔ سیرت و تاریخ گناهکاران چه فایده‌ای دارد؟

❹ ﴿وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُن فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ﴾

آیه بر این امر دلالت دارد که مهربانی و دلسوزی بر امت، خصلت پیامبر ﷺ شده بود و هر گاه تکذیب‌کنندگان با این تهدید انذار داده می‌شدند، حس دلسوزی در جان پیامبر ﷺ به جوشش درمی‌آمد؛ بنابراین الله این‌گونه قلبش را استوار و قوی کرد که هر وقت عذاب موعود به آنان رسید بر آنان اندوهگین نشود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۶.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر مهربانی پیامبر ﷺ نسبت به مردم را بیان کنید.

❺ ﴿قُلۡ عَسَىٰٓ أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي تَسۡتَعۡجِلُونَ ٧٢ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ﴾

این خبر مخصوص پیامبر ﷺ است برای هشدار دادن به این امر که تاخیر وعید یکی از آثار رحمت الله است؛ زیرا زمان‌های تأخیر، زمان‌های اعطای مهلت هستند و این امر نعمت به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۸.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که به‌تأخیر انداختن عذاب یکی از آثار رحمت الله تعالی است؟

❻ ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ﴾

آیه تصریح دارد به این‌که علاوه بر آن‌چه از آنان نقل شد امور زشت دیگری نیز داشتند. اعمال پنهانی آنان بدین سبب مقدم شد که آشکار گردد نهان و آشکار در علم او تعالی یکسان است یا به این دلیل که امور پنهان در سینه‌ها سبب اعمال آشکاری است که توسط جوارح انجام می‌شود. آلوسی: ۱۰/ ۲۲۸.

پرسش: چرا علم الله بر آن‌چه در سینه‌ها پنهان می‌داشتند بر علم به اعمال آشکارشان مقدم شد؟ آیه چگونه بر اهمیت اعمال قلبی دلالت دارد؟

❼ ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ﴾

یعنی: این قرآن آن‌چه را که در آن اختلاف دارند برای‌شان روشن می‌نماید اگر به آن عمل کنند. قرطبی: ۱۶/ ۲۰۴.

پرسش: اگر در یکی از امور اختلاف کردیم راه حل را باید در کجا بیابیم؟

سورة (النمل) الجزء (٢٠) صفحة (٣٨٣)

أَمَّن يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَمَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۗ
أَءِلَٰهٞ مَّعَ ٱللَّهِۚ قُلۡ هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٦٤ قُل
لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ
أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ ٦٥ بَلِ ٱدَّٰرَكَ عِلۡمُهُمۡ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ بَلۡ هُمۡ فِي
شَكّٖ مِّنۡهَاۖ بَلۡ هُم مِّنۡهَا عَمُونَ ٦٦ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا
كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ ٦٧ لَقَدۡ وُعِدۡنَا هَٰذَا
نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ ٦٨
قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ
٦٩ وَلَا تَحۡزَنۡ عَلَيۡهِمۡ وَلَا تَكُن فِي ضَيۡقٖ مِّمَّا يَمۡكُرُونَ ٧٠
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٧١ قُلۡ عَسَىٰٓ
أَن يَكُونَ رَدِفَ لَكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي تَسۡتَعۡجِلُونَ ٧٢ وَإِنَّ رَبَّكَ
لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ ٧٣ وَإِنَّ
رَبَّكَ لَيَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٧٤ وَمَا مِنۡ غَآئِبَةٖ
فِي ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٍ ٧٥ إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ
يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ٧٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَمَا يَشۡعُرُونَ	نمی‌دانند.
أَيَّانَ	چه زمانی.
ٱدَّٰرَكَ	علم‌شان کامل شده یا به پایان رسیده و از شناخت وقت قیامت ناتوان مانده است.
عَمُونَ	دیدگان‌شان از دیدن آن کور شده است.
أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ	دروغ‌هایی که قدما نوشته‌اند.
رَدِفَ لَكُم	به شما نزدیک شده است.
مَا تُكِنُّ	مخفی می‌کند.

عمل به آیات

۱. کسانی را که از طریق ستارگان یا افسونگران در جستجوی غیب هستند نصیحت کن، ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ﴾

۲. مطالبی در مورد اماکن هلاکت ستمکاران بخوان و بیندیش، ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلۡمُجۡرِمِينَ﴾

۳. پنج مورد از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی را که الله به تو بخشیده است به یاد آور سپس شکر او تعالی را به جای آور، ﴿وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَشۡكُرُونَ﴾

رهنمودها

۱. علم غیب مخصوص الله تعالی است، پس هر کسی که ادعا کند غیب می‌داند دروغ گفته است، ﴿قُل لَّا يَعۡلَمُ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ ٱلۡغَيۡبَ إِلَّا ٱللَّهُۚ وَمَا يَشۡعُرُونَ أَيَّانَ يُبۡعَثُونَ﴾

۲. تصدیق‌نکردن روز آخرت، بنده را بر انجام گناهان گستاخ می‌کند، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ أَءِذَا كُنَّا تُرَٰبٗا وَءَابَآؤُنَآ أَئِنَّا لَمُخۡرَجُونَ ٦٧ لَقَدۡ وُعِدۡنَا هَٰذَا نَحۡنُ وَءَابَآؤُنَا مِن قَبۡلُ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّآ أَسَٰطِيرُ ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

۳. پیروی از هدایت قرآن، سبب محافظت از اختلاف و تفرقه است، ﴿إِنَّ هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانَ يَقُصُّ عَلَىٰ بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ أَكۡثَرَ ٱلَّذِي هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ﴾

سورة (النمل) الجزء (٢٠) صفحة (٣٨٤)

وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ ﴿٧٧﴾ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم
بِحُكْمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٧٨﴾ فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى
ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ ﴿٧٩﴾ إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ
إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِينَ ﴿٨٠﴾ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِي ٱلْعُمْيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمْۖ إِن
تُسْمِعُ إِلَّا مَن يُؤْمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسْلِمُونَ ﴿٨١﴾ ۞ وَإِذَا وَقَعَ
ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَآبَّةً مِّنَ ٱلْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ
ٱلنَّاسَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا لَا يُوقِنُونَ ﴿٨٢﴾ وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِن كُلِّ أُمَّةٍ
فَوْجًا مِّمَّن يُكَذِّبُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُمْ يُوزَعُونَ ﴿٨٣﴾ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ
أَكَذَّبْتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمْ تُحِيطُواْ بِهَا عِلْمًا أَمَّاذَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ
﴿٨٤﴾ وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ ﴿٨٥﴾ أَلَمْ
يَرَوْاْ أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًاۚ إِنَّ فِي
ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٨٦﴾ وَيَوْمَ يُنفَخُ فِي ٱلصُّورِ فَفَزِعَ مَن
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلْأَرْضِ إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۚ وَكُلٌّ أَتَوْهُ
دَٰخِرِينَ ﴿٨٧﴾ وَتَرَى ٱلْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ ٱلسَّحَابِۚ
صُنْعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ ﴿٨٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَلَّوْاْ مُدْبِرِينَ	از تو روی گردانده‌اند.
فَوْجًا	گروهی.
يُوزَعُونَ	یعنی اولین تکذیب‌کنندهٔ هر امتی نگاه داشته می‌شود تا آخرین نفر آنان برسد و همگی یکجا گرد آیند، آن‌گاه به سوی توقفگاه حسابرسی رانده شوند.
دَٰخِرِينَ	خوار و ذلیل‌شدگان.
جَامِدَةً	ایستاده و ثابت.
تَمُرُّ	حرکت می‌کنند.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه قرآن کریم را برایت دلیلی نافع و مایهٔ رحمت قرار دهد، ﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

۲. به یک سخنرانی یا موعظه گوش بده سپس بر اساس آن عمل کن، ﴿إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِينَ﴾

۳. یک شب زود بخواب و شبی دیگر دیرتر از شب اول بخواب و بنگر که این دو چه تفاوتی بر روان و سلامتی و اعمال و عبادت تو دارد، ﴿أَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّا جَعَلْنَا ٱلَّيْلَ لِيَسْكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبْصِرًاۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

رهنمودها

۱. هدایت و رحمت مردم از مقاصد قرآن کریم است، ﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

۲. در مورد تمام اختلافاتی که امروز مردم با یکدیگر دارند الله تعالی در روز قیامت با حکم عادلانهٔ خویش میان آنان داوری خواهد کرد، ﴿إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِۦۚ وَهُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْعَلِيمُ﴾

۳. مسلمان و جویندهٔ علم باید در مورد هر مسأله‌ای که نسبت به آن علم ندارد توقف کند تا این‌که حقیقت برایش آشکار گردد؛ یعنی نباید بدون علم سخن بگوید، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُو قَالَ أَكَذَّبْتُم بِـَٔايَٰتِي وَلَمْ تُحِيطُواْ بِهَا عِلْمًا﴾

ترجمه آیات

و حقا که رهنمود و رحمتی برای مؤمنان است. (۷۷) مسلماً پروردگارت [در قیامت] به حکم خویش در میان آنان داوری می‌کند و او شکست‌ناپذیرِ داناست. (۷۸) پس بر الله توکل کن. به راستی که تو بر حقیقتی آشکار هستی. (۷۹) و تو هرگز نمی‌توانی مرده‌دلان را شنوا سازی و [ندای] دعوت [حق را] را به گوش کران برسانی؛ آنگاه که آنان پشت می‌کنند و روی می‌گردانند. (۸۰) و تو نمی‌توانی کوردلان را از گمراهی‌شان [بازگردانی و] هدایت کنی. تو [می‌توانی پیام حق را تنها] به گوش کسانی برسانی که به آیات ما ایمان دارند و [در برابر حق،] تسلیمند. (۸۱) و آنگاه که [در آستانهٔ قیامت،] فرمان [عذاب] بر آنان واجب گردد، جنبنده‌ای را برایشان از زمین بیرون می‌آوریم که با آنان [در این مورد] سخن بگوید که مردم به آیات ما یقین نداشتند. (۸۲) و [یاد کن از] روزی که از هر امتی، گروهی از آنان که آیات ما را دروغ می‌انگاشتند جمع می‌کنیم؛ آنگاه [برای حسابرسی، به صف] نگاه داشته می‌شوند. (۸۳) تا هنگامی که [به جایگاه حسابرسی] برسند؛ [در آنجا الله] می‌فرماید: «آیا در حالی که نسبت به [حقیقتِ] آیاتم دانشی نداشتید، آنها را دروغ می‌انگاشتید؟ این چه کاری بود که می‌کردید؟» (۸۴) و به خاطر ستمی که مرتکب شدند، فرمان [عذاب] بر آنان واقع می‌گردد و هیچ سخنی [در دفاع از خود] نمی‌گویند. (۸۵) آیا ندیدند که شب را پدید آورده‌ایم تا در آن آرامش یابند و روز را روشنی‌بخش [ساخته‌ایم تا به کار و تلاش بپردازند]؟ بی‌تردید، در این [آفرینش،] برای کسانی که ایمان می‌آورند، نشانه‌هایی [روشن از قدرتِ الله] است. (۸۶) و [یاد کن از] روزی که در صور دمیده می‌شود و هر کس در آسمان‌ها و زمین است وحشت می‌کند، مگر آن کس که الله بخواهد؛ و همگی با خواری [و ذلت] به پیشگاه الله می‌آیند. (۸۷) و کوه‌ها را می‌بینی [و] آنها را بی‌حرکت می‌پنداری؛ حال آنکه مانند گذرِ ابرها در حرکتند. این، آفرینشِ الهی است که هر چیزی را محکم [و استوار] پدید آورده است. بی‌تردید، او به آنچه می‌کنید آگاه است. (۸۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

رحمت‌بودن قرآن برای مومنان بدین سبب است که وقتی با آن هدایت یابند، در دنیا نفس‌شان اصلاح می‌شود، اعمال‌شان درست می‌شود و به اتحاد می‌رسند و در آخرت نیز به بهشت دست می‌یابند. ابن عاشور: ۲۰/ ۳۱.

پرسش: قرآن چگونه مایهٔ رحمت برای مومنان است؟

۲ ﴿وَإِنَّهُۥ لَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾

با این‌که قرآن رحمت برای تمام جهانیان است اما مومنان به این سبب به صورت خاص بیان شدند که فقط آنان از قرآن فایده می‌برند. آلوسی: ۱۰/ ۲۲۹.

پرسش: چرا با وجود این‌که قرآن مایهٔ رحمت برای تمام جهانیان است در این‌جا فقط مومنان ذکر شدند؟

۳ ﴿فَتَوَكَّلْ عَلَى ٱللَّهِۖ إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ﴾

﴿إِنَّكَ عَلَى ٱلْحَقِّ ٱلْمُبِينِ﴾: واضح. کسی که بر حق باشد- در حالی که به حق دعوت می‌دهد و به آن یاری می‌رساند- نسبت به دیگران، به توکل سزاوارتر است؛ زیرا در راهی حرکت می‌کند که راستی و درستی‌اش قطعی است و هیچ شک و تردیدی در آن راه ندارد. سعدی: ۶۰۹.

پرسش: توکل چه رابطه‌ای با قرار داشتن پیامبر ﷺ بر حق روشن دارد؟

۴ ﴿إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوْاْ مُدْبِرِينَ﴾

﴿إِنَّكَ لَا تُسْمِعُ ٱلْمَوْتَىٰ﴾ یعنی کفار؛ چون تدبر نمی‌کنند و همانند مردگان بدون حس و عقل هستند... ﴿وَلَا تُسْمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ﴾ یعنی: کافرانی که در پذیرش پند و اندرز همانند کران هستند؛ چنان‌که وقتی به سوی خیر فرا خوانده شوند روی می‌گردانند و پشت می‌کنند، گویی نمی‌شنوند. قرطبی: ۱۶/ ۲۰۵.

پرسش: چرا کافران به مردگان و کران تشبیه شدند؟

۵ ﴿وَوَقَعَ ٱلْقَوْلُ عَلَيْهِم بِمَا ظَلَمُواْ فَهُمْ لَا يَنطِقُونَ﴾

قتاده می‌گوید: چگونه می‌توانند سخن بگویند در حالی که هیچ دلیلی ندارند؟ بغوی: ۳/ ۴۱۸.

پرسش: چرا تکذیب‌کنندگان سکوت می‌کنند و هیچ سخنی نمی‌گویند؟

۶ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

یعنی: حکم کرده‌ام که ایمان آنان پیوسته تجدید شود، بنابراین هر روز در اوج و رفعت هستند. بقاعی: ۱۴/ ۲۲۲.

پرسش: بیان فعل مضارع ﴿يُؤْمِنُونَ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۷ ﴿صُنْعَ ٱللَّهِ ٱلَّذِيٓ أَتْقَنَ كُلَّ شَيْءٍۚ إِنَّهُۥ خَبِيرٌۢ بِمَا تَفْعَلُونَ﴾

در تمام مخلوقات الله حکمتی وجود دارد؛ چنان‌که می‌فرماید: الله سبحانه از جهانیان بی‌نیاز است؛ بنابراین حکمت مورد نظر متضمن دو امر است: امر اول: حکمتی که به خود الله بازمی‌گردد یعنی آفرینش را دوست دارد و از آن خشنود می‌شود. امر دوم: به بندگانش بازمی‌گردد، یعنی نعمتی بر آنان است که بدان شاد می‌شوند و از آن لذت می‌برند. ابن تیمیه: ۵/ ۶۸.

پرسش: در هرچه الله آفریده است حکمتی وجود دارد، این حکمت متضمن چه امری است؟

ترجمه آیات

هر کس [در روز قیامت] نیکی بیاورد، [پاداشی] بهتر از آن خواهد داشت و از وحشت آن روز در امانند. (۸۹) و هر کس بدی بیاورد، با صورت در آتش [دوزخ] نگونسار می‌شوند [و به آنان گفته می‌شود:] «آیا جز در برابر آنچه کرده‌اید مجازات می‌شوید؟» (۹۰) [ای پیامبر، به کافران بگو:] «من فقط مأمورم که پروردگار این شهر [= مکه] را عبادت کنم؛ همان ذاتی که به اینجا حرمت بخشیده و همه چیز از آنِ اوست؛ و مأمورم که تسلیم [فرمانش] باشم. (۹۱) و اینکه قرآن را تلاوت کنم؛ پس هر کس هدایت شود، به سود خویش هدایت یافته است، و [به] هر کس که گمراه می‌گردد بگو: «من فقط بیم‌دهنده‌ام». (۹۲) و بگو: «ستایش از آنِ الله است. به زودی نشانه‌های [قدرتِ] خویش را به شما نشان خواهد داد و آنها را خواهید شناخت»؛ و پروردگارت از آنچه می‌کنید غافل نیست. (۹۳)

سورهٔ قصص

به نام الله بخشندهٔ مهربان

طسم [= طا. سین. میم]. (۱) این آیاتِ کتابِ روشنگر است. (۲) [بخش‌هایی] از داستان موسی و فرعون را برای کسانی که ایمان آورده‌اند، به درستی بر تو تلاوت می‌کنیم. (۳) بی‌تردید، فرعون در سرزمین [مصر] برتری‌خواهی کرد و مردمش را به گروه‌هایی تقسیم نمود؛ گروهی از آنان را به ناتوانی [و خواری] می‌کشاند [چنان که] پسرانشان را می‌کشت و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگه می‌داشت. به راستی که او از تبهکاران بود. (۴) و می‌خواستیم بر بنی‌اسرائیل، که در آن سرزمین به ناتوانی کشیده شده بودند، [با نابود کردنِ دشمنشان] منت بگذاریم و آنان را پیشوایان [مردم] قرار دهیم و [پس از نابودی فرعون] وارثان [سرزمین شام] نماییم. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ﴾

﴿فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا﴾ خیر در این‌جا صفت تفضیلی است؛ یعنی: پاداش الله از عمل و سخن و ذکرِ بنده بهتر است و نیز خشنودی الله برای بنده بهتر از فعل اوست. بنابر قولی: این امر به مضاعف‌شدن ثواب بازمی‌گردد؛ زیرا الله تعالی در برابر یک نیکی، ده پاداش و در برابر ایمان در مدتی کوتاه، پاداشی همیشگی به بنده عطا می‌کند. قرطبی: ۱۶/ ۲۲۴.

پرسش: عبارت ﴿فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا﴾ چه معنایی دارد؟

۲ ﴿وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ﴾

﴿وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ﴾ یعنی: بر قرائت قرآن بر مردم از طریق تکرار دعوت و راهنمایی مواظبت کنم؛ زیرا قرآن در هدایت به سوی راه راست و درست، کافی است. بنابر قولی: بر خواندن آن مواظبت کنم تا حقایق نابش را که در آن نهفته است به تدریج برایم آشکار شود. آلوسی: ۱۰/ ۲۴۸.

پرسش: مواظبت بر قرائت قرآن کریم چه اثری به همراه دارد؟

۳ ﴿وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ﴾

یعنی: الگوی من رسولان هستند که اقوام‌شان را انذار دادند و وظیفهٔ ادای رسالت به سوی آنان را به جای آوردند و از عهدهٔ مسئولیتی که داشتند برآمدند و حساب امت‌های‌شان بر عهدهٔ الله تعالی است. ابن کثیر: ۳/ ۳۶۶.

پرسش: انذاردهندگان چه وظیفه‌ای در برابر گمراهان دارند؟

۴ ﴿نَتْلُوا۟ عَلَيْكَ مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِٱلْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

مومنان در این‌جا مورد خطاب و توجه قرار گرفتند؛ چون ایمان باعث می‌شود تدبر کنند و بپذیرند و به مواقع عبرت‌ها هدایت شوند و بر ایمان و یقین و خیرشان افزوده گردد؛ اما دیگران هیچ فایده‌ای از این قصه نمی‌برند جز این‌که حجت بر آنان اقامه می‌شود. الله آن را از آنان محفوظ داشت و حجابی قرار داد تا آن را نفهمند. سعدی: ۶۱۱.

پرسش: چرا بیان قصه به مومنان اختصاص داده شد؟

۵ ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ﴾

بزرگی فرعون در دنیا با عبارت ﴿عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ﴾ به تصویر کشیده شد تا نابودی او پس از این قدرت، بزرگ‌ترین پند و عبرت باشد. ابن عاشور: ۲۰/ ۶۶.

پرسش: چرا الله تعالی عظمت و تکبر فرعون را با عبارت ﴿عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ﴾ توصیف کرد؟

۶ ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا﴾

﴿شِيَعًا﴾ یعنی: گروه‌هایی که هر یک از چیزی پیروی می‌کرد و به آن یاری می‌رساند، همگی تحت قدرت و اطاعت امر فرعون بودند و در برابر فرعون مانند هیزم خرد شده بودند. میان آنان تفرقه انداخته بود تا علیه او به یکدیگر کمک نکنند؛ بنابراین اتحادشان را بر هم زد و آنان یکدیگر را حمایت نکردند و به یکدیگر یاری نرساندند تا این‌که خوار و ذلیل شدند. بقاعی: ۱۴/ ۲۴۰.

پرسش: یکی از اهداف همیشگی دشمنان، ایجاد تفرقه و بر هم زدن اتحاد مسلمانان است. تفرقه و پراکندگی چه تاثیری بر نیروی امت دارد؟

۷ ﴿يُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِۦ نِسَآءَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ﴾

کاهنان به فرعون گفتند: نوزادی در میان بنی‌اسرائیل متولد می‌شود که پادشاهی تو به دست او به پایان می‌رسد. یا منجمان این سخن را به او گفتند یا این‌که خوابی دید و آن را این‌گونه تعبیر کردند. زجاج می‌گوید: شگفتا از حماقت فرعون! ندانست که اگر کاهنان راست گفته باشند کشتار نوزادان فایده‌ای به او نمی‌رساند و اگر دروغ گفته باشند باز هم این کشتار هیچ معنایی ندارد. قرطبی: ۱۶/ ۲۳۰.

پرسش: حماقت فرعون به چه حد رسید؟

مَنْ جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ ﴿٨٩﴾
وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِى ٱلنَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا
مَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ ﴿٩٠﴾ إِنَّمَآ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَٰذِهِ ٱلْبَلْدَةِ
ٱلَّذِى حَرَّمَهَا وَلَهُۥ كُلُّ شَىْءٍ ۖ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ ٱلْمُسْلِمِينَ
﴿٩١﴾ وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ
وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ ﴿٩٢﴾ وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ
سَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ ﴿٩٣﴾

سُورَةُ القَصَص

بِسْمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحْمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

طسٓمٓ ﴿١﴾ تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْمُبِينِ ﴿٢﴾ نَتْلُوا۟ عَلَيْكَ
مِن نَّبَإِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِٱلْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿٣﴾ إِنَّ
فِرْعَوْنَ عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ
طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِۦ نِسَآءَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ
مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٤﴾ وَنُرِيدُ أَن نَّمُنَّ عَلَى ٱلَّذِينَ ٱسْتُضْعِفُوا۟
فِى ٱلْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ ٱلْوَٰرِثِينَ ﴿٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلْحَسَنَةِ	توحید و ایمان و عبادت.
بِٱلسَّيِّئَةِ	شرک و کفر.
حَرَّمَهَا	آن را حرام قرار داد؛ یعنی نه خونی در آن ریخته می‌شود، نه صیدی در آن شکار می‌شود و نه درختی در آن قطع می‌گردد.
عَلَا	تکبر ورزید و سرکشی کرد.
شِيَعًا	گروه‌های پراکنده.
نَّمُنَّ	مهربانی کنیم.

عمل به آیات

۱. عملی صالح انجام بده و از الله تعالی بخواه بر اجرش بیفزاید، ﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ﴾

۲. یکی از سوره‌های قرآن کریم را با تدبر بخوان، ﴿وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ﴾

۳. بگو: «اللّهُمَّ أَرِنِي الحَقَّ حَقًّا وَارْزُقْنِي اتِّبَاعَهُ وَأَرِنِي الْبَاطِلَ بَاطِلًا، وَارْزُقْنِي اجْتِنَابَهُ»؛ «یا الله! حق را برایم حق نشان بده و پیروی از آن را به من روزی بده، و باطل را برایم باطل بنمایان و دوری از آن را برایم روزی بده»، ﴿وَقُلِ ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَٰتِهِۦ فَتَعْرِفُونَهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ بِغَٰفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ﴾

رهنمودها

۱. هر اندازه کار نیک داشته باشی به همان اندازه از ترس و بیم روز قیامت در امان خواهی بود، ﴿مَن جَآءَ بِٱلْحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُم مِّن فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ ءَامِنُونَ﴾

۲. اگر الله هدایت بنده را اراده کند، گاهی فقط گوش‌دادن بنده به تلاوت قرآن سبب هدایتش می‌شود، ﴿وَأَنْ أَتْلُوَا۟ ٱلْقُرْءَانَ ۖ فَمَنِ ٱهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِى لِنَفْسِهِۦ ۖ وَمَن ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلْمُنذِرِينَ﴾

۳. یکی از سنت‌های الله تعالی این است که هر گاه ستمکاران بر مصلحان گردنکشی کنند یا میان آنان اختلاف اندازند یا در ضعیف‌کردن آنان و کاستن افرادشان بکوشند، ستمکاران را نابود می‌کند، ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِى ٱلْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضْعِفُ طَآئِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَآءَهُمْ وَيَسْتَحْىِۦ نِسَآءَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلْمُفْسِدِينَ﴾

سورة (القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٨٦)

وَنُمَكِّنَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنُرِيَ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا
مِنۡهُم مَّا كَانُواْ يَحۡذَرُونَ ٦ وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ
أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي
وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧
فَٱلۡتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرۡعَوۡنَ لِيَكُونَ لَهُمۡ عَدُوّٗا وَحَزَنًاۗ إِنَّ
فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ خَٰطِـِٔينَ ٨
وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ
عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩
وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ
أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠ وَقَالَتۡ
لِأُخۡتِهِۦ قُصِّيهِۖ فَبَصُرَتۡ بِهِۦ عَن جُنُبٖ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ
١١ ۞وَحَرَّمۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَرَاضِعَ مِن قَبۡلُ فَقَالَتۡ هَلۡ أَدُلُّكُمۡ
عَلَىٰٓ أَهۡلِ بَيۡتٖ يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ وَهُمۡ لَهُۥ نَٰصِحُونَ
١٢ فَرَدَدۡنَٰهُ إِلَىٰٓ أُمِّهِۦ كَيۡ تَقَرَّ عَيۡنُهَا وَلَا تَحۡزَنَ وَلِتَعۡلَمَ
أَنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ١٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡيَمِّ	رود؛ یعنی رود نیل.
قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي	مایهٔ خوشحالی من.
فَٰرِغًا	خالی از هر چیزی جز غم و اندوه موسی عليه السلام.
لَتُبۡدِي بِهِۦ	تا آشکارا بگوید نوزاد، پسر اوست.
عَن جُنُبٖ	از دور.
يَكۡفُلُونَهُۥ لَكُمۡ	او را پرورش و شیر می‌دهند.

عمل به آیات

۱. به خانواده‌ای که یکی از افرادش مورد ستم واقع شده است پیامی بفرست و آنان را با این آیه بشارت بده: ﴿وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

۲. از الله تعالی بخواه همسر و فرزندانت را مایهٔ روشنی چشمانت قرار دهد، ﴿وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا﴾

۳. از الله تعالی بخواه که قلبت را محکم گرداند و تو را در گشایش و سختی، استوار و ثابت‌قدم نگه دارد، ﴿لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. قدرت‌یابی در زمین به صبر و آمادگی و تلاش نیاز دارد، ﴿وَنُمَكِّنَ لَهُمۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَنُرِيَ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا مِنۡهُم مَّا كَانُواْ يَحۡذَرُونَ﴾

۲. عطا و بخشش‌ها گاهی با رنج و سختی به دست می‌آید؛ چنان‌که الله تعالی در لحظهٔ اندوه مادر موسی، به او گشایش و فضلی بزرگ وعده داد. این وعده انتخاب پسرش به عنوان پیامبری مرسل بود، ﴿وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

۳. صبر و شکیبایی هنگام مصیبت‌ها، احسانی از جانب الله است؛ پس آن را فقط از او تعالی بخواه، ﴿لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

ترجمه آیات

و در آن سرزمین به آنان قدرت و تمکین بخشیم و [از طرفی] به فرعون و [وزیرش] هامان و سپاهیانشان، آنچه [= سقوط حکومتشان] را که همواره از جانب آنان [=بنی‌اسرائیل] می‌ترسیدند، نشان دهیم. (۶) و به مادر موسی الهام کردیم که: «او را شیر بده و هنگامی که [از آسیب فرعونیان] بر او ترسیدی، او را [در جعبه‌ای بگذار و] به رود [نیل] بینداز و نترس و اندوهگین نشو [زیرا] قطعاً او را به تو بازمی‌گردانیم و از پیامبران قرار می‌دهیم». (۷) [پس از اینکه مادر موسی چنین کرد،] خاندان فرعون او را [از آب] گرفتند، تا سرانجام [سال‌ها بعد، این فرزند بنی‌اسرائیل] دشمن و [مایهٔ] اندوهشان گردد. به راستی که فرعون و هامان و سپاهیانشان گناهکار بودند. (۸) و [چون فرعون دستور قتل موسی را داد، آسیه] همسر فرعون گفت: «[این پسر] نور چشم [و مایه خوشحالی] من و توست. او را نکشید؛ چه بسا سودی به ما ببخشد یا او را به فرزندی بگیریم»؛ حال آنکه [عاقبتِ کار را] نمی‌دانستند. (۹) و دل مادر موسی [از همه چیز جز یاد پسرش] تهی گشت و اگر قلبش را مطمئن نکرده بودیم که [به وعدهٔ ما] ایمان داشته باشد، نزدیک بود آن [راز] را فاش کند [و آشکارا بگوید که آن نوزاد، پسر اوست]. (۱۰) و [مادر موسی پس از آنکه او را در نیل رها کرد] به خواهر او گفت: «به دنبالش برو»؛ [خواهرش] از دور به او می‌نگریست، در حالی که آنان نمی‌دانستند [که آن دختر، خواهرِ این کودک است]. (۱۱) و ما [شیرِ] همهٔ زنان شیرده را از قبل بر او حرام کردیم [چنان که سینهٔ هیچ یک را نپذیرفت]. آنگاه [خواهرش] گفت: «می‌خواهید خانواده‌ای را به شما نشان دهم که او را برایتان سرپرستی کنند و خیرخواهش باشند؟» (۱۲) [آنان پذیرفتند و به این صورت،] او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش [به او] روشن گردد و غمگین نباشد و بداند که وعدهٔ الله حق است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۱۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾
بیان فرمود که ایمان و آن‌چه را که مایهٔ منفعت مومنان است به آنان الهام می‌کند، و این امر ارسال وحی به آنان به شمار می‌رود حتی اگر پیامبر نباشند. ابن تیمیه: ۵/ ۷۰.
پرسش: آیه کدام یک از بخشش‌های الله بر مومنان را بیان می‌کند؟

۲ ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٧ فَٱلۡتَقَطَهُۥٓ ءَالُ فِرۡعَوۡنَ لِيَكُونَ لَهُمۡ عَدُوّٗا وَحَزَنًاۗ إِنَّ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَجُنُودَهُمَا كَانُواْ خَٰطِـِٔينَ ٨ وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٩ وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ١٠ وَقَالَتۡ لِأُخۡتِهِۦ قُصِّيهِ﴾
بنده هر چند می‌داند که قضا و قدر و وعدهٔ الله اجرا می‌شود اما باید اسبابی را که به آن‌ها دستور داده شده است به‌کار گیرد. این امر منافاتی با ایمان به وعدهٔ الله ندارد. با این‌که الله به مادر موسی وعده داد نوزادش را به او بازمی‌گرداند، او برای بازگرداندن فرزندش تلاش کرد و خواهرش را فرستاد تا او را دنبال کند و پیگیرِ کارش باشد. سعدی: ۶۱۹.
پرسش: این‌که مادر موسی خواهرش را فرستاد تا او را زیر نظر بگیرد آیا منافاتی با ایمان به وعدهٔ الله سبحانه و تعالی دارد؟

۳ ﴿وَأَوۡحَيۡنَآ إِلَىٰٓ أُمِّ مُوسَىٰٓ أَنۡ أَرۡضِعِيهِۖ فَإِذَا خِفۡتِ عَلَيۡهِ فَأَلۡقِيهِ فِي ٱلۡيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحۡزَنِيٓۖ إِنَّا رَآدُّوهُ إِلَيۡكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾
الله به مادر موسی دستور داد به او شیر دهد تا بنیه‌اش از شیر مادر قوی شود؛ زیرا شیر مادر در ابتدای عمر نوزاد از شیر زنان دیگر مفیدتر است، و به این دلیل که آخرین شیرخوارگی او - قبل از افکنده‌شدن در دریا- باعث شود که جسمش در فاصلهٔ میان زمانی که در دریا افکنده می‌شود تا این‌که خاندان فرعون او را می‌گیرند و به خانهٔ فرعون می‌برند تقویت شود. ابن عاشور: ۲۰/ ۷۳.
پرسش: چرا مادر موسی دستور یافت قبل از افکندن موسی عليه السلام در دریا به او شیر دهد؟

۴ ﴿وَقَالَتِ ٱمۡرَأَتُ فِرۡعَوۡنَ قُرَّتُ عَيۡنٖ لِّي وَلَكَۖ لَا تَقۡتُلُوهُ عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ﴾
وجود صالحان در میان مفسدان از شدت و سختی فسادشان می‌کاهد؛ چنان‌که وجود زن فرعون سبب شد فرعون نوزادی را که مشخص بود اسرائیلی است نکشد. ابن عاشور: ۲۰/ ۸۶.
پرسش: وجود صالحان در میان مفسدان از شدت فساد می‌کاهد. این مطلب را توضیح دهید.

۵ ﴿عَسَىٰٓ أَن يَنفَعَنَآ أَوۡ نَتَّخِذَهُۥ وَلَدٗا﴾
الله تعالی حکم کرد همسر فرعون که این سخن را گفت فایده ببرد؛ چنان‌که موسی عليه السلام روشنایی چشم این زن شد و او موسی عليه السلام را بسیار دوست داشت، بنابراین به منزلهٔ فرزندی مهربان برایش بود تا این‌که بزرگ شد، سپس الله او را به پیامبری برگزید و به سوی مردم مبعوث کرد و همسر فرعون که الله از او خشنود شد و او از الله خشنود گشت مسلمان شد و به موسی عليه السلام ایمان آورد. سعدی: ۶۱۲.
پرسش: آیا همسر فرعون از مهربانی و دلسوزی به موسی عليه السلام فایده برد؟

۶ ﴿وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
بنده اگر در برابر مصیبت صبر و پایداری کند بر ایمانش افزوده می‌شود؛ در مقابل، بی‌قراریِ همیشگیِ بنده، بر ضعف ایمانش دلالت دارد. سعدی: ۶۱۳.
پرسش: بی‌تابی و بی‌قراری چه رابطه‌ای با کم و زیادشدن ایمان دارد؟

۷ ﴿وَأَصۡبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَٰرِغًاۖ إِن كَادَتۡ لَتُبۡدِي بِهِۦ لَوۡلَآ أَن رَّبَطۡنَا عَلَىٰ قَلۡبِهَا لِتَكُونَ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾
بنابر قولی: قلب مادر موسی از همه‌چیز جز یاد موسی عليه السلام خالی شد. ابن تیمیه: ۱۰/ ۲۱۹.
پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که مادر محبت بسیار بزرگی به فرزندانش دارد.

سورة (القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٨٧)

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى
ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿١٤﴾ وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا
فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦ ۖ
فَٱسْتَغَٰثَهُ ٱلَّذِى مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ
مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ
مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ ۚ إِنَّهُۥ
هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿١٦﴾ قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ
ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ ﴿١٧﴾ فَأَصْبَحَ فِى ٱلْمَدِينَةِ خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا
ٱلَّذِى ٱسْتَنصَرَهُۥ بِٱلْأَمْسِ يَسْتَصْرِخُهُۥ ۚ قَالَ لَهُۥ مُوسَىٰٓ إِنَّكَ لَغَوِىٌّ
مُّبِينٌ ﴿١٨﴾ فَلَمَّآ أَنْ أَرَادَ أَن يَبْطِشَ بِٱلَّذِى هُوَ عَدُوٌّ لَّهُمَا قَالَ
يَٰمُوسَىٰٓ أَتُرِيدُ أَن تَقْتُلَنِى كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًۢا بِٱلْأَمْسِ ۖ إِن تُرِيدُ
إِلَّآ أَن تَكُونَ جَبَّارًا فِى ٱلْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَن تَكُونَ مِنَ ٱلْمُصْلِحِينَ
﴿١٩﴾ وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلْمَلَأَ
يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَٱخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ ﴿٢٠﴾
فَخَرَجَ مِنْهَا خَآئِفًا يَتَرَقَّبُ ۖ قَالَ رَبِّ نَجِّنِى مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢١﴾

ترجمه آیات

و چون موسی به رشد و کمال خویش رسید و برومند شد، به او حکمت و دانش [آیین بنی‌اسرائیل را] عطا کردیم و نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۱۴) هنگامی که مردم [مشغول استراحت و] بی‌خبر بودند، موسی [مخفیانه] وارد شهر شد و دو مرد را دید که با یکدیگر درگیر شده‌اند. یکی از آنان [از قوم بنی‌اسرائیل و] از دوستان موسی بود و دیگری [قِبطی بود و] از دشمنانش. کسی که از دوستان او بود، علیه دشمنش از موسی یاری خواست؛ [موسی] مشت [محکمی] به وی زد و او را از پای درآورد [آنگاه] گفت: «این کار شیطان بود. حقا که او دشمن [انسان و] گمراه‌کنندهٔ آشکاری است». (۱۵) [سپس] گفت: «پروردگارا، من به خود ستم کرده‌ام؛ مرا ببخش» و [الله] او را بخشید. بی‌تردید، او تعالی آمرزندهٔ مهربان است. (۱۶) [آنگاه] گفت: «پروردگارا، به شکرانهٔ آنکه بر من نعمت [قدرت و دانش] ارزانی داشته‌ای، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود». (۱۷) [موسی] شب را با ترس و نگرانی در شهر به صبح رساند که ناگاه مردی که دیروز از او یاری خواسته بود، [بار دیگر] به فریاد از او یاری خواست. موسی به او گفت: «واقعاً آشکار است که تو [ماجراجو و] گمراهی». (۱۸) هنگامی که [موسی] خواست به کسی که دشمن هر دوی آنان بود حمله کند، [آن مرد فریاد خواه به تصور آنکه موسی قصد وی را دارد] گفت: «ای موسی، آیا می‌خواهی همان گونه که دیروز کسی را کشتی، [امروز نیز] مرا بکشی؟ قصدِ تو فقط زورگویی در این سرزمین است و نمی‌خواهی از اصلاح‌گران [بین افراد] باشی». (۱۹) و [در این هنگام] مردی [که از دوستان موسی بود] از دورترین نقطهٔ شهر شتابان آمد [و] گفت: «ای موسی، بزرگان [قوم فرعون] دربارهٔ کشتنت به مشورت نشسته‌اند؛ پس بی‌درنگ [از شهر] خارج شو [که] من قطعاً خیرخواهت هستم». (۲۰) موسی با ترس و نگرانی از شهر خارج شد [و] گفت: «پروردگارا، مرا از [آسیبِ] ستمکاران نجات بده». (۲۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ﴾

﴿وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ﴾: به آنانی که به نیکویی الله را عبادت می‌کنند و به بندگان الله احسان می‌کنند؛ بر اساس احسان‌شان به آنان علم و حکمت می‌دهیم. این مطلب بر کمال احسان موسی ﷺ دلالت دارد. سعدی: ۶۱۳.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر پاداش بزرگ احسان را توضیح دهید.

۲ ﴿قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که اساس و فطرت نفس انسان، خوبی است و انحراف از آن به سببی غیر فطری نیاز دارد که عبارت است از نفوذ وسوسهٔ شیطان در نفس. ابن عاشور: ۲۰/ ۹۰.

پرسش: با توجه به آیه، اصل و اساس نفس انسانی چیست؟

۳ ﴿وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦ ۖ فَٱسْتَغَٰثَهُ ٱلَّذِى مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ فَوَكَزَهُۥ مُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۖ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾

﴿فَقَضَىٰ عَلَيْهِ﴾ یعنی: در جا او را کشت. موسی ﷺ قصد کشتن قبطی را نداشت بلکه مُشت او با اجل قبطی همزمان و سبب مرگ او شد، آن‌گاه موسی ﷺ پشیمان گشت و این کار را نوعی وسوسهٔ شیطان در دست خویش دانست و این‌که خشمی که با این مشت همراه شد از جانب شیطان و وسوسهٔ اوست. موسی ﷺ این مطلب را بیان کرد و آن را عمل شیطان قرار داد. شاید قدرت موسی ﷺ در زمان خشم، بیشتر از آن چیزی بود که قصد کرده بود. ابن عطیه: ۴/ ۲۸۰.

پرسش: چرا موسی ﷺ با این‌که خودش قبطی را کشته بود قتل او را به شیطان نسبت داد؟

۴ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ﴾

موسی ﷺ اعتراف کرد که به سبب قتل کسی که بدان فرمان نیافته بود بر خویشتن ستم کرده است. ابن تیمیه: ۵/ ۷۱.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که اعتراف به حق صفت پیامبران است.

۵ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

سپس موسی ﷺ اعتراف و استغفار کرد و الله نیز او را بخشید. اگر گفته شود: چرا موسی ﷺ استغفار کرد در حالی که مقتول کافر بود؟ پاسخ این است که: اجازهٔ قتل او به موسی ﷺ داده نشده بود و به همین دلیل در روز قیامت می‌گوید: من کسی را کشته‌ام که به قتل او فرمان نیافته بودم. ابن جزی: ۲/ ۱۴۱.

پرسش: موسی ﷺ چرا از قتل کافر استغفار کرد؟

۶ ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

موسی ﷺ از این مشت که باعث قتل شد پشیمان گشت و پشیمانی او باعث شد به درگاه پروردگارش زاری و تضرع کند و از گناهش آمرزش بخواهد. قتاده می‌گوید: سوگند به الله که راه چاره را شناخت، یعنی استغفار کرد، سپس با این‌که می‌دانست بخشیده شده است پیوسته خود را به سبب این کار سرزنش می‌کرد، حتی در قیامت می‌گوید: من کسی را کشتم که به کشتن او فرمان نیافته بودم، موسی ﷺ این کار را بر خودش گناه به شمار آورد و گفت: ﴿ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى﴾ زیرا سزاوار یک پیامبر نیست که قبل از دریافت فرمان، کسی را بکشد؛ افزون بر این‌که پیامبران دلسوزترین مردم هستند. قرطبی: ۱۶/ ۲۴۷- ۲۴۸.

پرسش: چرا موسی ﷺ خودش را به سبب قتل قبطی گناهکار برشمرد؟

۷ ﴿قَالَ رَبِّ بِمَآ أَنْعَمْتَ عَلَىَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِّلْمُجْرِمِينَ﴾

ظهیر به معنای پشتیبان و حرف باء سببیه است. یعنی: به شکرانهٔ نعمتی که به من بخشیدی هرگز پشتیبان گناهکاران نخواهم بود. این پیمانی است که موسی ﷺ آن را با پروردگارش عهد بست. ابن جزی: ۲/ ۱۴۰.

پرسش: بندهٔ مومن اگر پس از این‌که مرتکب گناهی شد الله گناهش را بپوشاند و به او احسان کند باید چه کاری انجام دهد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مِن شِيعَتِهِۦ	از قوم موسی ﷺ؛ یعنی بنی‌اسرائیل.
فَوَكَزَهُۥ	به او مشت زد.
يَتَرَقَّبُ	منتظر امر ناگواری بود.
يَسْتَصْرِخُهُۥ	از او کمک می‌خواهد.
لَغَوِىٌّ	بسیار بیراه، و گمراه از هدایت و راستی.

عمل به آیات

۱. میان دو دشمن، صلح برقرار کن، ﴿وَدَخَلَ ٱلْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينِ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِن شِيعَتِهِۦ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِۦ ۖ فَٱسْتَغَٰثَهُ ٱلَّذِى مِن شِيعَتِهِۦ عَلَى ٱلَّذِى مِنْ عَدُوِّهِۦ﴾

۲. گناهی را که مرتکب شده‌ای به یاد آور و از الله تعالی آمرزش بخواه و بگو: «رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي»؛ پروردگارا! مرا بیامرز که بر خود ستم کرده‌ام، ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّى ظَلَمْتُ نَفْسِى فَٱغْفِرْ لِى فَغَفَرَ لَهُۥٓ ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

۳. از طریق نوشتن در صحیفه یا رساله یا فضای مجازی با حمایت از یکی از صالحان از او دفاع کن، ﴿وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَٱخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ﴾

رهنمودها

۱. عبادات را به نیکویی انجام بده تا الله حکمت و علم به تو عطا فرماید، ﴿وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُۥ وَٱسْتَوَىٰٓ ءَاتَيْنَٰهُ حُكْمًا وَعِلْمًا ۚ وَكَذَٰلِكَ نَجْزِى ٱلْمُحْسِنِينَ﴾

۲. از شیطان برحذر باش که او دشمن و گمراه‌کنندهٔ بنی‌آدم است، ﴿قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ ٱلشَّيْطَٰنِ ۖ إِنَّهُۥ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ﴾

۳. شتافتن در رساندن خیر به مردم و نصیحت آنان، نوعی احسان است، ﴿وَجَآءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا ٱلْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَٰمُوسَىٰٓ إِنَّ ٱلْمَلَأَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَٱخْرُجْ إِنِّى لَكَ مِنَ ٱلنَّٰصِحِينَ﴾

سورة (القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٨٨)

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَآءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّيٓ أَن يَهْدِيَنِي سَوَآءَ
ٱلسَّبِيلِ ﴿٢٢﴾ وَلَمَّا وَرَدَ مَآءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ
ٱلنَّاسِ يَسْقُونَ وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِۖ قَالَ
مَا خَطْبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا
شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ
رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ ﴿٢٤﴾ فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا
تَمْشِي عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ
أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَاۚ فَلَمَّا جَآءَهُۥ وَقَصَّ عَلَيْهِ ٱلْقَصَصَ قَالَ
لَا تَخَفْۖ نَجَوْتَ مِنَ ٱلْقَوْمِ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٢٥﴾ قَالَتْ إِحْدَىٰهُمَا
يَٰٓأَبَتِ ٱسْتَـْٔجِرْهُۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ
﴿٢٦﴾ قَالَ إِنِّيٓ أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ٱبْنَتَيَّ هَٰتَيْنِ عَلَىٰٓ أَن
تَأْجُرَنِي ثَمَٰنِيَ حِجَجٍۖ فَإِنْ أَتْمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِندِكَۖ
وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ
ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ قَالَ ذَٰلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَۖ أَيَّمَا ٱلْأَجَلَيْنِ
قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَٰنَ عَلَيَّۖ وَٱللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ ﴿٢٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تِلْقَآءَ مَدْيَنَ	جهت مدین.
سَوَآءَ ٱلسَّبِيلِ	بهترین راه به مدین.
تَذُودَانِ	گوسفندان‌شان را از آب بازمی‌دارند.
مَا خَطْبُكُمَا	کار شما چیست؟
يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ	چوپانان گوسفندان‌شان را از آب بازگردانند.
تَأْجُرَنِي	مزدور من در چراندن چهارپایانم باشی.
حِجَجٍ	سال‌ها.

عمل به آیات

۱. با درازکردن دست همکاری به سوی یکی از ضعیفان، به او کمک کن، ﴿قَالَ مَا خَطْبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ ﴿٢٣﴾ فَسَقَىٰ لَهُمَا﴾

۲. با ارسال پیامی یکی از زنانی را که حجاب را رعایت نمی‌کند نصیحت کن و بگو که زنان از قدیم الایام حیا را رعایت می‌کردند، ﴿فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِي عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ﴾، ﴿قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ﴾

۳. نیکی دیگران را جبران کن که این کار عادت صالحان است، ﴿قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾

رهنمودها

۱. حیا برای زنان فضیلت است و زنان مومنی که از اختلاط با مردان خودداری می‌کنند جایگاه والایی دارند، ﴿وَوَجَدَ مِن دُونِهِمُ ٱمْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِۖ قَالَ مَا خَطْبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾

۲. رعایت حال ضعفا و برپایی مصالح آنان یکی از خصوصیات اخلاقی و صفات پیامبران است، ﴿فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾

۳. یکی از اسباب اجابت دعا، تضرع و زاری و اظهار خواری و بینوایی بنده است؛ چنان‌که موسی عليه‌السلام گفت: ﴿رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾

ترجمه آیات

و چون به سوی [شهر] مَدیَن روی آورد گفت: «امید است پروردگارم مرا به راه راست هدایت کند». (۲۲) و هنگامی که به [چاه] آب مدین رسید، بر سرِ چاه، گروهی از مردم را دید که [چهارپایان خود را] آب می‌دهند و نزدیک آنان دو زن را دید که [گوسفندانشان را] کنار می‌کشیدند [و از دیگران فاصله می‌گرفتند. [موسی] گفت: «شما چه می‌کنید؟ [چرا گوسفندان خود را آب نمی‌دهید؟]» آنان گفتند: «ما [به گلهٔ خود] آب نمی‌دهیم تا این چوپان‌ها [گوسفندانشان را از آب] برگردانند [و چاه آب خلوت شود]. و پدرمان پیرمردی کهنسال است [و توانایی این کار را ندارد]». (۲۳) موسی به [گوسفندان] آن دو زن آب داد؛ آنگاه به سوی سایه بازگشت و گفت: «پروردگارا، به هر خیری که برایم بفرستی، سخت نیازمندم». (۲۴) آنگاه یکی از آن دو [زن] ـ در حالی که با شرم و حیا گام برمی‌داشت ـ نزدش آمد و گفت: «پدرم تو را دعوت می‌کند [که نزدش بروی] تا مزد آنکه [گوسفندان] را برایمان آب دادی به تو بپردازد». چون [موسی] نزد او رفت و سرگذشت خویش را برایش حکایت کرد، وی گفت: «نترس که از گروه ستمکار نجات یافته‌ای». (۲۵) یکی از آن دو [دختر] گفت: «پدر جان، او را استخدام کن [زیرا] بی‌تردید، بهترین کسی که می‌توانی به کار بگیری، آن است که نیرومند و امانتدار باشد [و او چنین است]». (۲۶) [پیرمرد به موسی] گفت: «می‌خواهم یکی از دو دخترم را به همسری‌ات درآورم؛ به این [شرط] که هشت سال برایم کار کنی؛ و اگر [این کار را] تا ده سال ادامه دهی، لطف و محبتی از سوی توست و من نمی‌خواهم بر تو سخت بگیرم. ان شاء الله مرا شایسته [و نیکوکار] خواهی یافت». (۲۷) [موسی] گفت: «این [قرارداد] میان من و تو باشد که هر کدام از این دو مدت [هشت یا ده سال] را که انجام دادم [به عهدِ خود وفا کرده‌ام]؛ پس ستمی بر من نباشد [و نخواهی که بیشتر بمانم]؛ و الله بر آنچه می‌گوییم گواه است». (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ مَا خَطْبُكُمَاۖ قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُۖ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾

﴿قَالَتَا لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصْدِرَ ٱلرِّعَآءُ﴾: دو زن هستیم که نمی‌توانیم به مردان نزدیک شویم، ﴿وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ﴾ نمی‌تواند خودش این کار را انجام دهد و به حیواناتش آب دهد؛ بنابراین منتظر می‌مانیم تا مردم کنار روند، آن‌گاه گوسفندان‌مان را آب می‌دهیم و بازمی‌گردیم. طبری: ۱۹/ ۵۵۴.

پرسش: بر اساس آیه این مطلب را توضیح دهید که منع اختلاط زنان و مردان یکی از سنت‌های پیامبران و صالحان است.

۲ ﴿فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰٓ إِلَى ٱلظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَآ أَنزَلْتَ إِلَيَّ مِنْ خَيْرٍ فَقِيرٌ﴾

اولین خیر، اعطای حکمت و علم بود. برخی از این خیرها بدین قرار است: نجات موسی عليه‌السلام از قتل، تربیت کامل او در عزت و شوکت پادشاه، محافظت از او تا عقاید خانواده‌ای که در میان آنان پرورش یافت در او نفوذ نکند؛ یعنی از منافع این خانه فایده بُرد اما در برابر بدی‌ها و زیان‌هایش محافظت شد. برخی دیگر از مصادیق خیر بدین قرار است: پیروزی قومش به دست او اتفاق افتاد، الله او را از ارتکاب قتل ناحق برای بار دوم نجات داد و او را به سرزمینی امن هدایت کرد و با بیت نبوت آشنا کرد. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۰۲.

پرسش: سه مورد از بهترین خیرهایی را که الله تعالی به بنده‌اش موسی عليه‌السلام بخشید بیان کنید؟

۳ ﴿فَجَآءَتْهُ إِحْدَىٰهُمَا تَمْشِي عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا﴾

چون حیا همانند یک مرکب برای این دختر به شمار می‌رفت که بر آن سوار بود و افسارش را در دست داشت، با ادات استعلاء تعبیر شد و فرمود: ﴿عَلَى ٱسْتِحْيَآءٍ﴾ یعنی: حیایی که از او ایجاد شد؛ زیرا ناچار گشت به سوی مردی بیگانه برود، با او سخن بگوید و راه برود. بقاعی: ۱۴/ ۲۶۸.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که حیا سبب ازدواج با مرد صالح است.

۴ ﴿قَالَتْ إِحْدَىٰهُمَا يَٰٓأَبَتِ ٱسْتَـْٔجِرْهُۖ إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ﴾

﴿ٱسْتَـْٔجِرْهُ﴾ یعنی: او را برای خود استخدام کن، ﴿إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ﴾: حکمتی جامع و رسا در این سخن وجود دارد؛ روایت شده که پدر دختر به او گفت: چگونه به توانایی و امانتداری موسی عليه‌السلام پی بردی؟ پاسخ داد: قدرتش را از برداشتن سنگ از دهانهٔ چاه و امانتداری‌اش را از این‌که به من نگاه نمی‌کرد دانستم. ابن جزی: ۲/ ۱۴۳.

پرسش: توضیح دهید که آیه دلالت دارد بر این‌که نصیحت و پنددادن به صاحب کار و قدرت جایز است؟

۵ ﴿إِنَّ خَيْرَ مَنِ ٱسْتَـْٔجَرْتَ ٱلْقَوِيُّ ٱلْأَمِينُ﴾

این دو صفت باید در هر کسی که کار دیگران را از طریق اجاره یا غیر آن انجام می‌دهد وجود داشته باشد؛ زیرا ایراد و مشکل فقط با نبود این دو صفت یا یکی از آن‌ها ایجاد می‌شود و با وجود این دو صفت، عمل کامل و صحیح انجام می‌گردد. سعدی: ۶۱۴.

پرسش: صفات لازم برای کسی که متولی امور مردم است چگونه از آیه استنباط می‌شود؟

۶ ﴿وَمَآ أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَۚ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

موسی عليه‌السلام را با آسانگیری و رفتار نیکو تشویق کرد. بنابراین، انسان صالح باید تا جایی که می‌تواند اخلاقش را نیکو گرداند. سعدی: ۶۱۵.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر وجوب خوش‌اخلاقی ارباب و کارفرما را بیان کنید.

۷ ﴿سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

پیرمرد خواست با این سخن اخلاقش را به طرف معامله تعریف کند و این امر، پاک‌شمردن خویش که مورد نهی قرار گرفته است به شمار نمی‌رود؛ زیرا تزکیه‌ای نهی شده است که گوینده‌اش قصد فخرفروشی و خودستایی داشته باشد؛ اما اگر به سبب هدفی دینی یا معامله باشد، از انگیزه‌ای نیکو ناشی می‌شود. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۰۹.

پرسش: آیا این سخن شعیب که گفت: ﴿سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾ خودستایی به شمار می‌رود؟

ترجمه آیات

هنگامی که موسی [آن] مدت [معیّن] را به پایان رساند و همراه خانواده‌اش [از مدین به سوی مصر] حرکت کرد، [ناگهان در تاریکیِ شب،] از سوی [کوه] طور آتشی دید؛ به خانواده‌اش گفت: «[اینجا] بایستید که من آتشی [از دور] دیدم. شاید خبری از آن برایتان بیاورم یا شعلهٔ آتشی [بیاورم] تا گرم شوید». (۲۹) وقتی به آن آتش نزدیک شد، در کنارهٔ راست آن سرزمین، در منطقهٔ پربرکت [طور]، از [میان] یک درخت ندا داده شد که: «ای موسی، بی‌تردید من الله، پروردگار جهانیانم. (۳۰) و عصایت را بیفکن». وقتی [موسی عصایش را افکند و] آن را دید که همچون ماری می‌جنبد، [از ترس] پشت کرد و گریخت و بازنگشت. [ندا آمد:] «ای موسی، پیش آی و نترس. قطعاً تو از [آسیب خطرات] ایمن شده‌ای. (۳۱) و دستت را در گریبانت فرو بر [تا] سپید و بدون عیب [و بدون بیماری پیسی] خارج شود؛ و [برای رهایی] از این ترس، دستانت را به سمت خود جمع کن [و به سینه‌ات بچسبان]. این دو [معجزهٔ عصا و ید بَیضا] دو دلیل [روشن] از سوی پروردگارت برای فرعون و بزرگانِ [قومِ] اوست. به راستی که آنان گروهی نافرمانند». (۳۲) [موسی] گفت: «پروردگارا، من یکی از آنان را [بدون عمد] کشته‌ام؛ می‌ترسم که [به قصاص آن قتل،] مرا بکشند. (۳۳) و برادرم ـ هارون ـ زبانش از من شیواتر است؛ پس او را همراهم بفرست تا یاورم باشد و راستگویی‌ام را تأیید کند؛ زیرا می‌ترسم مرا تکذیب کنند». (۳۴) [الله] فرمود: «تو را با [پیوستنِ] برادرت تقویت خواهیم نمود و سلطه و برتری برایتان قرار می‌دهیم که [فرعونیان هرگز] به شما دست نیابند؛ و به [برکتِ] معجزاتمان [که در اختیار دارید] شما و هر کس که از شما پیروی کند، پیروزید». (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

صفت ﴿رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ دلالت دارد بر این‌که تمام مخلوقات رام او هستند؛ تا قلب موسی عليه السلام از هراس دریافت رسالت آرام و قرار گیرد. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۱۲.

پرسش: صفت ﴿رَبُّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ در آیهٔ کریمه چه دلالتی دارد؟

۲ ﴿وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ﴾

این احتمال باقی ماند که موسی عليه السلام بدون این‌که بترسد پیش آمده باشد، اما هنوز در مورد حفاظت و امنیت از آسیب به یقین نرسیده بود، بنابراین فرمود: ﴿إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ﴾ در این هنگام ترس از تمام جهات از موسی عليه السلام دفع شد و بدون ترس و وحشت و بلکه آرام و مطمئن به خبر پروردگارش، در حالی که بر ایمانش افزوده و یقینش کامل گشته بود پیش آمد. الله تعالی این نشانه را قبل از رفتن موسی عليه السلام به سوی فرعون به او نشان داد تا یقین کامل حاصل کند و با شجاعت و قدرت و صلابت بیشتری نزد فرعون حاضر شود. سعدی: ۶۱۵.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که بیم و ایمنی دل‌ها در دست الله است.

۳ ﴿وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ﴾

موسی عليه السلام شخص هارون عليه السلام را خواست نه هر پشتیبانی؛ چون از امانتداری هارون عليه السلام و اخلاصش به الله و برادرش و سخنوری‌اش آگاه بود. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۱۶.

پرسش: یکی از سنت‌های پیامبران این است که برای ادای تکلیف دعوت، مشتاق هستند دوستی نیکو و دارای صفات مناسب انتخاب کنند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۴ ﴿وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ﴾

﴿فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا﴾ یعنی: به عنوان یاور و پشتیبان، ﴿يُصَدِّقُنِيٓ﴾ زیرا تعاون و کنار هم قرارگرفتنِ اخبار، حق را تقویت می‌کند. الله این درخواست موسی عليه السلام را اجابت کرد و فرمود: ﴿سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾ یعنی: تو را با او یاری و تقویت می‌کنیم. سعدی: ۶۱۵.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید هر کس که در حمل بار دعوت صادق باشد تلاش می‌کند نقصش را با وسایلی دیگر جبران کند.

۵ ﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ﴾

یکی از علمای سلف گفته است: هیچ‌کس آن‌گونه که موسی به هارون عليهما السلام احسان کرد به برادرش نیکی نکرده است؛ زیرا شفاعت موسی عليه السلام باعث شد الله هارون عليه السلام را پیامبر و رسولی همراه وی به سوی فرعون و سران قومش قرار دهد. ابن کثیر: ۳/ ۳۷۵.

پرسش: احسان بزرگ موسی به هارون عليهما السلام چه بود؟

۶ ﴿وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

﴿أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾: این وعده به موسی عليه السلام در آن وقت، در حالی است که تک و تنها بود و پس از این‌که فرار کرده بود به شهرش بازگشته بود، اما شرایط و امور پیوسته تغییر می‌کرد و دگرگون می‌شد تا این‌که الله وعده‌ای را که به او داده بود محقق گرداند و افراد و سرزمین برایش فراهم آورد و او و پیروانش غالب و چیره شدند. سعدی: ۶۱۵.

پرسش: فایدهٔ این آیه برای موسی عليه السلام قبل از ارسال او به سوی فرعون چیست؟

۷ ﴿قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾

پندی که از این بخش قصه به دست می‌آید بدین قرار است: اشاره دارد به این‌که رسالت، توفیقی از جانب الله بر هر یک از بندگانش است که او را برگزیند، رسالت محمد ﷺ همانند رسالت موسی عليه السلام است؛ یعنی رسالت را ناگهانی بر او نازل کرد؛ محمد ﷺ در غار کوه حراء ندا داده شد چنان‌که موسی عليه السلام در جانب کوه طور مورد ندا قرار گرفت، ترسی همانند ترسی که به موسی عليه السلام رسید محمد ﷺ را نیز فرا گرفت و الله همان‌گونه که موسی عليه السلام را پابرجا ساخت محمد ﷺ را نیز پایدار ساخت و او را در برابر دشمنانش محافظت کرد چنان‌که از موسی عليه السلام در برابر دشمنانش محافظت کرد. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۱۸.

پرسش: آیه اشاره می‌کند به این‌که الله پیامبرش محمد ﷺ را استوار و پیروز خواهد کرد. این مطلب را توضیح دهید.

سورة (القصص) الجزء (۲۰) صفحة (۳۸۹)

۞ فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ
ٱلطُّورِ نَارٗاۖ قَالَ لِأَهۡلِهِ ٱمۡكُثُوٓاْ إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم
مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ
٢٩ فَلَمَّآ أَتَىٰهَا نُودِيَ مِن شَٰطِيِٕ ٱلۡوَادِ ٱلۡأَيۡمَنِ فِي ٱلۡبُقۡعَةِ
ٱلۡمُبَٰرَكَةِ مِنَ ٱلشَّجَرَةِ أَن يَٰمُوسَىٰٓ إِنِّيٓ أَنَا ٱللَّهُ رَبُّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ٣٠ وَأَنۡ أَلۡقِ عَصَاكَۚ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهۡتَزُّ كَأَنَّهَا
جَآنّٞ وَلَّىٰ مُدۡبِرٗا وَلَمۡ يُعَقِّبۡۚ يَٰمُوسَىٰٓ أَقۡبِلۡ وَلَا تَخَفۡۖ
إِنَّكَ مِنَ ٱلۡأٓمِنِينَ ٣١ ٱسۡلُكۡ يَدَكَ فِي جَيۡبِكَ تَخۡرُجۡ
بَيۡضَآءَ مِنۡ غَيۡرِ سُوٓءٖ وَٱضۡمُمۡ إِلَيۡكَ جَنَاحَكَ مِنَ ٱلرَّهۡبِۖ
فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ
كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ ٣٢ قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا
فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ ٣٣ وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا
فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ ٣٤
قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجۡعَلُ لَكُمَا سُلۡطَٰنٗا فَلَا
يَصِلُونَ إِلَيۡكُمَا بِـَٔايَٰتِنَآۚ أَنتُمَا وَمَنِ ٱتَّبَعَكُمَا ٱلۡغَٰلِبُونَ ٣٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ءَانَسَ	دید.
جَذۡوَةٖ	شعله‌ای از آتش.
تَصۡطَلُونَ	گرم شوید.
شَٰطِيِٕ	کناره.
فَذَٰنِكَ	این دو.
رِدۡءٗا	یاور.
سَنَشُدُّ عَضُدَكَ	تو را تقویت و یاری خواهیم کرد.

عمل به آیات

۱. غم و اندوه و ترست را فقط به سوی الله تعالی ببر، چنان‌که موسی عليه السلام شکایتش را به پروردگارش بازگرداند، ﴿قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلۡتُ مِنۡهُمۡ نَفۡسٗا فَأَخَافُ أَن يَقۡتُلُونِ﴾

۲. به یکی از دعوتگران در کاری که نیاز دارد کمک کن، ﴿فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ﴾

۳. از کسی که تو را بر انجام دعوتت یاری می‌رساند و دارای صفات مناسب است کمک بگیر، ﴿وَأَخِي هَٰرُونُ هُوَ أَفۡصَحُ مِنِّي لِسَانٗا فَأَرۡسِلۡهُ مَعِيَ رِدۡءٗا يُصَدِّقُنِيٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ﴾

رهنمودها

۱. پیامبران تمام و کمال به عهد خود وفا می‌کنند؛ چنان‌که موسی عليه السلام کامل‌ترین مدت یعنی ده سال را به پایان رسانید، ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى ٱلۡأَجَلَ وَسَارَ بِأَهۡلِهِۦٓ ءَانَسَ مِن جَانِبِ ٱلطُّورِ نَارٗا﴾

۲. یکی از صفات صالحان عبارت است از: تلاش در طلب روزی و کوشش در حل مشکلات دنیوی با حکمت و صبر، ﴿إِنِّيٓ ءَانَسۡتُ نَارٗا لَّعَلِّيٓ ءَاتِيكُم مِّنۡهَا بِخَبَرٍ أَوۡ جَذۡوَةٖ مِّنَ ٱلنَّارِ لَعَلَّكُمۡ تَصۡطَلُونَ﴾

۳. بکوش هنگام دعوت، دلیل و مثالی مناسب حاضر کنی، ﴿فَذَٰنِكَ بُرۡهَٰنَانِ مِن رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَمَلَإِيْهِۦٓۚ إِنَّهُمۡ كَانُواْ قَوۡمٗا فَٰسِقِينَ﴾

سورة (القصص) الجزء (۲۰) صفحة (۳۹۰)

فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ
مُّفۡتَرٗى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ ۳۶
وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن
تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِۚ إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ ۳۷
وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ
غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ
أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ ۳۸
وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ
أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ ۳۹ فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ
فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ ۴۰
وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
لَا يُنصَرُونَ ۴۱ وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا لَعۡنَةٗۖ
وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ هُم مِّنَ ٱلۡمَقۡبُوحِينَ ۴۲ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا
مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ
بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ ۴۳

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُّفۡتَرٗى	بهتانی که آن را به دروغ به الله نسبت می‌دهی.
عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ	سرانجام نیک در آخرت.
صَرۡحٗا	بنایی مرتفع.
فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّ	آنان را در دریا افکندیم و غرق کردیم.
أَئِمَّةٗ	جلودارانی به سوی آتش جهنم.
وَأَتۡبَعۡنَٰهُمۡ	به آنان رسانیدیم.
ٱلۡمَقۡبُوحِينَ	رانده‌شدگانی که کارهای پلیدی انجام می‌دهند.
بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ	نوری برای دل‌های مردم تا حقایق را با آن ببینند.

عمل به آیات

۱. از تکبر نمودن در مقابل حق، به الله تعالی پناه ببر، ﴿وَٱسۡتَكۡبَرَ هُوَ وَجُنُودُهُۥ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَظَنُّوٓاْ أَنَّهُمۡ إِلَيۡنَا لَا يُرۡجَعُونَ﴾

۲. با ارسال پیامی، کسی را که دیگران در شر به او اقتدا می‌کنند بترسان و بیان کن که گناه خودش و نیز گناه کسانی که از او پیروی می‌کنند بر عهده‌اش قرار دارد، ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه در خیر پیشوا باشی و به او پناه ببر از این‌که پیشوای شر قرار گیری، ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾

رهنمودها

۱. مومن به این وعدهٔ الله که سرانجامِ نیکو را به فرمانبردارانش وعده داده است اطمینان دارد، ﴿وَقَالَ مُوسَىٰ رَبِّيٓ أَعۡلَمُ بِمَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ مِنۡ عِندِهِۦ وَمَن تَكُونُ لَهُۥ عَٰقِبَةُ ٱلدَّارِ﴾

۲. مبادا ستمکار باشی که سرانجام ستمکاران، خسران و زیان است، ﴿إِنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

۳. عاقبت ستمکاران، نابودی و هلاکت است، ﴿فَأَخَذۡنَٰهُ وَجُنُودَهُۥ فَنَبَذۡنَٰهُمۡ فِي ٱلۡيَمِّۖ فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که موسی با معجزات روشن ما به سویشان آمد، گفتند: «این [چیزی] نیست مگر جادویی ساختگی؛ و ما هرگز این [ادعای عبادت الله به یگانگی] را از پدرانمان نشنیده‌ایم». (۳۶) و موسی گفت: «پروردگارم بهتر می‌داند چه کسی هدایت را از نزد او آورده است و [آگاه‌تر است که] عاقبت نیکِ آن سرا برای کیست. بی‌تردید، ستمکاران رستگار نمی‌شوند». (۳۷) فرعون گفت: «ای بزرگان، معبودی جز خود برایتان نمی‌شناسم؛ پس ای هامان، برایم آتشی بر گِل برافروز [و آجر بپز] آنگاه برج بلندی بساز؛ باشد که از معبودِ موسی باخبر شوم؛ هر چند که قطعاً او را دروغگو می‌پندارم». (۳۸) و او [= فرعون] و لشکریانش به ناحق در سرزمین [مصر] سرکشی کردند و پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نمی‌شوند. (۳۹) [ما] او و لشکریانش را [به عذاب] فروگرفتیم و آنان را به دریا انداختیم؛ پس بنگر که عاقبت ستمکاران چگونه بود. (۴۰) و آنان را پیشوایانی قرار دادیم که [پیروانشان را] به آتش [دوزخ] دعوت می‌کردند؛ و روز قیامت یاری نمی‌شوند. (۴۱) در این دنیا، به دنبالشان لعنت روانه کردیم و روز قیامت [نیز] زشت‌منظرند. (۴۲) و به راستی، پس از آنکه امت‌های پیشین را نابود نمودیم، به موسی کتاب [تورات] دادیم که [دارای] روشنگری‌ها و هدایت و رحمتی برای مردم بود؛ باشد که پند پذیرند. (۴۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا بَيِّنَٰتٖ قَالُواْ مَا هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّفۡتَرٗى وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِيٓ ءَابَآئِنَا ٱلۡأَوَّلِينَ﴾

﴿وَمَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا﴾ یعنی: رسالت از جانب الله که ادعا می‌کند. ﴿فِيٓ ءَابَآئِنَا﴾: و به بدعتی که اکثر مردم را گمراه کرده اشاره کردند، یعنی تحکیم منافع تقلید، به‌خصوص اگر قدیمی و کهنه شده باشد. بقاعی: ۱۴/ ۲۹۲.

پرسش: بدعتگذاران کدام دلیل را بیشتر در بدعت خویش تکرار می‌کنند؟

۲ ﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ يَٰٓأَيُّهَا ٱلۡمَلَأُ مَا عَلِمۡتُ لَكُم مِّنۡ إِلَٰهٍ غَيۡرِي فَأَوۡقِدۡ لِي يَٰهَٰمَٰنُ عَلَى ٱلطِّينِ فَٱجۡعَل لِّي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَطَّلِعُ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ مِنَ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾

کار سران قوم فرعون شگفت است که گمان می‌کردند بزرگ هستند... اما فرعون با عقل‌های‌شان بازی کرد و آنان را سبک‌مغز و نادان قرار داد؟! این به سبب فسق‌شان بود که در جان‌شان نفوذ کرده بود و دین‌شان را فاسد کرد تا این‌که به فسادِ خرَدهای‌شان منجر شد. سعدی: ۶۱۶.

پرسش: چگونه عقل قوم فرعون فاسد شد؟

۳ ﴿فَٱنظُرۡ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

ای محمد با چشم قلب بنگر که سرانجام اینان که به خودش ستم کردند چه بود. به پروردگارشان کفر ورزیدند و نصیحت رسولش را به خودش بازگرداندند، آیا آنان را نابود نکردیم و خانه‌ها و اموال‌شان را برای دوستان خود به ارث نگذاشتیم. طبری: ۱۹/ ۵۸۲.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که الله تعالی چرا به پیامبرش دستور داد به عاقبت نابودی فرعون و لشکریانش بنگرد در حالی که همراه آنان در زمان‌شان نبود؟

۴ ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾

﴿أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِ﴾: یعنی مردم را به کفر که موجب جهنم است فرا می‌خوانند. ابن جزی: ۲/ ۱۴۳.

پرسش: انسان چگونه دعوتگر به سوی جهنم می‌شود؟

۵ ﴿وَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَئِمَّةٗ يَدۡعُونَ إِلَى ٱلنَّارِۖ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ لَا يُنصَرُونَ﴾

یعنی: آنان را پیشوایانی قرار دادیم که دیگران در کفر از آنان پیروی می‌کنند، در نتیجه هم گناه خودشان و هم گناه پیروان‌شان بر آنان است تا این‌که عذاب‌شان بیشتر شود. بنابر قولی: الله تعالی سران قوم فرعون را فرومایه‌ترین رهبران قرار داد، یعنی کسانی که به سوی جهنم دعوت می‌دهند. بنابر قولی دیگر: پیشوایانی که مایهٔ عبرت عبرتگیران هستند و خردمندان از آنان پند می‌گیرند. قرطبی: ۱۶/ ۳۳۰.

پرسش: فرعون و لشکریانش چگونه پیشوایان کفر قرار گرفتند؟

۶ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ بَصَآئِرَ لِلنَّاسِ وَهُدٗى وَرَحۡمَةٗ لَّعَلَّهُمۡ يَتَذَكَّرُونَ﴾

سنت الله سبحانه و تعالی قبل از نزول تورات این بود که هر گاه یکی از پیامبران تکذیب می‌شد با عذابی از جانب خویش، از دشمنانِ آن پیامبر انتقام می‌گرفت؛ چنان‌که قوم نوح را با غرق‌شدن، قوم هود را با باد تند، قوم صالح را با فریادی مرگبار، قوم شعیب را با عذاب سایه‌بان، قوم لوط را با بادی سخت و سنگباران و قوم فرعون را با خفه‌شدن در آب نابود کرد. ابن تیمیه: ۵/ ۸۰.

پرسش: پنج مورد از انواع عذاب الله بر امت‌های گناهکار را بیان کنید؟

۷ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ مِنۢ بَعۡدِ مَآ أَهۡلَكۡنَا ٱلۡقُرُونَ ٱلۡأُولَىٰ﴾

آیه دلالت دارد بر این‌که پس از نزول تورات، نابودی عمومی قطع گشت و حکم جهاد با شمشیر در برابر کافران صادر شد. سعدی: ۶۱۷.

پرسش: آیا پس از نابودی فرعون و قومش، امتی دیگر به صورت عام نابود شدند؟

سورة (القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٩١)

وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلْأَمْرَ وَمَا كُنتَ
مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ ﴿٤٤﴾ وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ
ٱلْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ ﴿٤٥﴾ وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ
ٱلطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَٰكِن رَّحْمَةً مِّن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوْمًا
مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٤٦﴾
وَلَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا۟
رَبَّنَا لَوْلَآ أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَٰتِكَ وَنَكُونَ
مِنَ ٱلْمُؤْمِنِينَ ﴿٤٧﴾ فَلَمَّا جَآءَهُمُ ٱلْحَقُّ مِنْ عِندِنَا قَالُوا۟
لَوْلَآ أُوتِىَ مِثْلَ مَآ أُوتِىَ مُوسَىٰٓ ۚ أَوَلَمْ يَكْفُرُوا۟ بِمَآ أُوتِىَ
مُوسَىٰ مِن قَبْلُ ۖ قَالُوا۟ سِحْرَانِ تَظَٰهَرَا وَقَالُوٓا۟ إِنَّا بِكُلٍّ كَٰفِرُونَ
﴿٤٨﴾ قُلْ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ
إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ ﴿٤٩﴾ فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ
أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ
هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ ﴿٥٠﴾

ترجمه آیات

و تو [ای پیامبر،] آنگاه که فرمان [نبوت] را به موسی می‌دادیم در دامنهٔ غربی [کوه طور] حضور نداشتی و از گواهان [نیز] نبودی. (۴۴) و [ما پس از موسی] نسل‌هایی آفریدیم و سال‌های طولانی بر آنان گذشت [و پیمان الهی را فراموش کردند]؛ و تو در میان اهل مَدیَن اقامت نداشتی [که از داستان موسی باخبر باشی و] آیات ما را بر آنان [= مردم مکه] بخوانی؛ بلکه ما بودیم که [این آیات را به سویت] می‌فرستادیم. (۴۵) و آنگاه که [به موسی] ندا دادیم، تو در کنار کوه طور نبودی؛ ولی به عنوان رحمتی از سوی پروردگارت [به تو وحی نمودیم] تا گروهی را که پیش از تو بیم‌دهنده‌ای به سراغشان نیامده است [با این آیات] بیم دهی؛ باشد که پند پذیرند. (۴۶) [با کافران اتمام حجت کردیم] تا وقتی به کیفر کارهایی که در گذشته مرتکب شده‌اند مصیبتی به آنها می‌رسد نگویند: «پروردگارا، چرا پیامبری بر ما نفرستادی تا از آیاتت پیروی کنیم و از مؤمنان باشیم؟» (۴۷) ولی هنگامی که [پیامبرِ] حق، از جانب ما به سراغشان آمد، [یهود از سرِ لجاجت] گفتند: «چرا معجزاتی همانند موسی به او داده نشده است؟» [در پاسخشان بگو:] «مگر [یهود] در گذشته معجزات موسی را انکار نکردند؟» آنان گفتند: «[قرآن و تورات] دو جادو هستند که یکدیگر را تأیید می‌کنند» و گفتند: «ما تمام [مطالب] آنها را انکار می‌کنیم». (۴۸) بگو: «اگر راستگویید، از جانب الله، کتابی هدایت‌بخش‌تر از این دو [کتاب] بیاورید تا من نیز از آن پیروی کنم». (۴۹) اگر [قریش] به درخواستت پاسخی ندادند، بدان که آنان فقط از هوای نفسشان پیروی می‌کنند؛ و کیست گمراه‌تر از آن کس که بدون رهنمودی از سوی الله، از هوای نفسش پیروی می‌کند؟ بی‌تردید، الله گروه ستمکار را هدایت نمی‌کند. (۵۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَآ إِلَىٰ مُوسَى ٱلْأَمْرَ وَمَا كُنتَ مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾

﴿وَمَا كُنتَ بِجَانِبِ ٱلْغَرْبِيِّ﴾: خطاب به سرورمان محمد ﷺ است؛ تا این دلیل اقامه شود که با وجود این‌که در زمان موسی ﵇ نبوده و او را ندیده است از حال او خبر می‌دهد. ﴿ٱلْغَرْبِيِّ﴾ مکانی که در غرب طور واقع است، یعنی مکانی که الله در آن‌جا با موسی ﵇ سخن گفت. منظور از فرمانی که به موسی ﵇ داده شد نبوت است. ﴿مِنَ ٱلشَّٰهِدِينَ﴾ یعنی: از حاضرین در آن‌جا... به این معنا که: ای محمد تو حاضر نبودی تا از این امور غیبی که از آن‌ها خبر می‌دهی اطلاع داشته باشی، بلکه این اخبار از طریق وحی ما به تو رسیده است؛ پس مردم باید به سرعت به تو ایمان آورند. ابن جزی: ۲/ ۱۴۵.

پرسش: قصهٔ موسی ﵇ چگونه دلالت دارد بر این‌که قرآن از جانب الله نازل شده و محمد ﷺ رسول او تعالی است؟

۲ ﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا وَلَٰكِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ﴾

علم از میان رفت و آیاتش ناپدید شد؛ بنابراین تو را در وقتی که نیاز مبرم به تو و به آن‌چه به تو آموختیم و وحی کردیم وجود داشت فرستادیم. سعدی: ۶۱۷.

پرسش: مردم چه زمانی به وجود دعوتگری که آنان را پند دهد و علم بیاموزاند نیاز ضروری پیدا می‌کنند؟

۳ ﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ﴾

الله تعالی پیمان‌هایی از موسی ﵇ و قومش در مورد محمد ﷺ و ایمان به او گرفت، اما وقتی عمرهای‌شان طولانی شد و نسل به نسل جانشین یکدیگر شدند این عهد و پیمان‌ها را فراموش کردند و به آن‌ها وفادار نماندند. بغوی: ۳/ ۴۴۳.

پرسش: قوم موسی چه چیزی را بر اثر عمرهای درازشان فراموش کردند؟

۴ ﴿وَلَوْلَآ أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌۢ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ﴾

یعنی به سبب کفر و گناهانی که مرتکب شدند. چون اکثر اعمال با دست انجام می‌شود، از تمام اعمال حتی اگر توسط دست انجام نشده باشند به کسب و پیش‌فرستادن دست‌ها تعبیر کرد. آلوسی: ۱۰/ ۲۹۷.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که دست‌ها نعمت و وسیله‌ای از جانب الله هستند که در خیر و شر به کار گرفته می‌شوند.

۵ ﴿فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

دلالت دارد بر این‌که هر کس دعوت رسول را اجابت نکند و به سوی سخن مخالف سخن رسول برود، به سوی هدایت نرفته بلکه فقط به سوی هوسی رفته است. سعدی: ۶۱۸.

پرسش: پیروی هوس مذکور در آیه چه نشانه‌ای دارد؟

۶ ﴿فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

﴿أَهْوَآء﴾ عبارت است از خواسته‌های نفس بدون علم؛ یعنی هر کس که آن‌چه را نفسش می‌خواهد بدون علم انجام دهد مشخص می‌شود که او پیرو هوای نفسش است، و علمی که نزد الله در آخرت به بنده فایده می‌رساند، علمی است که رسولان آورده‌اند. ابن تیمیه: ۵/ ۸۳.

پرسش: منظور از ﴿أَهْوَآء﴾ که پیروان باطل از آن‌ها پیروی می‌کنند چیست؟

۷ ﴿وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهْدِى ٱلْقَوْمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾

پیروی از هوای نفس- بدون تأمل و بازگشت به نجات- انسان را آن قدر به احوال بسیار ناپسند گرفتار می‌کند که قابل شمارش و انحصار نیست. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۴۱.

پرسش: چرا کسی که از هوای نفسش پیروی کند از همه گمراه‌تر است؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلْغَرْبِيِّ	کوهی که در سمت غرب موسی ﵇ قرار داشت.
قَضَيْنَآ	عهد بستیم.
أَنشَأْنَا	آفریدیم.
فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ	زمانی طولانی ماندند.
ثَاوِيًا	مقیم.

عمل به آیات

۱. یکی از قصص قرآنی را انتخاب کن و تفسیر آن را از کتب تفسیری یا تاریخی بخوان که پند و اندرزهای زیادی در بر دارد، ﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ ۚ وَمَا كُنتَ ثَاوِيًا فِىٓ أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتِنَا﴾

۲. عملی را که احساس می‌کنی در آن، هوای نفست را بر شریعت الله مقدم داشته‌ای مشخص کن، سپس از الله تعالی آمرزش بخواه و شریعت الله را بر هوای نفست مقدم گردان، ﴿فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ﴾

۳. از پیروی از هوای نفس و گمراهی بعد از هدایت، به الله پناه ببر، ﴿فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا۟ لَكَ فَٱعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَآءَهُمْ ۚ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيْرِ هُدًى مِّنَ ٱللَّهِ﴾

رهنمودها

۱. ایمان و علم، ناگزیر به مرور و یادآوری نیاز دارند؛ زیرا عمر دراز و مرور زمان، سبب فراموشی هستند، ﴿وَلَٰكِنَّآ أَنشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ ٱلْعُمُرُ﴾

۲. مسلمان به دنبال دلیل صحیح شرعی است، ﴿قُلْ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ﴾

۳. آگاه باش که هیچ کتابی هدایت‌کننده‌تر از قرآن کریم وجود ندارد، ﴿قُلْ فَأْتُوا۟ بِكِتَٰبٍ مِّنْ عِندِ ٱللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَآ أَتَّبِعْهُ إِن كُنتُمْ صَٰدِقِينَ﴾

سورة (القصص) الجزء (۲۰) صفحة (۳۹۲)

۞ وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٥١﴾ ٱلَّذِينَ
ءَاتَيْنَٰهُمُ ٱلْكِتَٰبَ مِن قَبْلِهِۦ هُم بِهِۦ يُؤْمِنُونَ ﴿٥٢﴾ وَإِذَا يُتْلَىٰ
عَلَيْهِمْ قَالُوٓا۟ ءَامَنَّا بِهِۦٓ إِنَّهُ ٱلْحَقُّ مِن رَّبِّنَآ إِنَّا كُنَّا مِن قَبْلِهِۦ
مُسْلِمِينَ ﴿٥٣﴾ أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ
بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ ﴿٥٤﴾ وَإِذَا سَمِعُوا۟
ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ
عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ ﴿٥٥﴾ إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ
وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾
وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَآ ۚ أَوَلَمْ
نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا
مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٥٧﴾ وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن
قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَٰكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّنۢ
بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ ٱلْوَٰرِثِينَ ﴿٥٨﴾ وَمَا كَانَ رَبُّكَ
مُهْلِكَ ٱلْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِىٓ أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا۟ عَلَيْهِمْ
ءَايَٰتِنَا ۚ وَمَا كُنَّا مُهْلِكِى ٱلْقُرَىٰٓ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَٰلِمُونَ ﴿٥٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَصَّلْنَا	توضیح دادیم و تبیین کردیم.
مَّرَّتَيْنِ	به سبب ایمان آنان به کتابِ خودشان و قرآن.
وَيَدْرَءُونَ	دفع می‌کنند.
نُتَخَطَّفْ	ما را به سرعت با قتل یا اسارت بیرون می‌کشند.
بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا	در زندگی‌اش طغیان و سرکشی کرد.

عمل به آیات

۱. بخشی از مالت را در راه الله تعالی انفاق کن، ﴿وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ﴾

۲. در یکی از مجالس ذکر حاضر شو و عقل و گوشت را به آن بسپار، ﴿وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ﴾

۳. با ارسال پیامی، از اسراف و زیاده‌روی در خوردن و نوشیدن برحذر دار که این کار سبب زوال نعمت است، و این آیه را به عنوان گواه خود معرفی کن: ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَٰكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّنۢ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ ٱلْوَٰرِثِينَ﴾

رهنمودها

۱. آیهٔ زیر، فضیلت اهل کتاب را در صورتی که به پیامبر امی و کتابش ایمان آورند و در برابر الله، پروردگار جهانیان، تسلیم شوند، بیان می‌کند: ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ﴾

۲. این آیه بیانگر فضیلتِ کسی است که بدی را با نیکی پاسخ دهد و از آن‌چه الله به او روزی داده است انفاق کند: ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَّرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا۟ وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَٰهُمْ يُنفِقُونَ﴾

۳. حتی در برابر گناهکاران، کلامت را از عبارات ناخوشایند و آزاردهنده خالی کن، ﴿وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ﴾

ترجمه آیات

و به راستی، ما این آیات [و حکایات] را یکی پس از دیگری برای آنان [= مشرکان و یهود] نازل کردیم؛ باشد که پند گیرند. (۵۱) کسانی که پیش از این [آیات الهی] کتاب [تورات] به آنان داده‌ایم، به این [قرآن] نیز ایمان می‌آورند (۵۲) و چون [آیاتش] بر آنان خوانده می‌شود، می‌گویند: «به آن ایمان آوردیم. یقیناً سخن حقی از جانب پروردگارمان است. به راستی که ما پیش از [نزول] آن نیز تسلیم [فرمان پروردگار] بوده‌ایم». (۵۳) اینانند که به پاسِ آنکه شکیبایی ورزیدند، پاداششان را دو بار می‌گیرند و با کارهای نیک، [گناهان و] بدی‌ها را دفع می‌کنند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌نمایند. (۵۴) و هر گاه سخنی بیهوده [و ناشایست از اهل کتاب] می‌شنوند، [با بی‌توجهی] از آن روی می‌گردانند و می‌گویند: «[پاداش] کارهای ما برای ماست و [کیفر] کارهای شما از آنِ شماست؛ [شما از آزار و ناسزای ما] در امانید. ما به دنبال [هم‌صحبتی با] جاهلان نیستیم». (۵۵) [ای پیامبر،] بی‌تردید، تو نمی‌توانی هر کس را دوست داشته باشی [به اجبار به راه راست] هدایت کنی؛ بلکه الله است که هر کس را بخواهد هدایت می‌کند و او به [حال] راه‌یافتگان داناتر است. (۵۶) و [مشرکان] گفتند: «اگر همراه تو از هدایت پیروی کنیم، ما را از سرزمینمان می‌ربایند». آیا ما آنان را در حرم امنی جای ندادیم که انواع محصولات ـ به عنوان روزی‌ای از جانب ما ـ به سویشان سرازیر می‌گردد؟ ولی بیشتر آنان [قدر نعمت‌های الهی را] نمی‌دانند. (۵۷) و چه بسیار [مردم] شهرهایی را نابود ساختیم که [از شدّت رفاه] در زندگی خویش، طغیان و سرکشی کرده بودند. این خانه‌های [ویران‌شدهٔ] آنان است که پس از آنان ـ جز اندکی ـ [کسی] در آنها سکونت نکرده است و ما وارث آنان بودیم. (۵۸) و پروردگارت هرگز [مردم] شهرها را نابود نمی‌کند، مگر آنکه در شهر بزرگی از آنها [همچون مکه] پیامبری بفرستد که آیات ما را بر آنان بخواند؛ و ما هرگز شهرها را نابود نکردیم، مگر آنکه ساکنانش [کافر و] ستمکار بوده‌اند. (۵۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ ٱلْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾

عبارات قرآن از جهات زیادی با هم در پیوند و ارتباط هستند: این پیوند یا به اعتبار الفاظ است که یکی پس از دیگری آمد و یکباره نازل نشد؛ یا به اعتبار معانی است که انواع مختلفی از سخنان در پیوند با یکدیگر قرار دارند؛ از جمله: وعده، وعید، ترغیب، تهدید، قصص و اندرزها و عبرت‌ها، و توصیه‌هایی که یکی پس از دیگری می‌آید و از فنی به فنی دیگر جابه‌جا می‌شود. هر یک از این موارد ذهن را برای یادآوری و تدبر به نشاط و فعالیت وامی‌دارد. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۴۲.

پرسش: برقراری ارتباط و پیوند میان عبارات قرآن کریم چه انواعی دارد؟

۲ ﴿وَيَدْرَءُونَ بِٱلْحَسَنَةِ ٱلسَّيِّئَةَ﴾

بنابر قولی: آزارها را با بردباری و سخن نیکو دفع می‌کنند. بنابر قولی دیگر: گناهان را با توبه و استغفار دفع می‌کنند. بنابر قول اول، این امر یکی از خصایل نیکوی اخلاقی است؛ یعنی: هر کس سخن بدی به آنان بگوید... با سخن نیکویی که سبب دفع آن شخص می‌شود به او پاسخ می‌دهند. قرطبی: ۱۶/ ۲۹۶.

پرسش: بدی چگونه با نیکی دفع می‌شود؟

۳ ﴿وَإِذَا سَمِعُوا۟ ٱللَّغْوَ أَعْرَضُوا۟ عَنْهُ وَقَالُوا۟ لَنَآ أَعْمَٰلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَٰلُكُمْ سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ﴾

چه زیباست این سخن‌شان که گفتند ﴿لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ﴾ زیرا یکی از صفات‌شان این است که: به دنبال علم و اخلاق پسندیده هستند. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۴۶.

پرسش: این سخن از آن دسته اهل کتاب که به قرآن ایمان آوردند به چه امری اشاره می‌کند: ﴿لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ﴾؟

۴ ﴿سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ﴾

﴿سَلَٰمٌ عَلَيْكُمْ﴾ در این‌جا به معنای جدایی و دوری است نه درود گفتن، یا گویی سلامی برای بازگشت و دورشدن است. ﴿لَا نَبْتَغِى ٱلْجَٰهِلِينَ﴾ یعنی: قصد جدال با افراد نادان و پاسخگویی به آنان را نداریم. ابن جزی: ۲/ ۱۴۷.

پرسش: انسان مسلمان هر گاه در مجلس لغو و باطلی قرار دارد چه تکلیفی دارد؟

۵ ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ ٱللَّهَ يَهْدِى مَن يَشَآءُ ۚ وَهُوَ أَعْلَمُ بِٱلْمُهْتَدِينَ﴾

می‌گویند: هدایت‌یافتنی که در قلب وجود دارد فقط در قدرت الله است، اما بنده می‌تواند اسباب آن را فراهم آورد. همین هدایت است که با ﴿ٱهْدِنَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلْمُسْتَقِيمَ﴾ [الفاتحة: ۵] «(پروردگارا) ما را به راه راست هدایت فرما»، از الله خواسته می‌شود اما این هدایتی که در ﴿إِنَّكَ لَا تَهْدِى مَنْ أَحْبَبْتَ﴾ آمده، از رسول ﷺ نفی شده است [زیرا آن فقط در دست الله است]. ابن تیمیه: ۵/ ۸۷.

پرسش: منظور از هدایتی که فقط در اختیار الله قرار دارد چیست؟

۶ ﴿وَقَالُوٓا۟ إِن نَّتَّبِعِ ٱلْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفْ مِنْ أَرْضِنَآ ۚ أَوَلَمْ نُمَكِّن لَّهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُجْبَىٰٓ إِلَيْهِ ثَمَرَٰتُ كُلِّ شَىْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

اگر ایمان آورند هیچ دلیلی برای ترس از ربوده‌شدن وجود ندارد؛ زیرا در حالی که بندگانِ بت‌ها هستند از او نمی‌ترسند، پس وقتی که ایمان آورند و حرمت ایمان را به حرمت اقامتگاه اضافه کنند چگونه می‌ترسند؟! آلوسی: ۱۰/ ۳۰۵.

پرسش: هدایت و پایبندی به شریعت الله، امان‌نامه‌ای حقیقی است. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَرْيَةٍۭ بَطِرَتْ مَعِيشَتَهَا ۖ فَتِلْكَ مَسَٰكِنُهُمْ لَمْ تُسْكَن مِّنۢ بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا ۖ وَكُنَّا نَحْنُ ٱلْوَٰرِثِينَ﴾

یعنی: با تجاوز از حد در شادی و خوشحالی و بی‌خیالی، با نعمت مخالفت کردند تا این‌که از آن فراتر رفتند و فاسدش کردند و دست به ناسپاسی زدند و شکرش را به جای نیاوردند، بلکه همانند انسان حیران و آشفته‌ای با نعمت روبه‌رو شدند و حقش را ادا نکردند. بقاعی: ۱۴/ ۳۲۷.

پرسش: زندگی فراخ و مرفّه در چه صورتی سبب نابودی می‌شود؟

ترجمه آیات

و آنچه به شما داده شده است، بهره[ی گذرا] و زینتِ زندگی دنیاست؛ و آنچه نزد الله است، بهتر و پایدارتر است. آیا نمی‌اندیشید؟ (۶۰) آیا کسی که به او وعدهٔ نیکو داده‌ایم و به آن خواهد رسید، همچون کسی است که او را از بهرهٔ زندگی دنیا برخوردار ساخته‌ایم و روز قیامت از [جمله] احضارشدگان [در آتش دوزخ] است؟ (۶۱) و [یاد کن از] روزی که الله به آنان ندا می‌دهد و می‌فرماید: افرادی که شریکانِ من [در عبادت] می‌پنداشتید کجا هستند؟» (۶۲) کسانی [از سران کفار] که عذاب برایشان حتمی است می‌گویند: «پروردگارا، اینها کسانی هستند که ما گمراهشان کردیم. [آری،] آنان را گمراه کردیم، چنان که [خود نیز] گمراه شدیم. از [شرک و توسل] آنان به سویت بیزاری می‌جوییم. [در حقیقت،] آنان ما را عبادت نمی‌کردند [بلکه شیطان را عبادت می‌کردند]». (۶۳) و [به مشرکان] گفته می‌شود: «شریکانتان را [که به جای الله عبادت می‌کردید] فرابخوانید [تا یاری‌تان کنند]»؛ آنگاه آنان را می‌خوانند، ولی پاسخی به اینان نمی‌دهند و عذاب [دوزخ] را می‌بینند [و آرزو می‌کنند] کاش هدایت‌یافته بودند. (۶۴) و روزی که [الله] به آنان ندا می‌دهد و می‌فرماید: «به [دعوتِ] پیامبران چه پاسخی دادید؟» (۶۵) در آن روز، همهٔ دلایل [و بهانه‌هایی که برای توجیه دارند] از آنان پنهان می‌گردد و از [شدت عذاب، از حالِ] یکدیگر نمی‌پرسند. (۶۶) اما کسی که توبه کند و ایمان آورَد و کار شایسته انجام دهد، امید است که از رستگاران باشد. (۶۷) و پروردگارت هر چه بخواهد می‌آفریند و [هر کس را بخواهد به عبادت و پیامبری] برمی‌گزیند. مشرکان اختیاری ندارند [که در این مورد اعتراض کنند]. الله از چیزهایی که با او شریک می‌دانند منزه و برتر است. (۶۸) و پروردگارت آنچه در سینه‌هایشان پنهان می‌کنند و آنچه آشکار می‌سازند، [همه را] می‌داند. (۶۹) و او الله است که هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست. ستایش در دنیا و آخرت برای اوست و حُکم [و فرمانروایی نیز] از آنِ اوست و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۷۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

﴿فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَا﴾: یعنی روزهای اندکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد و مردم خود را با آن می‌آرایند. واژهٔ متاع بیانگر اندک‌بودن است، و آن‌چه در مقابل قرار دارد ماندگارتر معرفی شد. واژهٔ دنیا به کمی و فرومایگی اشاره دارد. ﴿وَمَا عِندَ ٱللَّهِ﴾ در بهشت، یعنی ثواب، ﴿خَيۡرٞ﴾ به خودی خود از متاع دنیا؛ زیرا لذتی خالص و سُروری کامل است. ﴿وَأَبۡقَىٰٓ﴾ زیرا همیشگی است، و متناهی و غیر متناهی با هم قابل مقایسه نیستند. ﴿أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾ یعنی: آیا نمی‌اندیشید تا این امر واضح را انجام ندهید، یعنی آن‌چه را که پست‌تر است با آن‌چه بهتر است عوض نکنید. آلوسی: ۱۰/ ۳۰۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه به ناچیزبودن دنیا در برابر آخرت اشاره دارد.

۲ ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

دلالت دارد بر این‌که با توجه به خِرَد بنده، آخرت بر دنیا ترجیح داده می‌شود و هیچ‌کس دنیا را بر آخرت ترجیح نمی‌دهد مگر انسان کم‌خرد. سعدی: ۶۲۱.

پرسش: انسان خردمند و نادان چگونه از یکدیگر بازشناخته می‌شوند؟

۳ ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

پاداشی که نزد الله برای اطاعتگران و دوستانش وجود دارد بهتر است از متاع و زینت این دنیا که به شما داده شده است. طبری: ۱۹/ ۶۰۴.

پرسش: چرا اکثر نعمت‌های دنیایی به کافران رسیده است؟

۴ ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ﴾

﴿رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ﴾: به پیروان اشاره دارد. ﴿ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ﴾ یعنی: ما آنان را به گمراهی انداختیم، به سبب سخنانی که برای‌شان آراستیم و با آن‌که ضعف و نادرستی سخنان ما واضح ما بود، اما آنان با توجه به مال و مقام دنیوی ما، سخنان ما را پذیرفتند. سپس سخنی را از سر می‌گیرند که گمان می‌کنند عذاب را از آنان دور می‌کند، پس می‌گویند: ﴿أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ﴾ یعنی: آن‌گاه به اختیار خودشان گمراه شدند. بقاعی: ۱۴/ ۳۳۴.

پرسش: با توجه به آیه خطر همنشینی با دوستان ناباب و پیروی کورکورانه از آنان را بیان کنید.

۵ ﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٦٥ فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ﴾

می‌فرماید: خبرها بر آنان پوشیده می‌ماند. منظور این است که دلایل بر آن‌ها مخفی می‌ماند و چیزی برای استدلال نمی‌یابند؛ زیرا الله تعالی دلایل را پیاپی به سوی آنان فرستاد و هیچ عذری برای‌شان باقی نگذاشت؛ بنابراین هیچ دلیلی برای ارائه و هیچ خبری برای ابلاغ ندارند که سبب نجات و رهایی‌شان شود. طبری: ۱۹/ ۶۰۷.

پرسش: چرا گناهکاران در روز قیامت هیچ دلیلی برای ارائه ندارند؟

۶ ﴿فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ﴾

واژهٔ عسی از جانب الله مفید قطعیت است؛ زیرا به فضل و بخشش الله قطعاً واقع می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۳۸۳.

پرسش: واژهٔ ﴿فَعَسَىٰٓ﴾ وقتی از جانب الله تعالی باشد چه معنایی را می‌رساند؟

۷ ﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ﴾

یکی از علما گفته است: برای هیچ‌کس شایسته نیست بر انجام یکی از امور دنیا بپردازد مگر پس از این‌که با ادای دو رکعت نماز استخاره، برای انجام آن کار از الله طلب خیر نماید. قرطبی: ۱۶/ ۳۰۸.

پرسش: انسان در انجام کارهای دنیایی چگونه از الله سبحانه و تعالی طلب خیر می‌کند؟

سورة (القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٩٣)

وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ
ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ٦٠ أَفَمَن وَعَدۡنَٰهُ وَعۡدًا حَسَنٗا
فَهُوَ لَٰقِيهِ كَمَن مَّتَّعۡنَٰهُ مَتَٰعَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا ثُمَّ هُوَ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ
مِنَ ٱلۡمُحۡضَرِينَ ٦١ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ
ٱلَّذِينَ كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ ٦٢ قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا
هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ
مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ ٦٣ وَقِيلَ ٱدۡعُواْ شُرَكَآءَكُمۡ فَدَعَوۡهُمۡ
فَلَمۡ يَسۡتَجِيبُواْ لَهُمۡ وَرَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ لَوۡ أَنَّهُمۡ كَانُواْ يَهۡتَدُونَ
٦٤ وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ٦٥
فَعَمِيَتۡ عَلَيۡهِمُ ٱلۡأَنۢبَآءُ يَوۡمَئِذٖ فَهُمۡ لَا يَتَسَآءَلُونَ ٦٦ فَأَمَّا
مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ
٦٧ وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُۚ سُبۡحَٰنَ
ٱللَّهِ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٦٨ وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ
صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ ٦٩ وَهُوَ ٱللَّهُ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ لَهُ
ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأُولَىٰ وَٱلۡأٓخِرَةِۖ وَلَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ٧٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَغۡوَيۡنَآ	آنان را به گمراهی فراخواندیم و پیروی کردند.
فَعَمِيَتۡ	پوشیده ماند.
ٱلۡخِيَرَةُ	اختیار.

عمل به آیات

۱. امروز هفتاد مرتبه از الله تعالی آمرزش بخواه و به سوی او توبه کن، ﴿فَأَمَّا مَن تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَعَسَىٰٓ أَن يَكُونَ مِنَ ٱلۡمُفۡلِحِينَ﴾

۲. امری دنیوی را که قصد انجامش را داری مشخص کن سپس دو رکعت نماز استخاره بگزار و این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ، اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ- هُنَا تُسَمِّي حَاجَتَكَ - خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي، أَوْ قُلْ: عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ؛ فَاقْدُرْهُ لِي، وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ، اللَّهُمَّ وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ - هُنَا تُسَمِّي حَاجَتَكَ - شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أَمْرِي، أَوْ قُلْ: عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَاصْرِفْنِي عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِيَ الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ» [صحیح بخاری: ۶۳۸۲] «یا الله! به وسیلهٔ علمت از تو طلب خیر می‌کنم و به‌وسیلهٔ قدرتت از تو توانایی می‌خواهم و از تو فضل و بزرگی‌ات را تقاضا می‌کنم؛ زیرا تو قادر و توانایی و من توانایی ندارم، و تو می‌دانی و من نمی‌دانم و تو به امور غیب و پنهانی آگاه هستی. یا الله! اگر می‌دانی این کار در دین و در امور زندگی و در سرانجام کارم چه در دنیا و چه در آخرت برایم خوب است آن را برایم مقدّر و آسان کن و در آن برکت بینداز و اگر می‌دانی این کار در دین و در امور زندگی و در سرانجام کارم چه در دنیا و چه در آخرت باعث شر و بدی است آن را از من دور فرما و مرا از آن دور نما و خیر و نیکویی را هر کجا باشد برایم مقدر نما سپس مرا خشنود بگردان»، ﴿وَرَبُّكَ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُ وَيَخۡتَارُۗ مَا كَانَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ﴾

۳. از الله تعالی بخواه اعمال آشکار و نهان تو را اصلاح گرداند، ﴿وَرَبُّكَ يَعۡلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمۡ وَمَا يُعۡلِنُونَ﴾

رهنمودها

۱. طعام و لباس و مسکن دنیا تو را از امور آخرت غافل نکند، ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَاۚ وَمَا عِندَ ٱللَّهِ خَيۡرٞ وَأَبۡقَىٰٓۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

۲. سران گمراهی در روز قیامت از پیروان‌شان اعلام بیزاری می‌کنند، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ حَقَّ عَلَيۡهِمُ ٱلۡقَوۡلُ رَبَّنَا هَٰٓؤُلَآءِ ٱلَّذِينَ أَغۡوَيۡنَآ أَغۡوَيۡنَٰهُمۡ كَمَا غَوَيۡنَاۖ تَبَرَّأۡنَآ إِلَيۡكَۖ مَا كَانُوٓاْ إِيَّانَا يَعۡبُدُونَ﴾

۳. هر گاه دلیل صحیح نزدت آمد آن را بگیر و بدان عمل کن، و به یاد داشته باش که الله تعالی از تو خواهد پرسید چه پاسخی به دعوت رسول داده‌ای؟ ﴿وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ مَاذَآ أَجَبۡتُمُ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

(القصص) الجزء (٢٠) صفحة (٣٩٤)

قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلَّيۡلَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ
ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا تَسۡمَعُونَ
(٧١) قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ
يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِلَيۡلٖ تَسۡكُنُونَ
فِيهِۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ (٧٢) وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ
وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ (٧٣) وَيَوۡمَ يُنَادِيهِمۡ فَيَقُولُ أَيۡنَ شُرَكَآءِيَ ٱلَّذِينَ
كُنتُمۡ تَزۡعُمُونَ (٧٤) وَنَزَعۡنَا مِن كُلِّ أُمَّةٖ شَهِيدٗا فَقُلۡنَا
هَاتُواْ بُرۡهَٰنَكُمۡ فَعَلِمُوٓاْ أَنَّ ٱلۡحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنۡهُم
مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ (٧٥) ۞ إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوۡمِ مُوسَىٰ
فَبَغَىٰ عَلَيۡهِمۡۖ وَءَاتَيۡنَٰهُ مِنَ ٱلۡكُنُوزِ مَآ إِنَّ مَفَاتِحَهُۥ لَتَنُوٓأُ
بِٱلۡعُصۡبَةِ أُوْلِي ٱلۡقُوَّةِ إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ
لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ (٧٦) وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ
وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَۖ
وَلَا تَبۡغِ ٱلۡفَسَادَ فِي ٱلۡأَرۡضِۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡمُفۡسِدِينَ (٧٧)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَرۡمَدًا	همیشگی و ماندگار.
وَضَلَّ	از بین برود.
يَفۡتَرُونَ	دروغ‌هایی که می‌بافتند.
لَتَنُوٓأُ بِٱلۡعُصۡبَةِ	حمل آن بر گروهی بزرگ، سنگین و دشوار بود.
وَٱبۡتَغِ	بخواه و جستجو کن.
وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ	سهمت را رها نکن.

عمل به آیات

۱. موفقیتی را که کسب کرده‌ای مشخص کن سپس شکر الله تعالی را به جای آور و در برابر او تعالی فروتنی کن، ﴿إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ﴾

۲. تلاش کن امشب زود بخوابی و صبح زود بیدار شوی؛ زیرا این کار، شکر نعمت الله به شمار می‌رود و به فطرت نزدیکتر است، ﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

۳. جدولی برای درآمد ماهانه‌ات طراحی کن و در آن میان مصالح دنیوی و اخروی موازنه برقرار کن، ﴿وَٱبۡتَغِ فِيمَآ ءَاتَىٰكَ ٱللَّهُ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَۖ وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَا﴾

رهنمودها

۱. شنیدن حقیقی آن است که با قلب انجام گیرد و پذیرفته شود، ﴿مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا تَسۡمَعُونَ﴾

۲. یکی از مصادیق سپاس‌گزاری از الله تعالی این است که شخص در روز برای طلب روزی تلاش کند و شب به استراحت بپردازد. این کار الله را خشنود می‌سازد، ﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

۳. کسی که امروز ایمان نیاورَد و یقین نکند، هنگامی که در برابر الله تعالی قرار گیرد حقیقت را خواهد فهمید، ﴿فَعَلِمُوٓاْ أَنَّ ٱلۡحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ﴾

ترجمه آیات

[به مشرکان] بگو: «به من بگویید اگر الله [تاریکی] شب را تا روز قیامت بر شما پاینده گرداند، کدام معبود به جز الله برایتان روشنی می‌آورَد؟ آیا [سخن حق را] نمی‌شنوید؟» (۷۱) بگو: «به من بگویید اگر الله [روشنایی] روز را تا روز قیامت بر شما پاینده گرداند، کدام معبود جز الله شبی برایتان می‌آورد که در آن آرام بگیرید؟ آیا [این نشانه‌های قدرت الهی را] نمی‌بینید؟ (۷۲) و الله از رحمت خویش شب و روز را برایتان قرار داد تا در شب آرام گیرید و در روز [تلاش کنید و] از بخشش او [روزی] بجویید و باشد که سپاس گزارید. (۷۳) و [یاد کن از] روزی که الله به آنان ندا می‌دهد و می‌فرماید: «کجا هستند شریکانی که برای من می‌پنداشتید؟» (۷۴) و از هر امتی، گواهی برمی‌گزینیم [که پیامبر آنان است و در مورد کفرشان گواهی می‌دهد]؛ سپس به آنان می‌گوییم: «دلیل [کفر و شرک] خویش را بیاورید»؛ پس می‌دانند که حق از آنِ الله است و دروغ‌هایی که می‌بافتند [و آنچه مشرکانه عبادت می‌کردند] محو و نابود گشته است. (۷۵) قارون از قوم موسی بود؛ اما بر آنان فخرفروشی نمود؛ و از گنجینه‌ها، آنقدر به وی داده بودیم که [حتی] حمل کلیدهایش برای گروهی نیرومند مشکل بود. هنگامی که [مردم] قومش به او گفتند: «[به خاطر ثروتت، چنین مغرور و] سرمست نباش. بی‌تردید، الله سرمستان را دوست ندارد. (۷۶) و با آنچه الله به تو بخشیده است، [ثواب] سرای آخرت را بجوی و [در عین حال،] بهره‌ات را از [زندگی] دنیا نیز فراموش نکن؛ و چنان که الله به تو نیکی کرده است، تو نیز [به بندگانش] نیکی کن و هرگز در پِی تبهکاری [و فساد] در زمین نباش. بی‌تردید، الله مفسدان را دوست ندارد». (۷۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلَّيۡلَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِضِيَآءٍۚ أَفَلَا تَسۡمَعُونَ﴾

یکی از بهترین دلایل برای استدلال به یگانگی الله، همین آفرینش عجیب است که هر روز دو مرتبه تکرار می‌شود و کاملاً واضح و نمایان است و بزرگ‌ترین تغییر در جهان به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۶۸.

پرسش: چرا برای یگانگی الله تعالی به تغییر شب و روز استدلال شد؟

۲ ﴿قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ إِن جَعَلَ ٱللَّهُ عَلَيۡكُمُ ٱلنَّهَارَ سَرۡمَدًا إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡقِيَٰمَةِ مَنۡ إِلَٰهٌ غَيۡرُ ٱللَّهِ يَأۡتِيكُم بِلَيۡلٖ تَسۡكُنُونَ فِيهِۚ أَفَلَا تُبۡصِرُونَ﴾

آیات اشاره دارد به این‌که بنده باید در نعمت‌های الله بیندیشد و بود و نبود آن‌ها را با هم مقایسه کند. این کار، عقل را از موضع منت آگاه می‌کند، بر خلاف کسی که نزول نعمت را یک عادت همیشگی و مستمر می‌پندارد و قلبش از ستایش الله در قبال نعمت‌هایش کور شده و غافل از این است که در تمام اوقات به او تعالی نیاز دارد؛ چنین کسی هرگز به سپاس‌گزاری و ذکر الله نمی‌اندیشد. سعدی: ۶۲۳.

پرسش: آیات مذکور به کدام یک از حالات تدبر و تفکر در نعمت الله اشاره می‌کند؟

۳ ﴿وَمِن رَّحۡمَتِهِۦ جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ وَٱلنَّهَارَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ تَشۡكُرُونَ﴾

الله عزوجل شب و روز را بر اساس استراحت و جستجوی فضل الله از طریق کار و تلاش تقسیم کرد. چون شب و روزِ اکثر مردم چنین است، نعمت را با صفتِ غالب برشمرد، هر چند هستند کسانی که در روز استراحت می‌کنند و فضل الله را در شب می‌جویند، اما به موارد نادر توجه نمی‌شود. ابن عطیه: ۴/ ۲۹۷.

پرسش: آیا وجود کسانی که در روز می‌خوابند و شب بیدار هستند با معنای آیه در تضاد است؟ توضیح دهید.

۴ ﴿إِنَّ قَٰرُونَ كَانَ مِن قَوۡمِ مُوسَىٰ فَبَغَىٰ عَلَيۡهِمۡ﴾

الله تعالی پس از بیان ﴿وَمَآ أُوتِيتُم مِّن شَيۡءٖ فَمَتَٰعُ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتُهَا﴾، فرمود متاع و زینت دنیا به قارون داده شد اما او فریب خورد و ثروت، او را از عذاب الله نجات نداد چنان‌که سبب نجات فرعون نشد و شما ای مشرکان! افراد و مال بیشتری از قارون و فرعون ندارید، حال آن‌که لشکریان و اموال فرعون هیچ سودی به او نرساند و قارون نیز نه از رابطهٔ خویشاوندی خویش با موسی عليه السلام فایده برد و نه از گنج‌هایش. قرطبی: ۱۶/ ۳۱۲.

پرسش: چرا الله تعالی قصهٔ قارون را بیان کرد؟ چه پندی در این قصه وجود دارد؟

۵ ﴿إِذۡ قَالَ لَهُۥ قَوۡمُهُۥ لَا تَفۡرَحۡۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ﴾

﴿لَا تَفۡرَحۡ﴾: منظور از فرح و شادمانی در این‌جا موردی است که به خودپسندی و سرکشی منجر می‌شود؛ از این رو فرمود: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ ٱلۡفَرِحِينَ﴾. بنابر قولی: شادمان‌شدن به دنیا منظور است؛ زیرا فقط کسی بدان شاد می‌شود که از آخرت غافل شده باشد، که آیهٔ ﴿وَلَا تَفۡرَحُواْ بِمَآ ءَاتَىٰكُمۡ﴾ [الحدید: ۲۳] بر این مطلب دلالت دارد. ابن جزی: ۲/ ۱۵۱.

پرسش: از کدام نوع شادمانی نهی شده است؟

۶ ﴿وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَاۖ وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَ﴾

یعنی: سهم خویش از دنیا را تباه نکن، و در کنار عمل به آخرت از آن نیز برخوردار شو. بنابر قولی: عمرت را به سبب ترک اعمال صالح تباه نکن؛ زیرا سهم انسان از دنیا آن است که اعمال نیکو در دنیا انجام دهد. آیه بنابر این قول، نوعی پند و اندرز است و بنابر قول اول، جواز بهره‌مندشدن از دنیا را می‌رساند تا از پذیرش اندرز دوری نکند. ﴿وَأَحۡسِن كَمَآ أَحۡسَنَ ٱللَّهُ إِلَيۡكَ﴾ یعنی: همان‌گونه که الله با بخشش ثروت به تو نیکی کرد تو هم به بندگان الله نیکی کن. ابن جزی: ۲/ ۱۵۱.

پرسش: بنده چگونه از فتنهٔ مال در امان می‌ماند؟

۷ ﴿وَلَا تَنسَ نَصِيبَكَ مِنَ ٱلدُّنۡيَا﴾

اضافه‌شدن نصیب به ضمیر فعل سابق، دلالت بر این دارد که برخورداری از دنیا حق اوست و این‌که انسان باید به طرز شایسته از مالش در دنیا فایده ببرد؛ به‌خصوص در مواردی که ممنوع و حرام نیست. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۷۹.

پرسش: انسان مسلمانِ ثروتمند نباید در خوردن و نوشیدن، بر خود سختگیری کند. این مطلب را توضیح دهید.

سورة (القصص) الجزء (۲۰) صفحة (۳۹۵)

قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَلَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ
مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗاۚ
وَلَا يُسۡـَٔلُ عَن ذُنُوبِهِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٧٨ فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ
فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا
مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ ٧٩ وَقَالَ ٱلَّذِينَ
أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ
صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ ٨٠ فَخَسَفۡنَا بِهِۦ
وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ فَمَا كَانَ لَهُۥ مِن فِئَةٖ يَنصُرُونَهُۥ مِن دُونِ
ٱللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ ٱلۡمُنتَصِرِينَ ٨١ وَأَصۡبَحَ ٱلَّذِينَ تَمَنَّوۡاْ
مَكَانَهُۥ بِٱلۡأَمۡسِ يَقُولُونَ وَيۡكَأَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن
يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُۖ لَوۡلَآ أَن مَّنَّ ٱللَّهُ عَلَيۡنَا لَخَسَفَ بِنَاۖ
وَيۡكَأَنَّهُۥ لَا يُفۡلِحُ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٢ تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا
لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ
٨٣ مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا
يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٨٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡقُرُونِ	امت‌ها.
وَلَا يُسۡـَٔلُ	یعنی برای کسب اطلاع از آنان پرسیده نمی‌شود بلکه برای توبیخ و اقرار، مورد سوال قرار می‌گیرند.
وَيۡكَأَنَّ	واژه‌ای برای اظهار اندوه و تأسف و تعجب است.
وَيۡكَأَنَّهُۥ	آیا ندانسته‌ای که...؟
عُلُوّٗا	تکبر.

عمل به آیات

۱. کسانی را که می‌دانی فریب ظواهر را خورده‌اند نصیحت کن که کالای دنیا فانی است و قصهٔ قارون را برای‌شان یادآوری گردان، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ﴾

۲. همراه کارگری فقیر بنشین و نیازش را بشناس و به او صدقه بده، ﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ﴾

۳. از برتری‌جویی بر مردم و برپایی فساد بر روی زمین به الله پناه ببر، ﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗاۚ وَٱلۡعَٰقِبَةُ لِلۡمُتَّقِينَ﴾

رهنمودها

۱. فتنه به دل‌های مادی‌گرایان و دنیادوستان زودتر نفوذ می‌کند، ﴿فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ فِي زِينَتِهِۦۖ قَالَ ٱلَّذِينَ يُرِيدُونَ ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا يَٰلَيۡتَ لَنَا مِثۡلَ مَآ أُوتِيَ قَٰرُونُ إِنَّهُۥ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٖ﴾

۲. فتنه هنگامی که روی آورد فقط علما آن را می‌شناسند، اما وقتی که پشت کند تمام مردم آن را خواهند شناخت، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ﴾

۳. یکی از مظاهر فضل و رحمت الله تعالی این است که نیکی‌ها را چند برابر می‌گرداند اما بر بدی‌ها نمی‌افزاید، ﴿مَن جَآءَ بِٱلۡحَسَنَةِ فَلَهُۥ خَيۡرٞ مِّنۡهَاۖ وَمَن جَآءَ بِٱلسَّيِّئَةِ فَلَا يُجۡزَى ٱلَّذِينَ عَمِلُواْ ٱلسَّيِّـَٔاتِ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

ترجمه آیات

[قارون] گفت: «آنچه به من داده شده، در نتیجهٔ [قدرت و] دانشی است که نزد من است». آیا نمی‌دانست که الله نسل‌هایی را پیش از وی نابود کرده بود که از او نیرومندتر و ثروتمندتر بودند؟ و [روز قیامت، اینگونه] مجرمان از گناهانشان پرسیده نمی‌شوند [و بی‌حساب دوزخ می‌روند]. (۷۸) قارون با [تجملات و] زینت‌هایش در برابر قوم خویش ظاهر شد. افرادی [از اطرافیان او] که خواستار زندگی دنیا بودند، گفتند: «ای کاش همانند آنچه به قارون داده شده است ما [نیز] داشتیم. واقعاً او بهرهٔ بزرگی [از مال دنیا] دارد». (۷۹) اما کسانی که دانش [حقیقی] یافته بودند، گفتند: «وای بر شما! برای کسی که ایمان آورده است و کارهای شایسته می‌کند، ثواب الهی بهتر است؛ و این [سخن] را کسانی جز شکیبایان نمی‌پذیرند». (۸۰) سپس قارون را همراه خانه‌اش در زمین فروبردیم؛ آنگاه هیچ گروهی نداشت که او را در برابر [عذاب] الله یاری کنند و [خود نیز] نتوانست به خویشتن یاری رساند. (۸۱) و کسانی که دیروز آرزو می‌کردند به جای او باشند، بامداد [روز بعد] می‌گفتند: «وای بر ما! گویی الله است که [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد گسترده می‌دارد و [یا] تنگ می‌گرداند. اگر الله بر ما منّت ننهاده بود، قطعاً ما را [نیز به سزای سخنانمان به ژرفای زمین] فرومی‌بُرد، ای وای! گویی کافران هرگز رستگار نمی‌شوند. (۸۲) این سرای آخرت را [فقط] برای کسانی قرار می‌دهیم که خواهان گردنکشی و فساد در زمین نیستند؛ و سرانجامِ [نیک]، از آنِ پرهیزگاران است. (۸۳) [روز قیامت،] هر کس نیکی بیاورد، [پاداشی] بهتر از آن خواهد داشت و هر کس بدی بیاورد، [بداند] کسانی که کارهای ناشایست کرده‌اند، جز [در برابر] آنچه می‌کردند کیفر نمی‌بینند. (۸۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلۡمٍ عِندِيٓۚ أَوَلَمۡ يَعۡلَمۡ أَنَّ ٱللَّهَ قَدۡ أَهۡلَكَ مِن قَبۡلِهِۦ مِنَ ٱلۡقُرُونِ مَنۡ هُوَ أَشَدُّ مِنۡهُ قُوَّةٗ وَأَكۡثَرُ جَمۡعٗا﴾
آیا قارون از این امر آگاه نشده و ندانسته است که الله تعالی با کسانی که در ظاهر و باطن از او قوی‌تر بودند و مال و افراد بیشتری برای خدمت داشتند چه کاری انجام داد، تا فریب آن‌چه را که بدان مغرور شده است نخورد. آلوسی: ۱۰/ ۳۲۶.
پرسش: الله سبحانه در مورد کسانی که فریب جسم یا مال‌شان را بخورند چه سنتی دارد؟

۲ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا﴾
﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ﴾: یعنی به احوال دنیا و آخرت، آن‌گونه که شایسته است... خواستن ثواب آخرت را به این دلیل بیان نکردند که علم به احوال دنیا و آخرت قطعاً باعث می‌شود انسان از دنیا روی بگرداند و به آخرت روی آورد، و کسانی زندگی دنیا را آرزو می‌کنند که حال دنیا و آخرت را آن‌گونه که باید نشناخته‌اند. آلوسی: ۱۰/ ۳۲۷.
پرسش: هر کس بر اساس علم، از زینت دنیا روی بگرداند و به آخرت روی آورد، هنگام فتنه‌ها از دیگران پایدارتر است. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا﴾
علما کسانی را که خواهان زندگی دنیا هستند سرزنش و نفرین نمی‌کنند؛ زیرا باید به نرمی اندرز داد تا تاثیر بیشتری بر مخاطب بگذارد و بهتر بپذیرد، اما علمای مورد نظرِ آیه از این تعجب کردند که دنیادوستان به زندگی دنیا دلبسته‌اند و از حال قارون شگفت‌زده شده‌اند و به تلاش برای کسب ثواب الله با عمل به دین و اعمال مفید توجهی ندارند، در حالی که می‌دانستند قارون بهره‌ای از فضایل دینی نبرده است. ابن عاشور: ۲۰/ ۱۸۴.
پرسش: منظور علما از گفتن ﴿وَيۡلَكُمۡ﴾ چه بود؟

۴ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَيۡلَكُمۡ ثَوَابُ ٱللَّهِ خَيۡرٞ لِّمَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗاۚ وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ﴾
﴿إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ﴾: یعنی کسانی که در برابر طلب زینت زندگی دنیا صبر کردند و پاداش بزرگ الله در قبال اعمال صالح را بر لذات و خوشی‌های دنیا ترجیح دادند، آن‌گاه در طاعت الله تلاش کردند و دست از زندگی دنیا کشیدند. طبری: ۱۹/ ۶۲۹.
پرسش: چه کسی در زمان فتنه‌ها استوار و ثابت‌قدم می‌ماند؟

۵ ﴿وَلَا يُلَقَّىٰهَآ إِلَّا ٱلصَّٰبِرُونَ﴾
یعنی: این سخنان یا نصیحت علما به قارون را نمی‌پذیرند، یا به آن عمل نمی‌کنند مگر کسانی که در برابر قضا و قدر پروردگارشان در آسایش و سختی شکیبایی می‌کنند و خودشان را به انجام طاعات وامی‌دارند، کسانی که صبر، عادت آنان شده است. برای تشویق بر همکاری، ﴿ٱلصَّٰبِرُونَ﴾ به صورت جمع آمد تا اشاره کند به این‌که دین دشوارتر از آن است که توسط یک نفر انجام شود. بقاعی: ۱۴/ ۳۵۸.
پرسش: صبر، صفت اخلاقی بزرگی است که به تعاون و همکاری نیاز دارد. نحوهٔ دلالت آیه بر این مطلب را بیان کنید.

۶ ﴿فَخَسَفۡنَا بِهِۦ وَبِدَارِهِ ٱلۡأَرۡضَ﴾
قارون به عذابی از جنس عملش گرفتار شد؛ یعنی همان‌گونه که خود را برتر از بندگان الله قرار داد، الله او را به همراه خانه و اثاث و اموالش که به آن‌ها مغرور شد به پایین‌ترین طبقه فرو برد. سعدی: ۶۲۴.
پرسش: چرا قارون با فرورفتن در زمین عذاب شد؟

۷ ﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗا﴾
در ابتدای سورهٔ قصص، قصهٔ فرعون و برتری‌جویی او در روی زمین یعنی ریاست و بزرگی و قدرت بیان شد و در پایان این سوره، قصهٔ قارون و اموالی که به او داده شده بود و عاقبت این قدرت و این مال آمد سپس فرمود: ﴿تِلۡكَ ٱلدَّارُ ٱلۡأٓخِرَةُ نَجۡعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فَسَادٗا﴾ یعنی مانند وضعیت فرعون و قارون را نمی‌خواهند. ابن تیمیه: ۵/ ۹۰.
پرسش: چرا در پایان سورهٔ قصص این دو صفت بهشتیان بیان شد که: نه برتری بر روی زمین را می‌خواهند و نه فساد را؟

إِنَّ ٱلَّذِي فَرَضَ عَلَيۡكَ ٱلۡقُرۡءَانَ لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖۚ قُل رَّبِّيٓ
أَعۡلَمُ مَن جَآءَ بِٱلۡهُدَىٰ وَمَنۡ هُوَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ﴿٨٥﴾ وَمَا كُنتَ
تَرۡجُوٓاْ أَن يُلۡقَىٰٓ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبُ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّن رَّبِّكَۖ فَلَا
تَكُونَنَّ ظَهِيرٗا لِّلۡكَٰفِرِينَ ﴿٨٦﴾ وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ
ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَۖ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ
ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۚ
كُلُّ شَيۡءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجۡهَهُۥۚ لَهُ ٱلۡحُكۡمُ وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ العَنكَبُوتِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ
لَا يُفۡتَنُونَ ﴿٢﴾ وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ ﴿٣﴾ أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ
ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَاۚ سَآءَ مَا يَحۡكُمُونَ ﴿٤﴾ مَن كَانَ يَرۡجُواْ
لِقَآءَ ٱللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ ٱللَّهِ لَأٓتٖۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ﴿٥﴾ وَمَن
جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ ٱلۡعَٰلَمِينَ ﴿٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَرَضَ	نازل کرد.
لَرَآدُّكَ إِلَىٰ مَعَادٖ	قطعاً تو را به مکانی که از آن خارج شدی - یعنی مکه - بازمی‌گرداند.
تَرۡجُوٓاْ	امید داری.
يُلۡقَىٰٓ	نازل شود.
ظَهِيرٗا	یاور.
أَن يَسۡبِقُونَا	ما را ناتوان می‌کنند و خودشان را از ما می‌رهانند.

عمل به آیات

۱. به هر طریق جایزی که می‌پسندی، به سوی الله دعوت کن، ﴿وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَ﴾

۲. الله تعالی را با این دعا بسیار بخوان: «اللَّهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندهٔ دل‌ها، دلم را بر دینت پایدار گردان»؛ زیرا پیامبر ﷺ این دعا را بسیار می‌خواند، ﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ﴾

۳. سرگذشت یکی از صحابه را که با فتنه روبه‌رو شده، مطالعه کن؛ مانند سلمان فارسی یا عمار بن یاسر رضی الله عنهما که چگونه صادق ماندند و شکیبایی به خرج دادند، ﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾

رهنمودها

۱. دوستان بد خطر بزرگی دارند و از راه الله تعالی بازمی‌دارند، ﴿وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَ﴾

۲. بنده باید از شرک بترسد؛ زیرا الله پیامبرش را از خواندن غیر الله نهی فرمود، پس دیگران به طریق اولی مصداق این نهی قرار می‌گیرند، ﴿وَلَا تَدۡعُ مَعَ ٱللَّهِ إِلَٰهًا ءَاخَرَۘ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ﴾

۳. مجاهده جایگاه والایی دارد و سبب رهایی و نجات نفس است، ﴿وَمَن جَٰهَدَ فَإِنَّمَا يُجَٰهِدُ لِنَفۡسِهِۦٓ﴾

ترجمه آیات

همان [پروردگاری] که قرآن را [نازل نمود و تبلیغ آن را] بر تو واجب کرد، قطعاً تو را به جایگاهت [در مکه] بازمی‌گرداند. بگو: «پروردگارم بهتر می‌داند چه کسی هدایت آورده است و چه کسی در گمراهیِ آشکار است». (۸۵) و [پیش از بعثت،] تو انتظار نداشتی که این کتاب [آسمانی] بر تو نازلَ شود. [این نبود،] مگر رحمتی از جانب پروردگارت. پس هرگز پشتیبان کافران نباش. (۸۶) و مبادا [کافران] تو را از [تبلیغ] آیات الهی ـ پس از آنکه بر تو نازل شد ـ بازدارند! و [مردم را] به سوی پروردگارت دعوت کن و هرگز از مشرکان نباش. (۸۷) و معبود دیگری با الله [به نیایش] نخوان. هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست. همه چیز فناپذیر است؛ مگر [ذات جاوید و] روی او. فرمانروایی [تنها] از آنِ اوست و [روز قیامت، همگی] به پیشگاه او تعالی بازگردانده می‌شوید. (۸۸)

سورهٔ عنکبوت

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف. لام. میم]. (۱) آیا مردم پنداشته‌اند همین که [به زبان] بگویند: «ایمان آوردیم»، آنان را [به حال خود] وامی‌گذارند و آزموده نمی‌شوند؟ (۲) و به راستی کسانی را که پیش از آنان بودند نیز آزمودیم و تا الله حتما کسانی را که [دربارهٔ ایمانشان] راست گفته‌اند جدا سازد و دروغگویان را [نیز] معلوم گرداند. (۳) آیا کسانی که کارهای ناشایسته می‌کنند، پنداشته‌اند که می‌توانند ما را مغلوب نمایند [و از عذابمان بگریزند]؟ چه بد داوری می‌کنند! (۴) هر کس به دیدار الله امید دارد، [بداند که] وعدهٔ الله قطعاً خواهد آمد و او تعالی شنوای داناست. (۵) و هر کس [در راه حق] بکوشد، به سود خویش کوشیده است. بی‌تردید، الله از جهانیان بی‌نیاز است. (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا يَصُدُّنَّكَ عَنۡ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بَعۡدَ إِذۡ أُنزِلَتۡ إِلَيۡكَۖ وَٱدۡعُ إِلَىٰ رَبِّكَۖ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

یعنی: سخنان و دروغ‌ها و آزارهای‌شان. به آنان توجه نکن و به کار و وظیفه‌ات بپرداز. قرطبی: ۱۶/ ۳۳۰.

پرسش: آیه چگونه بر استمرار در دعوت با وجود موانع بازدارنده دلالت دارد؟

۲ ﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ﴾

آیا مردم گمان کردند که بدون آزمایش و ابتلا رها می‌شوند؟ ﴿أَن يَقُولُوٓاْ﴾ یعنی: که چون بگویند: ﴿ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ﴾: در اموال و جان‌های‌شان آزمایش نمی‌شوند، هرگز چنین نیست بلکه قطعاً آنان را می‌آزماییم تا مخلص را از منافق و راستگو را از دروغگو مشخص کنیم. بغوی: ۳/ ۴۶۱.

پرسش: الله تعالی چرا بندگانش را می‌آزماید؟

۳ ﴿أَحَسِبَ ٱلنَّاسُ أَن يُتۡرَكُوٓاْ أَن يَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا وَهُمۡ لَا يُفۡتَنُونَ﴾

این آیه در مورد گروهی از مومنان ضعیف در مکه نازل شد که کفار قریش آنان را به سبب اسلام اذیت و شکنجه می‌کردند و آنان از این امر غمگین شدند؛ الله با نزول این آیه به آنان آرامش داد و نصیحت کرد و خبر داد که هدف این آزمایش، آن است که خودشان را بر صبر در برابر آزارها و پایداری بر ایمان آماده کنند، سپس فرمود سنت او در بندگانش چنین است که: کافران را بر مومنان مسلط می‌کند تا آنان را پاک و خالص کند و مومن راستین از مومن دروغین آشکار شود. لفظ آیه عام است و حکم آن در مورد هر کسی که با گناه یا آسیب جسمی و مالی و هر فتنهٔ دیگری گرفتار شود جاری است. ابن جزی: ۲/ ۱۵۴.

پرسش: با توجه به آیه، فواید مصیبت و آزمایش را بیان کنید.

۴ ﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾

منظور از پیشینیان آنان، پیروان مومن پیامبران هستند که در برابر انواع سختی‌ها و آزمایش‌هایی که به آنان رسید صبر کردند و به دین‌شان محکم چنگ زدند؛ الله تعالی به صراحت در مورد آنان می‌فرماید: ﴿وَكَأَيِّن مِّن نَّبِيّٖ قَٰتَلَ مَعَهُۥ رِبِّيُّونَ كَثِيرٞ فَمَا وَهَنُواْ لِمَآ أَصَابَهُمۡ فِي سَبِيلِ ٱللَّهِ وَمَا ضَعُفُواْ وَمَا ٱسۡتَكَانُواْ﴾ [آل عمران: ۱۴۶] «و چه بسیار پیامبرانی که توده‌های انبوهی همراه‌شان نبرد کردند؛ آنان هیچ‌گاه در برابر (سختی‌ها و) آن‌چه در راه الله به ایشان رسید سستی نورزیدند و (در مقابل دشمن) درمانده نشدند». آلوسی: ۳۴۰.

پرسش: یکی از سنت‌های الله تعالی آزمایش مومنان است، مومن در چنین حالتی چه وظیفه‌ای دارد؟

۵ ﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۖ فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ صَدَقُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡكَٰذِبِينَ﴾

الله قبل از آزمایش نیز از حال آنان آگاه است. پس معنای آیه بدین قرار است: الله راستگویان را از دروغگویان آشکار می‌گرداند تا علم ازلی او تعالی محقق گردد. بغوی: ۳/ ۴۶۲.

پرسش: مسلماً الله تعالی از همه‌چیز آگاه است؛ پس چرا عبارت ﴿فَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ﴾ در این‌جا بیان شد؟

۶ ﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَا﴾

یعنی: آیا کسانی که قصدشان انجام بدی‌ها و ارتکاب جرایم است پنداشتند که اعمال‌شان رها می‌شود و الله از آن‌ها غافل خواهد شد یا او را ناتوان می‌سازند؛ که باعث شد مرتکب این اعمال شوند و انجام گناهان بر آنان آسان جلوه کند. سعدی: ۶۲۶.

پرسش: چه چیزی ارتکاب گناهان و جرایم را بر بنده آسان می‌کند؟

۷ ﴿أَمۡ حَسِبَ ٱلَّذِينَ يَعۡمَلُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ أَن يَسۡبِقُونَا﴾

یعنی: هر کس به پاداش الله امید دارد، باید بر تلاش در طاعت الله شکیبایی به خرج دهد تا وقتی که با الله دیدار کند و الله به او پاداش دهد. دیدار الله به زودی فرا می‌رسد. ابن جزی: ۲/ ۱۵۵.

پرسش: شرط دستیابی به ثواب الله سبحانه چیست؟

وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ
وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٧ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ
بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ
فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨
وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ
٩ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ
فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِۖ وَلَئِن جَآءَ نَصۡرٞ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولُنَّ
إِنَّا كُنَّا مَعَكُمۡۚ أَوَلَيۡسَ ٱللَّهُ بِأَعۡلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ ٱلۡعَٰلَمِينَ
١٠ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَلَيَعۡلَمَنَّ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
١١ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّبِعُواْ سَبِيلَنَا
وَلۡنَحۡمِلۡ خَطَٰيَٰكُمۡ وَمَا هُم بِحَٰمِلِينَ مِنۡ خَطَٰيَٰهُم مِّن
شَيۡءٍۖ إِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ١٢ وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ
أَثۡقَالِهِمۡۖ وَلَيُسۡـَٔلُنَّ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ عَمَّا كَانُواْ يَفۡتَرُونَ
١٣ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ
إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ ١٤

ترجمه آیات

و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، یقیناً گناهانشان را می‌زداییم و آنان را بر اساس نیکوترین [طاعت و] کاری که انجام داده‌اند پاداش می‌دهیم. (۷) و به انسان سفارش کردیم که به پدر و مادرش نیکی نماید؛ و [گفتیم:] «اگر آن دو کوشیدند تا چیزی را که تو به آن دانشی نداری شریک من سازی، از آنان اطاعت نکن. بازگشتتان به سوی من است، آنگاه شما را از [حقیقت] آنچه می‌کردید، آگاه خواهم کرد. (۸) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، البته آنان را در [زمرۀ] شایستگان درمی‌آوریم. (۹) و برخی از مردم هستند که می‌گویند: «به الله ایمان آورده‌ایم»؛ اما هنگامی که در [راه] الله آزار می‌بینند، آزار مردم را همچون عذاب الله [سخت و جانکاه] می‌دانند [و از ایمانشان دست می‌کشند]؛ و اگر از سوی پروردگارت پیروزی [و گشایشی برایتان] پیش آید، می‌گویند: «بی‌تردید، ما [نیز] با شما همراه بودیم». آیا الله به آنچه در دل‌های جهانیان است داناتر نیست؟ (۱۰) و به راستی، الله کسانی را که ایمان آورده‌اند به خوبی می‌شناسد و یقیناً منافقان را [نیز] می‌شناسد. (۱۱) و کسانی که کفر ورزیدند به کسانی که ایمان آوردند می‌گفتند: «از راه ما پیروی کنید، و قطعاً بار گناهانتان را به عهده می‌گیریم»؛ و[لی] آنان هرگز چیزی از گناهانشان را بر عهده نخواهند گرفت. به راستی که آنان دروغگو هستند. (۱۲) و قطعاً بارِ سنگین [گناه] خود و بارهای سنگین [گناه پیروانشان] را همراه بارِ سنگین خود به دوش خواهند کشید؛ و یقیناً روز قیامت، در مورد دروغ‌هایی که می‌بافتند بازخواست خواهند شد. (۱۳) و ما نوح را به سوی قومش فرستادیم و او نهصد و پنجاه سال در میان آنان بود. آنگاه در حالی که ستمکار [و کافر] بودند طوفان [سهمگین] آنان را فراگرفت. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنۡهُمۡ سَيِّـَٔاتِهِمۡ وَلَنَجۡزِيَنَّهُمۡ أَحۡسَنَ ٱلَّذِي كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

یعنی: با نیکوترین عمل‌شان که طاعت است. بنابر قولی: بیشتر و بهتر از آن‌چه عمل کردند به آنان عطا می‌کنیم. بغوی: ۴۶۳/۳.

پرسش: مومنان نزد الله چگونه به نیکوترین کاری که انجام دادند پاداش می‌گیرند؟

❷ ﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٨ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُدۡخِلَنَّهُمۡ فِي ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

تناسب زیبا و ظریفی در این‌جا به کار رفته و آن این‌که مومن فرمان یافت اگر پدر و مادر، او را به شرک فرمان دادند از آنان اطاعت نکند و این امر سبب ایجاد فاصله و جدایی میان او و والدینش می‌شود، بنابراین الله در برابر وحشت این جدایی، این‌گونه به بنده آرامش داد که او را در شمار صالحان درمی‌آورد و با آنان انس می‌گیرد و شاد و آرام می‌شود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۱۵.

پرسش: الله تعالی بنده‌ای را که اطاعت پروردگار را بر اطاعت از مردم مقدم کند بی‌نهایت گرامی می‌دارد. این مطلب را توضیح دهید.

❸ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِ﴾

یعنی: آزار و شکنجۀ مردم را مانند عذاب الله در آخرت به شمار می‌آورد؛ یعنی: در برابر آزار مردم بی‌تابی می‌کند و شکیبایی به خرج نمی‌دهد، در نتیجه از مردم اطاعت می‌کند همان‌گونه که به سبب ترس از عذاب الله از او تعالی فرمان می‌برد. بغوی: ۳/ ۴۶۴.

پرسش: چرا منافق فتنۀ مردم را مانند عذاب الله تعالی قرار می‌دهد؟

❹ ﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ﴾

در مورد دعوتگران به کفر و گمراهی خبر می‌دهد که آنان در روز قیامت بار گناهان خودشان و بار گناهان مردم را به سبب این‌که آنان را گمراه کردند به دوش می‌کشند بدون این‌که ذره‌ای از عذاب گمراه‌شدگان کاسته شود. ابن کثیر: ۶/ ۲۲۶.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که آیا بار گناه دعوتگر به فساد، همان بار گناه مدعو گمراه‌شده است؟

❺ ﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ﴾

گناه پیرو، هم سبب عذاب خودش است و هم سبب عذاب پیشوا؛ پیرو به این سبب عذاب می‌شود که گناه را مرتکب شده و پیشوا به این دلیل که سبب انجام گناه شده و به آن دعوت داده است؛ چنان‌که اگر نیکی توسط پیرو انجام شود هم خود او به سبب انجام نیکی پاداش می‌گیرد و هم دعوتگر به این دلیل که سبب انجام نیکی شده است پاداش دریافت می‌کند. سعدی: ۶۲۷.

پرسش: نحوۀ تشویق آیه بر دعوت به سوی الله سبحانه و تعالی را بیان کنید.

❻ ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ﴾

واژۀ ﴿سَنَةٍ﴾ به این دلیل انتخاب شد که بر خلاف واژۀ (عام) بر شرایط سخت و خشکسالی اطلاق می‌شود؛ بنابراین با دوران دعوت نوح ﷺ که درد و سختی‌های زیادی را از جانب قومش تحمل کرد مناسبت دارد. آلوسی: ۱۰/ ۳۴۸.

پرسش: چرا واژۀ ﴿سَنَةٍ﴾ در آیه بیان شد؟

❼ ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا فَأَخَذَهُمُ ٱلطُّوفَانُ وَهُمۡ ظَٰلِمُونَ﴾

پس تو ای محمد، برای کسانی از قومت که به تو کفر می‌ورزند افسوس نخور و بر آن‌ها اندوه مدار؛ زیرا الله هر کس را که بخواهد هدایت و هر کس را که بخواهد گمراه می‌کند، و تمام کارها به سوی او بازمی‌گردد. ابن کثیر: ۳/ ۳۹۳.

پرسش: آیا هدایت، تنها با عقل حاصل می‌شود یا به سبب دیگری نیاز دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ	عذاب و آزار مردم بر او.
سَبِيلَنَا	دین ما.
أَثۡقَالَهُمۡ	بار گناهان‌شان.
يَفۡتَرُونَ	دروغ می‌بافند.

عمل به آیات

۱. با خریدن هدیه‌ای برای پدر و مادرت، به آنان نیکی کن، ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗا﴾

۲. کتابی برای آشنایی با فتنه‌ها بخوان، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَقُولُ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ فَإِذَآ أُوذِيَ فِي ٱللَّهِ جَعَلَ فِتۡنَةَ ٱلنَّاسِ كَعَذَابِ ٱللَّهِ﴾

۳. دوستت را نصیحت کن پیام حرامی از طریق تلفن همراه نفرستد؛ زیرا گناه تمام کسانی که تحت تأثیر آن قرار گیرند یا آن را نشر دهند بر عهدۀ او خواهد بود، ﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ﴾

رهنمودها

۱. نیکی به پدر و مادر در معروف و عدم اطاعت از آنان در امور منکر مانند شرک و معاصی، واجب است، ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حُسۡنٗاۖ وَإِن جَٰهَدَاكَ لِتُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَآۚ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

۲. هر گاه مرتکب گناهی شدی، از دعوت دیگران بر انجام آن گناه برحذر باش که مبادا گناه کسانی که در انجام این گناه با تو شریک می‌شوند بر عهدۀ تو قرار گیرد، ﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ﴾

۳. باید به صبر و تلاش پیامبران در راه دعوت اقتدا کرد، ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوۡمِهِۦ فَلَبِثَ فِيهِمۡ أَلۡفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمۡسِينَ عَامٗا﴾

سورة (العنكبوت) الجزء (۲۰) صفحة (۳۹۸)

فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ
۱۵ وَإِبۡرَٰهِيمَ إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱتَّقُوهُۖ ذَٰلِكُمۡ
خَيۡرٞ لَّكُمۡ إِن كُنتُمۡ تَعۡلَمُونَ ۱۶ إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًاۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ
وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ۱۷ وَإِن تُكَذِّبُواْ
فَقَدۡ كَذَّبَ أُمَمٞ مِّن قَبۡلِكُمۡۖ وَمَا عَلَى ٱلرَّسُولِ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ
ٱلۡمُبِينُ ۱۸ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُۥٓۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ۱۹ قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ
فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ
إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ۲۰ يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ
مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ ۲۱ وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن
وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ ۲۲ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ
أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ ۲۳

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًا	دروغ می‌بافید.
فَٱبۡتَغُواْ	بخواهید و بجویید.
بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَ	آفرینش را آغاز کرد.
تُقۡلَبُونَ	بازگردانیده می‌شوید.
بِمُعۡجِزِينَ	نجات یافته از عذاب الله به‌وسیلهٔ فرار یا هر روش دیگری.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه به تو روزی دهد، سپس در انجام سبب کسب روزی تلاش کن، ﴿فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ﴾

۲. احادیثی از مبحث «بَدْءُ الخَلْقِ؛ آغاز آفرینش» کتاب صحیح بخاری بخوان تا بزرگی قدرت الله برایت مشخص شود، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ كَيۡفَ يُبۡدِئُ ٱللَّهُ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥٓ﴾

۳. فیلم یا تصاویری مستند از مراحل آفرینش انسان ببین تا اصل آفرینش خویش را به یاد آوری، ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَ﴾

رهنمودها

۱. فقط الله تعالی است که فقر را می‌زداید و روزی را می‌نویسد و هیچ‌کس غیر او این اختیار را ندارد؛ پس او تعالی را مستقیم و بدون واسطه بخوان، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ لَكُمۡ رِزۡقٗا فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ﴾

۲. انسان، موجودی کاملاً ناتوان است و هیچ راه فراری جز ایمان و تقوا ندارد، ﴿وَمَآ أَنتُم بِمُعۡجِزِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَا فِي ٱلسَّمَآءِۖ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ مِن وَلِيّٖ وَلَا نَصِيرٖ﴾

۳. نومیدی از رحمت الله تعالی یکی از اسباب عذاب و نابودی است، ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

ترجمه آیات

او [= نوح] و سرنشینان کشتی را نجات دادیم و آن [کشتی] را نشانه‌ای برای [عبرت گرفتنِ] جهانیان قرار دادیم. (۱۵) و [یاد کن از] ابراهیم آنگاه که به قومش گفت: «الله را عبادت کنید و از او پروا کنید [که] اگر بدانید، این کار برایتان بهتر است. (۱۶) جز این نیست که به جای الله، فقط بُت‌هایی را عبادت می‌کنید و [با این کار، به الله] دروغ می‌بندید. در حقیقت، کسانی را که شما به جای الله عبادت می‌کنید، اختیار روزی‌تان را ندارند؛ پس [نعمت و] روزی را تنها از پیشگاهِ الله طلب کنید و او را عبادت کنید و شکر او را به جای آورید [که] به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۱۷) و [ای مشرکان،] اگر شما [محمد را] دروغگو بدانید، [عجیب نیست.] به راستی که برخی از امت‌های پیش از شما [نیز، پیامبران الهی را] تکذیب کردند؛ و پیامبر وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] ندارد». (۱۸) آیا ندیدند که الله چگونه آفرینش را آغاز می‌کند سپس آن را [پس از مرگش] بازمی‌گرداند؟ قطعاً این کار برای الله آسان است. (۱۹) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «در زمین بگردید و بنگرید که الله چگونه آفرینش را آغاز کرد؛ [به همین صورت نیز] زندگی دیگر را پدید می‌آورَد. بی‌تردید، الله بر هر کاری تواناست. (۲۰) او تعالی هر کس را بخواهد، عذاب می‌کند و بر هر کس که بخواهد، رحمت می‌آورد؛ و [همگی] به سویش بازگردانده می‌شوید. (۲۱) شما ـ [نه] در زمین و نه در آسمان ـ هرگز ناتوان‌کنندهٔ او تعالی نیستید و جز الله هیچ کارساز و یاوری ندارید». (۲۲) و کسانی که به آیاتِ الله و دیدار او کفر ورزیدند، آنانند که از رحمت من مأیوسند و عذاب دردناکی برایشان [در پیش] است. (۲۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَأَنجَيۡنَٰهُ وَأَصۡحَٰبَ ٱلسَّفِينَةِ وَجَعَلۡنَٰهَآ ءَايَةٗ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

هر کس بقایای کشتی نوح ؈ را مشاهده نکرده باشد با مشاهدهٔ سایر کشتی‌ها به یاد کشتی نوح ؈ می‌افتد که چگونه با وحیی از جانب الله برای نجات نوح ؈ و همراهانش ساخته شد. به‌علاوه، ساکنان آبادیِ این کشتی، به دیگران خبر می‌دهند و اخبارشان به صورت متواتر منتقل می‌شود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۲۳.

پرسش: کشتی نوح ؈ چگونه نشانه‌ای برای جهانیان قرار گرفت؟

۲ ﴿إِنَّمَا تَعۡبُدُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡثَٰنٗا وَتَخۡلُقُونَ إِفۡكًا﴾

واژهٔ ﴿أَوۡثَٰنٗا﴾ به پراکندگی اراده‌ها به سبب کثرت معبود اشاره دارد و کثرت، جدایی از یکدیگر را در پی دارد و هیچ خیری در جدایی نیست. بقاعی: ۱۴/ ۴۰۷.

پرسش: چرا واژهٔ أوثان به صورت جمع ذکر شد؟

۳ ﴿فَٱبۡتَغُواْ عِندَ ٱللَّهِ ٱلرِّزۡقَ وَٱعۡبُدُوهُ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥٓۖ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ﴾

﴿فَٱبۡتَغُواْ﴾ با صیغهٔ باب افتعال به تلاش برای کسب روزی اشاره می‌کند؛ زیرا سنت الله سبحانه بر این امر جاری است که رزق و روزی، اغلب با تلاش و کوشش بنده به دست می‌آید: این تلاش یا در عبادت و توکل است یا با تلاش ظاهری در تحصیل روزی با اسباب دنیوی، (درمانده کسی است که از هوای نفسش پیروی می‌کند و آرزوهای بزرگی از جانب الله انتظار می‌کشد). بقاعی: ۱۴/ ۴۱۲- ۴۱۳.

پرسش: آیه چگونه اشاره دارد به این‌که برای کسب روزی باید اسباب را به کار گرفت؟

۴ ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَۚ ثُمَّ ٱللَّهُ يُنشِئُ ٱلنَّشۡأَةَ ٱلۡأٓخِرَةَۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

﴿فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ بَدَأَ ٱلۡخَلۡقَ﴾: با وجود فراوانی مخلوقات و شکل و زبان و رنگ و طبع متفاوت‌شان، و به خانه‌ها و سرزمین‌ها و آثار امت‌های پیشین بنگرید که چگونه آنان را نابود کرد، تا از کمال قدرت الله آگاه شوید. قرطبی: ۱۷/ ۳۵۲.

پرسش: سه مورد از آثار قدرت الله سبحانه و تعالی را بیان کنید؟

۵ ﴿يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ﴾

یعنی به سرایی بازگردانده می‌شوید که احکام عذاب و رحمت الله بر شما جاری است، پس در این سرا طاعات را که اسباب رحمتش هستند کسب کنید و از گناهان که اسباب عذابش هستند دوری گزینید. سعدی: ۶۲۹.

پرسش: انسان مسلمان از این خبر که همه به سوی الله بازمی‌گردند چه فایده‌ای می‌برد؟

۶ ﴿يُعَذِّبُ مَن يَشَآءُ وَيَرۡحَمُ مَن يَشَآءُۖ وَإِلَيۡهِ تُقۡلَبُونَ﴾

بدین سبب ابتدا عذاب بیان شد که در مورد منکران رستاخیز بحث می‌شود که سهم‌شان در آن‌جا عذاب و مجازات است. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۳۲.

پرسش: چرا در آیه، ابتدا موضوع عذاب بیان شد؟

۷ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَلِقَآئِهِۦٓ أُوْلَٰٓئِكَ يَئِسُواْ مِن رَّحۡمَتِي وَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٌ أَلِيمٞ﴾

احتمال می‌رود نومیدی آنان در آخرت یا وضعیت آنان در دنیا مد نظر باشد؛ زیرا کافر از رحمت الله نومید است و مومن میان بیم و امید قرار دارد. ابن جزی: ۲/ ۱۵۷.

پرسش: تفاوت میان مومن و کافر در نگاه آنان به رحمت الله چیست؟

سورة (العنكبوت) الجزء (٢٠) صفحة (٣٩٩)

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ
فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٢٤﴾ وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ
فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم
بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَىٰكُمُ ٱلنَّارُ
وَمَا لَكُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٥﴾ ۞ فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌۘ وَقَالَ
إِنِّى مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّىٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ ﴿٢٦﴾
وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِ
ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ وَءَاتَيْنَٰهُ أَجْرَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَاۖ وَإِنَّهُۥ
فِى ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿٢٧﴾ وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ
إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ
مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ ﴿٢٨﴾ أَئِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلرِّجَالَ وَتَقْطَعُونَ
ٱلسَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِى نَادِيكُمُ ٱلْمُنكَرَۖ فَمَا كَانَ جَوَابَ
قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱئْتِنَا بِعَذَابِ ٱللَّهِ إِن كُنتَ مِنَ
ٱلصَّٰدِقِينَ ﴿٢٩﴾ قَالَ رَبِّ ٱنصُرْنِى عَلَى ٱلْقَوْمِ ٱلْمُفْسِدِينَ ﴿٣٠﴾

ترجمه آیات

اما پاسخ قوم او [= ابراهیم] جز این نبود که گفتند: «او را بکشید یا بسوزانید»؛ پس الله او را از آتش نجات داد. بی‌تردید، در این [رهایی از آتش،] برای گروهی که ایمان می‌آورند نشانه‌هایی [برای عبرت گرفتن] است. (۲۴) و [ابراهیم] گفت: «شما به جای الله بت‌هایی برای خود برگزیده‌اید که [مایۀ دوستی و] محبت میان شما در زندگی دنیا باشد. آنگاه روز قیامت، از یکدیگر بیزاری می‌جویید و همدیگر را لعنت می‌کنید و جایگاهتان آتش است و هیچ یاریگری نخواهید داشت». (۲۵) لوط به او ایمان آورد و [ابراهیم] گفت: «من به سوی پروردگارم [به سرزمین شام] هجرت می‌کنم. بی‌تردید، او شکست‌ناپذیرِ حکیم است». (۲۶) و اسحاق و یعقوب را به او بخشیدیم و میان فرزندانش، نبوت و کتاب [آسمانی] قرار دادیم و پاداشش را در این دنیا دادیم؛ و یقیناً او در آخرت [نیز] از شایستگان خواهد بود. (۲۷) و [یاد کن از] لوط هنگامی که به قومش گفت: «واقعاً کار بسیار زشتی می‌کنید که پیش از شما هیچ‌یک از [مردم] جهان، آن را انجام نداده است. (۲۸) آیا با مردان می‌آمیزید و [به قصد تجاوز به مسافران،] راه را می‌بندید و در محافل عمومی خود مرتکب کارهای ناپسند می‌شوید؟» پاسخ قومش جز این نبود که گفتند: «اگر راستگویی، عذاب الهی را پیش آور». (۲۹) [لوط] گفت: «پروردگارا، مرا در برابر مفسدان یاری کن». (۳۰)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ	به خاطر عبادت نمادها (بت‌ها) یکدیگر را دوست دارید و به خاطر خدمت به آن‌ها، به یکدیگر محبت می‌ورزید.
يَكْفُرُ	بیزاری می‌جوید.
وَمَأْوَىٰكُمُ	بازگشتگاه.
مُهَاجِرٌ	سرزمین قومم را به سوی سرزمین بابرکت شام ترک می‌کنم.
أَجْرَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَا	با یاد نیک و فرزند صالح و نبوت در میان نسلش.
نَادِيكُمُ	مجلس‌تان که در آن اجتماع می‌کنید.

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ﴾

زیرا حجت بر آنان اقامه و دلیل عرضه شده بود، [و چون هیچ دلیلی برای ارائه نداشتند] به استفاده از جایگاه و قدرت‌شان بازگشتند. ابن کثیر: ۳/ ۳۹۵.

پرسش: پناه‌بردن ستمکاران به استفاده از زور، بر چه امری دلالت دارد؟

❷ ﴿فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَءَايَٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

نجات ابراهیم ﷷ از آتش فقط یک آیه به شمار نرفت؛ زیرا نشانه‌ای است برای تمام افراد قومش که این رخداد را دیدند و نیز بر قدرت الله و کرامت رسولش و راستی وعده‌اش و خواری دشمنش دلالت دارد و این‌که تمام مخلوقات، چه بزرگ و چه کوچک، رام قدرت الله تعالی هستند. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۳۵.

پرسش: چرا نجات ابراهیم ﷷ از آتش توسط الله «آیات» نامیده شد نه یک آیه؟

❸ ﴿وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

هر کس که با دوستان گناهکار و نابه‌کارش در امور پست همراه باشد تا او را همنشینی نیکو و خوش اخلاق و مهربان برشمارند یا از ترس این‌که مبادا او را بدطینت و همنشین بد توصیف کنند، مصداق این حکم است. به‌علاوه، این حکم عام شامل انسان‌های امروزی می‌شود که از خشنودی فرمانروای پاداش‌دهنده دست می‌کشند تا دوست مهربان و صمیمی معرفی شوند. بقاعی: ۱۴/ ۴۲۴.

پرسش: خشنود کردن دوستان و همنشینان حدودی دارد. این حدود را بر اساس آیه مشخص کنید.

❹ ﴿وَقَالَ إِنَّمَا ٱتَّخَذْتُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ أَوْثَٰنًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَاۖ ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

از قتاده نقل شده که گفت: تمام دوستی‌های دنیایی در روز قیامت سبب دشمنی می‌شود مگر دوستی میان پرهیزگاران. طبری: ۲۰/ ۲۵.

پرسش: همنشینی با نیکان چه فایده‌ای دارد و سرانجام همنشینی با بدان چیست؟

❺ ﴿ثُمَّ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا﴾

نمادها (بت‌ها) از عبادتگزاران‌شان و رهبران از پیروان‌شان بیزاری می‌جویند و پیروان، رهبران را نفرین می‌کنند. بغوی: ۳/ ۴۶۷.

پرسش: پیروی بر معصیت الله در دنیا، چه نتیجه‌ای در روز قیامت دارد؟

❻ ﴿فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌۘ وَقَالَ إِنِّى مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّىٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾

الله تعالی بیان نکرد که قوم ابراهیم را با عذاب نابود کرده است، بلکه فرمود ابراهیم ﷷ از آنان جدا شد و از میان آنان مهاجرت کرد... اگر الله آنان را با عذاب از بین برده بود قطعاً عذاب‌شان را بیان می‌کرد همان‌گونه که نابودی امت‌های تکذیب‌کننده را ذکر کرد، اما شاید یکی از اسرار این امر آن باشد که ابراهیم خلیل ﷷ چون مهربان‌ترین و برترین و بردبارترین و بزرگ‌ترین مردم بود، همانند سایر پیامبران علیه قومش دعا نکرد... یکی از دلایل مطلب مذکور این است که: ابراهیم ﷷ در مورد نابودی قوم لوط با فرشتگان مجادله و از آنان دفاع کرد در حالی که قومش نبودند، والله أعلم بالحال. سعدی: ۶۲۹- ۶۳۰.

پرسش: بر اساس قصۀ ابراهیم ﷷ توضیح دهید که دوستان الله، مهربان‌ترین مردم به دیگران هستند.

❼ ﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

بسیاری از مفاسد هستند که مردم چون به آن‌ها عادت ندارند آن‌ها را انجام نمی‌دهند، تا این‌که یک نفر بر انجام آن پیشقدم می‌شود و دیگران عمل او را می‌بینند، در نتیجه افکار به این عمل جذب می‌شود و شهوات به آن وابسته می‌گردد. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۴۱.

پرسش: خطر بزرگ سنت بد برای گناهان را بیان کنید؟

عمل به آیات

۱. بگو: «حَسْبِيَ اللّٰهُ وَنِعْمَ الوَكِيلُ» که سبب خروج از سختی‌هاست و ابراهیم ﷷ هنگام افکنده‌شدن در آتش این سخن را گفت، ﴿فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِ﴾

۲. یکی از گناهانی را که انجام می‌دهی ترک کن یا همنشینی که تو را بر انجام بدی امر می‌کند رها کن که این کار نوعی هجرت به سوی الله تعالی به شمار می‌رود، ﴿فَـَٔامَنَ لَهُۥ لُوطٌۘ وَقَالَ إِنِّى مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّىٓۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْعَزِيزُ ٱلْحَكِيمُ﴾

۳. بر کار ناپسندی که مشاهده می‌کنی با اندرز و اقناع عقلی اعتراض کن، ﴿وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِۦٓ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ ٱلْفَٰحِشَةَ مَا سَبَقَكُم بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ ٱلْعَٰلَمِينَ﴾

رهنمودها

۱. مومن اطمینان دارد به این‌که هر کس به دین الله یاری رساند الله از او دفاع می‌کند و به او یاری می‌رساند، ﴿فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِ﴾

۲. ستمگران وقتی از آوردن دلایل ناتوان شوند از زور و قدرت کار می‌گیرند، ﴿فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِۦٓ إِلَّآ أَن قَالُواْ ٱقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ فَأَنجَىٰهُ ٱللَّهُ مِنَ ٱلنَّارِ﴾

۳. هر کس چیزی را به خاطر الله رها کند، الله بهتر از آن را در دنیا و آخرت به او می‌بخشد، ﴿وَوَهَبْنَا لَهُۥٓ إِسْحَٰقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِى ذُرِّيَّتِهِ ٱلنُّبُوَّةَ وَٱلْكِتَٰبَ وَءَاتَيْنَٰهُ أَجْرَهُۥ فِى ٱلدُّنْيَاۖ وَإِنَّهُۥ فِى ٱلْءَاخِرَةِ لَمِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

سورة (العنكبوت) الجزء (٢٠) صفحة (٤٠٠)

وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا مُهۡلِكُوٓاْ
أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِۖ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ ﴿٣١﴾
قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗاۚ قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَاۖ لَنُنَجِّيَنَّهُۥ
وَأَهۡلَهُۥٓ إِلَّا ٱمۡرَأَتَهُۥ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَلَمَّآ
أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗاۖ
وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ إِلَّا
ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ
هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ
﴿٣٤﴾ وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ
﴿٣٥﴾ وَإِلَىٰ مَدۡيَنَ أَخَاهُمۡ شُعَيۡبٗا فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ
وَٱرۡجُواْ ٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ
﴿٣٦﴾ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتۡهُمُ ٱلرَّجۡفَةُ فَأَصۡبَحُواْ فِي دَارِهِمۡ
جَٰثِمِينَ ﴿٣٧﴾ وَعَادٗا وَثَمُودَاْ وَقَد تَّبَيَّنَ لَكُم
مِّن مَّسَٰكِنِهِمۡۖ وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ
فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ ﴿٣٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلۡبُشۡرَىٰ	خبری خوش و مسرّت‌آور؛ یعنی بشارت اسحاق.
ٱلۡغَٰبِرِينَ	باقی‌ماندگان در عذاب.
وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗا	سینه‌اش تنگ شد و چون به خاطر آنان می‌ترسید اندوهگین گشت.
رِجۡزٗا	عذابی سخت.
وَلَا تَعۡثَوۡاْ	بسیار فساد نکنید.
ٱلرَّجۡفَةُ	زلزلهٔ شدید.

عمل به آیات

۱. از احوال و اخبار صالحانی که نزدیک تو هستند آگاه شو و از آنان دفاع کن، ﴿قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطٗاۚ قَالُواْ نَحۡنُ أَعۡلَمُ بِمَن فِيهَا﴾

۲. اندوه و دلتنگی دوستت را بر او آسان کن، ﴿وَلَمَّآ أَن جَآءَتۡ رُسُلُنَا لُوطٗا سِيٓءَ بِهِمۡ وَضَاقَ بِهِمۡ ذَرۡعٗاۖ وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ لَا تُؤَاخِذْنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا»؛ «یا الله! ما را به سبب کاری که افراد نادان ما انجام می‌دهند بازخواست نکن»، ﴿إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ﴾

رهنمودها

۱. ایمان و عمل صالح اسباب نجات از کیفرها هستند و پیوند زناشویی بدون این دو، هیچ سودی نمی‌رساند، ﴿وَقَالُواْ لَا تَخَفۡ وَلَا تَحۡزَنۡ إِنَّا مُنَجُّوكَ وَأَهۡلَكَ إِلَّا ٱمۡرَأَتَكَ كَانَتۡ مِنَ ٱلۡغَٰبِرِينَ﴾

۲. یادآوری روز آخرت و ترس از آن، از بزرگ‌ترین عوامل ترک گناهان است، ﴿فَقَالَ يَٰقَوۡمِ ٱعۡبُدُواْ ٱللَّهَ وَٱرۡجُواْ ٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ﴾

۳. یکی از گام‌های شیطان در گمراه‌کردن بندگان، آراستن اعمال بد است، پس تا می‌توانی از این امر برحذر باش، ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ﴾

ترجمه آیات

و هنگامی که فرستادگان ما به ابراهیم بشارت [تولد پسرش اسحاق را] دادند، به او گفتند: «ما ساکنان شهر [سَدوم] را قطعاً نابود خواهیم کرد؛ [چرا که] بی‌تردید، مردم آنجا ستمکارند». (۳۱) [ابراهیم] گفت: «لوط [نیز] در آنجاست». فرشتگان گفتند: «ما بهتر می‌دانیم چه کسانی در آنجا هستند. او و خانواده‌اش را حتماً نجات خواهیم داد؛ مگر همسرش، که از بازماندگان [در عذاب] خواهد بود». (۳۲) و چون فرستادگان ما نزد لوط آمدند، از [تصور بی‌شرمیِ قومش نسبت به] آنان نگران و دلتنگ شد؛ و [فرشتگان] گفتند: «نترس و اندوهگین نباش. ما تو و خانواده‌ات را حتماً نجات می‌دهیم؛ مگر همسرت را که از بازماندگان [در عذاب] است. (۳۳) ما بر ساکنان این شهر ـ به کیفر آنکه نافرمانی [و گناه] کرده‌اندـ عذابی از آسمان فرود می‌آوریم». (۳۴) و در حقیقت، ما از آن شهر [ویران‌شده]، نشانه [و عبرت] آشکاری، برای کسانی که می‌اندیشند باقی گذاشتیم. (۳۵) و به سوی [ساکنان] مَدیَن، برادرشان شعیب [را فرستادیم]. او گفت: «ای قوم من، الله را عبادت کنید و به روز بازپسین امیدوار باشید و در زمین به فساد [و تباهی] نکوشید». (۳۶) ولی او را دروغگو انگاشتند و زلزله سختی آنان را فراگرفت؛ آنگاه در خانه‌های خود به روی افتادند و هلاک شدند. (۳۷) و [قوم] عاد و ثمود را [نیز هلاک کردیم] و یقیناً برخی از خانه‌های [ویران‌شدهٔ] آنان برایتان نمایان است؛ و شیطان کارهایشان را در نظرشان بیاراست و آنان را از راه [حق] بازداشت؛ در حالی که [نسبت به حق و باطل] بینا بودند. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَلَمَّا جَآءَتۡ رُسُلُنَآ إِبۡرَٰهِيمَ بِٱلۡبُشۡرَىٰ قَالُوٓاْ إِنَّا مُهۡلِكُوٓاْ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِۖ إِنَّ أَهۡلَهَا كَانُواْ ظَٰلِمِينَ﴾

یکی از الطاف الله به ابراهیم ﷺ این بود که قبل از اعلام نابودی قوم لوط، به او بشارت داد؛ زیرا از بردباری ابراهیم ﷺ آگاه بود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۴۲.

پرسش: چرا اعلام بشارت، بر خبر نابودی قوم لوط مقدم شد؟

۲ ﴿إِنَّا مُنزِلُونَ عَلَىٰٓ أَهۡلِ هَٰذِهِ ٱلۡقَرۡيَةِ رِجۡزٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ بِمَا كَانُواْ يَفۡسُقُونَ﴾

از ابن عباس رضی الله عنهما روایت شده که گفت: قوم لوط غیر از فاحشه، گناهان دیگری نیز مرتکب می‌شدند؛ از جمله: به یکدیگر ستم می‌کردند و ناسزا می‌گفتند... مردان به لباس زنان و زنان به لباس مردان درمی‌آمدند، از رهگذران باج می‌گرفتند و افزون بر تمام این موارد به الله شرک می‌ورزیدند، و نخستین کسانی بودند که مرتکب لواط (آمیزش بین مردان) و سِحاق (آمیزش بین زنان) شدند. قرطبی: ۱۳/ ۳۴۲.

پرسش: با توجه به آیه، اسباب نابودی شهرها و حکومت‌ها را بیان کنید.

۳ ﴿وَلَقَد تَّرَكۡنَا مِنۡهَآ ءَايَةَۢ بَيِّنَةٗ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

یعنی: از کاری که با آنان انجام دادیم ﴿ءَايَةَۢ﴾ پندی روشن و اندرزی رسا باقی گذاشتیم ﴿لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾ برای مردمی که در دلایل و اندرزهای الله می‌اندیشند. طبری: ۲۰/ ۳۳.

پرسش: باقی‌ماندن آثار امت‌های نخستین که الله آنان را نابود کرد چه فایده‌ای دارد؟

۴ ﴿وَلَا تَعۡثَوۡاْ فِي ٱلۡأَرۡضِ مُفۡسِدِينَ﴾

یعنی: کفر نورزید که اصل تمام فسادهاست. «عثو» و «عثی» به معنای شدیدترین فساد است. قرطبی: ۱۶/ ۳۶۱.

پرسش: بزرگ‌ترین فسادی که پیامبر الله شعیب ﷺ از آن نهی کرد چیست؟

۵ ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾

﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ﴾ با وسوسه و فریبش ﴿أَعۡمَٰلَهُمۡ﴾ اعمال زشت شامل کفر و گناهان... ﴿مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾ یعنی: خردمندان؛ قدرت تشخیص میان حق و باطل را با استدلال و دقت داشتند، اما غفلت ورزیدند و تدبر نکردند. آلوسی: ۱۰/ ۳۶۲.

پرسش: مهم‌ترین راه‌های شیطان برای فریفتن مردم عالم چیست؟

۶ ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾

﴿وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾: بنابر قولی: در کفرشان صاحب بصیرت بودند و به آن تکبر می‌ورزیدند. بنابر قولی دیگر: در ایمان، صاحب بصیرت بودند اما از سر دشمنی کفر ورزیدند. ابن جزی: ۲/ ۱۵۹.

پرسش: آیا جهل سبب کفر است؟

۷ ﴿وَزَيَّنَ لَهُمُ ٱلشَّيۡطَٰنُ أَعۡمَٰلَهُمۡ فَصَدَّهُمۡ عَنِ ٱلسَّبِيلِ وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾

﴿وَكَانُواْ مُسۡتَبۡصِرِينَ﴾: به سبب ظهور دلایل، حق را از باطل شناختند... فراء می‌گوید: خردمندانی با بصیرت بودند، اما بصیرت سودی برای‌شان نداشت. قرطبی: ۱۶/ ۳۶۲.

پرسش: اگر انسان از پروردگارش نافرمانی کند آیا عقلش به او فایده می‌رساند؟

سورة (العنکبوت) الجزء (۲۰) صفحة (۴۰۱)

وَقَٰرُونَ وَفِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَۖ وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ
فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ ﴿٣٩﴾
فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦۖ فَمِنۡهُم مَّنۡ أَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِ حَاصِبٗا
وَمِنۡهُم مَّنۡ أَخَذَتۡهُ ٱلصَّيۡحَةُ وَمِنۡهُم مَّنۡ خَسَفۡنَا بِهِ
ٱلۡأَرۡضَ وَمِنۡهُم مَّنۡ أَغۡرَقۡنَاۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ
وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ﴿٤٠﴾ مَثَلُ ٱلَّذِينَ
ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ
ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ
لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٤١﴾ إِنَّ ٱللَّهَ يَعۡلَمُ مَا يَدۡعُونَ مِن
دُونِهِۦ مِن شَيۡءٖۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٤٢﴾ وَتِلۡكَ
ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ
﴿٤٣﴾ خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَةٗ لِّلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٤﴾ ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ
وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ
وَٱلۡمُنكَرِۗ وَلَذِكۡرُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُۗ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا تَصۡنَعُونَ ﴿٤٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ	نتوانستند از عذاب الله بگریزند.
أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦ	آنان را به سبب گناهان‌شان به عذاب خویش گرفتیم.
حَاصِبٗا	سنگ‌هایی از گِل متراکم و بر روی هم نهاده.
أَوۡهَنَ	سست‌ترین.
يَعۡقِلُهَآ	می‌اندیشد و می‌فهمد.

عمل به آیات

۱. از تکبر به الله پناه ببر که یکی از اسباب عدم پذیرش حق است، ﴿وَلَقَدۡ جَآءَهُم مُّوسَىٰ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱسۡتَكۡبَرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا كَانُواْ سَٰبِقِينَ﴾

۲. یکی از سوره‌های قرآن را بخوان؛ زیرا دل‌ها را روشن می‌کند و امور دنیا و دین را اصلاح می‌گرداند، ﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ﴾

۳. نمازهای پنج‌گانه را به بهترین حالت ادا کن تا مانع تو از ناپسنددانستن اعمال قلوب، مانند محبت و ترس و مانع از امور منکر ظاهری شود، ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾

رهنمودها

۱. یکی از مظاهر عدالت الله تعالی این است که هیچ‌کسی را جز به سبب اعمالش عذاب نمی‌کند، ﴿فَكُلًّا أَخَذۡنَا بِذَنۢبِهِۦ﴾

۲. بدان که الله ذره‌ای به مردم ستم نمی‌کند، بلکه فقط خود بنده است که با انجام گناهان بر خویشتن ستم می‌کند، ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

۳. علم، فضیلت بالایی دارد و یکی از اسباب بهره‌بردن از ضرب‌المثل‌هایی است که الله تعالی برای بندگان بیان می‌فرماید، ﴿وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ﴾

ترجمه آیات

و قارون و فرعون و هامان را [نیز نابود کردیم]؛ و به راستی، موسی دلایل روشن برایشان آورد؛ اما آنان در سرزمین [مصر] سرکشی کردند؛ ولی [از عذاب الهی] پیشی نگرفتند [و راه فرار نداشتند]. (۳۹) هر یک از آنان را به [کیفر] گناهشان عذاب کردیم؛ بر برخی از آنان باران سنگ فرستادیم و برخی دیگر را بانگ مرگبار فروگرفت و برخی را در زمین فروبردیم و برخی را غرق کردیم. الله هرگز به آنان ستم نکرد؛ بلکه آنان [خود] به خویشتن ستم می‌کردند. (۴۰) مَثَل کسانی که به جای الله دوستانی [از سنگ و چوب و مردگان را به عنوان شفاعتگر] برای خود برگزیده‌اند، همچون مَثَل عنکبوت است که خانه‌ای [بی‌دوام را به عنوان پناهگاه خویش] برگزیده است؛ و بی‌تردید، سست‌ترین خانه‌ها، خانهٔ عنکبوت است. اگر [مشرکان این حقیقت را] می‌دانستند، [معبودان باطل را به عبادت نمی‌گرفتند]. (۴۱) یقیناً الله هر آنچه را به جای او [به عبادت] می‌خوانند می‌داند؛ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۴۲) این مَثَل‌ها را برای مردم می‌زنیم و جز دانایان کسی آنها را درنمی‌یابد. (۴۳) الله آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفرید. بی‌تردید، در این [آفرینش،] نشانه‌ای [از قدرت الهی] برای مومنان است. (۴۴) [ای پیامبر،] آنچه را از این کتاب بر تو وحی شده است تلاوت کن و نماز برپا دار. به راستی که نماز، انسان را از گناه و زشتکاری بازمی‌دارد؛ و البته یاد الله [از هر کاری] بالاتر است؛ و الله می‌داند که چه می‌کنید. (۴۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

فراء می‌گوید: الله این مثال را برای کسانی بیان کرد که معبودانی را به جای او می‌گیرند که هیچ سود و زیانی نمی‌رسانند؛ چنان‌که خانهٔ عنکبوت در برابر گرما و سرما از او محافظت نمی‌کند... یعنی: اگر می‌دانستند که عبادت نمادها (بت‌ها) همانند انتخاب خانهٔ عنکبوت است که هیچ سودی به آنان نمی‌رساند و این‌که این، وصف آن‌ها و شیوه عبادت‌شان است. قرطبی: ۱۶/ ۳۶۳.

پرسش: وجه تشابه میان خانهٔ عنکبوت با قبرها و ضریح‌ها و بارگاه‌هایی که به جای الله عبادت می‌شوند چیست؟

۲ ﴿مَثَلُ ٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ أَوۡلِيَآءَ كَمَثَلِ ٱلۡعَنكَبُوتِ ٱتَّخَذَتۡ بَيۡتٗاۖ وَإِنَّ أَوۡهَنَ ٱلۡبُيُوتِ لَبَيۡتُ ٱلۡعَنكَبُوتِۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

مشرکان در فریب‌خوردن به آن‌چه آماده کرده‌اند شبیه عنکبوت هستند و اولیای آنان از این نظر شبیه خانهٔ عنکبوت هستند که در وقت نیاز به کسی که آن را انتخاب کرده است هیچ سودی نمی‌رساند و با کوچکترین حرکت ویران می‌شود. ابن عاشور: ۲۰/ ۲۵۲.

پرسش: وجه تشابه مشرکان و اولیای آنان با عنکبوت و خانه‌اش چیست؟

۳ ﴿وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ﴾

اسرارش را فقط کسانی می‌دانند که عقل‌شان کامل شده باشد؛ یعنی عالم و خردمند باشند. عبارت مذکور، اشاره به این دارد که کسانی که از مثال‌های قرآن فایده نمی‌برند نادان هستند؛ چه رسد به کسانی که به جای تدبر در مفاهیمش، آن را به تمسخر و استهزا می‌گیرند! ابن عاشور: ۲۰/ ۲۵۶.

پرسش: عدم تدبر در مثال‌های قرآن چه خطری به همراه دارد؟

۴ ﴿وَتِلۡكَ ٱلۡأَمۡثَٰلُ نَضۡرِبُهَا لِلنَّاسِۖ وَمَا يَعۡقِلُهَآ إِلَّا ٱلۡعَٰلِمُونَ﴾

مثال‌هایی که الله در قرآن بیان کرده است اموری بزرگ، مطالبی عالی و مسایلی بسیار مهم هستند و علما از این امر آگاه هستند؛ زیرا الله به این مسایل توجه داشته و بندگانش را بر تفکر و تدبر در آن‌ها تشویق کرده است؛ بنابراین تمام تلاش خود را برای شناخت آن‌ها به کار می‌برند. سعدی: ۶۳۱.

پرسش: چرا شناخت مثال‌ها فقط به دانایان اختصاص داده شد؟

۵ ﴿ٱتۡلُ مَآ أُوحِيَ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

تلاوت زیاد قرآن بر بصیرت در آن می‌افزاید و گنجینه‌های علمش را می‌گشاید. قرآن گرامی‌تر و بزرگ‌تر از آن است که خواننده با نخستین تلاوت، به تمام فوایدش دست یابد و حجاب از گوهر و مروارید نابش بردارد؛ بلکه هر چه خواننده، قرآن را با تدبر تکرار کند، قرآن یکی از خزاین اسرارش را به او می‌بخشد و هر چه بیشتر این کار را انجام دهد از پرتوهای نور درخشانش به او روشنایی می‌بخشد، تا این‌که خواننده به این قطع و یقین می‌رسد که شگفتی‌های قرآن قابل شمارش نیست. بقاعی: ۱۴/ ۴۴۷.

پرسش: مسلمان چه زمانی از تلاوت قرآن فایده می‌برد؟

۶ ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾

روایت شده که یکی از سلف وقتی برای نماز برمی‌خواست به لرزه می‌افتاد و رنگش زرد می‌شد. وقتی در این مورد از او سوال شد گفت: من در برابر الله تعالی می‌ایستم، این حق در برابر پادشاهان دنیا بر من وجود دارد، پس در برابر پادشاه پادشاهان چه حکمی دارد؟! چنین نمازی از فحشا و منکر بازمی‌دارد. کسی که نماز را برای رفع تکلیف و بدون خشوع و تذکر و فضایل بخواند- مانند نماز ما که برای رفع تکلیف ادا می‌کنیم- انسان را در هر جایگاهی که هست رها می‌کند. قرطبی: ۱۶/ ۳۶۷.

پرسش: چه نمازی انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد؟

۷ ﴿وَأَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَۖ إِنَّ ٱلصَّلَوٰةَ تَنۡهَىٰ عَنِ ٱلۡفَحۡشَآءِ وَٱلۡمُنكَرِ﴾

اگر نمازگزار با خشوع نماز بخواند و عظمت ذاتی را که در مقابل او ایستاده است به یاد داشته باشد، نمازش او را به توبه از فحشا و منکر می‌کشاند؛ گویی از این کار بازمی‌دارد. ابن جزی: ۲/ ۱۶۰.

پرسش: نماز در چه صورتی انسان را از فحشا و منکر بازمی‌دارد؟

سورة (العنكبوت) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٢)

۞ وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا
ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ
إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ
٤٦ وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ
ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا
يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ ٤٧ وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن
قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ
ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٤٨ بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ
أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ ٤٩ وَقَالُواْ
لَوۡلَآ أُنزِلَ عَلَيۡهِ ءَايَٰتٞ مِّن رَّبِّهِۦۚ قُلۡ إِنَّمَا ٱلۡأٓيَٰتُ عِندَ ٱللَّهِ
وَإِنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٥٠ أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ
لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٥١ قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ
شَهِيدٗاۖ يَعۡلَمُ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ
بِٱلۡبَٰطِلِ وَكَفَرُواْ بِٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ٥٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ	با حق دشمنی کردند و اعلام جنگ نمودند.
مُسۡلِمُونَ	خاضع و فروتن به طاعت.
وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ	عرب قریش.
لَوۡلَآ	چرا نه...؟
ءَايَٰتٞ	دلایل و براهینی که مشاهده کنیم؛ مانند ماده شتر صالح.

عمل به آیات

۱. امروز چند آیه از قرآن حفظ کن، ﴿بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ﴾

۲. برای گفتگو تمرین کن؛ زیرا یکی از سنت‌های پیامبران است؛ با یکی از دوستانت، با آرامش و حکمت گفتگو و محاوره کن و بکوش هنگام گفتگو به عدالت و انصاف پایبند باشی، ﴿وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡ﴾

۳. از الله تعالی بخواه تو را تسلیم اوامر و شریعتش قرار دهد، ﴿وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ﴾

رهنمودها

۱. عالم کسی است که عبادت صحیح را می‌شناسد هر چند خواندن و نوشتن نداند، ﴿وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ﴾

۲. قرآن به اوج فصاحت رسیده است، با وجود این‌که پیامبرمان که آن را آورد امی بود و خواندن و نوشتن نمی‌دانست، ﴿وَمَا كُنتَ تَتۡلُواْ مِن قَبۡلِهِۦ مِن كِتَٰبٖ وَلَا تَخُطُّهُۥ بِيَمِينِكَۖ إِذٗا لَّٱرۡتَابَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ﴾

۳. الله سبحانه احسان بزرگی به این امت اختصاص داد؛ آن‌گاه که بهترین کتاب را به دست برترین رسول به سوی آنان فرستاد، ﴿أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

ترجمه آیات

[ای مؤمنان،] با اهل کتاب جز به بهترین شیوه بحث و مناظره نکنید ـ مگر با کسانی از آنان که ستم کردند [و با شما به جنگ برخاستند] ـ و بگویید: «ما به تمام آنچه [از سوی الله] بر ما و شما نازل شده است ایمان آورده‌ایم و معبود ما و شما یکی است و ما تسلیمِ [فرمانِ] او هستیم». (۴۶) و همان گونه [که به پیامبران پیشین کتاب آسمانی فرو فرستادیم] این کتاب را [نیز] بر تو نازل کردیم؛ کسانی که [پیش از تو] به آنان کتاب [آسمانی] دادیم به این [قرآن نیز] ایمان می‌آورند و از اینان [= مشرکان قریش] کسانی هستند که به آن ایمان می‌آورند؛ و جز کافران [کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند. (۴۷) و پیش از [نزول] قرآن، تو [هرگز] هیچ کتابی نمی‌خواندی و با دست خود چیزی نمی‌نوشتی؛ وگرنه، قطعاً باطل‌اندیشان [دربارهٔ صحتِ پیامبری‌ات] تردید می‌کردند. (۴۸) بلکه آن [کتاب، شامل] آیات روشنی است که در سینهٔ دانشوران [مؤمن] جای دارد؛ و جز ستمکاران [مشرک، کسی] آیات ما را انکار نمی‌کند. (۴۹) و [مشرکان] گفتند: «چرا معجزاتی از سوی پروردگارش بر او نازل نشده است؟» بگو: «معجزات نزد الله است [و به فرمان او نازل می‌شود] و من فقط بیم‌دهنده‌ای آشکارم». (۵۰) آیا برایشان کافی نیست که ما قرآن را بر تو نازل کردیم که [پیوسته] بر آنان خوانده می‌شود؟ بی‌گمان، در این [قرآن] برای مردمی که ایمان می‌آورند، رحمت و پند است. (۵۱) بگو: «همین بس که الله میان من و شما گواه است. او تعالی آنچه را که در آسمان‌ها و زمین است می‌داند؛ و کسانی که به باطل گرویده‌اند و به الله کفر ورزیده‌اند، زیانکارانند». (۵۲)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَلَا تُجَٰدِلُوٓاْ أَهۡلَ ٱلۡكِتَٰبِ إِلَّا بِٱلَّتِي هِيَ أَحۡسَنُ إِلَّا ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مِنۡهُمۡۖ وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ وَنَحۡنُ لَهُۥ مُسۡلِمُونَ﴾

به این دلیل به مجادلهٔ نیکو با اهل کتاب سفارش شد که آنان به الله ایمان دارند و شرک نمی‌ورزند؛ بنابراین اهلیت پذیرش دلیل را دارند و احتمال منازعه و ستیز از جانب آنان وجود ندارد؛ به‌علاوه، آداب دین و کتاب‌شان روش مجادله را به آنان آموخته است؛ پس در مجادله با آنان باید به بیان دلیل بسنده کرد و سخن درشت به کار نبرد تا مبادا سبب نفرت و دوری شود. ابن عاشور: ۲۱/ ۶.

پرسش: چرا سفارش شد که مجادله با اهل کتاب به نیکی انجام شود؟

۲ ﴿وَقُولُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡنَا وَأُنزِلَ إِلَيۡكُمۡ وَإِلَٰهُنَا وَإِلَٰهُكُمۡ وَٰحِدٞ﴾

مناظرهٔ شما با آنان نباید با ایراد عیب در هیچ یک از کتب الهی یا هیچ یک از رسولان همراه شود؛ آن‌گونه که انسان جاهل هنگام مناظره به تمام باورهای درست و اشتباه طرف مقابل ایراد می‌گیرد. این امر ستم و خروج از وظیفه و آداب مناظره به شمار می‌رود. بلکه باید باورهای باطل طرف مورد مناظره را رد کرد و باورهای درستش را پذیرفت، نه این‌که چون کافر است حتی اگر حق را هم بگوید سخنش رد شود. سعدی: ۶۳۲.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که جدال با کافر بر اساس عدالت و حکمت استوار است.

۳ ﴿وَكَذَٰلِكَ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَۚ فَٱلَّذِينَ ءَاتَيۡنَٰهُمُ ٱلۡكِتَٰبَ يُؤۡمِنُونَ بِهِۦۖ وَمِنۡ هَٰٓؤُلَآءِ مَن يُؤۡمِنُ بِهِۦۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾

صیغهٔ مضارع بیان شد تا دلالت کند بر این‌که در آینده واقع خواهد شد یا بر تجدیدِ ایمانِ این گروه به قرآن دلالت کند؛ یعنی ایمانِ کسانی از آنان که ایمان آورده‌اند مستمر است و روز به روز بر تعداد مومنان افزوده می‌شود. ابن عاشور: ۲۱/ ۹.

پرسش: چرا فعل ﴿يُؤۡمِنُونَ﴾ با صیغهٔ مضارع بیان شد؟

۴ ﴿وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾

کسانی که به انکار حق و دشمنی با آن عادت دارند. این حصر برای کسانی است که به قرآن کفر می‌ورزند؛ یعنی هر کس پیروی از حق را اراده کند به آن کفر نمی‌ورزد؛ وگرنه هر کس قصد صحیحی داشته باشد قطعا به آن ایمان می‌آورد، زیرا برای هر کس که خرد دارد یا با حضور قلب گوش فرا می‌دهد، سرشار از دلایل است. سعدی: ۶۳۳.

پرسش: آیا کسی که نیت نیکی داشته باشد به قرآن کفر می‌ورزد؟

۵ ﴿بَلۡ هُوَ ءَايَٰتُۢ بَيِّنَٰتٞ فِي صُدُورِ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا ٱلظَّٰلِمُونَ﴾

حسن می‌گوید: حفظ [قرآن کریم] به امت اسلامی ارزانی داشته شده است، امت‌های پیشین فقط از رو می‌توانستند کتاب‌های‌شان را بخوانند و هنگامی که آن را می‌بستند مطالبش را حفظ نمی‌کردند، جز پیامبران. قرطبی: ۱۶/ ۳۷۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که حفظ قرآن کریم بخشش بزرگی است.

۶ ﴿أَوَلَمۡ يَكۡفِهِمۡ أَنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ يُتۡلَىٰ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحۡمَةٗ وَذِكۡرَىٰ لِقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

یعنی: چگونه درخواست نشانه می‌کنند در حالی که قرآن کریم بزرگ‌ترین نشانه است و بیشترین دلالت را بر صحت نبوت دارد، پس چرا از درخواست نشانه‌ها بازنمی‌ایستند. ابن جزی: ۲/ ۱۶۱.

پرسش: چرا نزول قرآن سخن کسی را که ادعا می‌کند قرآن را پیامبرﷺ [از جانب خودش] آورده است رد می‌کند؟

۷ ﴿قُلۡ كَفَىٰ بِٱللَّهِ بَيۡنِي وَبَيۡنَكُمۡ شَهِيدٗا﴾

الله این سخن مرا که به شما می‌گویم او مرا فرستاده است می‌داند، پس اگر بر او دروغ بگویم قطعاً از من انتقام می‌گیرد. ابن کثیر: ۳/ ۴۰۴.

پرسش: نحوهٔ گواهی الله بر راستی نبوت محمدﷺ را بیان کنید.

ترجمه آیات

و [مشرکان] به شتاب از تو درخواستِ عذاب می‌کنند؛ و اگر موعد مقرری [برای عذابشان] نبود، یقیناً عذاب [الهی] به [سراغ] آنان می‌آمد و [سرانجام] در حالی که غافلند، ناگهان به سراغشان خواهد آمد. (۵۳) و [مشرکان] به شتاب از تو درخواستِ عذاب می‌کنند، و یقیناً دوزخ بر کافران احاطه دارد. (۵۴) روزی که عذاب، از بالای سر و زیر پایشان آنان را فرامی‌گیرد و [الله به آنان] می‌فرماید: «[کیفر] آنچه را انجام می‌دادید بچشید». (۵۵) «ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، بی‌گمان، زمین من گسترده است؛ [پس برای رهایی از فشار مشرکان، هجرت کنید] و تنها مرا عبادت کنید». (۵۶) هر کسی چشندهٔ [طعم] مرگ است؛ آنگاه به سوی ما بازگردانده می‌شوید. (۵۷) و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، قطعاً آنان را در غرفه‌هایی از بهشت جای می‌دهیم که جویبارها از زیر آن جاری است. جاودانه در آن خواهند ماند. چه نیکوست پاداش عمل‌کنندگان! (۵۸) [همان] کسانی که شکیبایی ورزیدند و تنها بر پروردگارشان توکل می‌کنند. (۵۹) و چه بسیار جاندارانی که [نمی‌توانند] روزی خود را حمل [یا ذخیره] کنند. الله به آنها و شما روزی می‌دهد و او شنوای داناست. (۶۰) و اگر از آنان [= مشرکان] بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشته است؟» مسلّماً می‌گویند: «الله»؛ پس چگونه [از حق] رویگردان می‌شوند؟ (۶۱) الله [نعمت و] روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند. بی‌تردید، الله به هر چیزی داناست. (۶۲) و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان باران فرستاد و به وسیلهٔ آن، زمین را ـ پس از خشکی و خزانش ـ زنده کرد؟»، مسلّماً می‌گویند: «الله». بگو: «حمد و ستایش مخصوص الله است»؛ بلکه بیشتر آنان [در این نشانه‌ها] نمی‌اندیشند. (۶۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَوۡمَ يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۡ﴾

آتش جهنم از سایر جهات نیز جهنمیان را در بر می‌گیرد، اما عذاب را از جهات مذکور بیشتر احساس می‌کنند. ابن کثیر: ۳/ ۴۰۴.

پرسش: چرا گفته شد عذاب، کافران را از بالای سر و زیر پا فرا می‌گیرد؟

۲ ﴿وَيَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ﴾

این یک عذاب روحی است. ابن کثیر: ۳/ ۴۰۴.

پرسش: چرا سخن مذکور در جهنم به جهنمیان گفته می‌شود؟

۳ ﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ﴾

اگر عبادت پروردگارتان در یک سرزمین بر شما دشوار شده است به سرزمینی دیگر کوچ کنید؛ جایی که فقط الله عبادت شود؛ زیرا اماکن و مواضع عبادت، فراخ و گسترده هستند و معبود یگانه است. سعدی: ۶۳۴.

پرسش: چرا به مومنان خبر داده شد که زمین الله گسترده است؟

۴ ﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ ٥٦ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ﴾

الله تعالی این عبارت را برای کوچک‌شمردن جایگاه و نگرانی‌های دنیا بیان کرد؛ گویی برخی از مومنان این‌گونه به عاقبت خروج از وطن‌شان مکه نگاه می‌کردند که می‌میرند یا گرسنه می‌مانند یا حوادثی از این قبیل روی می‌دهد؛ بنابراین الله تعالی جایگاه دنیا را کوچک برشمرد. یعنی: شما قطعاً می‌میرید و به سوی ما بازگردانده می‌شوید، پس بهتر است که به طاعت الله و هجرت به سوی او و اجرای دستوراتش بشتابید. قرطبی: ۱۶/ ۳۸۲.

پرسش: کسی که می‌گوید رزق و روزی من در سرزمین گناه وجود دارد و اگر از آن‌جا هجرت کنم زنده نخواهم ماند، چه پاسخی دریافت می‌کند؟

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ غُرَفٗا تَجۡرِي مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ نِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ﴾

هدف این آیه نیز خوار و سبک‌شمردن آسیب‌هایی است که در راه الله به مومنان می‌رسد- حتی اگر به حد مرگ برسد- در برابر فضل و پاداش همیشگی الله که منتظر آنان است. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۳.

پرسش: با توجه به آیه، ناچیزبودنِ آزاری را که مومن با آن روبه‌رو می‌شود در برابر ثوابی که در انتظارش است توضیح دهید.

۶ ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

یعنی: جنبندگان ضعیفِ بی‌شماری هستند که نمی‌توانند روزیِ خود را به دوش بکشند اما الله به آنان روزی می‌دهد. هدف آیه، تقویت دل‌های مومنان است تا از هجرت به سرزمین دیگران، از فقر و گرسنگی نترسند؛ یعنی: اگر از سرزمین خویش هجرت کنید الله به شما روزی می‌دهد همان‌گونه که به حیوانات ضعیف روزی می‌رساند. ابن جزی: ۲/ ۱۶۲.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه سبب تقویت دل‌های مومنان و تزکیهٔ نفس است؟

۷ ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

﴿ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡ﴾: تفاوتی میان حریص و توکل‌کننده، خواهان و قانع و قوی و ناتوان نیست؛ تا قدرتمند مغرور نشود به این‌که نان بازویش را می‌خورد و ضعیف گمان نکند به سبب ناتوانی محروم است. قرطبی: ۱۶/ ۳۸۶.

پرسش: آیا حرص، روزی انسان را زیاد می‌کند؟

سورة (العنكبوت) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٣)

وَيَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ وَلَوۡلَآ أَجَلٞ مُّسَمّٗى لَّجَآءَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ
وَلَيَأۡتِيَنَّهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ ٥٣ يَسۡتَعۡجِلُونَكَ بِٱلۡعَذَابِ
وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةُۢ بِٱلۡكَٰفِرِينَ ٥٤ يَوۡمَ يَغۡشَىٰهُمُ ٱلۡعَذَابُ
مِن فَوۡقِهِمۡ وَمِن تَحۡتِ أَرۡجُلِهِمۡ وَيَقُولُ ذُوقُواْ مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ
٥٥ يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ
٥٦ كُلُّ نَفۡسٖ ذَآئِقَةُ ٱلۡمَوۡتِۖ ثُمَّ إِلَيۡنَا تُرۡجَعُونَ ٥٧ وَٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَنُبَوِّئَنَّهُم مِّنَ ٱلۡجَنَّةِ غُرَفٗا تَجۡرِي
مِن تَحۡتِهَا ٱلۡأَنۡهَٰرُ خَٰلِدِينَ فِيهَاۚ نِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٥٨ ٱلَّذِينَ
صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ ٥٩ وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ
رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ ٦٠ وَلَئِن
سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَ
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۖ فَأَنَّىٰ يُؤۡفَكُونَ ٦١ ٱللَّهُ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ
عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥٓۚ إِنَّ ٱللَّهَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٞ ٦٢ وَلَئِن سَأَلۡتَهُم
مَّن نَّزَّلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَحۡيَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ مِنۢ بَعۡدِ مَوۡتِهَا
لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡقِلُونَ ٦٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَجَلٞ مُّسَمّٗى	وقت عذاب‌شان که نزد الله مشخص شده است.
يَغۡشَىٰهُمُ	آنان را فرامی‌گیرد و بر آنان چیره می‌شود.
وَكَأَيِّن مِّن	چه تعداد؟
يُؤۡفَكُونَ	چگونه از ایمان بازگردانیده می‌شوند؟!
يَبۡسُطُ	می‌گشاید.
يَقۡدِرُ	محدود می‌گرداند.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه صبر به تو روزی دهد و تو را بر این کار یاری رساند، ﴿ٱلَّذِينَ صَبَرُواْ وَعَلَىٰ رَبِّهِمۡ يَتَوَكَّلُونَ﴾

۲. اوقات فعالیت خویش در روز و هفته را مشخص کن، سپس آن‌ها را میان انجام اعمال دنیا و اعمال آخرت تقسیم کن و یقین داشته باش روزی‌ات بر عهدهٔ الله است نه بر اساس تلاشت، ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

۳. در مورد مورچه‌ها و پرندگان بیندیش که چگونه الله روزی آن‌ها را به سوی‌شان می‌فرستد، سپس از او تعالی بخواه روزی حلال و پاکیزه و بابرکتی به تو عنایت کند، ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡۚ وَهُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

رهنمودها

۱. مبادا اجَلت در حالی فرا رسد که از الله نافرمانی می‌کنی، ﴿وَلَوۡلَآ أَجَلٞ مُّسَمّٗى لَّجَآءَهُمُ ٱلۡعَذَابُۚ وَلَيَأۡتِيَنَّهُم بَغۡتَةٗ وَهُمۡ لَا يَشۡعُرُونَ﴾

۲. هیچ‌کس در ترک عبادت و توحید الله معذور نیست؛ زیرا اگر در سرزمینی از این کار منع شود بر او واجب است که به سرزمینی دیگر مهاجرت کند، ﴿يَٰعِبَادِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِنَّ أَرۡضِي وَٰسِعَةٞ فَإِيَّٰيَ فَٱعۡبُدُونِ﴾

۳. غم روزی را مخور؛ زیرا الله این را برای تو تضمین کرده است، ﴿وَكَأَيِّن مِّن دَآبَّةٖ لَّا تَحۡمِلُ رِزۡقَهَا ٱللَّهُ يَرۡزُقُهَا وَإِيَّاكُمۡ﴾

وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ
ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ﴿٦٤﴾ فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ
مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ ﴿٦٥﴾
لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ وَلِيَتَمَتَّعُواْۚ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ﴿٦٦﴾
أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ
حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ ﴿٦٧﴾
وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّنِ ٱفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَوۡ كَذَّبَ بِٱلۡحَقِّ لَمَّا جَآءَهُۥٓۚ
أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡكَٰفِرِينَ ﴿٦٨﴾ وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ
فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿٦٩﴾

سُورَةُ الرُّومِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ غُلِبَتِ ٱلرُّومُ ﴿٢﴾ فِيٓ أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ وَهُم مِّنۢ
بَعۡدِ غَلَبِهِمۡ سَيَغۡلِبُونَ ﴿٣﴾ فِي بِضۡعِ سِنِينَۗ لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ
مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُۚ وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ﴿٤﴾
بِنَصۡرِ ٱللَّهِۚ يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡحَيَوَانُ	زندگی واقعی و کامل و همیشگی.
ٱلۡفُلۡكِ	کشتی‌ها.
وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ	با قتل و اسارت، به سرعت ربوده می‌شوند.
مَثۡوٗى	مسکن و قرارگاه.
غُلِبَتِ ٱلرُّومُ	فارس روم را شکست داد.
أَدۡنَى ٱلۡأَرۡضِ	نزدیک‌ترین سرزمین شام به فارس.
بِضۡعِ سِنِينَ	بضع، مدتی میان سه تا ده سال است.

عمل به آیات

۱. به سبب نعمت آرامش و امنیت از الله تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ﴾

۲. عملی را که مورد پسند الله تعالی است انجام بده، هر چند سخت باشد، ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَا﴾

۳. در راه الله تعالی انفاق کن، ﴿وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

رهنمودها

۱. امنیت در خانه‌ها و سرزمین‌ها، نعمت بزرگی است و با انجام اعمال صالح و برپایی شعایر الله حفظ می‌شود، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ﴾

۲. الله به کسی که در برابر مشرکان می‌جنگد، و با هدایت به راه او تعالی با نفسش جهاد می‌کند، بشارت داده است، ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۳. افراد و تجهیزات فراوان عامل پیروزی نیستند، بلکه پیروزی فقط در دست الله تعالی است که آن را به هر کس که بخواهد می‌بخشد، ﴿يَنصُرُ مَن يَشَآءُۖ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾

ترجمه آیات

و این زندگی دنیا [چیزی] جز سرگرمی و بازیچه نیست؛ و بی‌تردید، سرای آخرت زندگانی [راستین و همیشگی] است. اگر [کافران این حقیقت را] می‌دانستند [دل به دنیا نبسته بودند]. (۶۴) وقتی [مشرکان] در کشتی سوار می‌شوند، الله را با اخلاص می‌خوانند؛ اما چون آنان را به خشکی می‌رساند و [از خطرِ غرق‌شدن] می‌رهاند، آنگاه [باز هم] شرک می‌ورزند. (۶۵) [چنین می‌کنند] تا نسبت به نعمت‌هایی که به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند و [از لذت‌های زندگی دنیا] بهره‌مند باشند. به زودی [سرانجامِ دردناکشان را] خواهند دانست. (۶۶) آیا ندیده‌اند در حالی که مردم پیرامونشان [گرفتارِ قتل و غارت هستند و] مورد دستبرد قرار می‌گیرند، ما حرم امنی [برای مردم مکه] پدید آورده‌ایم؟ آیا [باز هم] به [معبودهای] باطل ایمان می‌آورند و نسبت به نعمت الله ناسپاسی می‌کنند؟ (۶۷) و کیست ستمکارتر از آن که بر الله دروغ می‌بندد یا حق را ـ آنگاه که به او می‌رسد ـ دروغ می‌انگارد؟ آیا در دوزخ جایگاهی برای کافران نیست؟ (۶۸) کسانی که در راه [خشنودیِ] ما می‌کوشند، قطعاً آنان را به راه‌های خویش هدایت می‌کنیم و بی‌تردید، الله با نیکوکاران است. (۶۹)

سورهٔ روم

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف. لام. میم]. (۱) رومیان [در جنگ با فارس] شکست خوردند. (۲) در نزدیک‌ترین سرزمین [مرزی شام با فارس]؛ و آنان پس از شکستشان، [در نبردی دیگر] پیروز خواهند شد؛ (۳) در چند سال [آینده]. چه قبل و چه بعد از این [پیروزی، سررشتهٔ] کار در اختیار الله است؛ و در آن روز، مؤمنان شادمان می‌گردند. (۴) [این شادی،] به خاطرِ یاری رساندنِ الله [به اهل کتاب] است؛ و او تعالی هر کس را که بخواهد یاری می‌کند و او شکست‌ناپذیرِ مهربان است. (۵)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞ﴾

اسم اشاره برای بیان تحقیر زندگی دنیا بیان شد. ابن عاشور: ۲۱/ ۳۱.

پرسش: اسم اشارهٔ (هذه) در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿وَمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَآ إِلَّا لَهۡوٞ وَلَعِبٞۚ وَإِنَّ ٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ لَهِيَ ٱلۡحَيَوَانُۚ لَوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ﴾

یعنی: چیزی است که مورد بازی و سرگرمی قرار می‌گیرد؛ به عبارتی: ثروت دنیایی که الله به ثروتمندان بخشیده است قطعاً نابود می‌شود و از بین می‌رود؛ همانند بازی‌ای که حقیقت و ثباتی ندارد. گفته شده: اگر دنیا برایت باقی بماند تو برای دنیا باقی نخواهی ماند. قرطبی: ۱۶/ ۳۸۷.

پرسش: حقیقت دنیا را آن‌گونه که آفریدگارش فرموده است بیان کنید.

۳ ﴿فَإِذَا رَكِبُواْ فِي ٱلۡفُلۡكِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ إِذَا هُمۡ يُشۡرِكُونَ﴾

سفرهای‌شان در خشکی بدون ترسی که تمام سفر را فرا گیرد انجام می‌شد؛ زیرا در قافله‌ها سفر می‌کردند و سلاح به همراه داشتند و در راه‌هایی که برای‌شان آشنا بود حرکت می‌کردند. اما در سفرهای دریایی بر اثر ترس پراکنده می‌شدند و افراد زیاد و تجهیزات قوی نمی‌توانست از آنان دفاع کند؛ بنابراین برای طلب نجات به سوی الله تضرع و زاری می‌کردند و چه بسا نمادها و بت‌های‌شان را در این هنگام نمی‌خواندند. ابن عاشور: ۲۱/ ۳۲.

پرسش: چرا ترس فقط به سفر دریایی اختصاص یافت؟

۴ ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا جَعَلۡنَا حَرَمًا ءَامِنٗا وَيُتَخَطَّفُ ٱلنَّاسُ مِنۡ حَوۡلِهِمۡۚ أَفَبِٱلۡبَٰطِلِ يُؤۡمِنُونَ وَبِنِعۡمَةِ ٱللَّهِ يَكۡفُرُونَ﴾

یعنی: حرم امنی برای‌شان قرار دادم که در آن، از اسارت و غارت و قتل در امان ماندند، و آنان را در خشکی نجات دادم چنان‌که در دریا آنان را رهانیدم، اما در خشکی شرک می‌ورزند و در دریا از شرک بازمی‌ایستادند؛ این امر، باعث تعجب از احوال متناقض آنان است. قرطبی: ۱۶/ ۳۸۹.

پرسش: تناقض مشرکان را بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿وَٱلَّذِينَ جَٰهَدُواْ فِينَا لَنَهۡدِيَنَّهُمۡ سُبُلَنَاۚ وَإِنَّ ٱللَّهَ لَمَعَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

ابوسلیمان دارانی می‌گوید: منظور از جهاد در این آیه، فقط نبرد با کافران نیست، بلکه یاری‌رساندن به دین و پاسخ به دروغ‌پردازان و سرکوب ستمکاران نیز منظور است و بزرگ‌ترین مصداق آن، امر به معروف و نهی از منکر است؛ یکی دیگر از مصادیق آن، جهاد با نفس در طاعت الله است که جهاد اکبر نامیده می‌شود. قرطبی: ۱۶/ ۳۹۰.

پرسش: آیا پاداش بزرگ هدایت، مخصوص پیکار با کافران است؟

۶ ﴿لِلَّهِ ٱلۡأَمۡرُ مِن قَبۡلُ وَمِنۢ بَعۡدُ﴾

غلبه و پیروزی به صِرف وجود اسباب حاصل نمی‌شود، بلکه باید با قضا و قدر همراه شود. سعدی: ۶۳۶.

پرسش: دلیل آمدن جملهٔ مذکور در قصهٔ فارس و روم چیست؟

۷ ﴿وَيَوۡمَئِذٖ يَفۡرَحُ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ﴾

مومنان به این دلیل از پیروزی روم بر فارس خوشحال شدند که رومیان اهل کتاب بودند، یعنی به اسلام نزدیک‌تر بودند. در مقابل، کفار قریش از پیروزی فارس بر روم خوشحال شدند به این دلیل که اهل کتاب نبودند و به آنان نزدیک‌تر بودند. ابن جزی: ۲/ ۱۶۴.

پرسش: چرا مومنان از پیروزی رومیان که کافر بودند خوشحال شدند؟

سورة (الروم) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٥)

وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ
٦ يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ
غَٰفِلُونَ ٧ أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗىۗ وَإِنَّ كَثِيرٗا
مِّنَ ٱلنَّاسِ بِلِقَآيِٕ رَبِّهِمۡ لَكَٰفِرُونَ ٨ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ
أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَأَثَارُواْ ٱلۡأَرۡضَ وَعَمَرُوهَآ أَكۡثَرَ مِمَّا
عَمَرُوهَا وَجَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ فَمَا كَانَ ٱللَّهُ
لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ ٩ ثُمَّ كَانَ
عَٰقِبَةَ ٱلَّذِينَ أَسَٰٓـُٔواْ ٱلسُّوٓأَىٰٓ أَن كَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ وَكَانُواْ
بِهَا يَسۡتَهۡزِءُونَ ١٠ ٱللَّهُ يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ ثُمَّ إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ
١١ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُبۡلِسُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ ١٢ وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن
شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ
١٣ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يَوۡمَئِذٖ يَتَفَرَّقُونَ ١٤ فَأَمَّا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَأَجَلٖ مُّسَمّٗى	وقت مشخصی که به [دیدار] الله منتهی می‌شود.
وَأَثَارُواْ	شخم زدند و کاشتند.
ٱلسُّوٓأَىٰٓ	کیفری که به نهایت بدی رسیده است.
يُبۡلِسُ	از نجات از عذاب نومید می‌شود.
يُحۡبَرُونَ	گرامی داشته می‌شوند و به آنان نعمت بخشیده می‌شود.

عمل به آیات

۱. به یک سخنرانی در توصیف بهشت و جهنم گوش بده، ﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾

۲. در مورد یکی از اعضای بدنت بیندیش که الله چگونه آن را آفریده است، و سه فایده از این تفکر و تأمل بنویس، ﴿أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِم﴾

۳. از الله تعالی بخواه شفاعت پیامبر ﷺ را نصیبت گرداند و توفیق دهد پیرو خوبی برای او باشی، ﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. علوم دنیوی‌ای را که آموخته‌ای با بزرگی و قدرت الله تعالی ارتباط بده تا از آن نفع ببری، ﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾

۲. تفکر از بزرگ‌ترین عبادات است، و هر کس تدبر به او عطا شده باشد قلبش هوشیار و بیدار است؛ زیرا او را در پیوند همیشگی با الله قرار می‌دهد، ﴿أَوَلَمۡ يَتَفَكَّرُواْ فِيٓ أَنفُسِهِمۗ مَّا خَلَقَ ٱللَّهُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَآ إِلَّا بِٱلۡحَقِّ وَأَجَلٖ مُّسَمّٗى﴾

۳. در روز قیامت هیچ شفاعتی برای مشرک نیست، ﴿وَلَمۡ يَكُن لَّهُم مِّن شُرَكَآئِهِمۡ شُفَعَٰٓؤُاْ وَكَانُواْ بِشُرَكَآئِهِمۡ كَٰفِرِينَ﴾

ترجمه آیات

[این پیروزی] وعدهٔ الله است [و] الله هرگز از وعدهٔ خود تخلف نمی‌کند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۶) آنان فقط ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از آخرت غافلند. (۷) آیا با خود نمی‌اندیشند که الله آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست، جز به‌حق و برای مدت معیّنی نیافریده است؟ بی‌تردید، بسیاری از مردم به دیدار پروردگارشان [در قیامت] باور ندارند. (۸) آیا [مشرکان] در زمین گشت و گذار نکرده‌اند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند چگونه بوده است؟ آنها بسیار نیرومندتر از اینان بودند و زمین را [برای کشاورزی و عمران،] بیش از اینان دگرگون ساختند و آباد کردند؛ و پیامبرانشان با دلایل روشن به سراغشان آمدند [اما آنان انکار کردند و نابود شدند]. الله هرگز بر آن نبود که به آنان ستم کند؛ بلکه آنان خود به خویشتن ستم می‌کردند. (۹) آنگاه سرانجامِ کسانی که بدی کرده بودند، بسیار بدتر شد؛ چرا که آیات الله را دروغ می‌انگاشتند و آنها را به تمسخر می‌گرفتند. (۱۰) الله آفرینش مخلوقات را آغاز می‌کند؛ سپس آنان را [پس از مرگشان] بازمی‌گرداند؛ آنگاه [در قیامت، همگی] به سویش بازگردانده می‌شوید. (۱۱) روزی که قیامت بر پا گردد، گناهکاران [از رحمت الهی] ناامید می‌شوند. (۱۲) [در آن روز،] مشرکان از بین معبودان خود [که عبادت می‌کردند] هیچ شفاعتگری نخواهند داشت و نسبت به معبودانشان [که آنها را همتای الله قرار داده بودند] کفر می‌ورزند. (۱۳) روزی که قیامت برپا گردد، [مردم بر اساس کارهایشان] از یکدیگر جدا می‌شوند. (۱۴) اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، در بوستانی [از بهشت] شادمان می‌گردند. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَعۡدَ ٱللَّهِۖ لَا يُخۡلِفُ ٱللَّهُ وَعۡدَهُۥ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

اضافه‌شدنِ وعده به الله اشاره به این دارد که قطعاً محقق می‌شود؛ زیرا هیچ سببی برای محقق‌نشدن وعدهٔ ذاتِ راستگو و توانا و بی‌نیاز وجود ندارد. ابن عاشور: ۲۱/ ۴۸.

پرسش: اضافه‌شدن وعده به الله تعالی چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾

شگفت است حال این دسته از مردم که بسیاری از آنان در امور دنیا به چنان تیزهوشی و فراستی دست یافته‌اند که عقل و خرد را مدهوش می‌کند و در علم اتمی و هسته‌ای و تولید وسایل نقلیه زمینی و دریایی و هوایی به اوج رسیده‌اند... با این وجود، کودن‌ترین مردم در امر دین، غافل‌ترین مردم در مورد آخرت و نادان‌ترین مردم به پیامدها هستند؛ به‌گونه‌ای که خردمندان آنان را در گمراهی و بیهودگی حیران و سرگردان دیدند... و دانستند که تمام کارها به دست الله است و حکم در عبادت، از آنِ اوست و همه‌چیز به توفیق و عدم توفیق او بازمی‌گردد؛ بنابراین از پروردگارشان ترسیدند و از او تقاضا کردند که نور عقل و ایمان را که برای‌شان بخشیده است کامل گرداند، تا این‌که به او برسند و به دیدارش نایل آیند. سعدی: ۶۳۷.

پرسش: چگونه میان علم دنیا و علم آخرت موازنه برقرار کنیم؟

۳ ﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾

حسن می‌گوید: «هر یک از آنان اگر درهم را با نوک ناخنش بردارد وزنش را بدون اشتباه می‌داند، اما نماز را نمی‌تواند به خوبی ادا کند». چنین مال اندکی در نگاه آنان فراوان و بزرگ به نظر می‌رسد، اما نزد الله ناچیز است؛ پس آن را حقیر دانست بدین سبب که آنان زندگی دنیا را همانند چهارپایان می‌فهمند و نه بیشتر؛ یعنی آن‌چه را که گمان می‌کنند مفید است با به‌کارگیری انواع حیله‌ها به سوی خود می‌کشانند و آن‌چه را که گمان می‌کنند مضر است با انواع مکر و فریب‌ها از خود دفع می‌کنند. بقاعی: ۱۵/ ۴۴- ۴۵.

پرسش: کدام علم در آخرت فایده می‌رساند؟

۴ ﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾

﴿يَعۡلَمُونَ ظَٰهِرٗا مِّنَ ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا﴾ یعنی: امور معیشت و زندگانی‌شان را؛ که می‌دانند چگونه کسب و تجارت می‌کنند، چه زمانی می‌کارند و درو می‌کنند و چگونه بنا می‌سازند و زندگی می‌کنند، ﴿وَهُمۡ عَنِ ٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ غَٰفِلُونَ﴾ نسبت به آخرت سهل‌انگاری می‌کنند، به آن جاهل هستند، در مورد آن نمی‌اندیشند و برایش عمل نمی‌کنند. بغوی: ۳/ ۴۸۸.

پرسش: علمای علوم دنیایی در چه صورتی مورد سرزنش قرار می‌گیرند؟

۵ ﴿فَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيَظۡلِمَهُمۡ وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

﴿يَظۡلِمُونَ﴾ یعنی: ستم بر خویشتن را با قرار دادن زیان در محل جلب منفعت تکرار می‌کنند؛ زیرا با عقلی که به آنان بخشیدیم تفکر نمی‌کنند تا حق را از باطل بشناسند و وقتی پوشش از آنان برداشته شد از هدایتگران روی نگردانند و هنگامی که آیات آشکار را دیدند به گمراهی بازنگردند، اما آنان از غفلت به خصومت و دشمنی جابه‌جا می‌شوند. بقاعی: ۱۵/ ۵۲.

پرسش: چرا بیکارکردن عقل، ستم به شمار می‌رود؟

۶ ﴿وَلَٰكِن كَانُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ يَظۡلِمُونَ﴾

از ستم آنان به خودشان با صیغهٔ مضارع تعبیر شد تا بر استمرار و تکرار دلالت کند و این‌که الله تعالی به آنان مهلت داد اما دست از ستم بر خویشتن نکشیدند تا این‌که آنان را به عذابش فرو گرفت. ابن عاشور: ۲۱/ ۵۸.

پرسش: استفاده از صیغهٔ مضارع برای بیان ستم مشرکان به خودشان، چه نکته‌ای در بر دارد؟

۷ ﴿فَأَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَهُمۡ فِي رَوۡضَةٖ يُحۡبَرُونَ﴾

تاثیر نعمت‌ها بر بهشتیان را بیان می‌کند. یحیی بن أبی کثیر می‌گوید: یعنی: جلسه سماع در بهشت. اوزاعی نیز چنین گفته است؛ می‌گوید: وقتی بهشتیان جلسه سماع را شروع می‌کنند تمام درختان بهشت با تسبیح و تقدیس به نواختن موسیقی می‌پردازند. قرطبی: ۱۶/ ۴۰۶.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که مومن در بهشت چه وضعیتی دارد؟

سورة (الروم) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٦)

وَأَمَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ وَكَذَّبُواْ بِـَٔايَٰتِنَا وَلِقَآيِٕ ٱلۡأٓخِرَةِ
فَأُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ١٦ فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ
وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ
وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ ١٨ يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ
ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ وَيُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ وَكَذَٰلِكَ تُخۡرَجُونَ
١٩ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ إِذَآ أَنتُم بَشَرٞ
تَنتَشِرُونَ ٢٠ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ
أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ ٢١ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ
خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ
إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ ٢٢ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم
بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ
لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ ٢٣ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ
خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ
بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ ٢٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُحۡضَرُونَ	ساکنان.
تُظۡهِرُونَ	هنگامی که وارد نیمروز می‌شوید.
لِّلۡعَٰلِمِينَ	جمع عالِم؛ یعنی کسی که صاحب علم و بصیرت است.
وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓ	جستجوی شما برای کسب روزی در روز.
خَوۡفٗا وَطَمَعٗا	از صاعقه‌ها می‌ترسید و به نزول باران امید دارید.

عمل به آیات

۱. شامگاه یا صبحگاه یا عصر یا ظهر یا در تمام این اوقات، صد مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ» بگو، ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ﴾

۲. مواردی از اذکار صبحگاه و شامگاه را که حفظ نیستی هر چه زودتر حفظ کن، ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ﴾

۳. به پدر و مادرت کمک کن به یکدیگر هدیه دهند تا محبت و مهرورزی آن‌ها به یکدیگر بیشتر شود، ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اصول تربیت: پاداش و کیفر است، ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا﴾

۲. ذکر الله در طول روز جریان دارد، ﴿فَسُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ حِينَ تُمۡسُونَ وَحِينَ تُصۡبِحُونَ ١٧ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَعَشِيّٗا وَحِينَ تُظۡهِرُونَ﴾

۳. پاک و منزه است ذاتی که صداها را با وجود اختلاف زبان‌ها می‌داند، آن‌گاه نیازها را برآورده می‌سازد و از لغزش‌ها درمی‌گذرد، ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّلۡعَٰلِمِينَ﴾

ترجمه آیات

و اما کسانی که کفر ورزیدند و آیات ما و دیدارمان در آخرت را تکذیب کردند، در عذاب [دوزخ] احضار می‌شوند. (۱۶) پس الله را به پاکی ستایش کنید، آنگاه که به شب درمی‌آیید و آن دَم که به صبح می‌رسید (۱۷) و عصرگاهان و هنگامی که به نیمروز می‌رسید؛ و حمد و ستایش در آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست. (۱۸) او تعالی [موجود] زنده را از [مادّۀ] بی‌جان [= نطفه] پدید می‌آورد و [مادّۀ] بی‌جان را از [موجود] زنده خارج می‌سازد؛ و زمین را ـ پس از خشکی و خزانش ـ زنده می‌سازد؛ و [شما نیز روز قیامت،] اینچنین برانگیخته می‌شوید. (۱۹) و [یکی دیگر] از نشانه‌های او تعالی [این] است که شما را از خاک آفرید، سپس انسان‌هایی شدید [که تولید مثل کردید و در زمین] پراکنده گشتید. (۲۰) و از [دیگر] نشانه‌های او [این] است که از جنس خود شما همسرانی برایتان آفرید تا در کنارشان آرام گیرید و در میانتان محبت و مهربانی قرار داد. بی‌گمان، در این [نعمت،] نشانه‌هایی است [از قدرت پروردگار] برای مردمی که تفکر می‌کنند. (۲۱) و از [دیگر] نشانه‌های او تعالی، آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌ها و رنگ‌های شماست. بی‌تردید، در این [امور،] نشانه‌هایی [از قدرت پروردگار] برای دانشوران است. (۲۲) و [یکی دیگر] از نشانه‌های او، خواب شما در شب و روز و تلاشتان برای بهره‌گیری از بخشش پروردگار [و تأمین معاش] است. بی‌گمان، در این امور، برای مردمی که گوش شنوا دارند، نشانه‌هایی [از قدرتِ پروردگار] است. (۲۳) و از [دیگر] نشانه‌های او [این] است که برق را برای ترس [از صاعقه] و امید [به باران]، به شما نشان می‌دهد و آبی از آسمان می‌فرستد و زمین را ـ پس از خشکی و خزانش ـ با آن زنده می‌سازد. بی‌گمان، در این امور، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی [از قدرتِ پروردگار] است. (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يُخۡرِجُ ٱلۡحَيَّ مِنَ ٱلۡمَيِّتِ وَيُخۡرِجُ ٱلۡمَيِّتَ مِنَ ٱلۡحَيِّ﴾

الله تعالی در این آیه آفرینش اشیا و اضداد آن‌ها توسط خودش را بیان می‌کند تا مردم را به کمال قدرتش راهنمایی کند. یکی از مصادیق قدرت کامل و برتر الله این است که گیاه را از دانه و دانه را از گیاه، تخم را از مرغ و مرغ را از تخم، انسان را از نطفه و نطفه را از انسان، مومن را از کافر و کافر را از مومن خارج می‌کند. ابن کثیر: ۶/ ۲۷۷.

پرسش: چه فایده‌ای از این خبر الله تعالی به دست می‌آید که اشیا و اضدادشان را آفرید؟

۲ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَنۡ خَلَقَ لَكُم مِّنۡ أَنفُسِكُمۡ أَزۡوَٰجٗا لِّتَسۡكُنُوٓاْ إِلَيۡهَا وَجَعَلَ بَيۡنَكُم مَّوَدَّةٗ وَرَحۡمَةًۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

الله تعالی میان زوجین محبت و مهربانی قرار داد تا یکدیگر را دوست بدارند و به هم مهر بورزند و هیچ لذتی، دوست‌داشتنی‌تر از این محبت دو طرفه، برای هیچ یک از زوجین نیست. ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾ در عظمت و قدرت الله می‌اندیشند. بغوی: ۳/ ۴۹۱.

پرسش: نعمت بزرگ الله تعالی با ایجاد محبت و مهربانی میان زوجین را توضیح دهید.

۳ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡ﴾

یکی از مظاهر توجه و مهربانی الله به بندگانش این است که اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها را مقدّر کرد تا تشابه واقع نشود و هرج و مرج پدید نیاید که در این صورت، بسیاری از مقاصد از دست خواهد رفت. سعدی: ۶۳۹.

پرسش: اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها، چگونه رحمت الله را برای متفکران آشکار می‌کند؟

۴ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡ﴾

تمام ساکنان زمین و بلکه تمام اهل دنیا از زمان آفرینش آدم عليه السلام توسط الله تا برپایی قیامت، همگی دارای دو چشم، دو ابرو، یک بینی، یک پیشانی و یک دهان و دو گونه هستند و هیچ یک از آنان شبیه دیگری نیست، بلکه قطعاً از طریق نشانه یا شکل یا سخن- چه آشکار باشد یا مخفی- با دیگری متفاوت است که با دقت آشکار می‌گردد؛ هر یک از آن‌ها صورتی مخصوص خودش دارد و مشابه دیگری نیست. ابن کثیر: ۶/ ۲۷۹.

پرسش: اگر انسان‌ها در آفرینش خویش بیندیشند به چه نتیجه‌ای می‌رسند؟

۵ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ خَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡ﴾

﴿وَٱخۡتِلَٰفُ أَلۡسِنَتِكُمۡ وَأَلۡوَٰنِكُمۡ﴾: زبان در دهان قرار دارد و شامل زبان‌های مختلف عربی، عجمی، ترکی و رومی می‌شود. اختلاف رنگ‌ها نیز در صورت ظاهر می‌شود که سفید و سیاه و سرخ هستند؛ هیچ‌کس را نمی‌توانی ببینی مگر این‌که میان او و دیگری تفاوت وجود دارد و این موارد به نطفه و نیز به والدین بازنمی‌گردد، بلکه باید فاعلی وجود داشته باشد که این کار را انجام دهد و می‌دانیم که این فاعل، الله تعالی است. بنابراین، اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها، قوی‌ترین دلیل بر وجود آفریننده‌ای مدبّر است. قرطبی: ۱۶/ ۴۱۳.

پرسش: اختلاف زبان‌ها و رنگ‌ها بر چه امری دلالت دارد؟

۶ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ مَنَامُكُم بِٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَسۡمَعُونَ﴾

قرار گرفتن فضل در کنار ابتغاء (طلب)، اشاره به این دارد که بنده نباید روزی را از جانب خودش و هنر خودش بداند، بلکه باید تمام آن را فضل و بخشش پروردگارش به شمار آورد. آلوسی: ۱۱/ ۳۳.

پرسش: چرا در عبارت ﴿وَٱبۡتِغَآؤُكُم مِّن فَضۡلِهِۦٓ﴾ فضل در کنار ابتغاء قرار گرفت؟

۷ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦ يُرِيكُمُ ٱلۡبَرۡقَ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَيُنَزِّلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَيُحۡيِۦ بِهِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

فایده‌بردن از آیات به صاحبان عقل اختصاص یافت؛ زیرا عقل سالم و آلوده‌نشده به بیماری دشمنی و تکبر، برای فهم دلایل و حکمت‌های مذکور کافی است. ابن عاشور: ۲۱/ ۷۹.

پرسش: چرا فایده‌بردن در این آیه به خردمندان اختصاص یافت؟

سورة (الروم) الجزء (۲۱) صفحة (۴۰۷)

وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن تَقُومَ ٱلسَّمَآءُ وَٱلۡأَرۡضُ بِأَمۡرِهِۦۚ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمۡ
دَعۡوَةٗ مِّنَ ٱلۡأَرۡضِ إِذَآ أَنتُمۡ تَخۡرُجُونَ ﴿٢٥﴾ وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ ﴿٢٦﴾ وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ﴿٢٧﴾ ضَرَبَ لَكُم مَّثَلٗا
مِّنۡ أَنفُسِكُمۡۖ هَل لَّكُم مِّن مَّا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُكُم مِّن
شُرَكَآءَ فِي مَا رَزَقۡنَٰكُمۡ فَأَنتُمۡ فِيهِ سَوَآءٞ تَخَافُونَهُمۡ
كَخِيفَتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡۚ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ
يَعۡقِلُونَ ﴿٢٨﴾ بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ
فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ ﴿٢٩﴾ فَأَقِمۡ
وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ
لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٠﴾ ۞مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ
ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ
دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ ﴿٣٢﴾

ترجمه آیات

و از نشانه‌های او [این] است که آسمان‌ها و زمین به فرمانش برپاست و [روز قیامت] هنگامی که با ندایی شما را از زمین فرامی‌خوانَد، ناگهان [همگی از گورها] بیرون می‌آیید. (۲۵) هر کس [و هر چه] در آسمان‌ها و زمین است از آنِ الله است و همگی [تسلیم و] فرمانبردارِ او هستند. (۲۶) او همان ذاتی است که آفرینش مخلوقات را آغاز می‌کند، سپس آنان را [پس از مرگشان] بازمی‌گردانَد و این کار برایش آسان‌تر [از آفرینش نخستین] است؛ و برترین صفت در آسمان‌ها و زمین برای اوست و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۷) [ای مشرکان،] الله برای شما از خودتان مثالی می‌آورد: آیا از بردگانتان کسی هست که در اموالی که به شما داده‌ایم شریکتان باشد؛ چنان که هر دو [در برخورداری از آن اموال،] یکسان باشید و همان طور که [به خاطر تصرف مال] از یکدیگر بیم دارید، از آنان نیز بیم داشته باشید؟ [حال که چنین نیست، پس چرا بندگان و مخلوقات الله را با او شریک می‌دانید؟] ما آیات خویش را برای کسانی که می‌اندیشند، اینچنین به روشنی بیان می‌کنیم. (۲۸) [دلیل شرک، کمبود دلایل توحیدی نیست؛] بلکه ستمکاران بدون علم و آگاهی، از هوی و هوس خود پیروی می‌کنند؛ پس کسی را که الله گمراه کرده است چه کسی هدایت می‌کند؟ و آنان [در برابر عذاب الهی] هیچ یاوری نخواهند داشت. (۲۹) [ای پیامبر،] حقگرایانه و خالصانه به این دین روی آور. [این آیین پاک،] اسلام است که الله فطرت مردم را بر اساس آن سرشته است. هیچ تغییری در آفرینشِ الله نیست. این است [راه راست و] دین استوار؛ ولی بیشتر مردم [حقیقت را] نمی‌دانند. (۳۰) [ای مؤمنان، به درگاه پروردگار توبه کنید و] به سوی او بازگردید و از او پروا کنید و نماز برپا دارید و از مشرکان نباشید. (۳۱) از کسانی [نباشید] که در دینشان تفرقه ایجاد کردند و دسته‌دسته شدند و هر گروهی به آنچه نزد خویش دارند خشنودند. (۳۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِۚ وَلَهُ ٱلۡمَثَلُ ٱلۡأَعۡلَىٰ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

یکی از مصادیق مثل أعلی (صفت برتر)، عزت و حکمت الله تعالی است و این دو صفت بدین سبب در آیه ذکر شدند که آثار آن‌ها در موضوع مورد بحث یعنی آغاز و بازگرداندن آفرینش آشکار می‌شود؛ عزت مقتضی بی‌نیازی مطلق است که قدرت کامل را می‌طلبد و حکمت نیز علم فراگیر را تقاضا می‌کند. ابن عاشور: ۲۱/ ۸۴.

پرسش: چرا از میان صفات الله، فقط دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ در آیه بیان شد؟

۲ ﴿وَهُوَ ٱلَّذِي يَبۡدَؤُاْ ٱلۡخَلۡقَ ثُمَّ يُعِيدُهُۥ وَهُوَ أَهۡوَنُ عَلَيۡهِ﴾

یعنی: بازگردانیدن مخلوقات پس از مرگ‌شان، از آفرینش نخستین آنان بر الله آسان‌تر است. این استدلال با توجه به ذهن و عقل مردم بیان شد؛ یعنی همان‌گونه که بر آفرینش نخستین توانا بود و شما بر آن اقرار دارید، در قدرت او بازگرداندن آفرینش، آسان‌تر و سزاوارتر است. سعدی: ۶۴۰.

پرسش: با توجه به آیه، نحوهٔ به‌کارگیری پاسخ عقلی در قرآن کریم را توضیح دهید.

۳ ﴿كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

مردمی که تعقل می‌کنند، کسانی هستند که از تکبر و اعراض به دورند و به سبب نیروی تفکر، حق و حقایق را جستجو می‌کنند؛ بنابراین بر یقین مومنان افزوده می‌شود و غافلان و کسانی که تحت تاثیر گمراهی مشرکان قرار گرفته بودند وقتی حقیقت امر با وجود چنین دلایلی برای‌شان آشکار شود، ایمان می‌آورند... این مطلب، اشاره دارد به این‌که کسانی که در شرک سرسخت شده‌اند خردمند نیستند و فایده نمی‌برند. ابن عاشور: ۲۱/ ۸۷.

پرسش: با توجه به بند فوق، مهم‌ترین صفات خردمندان را بیان کنید.

۴ ﴿كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ ٱلۡأٓيَٰتِ لِقَوۡمٖ يَعۡقِلُونَ﴾

اما کسی که نمی‌اندیشد، حتی اگر آیات برایش آشکار گردد و دلایل برای او بیان شود، عقل و خردی ندارد که آیات و دلایل را ببیند و در آن‌ها بیندیشد؛ بنابراین فقط خردمندان این اهلیت را دارند که مورد خطاب قرار گیرند. سعدی: ۶۴۰.

پرسش: چرا فقط خردمندان مورد خطاب قرار گرفتند؟

۵ ﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَاۚ لَا تَبۡدِيلَ لِخَلۡقِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ ٱلدِّينُ ٱلۡقَيِّمُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

توصیف اسلام به فطرت الله به این معناست که: اصل و اساس اعتقاد در آن، بر مقتضای فطرت عقلی استوار است، اما احکام و فروع اسلام، یا اموری فطری است یا بر اساس ادراک و شهود عقلی جاری است و یا اموری است به مصلحت انسان که منافاتی با فطرتش ندارد. ابن عاشور: ۲۱/ ۹۱.

پرسش: چرا اسلام، فطرت نامیده شد؟

۶ ﴿مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ﴾

وقتی در امور دینی که بر اساس تفاوت اجتهاد اختلاف کردند یا به سبب اختلاف در منافع، در آرا و نظرات سیاسی اختلاف ورزیدند، باید برحذر می‌شدند از این‌که این اختلاف، آنان را به گروه‌هایی پراکنده و دشمن با یکدیگر درآورد. ابن عاشور: ۲۱/ ۹۶.

پرسش: مسلمانان از این‌که اهل کتاب به سبب تفرقه سرزنش شدند، چه فایده‌ای برداشت می‌کنند؟

۷ ﴿مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ﴾

﴿شِيَعٗا﴾ یعنی: گروه‌هایی هم‌پیمان؛ که هر یک از آن‌ها با گروهی که در دین با او مشترک بود علیه گروهی که مخالف آن‌ها بود توافق می‌کردند، تا این‌که یکدیگر را تکفیر کردند و خون‌ها و اموال را مباح دانستند؛ پس مشخص می‌شود که قطعاً همگی آنان بر حق نبودند. ﴿فَرِحُونَ﴾ زیرا گمان می‌کردند که بر حق هستند و فقط آنان به حق دست یافته‌اند. بقاعی: ۱۵/ ۹۰- ۹۱.

پرسش: خطر اختلاف و جدایی در دین الله را با توجه به آیه توضیح دهید.

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فِطۡرَتَ ٱللَّهِ	به دین الله یعنی اسلام پایبند باشید.
فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَا	مردم را بر آن سرشت و آفرید.
ٱلۡقَيِّمُ	مستقیم و رساننده به خشنودی الله.
فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ	دین‌شان را تبدیل کردند و تغییر دادند، آن‌گاه به بخشی از آن عمل و بخشی دیگر از آن را رها کردند.
شِيَعٗا	گروه‌گروه و حزب‌حزب.

عمل به آیات

۱. نمازهایت را با این دعای ثابت آغاز کن: «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا، وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ» [صحیح مسلم: ۷۷۱] «از سر اخلاص به سوی ذاتی روی آوردم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورد و من از مشرکان نیستم»، ﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفٗاۚ فِطۡرَتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي فَطَرَ ٱلنَّاسَ عَلَيۡهَا﴾

۲. نماز را همراه جماعت و با خشوع و طمأنینه ادا کن تا ایمان محقق گردد، ﴿مُنِيبِينَ إِلَيۡهِ وَٱتَّقُوهُ وَأَقِيمُواْ ٱلصَّلَوٰةَ وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ﴾

۳. به الله پناه ببر و افراد پیرامونت را از پراکنده‌کردن گروه مومنان برحذر دار، ﴿مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ﴾

رهنمودها

۱. تمام هستی در برابر الله فرمانبردار و فروتن است، پس از رویگردانان و غافلان مباش، ﴿وَلَهُۥ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ كُلّٞ لَّهُۥ قَٰنِتُونَ﴾

۲. الله تعالی در مواضع بسیاری از کتابش بیان می‌فرماید که سبب رویگردانی اعراض‌کنندگان، پیروی از هوای نفس است، ﴿بَلِ ٱتَّبَعَ ٱلَّذِينَ ظَلَمُوٓاْ أَهۡوَآءَهُم بِغَيۡرِ عِلۡمٖۖ فَمَن يَهۡدِي مَنۡ أَضَلَّ ٱللَّهُۖ وَمَا لَهُم مِّن نَّٰصِرِينَ﴾

۳. یکی از عادت‌های کافران، تشتّت و پراکندگی است، مبادا شبیه آنان باشی، ﴿وَلَا تَكُونُواْ مِنَ ٱلۡمُشۡرِكِينَ ﴿٣١﴾ مِنَ ٱلَّذِينَ فَرَّقُواْ دِينَهُمۡ وَكَانُواْ شِيَعٗاۖ كُلُّ حِزۡبِۭ بِمَا لَدَيۡهِمۡ فَرِحُونَ﴾

سورة (الروم) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٨)

وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرّٞ دَعَوۡاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم
مِّنۡهُ رَحۡمَةً إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ ٣٣ لِيَكۡفُرُواْ بِمَآ
ءَاتَيۡنَٰهُمۡۚ فَتَمَتَّعُواْ فَسَوۡفَ تَعۡلَمُونَ ٣٤ أَمۡ أَنزَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ
سُلۡطَٰنٗا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُواْ بِهِۦ يُشۡرِكُونَ ٣٥ وَإِذَآ أَذَقۡنَا
ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ
إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ ٣٦ أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ
وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ ٣٧ فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ
حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ
وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ٣٨ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا
لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن
زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ ٣٩
ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُمۡ ثُمَّ رَزَقَكُمۡ ثُمَّ يُمِيتُكُمۡ ثُمَّ يُحۡيِيكُمۡۖ هَلۡ مِن
شُرَكَآئِكُم مَّن يَفۡعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن شَيۡءٖۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ
عَمَّا يُشۡرِكُونَ ٤٠ ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ
أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ٤١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَقۡنَطُونَ	از دفع بلا نومید می‌شوند.
يَبۡسُطُ	می‌گشاید.
وَيَقۡدِرُ	محدود می‌گرداند.
رِّبٗا	قرض مال به قصد ربای حرام.
لِّيَرۡبُوَاْ	تا افزایش یابد.

عمل به آیات

۱. به دیدار یکی از نزدیکانت برو یا با او تماس تلفنی برقرار کن، و از حالش باخبر شو، ﴿فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

۲. به یک مسکین صدقه بده یا او را به منزل دعوت و به نیکویی از او پذیرایی کن، ﴿فَـَٔاتِ ذَا ٱلۡقُرۡبَىٰ حَقَّهُۥ وَٱلۡمِسۡكِينَ وَٱبۡنَ ٱلسَّبِيلِۚ ذَٰلِكَ خَيۡرٞ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ﴾

۳. با ارسال پیامی، آسیب‌های ربا یا گناهان اجتماعی و غیر آن‌ها را بیان کن، ﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

رهنمودها

۱. گشایش و محدودیت رزق و روزی، بر اساس حکمت و تدبیر الله تعالی است و فقط مومنان این موضوع را درک می‌کنند، ﴿أَوَلَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يُؤۡمِنُونَ﴾

۲. در انفاق‌هایت اخلاص داشته باش که هر صدقه‌ای پذیرفته نمی‌شود، ﴿وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ﴾

۳. هر گاه مصیبتی واقع شد یا غم و اندوهی فرا رسید، گناهی را که قبل از آن انجام شده است به یاد آور، ﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که به مردم [رنج و] زیانی برسد، زاری‌کنان پروردگارشان را می‌خوانند؛ سپس چون [الله] رحمتی از جانب خویش به آنان بچشاند [و گره از کارشان بگشاید]، آنگاه گروهی از آنان به پروردگارشان شرک می‌آورند (۳۳) تا به آنچه که به آنان داده‌ایم ناسپاسی کنند. [از لذت‌های دنیوی] بهره بگیرید که به زودی [نتیجهٔ کردارتان را] خواهید دانست. (۳۴) آیا [در کتاب‌های آسمانی] دلیل محکمی بر آنان نازل کرده‌ایم که از [درستیِ] آنچه به او [= الله] شرک ورزیده‌اند سخن می‌گوید [و این کار را تأیید می‌کند]؟ (۳۵) وقتی رحمتی به مردم بچشانیم، از آن [بیش از حد] شاد می‌گردند [و تکبر می‌ورزند] و اگر به سزای کارهایی که می‌کردند رنج و مصیبتی به آنان برسد، [از رحمت الهی و دفع بلا] ناامید می‌شوند. (۳۶) آیا ندیدند که الله [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند؟ بی‌گمان، در این [گشایش و سختی،] نشانه‌هایی [از لطف و رحمت پروردگار،] برای مؤمنان است. (۳۷) حقِ [صلهٔ رَحِم] خویشاوند و [صدقه و زکاتِ] مستمند و درراه‌مانده را ادا کن. این [کار] برای کسانی که [خشنودی] الله را می‌طلبند بهتر است و آنان همان رستگارانند. (۳۸) آنچه از اموال [خود، که به قصد] ربا به مردم می‌دهید تا [با پس گرفتنِ آن به میزان بیشتری بر اموالتان] افزوده گردد، نزد الله افزایش نمی‌یابد و[لی] آنچه برای خشنودی الله [به عنوان] زکات می‌پردازید، [برکت و افزایش می‌یابد] و [کسانی که چنین می‌کنند] اینانند که پاداششان [نزد الله] چند برابر می‌گردد. (۳۹) الله است که شما را آفرید و روزی داد؛ آنگاه شما را می‌میراند و باز [در قیامت] زنده می‌کند. آیا در میان شریکانتان کسی هست که چیزی از این [کارها] را انجام دهد؟ او تعالی منزّه است و از چیزهایی که [با وی] شریک می‌سازند برتر است. (۴۰) به سبب گناهانی که مردم مرتکب شده‌اند، فساد [و تباهی] در خشکی و دریا آشکار گشته است تا [الله] جزای برخی از اعمالشان را به آنان بچشاند؛ باشد که [به سوی حق] بازگردند. (۴۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذَا مَسَّ ٱلنَّاسَ ضُرّٞ دَعَوۡاْ رَبَّهُم مُّنِيبِينَ إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنۡهُ رَحۡمَةً إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ﴾

یعنی: هر گاه بیماری و سختی و آسیب دیگری به این کافران رسد پروردگارشان را می‌خوانند؛ به عبارتی: برای زدودن آسیبی که به آنان رسیده است از الله یاری می‌خواهند، در حالی که فقط به سوی او روی آورده‌اند و نمادها (بت‌ها) را رها کرده‌اند؛ زیرا می‌دانند که هیچ کاری از دست نمادها (بت‌ها) بر نمی‌آید. ﴿ثُمَّ إِذَآ أَذَاقَهُم مِّنۡهُ رَحۡمَةً﴾ یعنی: هر گاه سلامتی و عافیتی به آنان ببخشیم، ﴿إِذَا فَرِيقٞ مِّنۡهُم بِرَبِّهِمۡ يُشۡرِكُونَ﴾ یعنی: در عبادت شرک می‌ورزند. قرطبی: ۴۳۳/۱۶.

پرسش: الله کسی‌که او تعالی را در سختی یاد می‌کند اما در آسانی فراموشش می‌کند تقبیح کرد. این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَإِذَآ أَذَقۡنَا ٱلنَّاسَ رَحۡمَةٗ فَرِحُواْ بِهَاۖ وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ﴾

در مورد رحمت، واژهٔ ﴿إِذَآ﴾ و در مورد شر عبارت ﴿وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ﴾ آمد؛ زیرا (إذا) در وقوع شرط، قطعی است بر خلاف (إن) که برای شک در وقوع شرط می‌آید. این امر، اشاره دارد به این‌که خیری که به بندگان می‌رسد بیشتر از شری است که دریافت می‌کنند. ابن جزی: ۱۶۹/۲.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر این امر که خیر، بیشتر از شر به بندگان می‌رسد را توضیح دهید.

۳ ﴿وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ﴾

چون مصیبت‌ها بر اثر گناهان نازل می‌شود، برای آگاه‌کردن از این امر و دفع نومیدی آنان ـ در حالی که از گناهان که سبب عذاب‌شان است دست نمی‌کشند ـ فرمود: ﴿بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ﴾. بقاعی: ۱۵/ ۹۵.

پرسش: برخی آثار زیانبار گناهان را برشمارید.

۴ ﴿وَإِن تُصِبۡهُمۡ سَيِّئَةُۢ بِمَا قَدَّمَتۡ أَيۡدِيهِمۡ إِذَا هُمۡ يَقۡنَطُونَ﴾

تا به آنان هشدار دهد که سبب حالت بد و ناپسند آنان در دنیا، اعمال‌شان است که الله آن‌ها را اسباب موثری قرار داده است و فقط او تعالی به اسرار و جزئیات این امر آگاه است؛ بنابراین مردم فقط وظیفه دارند که خودشان را مورد محاسبه قرار دهند، از اسباب مصیبت‌ها بکاهند و گذشته را جبران کنند که این کار بهتر باعث نجات آنان از مصیبت و دفع نومیدی می‌شود. این مورد یکی از بزرگ‌ترین آداب قرآن کریم است؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿مَّآ أَصَابَكَ مِنۡ حَسَنَةٖ فَمِنَ ٱللَّهِۖ وَمَآ أَصَابَكَ مِن سَيِّئَةٖ فَمِن نَّفۡسِكَ﴾ [النساء: ۷۹]؛ «آن‌چه از نیکی‌ها به تو رسد؛ پس از جانب الله است، و آن‌چه از بدی به تو رسد؛ از جانب خود توست». ابن عاشور: ۲۱/ ۱۰۱.

پرسش: سبب مصیبت‌های انسان در دنیا چیست؟

۵ ﴿وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن رِّبٗا لِّيَرۡبُوَاْ فِيٓ أَمۡوَٰلِ ٱلنَّاسِ فَلَا يَرۡبُواْ عِندَ ٱللَّهِۖ وَمَآ ءَاتَيۡتُم مِّن زَكَوٰةٖ تُرِيدُونَ وَجۡهَ ٱللَّهِ فَأُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡمُضۡعِفُونَ﴾

شعبی می‌گوید: معنای آیه چنین است: کمک و خدمتی که انسان به دیگری می‌کند تا در دنیا فایده ببرد؛ این نفع چون در برابر خدمت قرار می‌گیرد نزد الله افزون نمی‌شود. قرطبی: ۴۳۸/۱۶.

پرسش: آیا بنده از کمک به دیگران در صورتی که فقط به اجر دنیوی امید داشته باشد پاداش می‌گیرد؟

۶ ﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ لِيُذِيقَهُم بَعۡضَ ٱلَّذِي عَمِلُواْ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

پاک و منزّه است الله که در بلا و کیفر نیز به بندگان بخشش و احسان می‌کند، وگرنه اگر آنان را در قبال تمام گناهان‌شان مجازات می‌کرد هیچ جنبده‌ای نه در خشکی و نه در آب باقی نمی‌ماند. سعدی: ۶۴۳.

پرسش: نعمت و بخشش الله سبحانه و تعالی حتی در مصیبت‌ها نیز جاری است. این مطلب را توضیح دهید.

۷ ﴿ظَهَرَ ٱلۡفَسَادُ فِي ٱلۡبَرِّ وَٱلۡبَحۡرِ بِمَا كَسَبَتۡ أَيۡدِي ٱلنَّاسِ﴾

فساد در خشکی با قحطی و فتنه‌ها و شبیه این موارد، و در دریا با غرق‌شدن و شکار اندک و کساد تجارت‌ها و چنین کیفرهایی آشکار می‌شود. سبب تمام این فسادها، کفر و نافرمانی مردم است. ابن جزی: ۲/ ۱۶۹.

پرسش: ظهور فساد چه نشانه‌هایی دارد؟ سبب آن چیست؟

سورة (الروم) الجزء (٢١) صفحة (٤٠٩)

قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ
كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ ﴿٤٢﴾ فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ مِن
قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۖ يَوۡمَئِذٖ يَصَّدَّعُونَ ﴿٤٣﴾ مَن
كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِأَنفُسِهِمۡ يَمۡهَدُونَ ﴿٤٤﴾
لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ
ٱلۡكَٰفِرِينَ ﴿٤٥﴾ وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم
مِّن رَّحۡمَتِهِۦ وَلِتَجۡرِيَ ٱلۡفُلۡكُ بِأَمۡرِهِۦ وَلِتَبۡتَغُواْ مِن فَضۡلِهِۦ وَلَعَلَّكُمۡ
تَشۡكُرُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم
بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمۡنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ
ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿٤٧﴾ ٱللَّهُ ٱلَّذِي يُرۡسِلُ ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَيَبۡسُطُهُۥ
فِي ٱلسَّمَآءِ كَيۡفَ يَشَآءُ وَيَجۡعَلُهُۥ كِسَفٗا فَتَرَى ٱلۡوَدۡقَ يَخۡرُجُ مِنۡ
خِلَٰلِهِۦۖ فَإِذَآ أَصَابَ بِهِۦ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ
﴿٤٨﴾ وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡهِم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمُبۡلِسِينَ
﴿٤٩﴾ فَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ ءَاثَٰرِ رَحۡمَتِ ٱللَّهِ كَيۡفَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ
إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ ﴿٥٠﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «در زمین بگردید تا ببینید سرانجامِ کسانی که پیش از شما بودند چگونه بوده است؛ بیشتر آنان مشرک بودند [و به همین سبب هلاک شدند]». (۴۲) به سوی دین مستقیم [و پایدار] روی آور پیش از آنکه روزی از جانب الله فرارسد که برگشت‌ناپذیر است [و قطعاً واقع می‌گردد]. در آن روز، [مردم] پراکنده می‌شوند [سپس گروهی به بهشت می‌روند و گروهی به دوزخ]. (۴۳) هر کس کفر بورزد، کفرش به زیان [خودِ] اوست و هر کس کاری شایسته انجام دهد، [بهشت را] برای خود آماده می‌سازند. (۴۴) تا [الله] کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، از فضل خود پاداش دهد. بی‌تردید، او تعالی کافران را دوست ندارد. (۴۵) از نشانه‌های [قدرتِ] او این است که بادهای بشارت‌بخش را [با مژدهٔ باران] می‌فرستد تا از رحمت خویش به شما بچشاند و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند تا از بخشش او [روزی] بجویید؛ باشد که شکر به جای آورید. (۴۶) و در حقیقت، پیش از تو [نیز] پیامبرانی را به سوی قومشان فرستادیم و آنان با دلایل روشن نزدشان آمدند [ولی آن دلایل را تکذیب کردند]؛ سپس از کسانی که مرتکب گناه شده بودند انتقام گرفتیم [و مؤمنان را نجات دادیم] و یاری‌دادن مؤمنان [حقی] بر عهدهٔ ما است. (۴۷) الله است که بادها را روانه می‌کند و [آنها نیز تودهٔ] ابری را به حرکت درمی‌آورند و [الله] آنها را چنان که می‌خواهد در [پهنهٔ] آسمان می‌گستراند و به صورت پاره‌هایی درمی‌آورَد و باران را می‌بینی که از میان آن [ابرها] بیرون می‌آید؛ و چون [پروردگار مهربان] این [بارانِ حیات‌بخش] را به هر یک از بندگانش که بخواهد فروبارَد، آنگاه است که شادمان می‌شوند. (۴۸) و قطعاً پیش از آنکه بر آنان ببارد، [آری] پیش از آن، ناامید بودند. (۴۹) پس به آثار رحمت الهی بنگر که چگونه زمین را پس از خشکی و خزانش زنده می‌کند. به راستی، اوست که یقیناً زندگی‌بخشِ مردگان است و او تعالی بر هر چیزی تواناست. (۵۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

فرمان گردش در زمین هم گردش بدن و هم گردش قلب را برای دقت و تفکر به عواقب گذشتگان را شامل می‌شود. سعدی: ۶۴۳.

پرسش: آیا گردش در زمین برای تفکر، منحصر در سفر است؟

❷ ﴿فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ﴾

پس برحذر باشید از این‌که کار آنان را انجام دهید و دنباله‌روی آنان باشید؛ زیرا عدالت و حکمت الله در تمام زمان‌ها و مکان‌ها جاری است. سعدی: ۶۴۳.

پرسش: انسان از تفکر به عاقبت گذشتگان چه فایده‌ای می‌برد؟

❸ ﴿قُلۡ سِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَٱنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلُۚ كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ﴾

عبارت ﴿كَانَ أَكۡثَرُهُم مُّشۡرِكِينَ﴾ بر این امر دلالت دارد که فقط شرک سبب نابودی همگی آنان نبود، بلکه سبب هلاکت اکثر آنان بود و افراد کمتری از آنان بر اثر گناهان دیگر به هلاکت رسیدند. نیز می‌تواند بر این امر دلالت کند که عاقبتِ بدشان به سبب آشکار شدن و غلبهٔ شرک در میان آنان بود که در این صورت، بیانگر این تهدید است که شرک فتنهٔ بزرگی است و عذاب آن به ستمکاران اختصاص ندارد. آلوسی: ۱۱/ ۴۹.

پرسش: اسباب نابودی امت‌ها چیست؟ بزرگ‌ترین آن‌ها کدام است؟

❹ ﴿إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

با وجود این‌که کافران را دوست ندارد اما در مورد آنان عادل است و بر آنان ستم نمی‌کند. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۰.

پرسش: آیا عدم محبت، ستم را روا می‌گرداند؟

❺ ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ﴾

از رحمت خود بارانی بر شما می‌فرستد که سرزمین‌ها و بندگان با آن زنده می‌شوند، و با چشیدن (بهره‌مندی) از رحمتش، می‌دانید که رحمت الله تعالی بندگان را نجات می‌دهد و روزی‌شان را جلب می‌کند؛ بنابراین بر انجام بیشتر اعمال صالح بکوشید که درِ گنجینه‌های رحمت را به روی شما می‌گشاید. سعدی: ۶۴۳.

پرسش: انسان مسلمان هنگام چشیدن رحمت الله سبحانه و تعالی چگونه اثر می‌پذیرد؟

❻ ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مِن قَبۡلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوۡمِهِمۡ فَجَآءُوهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَٱنتَقَمۡنَا مِنَ ٱلَّذِينَ أَجۡرَمُواْۖ وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ و نجات‌دادن آنان از عذاب. آیه بشارتی است برای پیامبر ﷺ بر دستیابی به عاقبتِ نیکو و پیروزی بر دشمنان. حسن می‌گوید: الله آنان را همراه رسولان از عذاب امت‌ها نجات داد. بغوی: ۳/ ۵۰۰.

پرسش: بر اساس آیه به این سوال پاسخ دهید که آیا برای مومن جایز است به سبب تسلط پیروان باطل در زمانی طولانی، نومید شود؟

❼ ﴿وَإِن كَانُواْ مِن قَبۡلِ أَن يُنَزَّلَ عَلَيۡهِم مِّن قَبۡلِهِۦ لَمُبۡلِسِينَ ﴿٤٩﴾ فَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ ءَاثَٰرِ رَحۡمَتِ ٱللَّهِ كَيۡفَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآۚ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٞ﴾

عبارت ﴿مِّن قَبۡلِهِۦ﴾ برای تاکید تکرار شد و به این هدف که بازگشت سریع دل‌های مردم از نومیدی به بشارت و شادمانی را برساند. ابن جزی: ۲/ ۱۷۰.

پرسش: چرا با این‌که عبارت (من قبل) در آیه آمد، بار دیگر (من قبله) در همان آیه تکرار شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا مَرَدَّ لَهُۥ	هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بازگرداند.
يَصَّدَّعُونَ	مردم به صورت گروه‌هایی پراکنده متفرق می‌شوند؛ سپس برخی به بهشت و برخی دیگر به جهنم می‌روند.
يَمۡهَدُونَ	منازل‌شان را در بهشت آماده می‌سازند.
فَتُثِيرُ	حرکت می‌دهد و منتشر می‌گرداند.
كِسَفٗا	تکه‌هایی پراکنده.

عمل به آیات

۱. پیامی در مورد استقامت و اهمیت آن بنویس و آن را به دوستانت بفرست، ﴿فَأَقِمۡ وَجۡهَكَ لِلدِّينِ ٱلۡقَيِّمِ مِن قَبۡلِ أَن يَأۡتِيَ يَوۡمٞ لَّا مَرَدَّ لَهُۥ مِنَ ٱللَّهِۖ يَوۡمَئِذٖ يَصَّدَّعُونَ﴾

۲. هنگام وزش باد یا روی‌آوردن ابر، این حدیث را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّيْ أَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَ مَا فِيْهَا، وَخَيْرَ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ، وَأَعُوْذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّ مَا فِيْهَا، وَشَرِّ مَا أُرْسِلَتْ بِهِ» [صحیح مسلم: ۸۹۹] «یا الله! من از تو خیرِ آن و خیرِ آن‌چه در آن قرار دارد، و خیرِ آن‌چه برایش فرستاده شده است، می‌خواهم، و از شرّ آن، و شرّ آن‌چه در آن قرار دارد، و شرّ آن‌چه برای آن فرستاده شده است، به تو پناه می‌برم»، ﴿وَمِنۡ ءَايَٰتِهِۦٓ أَن يُرۡسِلَ ٱلرِّيَاحَ مُبَشِّرَٰتٖ وَلِيُذِيقَكُم مِّن رَّحۡمَتِهِۦ﴾

۳. در سه مورد از آثار رحمت الله بر خودت و افراد پیرامونت بیندیش سپس از الله تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿فَٱنظُرۡ إِلَىٰٓ ءَاثَٰرِ رَحۡمَتِ ٱللَّهِ كَيۡفَ يُحۡيِ ٱلۡأَرۡضَ بَعۡدَ مَوۡتِهَآ﴾

رهنمودها

۱. جزا از جنس عمل است، ﴿مَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا فَلِأَنفُسِهِمۡ يَمۡهَدُونَ﴾

۲. بدان که ثواب الله تعالی برای بندگان مومنش، بیشتر و بزرگ‌تر از اعمال‌شان است؛ زیرا او تعالی بر اساس فضل و رحمت گسترده‌اش به آنان پاداش می‌دهد، ﴿لِيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ مِن فَضۡلِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۳. هرگز نومید مباش؛ زیرا الله تعالی یاور دینش است، ﴿وَكَانَ حَقًّا عَلَيۡنَا نَصۡرُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

سورة (الروم) الجزء (٢١) صفحة (٤١٠)

وَلَئِنۡ أَرۡسَلۡنَا رِيحٗا فَرَأَوۡهُ مُصۡفَرّٗا لَّظَلُّواْ مِنۢ بَعۡدِهِۦ يَكۡفُرُونَ
٥١ فَإِنَّكَ لَا تُسۡمِعُ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَلَا تُسۡمِعُ ٱلصُّمَّ ٱلدُّعَآءَ إِذَا وَلَّوۡاْ
مُدۡبِرِينَ ٥٢ وَمَآ أَنتَ بِهَٰدِ ٱلۡعُمۡيِ عَن ضَلَٰلَتِهِمۡۖ إِن تُسۡمِعُ إِلَّا
مَن يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا فَهُم مُّسۡلِمُونَ ٥٣ ۞ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم
مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ
قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ
٥٤ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقۡسِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ مَا لَبِثُواْ غَيۡرَ
سَاعَةٖۚ كَذَٰلِكَ كَانُواْ يُؤۡفَكُونَ ٥٥ وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ
ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ
فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ ٥٦ فَيَوۡمَئِذٖ
لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَعۡذِرَتُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ
٥٧ وَلَقَدۡ ضَرَبۡنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٖۚ
وَلَئِن جِئۡتَهُم بِـَٔايَةٖ لَّيَقُولَنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا
مُبۡطِلُونَ ٥٨ كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ
٥٩ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ ٦٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مُصۡفَرّٗا	به سبب فساد، بعد از این‌که سبز بود، زرد شد.
وَشَيۡبَةٗ	پیری و کهنسالی.
يُؤۡفَكُونَ	از حق بازگردانیده می‌شوند.
وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ	از آنان خواسته نمی‌شود که با توبه و طاعت، الله را خشنود کنند.
وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ	تو را تحریک نکنند، و به خواری و سبک‌سری (خشم) نکشانند.

عمل به آیات

۱. عاقبت نیکو را از الله تعالی بخواه، ﴿ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ﴾

۲. پیش از این‌که روزی فرار رسد که توبه سودی نمی‌بخشد، از تمام گناهانت به سوی الله تعالی توبه کن، ﴿فَيَوۡمَئِذٖ لَّا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَعۡذِرَتُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُسۡتَعۡتَبُونَ﴾

۳. از الله تعالی تقاضا کن که قلبت را سالم بگرداند و آن را بر دین خویش استوار و پایدار بدارد، ﴿كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. بپرهیز از این‌که نیروی جوانی و سلامتی‌ات را در غفلت و بیهودگی تباه کنی، ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗ﴾

۲. علم، هدیه‌ای از جانب الله تعالی است، و تلاش و تیزهوشی فقط سبب هستند؛ پس این دعا را زیاد تکرار کن: «رَّبِّ زِدۡنِي عِلۡمٗا»: «پروردگارا بر دانشم بیفزا»، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

۳. بدترین حال انسان زمانی است که به سبب گناهان زیادی که انجام داده است بر قلبش مُهر زده می‌شود، آن‌گاه هیچ‌چیزی نمی‌فهمد و درک نمی‌کند، ﴿كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ﴾.

ترجمه آیات

اگر بادی [سوزان] بفرستیم و آن [کشتزارهایشان] را زرد [و پژمرده] ببینند، قطعاً پس از آن، ناسپاسی می‌کنند. (۵۱) [ای پیامبر،] تو هرگز نمی‌توانی مردگان را شنوا سازی و آوای دعوت [حق را] را به گوش کران برسانی؛ آنگاه که آنان پشت می‌کنند و روی می‌گردانند. (۵۲) و تو راهنمای کوردلان از گمراهی‌شان نیستی. تو تنها [سخن حق را] به گوش کسانی می‌رسانی که به آیات ما ایمان دارند و [در برابر فرمان الله] تسلیمند. (۵۳) الله است که شما را از [آب] بی‌ارزشی آفرید؛ سپس بعد از ناتوانی [دوران خردسالی،] نیرومندی بخشید؛ آنگاه پس از نیرومندی، ضعف و کهنسالی پدید آورد. او هر چه بخواهد می‌آفریند و او دانای تواناست. (۵۴) و روزی که قیامت برپا گردد، گناهکاران سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی [در گور] درنگ نکرده‌اند. آنان [در دنیا نیز] این گونه به انحراف کشیده می‌شدند. (۵۵) و کسانی که به آنان دانش و ایمان داده شده است [به گناهکاران] می‌گویند: «بی‌تردید، شما [بر اساس آنچه] در کتاب الله [مقدر بوده است] تا روز رستاخیز درنگ کرده‌اید. پس این روز رستاخیز است؛ اما شما نمی‌دانستید [و آن را انکار می‌کردید]». (۵۶) در آن روز، عذرخواهیِ کسانی که ستم کرده‌اند سودی ندارد و از آنان خواسته نمی‌شود که [برای به دست آوردن خشنودی الله] عذرخواهی کنند. (۵۷) به راستی که در این قرآن،از هر گونه مَثَلی برای مردم آوردیم؛ و اگر نشانه‌ای [در مورد راستگویی‌ات] برایشان بیاوری، کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «شما باطل‌اندیشانی بیش نیستید». (۵۸) الله بر دل‌های کسانی که [سخن حق را] نمی‌فهمند، این گونه مُهر [غفلت] می‌نهد. (۵۹) [ای پیامبر، بر آزار و تکذیبِ مشرکان] شکیبا باش [که] قطعاً وعدهٔ [یاریِ] الله، حق است؛ و مبادا کسانی که [به رستاخیز] باور ندارند، تو را به [بی‌صبری و] سبکسری وادار کنند. (۶۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ﴾

صفات علم و قدرت به این دلیل بیان شد که مراحل گوناگون آفرینش انسان، بر اساس حکمت است و حکمت یکی از شئون علم به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۲۸.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ﴾ به پایان رسید؟

❷ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ ضَعۡفٖ قُوَّةٗ ثُمَّ جَعَلَ مِنۢ بَعۡدِ قُوَّةٖ ضَعۡفٗا وَشَيۡبَةٗۚ يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ وَهُوَ ٱلۡعَلِيمُ ٱلۡقَدِيرُ﴾

﴿خَلَقَكُم مِّن ضَعۡفٖ﴾ منظور از ضعف اول: ایجاد انسان از آبی پست و بی‌ارزش و ناتوانی او در دوران طفولیت است و منظور از ضعف دوم و اخیر، کهنسالی است. ابن جزی: ۲/ ۱۷۱.

پرسش: منظور از دو ضعفِ مذکور در آیه چیست؟

❸ ﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ يُقۡسِمُ ٱلۡمُجۡرِمُونَ مَا لَبِثُواْ غَيۡرَ سَاعَةٖۚ﴾

الله تعالی از جهل کافران در دنیا و آخرت خبر می‌دهد. آن‌ها در دنیا نمادها (بت‌ها) را عبادت کردند و در آخرت نیز به جهل بزرگ گرفتار هستند؛ از جمله: به الله سوگند یاد می‌کنند که جز ساعتی در دنیا درنگ نکردند. منظورشان این است که: حجت بر آنان اقامه نشده و مهلت نیافته‌اند تا عذری برای‌شان باقی نماند. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۴.

پرسش: آیه بر جهل کافران در دنیا و آخرت دلالت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

❹ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ وَٱلۡإِيمَٰنَ لَقَدۡ لَبِثۡتُمۡ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡبَعۡثِۖ فَهَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡبَعۡثِ وَلَٰكِنَّكُمۡ كُنتُمۡ لَا تَعۡلَمُونَ﴾

برای بیان اهمیت ایمان، بر علم عطف شد؛ زیرا علم بدون ایمان به سوی عقاید حقی که سبب رستگاری در زندگی آخرت هستند راهنمایی نمی‌کند. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۳۱.

پرسش: چرا ایمان بر علم عطف شد؟

❺ ﴿كَذَٰلِكَ يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ ٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

یعنی: الله بلندمرتبه و بسیار قدرتمند بر دل‌های کسانی که در جستجوی علم نیستند و حق را طلب نمی‌کنند، بلکه بر خرافاتی که باور دارند و سخنان بیهوده‌ای که پدید آورده‌اند اصرار می‌ورزند مُهر می‌زند؛ زیرا جهل مرکب مانع درک حقیقت و موجب تکذیب صاحب حق است؛ از این رو گفته شده: جهل مرکب از جهل بسیط بدتر و ناپسندتر است. آلوسی: ۱۱/ ۶۰- ۶۱.

پرسش: خطر عدم حقیقت‌جویی و اصرار بر جهل را بیان کنید.

❻ ﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ﴾

این عبارت بر صبر کمک می‌کند؛ زیرا بنده وقتی بداند عملش تباه نمی‌شود، بلکه آن را به صورت کامل خواهد یافت، امور ناگوار بر او تسهیل می‌شود و تمام سختی‌ها بر او آسان می‌گردد. سعدی: ۶۴۶.

پرسش: چرا الله تعالی قبل از این‌که بگوید وعده‌اش حق است، صبر را بیان کرد؟

❼ ﴿وَلَا يَسۡتَخِفَّنَّكَ ٱلَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ﴾

دلالت دارد بر این‌که انسان مؤمن یقین‌کننده: باوقار و صبور است و کسی که یقین ضعیفی داشته باشد: سبک‌مغز است؛ بنابراین اولی به منزلهٔ مغز و دومی به منزلهٔ پوست است. سعدی: ۶۴۶.

پرسش: آیه بر اختلاف عقل کسانی که دچار مصیبت شده‌اند دلالت می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

سورهٔ لقمان

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف. لام. میم]. (۱) این آیات کتاب حکیم است. (۲) [که] هدایت و رحمتی برای نیکوکاران است. (۳) همان کسانی که نماز برپا می‌دارند و زکات می‌پردازند و به آخرت یقین دارند. (۴) آنان از جانب پروردگارشان از هدایتی برخوردارند و آنان قطعاً رستگارند. (۵) و در میان مردم کسی هست که در پیِ سخن یاوه است تا [دیگران را] از راهِ الله گمراه سازد و آن [آیات روشنگر] را به تمسخر می‌گیرد. آنان [که رفتارشان چنین است] عذابی خفت‌بار [در پیش] دارند. (۶) و هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، متکبرانه روی می‌گردانَد؛ گویی آن را نشنیده [و] گویی در گوش‌هایش سنگینی است؛ او را به عذابی دردناک بشارت ده. (۷) بی‌تردید، کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، باغ‌های پرنعمت [بهشت] برایشان است. (۸) در آنجا جاودانند. وعدهٔ الله راست است و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۹) چنان که می‌بینید، [الله] آسمان‌ها را بدون ستون آفرید و کوه‌های استوار [و محکمی] در زمین پی افکند تا [زمین] شما را نلرزانَد و از هر گونه جنبنده‌ای در آن پراکنده ساخت و آبی از آسمان فرستادیم و از هر گونه [گیاه زیبا و] سودمندی در آن رویاندیم. (۱۰) این آفرینشِ الله است؛ اینک [ای مشرکان،] به من نشان دهید کسانی که غیر از او هستند [و شما آنها را عبادت می‌کنید] چه آفریده‌اند؟ بلکه ستمکاران [مشرک] در گمراهی آشکارند. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ۝٢ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾

قرآن با وجود این‌که حکیم است و به تمام خصوصیات اخلاقی والا فرا می‌خواند و از تمام خصلت‌های پست اخلاقی نهی می‌کند، اکثر مردم با آن هدایت نمی‌یابند و از ایمان و عمل به آن خودداری می‌کنند؛ مگر کسی که الله تعالی او را موفق گرداند و محافظت کند. اینان کسانی هستند که عبادت پروردگارشان را به نیکویی برپا می‌دارند و در برابر مردم نیز رفتاری نیکو دارند. سعدی: ۶۴۶.

پرسش: مردم چه موضعی در برابر قرآن حکیم دارند؟

۲ ﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ﴾

دو عمل برتر به صورت خاص بیان شد: عمل اول نماز که مشتمل است بر: اخلاص، مناجات با الله تعالی، عبادت عام قلب و زبان و جوارح. ادای نماز انجام سایر اعمال را نیز آسان می‌کند. عمل دوم زکات است که زکات‌دهنده را از صفات پست پاک می‌کند، باعث می‌شود که انسان به برادر مسلمانش فایده برساند و نیازش را برطرف سازد، با پرداخت زکات مشخص می‌شود که بنده الله را بیشتر از مال دوست دارد؛ به عبارتی دیگر، مال محبوبش را برای کسب چیزی که بیشتر دوست دارد، یعنی خشنودی الله تعالی، می‌پردازد. سعدی: ۶۴۶.

پرسش: چرا از میان اعمال فقط نماز و زکات بیان شد؟

۳ ﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾

﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ یعنی: نماز را به‌گونه‌ای ادا می‌کنند که گویی خود نماز برپا ایستاده است؛ زیرا تمام ارکان و مستحبات و آداب و شرایط آن را به راستی و درستی انجام می‌دهند و این کار را در اوقات مناسب نماز از سر می‌گیرند و بر این کار پایدار هستند. بقاعی: ۱۵/ ۱۴۴.

پرسش: چه نکته‌ای در عبارت ﴿يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ﴾ وجود دارد؟

۴ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

ابوصهباء بکری می‌گوید: از ابن مسعود ﷺ در مورد این آیه پرسیدم، سه بار این عبارت را تکرار کرد: «سوگند به الله که معبود بر حقی جز او نیست، موسیقی منظور است». ابراهیم نخعی گفته است: موسیقی، نفاق را در قلب می‌کارد... بنابر قولی: موسیقی، نردبان زنا است. بغوی: ۳/ ۵۰۶.

پرسش: مفاسد موسیقی را از خلال آیه و خطراتش را از زبان سلف بیان کنید.

۵ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

﴿لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ﴾ یعنی: امور تازه‌ای که باعث لذت می‌شود و وقت را از بین می‌برد؛ شامل: موسیقی، دلقک‌بازی و هر کاری که بدون فایده و ارزش است و نفس را به لذت حیوانی می‌کشاند و به بازی‌های بیهوده مانند رقص فرا می‌خواند... آن‌گاه نفس را به پایین‌ترین طبقه می‌افکند، چنان‌که قبلا به سبب حکمت در بالاترین درجه قرار داشت. بقاعی: ۱۵/ ۱۴۶.

پرسش: لغزیدن در امور غافل‌کننده چه خطری به همراه دارد؟

۶ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا﴾

قتاده می‌گوید: به الله سوگند احتمال دارد که هیچ مالی در این مورد هزینه نکند، بلکه خرید سخنان بیهوده به معنای برگزیدن است، برای گمراهی انسان همین اندازه کافی است که سخن باطل را بر سخن حق و نیز مضرّ را بر سودمند ترجیح دهید. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۶.

پرسش: آیا تمام کسانی که مصداق آیه هستند مالی برای خرید سخنان بیهوده می‌پردازند؟

۷ ﴿أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

یعنی: همان‌گونه که آیات و راه الله را خوار و سبک شمردند، روز قیامت در عذابی همیشگی خوار و ذلیل می‌شوند. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۶.

پرسش: توضیح دهید که عذاب افراد مورد نظر آیه از جنس عمل‌شان است.

سُورَةُ لُقۡمَانَ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ۝١ تِلۡكَ ءَايَٰتُ ٱلۡكِتَٰبِ ٱلۡحَكِيمِ ۝٢ هُدٗى وَرَحۡمَةٗ
لِّلۡمُحۡسِنِينَ ۝٣ ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤۡتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم
بِٱلۡأٓخِرَةِ هُمۡ يُوقِنُونَ ۝٤ أُوْلَٰٓئِكَ عَلَىٰ هُدٗى مِّن رَّبِّهِمۡۖ وَأُوْلَٰٓئِكَ
هُمُ ٱلۡمُفۡلِحُونَ ۝٥ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشۡتَرِي لَهۡوَ ٱلۡحَدِيثِ
لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًاۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ
عَذَابٞ مُّهِينٞ ۝٦ وَإِذَا تُتۡلَىٰ عَلَيۡهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسۡتَكۡبِرٗا
كَأَن لَّمۡ يَسۡمَعۡهَا كَأَنَّ فِيٓ أُذُنَيۡهِ وَقۡرٗاۖ فَبَشِّرۡهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ ۝٧
إِنَّ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُمۡ جَنَّٰتُ ٱلنَّعِيمِ ۝٨
خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٗاۚ وَهُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ۝٩ خَلَقَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ بِغَيۡرِ عَمَدٖ تَرَوۡنَهَاۖ وَأَلۡقَىٰ فِي ٱلۡأَرۡضِ رَوَٰسِيَ أَن تَمِيدَ
بِكُمۡ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَآبَّةٖۚ وَأَنزَلۡنَا مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءٗ فَأَنۢبَتۡنَا
فِيهَا مِن كُلِّ زَوۡجٖ كَرِيمٍ ۝١٠ هَٰذَا خَلۡقُ ٱللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا
خَلَقَ ٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦۚ بَلِ ٱلظَّٰلِمُونَ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ۝١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
هُزُوًا	استهزا، مسخره.
وَقۡرًا	سنگینی و کری.
رَوَٰسِيَ	کوه‌هایی ثابت.
أَن تَمِيدَ	تا نجنبد و تکان نخورد.
وَبَثَّ	پراکنده ساخت.

عمل به آیات

۱. نمازهای پنج‌گانه را با دریافت تکبیر تحریمه همراه جماعت ادا کن، ﴿ٱلَّذِينَ يُقِيمُونَ ٱلصَّلَوٰةَ وَيُؤْتُونَ ٱلزَّكَوٰةَ وَهُم بِٱلْءَاخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ﴾

۲. با فرستادن پیامی، خطر موسیقی و این مطلب را که موسیقی از راه الله بازمی‌دارد توضیح بده، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

۳. از برتری‌جویی بر مخلوقات الله یا نافرمانی از شریعت، به الله پناه ببر، ﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

رهنمودها

۱. یکی از ثمرات پیروی از قرآن برای بنده: هدایت و رحمت و کسب مرتبهٔ احسان است، ﴿تِلْكَ ءَايَٰتُ ٱلْكِتَٰبِ ٱلْحَكِيمِ ۝٢ هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ﴾

۲. هر کس به موسیقی گوش دهد، قلبش از محبت قرآن بازگردانده می‌شود، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يَشْتَرِى لَهْوَ ٱلْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ﴾

۳. تواضع و فروتنی انسان را بر پیروی از حق یاری می‌کند، بر عکسِ تکبر که مانع از انجام این کار می‌گردد، ﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَٰتُنَا وَلَّىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا كَأَنَّ فِىٓ أُذُنَيْهِ وَقْرًا ۖ فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾

سورة (لقمان) الجزء (٢١) صفحة (٤١٢)

وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا
يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٞ ﴿١٢﴾ وَإِذۡ قَالَ
لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ
لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ ﴿١٣﴾ وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ
وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ
إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ ﴿١٤﴾ وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ
لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ
وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرۡجِعُكُمۡ فَأُنَبِّئُكُم
بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ﴿١٥﴾ يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ
خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ
بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ ﴿١٦﴾ يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ
بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَۖ إِنَّ ذَٰلِكَ
مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ ﴿١٧﴾ وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمۡشِ فِي ٱلۡأَرۡضِ
مَرَحًاۖ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخۡتَالٖ فَخُورٖ ﴿١٨﴾ وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ
وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ ﴿١٩﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَهۡنًا	سستی.
وَفِصَٰلُهُۥ	گرفتن طفل از شیر.
أَنَابَ	رجوع و توبه کند.
حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ	کوچکترین دانه.
مِنۡ عَزۡمِ ٱلۡأُمُورِ	از اموری است که باید بر آن مشتاق بود.
وَلَا تُصَعِّرۡ خَدَّكَ	چهره‌ات را از روی غرور و تکبر برمگردان.
مَرَحًا	با ناز و تکبر.

عمل به آیات

۱. امروز یکی از کارهای خانه را که بر دوش مادرت است انجام بده تا به صبر و فضیلت مادر پی ببری، ﴿وَوَصَّيۡنَا ٱلۡإِنسَٰنَ بِوَٰلِدَيۡهِ حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ﴾

۲. ادای نماز را به کسانی که در وقت نماز بر سر راه‌ها می‌نشینند یادآوری کن، ﴿يَٰبُنَيَّ أَقِمِ ٱلصَّلَوٰةَ وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ﴾

۳. نرم و آهسته سخن بگو، و بدزبان و آزاردهنده نباش، ﴿وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ﴾

رهنمودها

۱. اطاعت از مخلوق در معصیت خالق جایز نیست. این مطلب، منافاتی با نیکی به والدین در غیر معصیت ندارد، ﴿وَإِن جَٰهَدَاكَ عَلَىٰٓ أَن تُشۡرِكَ بِي مَا لَيۡسَ لَكَ بِهِۦ عِلۡمٞ فَلَا تُطِعۡهُمَاۖ وَصَاحِبۡهُمَا فِي ٱلدُّنۡيَا مَعۡرُوفٗاۖ﴾

۲. راه علمای ربانی را که به سوی الله سبحانه و تعالی بازمی‌گردند پیروی کن، ﴿وَٱتَّبِعۡ سَبِيلَ مَنۡ أَنَابَ إِلَيَّۚ﴾

۳. از گناهانی که در خلوت انجام می‌شود برحذر باش، ﴿يَٰبُنَيَّ إِنَّهَآ إِن تَكُ مِثۡقَالَ حَبَّةٖ مِّنۡ خَرۡدَلٖ فَتَكُن فِي صَخۡرَةٍ أَوۡ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ أَوۡ فِي ٱلۡأَرۡضِ يَأۡتِ بِهَا ٱللَّهُۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٞ﴾

ترجمه آیات

به راستی، ما دانش [فهم دین و تدبیر زندگی] به لقمان بخشیدیم [و به او گفتیم]: «شکر الله را به جای آور؛ و هر کس شکر گزارد، تنها به سود خویش شکر گزارده است؛ و هر کس ناسپاسی کند، [بداند که] بی‌تردید، الله بی‌نیاز ستوده است. (۱۲) و [یاد کن از] آنگاه که لقمان به پسرش [چنین] پند می‌داد: «پسرم، به الله شرک نیاور [و کسی یا چیزی را همتایش قرار نده؛ چرا که] یقیناً شرک، ستم بزرگی است». (۱۳) ما انسان را [دربارهٔ نیکویی] به پدر و مادرش سفارش کردیم [از آن رو که] مادرش او را با سستی [و ضعفِ] روزافزون باردار شد و [دوران شیرخوارگی و] بازگرفتنش از شیر دو سال به طول می‌انجامد. [به او گفتیم] که: «شُکرِ من و پدر و مادرت را به جای آور [که] بازگشت [همه] به سوی من است. (۱۴) و اگر آن دو [مشرک باشند و] تلاش کنند تو چیزی را شریک من قرار دهی که نسبت به آن دانشی نداری، [در این صورت] از آن‌ها اطاعت نکن و[لی] در دنیا با آنان به شایستگی [و نیکویی] رفتار کن و از راه کسی پیروی کن که [موحدانه] به سوی من بازآمده است؛ آنگاه بازگشتتان به سوی من است و شما را از آنچه انجام می‌دادید آگاه می‌کنم». (۱۵) [لقمان گفت:] «پسرم، اگر [عمل نیک یا بد] همسنگِ دانهٔ خردل باشد و درون تخته‌سنگی یا در [گوشه‌ای از] آسمان‌ها یا در زمین [نهفته] باشد، الله آن را [روز قیامت به حساب] می‌آورد. بی‌تردید، الله باریک‌بینِ آگاه است. (۱۶) پسرم، نماز برپا دار و [مردم را] به نیکی فرمان بده و از کار ناپسند بازدار و بر آنچه [که از سختی‌های این کار] به تو می‌رسد، شکیبا باش. بی‌تردید، این از [جمله کارهایی است که نیازمند ارادهٔ قوی و] عزم استوار است. (۱۷) و [از روی غرور و تکبر] از مردم روی نگردان و مغرورانه در زمین راه نرو. به راستی که الله هیچ متکبر فخرفروشی را دوست ندارد. (۱۸) و [در منش و رفتارت] میانه‌رو باش و به آرامی سخن بگو [نه با صدای بلند؛ چرا که] قطعاً زشت‌ترین صدا، صدای خران است. (۱۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا لُقۡمَٰنَ ٱلۡحِكۡمَةَ أَنِ ٱشۡكُرۡ لِلَّهِۚ وَمَن يَشۡكُرۡ فَإِنَّمَا يَشۡكُرُ لِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٞ﴾

نخستین حکمتی که لقمان فرا گرفت حکمت نفسش بود؛ یعنی الله به لقمان دستور داد شکر نعمت‌هایی را که بر او ارزانی داشته و یکی از آن‌ها نعمت برگزیدگی بود، به جای آورد. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۵۲.

پرسش: بر اساس آیه، نخستین حکمت لقمان چیست؟

۲ ﴿وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ وَهُوَ يَعِظُهُۥ يَٰبُنَيَّ لَا تُشۡرِكۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّ ٱلشِّرۡكَ لَظُلۡمٌ عَظِيمٞ﴾

لقمان در ابتدای نصیحت فرزندش از او خواست از شرک به الله بازایستد؛ زیرا نفسی که در معرض تزکیه و کمال قرار دارد باید قبلاً از مبادی و اصول فساد و گمراهی تخلیه شده باشد. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۵۵.

پرسش: لقمان چرا پسرش را ابتدا از شرک نهی کرد؟

۳ ﴿وَإِذۡ قَالَ لُقۡمَٰنُ لِٱبۡنِهِۦ﴾

لقمان پسرش را که دلسوزترین و محبوب‌ترین شخص نسبت به او بود پند و اندرز می‌داد؛ پس سزاوار بود که بهترین اموری که می‌داند به او عطا کند. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۸.

پرسش: پند و اندرزهای لقمان به پسرش چه فایده‌ای در بر داشت؟

۴ ﴿حَمَلَتۡهُ أُمُّهُۥ وَهۡنًا عَلَىٰ وَهۡنٖ وَفِصَٰلُهُۥ فِي عَامَيۡنِ﴾

الله تعالی تربیت و رنج و مشقت مادر در بیدارماندن‌های شب و روز را بیان کرد تا فرزند نیکی‌های مادرش را به یاد آورد. ابن کثیر: ۳/ ۴۲۹.

پرسش: چرا الله سبحانه و تعالی مشقت مادر در تربیت فرزند را بیان کرد؟

۵ ﴿أَنِ ٱشۡكُرۡ لِي وَلِوَٰلِدَيۡكَ إِلَيَّ ٱلۡمَصِيرُ﴾

بنابر قولی: سپاس‌گزاری از الله در برابر نعمت ایمان و سپاس‌گزاری از والدین در برابر نعمت تربیت انجام می‌شود. سفیان بن عیینه می‌گوید: هر کس نمازهای پنج‌گانه را ادا کند، شکر الله تعالی را به جای آورده است و هر کس پس از نمازها برای پدر و مادرش دعا کند، از آن‌ها سپاس‌گزاری کرده است. قرطبی: ۱۶/ ۴۷۵.

پرسش: شکر الله تعالی و شکر والدین چگونه انجام می‌شود؟

۶ ﴿وَأۡمُرۡ بِٱلۡمَعۡرُوفِ وَٱنۡهَ عَنِ ٱلۡمُنكَرِ وَٱصۡبِرۡ عَلَىٰ مَآ أَصَابَكَ﴾

لقمان می‌دانست که امرکننده به معروف و نهی‌کننده از منکر، قطعاً از جانب مردم مورد اذیت و آزار قرار می‌گیرد، از این رو فرزندش را به صبر امر کرد. ابن کثیر: ۳/ ۴۳۰.

پرسش: چرا لقمان پس از این‌که فرزندش را به امر به معروف و نهی از منکر دستور داد او را به صبر امر کرد؟

۷ ﴿وَٱقۡصِدۡ فِي مَشۡيِكَ وَٱغۡضُضۡ مِن صَوۡتِكَۚ إِنَّ أَنكَرَ ٱلۡأَصۡوَٰتِ لَصَوۡتُ ٱلۡحَمِيرِ﴾

یعنی: به صورت معتدل راه برو، نه بسیار کند و نه با شتاب. عطاء می‌گوید: با وقار و آرامش راه برو؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿يَمۡشُونَ عَلَى ٱلۡأَرۡضِ هَوۡنٗا﴾ [الفرقان: ۶۳]؛ «با فروتنی (و آرامش) بر روی زمین راه می‌روند». بغوی: ۳/ ۵۱۱.

پرسش: راه‌رفتن درست چگونه انجام می‌شود؟

ترجمه آیات

[ای مردم،] آیا ندیده‌اید که الله آنچه را در آسمان‌ها و زمین است، به خدمتتان گماشته و [بخشش] نعمت‌های آشکار و پنهان خویش را بر شما تمام کرد؟ [با این حال،] از مردم کسی هست که بدون هیچ دانش و هدایت و کتابِ روشنگری، در [مورد] الله مجادله می‌کند. (۲۰) و هنگامی که به آنان گفته می‌شود: «از آنچه الله نازل کرده است پیروی کنید» می‌گویند: «[نه،] بلکه از چیزی پیروی می‌کنیم که پدرانمان را بر آن یافتیم». آیا اگر شیطان آنان را به سوی عذاب [آتش] سوزان دعوت کند [باز هم از پدرانشان پیروی می‌کنند؟] (۲۱) هر کس [خالصانه] به الله رو کند و نیکوکار باشد، به راستی که به محکم‌ترین دستاویز چنگ زده است؛ و سرانجام کارها به سوی الله است. (۲۲) هر کس کفر ورزید، کفرش تو را غمگین نسازد. بازگشت آنان به سوی ماست؛ آنگاه آنان را از آنچه کرده‌اند آگاه می‌سازیم. بی‌تردید، الله از [راز] دل‌ها آگاه است. (۲۳) آنان [= کافران] را اندکی [از نعمت‌های دنیا] بهره‌مند می‌سازیم؛ آنگاه آنان را به [تحمل] عذابی سخت دچار می‌کنیم. (۲۴) و اگر از مشرکان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟» قطعاً می‌گویند: «الله». بگو: «سپاس [و ستایش] مخصوصِ الله است [که شما را از این حقیقت، آگاه نمود]»؛ بلکه بیشتر آنان نمی‌دانند. (۲۵) آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ الله است. بی‌تردید، الله بی‌نیازِ ستوده است. (۲۶) اگر [همهٔ] درختان روی زمین قلم شود و دریا [مرکب گردد] و هفت دریای دیگر به یاری‌اش بیاید [تا دانش الهی را بنویسند]، سخنان الله پایان نمی‌یابد. بی‌تردید، الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۷) [ای مردم،] آفرینش و برانگیختن شما [در قیامت] همچون [آفرینش] یک نفر بیش نیست. بی‌تردید، الله شنوای بیناست. (۲۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ﴾

پس وظیفهٔ شماست که شکر این نعمت‌ها را به جای آورید؛ یعنی نعمت‌دهنده را دوست داشته باشید، در برابر او فروتنی کنید، نعمت‌هایش را در راه طاعتش استفاده کنید و هیچ یک از آن‌ها را در معصیت او به‌کار نگیرید. سعدی: ۶۴۹.

پرسش: سپاس‌گزاری در قبال نعمت‌ها چگونه انجام می‌گیرد؟

۲ ﴿وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ﴾

نعمت‌های آشکار: سلامتی و مال و سایر موارد هستند. نعمت‌های پنهان: مواردی است که مردم از آن‌ها آگاه نمی‌شوند؛ مانند پوشاندن اعمال ناپسند. ابن جزی: ۲/ ۱۷۴.

پرسش: چند مثال برای نعمت‌های آشکار و پنهان بیان کنید.

۳ ﴿وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ﴾

از ابن عباس رضي الله عنهما روایت است که منظور از نعمت‌های ظاهری، اسلام و قرآن و منظور از نعمت‌های باطنی، گناهانی است که الله آن‌ها را می‌پوشاند و در قبال آن‌ها عذاب نمی‌کند. ضحاک می‌گوید: منظور از نعمت‌های ظاهری، زیبایی صورت و نظم و ترتیب اعضا و منظور از نعمت باطنی، معرفت است. قرطبی: ۳/ ۵۱۲.

پرسش: دو مورد از نعمت‌هایی که فکر می‌کنی الله سبحانه آن‌ها را به تو اختصاص داده است نام ببر.

۴ ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

عبارت ﴿بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾ شامل مراتب کسب علم است؛ که عبارتند از: کوشیدن و کسب کردن یا آموختن از عالم یا مطالعهٔ کتاب‌هایی که مطالب درستی در آن‌ها نگاشته شده است. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۷۵.

پرسش: آیهٔ کریمه دربردارندهٔ مراتب سه‌گانهٔ کسب علم است، این مراتب را بیان کنید.

۵ ﴿وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ﴾

یعنی: عبادت و نیتش را برای الله خالص گرداند، ﴿وَهُوَ مُحۡسِنٞ﴾ زیرا عبادت بدون احسان و معرفت قلبی، هیچ فایده‌ای ندارد. قرطبی: ۱۶/ ۴۸۷.

پرسش: انسان چگونه صورتش را تسلیم الله تعالی می‌کند؟ چرا این امر با شرط احسان مقید شد؟

۶ ﴿وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾

وجه تناسب عبارت پایانی آیه این است که بخشی از کفر مشرکان آشکار و بخشی دیگر از آن پنهان است. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۷۸.

پرسش: چرا آیهٔ کریمه با عبارت ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾ به پایان رسید؟

۷ ﴿وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ﴾

آیه از فراوانی سخنان الله تعالی خبر می‌دهد که علم وسیع و گستردهٔ او تعالی منظور است. یعنی: اگر درختان زمین قلم می‌بود و تمام دریاها مرکب می‌شدند و هفت دریا به صورت دائم در آن سرازیر می‌گشت و سخنان الله با آن‌ها نوشته می‌شد، قطعاً درختان و دریاها پایان می‌یافت در صورتی که سخنان الله هنوز باقی بود؛ زیرا درختان و دریاها پایان می‌یابند و سخنان الله تعالی پایان‌ناپذیرند. ابن جزی: ۲/ ۱۷۵.

پرسش: یکی از فواید آیه را بیان کنید؟

سورة (لقمان) الجزء (٢١) صفحة (٤١٣)

أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ
عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ
بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ ٢٠ وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ
مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ
ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ٢١ ۞ وَمَن يُسۡلِمۡ
وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ
وَإِلَى ٱللَّهِ عَٰقِبَةُ ٱلۡأُمُورِ ٢٢ وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ
إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ
٢٣ نُمَتِّعُهُمۡ قَلِيلٗا ثُمَّ نَضۡطَرُّهُمۡ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٖ ٢٤
وَلَئِن سَأَلۡتَهُم مَّنۡ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُۚ قُلِ
ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِۚ بَلۡ أَكۡثَرُهُمۡ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٥ لِلَّهِ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡغَنِيُّ ٱلۡحَمِيدُ ٢٦ وَلَوۡ أَنَّمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ
مِن شَجَرَةٍ أَقۡلَٰمٞ وَٱلۡبَحۡرُ يَمُدُّهُۥ مِنۢ بَعۡدِهِۦ سَبۡعَةُ أَبۡحُرٖ
مَّا نَفِدَتۡ كَلِمَٰتُ ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٞ ٢٧ مَّا خَلۡقُكُمۡ
وَلَا بَعۡثُكُمۡ إِلَّا كَنَفۡسٖ وَٰحِدَةٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَمِيعُۢ بَصِيرٌ ٢٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَخَّرَ لَكُم	برای‌تان رام کرد.
وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ	نعمت‌هایش را به همگی شما بخشید.
بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰ	مستحکم‌ترین سببی که انسان را به خشنودی الله می‌رساند.
عَٰقِبَةُ	سرانجام و بازگشت.
غَلِيظٖ	ترسناک و سنگین.

عمل به آیات

۱. یکی از سوره‌های قرآن را انتخاب و مراحل سه‌گانهٔ کسب علم را در آن به‌کار بگیر. این مراحل عبارتند از: أ- تفکر در فواید سوره، ب- مطالعه و بررسی سوره با شخصی داناتر، ج- خواندن تفسیر سوره از یکی از کتب تفسیر، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

۲. برخی از نعمت‌های ظاهری و باطنی را که الله به تو بخشیده است بر روی ورقه‌ای بنویس؛ تا کمک کند شکر آن‌ها را بهتر به جای آوری، ﴿أَلَمۡ تَرَوۡاْ أَنَّ ٱللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَأَسۡبَغَ عَلَيۡكُمۡ نِعَمَهُۥ ظَٰهِرَةٗ وَبَاطِنَةٗۗ﴾

۳. با فرستادن پیامی، خطر جدال بدون علم را توضیح بده، ﴿وَمِنَ ٱلنَّاسِ مَن يُجَٰدِلُ فِي ٱللَّهِ بِغَيۡرِ عِلۡمٖ وَلَا هُدٗى وَلَا كِتَٰبٖ مُّنِيرٖ﴾

رهنمودها

۱. تقلید کورکورانه و بدون خرد، زیان‌آور است، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ٱتَّبِعُواْ مَآ أَنزَلَ ٱللَّهُ قَالُواْ بَلۡ نَتَّبِعُ مَا وَجَدۡنَا عَلَيۡهِ ءَابَآءَنَآۚ أَوَلَوۡ كَانَ ٱلشَّيۡطَٰنُ يَدۡعُوهُمۡ إِلَىٰ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ﴾

۲. چنگ‌زدن به دین، تنها راه نجات و دریچهٔ اطمینان است، ﴿وَمَن يُسۡلِمۡ وَجۡهَهُۥٓ إِلَى ٱللَّهِ وَهُوَ مُحۡسِنٞ فَقَدِ ٱسۡتَمۡسَكَ بِٱلۡعُرۡوَةِ ٱلۡوُثۡقَىٰۗ﴾

۳. بنده مکلف است دعوت الله را تبلیغ کند، اما نتایج به الله بازمی‌گردد، ﴿وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحۡزُنكَ كُفۡرُهُۥٓۚ إِلَيۡنَا مَرۡجِعُهُمۡ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوٓاْۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ﴾

أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ
وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَأَنَّ ٱللَّهَ
بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ ٢٩ ذَٰلِكَ بِأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدۡعُونَ
مِن دُونِهِ ٱلۡبَٰطِلُ وَأَنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ ٣٠ أَلَمۡ تَرَ أَنَّ
ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ
فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ ٣١ وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ
كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ
فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ
٣٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡ وَٱخۡشَوۡاْ يَوۡمٗا لَّا يَجۡزِي وَالِدٌ
عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوۡلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيۡـًٔاۚ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ
حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ
ٱلۡغَرُورُ ٣٣ إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ
وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ
وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ ٣٤

سُورَةُ السَّجۡدَةِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يُولِجُ	داخل می‌کند؛ به این نحو که از لحظات شب کاسته می‌شود و روز طولانی می‌شود و بالعکس.
غَشِيَهُم	آنان را پوشاند.
كَٱلظُّلَلِ	مانند ابر یا کوه‌های سایه‌انداز.
خَتَّارٖ	فریبکار و پیمان‌شکن.

عمل به آیات

۱. تصاویری از کشتی‌ها را ببین، یا مطلبی در مورد آن‌ها بخوان؛ تا به بزرگی نعمت الله تعالی با کشتی‌ها پی ببری، ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ﴾

۲. موقعیت سختی را که الله تو را از آن رهانیده است به یاد آور، و از الله در قبال نعمت نجات سپاس‌گزاری کن، سپس عملی صالح به قصد شکرگزاری از الله انجام بده، ﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ﴾

۳. موردی از زینت دنیا را که بدان دل بسته‌ای به یاد آور، سپس سه مورد از عیوبش را بنویس تا از دلبستگی تو به آن کاسته شود، ﴿فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

رهنمودها

۱. برخی از مشرکان امروزی، از کفار قریش سرسخت‌تر هستند؛ زیرا اینان در آسانی و سختی شرک می‌ورزند، اما مشرکان قریش در آسایش شرک می‌ورزیدند و در سختی یکتاپرست می‌شدند، ﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ﴾

۲. ادعای علم غیب کفر است و هر کس ادعا کند یکی از پیامبران و اولیا غیب می‌داند، مدّعی مشارکت مخلوق با خالق شده است، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ﴾

۳. از تأخیر انداختن در کار بپرهیز و بر عمل پایبند باش، ﴿وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُ﴾.

ترجمه آیات

آیا ندیدی که الله از شب می‌کاهد و بر روز می‌افزاید و از روز می‌کاهد و بر شب می‌افزاید؛ و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشته است که هر یک تا زمانی معیّن در [مدار خود] در حرکت باشد؟ بی‌تردید، الله از آنچه می‌کنید آگاه است. (۲۹) این [تقدیر و تدبیر،] از آن روست که الله حق است و آنچه جز او [به یاری و دعا] می‌خوانند [همه] باطل است و الله است که بلندمرتبه [و] بزرگ است. (۳۰) آیا ندیدی که کشتی‌ها به [فرمان و] نعمت الله در دریا در حرکتند تا برخی از نشانه‌های خویش را به شما بنمایاند؟ بی‌تردید، در این امر، برای هر شکیبای سپاسگزار، نشانه‌هایی [از قدرت و لطف پروردگار] است. (۳۱) و آنگاه که موجی کوه‌پیکر آنان را احاطه می‌کند، الله را در حالی خالصانه می‌خوانند که دین [و عبادت] را تنها ویژهٔ او می‌دانند؛ اما چون آنان را [از مرگ] رهاند و به خشکی رساند، برخی از آنان میانه‌رو [می‌شوند، چنان که باید، سپاس نمی‌گزارند؛ در حالی که برخی دیگر ناسپاسند]؛ و آیات ما را کسی جز پیمان‌شکنانِ ناسپاس انکار نمی‌کند. (۳۲) ای مردم، از پروردگارتان پروا کنید و از روزی بترسید که نه هیچ پدری برای فرزندش سودی دارد و نه هیچ فرزندی سودرسانِ پدر است. یقیناً وعدهٔ الله [در مورد قیامت] حقیقت دارد؛ پس [هوشیار باشید که لذت‌های] زندگی دنیا شما را نفریبد و شیطان شما را نسبت به [تأخیر عذاب و شکیبایی] الله فریب ندهد. (۳۳) بی‌تردید، آگاهی [از زمان وقوع] قیامت، [تنها] نزد الله است و [اوست که] باران نازل می‌کند و آنچه را که در رَحِم‌هاست می‌داند؛ و کسی نمی‌داند فردا چه به دست می‌آورد و هیچ کس آگاه نیست که در کدام سرزمین می‌میرد. به راستی که الله دانای آگاه است. (۳۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱللَّهَ يُولِجُ ٱلَّيۡلَ فِي ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ ٱلنَّهَارَ فِي ٱلَّيۡلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِيٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗى وَأَنَّ ٱللَّهَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٞ﴾

ابتدا شب بیان شد؛ چون شگفت‌انگیزتر است و به طرز عجیبی، تاریکی آن روشنایی روز را می‌پوشاند. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۸۵.

پرسش: چرا آیه ابتدا شب را بیان کرد؟

۲ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ﴾

دلیل انتخاب دو صفت صبر و شکر از میان شاخه‌های ایمان آن است که این دو صفت تناسب بیشتری با موضوع حرکت در دریا دارند؛ زیرا کسی که در دریا حرکت می‌کند میان خطر و سلامتی که مظهر صبر و شکر هستند قرار دارد. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۹۰.

پرسش: چرا هنگام بیان کشتی‌ها در دریا، دو صفت صبر و شکر بیان شد؟

۳ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ﴾

یعنی: صبور در برابر قضا و قدر الله و شکور در برابر نعمت‌هایش. معناشناسان گفته‌اند: این صفت برای هر مومنی مطلوب است؛ زیرا صبر و شکر از بهترین صفات ایمان هستند. قرطبی: ۱۶/ ۴۹۳.

پرسش: چرا آیه با دو صفت بزرگ صبر و شکر پایان یافت؟

۴ ﴿أَلَمۡ تَرَ أَنَّ ٱلۡفُلۡكَ تَجۡرِي فِي ٱلۡبَحۡرِ بِنِعۡمَتِ ٱللَّهِ لِيُرِيَكُم مِّنۡ ءَايَٰتِهِۦٓۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ﴾

از دو صیغهٔ مبالغه (صبار و شکور) فهمیده می‌شود که عظمت الله را در آسانی آن‌گونه که در سختی شناخته می‌شود نمی‌شناسد مگر کسی که الله او را بر این کار سرشته و توفیق دهد و بر حفظ پیمان یاری رساند، و چنین کسانی اندک هستند. بقاعی: ۱۵/ ۲۰۶.

پرسش: خاتمه‌یافتن آیه با دو صفت صبر و شکر با صیغهٔ مبالغه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۵ ﴿وَإِذَا غَشِيَهُم مَّوۡجٞ كَٱلظُّلَلِ دَعَوُاْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ فَلَمَّا نَجَّىٰهُمۡ إِلَى ٱلۡبَرِّ فَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞۚ وَمَا يَجۡحَدُ بِـَٔايَٰتِنَآ إِلَّا كُلُّ خَتَّارٖ كَفُورٖ﴾

﴿خَتَّارٖ﴾ یعنی: پیمان‌شکن، بسیار بی‌وفا؛ زیرا نعمت الله را با بی‌وفایی انکار می‌کند. ابن جزی: ۲/ ۱۷۶.

پرسش: چرا کافر بسیار بی‌وفاست؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡ وَٱخۡشَوۡاْ يَوۡمٗا لَّا يَجۡزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوۡلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيۡـًٔا﴾

الله تعالی مردم را به تقوای خویش امر می‌کند که عبارت است از اجرای اوامر و ترک مناهی او تعالی. آنان را به ترس روز قیامت متوجه می‌سازد؛ یعنی روز سختی که هر کسی فقط به خودش اهمیت می‌دهد، ﴿لَّا يَجۡزِي وَالِدٌ عَن وَلَدِهِۦ وَلَا مَوۡلُودٌ هُوَ جَازٍ عَن وَالِدِهِۦ شَيۡـًٔا﴾: یعنی: نه بر نیکی‌هایش می‌افزاید و نه از بدی‌هایش می‌کاهد، بلکه هر بنده‌ای اعمالش را به پایان رسانیده و جزایش بر او محقق گشته است. بنابراین توجه مردم را به این روز هولناک معطوف کرد که باعث می‌شود بنده تقویت شود و تقوای الهی بر او آسان گردد. سعدی: ۶۵۲.

پرسش: چرا الله در مواضع زیادی از قرآن صحنه‌های هولناک روز قیامت را بیان کرده است؟

۷ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ ٱلۡغَيۡثَ وَيَعۡلَمُ مَا فِي ٱلۡأَرۡحَامِۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسٞ مَّاذَا تَكۡسِبُ غَدٗاۖ وَمَا تَدۡرِي نَفۡسُۢ بِأَيِّ أَرۡضٖ تَمُوتُۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرُۢ﴾

پیامبر ﷺ این پنج مورد را کلیدهای غیب نامیده و آیهٔ ذیل را با آن‌ها تفسیر فرموده است: ﴿وَعِندَهُۥ مَفَاتِحُ ٱلۡغَيۡبِ لَا يَعۡلَمُهَآ إِلَّا هُوَ﴾ [الأنعام: ۵۹]. در صحیح بخاری از حدیث ابن عمر روایت است که رسول الله فرمود: «مَفَاتِحُ الْغَيبِ خَمْسٌ» [صحیح بخاری: ۴۶۹۷] «غیب پنج کلید دارد» سپس این آیه را تلاوت کرد: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ عِندَهُۥ عِلۡمُ ٱلسَّاعَةِ ...﴾. ابن عاشور: ۲۱/ ۱۹۸.

پرسش: امور پنج‌گانهٔ مذکور در آیه به چه عنوانی نامیده شده‌اند؟

سورهٔ سجده

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

الم [= الف. لام. میم]. (۱) نزول این کتاب که در [حقانیت] آن هیچ شکی نیست، از جانب پروردگار جهانیان است. (۲) [کافران] می‌گویند: «[محمد] آن را به دروغ [به پروردگارش] نسبت می‌دهد». [هرگز چنین نیست؛] بلکه آن [آیات، سخنِ] حقی از جانب پروردگار توست تا به قومی که پیش از تو [هیچ] بیم‌دهنده‌ای برایشان نیامده است، هشدار دهی؛ باشد که هدایت شوند. (۳) الله همان ذاتی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آنهاست در شش روز آفرید؛ آنگاه [آن گونه که شایسته جلال و مقام اوست] بر عرش قرار گرفت. شما هیچ کارساز و شفاعتگری جز او ندارید. آیا پند نمی‌گیرید؟ (۴) کار [جهان هستی] را از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند. آنگاه در روزی که بلندی‌اش، به حساب شما [انسان‌ها] هزار سال است، [این کارها] به سوی او بالا می‌رود. (۵) این [پروردگار شماست:] دانای پنهان و آشکار، شکست‌ناپذیرِ مهربان. (۶) [همان] ذاتی که هر چه آفرید، به نیکوترین [شکل] آفرید و آفرینش [نخستین] انسان را از گِل آغاز کرد. (۷) سپس [تداوم] نسل او را از چکیدهٔ آبی پست [و بی‌قدر] مقرّر کرد. (۸) آنگاه [اندام] او را سامان داد و از روح خویش [= روحی که خود آفرید] در وی دمید؛ و [نعمتِ] گوش و چشم و دل برایتان قرار داد. چه اندک سپاس می‌گزارید! (۹) [مشرکان] می‌گویند: «آیا وقتی [مُردیم و] در زمین [تبدیل به خاک و] ناپدید شدیم، آفرینش جدیدی خواهیم یافت؟» بلکه آنان دیدار پروردگارشان را منکرند. (۱۰) [ای پیامبر،] بگو: «فرشتهٔ مرگ که بر شما گماشته شده است، جانتان را می‌گیرد؛ آنگاه به سوی پروردگارتان بازگردانده می‌شوید». (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿الٓمٓ ۝١ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

از ابوهریره ﷺ روایت است که گفت: پیامبر در نماز فجر روز جمعه این دو سوره را می‌خواند: ﴿الٓمٓ ۝١ تَنزِيلُ...﴾ سجده و ﴿هَلۡ أَتَىٰ عَلَى ٱلۡإِنسَٰنِ...﴾. ابن کثیر: ۶/ ۳۵۸.

پرسش: در سورهٔ سجده بیندیش و تلاش کن حکمت استحباب قرائت آن در نماز فجر جمعه را دریابی؟

۲ ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است؛ ذاتی که آنان را با نعمتش پرورش داد. بزرگ‌ترین نعمتی که جهانیان را با آن پرورش داد این کتاب است که تمام آن‌چه باعث اصلاح حال بندگان و تکمیل اخلاق‌شان می‌شود در آن وجود دارد. سعدی: ۶۵۳.

پرسش: منظور از صفت ربوبیت در عبارت ﴿رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾ چیست؟

۳ ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

سوره با ستایش قرآن آغاز شد؛ زیرا گردآورندهٔ هدایتی است که در این سوره و سایر سوره‌ها وجود دارد؛ و به این دلیل که تمام گمراهی گمراهان، تکذیب این کتاب است؛ بنابراین الله قرآن را مایهٔ هدایت مردم قرار داد و این فضیلت را به عرب اختصاص داد که نخستین دریافت‌کنندگان این کتاب باشند. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۰۵.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه بر اهمیت و جایگاه بالای قرآن کریم دلالت دارد.

۴ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾

یعنی: آیا این اندرزها را نمی‌شنوید که از آن‌ها پند نمی‌گیرید، یا آن‌ها را می‌شنوید و پند نمی‌گیرید؛ که در صورت اول، هم نشنیدن و هم پندنگرفتن مورد اعتراض است و در صورت دوم، پندنگرفتن مورد اعتراض است هر چند شنیدن محقق شده است. آلوسی: ۱۱/ ۱۱۸.

پرسش: شنیدن پند و اندرز در چه صورتی ثمربخش است؟

۵ ﴿مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ﴾

می‌فرماید: ای مردم هیچ کارسازی جز الله ندارید که کارتان را بر عهده بگیرد و اگر الله خواست زیانی به شما وارد کند بتواند به شما یاری رساند؛ اگر الله بخواهد شما را به این سبب که از او نافرمانی کردید مجازات کند هیچ شفاعتگری نزد او ندارید. پس فقط او را به دوستی بگیرید و برای انجام کارهای‌تان از او و طاعتش یاری بگیرید؛ زیرا در برابر کسی که قصد کند آسیبی به شما برساند اگر بخواهد از شما دفاع می‌کند و اگر خودش بخواهد آسیبی به شما برساند هیچ‌کس نمی‌تواند در برابر او از شما دفاع کند؛ زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند بر او پیروز شود. طبری: ۲۰/ ۱۶۶.

پرسش: این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید که قلب و جوارح فقط باید به الله وابسته باشد.

۶ ﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾

آیه اشاره دارد به این‌که تدبیر بندگان در برابر تدبیر الله تعالی هیچ اثری ندارد، پس خوشا به حال کسی که خشنودی از تدبیر الله به او ارزانی داشته شده و با تدبیر او تعالی احساس بی‌نیازی می‌کند. آلوسی: ۱۱/ ۱۳۸.

پرسش: توکل بر الله سبحانه چه فایده‌ای دارد؟

۷ ﴿ذَٰلِكَ عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾

دلیل توصیف الله به ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾ بعد از عبارات قبلی این است که او تعالی مخلوقات را فقط با قدرت خویش و بدون هیچ همکاری پدید آورد، پس عزت او -یعنی بی‌نیازی از دیگران- مشخص شد، و این‌که آنان را بر احوالی که دربردارندهٔ لطف به آنان است آفرید، یعنی در آفرینش مخلوقات، به آنان لطف و بخشش کرد؛ زیرا امور زندگی‌شان را متناسب قرار دارد؛ یعنی در زندگی برای‌شان نعمت‌ها بخشید و آنان را در زندگی، از دردها دور نگاه داشت. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۱۵.

پرسش: چرا الله تعالی در این آیه به ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ﴾ توصیف شد؟

سورة (السجدة) الجزء (٢١) صفحة (٤١٥)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

الٓمٓ ﴿١﴾ تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ لَا رَيۡبَ فِيهِ مِن رَّبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ
﴿٢﴾ أَمۡ يَقُولُونَ ٱفۡتَرَىٰهُۚ بَلۡ هُوَ ٱلۡحَقُّ مِن رَّبِّكَ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا
مَّآ أَتَىٰهُم مِّن نَّذِيرٖ مِّن قَبۡلِكَ لَعَلَّهُمۡ يَهۡتَدُونَ ﴿٣﴾ ٱللَّهُ
ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٖ
ثُمَّ ٱسۡتَوَىٰ عَلَى ٱلۡعَرۡشِۖ مَا لَكُم مِّن دُونِهِۦ مِن وَلِيّٖ وَلَا شَفِيعٍۚ
أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ ﴿٤﴾ يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ
إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ ﴿٥﴾ ذَٰلِكَ
عَٰلِمُ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ ٱلۡعَزِيزُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٦﴾ ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ
كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ ﴿٧﴾ ثُمَّ جَعَلَ
نَسۡلَهُۥ مِن سُلَٰلَةٖ مِّن مَّآءٖ مَّهِينٖ ﴿٨﴾ ثُمَّ سَوَّىٰهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن
رُّوحِهِۦۖ وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا
مَّا تَشۡكُرُونَ ﴿٩﴾ وَقَالُوٓاْ أَءِذَا ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ أَءِنَّا لَفِي
خَلۡقٖ جَدِيدِۭۚ بَلۡ هُم بِلِقَآءِ رَبِّهِمۡ كَٰفِرُونَ ﴿١٠﴾ ۞ قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم
مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ ﴿١١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱفۡتَرَىٰهُ	آن را از جانب خودش ساخته است.
يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ	به سوی او بالا می‌رود.
نَسۡلَهُۥ	فرزندانش.
سُلَٰلَةٖ	یعنی نطفه؛ زیرا نطفه از تمام بدن خارج می‌شود.
مَّهِينٖ	ضعیف، رقیق.
ضَلَلۡنَا فِي ٱلۡأَرۡضِ	بعد از مرگ تبدیل به خاک شدیم.

عمل به آیات

۱. به امام مسجد یادآوری کن در نماز فجر جمعه، سورهٔ سجده و انسان را بخواند که این کار سنت است.

۲. از الله تعالی بخواه کارهایت را مدیریت کند و علم سودمند به تو روزی دهد؛ که او تعالی مدبر و داناست، ﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾

۳. از الله تعالی بخواه همان‌گونه که تو را به نیکویی آفرید، اخلاقت را نیز نیکو گرداند، ﴿ٱلَّذِيٓ أَحۡسَنَ كُلَّ شَيۡءٍ خَلَقَهُۥۖ وَبَدَأَ خَلۡقَ ٱلۡإِنسَٰنِ مِن طِينٖ﴾

رهنمودها

۱. در این آیه بزرگی قدرت الله در تدبیر امور بیان شده است، ﴿يُدَبِّرُ ٱلۡأَمۡرَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ثُمَّ يَعۡرُجُ إِلَيۡهِ فِي يَوۡمٖ كَانَ مِقۡدَارُهُۥٓ أَلۡفَ سَنَةٖ مِّمَّا تَعُدُّونَ﴾

۲. گوش و چشم دو نعمت هستند و شکر این نعمت‌ها با به‌کارگیری آن‌ها در اموری که موجب نزدیکی به سوی الله می‌شود انجام می‌گیرد، ﴿وَجَعَلَ لَكُمُ ٱلسَّمۡعَ وَٱلۡأَبۡصَٰرَ وَٱلۡأَفۡـِٔدَةَۚ قَلِيلٗا مَّا تَشۡكُرُونَ﴾

۳. لحظهٔ وفات را که در آن هنگام با عمل نیک یا بد خویش با الله روبه‌رو می‌شوی به یاد داشته باش، ﴿قُلۡ يَتَوَفَّىٰكُم مَّلَكُ ٱلۡمَوۡتِ ٱلَّذِي وُكِّلَ بِكُمۡ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمۡ تُرۡجَعُونَ﴾

سورة (السجدة) الجزء (٢١) صفحة (٤١٦)

وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ
رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ
١٢ وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا وَلَٰكِنۡ حَقَّ
ٱلۡقَوۡلُ مِنِّي لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ ٱلۡجِنَّةِ وَٱلنَّاسِ أَجۡمَعِينَ
١٣ فَذُوقُواْ بِمَا نَسِيتُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَآ إِنَّا نَسِينَٰكُمۡۖ
وَذُوقُواْ عَذَابَ ٱلۡخُلۡدِ بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ١٤ إِنَّمَا يُؤۡمِنُ
بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدٗا وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ
رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ۩ ١٥ تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ
عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ
يُنفِقُونَ ١٦ فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ
جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٧ أَفَمَن كَانَ مُؤۡمِنٗا كَمَن كَانَ فَاسِقٗاۚ
لَّا يَسۡتَوُۥنَ ١٨ أَمَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فَلَهُمۡ
جَنَّٰتُ ٱلۡمَأۡوَىٰ نُزُلَۢا بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ١٩ وَأَمَّا ٱلَّذِينَ فَسَقُواْ
فَمَأۡوَىٰهُمُ ٱلنَّارُۖ كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا
وَقِيلَ لَهُمۡ ذُوقُواْ عَذَابَ ٱلنَّارِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ٢٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ	بر اثر خواری و پشیمانی، سرهای‌شان را به زیر افکنده‌اند.
حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ	ثابت شد و محقق گردید و واجب شد.
ٱلۡجِنَّةِ	جن‌ها.
تَتَجَافَىٰ	برای عبادت برمی‌خیزد و از جای خود دور می‌گردد.
ٱلۡمَضَاجِعِ	بسترهای خواب.
مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم	پاداشی که برای‌شان ذخیره شده است.
مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ	آن‌چه باعث شادمانی و سرور می‌شود.
ٱلۡمَأۡوَىٰ	پناهگاه و مسکن.
نُزُلَۢا	برای پذیرایی آنان.

عمل به آیات

۱. هنگام قرائت این آیه، سجدهٔ تلاوت به جای آر، ﴿إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدٗا وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾
۲. ساعت زنگدارت را کوک کن تا شب برخیزی و نماز بگزاری و به درگاه پروردگارت دعا کنی، ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾
۳. صدقه‌ای بده، ﴿وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾

رهنمودها

۱. اعمال صالح انجام بده قبل از این‌که آرزوی انجام آن‌ها را داشته باشی اما نتوانی، ﴿فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾
۲. هدایت فقط در دست الله است، پس هدایت را از او تعالی بخواه، ﴿وَلَوۡ شِئۡنَا لَأٓتَيۡنَا كُلَّ نَفۡسٍ هُدَىٰهَا﴾
۳. برای این‌که عمل صالح پنهانی داشته باشی، عمل صالحی را به‌گونه‌ای انجام بده که فقط الله از آن آگاه شود، ﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ جَزَآءَۢ بِمَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

ترجمه آیات

و چون [در قیامت] گناهکاران را در پیشگاه پروردگارشان ببینی سر به زیر افکنده‌اند [و می‌گویند:] «پروردگارا، [اکنون حقیقت را] دیدیم و شنیدیم؛ پس ما را بازگردان تا کاری شایسته انجام دهیم. بی‌تردید، ما [به قیامت] یقین داریم». (۱۲) اگر می‌خواستیم، به هر کسی [توفیق و] هدایتش را ارزانی می‌داشتیم؛ لیکن این سخن از جانب من حتمی شده است که: «دوزخ را از همهٔ جنیان و آدمیان [کافر] پر خواهم کرد». (۱۳) [به آنان گفته می‌شود:] «به سزای آنکه دیدار امروزتان را فراموش کردید، [عذاب سوزان را] بچشید. یقیناً ما [نیز] شما را [در آتش] رها کرده‌ایم و [اکنون] به سزای آنچه می‌کردید، عذاب جاودان را بچشید. (۱۴) فقط کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون به آنها پند داده شوند، به سجده می‌افتند و پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند و تکبر نمی‌ورزند. (۱۵) [در دل شب،] از بسترها برمی‌خیزند و پروردگارشان را با بیم و امید [به نیایش] می‌خوانند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند. (۱۶) هیچ کس نمی‌داند به [پاس] آنچه [این مؤمنان در دنیا] انجام می‌دهند، چه [بسیار پاداش‌ها که مایهٔ شادمانی و] روشنی چشم‌هاست، برایشان نهفته است. (۱۷) آیا [پاداش] کسی که مؤمن است همچون کسی است که نافرمان است؟ هرگز برابر نیستند. (۱۸) اما کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، برایشان باغ‌ها[ی بهشتی] است؛ [این به عنوان] محلّ پذیرایی از [آنها] است به [پاس] آنچه می‌کردند. (۱۹) و اما کسانی که نافرمانی کردند، جایگاهشان آتش [دوزخ] است. هر گاه بخواهند از آن خارج شوند، به آن بازگردانده می‌شوند و به آنان گفته می‌شود: «بچشید عذاب آتشی که همواره آن را انکار می‌کردید». (۲۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلۡمُجۡرِمُونَ نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا فَٱرۡجِعۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ﴾
اگر حال مجرمان در آخرت را ببینی، قطعاً امر هولناکی را دیده‌ای. عبارت ﴿نَاكِسُواْ رُءُوسِهِمۡ﴾ بیانگر خواری و اندوه و پشیمانی است. تقدیر عبارت ﴿رَبَّنَآ أَبۡصَرۡنَا وَسَمِعۡنَا﴾ چنین است: پروردگارا حقایق را دانستیم. ابن جزی: ۲/ ۱۷۸.
پرسش: چرا ستمکاران در روز قیامت سرهای‌شان را پایین افکنده‌اند؟

❷ ﴿إِنَّمَا يُؤۡمِنُ بِـَٔايَٰتِنَا ٱلَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُواْ بِهَا خَرُّواْ سُجَّدٗا وَسَبَّحُواْ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَهُمۡ لَا يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾
برای تعظیم آیات الله و به سبب ترس از قهر و عذابش، بر روی صورت برای الله تعالی سجده می‌کنند. قرطبی: ۱۷/ ۲۷.
پرسش: مومن وقتی که با آیات الله پند داده شود سزاوار است که چه حالی پیدا کند؟

❸ ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾
﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ﴾ یعنی: بلند می‌شود. معنای آیه چنین است: شب بسترشان را برای ادای نمازهای زیاد نفلی ترک می‌کنند. هر کس نماز عشا و صبح را همراه جماعت ادا کرده باشد بخشی از این کار را انجام داده است. ابن جزی: ۲/ ۱۷۹.
پرسش: چه چیزی باعث می‌شود بعضی مومنان بستر خواب‌شان را ترک کنند؟

❹ ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾
﴿وَطَمَعٗا﴾ یعنی در پی خشنودی الله که موجب ثوابش است. بیان طمع به جای رجاء، اشاره دارد به این‌که چون شناخت زیادی از نواقص خویش دارند، اعمال‌شان را امر مهمی به شمار نمی‌آورند، بلکه فضل الله را بدون سبب می‌جویند و وقتی که به رحمت الله بدون سبب امید داشته باشند در صورت وجود سبب، امیدوارتر هستند؛ بنابراین از رحمت الله نومید نمی‌شوند. بقاعی: ۱۵/ ۲۵۶.
پرسش: چرا به جای رجاء از واژهٔ طمع استفاده شد؟

❺ ﴿تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمۡ عَنِ ٱلۡمَضَاجِعِ يَدۡعُونَ رَبَّهُمۡ خَوۡفٗا وَطَمَعٗا وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾
﴿وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾ پس از این‌که بیان کرد تقرب به سوی الله را بر لذت‌های بدنی خویش ترجیح می‌دهند فرمود این تقرب را به مال که سبب لذاتی دیگر است نیز ترجیح می‌دهند. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۲۹.
پرسش: چرا پس از موضوع نماز شب، عبارت ﴿وَمِمَّا رَزَقۡنَٰهُمۡ يُنفِقُونَ﴾ بیان شد؟

❻ ﴿فَلَا تَعۡلَمُ نَفۡسٞ مَّآ أُخۡفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعۡيُنٖ﴾
یعنی: هیچ‌کس از بزرگی نعمت‌های ماندگاری که الله تعالی در بهشت‌ها مخفی نگاه داشته و لذاتی که هیچ‌کس را از مانند آن‌ها مطلع نکرده است، باخبر نیست. از آن‌جا که اعمال‌شان را مخفی کردند الله تعالی نیز جزای متناسبی به آنان داد و پاداش آنان را مخفی نگاه داشت؛ زیرا جزا از جنس عمل است. حسن بصری می‌گوید: گروهی عمل‌شان را مخفی نگاه داشتند پس الله پاداشی را که هیچ چشمی ندیده و بر قلب هیچ انسانی خطور نکرده است برای‌شان مخفی نگاه داشت. ابن کثیر: ۳/ ۴۴۳.
پرسش: الله تعالی چرا بسیاری از پاداش‌های بهشتیان را مخفی نگاه داشته است؟

❼ ﴿كُلَّمَآ أَرَادُوٓاْ أَن يَخۡرُجُواْ مِنۡهَآ أُعِيدُواْ فِيهَا﴾
هر گاه به سبب رسیدن عذاب به بالاترین حد بخواهند از آن خارج شوند، به آن بازگردانده می‌شوند، بنابراین امید رهایی را از دست می‌دهند و بر اندوه‌شان افزوده می‌گردد. سعدی: ۶۵۶.
پرسش: این بخش از آیه، چگونه بر سختی عذاب فاسقان دلالت دارد؟

ترجمه آیات

یقیناً پیش از عذاب بزرگ [آخرت]، از عذاب نزدیک [و سختی‌های این دنیا] به آنان می‌چشانیم؛ باشد که [به درگاه الهی] بازگردند. (۲۱) کیست ستمکارتر از آن کس که به آیات پروردگارش پند داده می‌شود، سپس از آن روی می‌گرداند؟ بی‌تردید، ما از گناهکاران انتقام می‌گیریم. (۲۲) ما به موسی کتاب [تورات] دادیم ـ پس [ای پیامبر،] در مورد دیدار [خودت با] او [در شب اسراء و معراج] در تردید نباش ـ و آن [= تورات] را رهنمود بنی‌اسرائیل گردانیدیم (۲۳) و چون آنان [بر عبادت و دوری از گناه] شکیبایی می‌کردند و به آیات ما یقین داشتند، پیشوایانی از میان آنان برگماشتیم که به فرمان ما [مردم را] هدایت می‌کردند. (۲۴) مسلماً پروردگار توست که روز قیامت در مورد آنچه اختلاف داشتند، میان آنان داوری می‌کند. (۲۵) آیا برایشان روشن نشده است که چه بسیار نسل‌هایی را پیش از آنان نابود کردیم که [اکنون این کافران] در خانه‌های آنها راه می‌روند؟ به راستی که در این [عذاب و نابودی] عبرت‌هاست. آیا [باز هم سخن حق را] نمی‌شنوند؟ (۲۶) آیا ندیدند که ما باران را به سوی زمین خشک [و بی‌گیاه] می‌فرستیم و به وسیلهٔ آن، کشتزاری پدید می‌آوریم که خود و چهارپایانشان از آن می‌خورند؟ آیا [نشانه‌های قدرتِ الله بر رستاخیز را] نمی‌بینند؟ (۲۷) و [کافران] می‌گویند: «اگر راستگویید، این داوری [میان ما و شما] کی فرامی‌رسد؟» (۲۸) بگو: «در روز داوری [که جدایی حق و باطل است]، ایمان آوردنِ کسانی که کفر ورزیدند سودی ندارد و به آنان مهلت [توبه] داده نمی‌شود». (۲۹) پس [ای پیامبر، اکنون که بر شرک پافشاری می‌کنند] از آنان روی بگردان و منتظر [عذابشان] باش [که] بی‌تردید، آنان [نیز] منتظر [وقوع حوادث ناگوار بر شما] هستند. (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾

﴿وَمَنۡ أَظۡلَمُ﴾ یعنی: هیچ‌کس ستمکارتر برای خودش نیست، ﴿مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ﴾ یعنی: با دلایل و نشانه‌های پروردگارش، ﴿ثُمَّ أَعۡرَضَ عَنۡهَآ﴾ با نپذیرفتن، ﴿إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُنتَقِمُونَ﴾ به سبب تکذیب و رویگردانی‌شان. قرطبی: ۱۷/ ۴۰- ۴۱.

پرسش: رویگردانی از پند و اندرزهای الله تعالی چه خطر و عاقبتی به همراه دارد؟

۲ ﴿وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ﴾

آیه به صفات لازم هدایتگر اشاره می‌کند که عبارت است از: صبر در انجام عبادات و انواع رنج و سختی‌ها، خویشتن‌داری در برابر شهوت‌ها و یقین‌داشتن به آیات؛ بنابراین هر کس ادعای هدایت و راهنمایی داشته باشد اما دارای صفات مذکور نباشد در واقع گمراه است. آلوسی: ۱۱/ ۱۳۹.

پرسش: دعوتگر چگونه در زمرهٔ پیشوایان هدایت قرار می‌گیرد؟

۳ ﴿وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْ﴾

وقتی در مورد این سخن علی ﷺ: «صبر برای ایمان به منزلهٔ سر برای بدن است» از سفیان سؤال شد، این‌گونه پاسخ داد: آیا آیهٔ ﴿وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْ﴾ را نشنیده‌ای، وقتی رأس کار را در دست گرفتند، رئیس شدند. ابن کثیر: ۳/ ۴۴۶.

پرسش: علی بن ابی طالب چگونه به این مفهوم دست یافت که: «صبر برای ایمان به منزلهٔ سر برای بدن است»؟

۴ ﴿وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا لَمَّا صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ﴾

﴿لَمَّا صَبَرُواْ﴾ یعنی: آنان را به پاداش صبری که پیشه کردند پیشوا قرار دادیم... صبر در برابر دین و رنج و سختی منظور است. بنابر قولی: در دوری از دنیا صبر کردند. قرطبی: ۱۷/ ۴۳.

پرسش: منظور از صبر مذکور در آیه چیست؟

۵ ﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسۡمَعُونَ﴾

﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ﴾ یعنی: در بیان این اخبار که امت‌های سرکش گذشته را نابود کردیم یا در مسکن‌هایشان، ﴿لَأٓيَٰتٍ﴾ آیات بزرگ و فراوانی است، ﴿أَفَلَا يَسۡمَعُونَ﴾ آیا این آیات را آن‌گونه که با تدبر و پندگیری همراه باشد، نمی‌شنوند؟! آلوسی: ۱۱/ ۱۳۶.

پرسش: بیان سرگذشت امت‌های پیشین چه فایده‌ای دارد؟

۶ ﴿قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾

هر کس ادعا کند منظور از این فتح، فتح مکه است دچار اشتباه بزرگ و آشکاری شده است؛ زیرا رسول الله ﷺ در روز فتح، اسلام آزادشدگان را که نزدیک دو هزار نفر بودند پذیرفت و اگر فتح مکه در این‌جا مراد بود اسلام آنان پذیرفته نمی‌شد؛ زیرا می‌فرماید: ﴿قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾. پس این فتح به معنای حکم و داوری است. ابن کثیر: ۳/ ۴۴۷.

پرسش: کدام فتح مورد نظر آیه است؟

۷ ﴿فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ﴾

از نادانی آنان روی بگردان و جز با سخنی که بدان فرمان یافته‌ای به آنان پاسخ نده، ﴿وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ﴾ یعنی: منتظر روز فتح باش؛ روزی که الله به نفع تو و علیه آنان حکم صادر می‌کند. قرطبی: ۱۷/ ۴۶.

پرسش: منهج قرآنی در تعامل با تکذیب‌کنندگان رویگردان را بیان کنید؟

سورة (السجدة) الجزء (۲۱) صفحة (۴۱۷)

وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَكۡبَرِ
لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ ﴿٢١﴾ وَمَنۡ أَظۡلَمُ مِمَّن ذُكِّرَ بِـَٔايَٰتِ رَبِّهِۦ ثُمَّ
أَعۡرَضَ عَنۡهَآۚ إِنَّا مِنَ ٱلۡمُجۡرِمِينَ مُنتَقِمُونَ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا
مُوسَى ٱلۡكِتَٰبَ فَلَا تَكُن فِي مِرۡيَةٖ مِّن لِّقَآئِهِۦۖ وَجَعَلۡنَٰهُ
هُدٗى لِّبَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ﴿٢٣﴾ وَجَعَلۡنَا مِنۡهُمۡ أَئِمَّةٗ يَهۡدُونَ بِأَمۡرِنَا
لَمَّا صَبَرُواْۖ وَكَانُواْ بِـَٔايَٰتِنَا يُوقِنُونَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ
يَفۡصِلُ بَيۡنَهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ فِيمَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ
﴿٢٥﴾ أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسۡمَعُونَ
﴿٢٦﴾ أَوَ لَمۡ يَرَوۡاْ أَنَّا نَسُوقُ ٱلۡمَآءَ إِلَى ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡجُرُزِ فَنُخۡرِجُ
بِهِۦ زَرۡعٗا تَأۡكُلُ مِنۡهُ أَنۡعَٰمُهُمۡ وَأَنفُسُهُمۡۚ أَفَلَا يُبۡصِرُونَ
﴿٢٧﴾ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡفَتۡحُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ﴿٢٨﴾
قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ
يُنظَرُونَ ﴿٢٩﴾ فَأَعۡرِضۡ عَنۡهُمۡ وَٱنتَظِرۡ إِنَّهُم مُّنتَظِرُونَ ﴿٣٠﴾

سُورَةُ الأَحْزَابِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ	بلایا و مصایب دنیایی.
مِرۡيَةٖ	شک.
مِّن لِّقَآئِهِۦ	دیدار موسی ﷺ در شب اسراء.
أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ	آیا برای این تکذیب‌کنندگان مشخص نشده است؟!
ٱلۡجُرُزِ	زمین خشک و سختی که هیچ گیاهی ندارد.
يُنظَرُونَ	مهلت داده می‌شوند.

عمل به آیات

۱. سه مصیبت یا بلایی را که الله تعالی با آن‌ها اهالی سرزمینت را ترسانده است به یاد آور سپس آن‌ها را به دیگران یادآوری کن، ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَكۡبَرِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

۲. مصیبتی را که به تو رسیده به یاد آور، سپس خودت را مورد محاسبه قرار بده و به سوی پروردگارت مراجعه کن، ﴿وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَدۡنَىٰ دُونَ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَكۡبَرِ لَعَلَّهُمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

۳. پنج مورد از انواع عذاب دنیوی را که گناهکاران به آن‌ها گرفتار شده‌اند با توجه به قصص قرآن برشمار، ﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسۡمَعُونَ﴾

رهنمودها

۱. نابودی امت‌های گذشته توسط الله تعالی، بزرگ‌ترین اندرز برای کسانی است که قلب و بصیرت دارند، ﴿أَوَ لَمۡ يَهۡدِ لَهُمۡ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ يَمۡشُونَ فِي مَسَٰكِنِهِمۡۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٍۚ أَفَلَا يَسۡمَعُونَ﴾

۲. درخواست فوری عذاب، بر جهل و بی‌خردی دلالت دارد، ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡفَتۡحُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾

۳. توبه هنگام مشاهدهٔ عذاب یا دیدن فرشتهٔ مرگ در لحظهٔ احتضار، پذیرفته نمی‌شود، ﴿قُلۡ يَوۡمَ ٱلۡفَتۡحِ لَا يَنفَعُ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِيمَٰنُهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنظَرُونَ﴾.

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۱) صفحة (۴۱۸)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا ١ وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ
مِن رَّبِّكَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِمَا تَعۡمَلُونَ خَبِيرٗا ٢ وَتَوَكَّلۡ
عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٣ مَّا جَعَلَ ٱللَّهُ لِرَجُلٖ مِّن
قَلۡبَيۡنِ فِي جَوۡفِهِۦۚ وَمَا جَعَلَ أَزۡوَٰجَكُمُ ٱلَّٰٓـِٔي تُظَٰهِرُونَ
مِنۡهُنَّ أُمَّهَٰتِكُمۡۚ وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم
بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ ٤
ٱدۡعُوهُمۡ لِأٓبَآئِهِمۡ هُوَ أَقۡسَطُ عِندَ ٱللَّهِۚ فَإِن لَّمۡ تَعۡلَمُوٓاْ ءَابَآءَهُمۡ
فَإِخۡوَٰنُكُمۡ فِي ٱلدِّينِ وَمَوَٰلِيكُمۡۚ وَلَيۡسَ عَلَيۡكُمۡ جُنَاحٞ فِيمَآ
أَخۡطَأۡتُم بِهِۦ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتۡ قُلُوبُكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
غَفُورٗا رَّحِيمًا ٥ ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ
وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡۗ وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ
فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ مِنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُهَٰجِرِينَ إِلَّآ أَن تَفۡعَلُوٓاْ إِلَىٰٓ
أَوۡلِيَآئِكُم مَّعۡرُوفٗاۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي ٱلۡكِتَٰبِ مَسۡطُورٗا ٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تُظَٰهِرُونَ مِنۡهُنَّ	ظهار: یعنی این‌که مرد به همسرش بگوید: تو بر من، مانند پشت مادرم هستی.
أَدۡعِيَآءَكُمۡ	فرزندخواندگانِ شما.
وَمَوَٰلِيكُمۡ	دوستان دینی شما.
جُنَاحٞ	گناه.
أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ	سودمندتر، مهربان‌تر، و نزدیک‌تر به آنان از خودشان در دین و دنیا.
وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ	همانند مادران مؤمنان؛ در تحریم نکاح و رعایت حقوق‌شان.

عمل به آیات

۱. بگو: «حَسْبِيَ اللهُ لاَ إِلَهَ إِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»، ﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا﴾

۲. اهمیت زیادی به مادران مومنان قائل شو و حقوق‌شان را بشناس، ﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡۖ وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ﴾

۳. به دیدار خویشاوندانت برو و از هر طریق ممکن با آن‌ها رابطه برقرار کن، ﴿وَأُوْلُواْ ٱلۡأَرۡحَامِ بَعۡضُهُمۡ أَوۡلَىٰ بِبَعۡضٖ فِي كِتَٰبِ ٱللَّهِ﴾

رهنمودها

۱. الله پیامبرش را به تقوا فرمان داد تا هیچ‌کس از نصیحت و یادآوری ننگ نداشته باشد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾

۲. دیدگاه کافران و منافقان در هیچ یک از امور دینی ارزش و جایگاهی ندارد، ﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ﴾

۳. هر کس بر الله توکل کند، الله تعالی برای هر اندوهی، گشایش و برای هر تنگنایی، محل خروجی و برای هر مصیبتی، رستگاری و تندرستی قرار می‌دهد، ﴿وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا﴾

سورهٔ احزاب

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ای پیامبر، تقوای الهی پیشه کن و از کافران و منافقان اطاعت نکن. بی‌تردید، الله همواره دانای حکیم است. (۱) و از آنچه از جانب پروردگارت بر تو وحی می‌شود پیروی کن. بی‌تردید، الله همواره به آنچه می‌کنید آگاه است. (۲) و بر الله توکل کن و همین بس که الله کارسازِ [تو] باشد. (۳) الله درون هیچ مردی دو قلب برایش ننهاده است و [به همین صورت،] هرگز همسرانتان را که مورد ظِهار [و تحریم جنسی] قرار می‌دهید، [همچون] مادرانتان نگردانده است؛ و [همچنین] پسرخوانده‌هایتان را پسران [حقیقی] شما قرار نداده است. این سخنی [نادرست] است که بر زبان می‌آورید و الله حق را می‌گوید و اوست که به راه راست هدایت می‌کند. (۴) آنان [= پسرخوانده‌ها] را به پدرانشان نسبت دهید [که] نزد الله عادلانه‌تر است. اگر پدرانشان را نمی‌شناسید، برادران دینی و بردگان آزادشده [و در حکمِ دوستان] شما هستند. در مورد آنچه [قبلاً] اشتباه کرده‌اید، گناهی بر شما نیست؛ ولی [در مورد] آنچه دل‌هایتان قصد آن را دارد [و عمداً بر زبان می‌آورید، مسؤول هستید و گناهکار می‌شوید؛ پس اگر توبه کنید،] همواره الله آمرزندهٔ مهربان است. (۵) پیامبر [در تمام امور] نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر است [و نظر و خواستش اولویت دارد] و همسران او [از لحاظ حرمت ازدواج و رعایت احترام، در حکمِ] مادرانشان هستند؛ و در کتاب الله، خویشاوندان [در ارث بردن از یکدیگر،] نسبت به مؤمنان و مهاجران اولویت دارند [و مِلاک ارث، خویشاوندی است نه ایمان و هجرت]؛ مگر اینکه [بخواهید] به دوستانتان نیکی کنید [و بخشی از اموالتان را به آنان بدهید]. این [حکم،] در آن کتاب [= لوح محفوظ] نوشته شده است. (۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمٗا﴾

﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ﴾: رسول الله ﷺ با این خطاب، گرامی داشته شد؛ زیرا الله تعالی او را با صفت نبوت اما سایر پیامبران را با نام‌های‌شان مورد خطاب قرار داد. ابن جزی: ۲/ ۱۸۱.

پرسش: ندا زدن پیامبر ﷺ در این آیه چگونه با تکریم او همراه است؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ ٱتَّقِ ٱللَّهَ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ﴾

الله با خطاب به پیامبر ﷺ، به مردم هشدار می‌دهد؛ زیرا وقتی بنده و رسولش را به این امر فرمان دهد، دیگران سزاوارتر هستند که بر آن گردن نهند. ابن کثیر: ۳/ ۴۴۸.

پرسش: آیا کسی از امر به تقوا و نهی از طاعت کافران و منافقان بی‌نیاز است؟

۳ ﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ﴾

اینان دشمنان واقعی هستند؛ بنابراین در اموری که مخالف و ضد تقوا هستند از آنان اطاعت نکن. سعدی: ۶۵۷.

پرسش: چرا الله تعالی از طاعت کافران و منافقان نهی کرد؟

۴ ﴿وَٱتَّبِعۡ مَا يُوحَىٰٓ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ﴾

یعنی: قرآن، از پیروی مراسم جاهلی نهی می‌کند و به مبارزه با این مراسم و ترک آن‌ها فرمان می‌دهد و نیز بر پیرویِ‌نکردن از آرا در صورت وجود نص دلالت دارد. هم پیامبر و هم امت ایشان مورد خطاب هستند. قرطبی: ۱۷/ ۵۱.

پرسش: به کسی که قرآن را ترک می‌کند و در پی هوس خویش و سخنان مردم می‌رود چه پاسخی داده می‌شود؟

۵ ﴿وَمَا جَعَلَ أَدۡعِيَآءَكُمۡ أَبۡنَآءَكُمۡۚ ذَٰلِكُمۡ قَوۡلُكُم بِأَفۡوَٰهِكُمۡۖ وَٱللَّهُ يَقُولُ ٱلۡحَقَّ وَهُوَ يَهۡدِي ٱلسَّبِيلَ﴾

﴿أَدۡعِيَآءَ﴾: جمع دعیّ است یعنی کسی که فرزند کسی دیگر خوانده می‌شود در صورتی که چنین نیست. سبب نزول آیه، واقعهٔ زید بن حارثه ﷺ جوانی از قبیلهٔ کلب است که به اسارت و بردگی درآمده بود و خدیجه ﷺ او را خریده بود، سپس او را به پیامبر ﷺ بخشید و پیامبر ﷺ او را به فرزندخواندگی گرفت؛ پس زید بن محمد نامیده شد تا این‌که این آیه نازل گشت [و فرزندخواندگی باطل شد]. ابن جزی: ۲/ ۱۸۲.

پرسش: آیه کدام یک از رسوم جاهلی را باطل کرد؟

۶ ﴿ٱلنَّبِيُّ أَوۡلَىٰ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ مِنۡ أَنفُسِهِمۡ﴾

﴿مِنۡ أَنفُسِهِمۡ﴾: چه رسد به پدران‌شان، در نفوذ حکمش در مورد آنان و وجوب طاعتش بر آنان؛ زیرا آنان را فقط به عقل و حکمت فرا می‌خواند و فقط به آن‌چه سبب نجات‌شان است دستور می‌دهد، اما نفس‌شان آنان را به هوس و فتنه فرامی‌خواند؛ یعنی به تباهی و نابودی امر می‌کند. بقاعی: ۱۵/ ۲۹۰.

پرسش: چرا پیامبر ﷺ برای ما از خودمان سزاوارتر است؟

۷ ﴿وَأَزۡوَٰجُهُۥٓ أُمَّهَٰتُهُمۡ﴾

الله تعالی این فضیلت را به همسران پیامبرش بخشید که مادران مومنان هستند؛ یعنی: در وجوب تعظیم و احسان و تکریم و حرمت نکاح بر مردان. قرطبی: ۱۷/ ۶۲.

پرسش: بر اساس آیه، چه پاسخی به بدعتگذاران داده می‌شود در این‌که از قدر و منزلت مادران مومنان می‌کاهند و در مورد آنان عیبجویی می‌کنند؟

سورة (الأحزاب) الجزء (٢١) صفحة (٤١٩)

وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ
وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٧
لِّيَسۡـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡۚ وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا
٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ
جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ
بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا ٩ إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ أَسۡفَلَ
مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ
وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠ ١٠ هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ
زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ١١ وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم
مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا ١٢ وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ
مِّنۡهُمۡ يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَـٔۡذِنُ فَرِيقٞ
مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ
إِلَّا فِرَارٗا ١٣ وَلَوۡ دُخِلَتۡ عَلَيۡهِم مِّنۡ أَقۡطَارِهَا ثُمَّ سُئِلُواْ ٱلۡفِتۡنَةَ
لَأٓتَوۡهَا وَمَا تَلَبَّثُواْ بِهَآ إِلَّا يَسِيرٗا ١٤ وَلَقَدۡ كَانُواْ عَٰهَدُواْ
ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلۡأَدۡبَٰرَۚ وَكَانَ عَهۡدُ ٱللَّهِ مَسۡـُٔولٗا ١٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ	چشم‌ها بر اثر حیرت و سرگشتگی، خیره شد.
غُرُورٗا	باطل و فریبنده.
يَثۡرِبَ	نام مدینه در زمان جاهلیت.
لَا مُقَامَ لَكُمۡ	در یک نبردِ شکست‌خورده، جایی برای ماندن شما نیست.
بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ	بی‌محافظ.
أَقۡطَارِهَا	اطراف مدینه.

عمل به آیات

۱. در سیرهٔ رسولان اولوالعزم بیندیش و مهم‌ترین صفات مشترک آنان را ذکر کن، ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا﴾

۲. مطالبی در مورد غزوهٔ احزاب بخوان تا بدانی الله تعالی با پایدارکردن پیامبر و اصحابش، دین را برای ما حفظ کرد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا﴾

۳. از نفاق و منافقان به الله پناه ببر، ﴿وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا﴾

رهنمودها

۱. غزوهٔ خندق از دردناکترین و پررنج‌ترین جنگ‌های مسلمانان است، ﴿هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا﴾

۲. الله تعالی بندگانش را می‌آزماید تا این‌که راستان از دروغگویان مشخص شوند، ﴿هُنَالِكَ ٱبۡتُلِيَ ٱلۡمُؤۡمِنُونَ وَزُلۡزِلُواْ زِلۡزَالٗا شَدِيدٗا ١١ وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا﴾

۳. منافق هیچ عهد و پیمانی را با آفریدگار پاس نمی‌دارد، چه رسد به این‌که به عهد و پیمانش در برابر مخلوقات وفا کند، ﴿وَلَقَدۡ كَانُواْ عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ مِن قَبۡلُ لَا يُوَلُّونَ ٱلۡأَدۡبَٰرَۚ وَكَانَ عَهۡدُ ٱللَّهِ مَسۡـُٔولٗا﴾

ترجمه آیات

و [ای پیامبر، یاد کن از] هنگامی که از پیامبران پیمان [عبادت الله به یگانگی و نبوت] گرفتیم و [به ویژه] از تو و نوح و ابراهیم و موسی و عیسی ـ پسر مریم؛ و از [همهٔ] آنان پیمان محکمی [دربارهٔ تبلیغ دین] گرفتیم. (۷) [الله این پیمان را از رسولان گرفت] تا [با کافران اتمام حجت کرده باشد و] از راستگویان [= پیامبران] دربارهٔ راستی‌شان بپرسد و برای کافران عذابی دردناک مهیّا کرده است. (۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، نعمت الله را بر خود به یاد آورید؛ آنگاه که سپاهیانی [از قبایل عرب] به سویتان آمدند. آنگاه ما تندبادی [سخت] و لشکری [از فرشتگان] که آنها را نمی‌دیدید، بر آنان فرستادیم [و به سختی شکستشان دادیم]؛ و همواره الله به آنچه می‌کنید بیناست. (۹) وقتی [در غزوهٔ خندق] دشمنان از بالا و پایین [و از شرق و غربِ شهر] به سویتان آمدند [و مدینه را محاصره کردند]؛ آنگاه که چشم‌ها [به فراوانیِ دشمن] خیره گشته و جان‌ها [از شدت وحشت] به گلوگاه رسیده بود و شما گمان‌هایی [نابجا] به الله می‌بردید. (۱۰) آنجا بود که مؤمنان آزمایش شدند و شدیداً به وحشت و اضطراب افتادند. (۱۱) و [نیز به یاد آورید] هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری [شک و دورویی] بود می‌گفتند: «آنچه الله و پیامبرش [دربارهٔ پیروزی بر کافران] وعده داده‌اند، جز فریبی بیش نیست». (۱۲) و [نیز] هنگامی که گروهی از آنان گفتند: «ای اهل یثرب، اینجا جای ماندن شما نیست؛ پس [به خانه‌هایتان] بازگردید»؛ و برخی از آنان از پیامبر اجازهٔ [بازگشت] می‌خواستند و می‌گفتند: «خانه‌های ما بی‌حفاظ است»؛ در حالی که بی‌حفاظ نبود. آنان چیزی جز فرار [از جهاد] نمی‌خواستند. (۱۳) اگر [لشکر دشمنان] از اطراف آن [= مدینه] بر آنان وارد می‌شدند [و خانه‌هایشان را محاصره می‌کردند] و از آنان خواسته می‌شد به کفر و شرک بازگردند، قطعاً چنین [تعهدی به دشمن] می‌دادند و جز تعدادی اندک [در برابر این درخواست] مقاومت نمی‌کردند. (۱۴) و پیش از این [وقتی همین منافقان در جنگ احد از مقابل کافران گریختند] با الله پیمان بستند که [هرگز به دشمن] پشت نکنند [و از میدان نگریزند]؛ و همواره پیمان الهی بازخواست دارد. (۱۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا﴾

این پنج نفر- گر چه در گروه پیامبران قرار دارند- اما برای بیان برتری آنان، به صورت خاص بیان شدند. بنابر قولی: به این دلیل جداگانه بیان شدند که صاحب شریعت و کتاب و رسولان و پیشوایان اولوالعزم امت‌ها هستند. قرطبی: ۱۷/ ۶۸.

پرسش: چرا فقط رسولان مذکور در این‌جا بیان شدند؟

۲ ﴿وَإِذۡ أَخَذۡنَا مِنَ ٱلنَّبِيِّـۧنَ مِيثَٰقَهُمۡ وَمِنكَ وَمِن نُّوحٖ وَإِبۡرَٰهِيمَ وَمُوسَىٰ وَعِيسَى ٱبۡنِ مَرۡيَمَۖ وَأَخَذۡنَا مِنۡهُم مِّيثَٰقًا غَلِيظٗا ٧ لِّيَسۡـَٔلَ ٱلصَّٰدِقِينَ عَن صِدۡقِهِمۡۚ وَأَعَدَّ لِلۡكَٰفِرِينَ عَذَابًا أَلِيمٗا﴾

الله تعالی خبر می‌دهد که از پیامبران میثاق و پیمان سنگین و موکّدی بر برپایی دین الله و جهاد در راه او تعالی گرفته است... و از پیامبران و پیروان‌شان در مورد این پیمان غلیظ خواهد پرسید که آیا به آن وفا کرده‌اند تا بهشت‌های پرنعمت را به آنان پاداش دهد؟! یا این‌که کفر ورزیده‌اند تا عذاب دردناک را به آنان بچشاند؟! سعدی: ۶۵۹.

پرسش: آیا فقط از پیامبران و رسولان در مورد میثاق غلیظ سوال می‌شود؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ نِعۡمَةَ ٱللَّهِ عَلَيۡكُمۡ إِذۡ جَآءَتۡكُمۡ جُنُودٞ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ رِيحٗا وَجُنُودٗا لَّمۡ تَرَوۡهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرًا﴾

این باد، یکی از معجزات پیامبر ﷺ بود؛ زیرا او و مسلمانان که نزدیک آن قرار داشتند و میان آنان با این باد فقط پهنای خندق فاصله بود، نجات یافتند و هیچ آسیبی ندیدند. قرطبی: ۱۶/ ۹۰.

پرسش: وجه اعجاز فرستادن باد در غزوهٔ احزاب را بیان کنید.

۴ ﴿وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ﴾

﴿وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾: چشم‌ها بر اثر ترس، بازگشت و خیره شد. بنابر قولی: از همه‌چیز بازگشت و فقط به دشمن می‌نگریست. ﴿وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ﴾: و جان‌ها بر اثر وحشت از جا کنده شد و به حلقوم رسید. بغوی: ۳/ ۵۴۴.

پرسش: صفات مومنان در غزوهٔ احزاب بر چه امری دلالت دارند؟

۵ ﴿إِذۡ جَآءُوكُم مِّن فَوۡقِكُمۡ وَمِنۡ أَسۡفَلَ مِنكُمۡ وَإِذۡ زَاغَتِ ٱلۡأَبۡصَٰرُ وَبَلَغَتِ ٱلۡقُلُوبُ ٱلۡحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠﴾

﴿وَتَظُنُّونَ بِٱللَّهِ ٱلظُّنُونَا۠﴾: گمان می‌کردید که کافران بر شما پیروز می‌شوند، در حالی که الله پیروزی بر آنان را به شما وعده داده بود؛ اما منافقان گمان بد بردند و بر این امر تصریح کردند. گویا اندیشه‌ای که هیچ انسانی نمی‌تواند آن را از ذهن خودش دفع کند برای بعضی از مومنان ایجاد شد، اما در ادامه بینا شدند و به وعدهٔ الله تعالی اطمینان یافتند. ابن جزی: ۲/ ۱۸۳.

پرسش: چه تفاوتی میان گمان مومنان و گمان منافقان وجود دارد؟

۶ ﴿وَإِذۡ يَقُولُ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ مَّا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ إِلَّا غُرُورٗا﴾

ظاهر عطف این است که این بیماردلان، منافق نبودند. بنابر قولی: گروهی بودند که منافقان با القای شبهه، آنان را به سوی خود جلب کرده بودند. بنابر قولی دیگر: به سبب نزدیکی عهدشان به اسلام، اعتقادی ضعیف داشتند. آلوسی: ۱۱/ ۱۵۶.

پرسش: منافقان چه کسانی را در شبهات نگاه داشتند؟

۷ ﴿وَإِذۡ قَالَت طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمۡ فَٱرۡجِعُواْۚ وَيَسۡتَـٔۡذِنُ فَرِيقٞ مِّنۡهُمُ ٱلنَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوۡرَةٞ وَمَا هِيَ بِعَوۡرَةٍۖ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارٗا﴾

﴿طَّآئِفَةٞ مِّنۡهُمۡ﴾ یعنی: گروه بزرگی از مُرده‌دلان و بیماردلان گِرد هم می‌چرخند. ﴿يَٰٓأَهۡلَ يَثۡرِبَ﴾ به جای نام‌های نیکوی مدینه و طیبه که پیامبر بر این شهر گذاشته بود، نام قدیمی شهر را - با وجود این‌که به سبب اشتقاق از ثرب که به معنای سرزنش و نکوهش است، بار معناییِ ناپسندی به همراه دارد- به کار بردند تا رویگردانیِ خویش از اسلام را اظهار کنند. بقاعی: ۱۵/ ۳۰۶.

پرسش: چرا منافقان از بیان نامی که پیامبر ﷺ بر شهر گذاشته بود خودداری کردند و از نام قدیمِ مدینه استفاده کردند؟

سورة (الأحزاب) الجزء (٢١) صفحة (٤٢٠)

قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا
لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا ١٦ قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ
إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ
ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا ١٧ ۞قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ
لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا ١٨ أَشِحَّةً
عَلَيۡكُمۡۖ فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ
كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِۖ فَإِذَا ذَهَبَ ٱلۡخَوۡفُ سَلَقُوكُم
بِأَلۡسِنَةٍ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ فَأَحۡبَطَ
ٱللَّهُ أَعۡمَٰلَهُمۡۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ١٩ يَحۡسَبُونَ
ٱلۡأَحۡزَابَ لَمۡ يَذۡهَبُواْۖ وَإِن يَأۡتِ ٱلۡأَحۡزَابُ يَوَدُّواْ لَوۡ أَنَّهُم
بَادُونَ فِي ٱلۡأَعۡرَابِ يَسۡـَٔلُونَ عَنۡ أَنۢبَآئِكُمۡۖ وَلَوۡ كَانُواْ فِيكُم
مَّا قَٰتَلُوٓاْ إِلَّا قَلِيلٗا ٢٠ لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ
لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا ٢١
وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ
وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا ٢٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡمُعَوِّقِينَ	بازدارندگان از جهاد.
أَشِحَّةً	در اموال و جان‌ها و تلاش‌های‌شان بخل می‌ورزند.
تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ	چشمان‌شان بر اثر ترس و نگرانی می‌چرخد.
سَلَقُوكُم	شما را می‌زنند.
حِدَادٍ	با زبان‌های بد و دراز و آزاررسان.
بَادُونَ	در بیابان.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی بخواه تو را از فتنه‌های گمراه‌کننده، چه آشکار و چه نهان، حفظ کند، ﴿قُلۡ مَن ذَا ٱلَّذِي يَعۡصِمُكُم مِّنَ ٱللَّهِ إِنۡ أَرَادَ بِكُمۡ سُوٓءًا أَوۡ أَرَادَ بِكُمۡ رَحۡمَةٗۚ وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ ٱللَّهِ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا﴾

۲. امروز تا می‌توانی الله را به پاکی و بزرگی بستای و از او تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾

۳. یکی از سنت‌های ترک‌شده را احیا و عملی کن، ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. فرار از آزمایش‌ها و سختی‌ها، عمر را طولانی نمی‌کند و اجل را به تأخیر نمی‌اندازد، بلکه بسیاری اوقات سبب تعجیل و نزول ناگهانی کیفر الهی می‌شود، ﴿قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

۲. بازداشتن از جهاد و دست‌کشیدن از کارهای خیر، صفت منافقان است، پس مبادا قفل خیر و کلید شر باشی، ﴿قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾

۳. یادآوری آخرت و ذکر الله تعالی، بیش از هر امر دیگری شخص را بر پیروی از پیامبر ﷺ یاری می‌رساند، ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر، به منافقان] بگو: «اگر از مرگ یا کشته شدن فرار کنید، هرگز سودی به حالتان ندارد؛ و در آن صورت نیز [از زندگی دنیا] جز اندکی بهره‌مند نمی‌شوید». (۱۶) بگو: «اگر الله مصیبت یا رحمتی برایتان خواسته باشد، کیست که شما را در برابرِ [اجرای فرمان] او حفظ کند؟» و آنان هیچ کارساز و یاریگری برای خویش جز الله نمی‌یابند. (۱۷) الله کسانی از شما را که بازدارنده[ی مردم از جهاد] هستند و به برادرانشان می‌گویند: «به ما بپیوندید» به خوبی می‌شناسد. [آنان سست‌باورند] و جز اندکی به میدان جنگ نمی‌آیند. (۱۸) [منافقان در همه چیز] بر شما بخل می‌ورزند؛ و هنگامی که بیم [جنگ پیش] می‌آید، در حالی که چشم‌هایشان [از وحشت در حدقه] می‌چرخد، همچون کسی که از [سختیِ] مرگ بیهوش شده باشد تو را نگاه می‌کنند؛ و چون [بحران و] ترس برطرف شد، به خاطر حرص و طمعی که به غنایم دارند، با زبان‌های تند و نیشدار شما را می‌رنجانند. آنان [هرگز] ایمان نیاورده‌اند؛ پس الله اعمالشان را تباه می‌گرداند و این [کار] همواره بر الله آسان است. (۱۹) [منافقان] می‌پندارند [که لشکریان] احزاب [هنوز از اطراف مدینه] نرفته‌اند؛ و اگر احزاب بازگردند، [این سست‌باوران] آرزو می‌کنند که میان بادیه‌نشینان [پنهان] باشند [و از همانجا] اخبارِ [درگیریِ] شما را جویا شوند؛ و [حتی] اگر بین [سپاه] شما بودند، جز اندکی نمی‌جنگیدند. (۲۰) بی‌تردید، در [رفتار و گفتار] رسول الله، سرمشق نیکویی برایتان است؛ برای هر کس که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می‌کند. (۲۱) و چون مؤمنان [لشکر] احزاب را دیدند، گفتند: «این [امتحان الهی و پیروزی نهایی‌اش] همان چیزی است که الله و پیامبرش به ما وعده داده‌اند و [حقا که] الله و پیامبرش راست گفتند» و [مشاهدهٔ انبوه دشمن] جز بر ایمان و تسلیمشان [در مقابل پروردگار] نیفزود. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ﴾

اسباب در صورتی کارساز است که در تعارض با قضا و قدر نباشند؛ یعنی اگر قضا و قدر فرا رسد تمام اسباب متلاشی می‌شوند و هر وسیله‌ای که به گمان انسان سبب نجاتش است باطل می‌گردد. سعدی: ۶۶۰.

پرسش: آیا آیه بر بطلان اسباب دلالت دارد؟

۲ ﴿قُل لَّن يَنفَعَكُمُ ٱلۡفِرَارُ إِن فَرَرۡتُم مِّنَ ٱلۡمَوۡتِ أَوِ ٱلۡقَتۡلِ وَإِذٗا لَّا تُمَتَّعُونَ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

هدف آیه بدین قرار است: تربیت مسلمانان بر این‌که زندگی دنیا را بی‌ارزش بدانند و همت‌های‌شان را در راستای کمال که سعادت ابدی را در پی دارد و حرکت در ورای تعالیم دین به کار گیرند. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۹۱.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه، انسان مسلمان را بر ترجیحِ آخرتِ جاویدان بر دنیای فانی تربیت می‌کند.

۳ ﴿قَدۡ يَعۡلَمُ ٱللَّهُ ٱلۡمُعَوِّقِينَ مِنكُمۡ وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَاۖ وَلَا يَأۡتُونَ ٱلۡبَأۡسَ إِلَّا قَلِيلًا﴾

یعنی: کسانی که با سخنان و کارهای‌شان مردم را از جهاد بازمی‌دارند، ﴿وَٱلۡقَآئِلِينَ لِإِخۡوَٰنِهِمۡ هَلُمَّ إِلَيۡنَا﴾: اینان منافقانی بودند که در مدینه از جهاد بازماندند و به خویشاوندان و منافقانِ مانند خودشان می‌گفتند: بیایید همراه ما در مدینه بمانید و به نبرد نروید. ابن جزی: ۲/ ۱۸۴.

پرسش: الله تعالی در این آیه و آیات بعدی کدام صفت منافقان را بیان کرده است؟

۴ ﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡ﴾ ﴿أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَمۡ يُؤۡمِنُواْ﴾

﴿أَشِحَّةً عَلَيۡكُمۡ﴾: با بدن‌های‌شان هنگام قتال و با اموال‌شان هنگام انفاق در قتال؛ یعنی با اموال و جان‌های‌شان جهاد نمی‌کنند... ﴿أَشِحَّةً عَلَى ٱلۡخَيۡرِ﴾: خیری که از آنان خواسته می‌شود. این بدترین امر در انسان است که: نسبت به آن‌چه بدان فرمان داده می‌شود بخیل باشد؛ یعنی در مالش بخل ورزد از این‌که آن را در راه خشنودی الله هزینه کند و در بدنش بخل ورزد که با دشمنان الله جهاد کند یا به سوی الله فرا خواند و در مقام، علم، خیرخواهی و دیدگاهش بخل ورزد. سعدی: ۶۶۱.

پرسش: انواعی از شحّ مورد نظر آیه را نام ببرید.

۵ ﴿فَإِذَا جَآءَ ٱلۡخَوۡفُ رَأَيۡتَهُمۡ يَنظُرُونَ إِلَيۡكَ تَدُورُ أَعۡيُنُهُمۡ كَٱلَّذِي يُغۡشَىٰ عَلَيۡهِ مِنَ ٱلۡمَوۡتِ﴾

آیه نگاه منافقان را که مانند نگاه شخص ترسیده و وحشت‌زده است به تصویر می‌کشد؛ یعنی از ترس این‌که مبادا مصیبت‌ها از یکی از جهات بر او وارد شود، به تمام جهات نگاه می‌کند. ابن عاشور: ۲۱/ ۲۹۷.

پرسش: آیه یکی از صفات منافقان را که هنگام حضور ترس و بیم‌ها آشکار می‌گردد بیان می‌کند. این صفت را نام ببرید.

۶ ﴿لَّقَدۡ كَانَ لَكُمۡ فِي رَسُولِ ٱللَّهِ أُسۡوَةٌ حَسَنَةٞ لِّمَن كَانَ يَرۡجُواْ ٱللَّهَ وَٱلۡيَوۡمَ ٱلۡأٓخِرَ وَذَكَرَ ٱللَّهَ كَثِيرٗا﴾

اصولیون بر اساس این آیه استدلال کرده‌اند که افعال رسول الله ﷺ به عنوان دلیل به شمار می‌روند و اصل این است که امت پیامبر، پیرو او در احکام هستند مگر مواردی که دلیلی شرعی بر اختصاص آن‌ها به پیامبر ﷺ دلالت کند. سعدی: ۶۶۱.

پرسش: آیا افعال رسول الله ﷺ دلیل و حجت به شمار می‌روند؟

۷ ﴿وَلَمَّا رَءَا ٱلۡمُؤۡمِنُونَ ٱلۡأَحۡزَابَ قَالُواْ هَٰذَا مَا وَعَدَنَا ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥ وَصَدَقَ ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥۚ وَمَا زَادَهُمۡ إِلَّآ إِيمَٰنٗا وَتَسۡلِيمٗا﴾

این آیه به افزوده‌شدن بر ایمان به تناسب اختلاف مردم و احوال‌شان دلالت دارد؛ چنان‌که به باور جمهور ائمه، ایمان زیاد و کم می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۴۵۷.

پرسش: بر اساس آیه پاسخ دهید که آیا ایمان کم و زیاد می‌شود؟

سورة (الأحزاب) الجزء (٢١) صفحة (٤٢١)

مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن
قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا ﴿٢٣﴾ لِّيَجۡزِيَ
ٱللَّهُ ٱلصَّٰدِقِينَ بِصِدۡقِهِمۡ وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ
يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿٢٤﴾ وَرَدَّ ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗاۚ وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا ﴿٢٥﴾ وَأَنزَلَ ٱلَّذِينَ ظَٰهَرُوهُم مِّنۡ
أَهۡلِ ٱلۡكِتَٰبِ مِن صَيَاصِيهِمۡ وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ ٱلرُّعۡبَ
فَرِيقٗا تَقۡتُلُونَ وَتَأۡسِرُونَ فَرِيقٗا ﴿٢٦﴾ وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ
وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ قَدِيرٗا ﴿٢٧﴾ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ إِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ
ٱلۡحَيَوٰةَ ٱلدُّنۡيَا وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيۡنَ أُمَتِّعۡكُنَّ وَأُسَرِّحۡكُنَّ
سَرَاحٗا جَمِيلٗا ﴿٢٨﴾ وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ
ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا ﴿٢٩﴾
يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ
لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا ﴿٣٠﴾

ترجمه آیات

در میان مؤمنان، مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با الله بسته بودند [صادقانه] وفا کردند؛ برخی از آنان تا آخر بر عهد و پیمان خود ایستادند [و در این راه درگذشتند یا شهید شدند] و برخی دیگر هنوز چشم‌انتظار [شهادت] هستند و هرگز [پیمان خود را] دگرگون نساخته‌اند. (۲۳) [این رویدادها پیش می‌آید] تا الله راستگویان را به [پاسِ پایمردی و] راستگویی‌شان پاداش دهد و منافقان را ـ اگر بخواهد ـ عذاب کند یا توبه‌شان را بپذیرد. بی‌تردید، الله آمرزندهٔ مهربان است. (۲۴) و الله [سپاه] کسانی را که کفر ورزیده‌اند، بی‌آنکه به غنیمی دست یابند، با [تمام حسرت و] خشمشان [از اطراف مدینه] برگرداند و الله مؤمنان را از جنگ بی‌نیاز ساخت؛ و الله همواره توانای شکست‌ناپذیر است. (۲۵) [الله] گروهی از اهل کتاب [= یهود بنی‌قُریظه] را که از آنان [= مشرکان] پشتیبانی کرده بودند، از قلعه‌هایشان پایین کشید و در دل‌هایشان وحشت انداخت؛ [چنان که شما] گروهی [از آنان] را می‌کشتید و گروهی را به اسارت می‌گرفتید. (۲۶) و زمین‌های کشاورزی و خانه‌ها و اموالشان و [همچنین] سرزمینی را که هرگز به آنجا پا نگذاشته بودید [= خیبر] در اختیار شما نهاد؛ و الله بر هر چیزی تواناست. (۲۷) ای پیامبر، به همسرانت [که نفقهٔ بیشتری می‌خواهند] بگو: «اگر زندگی دنیا و زینت‌هایش را می‌خواهید، بیایید تا شما را [با هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازم و [بدون هیچ آزاری] به نیکویی رهایتان کنم. (۲۸) و اگر مشتاق الله و پیامبرش و سرای آخرت هستید، [بدانید که] بی‌تردید، الله پاداش بزرگی برای نیکوکارانتان فراهم کرده است». (۲۹) ای زنان پیامبر، هر یک از شما که [گناه] ناشایستِ آشکاری مرتکب شود، عذابش دو چندان می‌گردد؛ و این [کار] همواره برای الله آسان است. (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا﴾

اینان مردان واقعی هستند و دیگران فقط صورت مرد دارند اما صفات مردان را رها کرده‌اند. سعدی: ۶۶۱.

پرسش: مردانگی واقعی چیست؟

❷ ﴿وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

تعلیق آمدن عذاب بر مشیّت الهی، رحمت فراگیر الله را به آنان گوشزد می‌کند و این‌که امیدشان را در تلاش برای آمرزش گناهان‌شان از دست ندهند؛ یعنی توبه کنند که الله توبهٔشان را می‌پذیرد. ابن عاشور: ۲۱/ ۳۰۹.

پرسش: چرا عذاب‌کردن بر مشیت الله تعالی معلق شد؟

❸ ﴿وَيُعَذِّبَ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ إِن شَآءَ أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾

﴿أَوۡ يَتُوبَ عَلَيۡهِمۡ﴾: یعنی آنان را به توبه و بازگشت موفق می‌گرداند. این خوی و خصلت ذات بخشنده است و به همین دلیل، آیه با دو نام که بر مغفرت و بخشش و احسان دلالت می‌کنند به پایان رسید. سعدی: ۶۶۲.

پرسش: چرا آیه با دو نام نیکوی ﴿غَفُورٗا رَّحِيمٗا﴾ پایان یافت؟

❹ ﴿وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَۚ وَكَانَ ٱللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزٗا﴾

﴿وَكَفَى ٱللَّهُ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٱلۡقِتَالَ﴾: به این نحو که باد و لشکریانی فرستاد تا این‌که بازگشتند. بنی‌قریظه نیز به دژهایش بازگشت. القای وحشت برای بازگشت قریظه کافی بود. قرطبی: ۱۶/ ۱۱۵.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که یکی از مظاهر قدرت و نیرومندی الله تعالی، لشکریانی است که فقط خودش از آن‌ها آگاه است.

❺ ﴿وَأَوۡرَثَكُمۡ أَرۡضَهُمۡ وَدِيَٰرَهُمۡ وَأَمۡوَٰلَهُمۡ وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَاۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا﴾

﴿وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَا﴾: وعده‌ای است برای فتح سرزمین‌هایی که مسلمانان تا آن زمان بر آن پا نگذاشته بودند؛ یعنی مکه، یمن، شام، عراق و مصر که الله تعالی تمام این سرزمین‌ها و ماورای آن‌ها را تا دورترین مشرق و مغرب، میراث مسلمانان قرار داد. ابن جزی: ۲/ ۱۸۶.

پرسش: وجه اعجاز در عبارت ﴿وَأَرۡضٗا لَّمۡ تَطَـُٔوهَا﴾ را بیان کنید.

❻ ﴿وَإِن كُنتُنَّ تُرِدۡنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ وَٱلدَّارَ ٱلۡأٓخِرَةَ فَإِنَّ ٱللَّهَ أَعَدَّ لِلۡمُحۡسِنَٰتِ مِنكُنَّ أَجۡرًا عَظِيمٗا﴾

این تخییر فواید متعددی دارد:... از جمله: اظهار بالابودن درجات و همت والای مادران مومنان؛ چون الله و رسولش و سرای آخرت، مراد و مقصودشان بود نه دنیا و مال اندک و فانی آن. سعدی: ۶۶۳.

پرسش: این تخییر چگونه بر مرتبهٔ والای مادران مومنان دلالت دارد؟

❼ ﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا﴾

هر اندازه حرمت‌های بزرگ‌تری شکسته شود بر کیفر نیز افزوده می‌شود؛ از این رو حد انسان آزاد نسبت به حد برده و حد متاهل نسبت به حد مجرد و دوشیزه سنگین‌تر است. قرطبی: ۱۶/ ۱۳۳.

پرسش: آیا هر کس که رتبهٔ بالاتری داشته باشد اشتباهش نیز بزرگ‌تر به شمار می‌آید؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ	به نذرش در یاری دین خویش وفا کرد یا شهید شد.
بِغَيۡظِهِمۡ لَمۡ يَنَالُواْ خَيۡرٗا	چون به خواستهٔشان نرسیده بودند سرشار از خشم بودند.
ظَٰهَرُوهُم	به احزاب یاری رساندند.
صَيَاصِيهِمۡ	دژهای‌شان.
وَأُسَرِّحۡكُنَّ	شما را طلاق دهم.
بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ	معصیتی آشکار.

عمل به آیات

۱. سیرهٔ صحابه را مرور و بررسی کن که آنان الگوی ما هستند، ﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا﴾

۲. پیامی در مورد پایداری بر دین الله و اهمیت این امر بنویس، ﴿وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا﴾

۳. از الله تعالی بخواه راستی را به تو ارزانی کند و تو را بر آن پایدار بدارد تا زمانی که با او دیدار کنی، ﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا﴾

رهنمودها

۱. صحابه جایگاه و فضیلت بالایی دارند و الله تعالی آنان را تزکیه کرده است، پس هر کس که به آنان دشنام دهد، قطعاً قرآن را تکذیب کرده است، ﴿مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ رِجَالٞ صَدَقُواْ مَا عَٰهَدُواْ ٱللَّهَ عَلَيۡهِۖ فَمِنۡهُم مَّن قَضَىٰ نَحۡبَهُۥ وَمِنۡهُم مَّن يَنتَظِرُۖ وَمَا بَدَّلُواْ تَبۡدِيلٗا﴾

۲. قدرت الله بی‌نهایت است و هیچ مرزی ندارد؛ یعنی او تعالی بر همه‌چیز تواناست و هیچ‌چیز او را ناتوان نمی‌سازد، ﴿وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ قَدِيرٗا﴾

۳. گناه عالم و شریف، از گناه انسان جاهل و پست، شدیدتر است، ﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ مَن يَأۡتِ مِنكُنَّ بِفَٰحِشَةٖ مُّبَيِّنَةٖ يُضَٰعَفۡ لَهَا ٱلۡعَذَابُ ضِعۡفَيۡنِۚ وَكَانَ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٗا﴾

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۲) صفحة (۴۲۲)

۞ وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعْمَلْ صَٰلِحًا نُّؤْتِهَآ
أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا ﴿٣١﴾ يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ
لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ
فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴿٣٢﴾ وَقَرْنَ
فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ
ٱلصَّلَوٰةَ وَءَاتِينَ ٱلزَّكَوٰةَ وَأَطِعْنَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥٓ إِنَّمَا
يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ
تَطْهِيرًا ﴿٣٣﴾ وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ
ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا ﴿٣٤﴾
إِنَّ ٱلْمُسْلِمِينَ وَٱلْمُسْلِمَٰتِ وَٱلْمُؤْمِنِينَ وَٱلْمُؤْمِنَٰتِ
وَٱلْقَٰنِتِينَ وَٱلْقَٰنِتَٰتِ وَٱلصَّٰدِقِينَ وَٱلصَّٰدِقَٰتِ وَٱلصَّٰبِرِينَ
وَٱلصَّٰبِرَٰتِ وَٱلْخَٰشِعِينَ وَٱلْخَٰشِعَٰتِ وَٱلْمُتَصَدِّقِينَ
وَٱلْمُتَصَدِّقَٰتِ وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلْحَٰفِظِينَ
فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ وَٱلذَّٰكِرِينَ ٱللَّهَ كَثِيرًا
وَٱلذَّٰكِرَٰتِ أَعَدَّ ٱللَّهُ لَهُم مَّغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا ﴿٣٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَقْنُتْ مِنكُنَّ	هر یک از شما که از الله و رسولش اطاعت کند.
وَأَعْتَدْنَا	آماده کرده‌ایم.
وَقَرْنَ	بمانید.
ٱلرِّجْسَ	آزار و بدی و گناه.
وَٱلْقَٰنِتِينَ	فرمانبردار و فروتن در برابر الله.
وَٱلْخَٰشِعِينَ	ترسان از الله و متواضع.

عمل به آیات

۱. خوهرانت را نصیحت کن که اگر نیاز شد مردان نامحرم را مورد خطاب قرار دهند یا پاسخ تلفن را بدهند به صورت نرم سخن نگویند، ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾

۲. پیامی در مورد اهمیتِ ماندنِ زن در خانه، به‌خصوص در عصر حاضر، منتشر کن، ﴿وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ﴾

۳. بکوش وردی همیشگی از قرآن کریم و احادیثی از سنت رسول الله ﷺ در خانات جریان داشته باشد، ﴿وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا﴾

رهنمودها

۱. سخن گفتن زنان به نرمی و ناز خطر زیادی دارد، ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾

۲. نشان‌دادن زینت خود به دیگران حرام و از آثار جاهلیت است، ﴿وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ ٱلْجَٰهِلِيَّةِ ٱلْأُولَىٰ﴾

۳. قرائت قرآن و دعاهای مأثور در منزل، خانه و اعضای خانواده را در برابر شیاطین انسی و جنی محافظت می‌کند، ﴿وَٱذْكُرْنَ مَا يُتْلَىٰ فِى بُيُوتِكُنَّ مِنْ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ وَٱلْحِكْمَةِ﴾

ترجمه آیات

و هریک از شما که پیوسته فرمانبردارِ الله و پیامبرش باشد و کاری شایسته کند، پاداش او را دو برابر می‌دهیم و [در بهشت] روزی ارزشمندی برایش فراهم آورده‌ایم. (۳۱) ای زنان پیامبر، اگر پرهیزگاری کنید، [در برتری و شرافت] مانند هیچ یک از زنان [دیگر] نخواهید بود؛ پس در هنگام سخن گفتن [با مردان]، ناز و نرمش به کار نبرید تا [مبادا] کسی که در دلش بیماری است [در شما] طمع کند و به شیوه‌ای شایسته سخن بگویید. (۳۲) و در خانه‌هایتان بمانید و همچون جلوه‌گری [زنان در دوران] جاهلیت پیشین، جلوه‌گری [و خودنمایی] نکنید و نماز برپا دارید و زکات بپردازید و از الله و پیامبرش اطاعت کنید. ای اهل خانه[ی پیامبر]، جز این نیست الله می‌خواهد پلیدی [و آزارِ بیگانگان] را از شما دور نماید و شما را کاملاً پاک گرداند. (۳۳) و هر آنچه را که از آیات الهی و سنت پیامبر در خانه‌هایتان خوانده می‌شود، به یاد داشته باشید. بی‌تردید، الله همواره باریک‌بین آگاه است. (۳۴) الله برای مردان مسلمان و زنان مسلمان و مردان مؤمن و زنان مؤمن و مردان فرمانبردار و زنان فرمانبردار و مردان راستگو و زنان راستگو و مردان شکیبا و زنان شکیبا و مردان فروتن و زنان فروتن و مردان انفاقگر و زنان انفاقگر و مردان روزه‌دار و زنان روزه‌دار و مردان پاکدامن و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که الله را بسیار یاد می‌کنند، برای [همگی] آنان آمرزش و پاداشی بزرگ فراهم نموده است. (۳۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَن يَقْنُتْ مِنكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِۦ وَتَعْمَلْ صَٰلِحًا نُّؤْتِهَآ أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا﴾

اضافه‌شدن اجر به ضمیر «ها» به بزرگی این اجر اشاره دارد؛ یعنی مناسب مقام همسر پیامبر است. به بزرگواری همسر پیامبر نیز اشاره دارد که مستحق این اجر است. مضاعف‌شدن اجر برای همسران پیامبر در انجام طاعات، نشان از ارزش و جایگاه بالای آنان است. ابن عاشور: ۲۲/ ۵.

پرسش: جایگاه همسران پیامبر را بر اساس آیه بیان کنید.

۲ ﴿يَٰنِسَآءَ ٱلنَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ ٱلنِّسَآءِ إِنِ ٱتَّقَيْتُنَّ﴾

برتری همسران پیامبر بر زنان، به شرط تقوا است و چون به این تقوا رسیدند بر تمام زنان برتری یافتند. البته افراد ذیل از این عموم خارج هستند: فاطمه دختر رسول الله، مریم دختر عمران و آسیه زن فرعون؛ چون رسول الله ﷺ برای هر یک از این زنان گواهی داده که سرور زنان جهان در زمان خود هستند. ابن جزی: ۲/ ۱۸۸.

پرسش: شرط برتری مادران مومنان بر سایر زنان چیست؟ و چه کسانی غیر از همسران پیامبر، بر این برتری دست یافته‌اند؟

۳ ﴿فَلَا تَخْضَعْنَ بِٱلْقَوْلِ فَيَطْمَعَ ٱلَّذِى فِى قَلْبِهِۦ مَرَضٌ﴾

قلب سالم، تمایلی به حرام الله ندارد؛ زیرا اسباب، ـ به سبب صحت و سلامتی قلبش از بیماری،ـ او را به سوی حرام تحریک نمی‌کند. بر خلاف قلب مریض که بردباری و تحمل قلب صحیح را ندارد؛ بلکه اگر کوچک‌ترین سبب او را به سوی حرام فرا خواند، دعوتش را می‌پذیرد و از او نافرمانی نمی‌کند. سعدی: ۶۶۴.

پرسش: چرا فقط قلب بیمار بیان شد؟

۴ ﴿وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾

وقتی همسران پیامبر را از سخن نرم نهی فرمود شاید این گمان ایجاد می‌شد که آنان مامور شده‌اند سخن درشت بگویند؛ اما این گمان را با عبارت ﴿وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ دفع کرد؛ یعنی غیر خشک و خشن؛ کما این‌که نرم و خاضع نیست. سعدی: ۶۶۴.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا﴾ پایان یافت؟

۵ ﴿وَقَرْنَ فِى بُيُوتِكُنَّ﴾

به سوده رضی الله عنها گفته شد: چرا خارج نمی‌شوی؟ گفت: الله به ما فرمان داده است که از خانه‌های‌مان خارج نشویم، عایشه رضی الله عنها وقتی این آیه را خواند به سبب خروجش در روزهای جنگ جمل می‌گریست. ابن جزی: ۲/ ۱۸۸.

پرسش: مادران مومنان چگونه به این آیه عمل کردند؟

۶ ﴿إِنَّمَا يُرِيدُ ٱللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ ٱلرِّجْسَ أَهْلَ ٱلْبَيْتِ﴾

آیه تصریح دارد بر این‌که همسران پیامبر جزء اهل بیت هستند؛ زیرا آنان سبب نزول این آیه هستند و سبب نزول به اتفاق آرا در حکم آیه قرار دارد. ابن کثیر: ۳/ ۴۶۵.

پرسش: آیه چگونه دیدگاه شیعه در مورد اهل بیت را باطل می‌کند؟

۷ ﴿وَٱلصَّٰٓئِمِينَ وَٱلصَّٰٓئِمَٰتِ وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ﴾

از آن‌جا که روزه بهترین کار برای شکستن شهوت است... مناسب است که بعد از آن عبارت ﴿وَٱلْحَٰفِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَٱلْحَٰفِظَٰتِ﴾ بیان شود.

پرسش: چرا حفظ شرمگاه بعد از روزه بیان شد؟

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۲) صفحة (۴۲۳)

وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ
لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا
مُّبِينٗا ٣٦ وَإِذۡ تَقُولُ لِلَّذِيٓ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَأَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِ
أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ
مُبۡدِيهِ وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيۡدٞ
مِّنۡهَا وَطَرٗا زَوَّجۡنَٰكَهَا لِكَيۡ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ حَرَجٞ فِيٓ
أَزۡوَٰجِ أَدۡعِيَآئِهِمۡ إِذَا قَضَوۡاْ مِنۡهُنَّ وَطَرٗاۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ مَفۡعُولٗا
٣٧ مَّا كَانَ عَلَى ٱلنَّبِيِّ مِنۡ حَرَجٖ فِيمَا فَرَضَ ٱللَّهُ لَهُۥۖ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي
ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۚ وَكَانَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قَدَرٗا مَّقۡدُورًا ٣٨ ٱلَّذِينَ
يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ
بِٱللَّهِ حَسِيبٗا ٣٩ مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن
رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٤٠
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا ٤١ وَسَبِّحُوهُ
بُكۡرَةٗ وَأَصِيلًا ٤٢ هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ
لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا ٤٣

ترجمه آیات

برای هیچ مرد و زن مؤمنی شایسته نیست که وقتی الله و رسولش به کاری فرمان می‌دهند، [در اجرای آن فرمان،] اختیاری داشته باشد؛ و هر کس از الله و رسولش نافرمانی کند، حقا که در گمراهیِ آشکاری گرفتار شده است. (۳۶) [به یاد آور] وقتی به [زید بن‌حارثه] ـ کسی که الله به او نعمت [اسلام] داده بود و تو نعمت [آزادی] به او بخشیده بودی ـ [به نصیحت] می‌گفتی: «همسرت را نزد خویش نگه دار و از الله پروا کن» و در دل خویش چیزی را [در مورد ازدواج با زینب پس از طلاقش] پنهان می‌داشتی که الله آشکارکنندهٔ آن بود و [چون این ازدواج، با سنت‌های جاهلی مغایر بود] از [سرزنشِ] مردم می‌ترسیدی؛ حال آنکه الله سزاوارتر است که از او بترسی. پس هنگامی که زید نیازش را از وی به پایان بُرد [و طلاقش داد]، او را به ازدواج تو درآوردیم تا برای مؤمنان در مورد ازدواج با همسرانِ پسرخوانده‌هایشان که از آنان کام گرفته‌اند [و طلاقشان داده‌اند]، هیچ گناهی نباشد؛ و فرمان الله همواره انجام‌پذیر است. (۳۷) بر پیامبر، در مورد آنچه الله برایش مقرر [و حلال] داشته است، هیچ گونه گناهی وجود ندارد. [این کار،] سنت الهی است [و] دربارهٔ کسانی [= پیامبرانی] که پیش از این بوده‌اند [نیز صدق می‌کند]؛ و فرمان الله همواره دقیق و حساب‌شده است. (۳۸) [همان] کسانی که پیام‌های الله را [به مردم] می‌رسانند و تنها از او می‌ترسند و از هیچ کس جز الله ترسی ندارند؛ و الله برای حسابرسی [کارهای بندگانش] کافی است. (۳۹) محمد هرگز پدر هیچ‌یک از مردان شما [از جمله زید] نیست؛ بلکه رسول الله و خاتم پیامبران است؛ و الله همواره به همه چیز داناست. (۴۰) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، الله را بسیار یاد کنید (۴۱) و بامداد و شامگاه او را به پاکی بستایید. (۴۲) اوست که بر شما درود [و رحمت] می‌فرستد و فرشتگانش [نیز دعایتان می‌کنند] تا شما را از تاریکی‌ها به سوی نور بیرون آورد و [الله] همواره نسبت به مؤمنان مهربان است. (۴۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡ﴾
یعنی: هیچ مرد و زن مومنی در برابر الله و رسولش حق انتخاب ندارد، بلکه باید تسلیم و فرمانبردار امر الله و رسولش باشد. ابن جزی: ۲/ ۱۸۹.

پرسش: هر وقت دلیلی از قرآن و سنت به مومن رسید باید چه موضعی اتخاذ کند؟

۲ ﴿وَإِذۡ تَقُولُ لِلَّذِيٓ أَنۡعَمَ ٱللَّهُ عَلَيۡهِ وَأَنۡعَمۡتَ عَلَيۡهِ أَمۡسِكۡ عَلَيۡكَ زَوۡجَكَ وَٱتَّقِ ٱللَّهَ﴾
نظر خوب برای کسی که در مورد جدایی از همسرش مشورت می‌گیرد این است که به او پیشنهاد شود در صورتی که امکان اصلاح شرایط وجود دارد همسرش را نگاه دارد؛ زیرا این کار بهتر از جدایی است. سعدی: ۶۶۶.

پرسش: برای کسی که می‌خواهد همسرش را رها کند چه پیشنهادی شایسته است؟

۳ ﴿وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبۡدِيهِ وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُ﴾
رسول الله ﷺ ابلاغ آشکار را به انجام رسانیده و تمام آن‌چه را که به او وحی شده، ابلاغ کرده است؛ حتی این امر که در آن مورد سرزنش قرار گرفته است. سعدی: ۶۶۶.

پرسش: پیامبر ﷺ در تبلیغ آن‌چه به او وحی شده، به اوج راستی رسیده است. آیه چگونه بر این مطلب گواهی می‌دهد؟

۴ ﴿فَلَمَّا قَضَىٰ زَيۡدٞ مِّنۡهَا وَطَرٗا زَوَّجۡنَٰكَهَا لِكَيۡ لَا يَكُونَ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ حَرَجٞ فِيٓ أَزۡوَٰجِ أَدۡعِيَآئِهِمۡ إِذَا قَضَوۡاْ مِنۡهُنَّ وَطَرٗا﴾
آموزش رفتاری از آموزش گفتاری بهتر است، به‌خصوص اگر با گفتار همراه باشد که در این صورت مزیتی افزون بر مزیت قبلی دارد. سعدی: ۶۶۶.

پرسش: توضیح دهید که آیه به تربیت عملی اشاره دارد.

۵ ﴿مَّا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَآ أَحَدٖ مِّن رِّجَالِكُمۡ وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ وَخَاتَمَ ٱلنَّبِيِّـۧنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا﴾
عبارت ﴿وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ﴾ برای رفع این توهّم بیان شد که نفی پدربودن، به معنای قطع مهربانی و محبت میان محمد ﷺ و امت است؛ بنابراین بیان شد که او رسول الله است یعنی همانند پدر، تمام افراد امتش را دوست دارد و به آن‌ها مهربانی و نیکی می‌کند و آنان نیز او را بزرگ و محترم می‌شمارند؛ و تمام پیامبران چنین رابطه‌ای با امت‌های‌شان دارند. ابن عاشور: ۴۴/۲۲.

پرسش: بیان عبارت ﴿وَلَٰكِن رَّسُولَ ٱللَّهِ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۶ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا﴾
الله تعالی بر خلاف سایر اعمال، وقتی به ذکر دستور داد کثرت را در آن شرط کرد. ذکر با قلب و زبان انجام می‌شود و انواع زیادی دارد؛ شامل: تهلیل، تسبیح، حمد، تکبیر و ذکر نام‌های نیک الله تعالی. ابن جزی: ۲/ ۱۹۱.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که در میان اعمال پسندیده، ذکر با چه چیزی خاص شد؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا﴾
الله به بندگانش امر کرد در قبال نعمت‌هایی که به آنان ارزانی داشته است، ذکر و شکر او تعالی را به فراوانی به جای آورند. الله این امر را به سبب سهولت انجام آن و به دلیل پاداش بزرگی که دارد، بدون حد قرار داد. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: هیچ‌کس در ترک ذکر الله معذور نیست مگر کسی که عقلش را از دست داده باشد. قرطبی: ۱۶/ ۱۶۷.

پرسش: آیا کسی در ترک ذکر الله تعالی معذور به شمار می‌رود؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قَضَىٰ	حکم کرده است.
قَضَىٰ زَيۡدٞ مِّنۡهَا وَطَرٗا	او را طلاق داد.
أَدۡعِيَآئِهِمۡ	فرزندخواندگان‌شان.
وَطَرٗا	نیاز.
حَرَجٖ	گناه.

عمل به آیات

۱. امروز بیش از دیروز الله تعالی را یاد کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱذۡكُرُواْ ٱللَّهَ ذِكۡرٗا كَثِيرٗا﴾

۲. صبح و شام بر پیامبر ﷺ درود بفرست تا الله بر تو رحمت فرستد، ﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا﴾

۳. در یک کلاس علمی یا در یک سخنرانی علمی حاضر شو تا فرشتگان بر تو درود فرستند، ﴿هُوَ ٱلَّذِي يُصَلِّي عَلَيۡكُمۡ وَمَلَٰٓئِكَتُهُۥ لِيُخۡرِجَكُم مِّنَ ٱلظُّلُمَٰتِ إِلَى ٱلنُّورِۚ وَكَانَ بِٱلۡمُؤۡمِنِينَ رَحِيمٗا﴾

رهنمودها

۱. تأویل دستورات صریح بر اساس هوای نفس مورد نهی قرار گرفته است و تسلیم و فرمانبرداری کامل در برابر اوامر شریعت واجب است؛ زیرا یکی از لوازم ایمان به الله و رسول به شمار می‌رود، ﴿وَمَا كَانَ لِمُؤۡمِنٖ وَلَا مُؤۡمِنَةٍ إِذَا قَضَى ٱللَّهُ وَرَسُولُهُۥٓ أَمۡرًا أَن يَكُونَ لَهُمُ ٱلۡخِيَرَةُ مِنۡ أَمۡرِهِمۡۗ وَمَن يَعۡصِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ ضَلَّ ضَلَٰلٗا مُّبِينٗا﴾

۲. بدان که هیچ‌کس از نصیحت و اندرز و یادآوری بی‌نیاز نیست، ﴿وَتُخۡفِي فِي نَفۡسِكَ مَا ٱللَّهُ مُبۡدِيهِ وَتَخۡشَى ٱلنَّاسَ وَٱللَّهُ أَحَقُّ أَن تَخۡشَىٰهُ﴾

۳. الله تعالی از دوستان و مبلّغانش دفاع می‌کند، ﴿ٱلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَٰلَٰتِ ٱللَّهِ وَيَخۡشَوۡنَهُۥ وَلَا يَخۡشَوۡنَ أَحَدًا إِلَّا ٱللَّهَۗ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ حَسِيبٗا﴾

سورة (الأحزاب) الجزء (٢٢) صفحة (٤٢٤)

تَحِيَّتُهُمۡ يَوۡمَ يَلۡقَوۡنَهُۥ سَلَٰمٞۚ وَأَعَدَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَرِيمٗا ٤٤ يَٰٓأَيُّهَا
ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٤٥ وَدَاعِيًا
إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا ٤٦ وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم
مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا ٤٧ وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ
وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا ٤٨
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحۡتُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقۡتُمُوهُنَّ
مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمۡ عَلَيۡهِنَّ مِنۡ عِدَّةٖ تَعۡتَدُّونَهَاۖ
فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا ٤٩ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ
إِنَّآ أَحۡلَلۡنَا لَكَ أَزۡوَٰجَكَ ٱلَّٰتِيٓ ءَاتَيۡتَ أُجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتۡ
يَمِينُكَ مِمَّآ أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّٰتِكَ
وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَٰلَٰتِكَ ٱلَّٰتِي هَاجَرۡنَ مَعَكَ وَٱمۡرَأَةٗ
مُّؤۡمِنَةً إِن وَهَبَتۡ نَفۡسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنۡ أَرَادَ ٱلنَّبِيُّ أَن يَسۡتَنكِحَهَا
خَالِصَةٗ لَّكَ مِن دُونِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَۗ قَدۡ عَلِمۡنَا مَا فَرَضۡنَا
عَلَيۡهِمۡ فِيٓ أَزۡوَٰجِهِمۡ وَمَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُمۡ لِكَيۡلَا
يَكُونَ عَلَيۡكَ حَرَجٞۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ٥٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تَمَسُّوهُنَّ	با آنان جماع کردید.
عِدَّةٍ	مدت زمانی که زن منتظر می‌ماند.
تَعۡتَدُّونَهَا	عدّه را بر آنان برشمارید.
وَسَرِّحُوهُنَّ	آنان را طلاق دهید.
أَفَآءَ ٱللَّهُ عَلَيۡكَ	الله تعالی از طریق جهاد به تو ارزانی داشته است.
خَالِصَةً لَّكَ	مخصوص تو است.

عمل به آیات

۱. به کسی که از نظر سنی یا جایگاه از تو پایین‌تر است با فروتنی سلام کن، امید است که این امر سبب شود الله تعالی در روز قیامت بر تو سلام کند، ﴿تَحِيَّتُهُمۡ يَوۡمَ يَلۡقَوۡنَهُۥ سَلَٰمٞۚ وَأَعَدَّ لَهُمۡ أَجۡرٗا كَرِيمٗا﴾

۲. از الله بخواه اخلاص به تو روزی دهد و هنگامی که به دعوت و امر به معروف و نهی از منکر مشغول هستی ریا را از تو دور کند، ﴿وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ﴾

۳. برادران مسلمانت را مژده بده به این‌که الله تعالی به پاداش صبرشان در انجام عبادت او تعالی و در برابر دستوراتش، بخشش بزرگی را برای‌شان آماده ساخته است، ﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا﴾

رهنمودها

۱. پیامبر ﷺ جایگاه و منزلت و فضیلت بزرگی بر سایر مخلوقات دارد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٤٥ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا﴾

۲. دعوتگر به سوی الله تعالی باید عالم و بردبار باشد، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا﴾

۳. اطاعت از کافران و منافقان و گناهکاران و ستمکاران در امور منافی با خشنودی الله تعالی، حرام است، ﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ وَتَوَكَّلۡ عَلَى ٱللَّهِۚ وَكَفَىٰ بِٱللَّهِ وَكِيلٗا﴾

ترجمه آیات

روزی که با او دیدار می‌کنند، درودشان «سلام» است و [الله] پاداشی ارجمند برایشان فراهم ساخته است. (۴۴) ای پیامبر، ما تو را گواه و بشارت‌بخش و بیم‌دهنده فرستاده‌ایم (۴۵) و [تو را] دعوتگری به سوی الله به فرمان او و چراغی روشنی‌بخش [قرار دادیم]. (۴۶) و به مؤمنان بشارت بده که از جانب الله بخششی بزرگی برایشان [در پیش] است. (۴۷) و از کافران و منافقان اطاعت نکن و به آزارشان بی‌توجه باش و بر الله توکل کن؛ و همین بس که الله [یاور و] کارگزار تو باشد. (۴۸) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه با زنان مؤمن ازدواج کردید، سپس پیش از اینکه با آنان همبستر شوید طلاقشان دادید، از جانب شما هیچ عدّه‌ای بر عهدهٔ آنان نیست که حسابش را نگاه دارید؛ آنان را [با هدیه‌ای مناسب] بهره‌مند سازید و به نیکوترین وجه رهایشان سازید. (۴۹) ای پیامبر، ما همسرانت که مهرشان را پرداخته‌ای و [نیز] کنیزانی را که الله [از بهرهٔ جنگ] به تو ارزانی داشته است برایت حلال کرده‌ایم و [نیز ازدواج با] دخترعموهایت و دخترعمه‌هایت و دختردایی‌هایت و دخترخاله‌هایت که با تو هجرت کرده‌اند و [همچنین] اگر زن مؤمنی خود را [بدون مهریه] به پیامبر ببخشد، چنانچه پیامبر بخواهد [می‌تواند] با وی ازدواج کند. [این حکم،] ویژهٔ توست، نه دیگر مؤمنان. بی‌تردید، ما می‌دانیم در مورد همسران و کنیزانشان چه حکمی برای آنان تعیین کرده‌ایم. [این حکمِ ویژه را برقرار کردیم] تا هیچ تنگنایی [در راه انجام وظیفه] بر تو نباشد؛ و الله همواره آمرزندهٔ مهربان است. (۵۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا ٤٥ وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ بِإِذۡنِهِۦ وَسِرَاجٗا مُّنِيرٗا﴾

این پنج صفت که الله تعالی رسولش محمد ﷺ را با آن‌ها توصیف فرمود، هدف رسالت او و برتری این رسالت و اصول آن را آشکار می‌کند. سعدی: ۶۶۷.

پرسش: چرا پنج صفت مذکور فقط به پیامبر اسلام اختصاص یافت؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَٰكَ شَٰهِدٗا وَمُبَشِّرٗا وَنَذِيرٗا﴾

بشارت به این سبب بر انذار مقدم شد که بشارت‌دادن خصلت پیامبر ﷺ بود و او مایهٔ رحمت برای تمام جهانیان است و به این دلیل که تعداد مومنانِ امتش فراوان است. ابن عاشور: ۲۲/ ۵۳.

پرسش: چرا در توصیف پیامبر ﷺ، بشارت بر انذار مقدم شد؟

۳ ﴿وَدَاعِيًا إِلَى ٱللَّهِ﴾

خالصانه به سوی الله دعوت می‌دهد نه برای کسب بزرگی؛ چنان‌که افراد زیادی در این جایگاه گاهی گرفتار این لغزش می‌شوند. سعدی: ۶۶۸.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که گاهی لغزش‌هایی از دعوتگران در مورد اخلاص سر می‌زند.

۴ ﴿وَبَشِّرِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ فَضۡلٗا كَبِيرٗا﴾

ابن عطیه می‌گوید: پدرمان به ما گفت: از دیدگاه من این آیه امیدوارانه‌ترین آیه در کتاب الله تعالی است؛ زیرا الله به پیامبرش دستور داده که به مومنان بشارت دهد بخشش بزرگی برای‌شان است، و این بخشش بزرگ را در این آیه آورده است: ﴿وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ فِي رَوۡضَاتِ ٱلۡجَنَّاتِۖ لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمۡۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ﴾ [الشوری: ۲۲]؛ «و کسانی‌که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند در باغ‌های بهشتند، و هرچه بخواهند نزد پروردگارشان برای آن‌ها (مهیا) است این همان فضل (و بخشش) بزرگ است». قرطبی: ۱۶/ ۱۷۳.

پرسش: چرا یکی از علما این آیه را پرامیدترین آیه برشمرده است؟

۵ ﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ﴾

زیرا این کار بهتر آنان را جلب می‌کند و در پذیرش دعوت توسط آنان موثرتر است و آزارهای زیادی را از پیامبر ﷺ و خانواده‌اش بازمی‌دارد. سعدی: ۶۶۸.

پرسش: چرا الله از آزار کافران و منافقان نهی کرد؟

۶ ﴿وَلَا تُطِعِ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَدَعۡ أَذَىٰهُمۡ﴾

یعنی: در خیانت به دین که تو را به آن فرا می‌خوانند از آنان اطاعت نکن و به آنان متمایل نشو. قرطبی: ۱۶/ ۱۷۳.

پرسش: کافران و منافقان، کاری مشخص از دعوتگر می‌خواهند. این امر مشخص چیست؟

۷ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ إِذَا نَكَحۡتُمُ ٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ ثُمَّ طَلَّقۡتُمُوهُنَّ مِن قَبۡلِ أَن تَمَسُّوهُنَّ فَمَا لَكُمۡ عَلَيۡهِنَّ مِنۡ عِدَّةٖ تَعۡتَدُّونَهَاۖ فَمَتِّعُوهُنَّ وَسَرِّحُوهُنَّ سَرَاحٗا جَمِيلٗا﴾

الله به مردان مومن دستور داد زنانی را که قبل از همبستر شدن با آنان طلاق می‌دهند چون دل‌های‌شان بر اثر جدایی شکسته است، با بهره‌مند ساختن از مقداری متاع دنیوی دلداری دهند. سعدی: ۶۶۸.

پرسش: حکمت بهره‌مند کردن زن در حالت مذکور چیست؟

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۲) صفحة (٤٢٥)

۞ تُرۡجِي مَن تَشَآءُ مِنۡهُنَّ وَتُـٔۡوِيٓ إِلَيۡكَ مَن تَشَآءُۖ وَمَنِ ٱبۡتَغَيۡتَ
مِمَّنۡ عَزَلۡتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيۡكَۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن تَقَرَّ أَعۡيُنُهُنَّ
وَلَا يَحۡزَنَّ وَيَرۡضَيۡنَ بِمَآ ءَاتَيۡتَهُنَّ كُلُّهُنَّۚ وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ
مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمٗا ٥١ لَّا يَحِلُّ لَكَ
ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعۡدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ
حُسۡنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتۡ يَمِينُكَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ رَّقِيبٗا ٥٢ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ
إِلَّآ أَن يُؤۡذَنَ لَكُمۡ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَٰكِنۡ
إِذَا دُعِيتُمۡ فَٱدۡخُلُواْ فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا مُسۡتَـٔۡنِسِينَ
لِحَدِيثٍۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ
وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّۚ وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ
مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّۚ
وَمَا كَانَ لَكُمۡ أَن تُؤۡذُواْ رَسُولَ ٱللَّهِ وَلَآ أَن تَنكِحُوٓاْ أَزۡوَٰجَهُۥ
مِنۢ بَعۡدِهِۦٓ أَبَدًاۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ عِندَ ٱللَّهِ عَظِيمًا ٥٣
إِن تُبۡدُواْ شَيۡـًٔا أَوۡ تُخۡفُوهُ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيۡءٍ عَلِيمٗا ٥٤

ترجمه آیات

[نوبت] هر یک از آنان [= همسرانت] را که بخواهی [می‌توانی] به تأخیر اندازی و هر کدام را بخواهی، [می‌توانی] نزد خویش جای دهی؛ و اگر هر یک از آنان را که از او کناره گرفته‌ای [و نوبتش به تأخیر افتاده است، دوباره] طلب کنی، [در هر حال] هیچ گناهی بر تو نیست. این [اختیار در انتخاب،] نزدیک‌تر است به اینکه چشمشان روشن شود و اندوهگین نباشند و همگی‌شان از آنچه به آنان بخشیده‌ای راضی گردند؛ و الله می‌داند که شما [مردان دربارۀ محبتِ بیشتر به برخی زنانتان] چه در دل دارید؛ و الله همواره دانای بردبار است. (۵۱) از این پس، [دیگر ازدواج با] هیچ زنی برایت حلال نیست و نباید [برخی از همسرانت را طلاق دهی تا] همسرانی را جانشین آنان کنی؛ حتی اگر زیباییِ آنان [= زنان جدید] تو را به شگفت آورَد؛ مگر آن که [به صورت کنیز] در اختیارت باشد؛ و اللهٰ همواره بر هر چیزی نگهبان است. (۵۲) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خانه‌های پیامبر داخل نشوید؛ مگر آنکه برای [صرف] غذایی به شما اجازه داده شود؛ [آن هم] بی‌آنکه [زودتر از وقت غذا بروید و] منتظر آماده شدنش باشید؛ ولی هنگامی که شما را فراخواندند وارد شوید و چون غذا خوردید پراکنده گردید و سرگرم [بحث و] گفتگو نشوید. این [رفتارتان] پیامبر را می‌آزارد و او از [ابراز این موضوع در برابر] شما شرم دارد؛ و[لی] الله از [بیان] حق شرم ندارد. و هنگامی که از آنان [= همسران پیامبر] چیزی از وسایل زندگی را [به عاریت] خواستید، [نیازتان را] از پشت پرده از آنان بخواهید [چرا که] این [کار] برای دل‌های شما و آنان پاک‌تر است؛ و [همچنین] برایتان سزاوار نیست که رسول الله را بیازارید و هرگز شایستۀ شما نیست که پس از [وفات] او با همسرانش ازدواج کنید. به راستی که این [کار] نزد الله [گناهی] بزرگ است. (۵۳) اگر چیزی را آشکار کنید یا پنهان دارید، [بدانید که] بی‌تردید، الله از همه چیز آگاه است. (۵۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾
مناسبت صفت علم با عبارت ﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمۡ﴾ آشکار است، اما مناسبت صفت حلیم به این اعتبار است که رسول الله ﷺ در سزاوارترین حالت به صفت حلیم تشویق شود. ابن عاشور: ۲۲/ ۷۷.
پرسش: چرا آیه با صفت حلم (بردباری) به پایان رسید؟

۲ ﴿لَّا يَحِلُّ لَكَ ٱلنِّسَآءُ مِنۢ بَعۡدُ وَلَآ أَن تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنۡ أَزۡوَٰجٖ وَلَوۡ أَعۡجَبَكَ حُسۡنُهُنَّ﴾
الله – ذات همیشه بخشنده و حق‌شناس – به پاداش این‌که همسران رسولش، الله و رسول و سرای آخرت را برگزیدند، بسیار به آنان مهربانی کرد و رسولش را فقط به آنان اختصاص داد. سعدی: ۶۷.
پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه بر مقدم‌داشتن آخرت بر دنیا تشویق می‌کند.

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَدۡخُلُواْ بُيُوتَ ٱلنَّبِيِّ إِلَّآ أَن يُؤۡذَنَ لَكُمۡ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيۡرَ نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ وَلَٰكِنۡ إِذَا دُعِيتُمۡ فَٱدۡخُلُواْ فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ وَلَا مُسۡتَـٔۡنِسِينَ لِحَدِيثٍۚ إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡ﴾
ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: این آیه در مورد گروهی نازل شد که انتظار زمان غذای پیامبر ﷺ را می‌کشیدند و قبل از خوردن غذا بر او وارد می‌شدند، به‌گونه‌ای که می‌نشستند تا غذا پخته شود، سپس می‌خوردند و خارج نمی‌شدند. اینان فرمان یافتند که تا وقتی اجازه دریافت نکرده‌اند وارد خانۀ پیامبر ﷺ نشوند و هر گاه غذا خوردند بازگردند ﴿فَإِذَا طَعِمۡتُمۡ فَٱنتَشِرُواْ﴾ یعنی: بازگردید. یکی از علما می‌گوید: الله تعالی با این عبارت، افراد مزاحم را ادب کرده است. ابن جزی: ۲/ ۱۹۴.
پرسش: کدام یک از آداب بازدید از آیه به دست می‌آید؟

۴ ﴿إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾
حتی اگر گمان شود که حیا و ادب، ترک دستور شرعی را می‌طلبد، نشانۀ هوشیاری و آگاهی کامل انسان این است که از امر شرعی پیروی کند و یقین داشته باشد که مخالفت با اوامر شرعی، هرگز ادب به شمار نمی‌رود. سعدی: ۶۷۰.
پرسش: اگر مردم حقوقی را که شریعت برای‌شان مقرر کرده است مطالبه کنند، آیا کاری بر خلاف آداب و طبع عمومی مرتکب شده‌اند؟

۵ ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾
﴿أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾ یعنی: برای افکار شیطانی که در مورد زنان به ذهن مردان و در مورد مردان به ذهن زنان خطور می‌کند پاک‌کننده‌تر است؛ زیرا دیدن، سبب دلبستگی و فتنه است. در روایتی آمده است که: نگاه یکی از تیرهای زهرآلود شیطان است. آلوسی: ۱۱/ ۲۴۸.
پرسش: نگاه مرد و زن به غیر محارم چه اثری دارد؟

۶ ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾
زیرا از گمان و شک دورتر است، و هر اندازه که انسان از اسباب شر دورتر باشد سالم‌تر و قلبش پاکیزه‌تر می‌ماند؛ بنابراین، یکی از دستورات شرعی که الله تعالی بسیار به شرح و بسط آن پرداخته این است که تمام وسایل و اسباب و مقدمات شر ممنوع هستند و به هر طریق ممکن باید از آن‌ها دوری کرد. سعدی: ۶۷۰.
پرسش: حکمت شریعت در این امر چیست که فقط به تحریم حرام بسنده نکرده، بلکه اسباب و راه‌های رسیدن به آن را نیز حرام گردانیده است؟ بر اساس آیه به صورت مختصر به سوال پاسخ دهید.

۷ ﴿ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾
دل‌های هر دو گروه، با تقوا و تعظیم حرمات الله و حرمت پیامبر ﷺ پاکیزه بود، اما چون تقوای‌شان به حد عصمت نمی‌رسید الله تعالی خواست که با این روش بر تقوای‌شان بیفزاید: دستیابی مومنان به مراتبِ مراقبتِ الهی از افکار شیطانی، با قطع ضعیف‌ترین سبب، و نزدیکی مادران مومنان به مرتبۀ عصمتی که برای شوهرشان ﷺ ثابت است؛ زیرا زنان پاکیزه برای مردان پاکیزه هستند، بدین سبب که افکار شیطانی، حتی اگر فرضی باشند، به طور کامل از آنان دور شده است. ابن عاشور: ۲۲/ ۹۱.
پرسش: بهترین راه برای پاکیزگی قلب‌ها چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
تُرۡجِي	نوبت شب‌گذراندن کنار هر یک از همسرانت را که بخواهی به تأخیر اندازی.
وَتُـٔۡوِيٓ	در شب‌ماندن نزد خود جای دهی.
ٱبۡتَغَيۡتَ	گذراندن شب نزد او را بخواهی.
عَزَلۡتَ	نوبتش را به تاخیر انداخته‌ای.
نَٰظِرِينَ إِنَىٰهُ	منتظر پخته‌شدن غذا.
مَتَٰعٗا	یکی از ظروف خانه و مانند آن.

عمل به آیات

۱. خطر بزرگ اختلاط مردان و زنان را از طریق سخنرانی یا پیام توضیح بده، ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾
۲. از الله تعالی بخواه شهامت و حکمت و ادب نیکو در گفتن حق را به تو ارزانی دارد، ﴿وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾
۳. به یکی از دوستانت یادآوری کن یکی از وجوه ادب در برابر علما و دعوتگران این است که دیدار با آنان طولانی نشود؛ چون مشغلۀ زیادی دارند، ﴿إِنَّ ذَٰلِكُمۡ كَانَ يُؤۡذِي ٱلنَّبِيَّ فَيَسۡتَحۡيِۦ مِنكُمۡۖ وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾

رهنمودها

۱. بدان که الله تعالی از تمام امور قلبی‌ات آگاه است، پس فقط مواردی را در قلبت قرار بده که او سبحانه می‌پسندد، ﴿وَٱللَّهُ يَعۡلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمۡۚ وَكَانَ ٱللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا﴾
۲. خودت را به شرم نکردن از گفتن حق و دعوت به سوی آن عادت بده، ﴿وَٱللَّهُ لَا يَسۡتَحۡيِۦ مِنَ ٱلۡحَقِّ﴾
۳. از اختلاط با زنان نامحرم برحذر باش؛ زیرا هر وسیله‌ای که مردان را از زنان دور کند، سبب پاکی قلوب طرفین است، ﴿وَإِذَا سَأَلۡتُمُوهُنَّ مَتَٰعٗا فَسۡـَٔلُوهُنَّ مِن وَرَآءِ حِجَابٖۚ ذَٰلِكُمۡ أَطۡهَرُ لِقُلُوبِكُمۡ وَقُلُوبِهِنَّ﴾

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۲) صفحة (۴۲۶)

لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ
أَبۡنَآءِ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ
أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَۚ إِنَّ ٱللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ شَهِيدًا
﴿٥٥﴾ إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا ﴿٥٦﴾ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ
ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا
مُّهِينٗا ﴿٥٧﴾ وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ
مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا ﴿٥٨﴾
يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا
يُؤۡذَيۡنَۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمٗا ﴿٥٩﴾ ۞لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ
وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ
لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا ﴿٦٠﴾ مَّلۡعُونِينَۖ
أَيۡنَمَا ثُقِفُوٓاْ أُخِذُواْ وَقُتِّلُواْ تَقۡتِيلٗا ﴿٦١﴾ سُنَّةَ ٱللَّهِ فِي
ٱلَّذِينَ خَلَوۡاْ مِن قَبۡلُۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا ﴿٦٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱحۡتَمَلُواْ	مرتکب شدند.
بُهۡتَٰنٗا	ناپسندترین دروغ و گواهی کذب.
يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ	چادرهای‌شان را به‌گونه‌ای بپوشند که سرها و صورت‌ها و سینه‌های‌شان پوشانده شود.
وَٱلۡمُرۡجِفُونَ	کسانی که اخبار دروغ را پخش می‌کنند.
لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ	قطعاً تو را بر آنان مسلط می‌گردانیم.

عمل به آیات

۱. به دفعات بر پیامبر ﷺ درود بفرست، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا﴾

۲. برای مردان و زنان مومن طلب آمرزش کن؛ به‌خصوص برای مومنانی که آزاری گفتاری یا رفتاری به آنان رسانده‌ای؛ زیرا انسان خالی از اشتباه نیست، ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا﴾

۳. پیامی در مورد فواید و وجوب حجاب زن بنویس، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾

رهنمودها

۱. یکی از ویژگی‌های حجاب شرعی آن است که نشانه‌های زن محجبه به‌گونه‌ای مخفی باشد که هویت او مشخص نشود، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّۚ ذَٰلِكَ أَدۡنَىٰٓ أَن يُعۡرَفۡنَ فَلَا يُؤۡذَيۡنَ﴾

۲. بدان که سرانجام منافقان رو به نابودی و تباهی است، ﴿لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

۳. سنت‌های الله تعالی ثابت و بدون تبدیل و تغییر هستند، ﴿وَلَن تَجِدَ لِسُنَّةِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗا﴾

ترجمه آیات

بر آنان [= زنان مسلمان] گناهی نیست [در نداشتن حجاب] نزد پدرانشان و پسرانشان و برادرانشان و پسران برادرانشان و پسران خواهرانشان و زنان [هم‌دین]شان و بردگانشان؛ و [ای زنان مسلمان،] از الله پروا کنید. بی‌تردید، الله بر همه چیز گواه است. (۵۵) به راستی، الله و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند؛ [پس] ای کسانی که ایمان آورده‌اید، [شما نیز] بر او درود فرستید و به شایستگی سلام گویید. (۵۶) کسانی که الله و پیامبرش را می‌آزارند، الله در دنیا و آخرت آنان را از رحمت خویش دور می‌کند و عذاب خفت‌باری برایشان آماده کرده است. (۵۷) و کسانی که مردان و زنان مؤمن را بدون اینکه مرتکب [عمل زشتی] شده باشند [با اتهامات ناروا] می‌آزارند، بارِ دروغ و گناهی آشکار را به دوش می‌کشند. (۵۸) ای پیامبر، به همسران و دخترانت و سایر زنان مؤمن بگو که چادرهایشان را به شایستگی بر [سر و صورت و سینهٔ] خویش بیفکنند. این [گونه پوشش] مناسب‌تر است به اینکه [در جامعه به متانت و وقار] شناخته شوند و [در نتیجه،] مورد آزار [افراد هرزه] قرار نگیرند؛ و الله آمرزندهٔ مهربان است. (۵۹) اگر منافقان و کسانی که بیماری [نفاق] در دل‌هایشان است و شایعه‌پراکنان در مدینه، [از دروغگویی و شایعه‌سازی] دست برندارند، یقیناً تو را بر آنان مسلط می‌گردانیم. در این صورت، جز مدت کوتاهی نمی‌توانند در این شهر و در کنار تو بمانند. (۶۰) لعنت‌شدگانند و هر جا که یافت شوند، باید بی‌محابا دستگیر و کشته شوند. (۶۱) [این] سنت الله، در مورد افرادی [از منافقان] که پیشتر بوده‌اند نیز جاری گشته است؛ و هرگز در سنت الله دگرگونی [و تغییری] نمی‌یابی. (۶۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَّا جُنَاحَ عَلَيۡهِنَّ فِيٓ ءَابَآئِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآئِهِنَّ وَلَآ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ إِخۡوَٰنِهِنَّ وَلَآ أَبۡنَآءِ أَخَوَٰتِهِنَّ وَلَا نِسَآئِهِنَّ وَلَا مَا مَلَكَتۡ أَيۡمَٰنُهُنَّۗ وَٱتَّقِينَ ٱللَّهَ﴾

در این‌جا فقط زنان را ذکر کرد و امر مذکور را به آنان اختصاص داد؛ زیرا کمتر خویشتن‌داری می‌کنند و زود انس می‌گیرند. والله اعلم. قرطبی: ۱۸/ ۲۱۳.

پرسش: چرا در پایان آیه فقط زنان به تقوا امر شدند؟

۲ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ وَمَلَٰٓئِكَتَهُۥ يُصَلُّونَ عَلَى ٱلنَّبِيِّۚ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ صَلُّواْ عَلَيۡهِ وَسَلِّمُواْ تَسۡلِيمًا﴾

الله بندگانش را از جایگاهِ بنده و پیامبرش ـ محمد ﷺ ـ نزد خود در ملأ اعلی آگاه کرد؛ چنان‌که پیامبر ﷺ را نزد فرشتگان مقرب می‌ستاید و فرشتگان بر او درود می‌فرستند، سپس الله تعالی به عالم پایین فرمان داد که بر پیامبر ﷺ درود و سلام فرستند؛ تا تمام ساکنان عالم بالا و پایین او را بستایند. ابن کثیر: ۳/ ۴۸۷.

پرسش: چرا الله پس از این‌که خبر داد الله و فرشتگانش بر پیامبر ﷺ درود می‌فرستند، به فرستادن درود و سلام بر پیامبر ﷺ فرمان داد؟

۳ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ لَعَنَهُمُ ٱللَّهُ فِي ٱلدُّنۡيَا وَٱلۡأٓخِرَةِ وَأَعَدَّ لَهُمۡ عَذَابٗا مُّهِينٗا﴾

آزاررسانی به الله به این معنا نیست که آزار به او زیان می‌رساند؛ چون هیچ‌چیز نه به الله زیان می‌رساند و نه فایده. بنابر قولی: حذف مضاف را باید در تقدیر گرفت، یعنی: «یؤذون أولیاء الله»؛ به دوستان الله آزار می‌رسانند. معنای اول ارجح است؛ زیرا در حدیث آمده که الله تعالی می‌فرماید: «يَشْتِمُنِي ابْنُ آدَمَ، وَمَا يَنْبَغِي لَهُ أَنْ يَشْتِمَنِي، وَيُكَذِّبُنِي وَمَا يَنْبَغِي لَهُ، أَمَّا شَتْمُهُ فَقَوْلُهُ: إِنَّ لِي وَلَدًا، وَأَمَّا تَكْذِيبُهُ فَقَوْلُهُ: لَيْسَ يُعِيدُنِي كَمَا بَدَأَنِي» [صحیح بخاری: ۳۱۹۳] «فرزند آدم به من دشنام داد، در حالی که این حق را نداشت و مرا تکذیب کرد در حالی که این حق را نداشت. دشنام او به من این است که می‌گوید: من [= الله] فرزند دارم. تکذیب من توسط او بدین قرار است که می‌گوید: آن‌گونه که مرا پدید آورد، بازنمی‌گرداند». ابن جزی: ۲/ ۱۹۶.

پرسش: آزاررسانی به الله را توضیح دهید.

۴ ﴿وَٱلَّذِينَ يُؤۡذُونَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِ بِغَيۡرِ مَا ٱكۡتَسَبُواْ فَقَدِ ٱحۡتَمَلُواْ بُهۡتَٰنٗا وَإِثۡمٗا مُّبِينٗا﴾

برای بالابردن جایگاه مومنان، احترام آنان به احترام رسول الله ﷺ ملحق شد، و برای بیان پایین‌تر بودن رتبهٔ آنان از رتبهٔ رسول الله ﷺ، به صورت جداگانه بیان شدند. این آیه، نوعی مطرح کردن یک ضمیمه، میان احکام احترام پیامبر ﷺ و آداب همسران و دخترانش و زنان مومن است. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۰۵.

پرسش: چرا احترام مومنان پس از احترام رسول الله ﷺ بیان شد؟

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّبِيُّ قُل لِّأَزۡوَٰجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَآءِ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ يُدۡنِينَ عَلَيۡهِنَّ مِن جَلَٰبِيبِهِنَّ﴾

الله به پیامبرش دستور داد که به تمام زنان دستور دهد و ابتدا از همسران و دختران خودش شروع کند... زیرا کسی که مردم را امر می‌کند سزاوار است قبل از دیگران، خانوادهٔ خودش را امر کند؛ چنان‌که الله تعالی می‌فرماید: ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ قُوٓاْ أَنفُسَكُمۡ وَأَهۡلِيكُمۡ نَارٗا وَقُودُهَا ٱلنَّاسُ وَٱلۡحِجَارَةُ﴾ [التحریم: ۶] «ای کسانی‌که ایمان آورده‌اید! خودتان و خانوادهٔتان را از آتشی که هیزمِ آن مردم و سنگ‌هاست نگه دارید». سعدی: ۶۷۲.

پرسش: دعوتگر و جویندهٔ علم، از این آیه چه فایده‌ای در راه دعوت می‌برد؟

۶ ﴿لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

شایعه و فتنهٔ منتشرشده‌ای که از آن نهی شدند بیان نشد تا این حکم تمام بدی‌هایی را شامل شود که نفس‌های‌شان به آنان القا و وسوسه می‌کند، به این هدف که اسلام و مسلمانان را آماج شایعات و فتنه‌ها قرار دهند، نیروی‌شان را سست کنند، فاحشه را به زنان مومن نسبت دهند و سایر گناهانی که از امثال آنان سر می‌زند. سعدی: ۶۷۲.

پرسش: چرا شایعه‌ای که از جانب شایعه‌کنندگان و فتنه‌گران پخش شد در آیه بیان نشد؟

۷ ﴿لَّئِن لَّمۡ يَنتَهِ ٱلۡمُنَٰفِقُونَ وَٱلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٞ وَٱلۡمُرۡجِفُونَ فِي ٱلۡمَدِينَةِ لَنُغۡرِيَنَّكَ بِهِمۡ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُونَكَ فِيهَآ إِلَّا قَلِيلٗا﴾

آیه بر تبعید شروران دلالت می‌کند، کسانی که ماندن آنان در میان مسلمانان زیان می‌رساند؛ زیرا این کار شر را بهتر قطع و دور می‌کند. سعدی: ۶۷۲.

پرسش: توضیح دهید که آیه بر دورشدن و دورکردن شروران دلالت می‌کند.

سورة (الأحزاب) الجزء (۲۲) صفحة (۴۲۷)

يَسْـَٔلُكَ ٱلنَّاسُ عَنِ ٱلسَّاعَةِۖ قُلۡ إِنَّمَا عِلۡمُهَا عِندَ ٱللَّهِۚ وَمَا يُدۡرِيكَ
لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ٦٣ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ
لَهُمۡ سَعِيرًا ٦٤ خَٰلِدِينَ فِيهَآ أَبَدٗاۖ لَّا يَجِدُونَ وَلِيّٗا وَلَا نَصِيرٗا
٦٥ يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ
وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠ ٦٦ وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا
فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠ ٦٧ رَبَّنَآ ءَاتِهِمۡ ضِعۡفَيۡنِ مِنَ ٱلۡعَذَابِ
وَٱلۡعَنۡهُمۡ لَعۡنٗا كَبِيرٗا ٦٨ يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ
ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا ٦٩
يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ
لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ
فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا ٧١ إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا
ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢ لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ
وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ
عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا ٧٣

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] مردم دربارهٔ [زمان وقوع] قیامت از تو می‌پرسند؛ بگو: «دانش آن تنها نزد الله
است»؛ و تو چه می‌دانی؟ شاید قیامت نزدیک باشد. (۶۳) بی‌تردید، الله کافران را از رحمت
خویش دور کرده و آتشی افروخته و سوزان برایشان مهیّا نموده است. (۶۴) [آتشی] که
جاودانه در آن خواهند ماند [و برای دفاع از خود،] هیچ کارساز و یاریگری نمی‌یابند. (۶۵)
روزی که چهره‌هایشان در آتش دوزخ دگرگون می‌شود، [با پشیمانی] می‌گویند: «ای کاش
از الله و پیامبر اطاعت کرده بودیم!» (۶۶) [آنان بهانه می‌آورند و] می‌گویند: «پروردگارا، ما
از رهبران و بزرگان خود اطاعت [و تقلید] کردیم و آنان [بودند که] ما را گمراه کردند. (۶۷)
پروردگارا، عذابشان را دو چندان کن و به لعنتی بزرگ [و سخت] لعنت فرما». (۶۸) ای کسانی
که ایمان آورده‌اید، [پیامبر را نیازارید و] مانند کسانی نباشید که موسی را [با تهمت‌های ناروا]
آزردند، سپس الله او را [از آنچه در حقش می‌گفتند] تبرئه نمود؛ و [موسی] همواره نزد الله
آبرومند است. (۶۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از الله پروا کنید و سخنی راست و درست
بگویید. (۷۰) [پرهیزگار و راستگو باشید] تا الله کارهایتان را اصلاح کند و گناهانتان را بیامرزد
و [بدانید] هر کس از الله و پیامبرش اطاعت کند، یقیناً به کامیابی بزرگی دست یافته است.
(۷۱) ما امانت [انجام تکالیف شرعی] را بر آسمان‌ها و زمین و کوهساران عرضه داشتیم و آنها
از تحمل آن سر باز زدند و از [احتمال خیانت در] آن ترسیدند و[لی] انسان آن را پذیرفت. حقا
که او [در حق خویش] همواره ستمکار و نادان است. (۷۲) [انسان چنین کرد] تا الله مردان و
زنان منافق و مردان و زنان مشرک را عذاب کند و توبهٔ مردان و زنان مؤمن را [که امانتدارانِ
شایسته‌ای بوده‌اند] بپذیرد؛ و الله همواره آمرزندهٔ مهربان است. (۷۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَمَا يُدۡرِيكَ لَعَلَّ ٱلسَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا ٦٣ إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمۡ سَعِيرًا﴾

نزدیکی و دوری قیامت به تنهایی نتیجه و فایده‌ای در بر ندارد، بلکه نتیجه و زیان و سود و بدبختی و سعادت فقط در این است که: بنده مستحق عذاب است یا مستحق ثواب؟! شما را از این امر باخبر خواهم ساخت و مستحقش را برای‌تان توصیف خواهم کرد. مستحق عذاب و نیز خودِ عذاب را توصیف کرد؛ زیرا صفت مذکور بر این تکذیب‌کنندگانِ قیامت منطبق است؛ پس فرمود: ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَعَنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾. سعدی: ۶۷۲.

پرسش: چرا بعد از بیان نزدیکی قیامت، عذاب کافران بیان شد؟

❷ ﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠﴾

سبب بیان صورت‌ها از میان سایر اعضا این است که گرمای آتش صورت را بیشتر از سایر قسمت‌های پوست اذیت می‌کند؛ به این دلیل که محل اعضای حساس چشم، دهان، گوش و بینی است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿أَفَمَن يَتَّقِي بِوَجۡهِهِۦ سُوٓءَ ٱلۡعَذَابِ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ﴾ [الزمر: ۲۴]؛ «آیا کسی که در روز قیامت (دستانش بسته است و ناچار) با صورتش آن عذاب سخت را دفع می‌کند، (همچون کسی است که در آسایش بهشت قرار دارد)؟». ابن عاشور: ۲۲/ ۱۱۶.

پرسش: چرا آیه از میان اعضای بدن، فقط صورت را بیان کرد؟

❸ ﴿فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا﴾

ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: «موسی منزلت بالایی نزد الله داشت به‌گونه‌ای که تمام خواسته‌هایش را اجابت می‌کرد». حسن می‌گوید: «مستجاب الدعوه بود». بنابر قولی: محبوب و مقبول بود. بغوی: ۳/ ۵۸۸.

پرسش: جایگاه موسی عليه السلام نزد پروردگارش را توضیح دهید.

❹ ﴿وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا ٧٠ يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا﴾

﴿وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا﴾: ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: سخن درست. قتاده می‌گوید: سخن عدل. حسن می‌گوید: سخن راست... ﴿يُصۡلِحۡ لَكُمۡ أَعۡمَٰلَكُمۡ﴾ ابن عباس رضي الله عنهما می‌گوید: نیکی‌های‌تان را می‌پذیرد. مقاتل می‌گوید: اعمال‌تان را تزکیه می‌کند. ﴿وَيَغۡفِرۡ لَكُمۡ ذُنُوبَكُمۡۗ وَمَن يُطِعِ ٱللَّهَ وَرَسُولَهُۥ فَقَدۡ فَازَ فَوۡزًا عَظِيمًا﴾ یعنی: دستیابی به تمام خوبی‌ها. بغوی: ۳/ ۵۸۹.

پرسش: حفظ زبان و انتخاب سخن حق چه آثار نیکویی به همراه دارد؟

❺ ﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا﴾

منظور از این امانت، تکالیف شرعی است که عبارت است از پایبندی به طاعات و ترک معاصی. بنابر قولی: امانت در اموال منظور است. بنابر قولی دیگر: غسل جنابت منظور است. قول صحیح آن است که تمام تکالیف را شامل می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۱۹۸.

پرسش: الله تعالی چه امانتی بر دوش انسان‌ها گذاشته است؟

❻ ﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا﴾

کوه‌ها با وجود این‌که بخشی از زمین هستند به آن عطف شدند؛ چون بزرگ‌ترین اجزای معروف ظاهر زمین هستند و عظمت آن‌ها با چشم مشاهده می‌شود. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۲۵.

پرسش: چرا کوه‌ها به زمین عطف شد در حالی که بخشی از زمین است؟

❼ ﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا ٧٢ لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا﴾

الله تعالی امانتی را که به مکلفان سپرده است بزرگ معرفی می‌کند... مردم بر اساس رعایت یا عدم رعایت این امانت به سه دسته تقسیم می‌شوند: منافقان که این امانت را فقط در ظاهر رعایت می‌کنند، مشرکان که در ظاهر و باطن آن را ترک می‌کنند و مومنان که در ظاهر و باطن این امانت را برپا می‌دارند. الله تعالی اعمال و پاداش و کیفر هر سه دسته را این‌گونه بیان می‌فرماید: ﴿لِّيُعَذِّبَ ٱللَّهُ ٱلۡمُنَٰفِقِينَ وَٱلۡمُنَٰفِقَٰتِ وَٱلۡمُشۡرِكِينَ وَٱلۡمُشۡرِكَٰتِ وَيَتُوبَ ٱللَّهُ عَلَى ٱلۡمُؤۡمِنِينَ وَٱلۡمُؤۡمِنَٰتِۗ وَكَانَ ٱللَّهُ غَفُورٗا رَّحِيمَۢا﴾. سعدی: ۶۷۴.

پرسش: مردم در برابر امانت الهی به چند دسته تقسیم می‌شوند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
سَعِيرًا	آتش برافروخته و بسیار داغ.
ضِعۡفَيۡنِ	دوچندان.
وَجِيهٗا	بزرگوار.
سَدِيدٗا	موافق حق، خالی از دروغ و باطل.
فَأَبَيۡنَ	سر باز زدند.
وَأَشۡفَقۡنَ	از خیانت در آن ترسیدند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ اصْرِفْ عَنِّي عَذَابَ جَهَنَّمَ إِنَّ عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا»؛ «یا الله! عذاب جهنم را از من بازدار که سخت و همیشگی است»، ﴿يَوۡمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمۡ فِي ٱلنَّارِ يَقُولُونَ يَٰلَيۡتَنَآ أَطَعۡنَا ٱللَّهَ وَأَطَعۡنَا ٱلرَّسُولَا۠﴾.

۲. با نوشتن یک پیام یا مقاله یا با ارائهٔ یک سخنرانی، از شخص صالحی که اتهام دروغ و ناحقی به او زده شده است دفاع کن، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ وَكَانَ عِندَ ٱللَّهِ وَجِيهٗا﴾.

۳. بگو: «اللَّهُمَّ سَدِّدْ لِسَانِي، وَاهْدِ قَلْبِي» [صحیح؛ ترمذی: ۳۵۵۱] «یا الله! زبانم را راستگو قرار بده و قلبم را هدایت کن»، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ ٱللَّهَ وَقُولُواْ قَوۡلٗا سَدِيدٗا﴾.

رهنمودها

۱. از هیچ رئیس یا بزرگی در معصیت الله پیروی نکن؛ زیرا در برابر الله هیچ فایده‌ای به تو نخواهند رساند، ﴿وَقَالُواْ رَبَّنَآ إِنَّآ أَطَعۡنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَآءَنَا فَأَضَلُّونَا ٱلسَّبِيلَا۠﴾.

۲. به بندگان الله نیکی کن و به هیچ مسلمانی آزار نرسان؛ به‌خصوص به علما و مصلحان، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ لَا تَكُونُواْ كَٱلَّذِينَ ءَاذَوۡاْ مُوسَىٰ فَبَرَّأَهُ ٱللَّهُ مِمَّا قَالُواْۚ﴾.

۳. بزرگی امانتی که آدمیزاد آن را به دوش گرفت به یاد آور، ﴿إِنَّا عَرَضۡنَا ٱلۡأَمَانَةَ عَلَى ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَٱلۡجِبَالِ فَأَبَيۡنَ أَن يَحۡمِلۡنَهَا وَأَشۡفَقۡنَ مِنۡهَا وَحَمَلَهَا ٱلۡإِنسَٰنُۖ إِنَّهُۥ كَانَ ظَلُومٗا جَهُولٗا﴾.

سُورَةُ سَبَإٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ
فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ ١ يَعۡلَمُ مَا يَلِجُ فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَا
يَخۡرُجُ مِنۡهَا وَمَا يَنزِلُ مِنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا يَعۡرُجُ فِيهَاۚ وَهُوَ
ٱلرَّحِيمُ ٱلۡغَفُورُ ٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَا تَأۡتِينَا ٱلسَّاعَةُۖ
قُلۡ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأۡتِيَنَّكُمۡ عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ
ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ
وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ ٣ لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ
كَرِيمٞ ٤ وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ
لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ ٥ وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ
ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ
ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ ٦ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ
يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ ٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَلِجُ	داخل می‌شود.
يَعْرُجُ	بالا می‌رود.
لَا يَعْزُبُ	پنهان نمی‌ماند.
عَذَابٌ مِّن رِّجْزٍ أَلِيمٌ	بدترین و دردناکترین عذاب.
مُزِّقْتُمْ	مُردید و جسدهای‌تان در زمین پاره‌پاره و پراکنده شد.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ جَازِنِي بِالْحَسَنَاتِ إِحْسَانًا، وَبِالسَّيِّئَاتِ عَفْوًا وَغُفْرَانًا»؛ «یا الله! در برابر نیکی‌هایم پاداش نیکو و در برابر بدی‌هایم عفو و آمرزش به من جزا بده»، ﴿لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾

۲. امروز عملی صالح و جدید انجام بده؛ امید است الله تعالی تو را بیامرزد و رزقی نیکو به تو روزی دهد، ﴿لِّيَجۡزِيَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِۚ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُم مَّغۡفِرَةٞ وَرِزۡقٞ كَرِيمٞ﴾

۳. با این هدف که حق را از باطل بازشناسی، در یک کلاس علمی حاضر شو، ﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾

رهنمودها

۱. هر کس در دنیا الله را زیاد ستایش کند، سزاوار است در زمرهٔ کسانی قرار گیرد که در آخرت او تعالی را می‌ستایند، ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِۚ وَهُوَ ٱلۡحَكِيمُ ٱلۡخَبِيرُ﴾

۲. به سوی دین الله تعالی دعوت بده و از آن دفاع کن، و برحذر باش از این‌که از آن بازداری، ﴿وَٱلَّذِينَ سَعَوۡ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ عَذَابٞ مِّن رِّجۡزٍ أَلِيمٞ﴾

۳. علم صحیح شرعی بر اساس پیروی از کلام الله و سنت پیامبرش، سبب رستگاری در دنیا و آخرت است، ﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾

سورهٔ سبأ

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

ستایش مخصوص الله است که آنچه در آسمان‌ها و زمین است از آنِ اوست و در آخرت [نیز] ستایش از آنِ اوست و او تعالی حکیم و آگاه است. (۱) هر چه در زمین فرو می‌رود و هر چه از آن برمی‌آید و آنچه از آسمان فرود می‌آید و آنچه به سوی آن بالا می‌رود [همه را الله] می‌داند و او مهربانِ آمرزنده است. (۲) کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «قیامت هرگز به سراغ ما نخواهد آمد». بگو: «آری، سوگند به پروردگارم که دانای غیب است، قطعاً به سراغتان می‌آید. همسنگِ ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین از او پوشیده نیست و کوچک‌تر و بزرگ‌تر از آن ذره چیزی نیست، مگر آنکه در کتابی آشکار [= لوح محفوظ] ثبت است. (۳) تا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند پاداش دهد. اینانند که بخشایش و روزیِ ارزشمندی [در پیش] دارند». (۴) و کسانی که در [راهِ انکار و تکذیب] آیات ما کوشیدند تا [به پندار خویش] ما را درمانده کنند، عذابی سخت و دردناک [در پیش] دارند. (۵) اهل دانش [= دانشمندان صحابه و علمای مؤمن اهل کتاب] می‌دانند آنچه که از سوی پروردگارت بر تو نازل شده، حق است و به راه [الله] شکست‌ناپذیرِ ستوده هدایت می‌کند. (۶) کسانی که کفر ورزیدند [با تمسخر به یکدیگر] می‌گویند: «می‌خواهید مردی را به شما نشان دهیم که ادعا می‌کند وقتی [پس از مرگ] کاملاً متلاشی شدید، [بارِ دیگر] در آفرینشی نو درخواهید آمد؟ (۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

این سوره با عبارت ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ﴾ آغاز شد تا اعلام کند دربردارندهٔ دلایل یگانگی الله در الوهیت و اتصاف او به صفات برتر است و این امر، آغاز سخن با حمد الله و اختصاص تمام ستایش‌ها به او تعالی را می‌طلبد. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۳۵.

پرسش: چرا سورهٔ سبأ با ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ﴾ شروع شد؟

۲ ﴿ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي لَهُۥ مَا فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَا فِي ٱلۡأَرۡضِ﴾

صلهٔ مذکور در آیه، ناسپاسی مشرکان را به صورت کنایه بیان می‌کند؛ زیرا چیزهایی را ستایش کردند که کمترین تأثیری در جهان آفرینش ندارند و از پایین‌ترین حدّ شعور برخوردار نیستند، اما ستایش مالک این اشیا و تمام مخلوقات دیگر که در آسمان‌ها و زمین قرار دارند را از یاد بردند. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۳۶.

پرسش: صلهٔ موصول در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۳ ﴿وَلَهُ ٱلۡحَمۡدُ فِي ٱلۡأٓخِرَةِ﴾

حمد و ستایش الله در آخرت بیش از آن‌چه در دنیا وجود دارد آشکار می‌گردد؛ یعنی وقتی الله میان تمام مخلوقات داوری کند و مردم و سایر مخلوقات قضاوت و عدالت و انصاف و حکمت او تعالی در داوری را ببینند، همگی او را بر این کار ستایش می‌کنند، حتی اهل عذاب در حالی وارد جهنم می‌شوند که دل‌های‌شان از حمد و ستایش الله سرشار است و می‌دانند که به سبب اعمال‌شان مجازات می‌شوند و الله حکم عذاب‌شان را عادلانه صادر کرده است. سعدی: ۶۷۴.

پرسش: چرا ستایش الله در آخرت به صورت خاص بیان شد؟

۴ ﴿عَٰلِمِ ٱلۡغَيۡبِۖ لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ مِثۡقَالُ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَلَآ أَصۡغَرُ مِن ذَٰلِكَ وَلَآ أَكۡبَرُ إِلَّا فِي كِتَٰبٖ مُّبِينٖ﴾

﴿لَا يَعۡزُبُ عَنۡهُ﴾: از او پنهان نمی‌ماند؛ یعنی: علمش بر همگی احاطه دارد و هیچ‌چیز بر او مخفی نمی‌ماند؛ پس استخوان‌ها هر چند متلاشی و ریزه ریزه و پراکنده شده باشند الله می‌داند که کجا افتاده و پراکنده شده‌اند، سپس آن‌ها را همان‌گونه که نخستین بار آفرید بازمی‌گرداند؛ زیرا به همه‌چیز داناست. ابن کثیر: ۳/ ۵۰۴.

پرسش: چرا الله تعالی بعد از بیان رستاخیز، این صفت را به صورت خاص بیان کرد که عالم غیب است؟

۵ ﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ﴾

استعمال فعل ﴿يَرَى﴾ به جای (يعلم) بیانگر این امر است که علم آنان، علمی یقینی و به منزلهٔ علم به اشیای قابل رؤیت است که بدیهی و ضروری هستند. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۴۵.

پرسش: چرا در آیه به جای فعل (يعلم) فعل ﴿يَرَى﴾ آمد؟

۶ ﴿وَيَرَى ٱلَّذِينَ أُوتُواْ ٱلۡعِلۡمَ ٱلَّذِيٓ أُنزِلَ إِلَيۡكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ ٱلۡحَقَّ وَيَهۡدِيٓ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾

انتخاب دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾ از میان نام‌های نیکوی الله، اشاره دارد به این‌که مومنان وقتی ایمان می‌آورند به این‌که قرآن، حق و هدایت است، این باور در دل‌شان می‌افتد که قرآن راهی است که منجر به عزت می‌شود. الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِۦ وَلِلۡمُؤۡمِنِينَ﴾ [المنافقون: ۸] «عزت، از آنِ الله و فرستادهٔ او و مؤمنان است». ابن عاشور: ۲۲/ ۱۴۶.

پرسش: انتخاب دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَمِيدِ﴾ در آیه چه فایده‌ای در بر دارد؟

۷ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ يُنَبِّئُكُمۡ إِذَا مُزِّقۡتُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ إِنَّكُمۡ لَفِي خَلۡقٖ جَدِيدٍ﴾

اگر گفته شود: رسول الله ﷺ در میان قریش مشهور و شناخته‌شده بود و خبر بعثت او نیز میان آنان منتشر گشته بود، پس چرا با بیان عبارت ﴿هَلۡ نَدُلُّكُمۡ عَلَىٰ رَجُلٖ﴾ برای‌شان ناشناخته معرفی شد که گویی رسول الله ﷺ را نمی‌شناسند؟ در پاسخ می‌گوییم: آنان قصد تمسخر و استهزا داشتند و به منظور خنده و سرگرمی، خود را در مورد رسول الله ﷺ و رسالتش به نادانی زدند. قرطبی: ۱۷/ ۲۵۷.

پرسش: چرا کافران با گفتن واژهٔ ﴿رَجُلٖ﴾ چنین وانمود کردند که رسول الله ﷺ را نمی‌شناسند؟

سورة (سبأ) الجزء (٢٢) صفحة (٤٢٩)

أَفۡتَرَىٰ عَلَى ٱللَّهِ كَذِبًا أَم بِهِۦ جِنَّةُۢۗ بَلِ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ
فِي ٱلۡعَذَابِ وَٱلضَّلَٰلِ ٱلۡبَعِيدِ ﴿٨﴾ أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ
وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ
أَوۡ نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ
لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ ﴿٩﴾ ۞ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ
يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ ﴿١٠﴾ أَنِ ٱعۡمَلۡ
سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ
بَصِيرٞ ﴿١١﴾ وَلِسُلَيۡمَٰنَ ٱلرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهۡرٞ وَرَوَاحُهَا شَهۡرٞۖ
وَأَسَلۡنَا لَهُۥ عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِۖ وَمِنَ ٱلۡجِنِّ مَن يَعۡمَلُ بَيۡنَ يَدَيۡهِ بِإِذۡنِ
رَبِّهِۦۖ وَمَن يَزِغۡ مِنۡهُمۡ عَنۡ أَمۡرِنَا نُذِقۡهُ مِنۡ عَذَابِ ٱلسَّعِيرِ ﴿١٢﴾
يَعۡمَلُونَ لَهُۥ مَا يَشَآءُ مِن مَّحَٰرِيبَ وَتَمَٰثِيلَ وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ
وَقُدُورٖ رَّاسِيَٰتٍۚ ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ
ٱلشَّكُورُ ﴿١٣﴾ فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ
إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ
أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ ﴿١٤﴾

ترجمه آیات

آیا [این مرد] بر الله دروغ می‌بندد یا دیوانه است؟» [هرگز چنین نیست؛] بلکه کسانی که به آخرت ایمان ندارند، در عذاب [شدید آخرت] و گمراهی دور و دراز [دنیا] گرفتارند. (۸) آیا [کافران] به آسمان و زمینی که پیش رو و پشت سرشان است ننگریسته‌اند؟ اگر بخواهیم، آنان را [مانند قارون] در زمین فرومی‌بریم یا [همچون قوم شعیب] پاره‌های از آسمان را بر سرشان می‌افکنیم. بی‌گمان، در این [هشدار،] برای هر بندهٔ توبه‌کاری، نشانه‌ای [از قدرتِ الله] است. (۹) ما از جانب خویش فضیلتی [=حُکمرانی و نبوت] به داود بخشیدیم [و گفتیم:] «ای کوهساران و ای پرندگان، [در تسبیح و نیایشِ الله] با او هم‌آواز شوید». و آهن را برایش نرم کردیم [تا هر چه می‌خواهد بسازد]. (۱۰) [به او دستور دادیم] که: «زره‌های بلند [و فراخ] بساز و در بافتن [و پیوستنِ حلقه‌های زره] سنجیده و دقیق کار کن و [شما ای مردم،] نیکوکاری کنید [که] بی‌تردید، من به آنچه می‌کنید بینا هستم». (۱۱) و برای سلیمان، باد را [به خدمت گماشتیم] که [در وزشِ] صبحگاهان، مسیر یک ماهه را طی می‌کرد و شامگاهان [نیز] مسیر یک ماهه را می‌پیمود؛ و چشمهٔ مس [گداخته] را برایش روان ساختیم و گروهی از جنیان، به فرمان پروردگارش، نزد او کار می‌کردند و هر یک از آنان که از فرمان ما سرپیچی می‌کرد، از عذاب سوزان به او می‌چشاندیم. (۱۲) آنها هر چه می‌خواست برایش می‌ساختند: از [کاخ و] عبادتگاه و مجسمه و کاسه‌هایی [که از بزرگی] همچون حوض [بودند] و دیگ‌هایی بسیار بزرگ و ثابت. [به آنان گفتیم:] «ای آل داود، سپاس [نعمت‌های مرا] به جای آوردید» و[لی] اندکی از بندگانم سپاسگزارند. (۱۳) هنگامی که مرگ را بر سلیمان مقرر داشتیم، [هیچ کس] آنان را از مرگش آگاه نساخت، مگر موریانه‌ای که عصایش را [به تدریج] خورد. وقتی [پیکر سلیمان] فروافتاد، جنیان دریافتند که اگر از غیب آگاه بودند، هرگز در آن عذاب خفت‌بار [و کارِ طاقت‌فرسا] باقی نمی‌ماندند. (۱۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَفَلَمۡ يَرَوۡاْ إِلَىٰ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيهِمۡ وَمَا خَلۡفَهُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِن نَّشَأۡ نَخۡسِفۡ بِهِمُ ٱلۡأَرۡضَ أَوۡ نُسۡقِطۡ عَلَيۡهِمۡ كِسَفٗا مِّنَ ٱلسَّمَآءِ﴾

الله تعالی که توانست آسمان‌ها و زمین و آن‌چه را در این دو قرار دارد بیافریند؛ بر رستاخیز و تعجیل کیفر گناهکاران نیز تواناست. بنابراین به قدرت خویش بر آنان استدلال کرد و این‌که آسمان‌ها و زمین که ملک الله هستند آنان را از تمام جهات احاطه کرده‌اند، پس چگونه خودشان را از فرو رفتن در زمین یا آمدن عذاب از آسمان بر سرشان در امان می‌دانند، آن‌گونه که قارون و اصحاب اَیکه را مجازات کرد. قرطبی: ۱۷/ ۲۵۹.

پرسش: قدرت الله در آفرینش آسمان‌ها و زمین، چگونه بر قدرت او تعالی در کیفر گناهکاران دلالت می‌کند؟

۲ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ﴾

بنده هر چه بیشتر به سوی الله بازگردد بیشتر از نشانه‌ها فایده می‌برد؛ زیرا بنده‌ای که به سوی پروردگارش روی آورد، تمام اراده‌ها و همت‌هایش را متوجه پروردگارش ساخته و در تمام امورش به او رجوع کرده است؛ بنابراین به پروردگارش تقرب می‌جوید و فقط در پی کسب خشنودی او تعالی است؛ در نتیجه فقط از باب تفکر و عبرت در مخلوقات می‌نگرد نه با نگاهی غافلانه و بی‌فایده. سعدی: ۶۷۶.

پرسش: چرا فایده‌بردن از آیات، فقط به بندگان بازگشت‌کننده به سوی الله سبحانه و تعالی اختصاص داده شد؟

۳ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا دَاوُۥدَ مِنَّا فَضۡلٗاۖ يَٰجِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُۥ وَٱلطَّيۡرَۖ وَأَلَنَّا لَهُ ٱلۡحَدِيدَ﴾

واژهٔ فضل به صورت نکره آمد تا بزرگی آن مشخص شود. این فضل عبارت است از فضیلت نبوّت، فضیلت پادشاهی، فضیلت عنایت به اصلاح امت، فضیلت داوری عادلانه، فضیلت شجاعت در جنگ، فضیلت گشایش نعمت بر داود عليه السلام، فضیلت بی‌نیازی او از مردم به سبب این‌که ساخت زره‌های آهنی به او الهام شد، فضیلت اعطای زبور و صدای خوش به او، فضیلت عمر طولانی در خیر و سایر موارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۵۵.

پرسش: چرا واژهٔ فضل به صورت نکره بیان شد؟

۴ ﴿أَنِ ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

آیه بر آموختن کارها توسط اهل فضل دلالت دارد و این‌که اشتغال به کار، نقصی بر منصب‌شان وارد نمی‌کند بلکه باعث افزایش فضل و فضایل‌شان است؛ زیرا تواضع و بی‌نیازی از دیگران و کسب روزی حلال و بی‌منت را به ارمغان می‌آورد. قرطبی: ۱۷/ ۲۶۳.

پرسش: آیا آموختن مشاغل و مهارت‌ها توسط جویندهٔ علم، عیب و نقص به شمار می‌رود؟

۵ ﴿ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗا﴾

دلالت دارد بر این‌که سپاس‌گزاری علاوه بر این‌که با قول و نیت انجام می‌شود با فعل نیز صورت می‌گیرد؛ چنان‌که شاعر می‌گوید: أَفَادَتْكُمُ النَّعْمَاءَ مِنِّي ثَلَاثَةٌ ❊ يَدِي وَلِسَانِي وَالضَّمِيرُ الْمُحَجَّبَا؛ انعام شما بر من، سه چیز [یعنی] دست، زبان و دل مرا در پوشش محبت شما قرار داد. ابن کثیر: ۳/ ۵۰۷.

پرسش: انسان از چه راه‌هایی می‌تواند از پروردگارش سپاس‌گزاری کند؟

۶ ﴿ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾

روایت شده که داود عليه السلام گفت: پروردگارا! چگونه می‌توانم شکر نعمت‌هایت را به جای آورم، در حالی که الهام و قدرت من بر سپاس‌گزاری از تو، نعمتی از جانب خودت است؟ الله فرمود: ای داود اکنون که این امر را دانستی شکر مرا به جای آوردی.... حقیقت شکر عبارت است از: اعتراف به نعمت نعمت‌دهنده و استعمال آن در طاعتش که افراد اندکی این کار را انجام می‌دهند- کفران نیز عبارت است از استعمال نعمت در معصیت-. قرطبی: ۱۷/ ۲۷۸.

پرسش: حقیقت شکر چیست؟ و آیا سپاسگزاران فراوان هستند؟

۷ ﴿فَلَمَّا قَضَيۡنَا عَلَيۡهِ ٱلۡمَوۡتَ مَا دَلَّهُمۡ عَلَىٰ مَوۡتِهِۦٓ إِلَّا دَآبَّةُ ٱلۡأَرۡضِ تَأۡكُلُ مِنسَأَتَهُۥۖ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ﴾

یعنی: برای مردم آشکار شد که جن‌ها غیب نمی‌دانند. بنابر قولی: ﴿تَبَيَّنَتِ﴾ به معنای «علمت» است. ابن جزی: ۲/ ۲۰۳.

پرسش: کسی که ادعا دارد جن‌ها غیب می‌دانند چه پاسخی دریافت می‌کند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كِسَفٗا	پاره‌ای از عذاب.
مُّنِيبٖ	بازگشت‌کننده به سوی پروردگارش با توبه و طاعت.
أَوِّبِي مَعَهُۥ	با او تسبیح بگویید.
وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِ	میخ‌ها را در حلقه‌های زره‌ها اندازه بگیر تا حلقه‌ها نه کوچک و ضعیف باشند و نه بزرگ و سنگین.
عَيۡنَ ٱلۡقِطۡرِ	چشمهٔ مس، یعنی مس مانند آب برایش روان می‌شد.
وَجِفَانٖ كَٱلۡجَوَابِ	کاسه‌هایی بزرگ؛ مانند حوض‌های آب.

عمل به آیات

۱. امروز تمام کارهایت را محکم و استوار آن‌گونه که الله سبحانه می‌پسندد انجام بده، ﴿وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

۲. به پاس سپاس‌گزاری از حفظ یکی از سوره‌های قرآن، آن را به مسلمانی دیگر بیاموز، ﴿ٱعۡمَلُوٓاْ ءَالَ دَاوُۥدَ شُكۡرٗاۚ وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾

۳. بگو: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الشَّاكِرِيْنَ»؛ «یا الله! مرا بنده‌ای سپاسگزار قرار بده»، ﴿وَقَلِيلٞ مِّنۡ عِبَادِيَ ٱلشَّكُورُ﴾

رهنمودها

۱. بازگشت زیاد به سوی الله، سبب سودبردن از آیات کونیه است، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَةٗ لِّكُلِّ عَبۡدٖ مُّنِيبٖ﴾

۲. باید یک حرفه به خوبی بیاموزی یا مهارتی را به صورت درست یاد بگیری تا از مردم بی‌نیاز شوی، ﴿أَنِ ٱعۡمَلۡ سَٰبِغَٰتٖ وَقَدِّرۡ فِي ٱلسَّرۡدِۖ وَٱعۡمَلُواْ صَٰلِحًاۖ إِنِّي بِمَا تَعۡمَلُونَ بَصِيرٞ﴾

۳. غیب را فقط الله تعالی می‌داند، ﴿فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ ٱلۡجِنُّ أَن لَّوۡ كَانُواْ يَعۡلَمُونَ ٱلۡغَيۡبَ مَا لَبِثُواْ فِي ٱلۡعَذَابِ ٱلۡمُهِينِ﴾

سورة (سبأ) الجزء (۲۲) صفحة (۴۳۰)

لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ وَشِمَالٖۖ
كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ
﴿۱۵﴾ فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ
جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ
﴿۱۶﴾ ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ ﴿۱۷﴾
وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ
وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ ﴿۱۸﴾
فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ
أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ
شَكُورٖ ﴿۱۹﴾ وَلَقَدۡ صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا
فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿۲۰﴾ وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيۡهِم مِّن سُلۡطَٰنٍ
إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يُؤۡمِنُ بِٱلۡأٓخِرَةِ مِمَّنۡ هُوَ مِنۡهَا فِي شَكّٖۗ
وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ ﴿۲۱﴾ قُلِ ٱدۡعُواْ ٱلَّذِينَ زَعَمۡتُم مِّن
دُونِ ٱللَّهِ لَا يَمۡلِكُونَ مِثۡقَالَ ذَرَّةٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ وَمَا لَهُمۡ فِيهِمَا مِن شِرۡكٖ وَمَا لَهُۥ مِنۡهُم مِّن ظَهِيرٖ ﴿۲۲﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ءَايَةٞ	نشانه‌ای بر قدرت ما.
ذَوَاتَيۡ	دارای.
سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ	سیلی شدید و ویرانگر که سد را تخریب و دو باغ را غرق کرد.
أُكُلٍ خَمۡطٖ	میوه‌ای تلخ و بدمزه.
وَأَثۡلٖ	درختی معروف شبیه درخت گز، که هیچ باری ندارد.
سِدۡرٖ	درخت سدر، دارای خارهای زیاد.

عمل به آیات

۱. قبل از خوردن غذا نام الله را بگو، بعد از خوردن غذا الله را سپاس بگو؛ تا شکر او تعالی را به جای آورده باشی، ﴿كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ﴾

۲. از خلال آیات قصهٔ سبأ، سه مورد از عواقب ناسپاسی نعمت‌ها را برشمار، ﴿لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٖ وَشِمَالٖۖ كُلُواْ مِن رِّزۡقِ رَبِّكُمۡ وَٱشۡكُرُواْ لَهُۥۚ بَلۡدَةٞ طَيِّبَةٞ وَرَبٌّ غَفُورٞ﴾

۳. با ارسال پیامی به خویشاوندان و دوستانت، کیفرهای الهی بر کسی که از دین الله روی گرداند را برای‌شان بیان کن، ﴿فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ﴾

رهنمودها

۱. مبادا از نعمت‌های الله تعالی ناسپاسی کنی، ﴿ذَٰلِكَ جَزَيۡنَٰهُم بِمَا كَفَرُواْۖ وَهَلۡ نُجَٰزِيٓ إِلَّا ٱلۡكَفُورَ﴾

۲. دعایی بکن که برایت سودمند باشد و از دعا به آن‌چه به تو زیان می‌رساند برحذر باش، ﴿فَقَالُواْ رَبَّنَا بَٰعِدۡ بَيۡنَ أَسۡفَارِنَا وَظَلَمُوٓاْ أَنفُسَهُمۡ فَجَعَلۡنَٰهُمۡ أَحَادِيثَ وَمَزَّقۡنَٰهُمۡ كُلَّ مُمَزَّقٍ﴾

۳. از وساوس و تحریکات شیطان دوری گزین، ﴿وَلَقَدۡ صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

ترجمه آیات

در محل سکونتِ [قوم] «سبأ» دو باغ [بزرگ] از راست و چپ [قرار داشت] که نشانه‌ای [از قدرت و بخشش الهی] بود. [به آنان گفتیم:] «از روزی پروردگارتان بخورید و شُکرگزارش باشید [که] سرزمینی پاک و پروردگاری آمرزنده [دارید]». (۱۵) اما آنان [از شُکر و ایمان] روی گرداندند؛ پس ما سیلی ویرانگر به سویشان روانه کردیم و دو باغ [پرمحصول] آنان را به دو باغ [بی‌ارزش] تبدیل نمودیم [که تنها] میوه‌های تلخ و شوره‌گز و اندکی سِدر داشت. (۱۶) ما آنان را به سزای ناسپاسی‌شان اینچنین کیفر دادیم و آیا جز ناسپاس را کیفر می‌دهیم؟ (۱۷) و [همچنین] میان آنها [= قوم سبأ در یمن] و سرزمین‌هایی که به آنها برکت داده بودیم [= شام] شهرهایی [خرّم و] به‌هم‌پیوسته قرار دادیم و سیر و سفری [آسان] در آن مقرر نمودیم [و به آنان گفتیم:] «شب و روز بین این [راه]ها ایمن [و آسوده] سفر کنید». (۱۸) اما آنان [با ناسپاسی] گفتند: «پروردگارا، میان سفرهای ما فاصلهٔ بیشتری ایجاد کن [تا ارزش اسب‌ها و شترهایمان نمایان گردد و بینوایان نتوانند همچون ثروتمندان به راحتی سفر کنند]». آنان به خویشتن ستم کردند؛ ما نیز سخت آنها را متفرق و پراکنده ساختیم و [سرگذشت] آنان را داستانی [عبرت‌آموز] برای دیگران قرار دادیم. به راستی که در این [ماجرا] برای هر شکیبای سپاسگزاری، نشانه‌هایی [از قدرت الهی] است. (۱۹) و یقیناً ابلیس گمان خود را در مورد آنان به تحقق رساند؛ پس جز گروهی [اندک] از مؤمنان، [همگی] از او پیروی کردند. (۲۰) [شیطان] بر آنان هیچ تسلطی نداشت؛ بلکه [ما می‌خواستیم] کسی را که به آخرت ایمان دارد، از کسی که دربارهٔ آن تردید دارد مشخص کنیم؛ و پروردگارت بر هر چیزی نگهبان است. (۲۱) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «کسانی را که به جای الله [یاور و شفاعتگرِ خود] می‌پندارید، [به فریاد] بخوانید. آنان حتی همسنگِ ذره‌ای در آسمان‌ها و زمین مالک چیزی نیستند و نه در [آفرینش و تدبیر] آن دو [= زمین و آسمان] شرکتی دارند و نه او [= الله] از جانب آنان هیچ پشتیبانی دارد. (۲۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿لَقَدۡ كَانَ لِسَبَإٖ فِي مَسۡكَنِهِمۡ ءَايَةٞ﴾

قصهٔ سلیمان عليه السلام به ذکر قصهٔ سبأ کشیده شد به این دلیل که میان پادشاهی سلیمان عليه السلام و مملکت سبأ، به سبب قصهٔ (بلقیس) ارتباط وجود دارد و نیز به این دلیل که احوال اهل سبأ ضد احوال داود و سلیمان عليهما السلام است؛ داود و سلیمان عليهما السلام مثالی در تمام‌گردانیدن نعمت بر سپاسگزاران و اهل سبأ مثالی برای سلب نعمت از کافران است. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۶۵.

پرسش: دلایل آمدن قصهٔ سبأ پس از قصهٔ سلیمان عليه السلام چیست؟

۲ ﴿فَأَعۡرَضُواْ فَأَرۡسَلۡنَا عَلَيۡهِمۡ سَيۡلَ ٱلۡعَرِمِ وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ﴾

﴿فَأَعۡرَضُواْ﴾ یعنی: از شکر الله یا از طاعت پیامبران روی گرداندند. ابن جزی: ۲/ ۲۰۳.

پرسش: کاری که اهل سبأ از آن روی گرداندند و به سبب آن حال‌شان تغییر کرد چه بود؟

۳ ﴿وَبَدَّلۡنَٰهُم بِجَنَّتَيۡهِمۡ جَنَّتَيۡنِ ذَوَاتَيۡ أُكُلٍ خَمۡطٖ وَأَثۡلٖ وَشَيۡءٖ مِّن سِدۡرٖ قَلِيلٖ﴾

این عذاب از جنس عمل‌شان است؛ یعنی همان‌گونه که سپاس‌گزاری نیکو را با کفر ناپسند تغییر دادند، این نعمت به عذاب مذکور تغییر یافت. سعدی: ۶۷۷.

پرسش: بر اساس آیه قاعدهٔ «جزا از جنس عمل است» را توضیح دهید.

۴ ﴿وَجَعَلۡنَا بَيۡنَهُمۡ وَبَيۡنَ ٱلۡقُرَى ٱلَّتِي بَٰرَكۡنَا فِيهَا قُرٗى ظَٰهِرَةٗ وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَۖ سِيرُواْ فِيهَا لَيَالِيَ وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ﴾

عبارت ﴿وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَ﴾ چنان‌که مسافر از هر راهی که می‌رفت، شب را در یک آبادی می‌خوابید و قیلوله را در آبادی‌ای دیگر و به زاد و توشه نیاز پیدا نمی‌کرد ... ﴿سِيرُواْ﴾ یعنی: به آنان گفتیم. ﴿ءَامِنِينَ﴾ یعنی: از ترسِ مردمِ مفسد و ایمن از گرسنگی و تشنگی و آفاتِ مسافر. ابن عطیه: ۴/ ۴۱۶.

پرسش: هر یک از عبارات ﴿وَقَدَّرۡنَا فِيهَا ٱلسَّيۡرَ﴾ و ﴿ءَامِنِينَ﴾ چه معنایی دارد؟

۵ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّكُلِّ صَبَّارٖ شَكُورٖ﴾

چون نشانه‌ها و پندهای زیادی در این قصه وجود دارد، (آیات) به صورت جمع آمد. وضعیت مسکن‌های‌شان نشانه‌ای از قدرت و رحمت و بخشش الله است... فرستادن سیل ویرانگر بر آنان نشانه‌ای بر یگانگی الله در تصرف است و این‌که او تعالی انتقام می‌گیرد... تغییر حال‌شان از فراخی به تنگدستی و سختی، نشانه‌ای بر تبدیل احوال و تغییر جهان است... همچنین نشانه‌ای است بر عدم اطمینان بر استمرار حال خوب و بد. آبادانی اقلیم آنان و گستردگی آبادی‌های‌شان تا سرزمین شام، نشانه‌ای بر اوج آبادانی و قدرت بزرگ است و نشانه‌ای است بر این‌که امنیت، اساس آبادانی است. آرزوی آنان بر زوال و نابودی این نعمت، نشانه‌ای است بر این‌که عقل گاهی چنان به پستی می‌گراید که به اختلال امور و نابودی عظمتِ امت منجر می‌شود، در جدایی آنان از وطن و پراکنده‌شدن در زمین، نشانه‌ای است بر این‌که اضطرار مردم را به امور خطرناک و ناگوار می‌کشاند... جمع میان دو صفات ﴿صَبَّارٖ﴾ و ﴿شَكُورٖ﴾ اشاره دارد به این‌که مومن باید دارای این دو ویژگی باشد: صبر در برابر سختی‌ها و شکر در برابر نعمت‌ها. اما اهل سبأ شکر نعمت را به جای نیاوردند بلکه ناسپاسی و سرکشی کردند و در برابر زوال نعمت صبور نبودند. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۸۰.

پرسش: چرا در این آیه واژهٔ (آیات) به صورت جمع آمد؟ و چرا در پایان آیه دو صفت ﴿صَبَّارٖ﴾ و ﴿شَكُورٖ﴾ بیان شد؟

۶ ﴿وَلَقَدۡ صَدَّقَ عَلَيۡهِمۡ إِبۡلِيسُ ظَنَّهُۥ فَٱتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقٗا مِّنَ ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

ابن قتیبه می‌گوید: شیطان وقتی از الله مهلت خواست و الله با درخواستش موافقت کرد، گفت: قطعاً آنان را خواهم فریفت و گمراه خواهم کرد. وی هنگام گفتن این سخن یقین نداشت که سخنش در مورد مردم محقق می‌گردد اما وقتی که از او پیروی و اطاعت کردند گمان خویش در مورد آنان را راست و درست دید. حسن می‌گوید: شیطان هیچ شمشیری بر مردم نکشیده و هیچ شلاقی بر آنان نزده، بلکه فقط به آنان وعده و آرزو داد و آنان نیز فریب خوردند. بغوی: ۳/ ۶۰۴.

پرسش: توضیح دهید که شیطان چگونه گمانش را در مورد مردم درست دید؟

۷ ﴿وَمَا كَانَ لَهُۥ عَلَيۡهِم مِّن سُلۡطَٰنٍ إِلَّا لِنَعۡلَمَ مَن يُؤۡمِنُ بِٱلۡأٓخِرَةِ مِمَّنۡ هُوَ مِنۡهَا فِي شَكّٖۗ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٍ حَفِيظٞ﴾

شیطان آنان را بر کفر مجبور نکرد، بلکه فقط به دعوت و تزیین پرداخت... او هیچ دلیلی نداشت که آن‌ها را به پیروی از خود بکشاند، بلکه مردم فقط بر اساس شهوت و تقلید و هوای نفس و بدون هیچ حجت و دلیلی از او پیروی کردند. بغوی: ۳/ ۶۰۴.

پرسش: آیا شیطان نیرویی دارد که با آن انسان را بر کفر و گناهان مجبور کند؟

سورة (سبأ) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣١)

وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥۚ حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن
قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ
٢٣ ۞قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُۖ
وَإِنَّآ أَوۡ إِيَّاكُمۡ لَعَلَىٰ هُدًى أَوۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٢٤ قُل
لَّا تُسۡـَٔلُونَ عَمَّآ أَجۡرَمۡنَا وَلَا نُسۡـَٔلُ عَمَّا تَعۡمَلُونَ ٢٥ قُلۡ
يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ
٢٦ قُلۡ أَرُونِيَ ٱلَّذِينَ أَلۡحَقۡتُم بِهِۦ شُرَكَآءَۖ كَلَّاۚ بَلۡ هُوَ ٱللَّهُ
ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ ٢٧ وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ
بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٢٨
وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ٢٩
قُل لَّكُم مِّيعَادُ يَوۡمٖ لَّا تَسۡتَـٔۡخِرُونَ عَنۡهُ سَاعَةٗ وَلَا تَسۡتَقۡدِمُونَ
٣٠ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَن نُّؤۡمِنَ بِهَٰذَا ٱلۡقُرۡءَانِ وَلَا
بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِۗ وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ
رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ
ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ ٣١

ترجمه آیات

شفاعت [هیچ کس] نزد او [= الله] سودی ندارد؛ مگر برای آن کس که [الله] به او اجازه داده باشد. [در آن روز فرشتگان از خوف و هیبت الهی ترسانند] تا آنگاه که اضطراب [و تشویش] از دل‌هایشان برطرف می‌گردد، [گروهی از آنان به گروه دیگر] می‌گویند: «پروردگارتان چه گفت؟» [آنان در پاسخ] می‌گویند: «حق را [فرمود] و او بلندمرتبهٔ بزرگ است» (۲۳) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «چه کسی از آسمان‌ها و زمین به شما روزی می‌دهد؟» [در پاسخ] بگو: «الله؛ و یقیناً [یک گروه از بین] ما و شما یا بر [راهِ] هدایت است یا در گمراهی آشکار». (۲۴) بگو: «[روز قیامت] شما از گناهی که ما مرتکب شده‌ایم بازخواست نمی‌شوید و ما را [نیز] به خاطر آنچه شما انجام می‌دهید بازخواست نمی‌کنند». (۲۵) بگو: «[آن روز] پروردگارمان [همهٔ] ما را گرد می‌آورد؛ سپس میان ما به‌حق [و عدالت] داوری می‌کند و او داورِ داناست». (۲۶) بگو: «کسانی را که [در قدرت و تدبیر] شریک او [= الله] ساخته‌اید به من نشان دهید. هرگز [چنین نیست که می‌پندارید]؛ بلکه او الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲۷) [ای پیامبر،] ما تو را جز بشارت‌بخش و بیم‌دهنده‌ای برای همهٔ مردم نفرستادیم؛ اما بیشتر مردم [این حقیقت را] نمی‌دانند. (۲۸) و [کافران] می‌گویند: «اگر راستگویید، این وعدهٔ [قیامت] کی خواهد بود؟» (۲۹) بگو: «وعده‌گاهتان روزی است که نه ساعتی از آن تأخیر می‌کنید و نه [بر آن] پیشی می‌گیرید». (۳۰) و کسانی که کفر ورزیدند می‌گویند: «ما هرگز به این قرآن و به آن [کتاب‌هایی] که پیش از آن بوده است ایمان نمی‌آوریم». کاش می‌دیدی زمانی را که این ستمکاران در پیشگاه پروردگارشان [برای حسابرسی] نگاه داشته می‌شوند [و] سخن یکدیگر را رد می‌کنند [و هر یک گناه را به گردن دیگری می‌اندازد]. کسانی که [در دنیا] به ناتوانی کشیده شده بودند به کسانی که گردنکشی می‌کردند می‌گویند: «اگر شما نبودید، ما قطعاً ایمان می‌آوردیم». (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥ﴾

هشدار و خبری از جانب الله تعالی است مبنی بر این‌که فرشتگان با وجود برگزیدگی و جایگاه والایی که دارند نمی‌توانند برای هیچ‌کس شفاعت کنند مگر این‌که به آنان اذن داده شود، و وقتی که به آنان اذن داده شود و بشنوند از هوش می‌روند؛ حال که فرشتگان چنین حالتی دارند، بت‌ها چگونه شفاعت می‌کنند؟! یا چگونه است که شما به شفاعت امید دارید اما به قیامت اعتراف نمی‌کنید؟! قرطبی: ۱۷/ ۳۱۱.

پرسش: بر اساس آیه، بزرگی امر شفاعت نزد الله در روز قیامت را بیان کنید.

۲ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾

احادیث رسول الله ﷺ تصریح دارند بر این‌که این آیه در مورد فرشتگان علیهم السلام است که وقتی به وحی از زبان جبریل عليه السلام گوش فرا دهند به شدت وحشت‌زده و بی‌قرار می‌شوند، و وقتی وحشت از دل‌های‌شان برطرف شد، از یکدیگر می‌پرسند: پروردگارتان چه فرمود؟ پاسخ می‌دهند: حق را فرمود. ابن جزی: ۲/ ۲۰۵.

پرسش: آیه چگونه بر عظمت وحی دلالت می‌کند؟

۳ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾

تخصیص دو صفت مذکور، مناسب مقام پاسخ است؛ یعنی: در مورد همه به حق و مطابق استحقاق هر کس داوری کرده است؛ زیرا حال هیچ‌کس بر او پوشیده نمی‌ماند و هیچ مانعی او را از رساندن حق هر کس به او بازنمی‌دارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۹۰- ۱۹۱.

پرسش: چرا فقط دو صفت ﴿ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾ در آیه بیان شد؟

۴ ﴿وَإِنَّآ أَوۡ إِيَّاكُمۡ لَعَلَىٰ هُدًى أَوۡ فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾

یعنی: یکی از دو گروه، خطاکار و دیگری صاحب حق است؛ هیچ راهی نیست که شما و ما بر هدایت یا بر گمراهی باشیم، بلکه یکی از ما درستکار است. ابن کثیر: ۳/ ۵۱۶.

پرسش: چه دیدگاهی داری در مورد کسی که آسان از کنار اختلافات میان فرقه‌ها و ادیان می‌گذرد و ادعا می‌کند همگی درست عمل می‌کنند؟

۵ ﴿قُلۡ يَجۡمَعُ بَيۡنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفۡتَحُ بَيۡنَنَا بِٱلۡحَقِّ وَهُوَ ٱلۡفَتَّاحُ ٱلۡعَلِيمُ﴾

بعد از نام ﴿ٱلۡفَتَّاحُ﴾، ﴿ٱلۡعَلِيمُ﴾ را ذکر کرد تا دلالت کند بر این‌که حکم الله تعالی عدالت محض است؛ زیرا ذات دانایی است که حکمش از اسباب خطا و ستم ناشی از جهل و ناتوانی به دور است و از ضعف نفسانی ناشی از جهل نسبت به احوال و پیامدها پاک است. ابن عاشور: ۲۲/ ۱۹۵.

پرسش: چرا پس از نام نیکوی ﴿ٱلۡفَتَّاحُ﴾ نام نیکوی ﴿ٱلۡعَلِيمُ﴾ آمد؟

۶ ﴿وَمَآ أَرۡسَلۡنَٰكَ إِلَّا كَآفَّةٗ لِّلنَّاسِ بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

اعلام می‌دارد که محمد ﷺ را به سوی تمام جهانیان فرستاد... الله از میان تمام پیامبران، این صفت را فقط به محمد ﷺ اختصاص داد. ابن عطیه: ۴/ ۴۲۰.

پرسش: آیه کدام یک از صفات اختصاصی پیامبرمان محمد ﷺ را بیان کرده است؟

۷ ﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ يَرۡجِعُ بَعۡضُهُمۡ إِلَىٰ بَعۡضٍ ٱلۡقَوۡلَ يَقُولُ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لَوۡلَآ أَنتُمۡ لَكُنَّا مُؤۡمِنِينَ﴾

﴿وَلَوۡ تَرَىٰٓ﴾ ای محمد، ایکاش می‌دیدی ﴿إِذِ ٱلظَّٰلِمُونَ مَوۡقُوفُونَ عِندَ رَبِّهِمۡ﴾ این ستمکاران را هنگامی که در پیشگاه پروردگارشان، در توقفگاه حساب نگاه داشته شده‌اند، در حالی که یکدیگر را مورد سرزنش و عتاب قرار می‌دهند بعد از این‌که در دنیا دوست و یاور یکدیگر بودند. جواب ﴿لَوۡ﴾ محذوف است؛ یعنی: اگر این حالت را ببینی قطعاً امری بسیار هولناک و ناپسند دیده‌ای. قرطبی: ۱۷/ ۳۱۶.

پرسش: مشرکان که با یکدیگر دوست هستند وقتی در برابر الله تعالی بایستند چه حالی دارند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فُزِّعَ	ترس و بیم از دل‌های‌شان برطرف شود.
يَفۡتَحُ	داوری می‌کند.
بِٱلۡحَقِّ	با عدالت.
ٱلۡفَتَّاحُ	حاکم میان مخلوقاتش.
وَلَا بِٱلَّذِي بَيۡنَ يَدَيۡهِ	و نه به تورات و انجیل و زبور که پیش از قرآن نازل شده است.
مَوۡقُوفُونَ	بازداشت‌شدگان در جایگاه حسابرسی.
يَرۡجِعُ	به یکدیگر پاسخ می‌دهند.

عمل به آیات

۱. از الله بخواه شفاعت تو را در مورد کسانی که می‌خواهی بپذیرد، ﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥ﴾

۲. از الله سبحانه بخواه شفاعت پیامبران و فرشتگان و بندگان صالح خویش را نصیب تو گرداند، و شفاعت را از هیچ‌کس غیر او ـ هر کس که باشد ـ درخواست نکن، ﴿وَلَا تَنفَعُ ٱلشَّفَٰعَةُ عِندَهُۥٓ إِلَّا لِمَنۡ أَذِنَ لَهُۥ﴾

۳. از الله تعالی در قبال روزی‌ای که به تو ارزانی داشته است سپاس‌گزاری کن، ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾

رهنمودها

۱. از الله تعالی بخواه دلت را از خشیت و تعظیم و محبت خویش سرشار کند، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا فُزِّعَ عَن قُلُوبِهِمۡ قَالُواْ مَاذَا قَالَ رَبُّكُمۡۖ قَالُواْ ٱلۡحَقَّۖ وَهُوَ ٱلۡعَلِيُّ ٱلۡكَبِيرُ﴾

۲. به یاد داشته باش که رزق و روزی فقط در دست الله است، پس روزی را از غیر او مخواه، ﴿قُلۡ مَن يَرۡزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ قُلِ ٱللَّهُ﴾

۳. هنگام دعوت، به خیر بشارت بده و از شر بترسان، ﴿بَشِيرٗا وَنَذِيرٗا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

سورة (سبأ) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٢)

قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ
عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ ٣٢ وَقَالَ ٱلَّذِينَ
ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ
تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗاۚ وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ
لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ
هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ ٣٣ وَمَآ أَرۡسَلۡنَا فِي قَرۡيَةٖ
مِّن نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتۡرَفُوهَآ إِنَّا بِمَآ أُرۡسِلۡتُم بِهِۦ كَٰفِرُونَ ٣٤
وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ ٣٥
قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ
ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٣٦ وَمَآ أَمۡوَٰلُكُمۡ وَلَآ أَوۡلَٰدُكُم بِٱلَّتِي تُقَرِّبُكُمۡ
عِندَنَا زُلۡفَىٰٓ إِلَّا مَنۡ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَٰلِحٗا فَأُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ جَزَآءُ
ٱلضِّعۡفِ بِمَا عَمِلُواْ وَهُمۡ فِي ٱلۡغُرُفَٰتِ ءَامِنُونَ ٣٧ وَٱلَّذِينَ
يَسۡعَوۡنَ فِيٓ ءَايَٰتِنَا مُعَٰجِزِينَ أُوْلَٰٓئِكَ فِي ٱلۡعَذَابِ مُحۡضَرُونَ ٣٨
قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ وَيَقۡدِرُ لَهُۥۚ
وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ ٣٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلنَّدَامَةَ	افسوس و پشیمانی.
يَبۡسُطُ	می‌گشاید.
زُلۡفَىٰٓ	نزدیکی.
ٱلۡغُرُفَٰتِ	منازل مرتفع در بهشت.
مُعَٰجِزِينَ	دشمنانی که گمان کردند بر ما پیشی می‌گیرند [= ما را ناتوان می‌کنند].
مُحۡضَرُونَ	نگهبانان جهنم که آنان را به سوی جهنم می‌رانند.
وَيَقۡدِرُ لَهُۥ	برایش محدود می‌گرداند.

عمل به آیات

۱. یک روز در راه الله روزه بگیر، ﴿هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنَا عِنْدَ النَّعْمَاءِ مِنَ الشَّاكِرِينَ، وَعِنْدَ الْبَلَاءِ مِنَ الصَّابِرِينَ»؛ «یا الله! ما را هنگام نعمت، شکرگزار و هنگام مصیبت، شکیبا قرار بده»، ﴿وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ﴾

۳. بخشی از مالت را در پشتیبانی از پروژه‌ای دعوی هزینه کن و امید داشته باش الله تعالی عوض آن را به تو می‌دهد، ﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

رهنمودها

۱. از طاعت بزرگان در باطل دوری گزین، ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ﴾

۲. از دوستی با منافقان که با انواع نیرنگ‌ها می‌کوشند تو را از طاعت الله بازدارند پرهیز کن، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗا﴾

۳. بدان که کافران و گناهکاران وقتی عذاب را ببینند، به شدیدترین وجه پشیمان خواهند شد، ﴿وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَۚ وَجَعَلۡنَا ٱلۡأَغۡلَٰلَ فِيٓ أَعۡنَاقِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْۖ هَلۡ يُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كَانُواْ يَعۡمَلُونَ﴾

ترجمه آیات

کسانی که گردنکشی می‌کردند [در پاسخ به] کسانی که به ناتوانی کشیده شده بودند می‌گویند: «آیا ما [بودیم که] شما را از هدایت ـ پس از آنکه به سویتان آمد ـ بازداشتیم؟ [هرگز؛] بلکه شما خود گناهکار [و اهل فساد] بودید». (۳۲) کسانی که به ناتوانی کشیده شده بودند به کسانی که گردنکشی می‌کردند می‌گویند: «[چنین نیست؛] بلکه نیرنگ شب و روز [شما سبب شد که از هدایت بازمانیم]؛ آنگاه که به ما دستور می‌دادید به الله کافر شویم و [در قدرت و عبادت] همتایانی برایش قرار دهیم». آنان هنگامی که عذاب [الهی] را می‌بینند، پشیمانی خود را [در دل] پنهان می‌کنند و ما غُل و زنجیرها را در گردن کسانی که کفر ورزیده‌اند می‌اندازیم. آیا جز [به کیفرِ] آنچه می‌کردند مجازات می‌شوند؟ (۳۳) و در هیچ شهری بیم‌دهندای نفرستادیم، مگر اینکه ثروتمندانِ سرکشِ آنجا گفتند: «پیامی را که مأمور به [ابلاغ] آن شده‌اید، قطعاً انکار می‌کنیم». (۳۴) آنان می‌گفتند: «اموال و فرزندان ما [از شما] بیشتر است و هرگز مجازات نخواهیم شد». (۳۵) [ای پیامبر،] بگو: «بی‌تردید، پروردگارم [برای آزمایش مردم، نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». (۳۶) و اموال و فرزندانتان [فضیلتی] نیست که شما را به پیشگاهِ ما نزدیک سازد، مگر کسی که ایمان آورده و کاری شایسته انجام داده است؛ که آنان در برابر آنچه کرده‌اند، پاداش چند برابر دارند و در خانه‌های بلند بهشت، در امن و آسایشند». (۳۷) و کسانی که در [دور کردنِ مردم از] آیات ما می‌کوشند تا [به پندار خویش] ما را درمانده کنند، آنان قطعاً در عذاب [دوزخ] احضار می‌شوند. (۳۸) [ای پیامبر،] بگو: «بی‌تردید، پروردگارم [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، می‌گشاید و [یا] تنگ می‌گرداند؛ و هر چیزی را [که در راه الله] انفاق کنید، او به جای آن [مال ـ و بهتر از آن ـ به شما] بازپس می‌دهد؛ و او تعالی بهترین روزی‌دهنده است». (۳۹)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُوٓاْ أَنَحۡنُ صَدَدۡنَٰكُمۡ عَنِ ٱلۡهُدَىٰ بَعۡدَ إِذۡ جَآءَكُمۖ بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ﴾

یعنی: ما هیچ کاری با شما نداشتیم جز این‌که دعوت دادیم و شما با میل و انتخاب خودتان، بدون هیچ دلیل و برهانی از ما پیروی کردید و با دلایل و براهینی که رسولان آوردند به مخالفت برخاستید؛ از این رو، گفتند: ﴿بَلۡ كُنتُم مُّجۡرِمِينَ﴾. ابن کثیر: ۳/ ۵۱۸

پرسش: چرا مستضعفان، مجرم نامیده شدند؟

۲ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗا﴾

یعنی: مستضعفان به مستکبران می‌گویند: بلکه مکر و نیرنگ شما در شب و روز، سبب کفر ما شد. ابن جزی: ۲/ ۲۰۷.

پرسش: هر نوع دوستی و پیروی که بر غیر شریعت الله بنا گردد به دشمنی تبدیل می‌شود. مثالی از آیه برای این مطلب بیاورید.

۳ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتُضۡعِفُواْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُواْ بَلۡ مَكۡرُ ٱلَّيۡلِ وَٱلنَّهَارِ إِذۡ تَأۡمُرُونَنَآ أَن نَّكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَنَجۡعَلَ لَهُۥٓ أَندَادٗا﴾

این پاسخ پیروان به سران است وقتی که به آنان گفتند: شما به اختیار خودتان کافر شدید، مستضعفان پاسخ می‌دهند: بلکه به سبب مکر شب و روز شما کافر شدیم. مکر به شب و روز اضافه شد تا بر استمرار و دوام دلالت کند. ابن عطیه: ۴/ ۴۲۱.

پرسش: مستضعفان در روز قیامت چه پاسخی به سران گمراه‌کنندهٔ خود می‌دهند؟

۴ ﴿وَأَسَرُّواْ ٱلنَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُاْ ٱلۡعَذَابَ﴾

یعنی: از جدال با یکدیگر که برای نجات از عذاب انجام می‌دادند دور می‌شوند و می‌دانند که ستمکار و مستحق این عذاب هستند؛ بنابراین کاملاً پشیمان شده و آرزو می‌کنند که بر حق بودند و باطل را که سبب عذاب‌شان شد ترک می‌کردند؛ این پشیمانی را در دل‌های‌شان پنهان می‌دارند چون می‌ترسند به سبب اقراری که علیه خود ارائه می‌کنند رسوا گردند. سعدی: ۶۸۱.

پرسش: چرا کافران در روز قیامت پشیمانی را آشکار نمی‌کنند؟

۵ ﴿وَقَالُواْ نَحۡنُ أَكۡثَرُ أَمۡوَٰلٗا وَأَوۡلَٰدٗا وَمَا نَحۡنُ بِمُعَذَّبِينَ﴾

یعنی: به اموال و فرزندان زیاد افتخار کردند و بر این باور بودند که این امر بر محبت و توجه الله تعالی بر آنان دلالت دارد و چنین نیست که این نعمت‌ها را در دنیا به آنان بدهد سپس آنان را در آخرت عذاب کند. ابن کثیر: ۳/ ۵۱۹.

پرسش: چرا کافران میان اموال و فرزندان زیاد و عدم عذاب ارتباط برقرار کردند؟

۶ ﴿قُلۡ إِنَّ رَبِّي يَبۡسُطُ ٱلرِّزۡقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقۡدِرُ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ﴾

آیه دربردارندهٔ این پاسخ به آنان است که فراوانی و کمی روزی در دنیا، به ارادهٔ الله بستگی دارد؛ گاهی بر کافر و بر گناهکار می‌گشاید و بر مومن و فرمانبردار محدود می‌گرداند و گاهی عکس این قضیه اتفاق می‌افتد؛ بنابراین این امر، دلالتی بر امر آخرت ندارد. ابن جزی: ۲/ ۲۰۸.

پرسش: سنت الله در تقسیم روزی چیست؟ آیا این امر معیاری واقعی برای نجات در آخرت است؟

۷ ﴿وَمَآ أَنفَقۡتُم مِّن شَيۡءٖ فَهُوَ يُخۡلِفُهُۥۖ وَهُوَ خَيۡرُ ٱلرَّٰزِقِينَ﴾

ابن العربی می‌گوید: «گاهی مثل آن‌چه انفاق شده است عطا می‌کند یا بر آن می‌افزاید، گاهی در عوض آن پاداش می‌دهد و گاهی آن را برای انفاق‌کننده ذخیره می‌کند. این وعده، همانند وعدهٔ اجابت دعاست». می‌گویم: گاهی سلامتی و گاهی عمری طولانی را عوض می‌دهد. الله اسرار زیادی در مخلوقاتش دارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۲۱.

پرسش: الله تعالی چه عوض‌هایی در برابر انفاق بنده‌اش می‌دهد؟

سورة (سبأ) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٣)

وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ﴿٤٠﴾ قَالُوا۟ سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم ۖ بَلْ كَانُوا۟
يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ ﴿٤١﴾ فَٱلْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ
بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَّفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ ذُوقُوا۟ عَذَابَ
ٱلنَّارِ ٱلَّتِى كُنتُم بِهَا تُكَذِّبُونَ ﴿٤٢﴾ وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ
قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ
وَقَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّآ إِفْكٌ مُّفْتَرًى ۚ وَقَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوا۟ لِلْحَقِّ لَمَّا
جَآءَهُمْ إِنْ هَٰذَآ إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ ﴿٤٣﴾ وَمَآ ءَاتَيْنَٰهُم مِّن كُتُبٍ
يَدْرُسُونَهَا ۖ وَمَآ أَرْسَلْنَآ إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ مِن نَّذِيرٍ ﴿٤٤﴾ وَكَذَّبَ
ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟
رُسُلِى ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٤٥﴾ ۞ قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ ۖ أَن
تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن
جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ ﴿٤٦﴾ قُلْ
مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ
كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾ قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ ﴿٤٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَدْرُسُونَهَا	آن را بخوانند.
نَكِيرِ	انکار من بر آنان.
بِوَٰحِدَةٍ	به یک خصلت.
مَثْنَىٰ	دو نفر دو نفر.
جِنَّةٍ	دیوانگی.
يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ	دلایل حق را بر باطل می‌زند و آن را در هم می‌شکند.

عمل به آیات

۱. به قصد اعلام بیزاری از هر معبودی جز الله سبحانه و تعالی، کلمهٔ توحید را به زبان آور، ﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ﴾

۲. برای تحذیر از سحر و رفتن نزد ساحران، پیامی به خانواده یا دوستانت بفرست و توضیح بده که این امر، با عبادت الله منافات دارد، ﴿بَلْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ﴾

۳. وقتی برای خواندن سوره‌های قرآن اختصاص بده، ﴿وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَٰتُنَا بَيِّنَٰتٍ قَالُوا۟ مَا هَٰذَآ إِلَّا رَجُلٌ يُرِيدُ أَن يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ ءَابَآؤُكُمْ﴾

رهنمودها

۱. به پیروی از فرشتگان مقرب، الله تعالی را منزه بدان و تسبیح بگوی و بزرگ دار، به‌خصوص وقتی سخنی می‌شنوی که بر خلاف بزرگی و شکوه او تعالی است، ﴿سُبْحَٰنَكَ أَنتَ وَلِيُّنَا مِن دُونِهِم ۖ بَلْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ ٱلْجِنَّ ۖ أَكْثَرُهُم بِهِم مُّؤْمِنُونَ﴾

۲. عبادت تفکر را در خودت زنده کن؛ زیرا یکی از بزرگ‌ترین عبادات قلبی است، ﴿ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ﴾

۳. دین را نردبانی برای رسیدن به کالای فانی دنیا قرار نده؛ آخرت بهتر و ماندگارتر است، ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ ۖ إِنْ أَجْرِىَ إِلَّا عَلَى ٱللَّهِ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ شَهِيدٌ﴾

ترجمه آیات

و [یاد کن از] روزی که الله همهٔ آنان را برمی‌انگیزد، آنگاه به فرشتگان می‌گوید: «آیا اینها شما را عبادت می‌کردند؟» (۴۰) [فرشتگان] می‌گویند: «تو منزّهی؛ [دوست و] کارسازِ ما تو هستی، نه آنان؛ بلکه [این مشرکان] شیاطین را عبادت می‌کردند و بیشتر آنان به آنها ایمان داشتند». (۴۱) امروز هیچ یک از شما سود و زیانی برای دیگری ندارد؛ و به کسانی که [با شرک ورزیدن] به خود ستم می‌کردند می‌گوییم: «عذاب آتشی را بچشید که آن را تکذیب می‌کردید». (۴۲) و هنگامی که آیات روشن ما بر آنان [= کافران] خوانده می‌شود، می‌گویند: «این جز مردی نیست که می‌خواهد شما را از آنچه پدرانتان عبادت می‌کردند بازدارد»؛ و [نیز] می‌گویند: «این [قرآن] جز دروغی بربافته نیست»؛ و کسانی که کفر ورزیدند، دربارهٔ حق ـ وقتی به سویشان آمد ـ گفتند: «این [قرآن، چیزی] نیست، مگر جادویی آشکار». (۴۳) ما [پیش از این قرآن] هیچ کتابی به آنان [= مشرکان] نداده‌ایم که آن را بخوانند [و با استناد به مطالبش تو را دروغگو بدانند] و پیش از تو هیچ بیم‌دهنده‌ای به سویشان نفرستاده‌ایم. (۴۴) کسانی که پیش از آنان بودند [نیز پیامبران الهی را] دروغگو انگاشتند و [این در حالی است که مشرکانِ قوم تو، حتی] به یک‌دهمِ آنچه [از قدرت و ثروت] به آنان داده بودیم نرسیده‌اند ولی [آن کافران] پیامبرانم را دروغگو انگاشتند؛ [بنگر که] کیفر من چگونه بود. (۴۵) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من شما را فقط به یک [سخن] پند می‌دهم و [آن] اینکه: دو نفر دو نفر یا یک نفر یک نفر [= گروهی یا انفرادی] برای الله برخیزید، سپس [در احوال و زندگی پیامبر] بیندیشید [تا بدانید که] این همنشین شما [محمد] دیوانه نیست؛ او فقط بیم‌دهنده‌ای است که پیش از [فرارسیدن] عذابی سخت، برای [هدایت] شما آمده است». (۴۶) بگو: «هر پاداشی که [برای رسالتم] از شما خواسته‌ام، برای خودتان باشد. پاداش من جز بر [عهدهٔ] الله نیست و او تعالی بر هر چیزی گواه است». (۴۷) بگو: «یقیناً پروردگارم، که دانای رازهای نهان است، حق را بر باطل فرومی‌افکَند [و آن را نابود می‌سازد]». (۴۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ﴾

الله تعالی خبر می‌دهد که در روز قیامت مشرکان را در حضور همه سرزنش می‌کند و از فرشتگان می‌پرسد: ﴿أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ﴾. ابن کثیر: ۳/ ۵۲۰.

پرسش: سوال از فرشتگان روز قیامت در مورد این‌که مشرکان آنان را عبادت می‌کردند چه حکمتی دارد؟

۲ ﴿وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَٰٓئِكَةِ أَهَٰٓؤُلَآءِ إِيَّاكُمْ كَانُوا۟ يَعْبُدُونَ﴾

اکتفا به گرفتن اقرار و گواهی فرشتگان در برابر مشرکان به این سبب است که ابطال معبودبودن فرشتگان به طریق اولی بر ابطال معبودبودن کسانی که پایین‌تر از آن‌ها هستند و به جای الله عبادت می‌شوند دلالت دارد. این اقرار از مهم‌ترین اموری است که حشر به خاطر آن‌ها انجام می‌شود. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۲۲.

پرسش: اکتفا به اقرار گرفتن از فرشتگان و گواه‌گرفتن آنان علیه مشرکان در روز قیامت چه نکته‌ای در بر دارد؟

۳ ﴿وَكَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا۟ مِعْشَارَ مَآ ءَاتَيْنَٰهُمْ فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾

یعنی: به امت‌های گذشته، قدرت و نعمت و عمر طولانی دادیم ﴿فَكَذَّبُوا۟ رُسُلِى ۖ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ﴾ یعنی: انکار و تغییر من بر ضدّ آنان. کافران این امت را از عذاب امت‌های گذشته برحذر می‌دارد. بغوی: ۳/ ۶۱۱.

پرسش: چرا قرآن به امت‌های تکذیب‌کننده و نیرومند پیشین اشاره کرده است؟

۴ ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ ۖ أَن تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾

یعنی: فقط برای الله و بدون هیچ هوا و هوسی در مورد محمد ﷺ بیندیشید. منظور از قیام در این‌جا به معنای برخاستن بر روی پا نیست، بلکه بپا خاستن و تلاش برای کاری منظور است. ابن جزی: ۲/ ۲۰۹.

پرسش: اجرای فرمان الله توسط بنده در چه صورتی خالص و در چه صورت باطل انجام می‌شود؟

۵ ﴿قُلْ إِنَّمَآ أَعِظُكُم بِوَٰحِدَةٍ ۖ أَن تَقُومُوا۟ لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفُرَٰدَىٰ ثُمَّ تَتَفَكَّرُوا۟ ۚ مَا بِصَاحِبِكُم مِّن جِنَّةٍ ۚ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَّكُم بَيْنَ يَدَىْ عَذَابٍ شَدِيدٍ﴾

بیندیشید که آیا دروغی در همنشین خویش پیدا می‌کنید، یا هیچ دیوانگی یا عیبی در او می‌بینید، یا نزد حتی یک نفر که ادعای کسب علم از طریق سحر یا خواندن قصه‌ها و کتاب‌ها دارد رفت و آمد کرده است، یا تصور کرده‌اید که در اموال‌تان طمع دارد یا می‌توانید حتی یک سوره مانند او بیاورید؟! حال که با تفکر، به راستیِ او پی بردید، چرا دشمنی می‌کنید؟! ﴿فَهُوَ لَكُمْ﴾ یعنی گواهی می‌دهم که این مزد ـ به فرض که باشد ـ برای خودتان باد. قرطبی: ۱۷/ ۳۳۰.

پرسش: چه تفکری از آنان خواسته شد؟ و با این تفکر چگونه حق از باطل شناخته می‌شود؟

۶ ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾

مانع دیگر مردم از پیروی دعوتگر به سوی حق این است که دعوتگر، اموال کسانی که دعوتش را اجابت کنند بگیرد و در برابر دعوت خویش مزد دریافت کند. الله تعالی برای بیان پاکی رسولش از این امر فرمود: ﴿قُلْ مَا سَأَلْتُكُم مِّنْ أَجْرٍ﴾ یعنی: در قبال پیروی شما از حق ﴿فَهُوَ لَكُمْ﴾ یعنی گواهی می‌دهم که این مزد ـ بنا به فرض ـ برای خودتان باد. سعدی: ۶۸۳.

پرسش: الله تعالی در این آیه کدام یک از نشانه‌های دعوتگران راستین را بیان می‌فرماید؟

۷ ﴿قُلْ إِنَّ رَبِّى يَقْذِفُ بِٱلْحَقِّ عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ﴾

تخصیص صفت ﴿عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ﴾ از میان اوصاف الهی اشاره دارد به این‌که او تعالی از اهداف آگاه است و گویندهٔ سخن این موضوع را می‌داند؛ پس جرأت این کار را در برابر الله پیدا نمی‌کند که به دروغ ادعا کند الله او را به سوی شما فرستاده است. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۳۸.

پرسش: چرا در این آیه صفت ﴿عَلَّٰمُ ٱلْغُيُوبِ﴾ آمد؟

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبْدِئُ الْبَاطِلُ وَمَا يُعِيدُ (٤٩) قُلْ إِن ضَلَلْتُ
فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِي إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ
سَمِيعٌ قَرِيبٌ (٥٠) وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِن
مَّكَانٍ قَرِيبٍ (٥١) وَقَالُوا آمَنَّا بِهِ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاوُشُ مِن
مَّكَانٍ بَعِيدٍ (٥٢) وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ مِن قَبْلُ وَيَقْذِفُونَ
بِالْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ (٥٣) وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ
كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ (٥٤)

سُورَةُ فَاطِرٍ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَٰنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولِي
أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ
كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (١) مَّا يَفْتَحِ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا
وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِن بَعْدِهِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ (٢)
يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرُ اللَّهِ
يَرْزُقُكُم مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ (٣)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَزِعُواْ	با مشاهدهٔ عذاب بترسند.
فَلَا فَوْتَ	هیچ نجات و گریزگاهی ندارند.
وَأَنَّىٰ لَهُمُ ٱلتَّنَاوُشُ	چگونه می‌توانند ایمان بیاورند، حال آن‌که در آخرت قرار دارند؟!
وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ	گمان‌های دروغین می‌افکندند.
بِأَشْيَاعِهِم	امثال آنان از کفار امت‌های پیشین.
فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ	چگونه از توحید الله بازگردانده می‌شوید؟!

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ اجْعَلِ الْقُرْآنَ الْعَظِيمَ رَبِيعَ قَلْبِي، وَنُورَ صَدْرِي، وَجِلَاءَ حُزْنِي، وَذَهَابَ هَمِّي»؛ «یا الله! قرآن عظیم را بهار دلم، نور سینه‌ام، برطرف‌کننده دلتنگی‌ام و زدایندهٔ اندوهم قرار بده». ﴿وَإِنِ ٱهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحِىٓ إِلَىَّ رَبِّىٓ إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾

۲. سخن حرامی را که گفته‌ای به یاد آور سپس به خاطر آن از الله تعالی آمرزش بخواه، ﴿إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾

۳. پنج مورد از صفات فرشتگان را از خلال آیات قرآن کریم جمع کن، ﴿جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِىٓ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ﴾

رهنمودها

۱. علم تو به دو صفت ﴿سَمِيعٌ﴾ و ﴿قَرِيبٌ﴾ الله باعث می‌شود که بدانی او تعالی دعایت را اجابت می‌کند و بسیار به تو نزدیک است، ﴿إِنَّهُۥ سَمِيعٌ قَرِيبٌ﴾

۲. از همین الان بر طاعت الله استوار باش و به عبادات پایبند شو، قبل از این‌که زمانی برسد که بخواهی این کار را انجام دهی اما نتوانی، ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ﴾

۳. در این امر بیندیش که فرشتگان با وجود این‌که الله آنان را به بزرگی آفریده است، در اوج خواری و فروتنی در برابر او تعالی قرار دارند، ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِىٓ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ﴾

ترجمه آیات

بگو: «حق [= اسلام] فرارسید و باطل [دیگر] نمی‌تواند [تأثیر و قدرت جدیدی] آغاز کند و نه [نفوذ گذشته‌اش را] بازگرداند». (۴۹) بگو: «اگر [من با رساندن این پیام] گمراه شده باشم، جز این نیست که به زیان خویش گمراه شده‌ام و اگر هدایت یافته باشم، به سببِ آن [سخنی] است که پروردگارم بر من وحی می‌کند. بی‌تردید، او شنوا [و] نزدیک است». (۵۰) [ای پیامبر!] اگر ببینی هنگامی را که [کافران از مشاهدهٔ عذاب] وحشت‌زده می‌شوند و [هیچ راه] گریزی نیست و آنان را از جای نزدیکی [که انتظارش را ندارند] دستگیر می‌کنند. (۵۱) و [در این حال] می‌گویند: «به این [قیامت] ایمان آوردیم»؛ و [اکنون که مرده‌اند] چگونه از جایی [چنین] دور، دسترسی [به ایمان] برایشان ممکن است؟ (۵۲) حال آنکه آنان در دنیا این [قیامت] را انکار می‌کردند و از دور [و بدون دانش و آگاهی،] نسبت‌های ناروا [به پیامبر] می‌دادند. (۵۳) و [سرانجام،] میان آنان و آنچه [از لذت‌های دنیوی] که میل دارند جدایی افتاد؛ چنان که پیش از این [نیز] با امثال [و همفکرانِ] ایشان نیز چنین رفتاری شد [چرا که] یقیناً آنان [نیز نسبت به قیامت] سخت در تردید بودند. (۵۴)

سورهٔ فاطر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سپاس [و ستایش] از آنِ الله - آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین- است؛ [پروردگاری که] فرشتگان را با بال‌های دوگانه و سه‌گانه و چهارگانه، فرستادگان [خویش به سوی مردم] قرار داد [و] هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید. بی‌تردید، الله بر هر چیزی تواناست. (۱) هر [بخشایش و] رحمتی که الله برای مردمان بگشاید، هیچ بازدارنده‌ای برایش نیست و هر چه را بازگیرد، فرستنده‌ای پس از او وجود ندارد؛ و او تعالی شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۲) ای مردم، نعمت الله را بر خود به یاد آورید. آیا آفریننده‌ای جز الله هست که شما را از آسمان و زمین روزی دهد؟ هیچ معبودی جز او نیست؛ پس چگونه [از حق] منحرف می‌شوید؟ (۳)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُواْ فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُواْ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ﴾

﴿وَلَوْ تَرَىٰٓ إِذْ فَزِعُواْ﴾ یعنی: در دنیا هنگام نزول مرگ یا مصیبتی دیگر بر اثر عذاب الله تعالی بر آنان... بنابر قولی: وحشت آنان در قبرها بر اثر فریاد است. قرطبی: ۱۷/ ۳۳۳.

پرسش: کافر وقتی حقایق پنهان را ببیند چه حالی به او دست می‌دهد؟

❷ ﴿وَيَقْذِفُونَ بِٱلْغَيْبِ مِن مَّكَانٍ بَعِيدٍ﴾

باطل را پرتاب می‌کنند تا حق را با آن از بین ببرند، اما هیچ راهی بر این کار نیست؛ چنان‌چه تیراندازی که از مکانی دور تیراندازی می‌کند تیرش به هدف اصابت نمی‌کند، باطل نیز محال است که بر حق چیره شود و آن را دفع کند، بلکه فقط هنگام غفلت حق، نیرو می‌گیرد و وقتی که حق آشکار شود و با باطل مخالفت کند آن را از ریشه برمی‌کند. سعدی: ۶۸۴.

پرسش: چرا در مورد تیرانداختنِ پیروانِ باطل گفته شد که از مکانی دور انجام می‌گیرد؟

❸ ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُواْ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍ﴾

یعنی: میان آنان و ورود به بهشت جدایی می‌افتد. بنابر قولی: میان آنان و فایده‌بردن از ایمان در آن هنگام جدایی می‌افتد. بنابر قولی دیگر: میان آنان و نعمت‌های دنیا و بازگشت به این نعمت‌ها جدایی می‌افتد. ابن جزی: ۲/ ۲۱۰.

پرسش: امری که کافران می‌خواهند ولی میان آنان و آن امر جدایی می‌افتد چیست؟

❹ ﴿وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِم مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُواْ فِى شَكٍّ مُّرِيبٍ﴾

فایدهٔ این تشبیه آن است که: زندگان آنان- یعنی مشرکان اهل مکه- از عذابی که به امت‌های قبل از آنان رسید پند داده شوند تا به یقین بدانند سنت الله واحد است و نمادهای‌شان (بت‌های‌شان) که ادعا می‌کردند نزد الله شفاعت می‌کنند هیچ سودی به آنان نمی‌رسانند. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۴۵.

پرسش: تشبیه مذکور در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

❺ ﴿ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضِ جَاعِلِ ٱلْمَلَٰٓئِكَةِ رُسُلًا أُوْلِىٓ أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَٰثَ وَرُبَٰعَ يَزِيدُ فِى ٱلْخَلْقِ مَا يَشَآءُ إِنَّ ٱللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَىْءٍ قَدِيرٌ﴾

آغاز سوره با حمد و ستایش الله تعالی اشاره دارد به این‌که صفاتی در مورد عظمت الله تعالی در آن بیان خواهد شد. اجرای صفاتِ افعال بر اسم جلاله شامل آفرینش آسمان‌ها و زمین و برترین مخلوقات موجود در آن‌ها که فرشتگان و رسولان هستند بیانگر این امر است که سوره برای اثبات توحید و تصدیق رسول الله ﷺ نازل شده است. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۴۸.

پرسش: چرا سورهٔ فاطر با حمد و ستایش الله آغاز شد؟

❻ ﴿مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ﴾

﴿مَّا يَفْتَحِ ٱللَّهُ لِلنَّاسِ مِن رَّحْمَةٍ﴾ بنابر قولی: یعنی هر باران و رزقی. ﴿فَلَا مُمْسِكَ لَهَا﴾: هیچ‌کس نمی‌تواند آن را بازدارد. ﴿وَمَا يُمْسِكْ فَلَا مُرْسِلَ لَهُۥ مِنۢ بَعْدِهِۦ﴾: در حالی که او در آن‌چه بازمی‌دارد ﴿ٱلْعَزِيزُ﴾ و در آن‌چه می‌فرستد ﴿ٱلْحَكِيمُ﴾ است. بغوی: ۳/ ۶۱۶.

پرسش: آیا کسی می‌تواند آن‌چه را که الله برای انسان مقدر کرده باشد بازدارد؟

❼ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ ٱذْكُرُواْ نِعْمَتَ ٱللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَٰلِقٍ غَيْرُ ٱللَّهِ يَرْزُقُكُم مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَٱلْأَرْضِ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّىٰ تُؤْفَكُونَ﴾

الله تعالی بندگانش را به استدلال بر توحید خویش در اخلاص عبادت برایش آگاه و راهنمایی می‌کند. یعنی همان‌گونه که در آفرینش و روزی، مستقل است باید در عبادت نیز یگانه قرار گیرد و هیچ یک از بت‌ها و همتاها و نمادها، شریک او تعالی قرار داده نشود. ابن کثیر: ۳/ ۵۲۵.

پرسش: چه ارتباطی میان آفرینش و روزی، در توحید عبادت وجود دارد؟

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] اگر مشرکان تو را دروغگو می‌انگارند [غمگین نباش؛ زیرا] پیامبران پیش از تو را [نیز] دروغگو انگاشتند و [سرانجام، همهٔ] کارها به الله بازگردانده می‌شود. (۴) ای مردم، یقیناً وعدهٔ الله [در مورد قیامت] حق است؛ پس [هوشیار باشید که لذت‌های] زندگی دنیا شما را نفریبد و [شیطانِ] فریبنده شما را نسبت به [تأخیر در عذاب و شکیباییِ] الله فریب ندهد. (۵) بی‌تردید، شیطان دشمن شماست؛ شما نیز او را دشمن [خود] گیرید. جز این نیست که او پیروانش را [به کفر] می‌خواند تا از اهل آتش باشند. (۶) کسانی که کفر ورزیده‌اند عذابی سخت [در پیش] دارند و کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند آمرزش و پاداشی بزرگ [در انتظار] دارند. (۷) آیا کسی که کردار زشتش در نظرش آراسته گشته است و آن را نیکو می‌بیند [همچون مؤمن حقیقت‌بین است]؟ بی‌تردید، الله هر کس را که بخواهد گمراه می‌سازد و هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند؛ پس [ای پیامبر،] جانت به خاطر حسرت‌هایی که بر [گمراهیِ] آنان می‌خوری، از بین نرود. بی‌تردید، الله به آنچه انجام می‌دهند آگاه است. (۸) الله است که بادها را روانه می‌کند و [آنها نیز] ابری را برمی‌انگیزند؛ سپس ما آن [ابر] را به سوی سرزمینی [خشک و] مرده می‌فرستیم و به [وسیلهٔ] آن، زمین را ـ پس از خشکی و خزانش ـ زنده می‌کنیم. برانگیختن [مردگان از قبرها نیز] چنین است. (۹) هر کس سربلندی [دنیا و آخرت را] می‌خواهد، [بداند که] سربلندی همه از آنِ الله است. گفتار پاک [و ذکر الهی] به سویش اوج می‌گیرد و کردار شایسته، آن [گفتار] را بالا می‌برد؛ و کسانی که زشتی‌ها [و گناهان] را دسیسه‌چینی می‌کنند، عذاب سختی [در پیش] دارند و [نقشه و] نیرنگشان نابود می‌گردد. (۱۰) و الله شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای؛ سپس شما را جفت‌ها[ی یکدیگر] قرار داد. هیچ [جاندارِ] ماده‌ای باردار نمی‌شود و زایمان نمی‌کند، مگر با دانش [و آگاهیِ] او تعالی؛ و هیچ [جاندارِ] کهنسالی عمر طولانی نمی‌کند و از عمرش کاسته نمی‌گردد، مگر آنکه در کتابی [= لوح محفوظ] ثبت است. به راستی که این کار برای الله آسان است. (۱۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ﴾

حال که وعدهٔ الله حق است برای آن آماده شوید و اوقات ارزشمند خویش را در انجام اعمال صالح سپری کنید و هیچ‌چیز مانع شما از این امر نشود. سعدی: ۶۸۵.

پرسش: انسان که می‌داند وعدهٔ الله حقیقت است باید چه کاری انجام دهد؟

۲ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

سعید بن جبیر می‌گوید: غرور زندگی دنیا این است که انسان بر اثر نعمت‌ها و خوشی‌های دنیا از عمل آخرت غافل شود، تا این‌که بگوید: ﴿يَٰلَيۡتَنِي قَدَّمۡتُ لِحَيَاتِي﴾ [الفجر: ۲۴]. قرطبی: ۱۷/ ۳۴۶.

پرسش: انسان چگونه فریب زندگی دنیا را می‌خورد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

دو فریب در آیه بیان شده است: فریبی که انسان از جانب خودش به آن گرفتار است؛ یعنی مظاهر فتنه‌انگیزی را که در زندگی دنیا می‌بیند برای نفسش می‌آراید و نفس به این گمان می‌افتد که خیر است و به پیامدهایش نمی‌اندیشد؛ چنان‌که زیان‌هایش در ابتدای امر پنهان می‌ماند و گمان نمی‌کند که از جانب شیطان است. فریب دیگر از جانب شیطان بر او وارد می‌شود. هر دو نوع فریب در دنیا وجود دارد: یعنی بخشی از آن را خود انسان بر خودش وارد می‌کند و بخشی از جانب شیاطین انسی و جنی بر او وارد می‌شود. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۵۹.

پرسش: آیه از دو فریب برحذر می‌دارد. این دو فریب چیست؟

۴ ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ﴾

از آن‌جا که دشمنی شیطان ذاتی است و امید دفع آن از کسی که شیطان را ببخشد وجود ندارد، الله فقط به دشمنی با او فرمان داد؛ زیرا اگر به دشمنی گرفته نشود، مسلمان از حیله‌ها و نیرنگ‌هایش در امان نخواهد ماند. یکی از لوازم دشمنی با شیطان این است که بر خلاف دعوت او عمل شود تا نیرنگ‌هایش خنثی گردد و بر اثر انجام عمل صالح به خشم آید. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۶۱.

پرسش: چرا الله سبحانه فرمان داد شیطان را به صورت مطلق دشمن بگیریم و هرگز او را مورد عفو و بخشش قرار ندهیم؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ﴾

یعنی: با اطاعت از الله و عدم اطاعت از شیطان، با شیطان دشمنی کنید... فضیل بن عیاض می‌گفت: ای دروغگو ای افترا زننده، از الله بترس و در آشکار به شیطان دشنام نده حال آن‌که در نهان دوستش هستی. ابن سماک می‌گفت: شگفت است کار کسی که پس از این‌که بخشندگی پروردگار بخشنده را بشناسد از او نافرمانی کند و پس از این‌که از دشمنی شیطان لعین آگاه شود از او اطاعت کند. بغوی: ۳/ ۶۱۶؛ قرطبی: ۱۷/ ۳۴۷.

پرسش: طبق فرمان الله چگونه با دشمن الله یعنی شیطان دشمنی می‌شود؟

۶ ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًا﴾

یعنی: ای کسی که خواهان عزت هستی؛ عزت را از کسی که در دست اوست بخواه. عزت فقط در دست الله قرار دارد و فقط با طاعت او تعالی به آن دست می‌یابی. سعدی: ۶۸۵.

پرسش: انسان وقتی بداند که تمام عزت‌ها از آنِ الله تعالی است چه فایده‌ای می‌برد؟

۷ ﴿مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًا﴾

سه معنا برای آیه به نظر می‌رسد: معنای اول – که واضح‌تر است –: هر کس می‌خواهد به عزت برسد باید آن را نزد الله بجوید؛ زیرا تمام عزت از آنِ الله است. معنای دوم: هر کس عزت را در جنگ با اسلام می‌خواهد، تمام عزت‌ها از آنِ الله است و هر کس با او بجنگد مغلوب می‌گردد. معنای سوم: هر کس می‌خواهد بداند عزت برای کیست باید بداند که تمام عزت‌ها از آنِ الله تعالی است. ابن جزی: ۲/ ۲۱۲.

پرسش: الله تعالی راه جویندهٔ عزت را روشن می‌کند. این مطلب را بیان کنید.

سورة (فاطر) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٥)

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ
٤ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۖ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا
وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ ٥ إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ
عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ ٦ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ لَهُم
مَّغۡفِرَةٞ وَأَجۡرٞ كَبِيرٌ ٧ أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ
ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُۖ فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ عَلَيۡهِمۡ
حَسَرَٰتٍۚ إِنَّ ٱللَّهَ عَلِيمُۢ بِمَا يَصۡنَعُونَ ٨ وَٱللَّهُ ٱلَّذِيٓ أَرۡسَلَ
ٱلرِّيَٰحَ فَتُثِيرُ سَحَابٗا فَسُقۡنَٰهُ إِلَىٰ بَلَدٖ مَّيِّتٖ فَأَحۡيَيۡنَا بِهِ ٱلۡأَرۡضَ
بَعۡدَ مَوۡتِهَاۚ كَذَٰلِكَ ٱلنُّشُورُ ٩ مَن كَانَ يُرِيدُ ٱلۡعِزَّةَ فَلِلَّهِ ٱلۡعِزَّةُ جَمِيعًاۚ
إِلَيۡهِ يَصۡعَدُ ٱلۡكَلِمُ ٱلطَّيِّبُ وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥۚ وَٱلَّذِينَ
يَمۡكُرُونَ ٱلسَّيِّـَٔاتِ لَهُمۡ عَذَابٞ شَدِيدٞۖ وَمَكۡرُ أُوْلَٰٓئِكَ هُوَ يَبُورُ
١٠ وَٱللَّهُ خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ جَعَلَكُمۡ أَزۡوَٰجٗاۚ
وَمَا تَحۡمِلُ مِنۡ أُنثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلۡمِهِۦۚ وَمَا يُعَمَّرُ مِن مُّعَمَّرٖ
وَلَا يُنقَصُ مِنۡ عُمُرِهِۦٓ إِلَّا فِي كِتَٰبٍۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ يَسِيرٞ ١١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ	شما را نفریبد و غافل نکند.
ٱلۡغَرُورُ	شیطان.
فَلَا تَذۡهَبۡ نَفۡسُكَ	جانت را از بین نبر.
حَسَرَٰتٍ	به سبب اندوه بر کفر این گمراهان.
فَتُثِيرُ	حرکت می‌دهد.
يَبُورُ	فاسد و باطل می‌شود.
مُّعَمَّرٖ	عمر طولانی.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلِ الدُّنْيَا أَكْبَرَ هَمِّي، وَلَا مَبْلَغَ عِلْمِي وَلَا إِلَى النَّارِ مَصِيرِي»؛ «پروردگارا! دنیا را بزرگ‌ترین هدفم و اوج دانشم قرار نده و جهنم را محل بازگشت من نگردان»، ﴿فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِٱللَّهِ ٱلۡغَرُورُ﴾

۲. هر صبح و شام دشمنی شیطان با خودت را به یاد آور و از او به الله پناه ببر و احتیاط را پیشه کن، ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ﴾

۳. با نیت کسب خشنودی الله، اشیای مزاحم را از سر راه بردار، یا با تلاش یا مالت به نیازمندی کمک کن، ﴿وَٱلۡعَمَلُ ٱلصَّٰلِحُ يَرۡفَعُهُۥ﴾

رهنمودها

۱. یکی از اسباب تسلی و تسکین دعوتگر این است که قبل از او، پیامبران نیز مورد اعراض و تکذیب قرار گرفته‌اند، ﴿وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدۡ كُذِّبَتۡ رُسُلٞ مِّن قَبۡلِكَۚ وَإِلَى ٱللَّهِ تُرۡجَعُ ٱلۡأُمُورُ﴾

۲. کسی که از دشمنی باخبر شود باید احتیاط را در پیش گیرد، ﴿إِنَّ ٱلشَّيۡطَٰنَ لَكُمۡ عَدُوّٞ فَٱتَّخِذُوهُ عَدُوًّاۚ إِنَّمَا يَدۡعُواْ حِزۡبَهُۥ لِيَكُونُواْ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلسَّعِيرِ﴾

۳. به سنت و دلیل صحیح پایبند باش و از بدعت و پیروی از هوای نفس و احساسات دوری کن تا از کسانی نباشی که عمل بدشان برای‌شان آراسته شده و آن را نیک می‌بینند، ﴿أَفَمَن زُيِّنَ لَهُۥ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ فَرَءَاهُ حَسَنٗاۖ فَإِنَّ ٱللَّهَ يُضِلُّ مَن يَشَآءُ وَيَهۡدِي مَن يَشَآءُ﴾

سورة (فاطر) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٦)

وَمَا يَسْتَوِي ٱلْبَحْرَانِ هَٰذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَآئِغٌ شَرَابُهُۥ وَهَٰذَا
مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلٍّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ
حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى ٱلْفُلْكَ فِيهِ مَوَاخِرَ لِتَبْتَغُوا۟ مِن فَضْلِهِۦ
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿١٢﴾ يُولِجُ ٱلَّيْلَ فِى ٱلنَّهَارِ وَيُولِجُ
ٱلنَّهَارَ فِى ٱلَّيْلِ وَسَخَّرَ ٱلشَّمْسَ وَٱلْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِى
لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ ٱلْمُلْكُ وَٱلَّذِينَ
تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِن
تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا۟ مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ
وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ
﴿١٤﴾ ۞ يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ
ٱلْحَمِيدُ ﴿١٥﴾ إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ ﴿١٦﴾
وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى ٱللَّهِ بِعَزِيزٍ ﴿١٧﴾ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ وَإِن
تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَىْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰٓ
إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ
وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ ﴿١٨﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فُرَاتٌ	بسیار گوارا.
سَآئِغٌ	به آسانی از گلو عبور می‌کند.
أُجَاجٌ	بسیار شور.
مَوَاخِرَ	آب‌ها را می‌شکافد.
قِطْمِيرٍ	پوست نازک و روشن روی هسته.
مُثْقَلَةٌ	نفسی که بار سنگینی از گناهان به دوش دارد.
حِمْلِهَا	گناهانش که بر او سنگینی می‌کند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ آتِ نَفْسِي تَقْوَاهَا، وَزَكِّهَا أَنْتَ خَيْرُ مَنْ زَكَّاهَا، أَنْتَ وَلِيُّهَا وَمَوْلَاهَا» [صحیح مسلم: ۲۷۲۲] «یا الله! به نفس من تقوایش را عطا کن و آن را تزکیه فرما که تو بهترین تزکیه‌کنندگانی، تو کارساز و مالکش هستی»، ﴿وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ﴾

۲. کتابی در مورد اعمال قلبی و اهمیت آن بخوان، ﴿وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ﴾

۳. بخشی از مالت را صدقه بده، یا امشب برای ادای نماز بیدار شو یا بخشی از قرآن کریم را بخوان، ﴿وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ﴾

رهنمودها

۱. از خواندن غیر الله تعالی برحذر باش، ﴿وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ ﴿١٣﴾ إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا۟ مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾

۲. الله سبحانه به دل‌هایی که در برابر او تعالی فروتن و شکسته هستند نزدیک‌تر است، ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾

۳. بر پندگرفتن و بهره‌گیری از اندرز و موعظه کوشا باش تا خشیت الله در دلت جای گیرد، ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ﴾

ترجمه آیات

و آن دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین و خوشگوار است و نوشیدنش گوارا است و آن یکی شور و تلخ است؛ و از [صیدِ] هر یک گوشتی تازه می‌خورید و زیوری [همچون مروارید و مرجان از اعماقش] بیرون می‌آورید که آنها را بر تن می‌کنید؛ و کشتی‌ها را در آن دریا می‌بینی که [سینه امواج را] می‌شکافند تا از بخشایش او [روزی خود را] بجویید؛ باشد که شکر به جای آورید. (۱۲) [الله] شب را در روز درمی‌آورد و روز را در شب درمی‌آورد [و اینچنین بر طول هر یک می‌افزاید] و خورشید و ماه را به خدمت [انسان] گماشت که هر یک تا زمانی معیّن [در مدار خود] در حرکت باشند. این است الله ـ پروردگار شما؛ فرمانروایی از آنِ اوست و کسانی را که به جای او [به یاری و دعا] می‌خوانید، [در برابر او تعالی چنان فقیرند که حتّی] مالکِ پوست [نازک روی] هستهٔ خرمایی نیستند. (۱۳) اگر آنان را [به یاری و دعا] بخوانید، صدایتان را نمی‌شنوند و [به فرض محال] اگر بشنوند، پاسختان را نمی‌دهند و روز قیامت از شرک شما بیزاری می‌جویند؛ و [ای پیامبر،] هیچ کس همچون [پروردگار] آگاه، تو را [از حقایق] خبردار نمی‌سازد. (۱۴) ای مردم، [همهٔ] شما به الله نیازمندید و [تنها] اللَه است که بی‌نیازِ ستوده است. (۱۵) اگر بخواهد، شما را [از میان] می‌بَرد و آفرینشی جدید [به جایتان پدید] می‌آورد. (۱۶) و [انجام] این کار برای الله دشوار نیست. (۱۷) و هیچ گناهکاری بارِ گناه دیگری را به دوش نمی‌گیرد و اگر [شخص] گرانباری، [دیگری را] برای حمل بار [گناهانِ] خویش فرا بخواند، [چیزی از آن بار] برداشته نمی‌شود؛ هر چند که او خویشاوند [نزدیکش] باشد. [ای پیامبر،] جز این نیست که تو فقط به کسانی هشدار می‌دهی که در نهان از [مجازات] پروردگارشان می‌ترسند و نماز برپا می‌دارند. هر کس [از گناهان] پاک شود، یقیناً تنها به سود خویش پاک گشته است و بازگشت [همه] به سوی الله است. (۱۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِۦ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ﴾
یعنی: مالک هیچ‌چیز، نه کوچک و نه بزرگ، نیستند، حتی پوست نازک روی هستهٔ خرما که کوچکترین چیز است، پس چگونه خوانده می‌شوند در حالی که مالک ذره‌ای از ملک آسمان‌ها و زمین نیستند؟! سعدی: ۶۸۶.
پرسش: انسان از دانستن این امر که آن‌چه به جای الله خوانده می‌شود مالک هیچ‌چیز نیست، چه فایده‌ای کسب می‌کند؟

۲ ﴿إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا۟ دُعَآءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا۟ مَا ٱسْتَجَابُوا۟ لَكُمْ وَيَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ يَكْفُرُونَ بِشِرْكِكُمْ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ﴾
الله تعالی پس از این‌که حالِ نمادها (بت‌ها) را در دنیا به این نحو آشکار کرد که هیچ نفعی نمی‌رسانند... حال‌شان در آخرت را این‌گونه آشکار ساخت که الله تعالی نمادها (بت‌ها) را به سخن می‌آورد و آن‌ها از شرک مشرکان بیزاری می‌جویند؛ یعنی اعلام بیزاری می‌کنند از این‌که به این کار دعوت داده باشند یا به آن راضی شده باشند. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۸۳.
پرسش: الله تعالی بطلان عبادت نمادها (بت‌ها) در دنیا و آخرت را چگونه آشکار کرد؟

۳ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾
به اندازهٔ کافی دلیل و اندرز ارائه شد... اما قوم، ذره‌ای از گمراهی دست نکشیدند، بلکه چه بسا این احساس در جان بزرگان‌شان افتاد که خود را بزرگ دیدند و مغرور شدند به این‌که از آنان خواسته می‌شود به گروه مسلمانان بپیوندند؛ تا این‌که غرور باعث شد راحت‌تر فریب نیرنگ‌های شیطان را بخورند و به کفرشان چنگ بزنند؛ بنابراین کاملاً مناسب بود الله هشدار دهد که از آنان بی‌نیاز است و دینش با امثال آنان عزت نمی‌یابد و این‌که آنان رو به فنا هستند و مردمی را می‌آورد که اسلام را به دست آن‌ها عزت می‌بخشد. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۸۵.
پرسش: توصیف تمام مردم به فقر، چه حکمتی دارد؟

۴ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ﴾
الله تعالی تمام مردم را مورد خطاب قرار می‌دهد و آنان را از وضعیت و صفت‌شان باخبر می‌سازد و این‌که از تمام جهات فقیر و نیازمند الله هستند:
فقیر در ایجادشان؛ یعنی اگر الله آنان را به وجود نیاورده بود ایجاد نمی‌شدند.
فقیر در آمادگی بر نیروها و اعضا و جوارح که اگر الله آنان را بر این موارد مهیّا نکرده بود آمادهٔ انجام هیچ کاری نبودند.
فقیر در امداد با خوراکی‌ها و روزی‌ها و نعمت‌های آشکار و نهان؛ که اگر فضل و احسان الله و آسان‌گردانیدن کارها توسط او نبود هیچ روزی و نعمتی برای‌شان حاصل نمی‌شد.
فقیر در دفع عذاب و سختی و غم و اندوه؛ که اگر الله این امور را از مردم دفع نمی‌کرد و رنج و سختی و اندوه‌شان را برطرف نمی‌ساخت امور ناگوار و سخت همیشه گریبانگیر آنان بود. سعدی: ۶۸۷.
پرسش: آیا نیاز مردم به الله فقط جنبهٔ مالی دارد؟ چند نمونه از امور مورد نیاز مردم به پروردگارشان را بیان کنید.

۵ ﴿يَٰٓأَيُّهَا ٱلنَّاسُ أَنتُمُ ٱلْفُقَرَآءُ إِلَى ٱللَّهِ وَٱللَّهُ هُوَ ٱلْغَنِىُّ ٱلْحَمِيدُ﴾
الله وقتی نیازمندی مردم به سوی خود و بی‌نیازی خود از مردم را بیان کرد و از آن‌جا که هیچ ثروتمندی به دیگران فایده نمی‌رساند مگر این‌که ﴿ٱلْغَنِىُّ﴾ و بخشنده و سخاوتگر باشد... صفت ﴿ٱلْحَمِيد﴾ را آورد تا دلالت کند بر این‌که الله ذات ثروتمند و بی‌نیازی است که مخلوقاتش از ثروت او نفع می‌برند و به آنان بخشش و احسان می‌کند. قرطبی: ۱۷/ ۳۶۶.
پرسش: چرا در این آیه صفت ﴿ٱلْغَنِىُّ﴾ و ﴿ٱلْحَمِيد﴾ در کنار یکدیگر قرار گرفتند؟

۶ ﴿وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ حِمْلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَىْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰٓ﴾
ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: پدر و مادر با فرزندش دیدار می‌کند و می‌گوید: ای فرزندم بخشی از گناهانم را به دوش بگیر، فرزند می‌گوید: نمی‌توانم، بار گناهان خودم برایم کافی است. بغوی: ۳/ ۶۲۱.
پرسش: روز قیامت چه کسی گناهان انسان را به دوش می‌کشد؟

۷ ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِٱلْغَيْبِ وَأَقَامُوا۟ ٱلصَّلَوٰةَ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِۦ وَإِلَى ٱللَّهِ ٱلْمَصِيرُ﴾
یعنی: انذار فقط به کسانی فایده می‌رساند که از پروردگارشان می‌ترسند، نه به این معنی که فقط آنان انذار داده می‌شوند. ابن جزی: ۲/ ۲۱۵.
پرسش: آیا آیه دلالت دارد بر این‌که رسولان و دعوتگران فقط کسانی را که از الله می‌ترسند انذار می‌دهند؟ توضیح دهید.

ترجمه آیات

و [کافر و مؤمن برابر نیستند؛ چنان که] نابینا و بینا یکسان نیستند؛ (۱۹) و نه تاریکی‌ها و نور؛ (۲۰) و نه سایه و باد سوزان؛ (۲۱) و زندگان و مردگان یکسان نیستند. بی‌تردید، الله [ندای حق را] به گوش هر کس بخواهد می‌رساند و تو [ای پیامبر،] نمی‌توانی کسانی را که در گورها هستند شنوا سازی. (۲۲) تو جز بیم‌دهنده‌ای [بیش] نیستی. (۲۳) به راستی، ما تو را به‌حق بشارت‌بخش و بیم‌دهنده فرستادیم و [در نسل‌های گذشته نیز] هیچ امتی نبود، مگر آنکه میانشان بیم‌دهنده‌ای گذشته است. (۲۴) و اگر [مشرکان] تو را دروغگو می‌انگارند، [عجیب نیست؛ چرا که] بی‌تردید، کسانی که پیش از آنان بودند [نیز] پیامبرانشان را که با دلایل روشن و کتاب‌های آسمانی و کتاب روشنگر به سراغشان آمدند دروغگو انگاشتند. (۲۵) آنگاه [من نیز] کسانی را که کفر ورزیده بودند نابود ساختم؛ پس [بنگر که] کیفر من چگونه بود. (۲۶) آیا ندیده‌ای که الله آبی از آسمان نازل کرد و به [وسیلهٔ] آن، [از درختان مختلف] میوه‌هایی پدید آوردیم که رنگهایش گوناگون است و از کوه‌ها [نیز رگه‌ها و] راه‌هایی سفید و قرمز و کاملاً سیاه [آفریدیم] که رنگهایش گوناگون است؟ (۲۷) و همچنین از انسان‌ها و جنبندگان و چهارپایان [نیز مخلوقاتی آفریدیم که] رنگهایش گوناگون است. به راستی، از [میانِ] بندگان الله، تنها دانایان [هستند که به صفات و احکام الهی آگاهی دارند و] از او می‌ترسند. بی‌تردید، الله شکست‌ناپذیرِ آمرزنده است. (۲۸) در حقیقت، کسانی که کتاب الله را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه به آنان روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار انفاق می‌کنند، به تجارتی [پرسود] امید دارند که هرگز زیان [و کسادی] ندارد. (۲۹) تا [الله] پاداششان را به صورت کامل بدهد و از فضل خویش، بر [ثواب] آنان بیفزاید. بی‌تردید، او تعالی آمرزندهٔ سپاسگزار است. (۳۰)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۖ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾
مومن به زنده و غیر مومن به مُرده تشبیه شده است. ﴿إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ﴾ یعنی هر کس را که بخواهد هدایت می‌کند. ﴿وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾ کافران دلایل و اندرزها را نمی‌شنوند. در نداشتن احساس، به مردگان تشبیه شدند. ابن جزی: ۲/ ۲۱۵.

پرسش: در این آیه تمثیل رسایی میان کافران و مردگان وجود دارد. بهترین وجه تشابه را بیان کنید.

❷ ﴿وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۖ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ﴾
بزرگ‌ترین محرومیت ناشی از کفر، عبارت است از فایده‌نبردن از رساترین و راست‌ترین کلام که قرآن است. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۹۵.

پرسش: بزرگ‌ترین محرومیت کافر در دنیا چیست؟

❸ ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا ۚ وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾ وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَٰلِكَ﴾
الله تعالی برای مخلوقاتش اشیای متضادی را یادآوری می‌کند که اصل و مادهٔ واحدی دارند اما تفاوت و فرق میان آن‌ها مشهود و معروف است؛ به این هدف که بندگان را بر قدرت کامل و حکمت بدیع خویش راهنمایی کند... یعنی تفاوت این اشیا، دلیلی عقلی است بر اراده و قدرت و حکمت و رحمت الله تعالی که رنگ و صفت ویژه‌ای به هر یک از این اشیا داده و این‌گونه آن‌ها را آفریده است. سعدی: ۶۸۸.

پرسش: کدام صفت الهی از تنوع و رنگارنگی مخلوقات به دست می‌آید؟

❹ ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾
ربیع بن أنس می‌گوید: «هر کس از الله تعالی نترسد عالم نیست». از ابن مسعود ﷺ روایت شده که گفت: «برای عالم‌بودن انسان همین اندازه کافی است که از الله بترسد و برای نادانی انسان همین اندازه کافی است که از ترس الله غافل شود». از مجاهد روایت شده که گفت: «فقیه آن کسی است که از الله عزوجل می‌ترسد». قرطبی: ۱۷/ ۳۷۵- ۳۷۶.

پرسش: صفت بارز عالم واقعی علم چیست؟

❺ ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾
منظور از این علما، علمای به الله و شریعت هستند و بر اساس اندازهٔ علم در این امر، خشیت حاصل می‌شود؛ اما دانشمندانِ علومی که به هیچ وجه ارتباطی با شناخت الله و پاداش و عذابش ندارد، علوم‌شان آنان را به خشیت الهی نزدیک نمی‌سازد. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۰۴.

پرسش: عالم واقعی کیست؟

❻ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾
آیه بر پاداش قاریان قرآن دلالت دارد. آنان مصداق کسانی هستند که کتاب الله را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند، حتی اگر قرائت آنان با تدبر همراه نباشد؛ زیرا تلاوت، سهمی از پاداش و انوار کلام الله به همراه دارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۲۹۷.

پرسش: آیا انسان در قبال قرائت قرآن بدون تدبر مزد می‌گیرد؟

❼ ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾
بیانگر این امر است که آنان اعمال‌شان را خالصانه انجام می‌دهند و هیچ قصد بد و نیت فاسدی در انجام این اعمال ندارند. سعدی: ۶۸۹.

پرسش: عبارت ﴿يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

سورة (فاطر) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٧)

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ ﴿١٩﴾ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ
﴿٢٠﴾ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ ﴿٢١﴾ وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا
الْأَمْوَاتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ ۖ وَمَا أَنتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي
الْقُبُورِ ﴿٢٢﴾ إِنْ أَنتَ إِلَّا نَذِيرٌ ﴿٢٣﴾ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا
وَنَذِيرًا ۚ وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا فِيهَا نَذِيرٌ ﴿٢٤﴾ وَإِن يُكَذِّبُوكَ
فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ
وَبِالزُّبُرِ وَبِالْكِتَابِ الْمُنِيرِ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا ۖ
فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ ﴿٢٦﴾ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا ۚ وَمِنَ الْجِبَالِ
جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ ﴿٢٧﴾
وَمِنَ النَّاسِ وَالدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَٰلِكَ ۗ
إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ ﴿٢٨﴾
إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ ﴿٢٩﴾ لِيُوَفِّيَهُمْ
أُجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۚ إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ ﴿٣٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلْحَرُورُ	باد سوزان.
وَبِٱلزُّبُرِ	کتاب‌هایی که احکام زیادی در آن‌ها جمع شده است.
نَكِيرِ	انکار و کیفر من بر آنان.
جُدَدٌ	دارای راه‌ها و خطوط رنگارنگ.
وَغَرَابِيبُ سُودٌ	بسیار سیاه؛ مانند کلاغ‌ها.
لَّن تَبُورَ	هرگز کساد و نابود نخواهد شد.

عمل به آیات

۱. از امروز به بعد هر روز بخشی هر چند کوتاه از قرآن بخوان، ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ﴾
۲. نماز جماعت را با دریافت تکبیر تحریمه ادا کن، ﴿وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ﴾
۳. صدقه‌ای بده که هیچ‌کس جز الله از آن آگاه نشود، و صدقه‌ای دیگر به صورت آشکارا بده به این هدف که دیگران به تو اقتدا کنند، ﴿وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾

رهنمودها

۱. در زندگی خویش خشیت الله را محقق گردان تا در زمرهٔ علمای واقعی قرار گیری، ﴿إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ﴾
۲. تا می‌توانی قرآن را با تفکر و عبرتگیری تلاوت کن، ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾
۳. همیشه به یاد داشته باش تجارتی که هرگز کساد و تباه نمی‌شود تجارت با الله تعالی است، ﴿إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَّن تَبُورَ﴾

سورة (فاطر) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٨)

وَٱلَّذِيٓ أَوۡحَيۡنَآ إِلَيۡكَ مِنَ ٱلۡكِتَٰبِ هُوَ ٱلۡحَقُّ مُصَدِّقٗا لِّمَا بَيۡنَ
يَدَيۡهِۗ إِنَّ ٱللَّهَ بِعِبَادِهِۦ لَخَبِيرُۢ بَصِيرٞ ٣١ ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ
ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم
مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ
ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ ٣٢ جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ
فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ ٣٣
وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ
شَكُورٌ ٣٤ ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا
فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ ٣٥ وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ
نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ
عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي كُلَّ كَفُورٖ ٣٦ وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ
فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ
أَوَلَمۡ نُعَمِّرۡكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَن تَذَكَّرَ وَجَآءَكُمُ ٱلنَّذِيرُۖ
فَذُوقُواْ فَمَا لِلظَّٰلِمِينَ مِن نَّصِيرٍ ٣٧ إِنَّ ٱللَّهَ عَٰلِمُ
غَيۡبِ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٣٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ	کسی که با ارتکاب برخی گناهان به خودش ستم می‌کند.
مُّقۡتَصِدٞ	کسی که واجبات را ادا می‌کند و از حرام‌ها دوری می‌گزیند.
سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ	کسی که در انجام اعمال صالح، چه فرض و چه نفل، می‌کوشد.
عَدۡنٖ	جاویدان.
لُغُوبٞ	رنج و خستگی.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حِفْظَ كِتَابِكَ، وَالْعَمَلَ بِهِ، وَالدَّعْوَةَ إِلَيْهِ»؛ «یا الله! حفظ قرآن کریم و عمل بر آن و دعوت به سوی آن را به من روزی بده»، ﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ﴾

۲. برای ادای نماز جماعت در صف اول مسجد از دیگران پیشی بگیر، ﴿وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ﴾

۳. با ارسال پیامی بیان کن که هر کس خواهان پوشیدن لباس بهشتیان است باید از لباس حرام در دنیا دوری گزیند، ﴿جَنَّٰتُ عَدۡنٖ يَدۡخُلُونَهَا يُحَلَّوۡنَ فِيهَا مِنۡ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٖ وَلُؤۡلُؤٗاۖ وَلِبَاسُهُمۡ فِيهَا حَرِيرٞ﴾

رهنمودها

۱. خودت را بزرگ مپندار و عملت را بسیار مشمار؛ زیرا عایشه ﵂ خود را جزء بندگانی می‌داند که به خویشتن ستم می‌کنند، ﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ﴾

۲. بدان هر کس که الله تعالی او را برگزیند علم و عمل قرآن را به او می‌بخشد؛ پس بکوش از این افراد باشی، ﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ﴾

۳. بیندیش که چرا پروردگار بلندمرتبه، کسی را که به خویشتن ستم می‌کند در زمرهٔ بندگان برگزیدهٔ خویش قرار داد، ﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] آنچه از این کتاب به تو وحی کردیم حق است و آن [کتاب‌های آسمانی] را که پیشتر بوده است تصدیق می‌کند. بی‌تردید، الله به [حال] بندگانش آگاه و بیناست. (۳۱) آنگاه این کتاب [= قرآن] را به آن بندگانمان که [آنان را] برگزیدیم [= امت محمد] به میراث دادیم؛ [برخی] از آنان در حق خویش ستمکارند و [برخی دیگر] از آنان میانه‌رو هستند و [برخی] از آنان به فرمان الله در نیکی‌ها پیشتازند. این [مسلمانی و بهره‌مندی از قرآن، فضیلت و] بخشایش بزرگ است. (۳۲) [پاداششان] باغ‌های جاودان [بهشتی] است که به آن وارد می‌شوند. در آنجا به دستبندهایی از طلا و مروارید آراسته می‌گردند و لباسشان از حریر است. (۳۳) [آنان پس از ورود به بهشت] می‌گویند: «سپاس [و ستایش] از آنِ الله است که اندوه را از ما دور کرد. به راستی که پروردگارمان آمرزندهٔ سپاسگزار است. (۳۴) آن [معبودی] که از فضل خویش ما را در این سرای جاوید جای داد؛ در آنجا رنجی به ما نمی‌رسد و دچار خستگی [و کسالت نیز] نمی‌شویم. (۳۵) و برای کسانی که کفر ورزیدند آتش دوزخ [در پیش] است؛ نه فرمان [مرگ] بر آنان جاری می‌شود تا بمیرند و نه [چیزی] از عذابش از آنان کاسته می‌گردد. ما هر ناسپاسی را اینچنین جزا می‌دهیم. (۳۶) [دوزخیان] در آن [آتش] فریاد می‌زنند: «پروردگارا، ما را [از این عذاب] بیرون آور تا غیر از آنچه [پیشتر] می‌کردیم، کار شایسته‌ای انجام دهیم». [به آنان گفته می‌شود:] «آیا به شما [آنقدر فرصت و] عمر ندادیم تا هر کس که پندپذیر است در آن [مدت] پند گیرد؟ و [پیامبر نیز به عنوان] بیم‌دهنده نزدتان آمد؛ پس [حال که اطاعت نکردید، طعم عذاب را] بچشید که ستمکاران هیچ یاریگری ندارند. (۳۷) بی‌تردید، الله دانای نهانِ آسمان‌ها و زمین است [و] اوست که به رازِ دل‌ها داناست. (۳۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ثُمَّ أَوۡرَثۡنَا ٱلۡكِتَٰبَ ٱلَّذِينَ ٱصۡطَفَيۡنَا مِنۡ عِبَادِنَاۖ فَمِنۡهُمۡ ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ وَمِنۡهُم مُّقۡتَصِدٞ وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ ذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَضۡلُ ٱلۡكَبِيرُ﴾

عمر، ابن مسعود، ابن عباس، کعب، عایشه ﵂ و اکثر مفسران گفته‌اند: این سه گروه در امت محمد بدین قرار است: ﴿ظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ﴾: گناهکار. ﴿سَابِقُۢ﴾: پرهیزگار. ﴿مُّقۡتَصِدٞ﴾: میان دو مورد قبلی. ابن جزی: ۲/ ۲۱۷.

پرسش: سه گروه مذکور در آیه به کدام امت منسوب هستند؟ معنای مراد از این صفات چیست؟

۲ ﴿وَمِنۡهُمۡ سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ﴾

عبارت ﴿بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ﴾ به ﴿سَابِقُۢ بِٱلۡخَيۡرَٰتِ﴾ (پیشتاز در نیکی‌ها) بازمی‌گردد؛ تا به عمل خویش مغرور نشود، بلکه بداند فقط به توفیق و یاری الله در نیکی‌ها پیشی گرفته است، پس باید شکر الله تعالی را در برابر این نعمت به جای آورد. سعدی: ۶۸۹.

پرسش: چرا انسانِ پیشتاز در نیکی‌ها با عبارت ﴿بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ﴾ مقید شد؟

۳ ﴿وَقَالُواْ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِيٓ أَذۡهَبَ عَنَّا ٱلۡحَزَنَۖ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٞ شَكُورٌ﴾

ابن عباس ﵄ می‌گوید: اندوه جهنم. قتاده می‌گوید: اندوه مرگ. مقاتل می‌گوید: به این سبب اندوهگین بودند که نمی‌دانستند الله تعالی چه رفتاری با آنان خواهد داشت. عکرمه می‌گوید: اندوه گناهان و بدی‌ها و ترس دفع طاعات. بغوی: ۳/ ۶۲۶.

پرسش: کدام اندوه است که در دنیا به مومنان می‌رسد و الله تعالی در بهشت آن را از آنان می‌زداید؟

۴ ﴿ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٞ وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٞ﴾

﴿دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ﴾ یعنی: بهشت. ﴿ٱلۡمُقَامَةِ﴾ به معنای اقامت و جایگاه است و سبب نامگذاری بهشت به این نام آن است که بهشتیان برای همیشه در بهشت می‌مانند و از آن خارج نمی‌شوند. ابن جزی: ۲/ ۲۱۷.

پرسش: چرا بهشت ﴿دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ﴾ نامیده شده است؟

۵ ﴿ٱلَّذِيٓ أَحَلَّنَا دَارَ ٱلۡمُقَامَةِ مِن فَضۡلِهِۦ﴾

ذاتی که به فضل و احسان و رحمت خویش این جایگاه و مقام را به ما بخشید وگرنه اعمال خودمان با این مقام برابری نمی‌کند. ابن کثیر: ۴/ ۵۳۵.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که آیا انسان به صرف عملش وارد بهشت می‌شود؟

۶ ﴿وَٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَهُمۡ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقۡضَىٰ عَلَيۡهِمۡ فَيَمُوتُواْ وَلَا يُخَفَّفُ عَنۡهُم مِّنۡ عَذَابِهَاۚ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي كُلَّ كَفُورٖ﴾

﴿لَا يُقۡضَىٰ﴾ یعنی: [مرگ] حاضر نمی‌شود؛ زیرا اگر بمیرند حواسشان از بین می‌رود و آسوده می‌شوند. ابن عطیه: ۴/ ۴۴۰.

پرسش: چرا مرگ از جهنمیان نفی شد؟

۷ ﴿وَهُمۡ يَصۡطَرِخُونَ فِيهَا رَبَّنَآ أَخۡرِجۡنَا نَعۡمَلۡ صَٰلِحًا غَيۡرَ ٱلَّذِي كُنَّا نَعۡمَلُۚ﴾

ابن عباس ﵄ می‌گوید: «تا بگوییم: لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ»... یعنی: به جای کفر، ایمان آوریم، به جای نافرمانی، فرمان بریم و دستور رسولان را اجرا کنیم. قرطبی: ۱۷/ ۳۸۸.

پرسش: جهنمیان پس از ورود به جهنم کدام عمل صالح را آرزو می‌کنند؟

سورة (فاطر) الجزء (٢٢) صفحة (٤٣٩)

هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥۖ وَلَا
يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ إِلَّا مَقۡتٗاۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ
كُفۡرُهُمۡ إِلَّا خَسَارٗا ٣٩ قُلۡ أَرَءَيۡتُمۡ شُرَكَآءَكُمُ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن
دُونِ ٱللَّهِ أَرُونِي مَاذَا خَلَقُواْ مِنَ ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ لَهُمۡ شِرۡكٞ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ
أَمۡ ءَاتَيۡنَٰهُمۡ كِتَٰبٗا فَهُمۡ عَلَىٰ بَيِّنَتٖ مِّنۡهُۚ بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ
بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا ٤٠ ۞إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضَ أَن تَزُولَاۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنۡ أَمۡسَكَهُمَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ
إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا ٤١ وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَهُمۡ
نَذِيرٞ لَّيَكُونُنَّ أَهۡدَىٰ مِنۡ إِحۡدَى ٱلۡأُمَمِۖ فَلَمَّا جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ
مَّا زَادَهُمۡ إِلَّا نُفُورًا ٤٢ ٱسۡتِكۡبَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕۚ
وَلَا يَحِيقُ ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦۚ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ
ٱلۡأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗاۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحۡوِيلًا
٤٣ أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن
قَبۡلِهِمۡ وَكَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗۚ وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ
فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا ٤٤

ترجمه آیات

او همان ذاتی است که شما را در زمین جانشین [پیشینیان] قرار داد؛ هر کس کفر بورزد کفرش به زیان خودِ اوست؛ و کافران را کفرشان نزد پروردگارشان جز خشم [و بیزاری] نمی‌افزاید؛ و کافران را کفرشان جز زیان [و گناه، چیزی] نمی‌افزاید. (۳۹) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «آن معبودانی که به جای الله [به یاری و دعا] می‌خوانید، به من نشان دهید که چه چیزی از زمین را آفریده‌اند؟ یا [مگر همراه الله] در آفرینش آسمان‌ها شرکت داشته‌اند؟ یا به آنان [= مشرکان] کتابی داده‌ایم و از [مطالبِ] آن، نشانهٔ روشنی [بر حقانیت خود] دارند؟» [چنین نیست؛] بلکه ستمکاران [مشرک] جز فریب، به یکدیگر وعده‌ای نمی‌دهند. (۴۰) به راستی، الله است که آسمان‌ها و زمین را نگه می‌دارد تا [از مسیر و مدارِ خود] منحرف نشوند؛ و اگر انحراف یابند، پس از او کسی آنها را نگه نمی‌دارد. بی‌تردید، الله همواره بردبارِ آمرزنده است. (۴۱) [کافران] با سخت‌ترین سوگندهایشان به الله سوگند یاد کردند که اگر [پیامبرِ] بیم‌دهنده‌ای برایشان بیاید، از هر امتی راه‌یافته ترند؛ اما چون [محمد به عنوان] بیم‌دهنده‌ای نزدشان آمد، جز دوری [و نفرت از حق چیزی] بر آنان نیفزود. (۴۲) [سوگندهایشان صادقانه نبود؛ بلکه] از روی گردنکشی در زمین و نیرنگ زشت [بود]؛ و نیرنگ زشت، جز دامنگیر صاحبش نمی‌گردد. آیا [کافران، چیزی] جز سنت [الهی و کیفرِ] پیشینیان را انتظار دارند؟ هرگز در سنت الله تبدیلی نمی‌یابی و هرگز در سنت الله تغییری نمی‌یابی. (۴۳) آیا [کافران] در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان ـ و [حتی] نیرومندتر از آنان بودند ـ چگونه شد؟ هیچ چیزی در آسمان‌ها و زمین نیست که الله را ناتوان سازد [و از حوزهٔ قدرتش بیرون رود]. بی‌تردید، او تعالی همواره دانای تواناست. (۴۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿هُوَ ٱلَّذِي جَعَلَكُمۡ خَلَٰٓئِفَ فِي ٱلۡأَرۡضِۚ فَمَن كَفَرَ فَعَلَيۡهِ كُفۡرُهُۥ﴾
الله تعالی می‌فرماید: ای مردم هر کس از شما به الله کفر ورزد، زیان کفر او به خودش بازمی‌گردد و آسیبی به دیگران نمی‌رساند؛ زیرا فقط خود او در برابر کفرش عذاب می‌شود. طبری: ۲۰/ ۴۸۰.

پرسش: کفر انسان به چه کسی زیان می‌رساند؟

۲ ﴿وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ إِلَّا مَقۡتٗا﴾
یعنی: هر چه بر کفرشان ادامه دهند الله تعالی بیشتر بر آنان خشم می‌گیرد... بر خلاف مومنان که هر چه بیشتر عمر کنند و عمل نیکو انجام دهند درجه و جایگاه‌شان در بهشت بالا می‌رود و مزدشان افزون می‌گردد و محبت آفریدگار و پروردگارش که پروردگار جهانیان است به او بیشتر می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۵۳۸.

پرسش: آیه ثمرهٔ کفر کافران را بیان می‌کند. ثمرهٔ ایمان مومنان چیست؟

۳ ﴿وَأَقۡسَمُواْ بِٱللَّهِ جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ لَئِن جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ لَّيَكُونُنَّ أَهۡدَىٰ مِنۡ إِحۡدَى ٱلۡأُمَمِۖ فَلَمَّا جَآءَهُمۡ نَذِيرٞ مَّا زَادَهُمۡ إِلَّا نُفُورًا﴾
آنان با نیت نیک و طلب حقیقت سوگند یاد نکردند وگرنه قطعاً بر این کار موفق می‌شدند، بلکه از روی گردنکشی و برتردانستن خود در روی زمین بر مخلوقات و در مقابل حق، این سوگند باطل را خوردند و قصدشان مکر و فریب بود تا اظهار کنند پیرو حق هستند و بر طلب آن مشتاقند، در نتیجه فریب‌خوردگان فریب‌شان را بخورند و در پی آنان بروند. سعدی: ۶۹۱.

پرسش: آیا کافران سوگند مذکور را برای طلب حق ایراد کردند؟

۴ ﴿ٱسۡتِكۡبَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦ﴾
﴿ٱسۡتِكۡبَارٗا﴾ یعنی: تجاوز از ایمان، ﴿وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕ﴾ یعنی: نیرنگ عمل بد که عبارت است از کفر و فریفتن افراد ضعیف و بازداشتن آنان از ایمان، به این هدف که بر شمار پیروان‌شان بیفزایند. قرطبی: ۱۷/ ۳۹۶.

پرسش: منظور از نیرنگ بدی که کفار قریش را به عذاب گرفتار کرد چیست تا از آن برحذر باشیم؟

۵ ﴿ٱسۡتِكۡبَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ وَمَكۡرَ ٱلسَّيِّيِٕۚ وَلَا يَحِيقُ ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦۚ فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلۡأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗاۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحۡوِيلًا﴾
اگر انسان‌ها به یکدیگر اطمینان نداشته باشند [و در برابر یکدیگر احساس امنیت نکنند]، دشمنی یکدیگر را به دل می‌گیرند و در پی آزار و نابودی یکدیگر برمی‌آیند تا هر یک قبل از این‌که گرفتار نیرنگ دیگری شود بر او غالب آید؛ در نتیجه فساد بزرگی دنیا را در برمی‌گیرد، در حالی که الله تعالی فساد را دوست ندارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۳۵.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که عدم امنیت آثار سوئی در جامعه به همراه دارد؟

۶ ﴿فَهَلۡ يَنظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ ٱلۡأَوَّلِينَۚ فَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَبۡدِيلٗاۖ وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ ٱللَّهِ تَحۡوِيلًا﴾
الله تعالی عذاب را بر کافران جاری ساخت و این امر را سنتی در میان آنان قرار داد؛ یعنی مانند این عذاب را به هر کس که سزاوارش باشد می‌رساند و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را تغییر دهد و عذاب خودش را به دیگری بازگرداند. قرطبی: ۱۷/ ۴۰۰.

پرسش: آیا سنت الله تعالی در نزول کیفر بر انسانِ نافرمان تغییر می‌یابد؟

۷ ﴿وَمَا كَانَ ٱللَّهُ لِيُعۡجِزَهُۥ مِن شَيۡءٖ فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَلَا فِي ٱلۡأَرۡضِۚ إِنَّهُۥ كَانَ عَلِيمٗا قَدِيرٗا﴾
ناتوانی اراده‌کننده از تحقق اراده‌اش، یا به این سبب است که محل تحقق اراده بر او پوشیده است که این امر با احاطهٔ علمی منافات دارد، یا به سبب عدم توانایی در تحقق اراده است که این امر نیز با قدرت فراگیر منافات دارد. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۳۹.

پرسش: خاتمه‌یافتن آیه با دو صفت علم و قدرت چه نکته‌ای در بر دارد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خَلَٰٓئِفَ	در زمین جانشین یکدیگر می‌شوید.
مَقۡتٗا	از روی کینه و خشم.
أَرَءَيۡتُمۡ	به من خبر دهید.
بَيِّنَتٖ مِّنۡهُ	دلیلی از جانب او.
غُرُورًا	نیرنگ و باطل.
جَهۡدَ أَيۡمَٰنِهِمۡ	در ایراد مؤکّدترین سوگندها می‌کوشند.
يَحِيقُ	احاطه می‌کند و فرود می‌آید.

عمل به آیات

۱. به همراه دوستت یکدیگر را بر انجام عمل صالحی که انجام می‌دهید سفارش کنید، ﴿بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا﴾

۲. الله را با نام حلیم و غفور او عبادت کن و بگو: «يَا حَلِيمُ احْلُمْ عَلَيَّ وَلَا تُعَذِّبْنِي، يَا غَفُورُ اغْفِرْ لِي، وَارْحَمْنِي»؛ «یا حلیم از من درگذر و مرا عذاب نکن، یا غفور مرا بیامرز و بر من رحم فرما»، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ يُمۡسِكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ أَن تَزُولَاۚ وَلَئِن زَالَتَآ إِنۡ أَمۡسَكَهُمَا مِنۡ أَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِهِۦٓۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورٗا﴾

۳. یک فیلم مستند یا تصاویری در مورد آتش‌فشان‌ها یا زلزله‌ها یا سیل و طوفان‌ها تماشا کن و در توانایی الله عزوجل و ضعف انسان‌ها بیندیش، ﴿أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ وَكَانُوٓاْ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ﴾

رهنمودها

۱. کفر و معصیت بر دشمنی و خشم الله تعالی بر بنده می‌افزاید، ﴿وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ عِندَ رَبِّهِمۡ إِلَّا مَقۡتٗاۖ وَلَا يَزِيدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ كُفۡرُهُمۡ إِلَّا خَسَارٗا﴾

۲. بدان که وعده‌های کافران به یکدیگر نیرنگ و دروغ است؛ پس مبادا فریب آنان را بخوری، ﴿بَلۡ إِن يَعِدُ ٱلظَّٰلِمُونَ بَعۡضُهُم بَعۡضًا إِلَّا غُرُورًا﴾

۳. شاد باش و نترس؛ زیرا فریب و نیرنگ فقط دامن خودِ فریبکاران را می‌گیرد، ﴿وَلَا يَحِيقُ ٱلۡمَكۡرُ ٱلسَّيِّئُ إِلَّا بِأَهۡلِهِۦ﴾

سورتا (فاطر، يس) الجزء (٢٢) صفحة (٤٤٠)

وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا
مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا
جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا ﴿٤٥﴾

سُورَةُ يسٓ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

يسٓ ﴿١﴾ وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٣﴾ عَلَىٰ
صِرَٰطٖ مُّسۡتَقِيمٖ ﴿٤﴾ تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ ﴿٥﴾ لِتُنذِرَ قَوۡمٗا
مَّآ أُنذِرَ ءَابَآؤُهُمۡ فَهُمۡ غَٰفِلُونَ ﴿٦﴾ لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ
فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿٧﴾ إِنَّا جَعَلۡنَا فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا فَهِيَ إِلَى
ٱلۡأَذۡقَانِ فَهُم مُّقۡمَحُونَ ﴿٨﴾ وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا
وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ ﴿٩﴾ وَسَوَآءٌ
عَلَيۡهِمۡ ءَأَنذَرۡتَهُمۡ أَمۡ لَمۡ تُنذِرۡهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ ﴿١٠﴾ إِنَّمَا تُنذِرُ
مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ
وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ ﴿١١﴾ إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ
وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ ﴿١٢﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ أَغۡلَٰلٗا	دست‌های‌شان به سوی گردن‌های‌شان جمع شده است. مثالی برای رویگردانی شدید آنان است.
مُّقۡمَحُونَ	سرهای‌شان را بالا گرفته‌اند و نمی‌توانند پایین آورند.
فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ	چشمان‌شان را کور کردیم.
وَءَاثَٰرَهُمۡ	هر خیر و شری را که بنا نهادند و باقی گذاشتند.

عمل به آیات

۱. نصیحتی را که شنیده‌ای به یاد آور و از پند و اندرزهایش پیروی کن تا به مغفرت و پاداشی گرامی بشارت یابی، ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ﴾

۲. کاری را که اثرش پس از مرگ باقی می‌ماند انتخاب کن و همین امروز آن را انجام بده؛ مانند کمک در ساخت مسجد، دعوت یک کافر به اسلام، آموزش علم به انسانی بیسواد و مانند این امور، ﴿وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡ﴾

۳. پیاده به سوی مسجد برو؛ زیرا هر گامی که برداری برایت نوشته می‌شود، ﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ﴾

رهنمودها

۱. یقین داشته باش که هر گاه اجل فرا رسد لحظه‌ای به تاخیر نخواهد افتاد، ﴿وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا﴾

۲. کسی که عذاب بر او قطعی شده باشد، انذار و هشدار سودی به او نمی‌رساند، ﴿لَقَدۡ حَقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَىٰٓ أَكۡثَرِهِمۡ فَهُمۡ لَا يُؤۡمِنُونَ﴾

۳. هر گاه از ستم ستمکاری ترسیدی بگو: ﴿وَجَعَلۡنَا مِنۢ بَيۡنِ أَيۡدِيهِمۡ سَدّٗا وَمِنۡ خَلۡفِهِمۡ سَدّٗا فَأَغۡشَيۡنَٰهُمۡ فَهُمۡ لَا يُبۡصِرُونَ﴾

ترجمه آیات

و اگر الله مردم را به سبب آنچه کرده‌اند مجازات می‌کرد، هیچ جنبنده‌ای را بر پشت زمین باقی نمی‌گذاشت؛ اما [مهلت می‌دهد و کیفر] آنان را تا سرآمدی معیّن به تأخیر می‌اندازد. هنگامی که اجلشان [در قیامت] فرارسد، یقیناً الله به حال بندگانش بیناست. (۴۵)

سورۀ یس

به نام الله بخشندۀ مهربان

یس [= یا. سین] (۱) سوگند به قرآن حکیم! (۲) [که] قطعاً تو از پیامبران [ما] هستی (۳) [و] بر راه راست [اسلام قرار داری] (۴) [این قرآن] فروفرستادۀ [پروردگار] شکست‌ناپذیر مهربان است (۵) تا مردمی را [دربارۀ عذاب قیامت] بیم دهی که پدرانشان هشدار نیافته‌اند و [به این سبب] آنها نیز غافلند. (۶) یقیناً فرمان [عذاب الهی] بر بیشتر آنان تحقق یافته است؛ پس [لجاجت می‌کنند و] ایمان نمی‌آورند. (۷) [مثال گمراهی کافران، چنان است که گویی] ما زنجیرهایی بر گردن‌هایشان نهاده‌ایم که تا زیر چانه‌هایشان [پیچیده شده] است، چنان که سرهایشان بالا مانده است [و از انجام هر خیری عاجزند و راه هدایت را نمی‌یابند]. (۸) و از پیش رویشان دیواری و از پشت سرشان نیز دیواری نهاده‌ایم و چشمانشان را با پرده‌ای پوشانده‌ایم؛ از این روست که [حقیقت را] نمی‌بینند. (۹) [ای پیامبر،] برایشان یکسان است که آنان را بیم دهی یا بیم ندهی؛ [در هر حال،] ایمان نمی‌آورند. (۱۰) جز این نیست که تو به کسی بیم می‌دهی [و این کار برای کسی سود دارد] که پیرو قرآن باشد و در نهان از [پروردگار] رحمان بترسد؛ پس او را [که چنین است] به آمرزش و پاداشی ارجمند بشارت بده. (۱۱) یقیناً ماییم که مردگان را زنده می‌کنیم و آنچه [از اعمال خیر و شر] را که از پیش فرستاده‌اند و آثار [به جای‌مانده از] آنان را می‌نویسیم؛ و همه چیز را در کتابی روشن [= لوح محفوظ] به شمار آورده‌ایم. (۱۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ﴾

ابن مسعود ﷺ می‌گوید: نزدیک است که به سبب گناه انسان، سوسک در سوراخش عذاب شود. یحیی بن ابی‌کثیر می‌گوید: شخصی امر به معروف و نهی از منکر کرد، دیگری به او گفت: مراقب خودت باش؛ زیرا ستمکار فقط به خودش زیان می‌رساند. ابوهریره ﷺ به او گفت: سوگند به الله که معبود بر حقی جز او نیست دروغ گفتی، سوگند به ذاتی که جانم در دست اوست، بر اثر ستم ستمکار، هوبره در آشیانه‌اش از لاغری می‌میرد. قرطبی: ۱۷/ ۴۰۱- ۴۰۲.

پرسش: آیا گناهان بندگان بر روی حیوانات و چهارپایان تأثیر می‌گذارد؟

۲ ﴿وَلَوۡ يُؤَاخِذُ ٱللَّهُ ٱلنَّاسَ بِمَا كَسَبُواْ مَا تَرَكَ عَلَىٰ ظَهۡرِهَا مِن دَآبَّةٖ وَلَٰكِن يُؤَخِّرُهُمۡ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمّٗىۖ فَإِذَا جَآءَ أَجَلُهُمۡ فَإِنَّ ٱللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِۦ بَصِيرَۢا﴾

به آنان تذکر می‌دهد که از تأخیر عذاب فریب نخورند و آن را دلیل ناتوانی، یا خشنودی الله از عمل‌شان نپندارند؛ آنان کسانی بودند که گفتند: ﴿وَإِذۡ قَالُواْ ٱللَّهُمَّ إِن كَانَ هَٰذَا هُوَ ٱلۡحَقَّ مِنۡ عِندِكَ فَأَمۡطِرۡ عَلَيۡنَا حِجَارَةٗ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ أَوِ ٱئۡتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٖ﴾ [الأنفال: ۳۲]؛ «و (به یاد آور) آن‌گاه که گفتند: پروردگارا! اگر این (قرآن) حق است، و از جانب توست، پس از آسمان سنگی بر ما بباران، یا عذاب دردناکی بر ما بفرست». اما به آنان خبر داد که عذاب الله مواعد مشخصی دارد که حکمتش آن را تقاضا می‌کند و مصالح امت‌های دیگر و باقی‌گذاشتن نسل‌های جدید در آن رعایت می‌شود. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۳۹.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که تأخیر کیفر مشرک بر نیکوکاری او دلالت ندارد.

۳ ﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿٢﴾ إِنَّكَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

قرآن عظیم، محکم‌ترین دلیل متصل و مستمر بر رسالت رسول الله ﷺ است؛ بنابراین تمام دلایل قرآن، دلایل رسالت محمد ﷺ به شمار می‌روند. سعدی: ۶۹۲.

پرسش: محکم‌ترین دلیل رسالت پیامبر ﷺ چیست؟

۴ ﴿تَنزِيلَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ﴾

الله با عزت و نیرومندی خویش قرآن را از تغییر و تبدیل حفظ می‌کند و این‌گونه به بندگانش مهربانی می‌کند تا زمانی که آنان را به سرای رحمتش درآورد؛ بدین سبب، آیه با دو نام بزرگ ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ﴾ پایان یافت. سعدی: ۶۹۲.

پرسش: چرا آیه با دو نام بزرگ ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلرَّحِيمِ﴾ پایان یافت؟

۵ ﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ ٱتَّبَعَ ٱلذِّكۡرَ وَخَشِيَ ٱلرَّحۡمَٰنَ بِٱلۡغَيۡبِۖ فَبَشِّرۡهُ بِمَغۡفِرَةٖ وَأَجۡرٖ كَرِيمٍ﴾

بیان صفت ﴿ٱلرَّحۡمَٰنَ﴾ بدون نام جلاله، دو دلیل دارد؛ دلیل اول: مشرکان نام رحمان را انکار می‌کردند؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قَالُواْ وَمَا ٱلرَّحۡمَٰنُ﴾ [الفرقان: ۶۰]؛ «می‌گویند: رحمان چیست؟!». دلیل دوم: تا اشاره‌ای باشد به این‌که رحمت الله مقتضی نترسیدن از او تعالی نیست؛ زیرا مؤمن با علم به رحمت الله، از او می‌ترسد و به رحمت امیدوار است. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۵۴.

پرسش: چرا صفت ﴿ٱلرَّحۡمَٰنَ﴾ بدون نام جلالۀ (الله) بیان شد؟

۶ ﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡۚ وَكُلَّ شَيۡءٍ أَحۡصَيۡنَٰهُ فِيٓ إِمَامٖ مُّبِينٖ﴾

انسان به سبب آثار نیک یا بدی که بعد از مرگش به جای می‌گذارد جزا می‌بیند؛ اثر نیک مانند علمی که به دیگران آموزش داده یا کتابی که تالیف کرده است... اثر بد مانند پست و مسئولیتی که به انسانی ستمگر واگذار کرده است... یا موسیقی یا لهو و لعبی که از ذکر الله بازدارد، و همچنین است حکم هر سنت نیک یا بدی که دیگران به آن عمل کنند. قرطبی: ۱۷/ ۴۲۰.

پرسش: به جای گذاشتن اثر نیک و اثر بد پس از مرگ چه اهمیتی دارد؟

۷ ﴿إِنَّا نَحۡنُ نُحۡيِ ٱلۡمَوۡتَىٰ وَنَكۡتُبُ مَا قَدَّمُواْ وَءَاثَٰرَهُمۡ﴾

آثار خوب و بدی منظور است که در حال حیات و بعد از مرگ‌شان به جای گذاشته‌اند... این موضع، جایگاه والای دعوت و هدایت به سوی الله را با هر وسیله و روش ممکن، و درجۀ پست دعوتگر به سوی شر و این‌که پست‌ترین و گناهکارترین و جنایتکارترین مخلوق است را آشکار می‌کند. سعدی: ۶۹۳.

پرسش: جایگاه دعوت به سوی الله را بر اساس آیه توضیح دهید.

ترجمه آیات

[ای پیامبر، ماجرای] مردم آن شهر را برایشان مثال بزن، آنگاه که پیامبران نزدشان رفتند. (۱۳) وقتی دو نفر از پیامبران را به سویشان فرستادیم؛ اما [مردم] آنان را تکذیب کردند؛ سپس آن دو را با فرستادن پیامبر سوم، [تأیید و] تقویت کردیم. آنان [به اهالی شهر] می‌گفتند: «ما رسولان [الهی] به سوی شما هستیم». (۱۴) [اهالی شهر در پاسخ] گفتند: «شما جز بشری همانند ما نیستید و [پروردگار] رحمان، چیزی [از وحی] نازل نکرده است. شما جز دروغ نمی‌گویید». (۱۵) [پیامبران] گفتند: «پروردگارمان می‌داند که قطعاً به سوی شما فرستاده شده‌ایم. (۱۶) و ما وظیفه‌ای جز رساندن آشکار [وحی] نداریم». (۱۷) [مردم] گفتند: «ما شما را به شگون بد گرفته‌ایم. اگر [از تبلیغ] دست برندارید، حتماً سنگسارتان می‌کنیم و بی‌تردید، عذابی دردناک از [جانب] ما به شما خواهد رسید». (۱۸) [پیامبران] گفتند: «شومیِ شما با خودتان [و ناشی از کفر و گناه] است. آیا اگر پندتان دهند [آن را شوم می‌پندارید؟] بلکه [حقیقت این است که شما در ارتکاب گناه،] مردمی اسرافکارید». (۱۹) و مردی از دورترین نقطهٔ شهر شتابان آمد [و] گفت: «ای قوم من، از این پیامبران پیروی کنید. (۲۰) پیرو کسانی باشید که از شما پاداشی نمی‌خواهند و خود هدایت‌یافته‌اند. (۲۱) و چرا معبودی را عبادت نکنم که مرا آفریده است و [شما نیز] به سویش بازگردانده می‌شوید؟ (۲۲) آیا به جای او معبودانی برگزینم که اگر [پروردگار] رحمان بخواهد گزندی به من برساند، نه شفاعتشان برایم سودی دارد و نه می‌توانند مرا [از عذاب الهی] نجات دهند؟ (۲۳) در آن صورت، یقیناً در گمراهی آشکاری خواهم بود. (۲۴) من به پروردگارتان ایمان آورده‌ام [و از مرگ هراسی ندارم؛] پس سخنانم را بشنوید. (۲۵) [پس از اینکه آن مرد به دست قومش به شهادت رسید،] به وی گفته شد: «وارد بهشت شو». او گفت: «ای کاش قوم من می‌دانستند (۲۶) که پروردگارم مرا آمرزیده و گرامی داشته است». (۲۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ﴾

تعیین این آبادی اگر فایده‌ای در برداشت قطعاً الله آن را مشخص می‌کرد... بنابراین علم صحیح آن است که انسان بر حقایق بسنده کند و به امور بی‌فایده نپردازد؛ با این کار، نفس تزکیه می‌شود و علم افزایش می‌یابد، بر خلاف گمان جاهل که می‌پندارد علم با بیان سخنانی افزایش می‌یابد که هیچ دلیل و حجتی ندارد و هیچ فایده‌ای از آن حاصل نمی‌شود مگر آشفتگی ذهن و خوگرفتن به امور مشکوک. سعدی: ۶۹۳.

پرسش: بهترین دیدگاه در مورد الفاظ مبهم قرآن چیست؟ چرا؟

۲ ﴿قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ﴾

﴿طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ﴾ یعنی: سهم‌تان و خیر و شری که به آن منتهی می‌شود همراه خودتان است؛ یعنی به سبب افعال و اندوختهٔ خودتان است، نه به خاطر ما یا به سببی از جانب ما؛ بلکه به سبب ستم و کفر خودتان است. بهره و نصیب از باب استعاره، طائر (پرنده) نامیده شد؛ یعنی: چیزی که با نظر (فال‌زدن) به پرنده حاصل می‌شود. ابن عطیه: ۴/ ۴۵۰.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه عمل کسانی را که فال بد می‌زنند مردود می‌کند.

۳ ﴿وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

از فعل ﴿يَسۡعَىٰ﴾ مشخص می‌شود که این مرد شتابان آمد و از قصد اهالی شهر برای سنگسار یا مجازات رسولان آگاه شده بود؛ بنابراین به سبب ترسی که بر آنان و بر رسولان داشت خواست آنان را نصیحت کند. این مطلب، بزرگی و نیکوکاری مرد مورد نظر را می‌رساند و این‌که برای تغییر سریعِ منکر، باید به او اقتدا کرد. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۶۶.

پرسش: بیان جملهٔ فعلیه ﴿يَسۡعَىٰ﴾ در آیه چه فایده‌ای در بر دارد؟

۴ ﴿وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

عبارت ﴿مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ﴾ بر ﴿رَجُلٞ﴾ مقدم شد تا اهالی نقاط دور شهر بزرگ و گرامی داشته شوند و این‌که گاهی خیری که در حاشیه‌ها وجود دارد در مرکز شهرها یافت نمی‌شود. به‌علاوه، ضعیفان زودتر ایمان می‌آورند؛ زیرا آسایش و جایگاهی که بزرگان در آن قرار دارند ضعفا را از حق بازنمی‌دارد و بزرگان معمولاً در وسط شهر سکونت دارند. ابن عاشور: ۲۲/ ۳۶۵.

پرسش: چرا عبارت ﴿مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ﴾ بر واژهٔ ﴿رَجُلٞ﴾ مقدم شد؟

۵ ﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾

یعنی: این رسولان مزدی در برابر ایمان از شما درخواست نمی‌کنند؛ بنابراین وجود آنان، زیانی به دنیای‌تان نمی‌رساند بلکه باعث می‌شود که از نعمت هدایت دین برخوردار شوید. ابن جزی: ۲/ ۲۲۲.

پرسش: آیه دو مورد از عوامل راستی دعوتگر را بیان می‌کند. این دو عامل چیست؟

۶ ﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾

﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا﴾ یعنی: از کسی پیروی کنید که شما را به سوی خیر نصیحت می‌کند و در برابر نصیحت و راهنمایی شما، هیچ مال و مزدی از شما درخواست نمی‌کند؛ بنابراین چنین کسی سزاوار است که مورد پیروی قرار گیرد. شاید این شبهه مطرح شود که شاید کسی دعوت دهد و مزدی نگیرد اما بر حق نباشد. این شبهه را با عبارت ﴿وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾ دفع کرد؛ یعنی آنان فقط به چیزی فرا می‌خوانند که عقل سالم به نیکی آن گواهی می‌دهد و فقط از چیزی نهی می‌کنند که عقل بر زشتی آن گواه است. سعدی: ۶۹۴.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾ به پایان رسید؟

۷ ﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ﴾

در این آیه، نکتهٔ تربیتی مهمی وجود دارد و بر این امور دلالت می‌کند: وجوب فروخوردن خشم و بردباری در برابر جاهلان، دلسوزی بر کسی که خودش را در محل اجتماع گناهکاران و گمراهان قرار داده، آمادگی برای نجات او و استفاده از نرم‌خویی و مهربانی برای رهانیدنش به جای این‌که سرزنش و نفرین شود. مگر نمی‌بینی این مرد چگونه برای قاتلان و ستمکارانش خیر می‌خواهد، با این‌که کافر و بندهٔ بت‌ها هستند. قرطبی: ۱۷/ ۴۳۳.

پرسش: اخلاق والایی که مومن از این آیه می‌آموزد چیست؟

وَٱضۡرِبۡ لَهُم مَّثَلًا أَصۡحَٰبَ ٱلۡقَرۡيَةِ إِذۡ جَآءَهَا ٱلۡمُرۡسَلُونَ
﴿١٣﴾ إِذۡ أَرۡسَلۡنَآ إِلَيۡهِمُ ٱثۡنَيۡنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزۡنَا بِثَالِثٖ فَقَالُوٓاْ
إِنَّآ إِلَيۡكُم مُّرۡسَلُونَ ﴿١٤﴾ قَالُواْ مَآ أَنتُمۡ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُنَا
وَمَآ أَنزَلَ ٱلرَّحۡمَٰنُ مِن شَيۡءٍ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا تَكۡذِبُونَ ﴿١٥﴾ قَالُواْ
رَبُّنَا يَعۡلَمُ إِنَّآ إِلَيۡكُمۡ لَمُرۡسَلُونَ ﴿١٦﴾ وَمَا عَلَيۡنَآ إِلَّا ٱلۡبَلَٰغُ
ٱلۡمُبِينُ ﴿١٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّا تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡۖ لَئِن لَّمۡ تَنتَهُواْ لَنَرۡجُمَنَّكُمۡ
وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٞ ﴿١٨﴾ قَالُواْ طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ أَئِن
ذُكِّرۡتُمۚ بَلۡ أَنتُمۡ قَوۡمٞ مُّسۡرِفُونَ ﴿١٩﴾ وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ
رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٢٠﴾ ٱتَّبِعُواْ
مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ ﴿٢١﴾ وَمَا لِيَ لَآ أَعۡبُدُ
ٱلَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٢٢﴾ ءَأَتَّخِذُ مِن دُونِهِۦٓ ءَالِهَةً
إِن يُرِدۡنِ ٱلرَّحۡمَٰنُ بِضُرّٖ لَّا تُغۡنِ عَنِّي شَفَٰعَتُهُمۡ شَيۡـٔٗا
وَلَا يُنقِذُونِ ﴿٢٣﴾ إِنِّيٓ إِذٗا لَّفِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٍ ﴿٢٤﴾ إِنِّيٓ ءَامَنتُ
بِرَبِّكُمۡ فَٱسۡمَعُونِ ﴿٢٥﴾ قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي
يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ ﴿٢٧﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَعَزَّزۡنَا	تأیید و تقویت کردیم.
تَطَيَّرۡنَا بِكُمۡ	به شما فال بد زده‌ایم.
طَٰٓئِرُكُم مَّعَكُمۡ	بدشومی و شرک و شرتان، همراه خود شماست و به خودتان بازمی‌گردد.
أَئِن ذُكِّرۡتُم	اگر مورد پند و اندرز قرار گیرید فال بد می‌زنید؟!
يَسۡعَىٰ	سریع راه می‌رفت.
فَطَرَنِي	مرا آفرید.

عمل به آیات

۱. نزد برخی غافلان از نماز برو و آنان را به ادای نماز سفارش کن، ﴿وَجَآءَ مِنۡ أَقۡصَا ٱلۡمَدِينَةِ رَجُلٞ يَسۡعَىٰ قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

۲. به یکی از صالحان یا دعوتگران یاری رسان و فضیلت و سیره‌اش را بیان کن، و آن را از طریق پیام یا هر وسیلهٔ دیگری که شده است منتشر گردان، ﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾

۳. با تبلیغ یک حقیقت یا با اعتراض بر یک منکر، به سوی الله تعالی انذار بده، ﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

رهنمودها

۱. پیرو رسولان باش و بسان آنان عمل کن، ﴿قَالَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُواْ ٱلۡمُرۡسَلِينَ﴾

۲. هیچ مزدی در قبال دعوت درخواست نکن تا مردم بهتر سخن تو را بپذیرند، ﴿ٱتَّبِعُواْ مَن لَّا يَسۡـَٔلُكُمۡ أَجۡرٗا وَهُم مُّهۡتَدُونَ﴾

۳. خواهان هدایت مردم باش نه عذاب آنان. این مورد یکی از بزرگ‌ترین خصلت‌های دعوتگر ربانی است، ﴿قِيلَ ٱدۡخُلِ ٱلۡجَنَّةَۖ قَالَ يَٰلَيۡتَ قَوۡمِي يَعۡلَمُونَ ﴿٢٦﴾ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ ٱلۡمُكۡرَمِينَ﴾

سورة (يس) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٢)

۞ وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا
كُنَّا مُنزِلِينَ ﴿٢٨﴾ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ
﴿٢٩﴾ يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ
يَسۡتَهۡزِءُونَ ﴿٣٠﴾ أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ
أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ ﴿٣١﴾ وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ
﴿٣٢﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا
فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ ﴿٣٣﴾ وَجَعَلۡنَا فِيهَا جَنَّٰتٖ مِّن نَّخِيلٖ
وَأَعۡنَٰبٖ وَفَجَّرۡنَا فِيهَا مِنَ ٱلۡعُيُونِ ﴿٣٤﴾ لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ
وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ ﴿٣٥﴾ سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي
خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ
وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ ﴿٣٦﴾ وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ
فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ
ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ
عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ
ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
خَٰمِدُونَ	مردگان و خاموش‌شدگان.
مُحۡضَرُونَ	آنان را برای جزا و حساب حاضر می‌کنیم.
نَسۡلَخُ	برمی‌کشیم.
كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ	مانند خوشهٔ خمیدهٔ خرما، از نظر نازکی و خمیدگی و زردی حاصل از کهنگی.
يَسۡبَحُونَ	حرکت می‌کنند.

عمل به آیات

۱. یکی از قصص پیامبران را از قرآن بخوان و در عذابی که به اقوامشان رسیده است بیندیش؛ مانند قوم فرعون یا عاد یا یکی دیگر از قصص پیامبران، ﴿أَلَمۡ يَرَوۡاْ كَمۡ أَهۡلَكۡنَا قَبۡلَهُم مِّنَ ٱلۡقُرُونِ أَنَّهُمۡ إِلَيۡهِمۡ لَا يَرۡجِعُونَ﴾

۲. در مورد فرآیند تولید یکی از حبوبات یا میوه‌ها از زمان کشت تا زمان مصرف بیندیش، سپس شکر الله تعالی را در قبال نعمت‌های بی‌شمارش به جای آور، ﴿لِيَأۡكُلُواْ مِن ثَمَرِهِۦ وَمَا عَمِلَتۡهُ أَيۡدِيهِمۡۚ أَفَلَا يَشۡكُرُونَ﴾

۳. صبحگاه بگو: «اللَّهُمَّ بِكَ أَصْبَحْنَا، وَبِكَ أَمْسَيْنَا، وَبِكَ نَحْيَا، وَبِكَ نَمُوتُ، وَإِلَيْكَ النُّشُورُ»؛ «یا الله! به امر تو صبح کردیم و به امر تو شام کردیم، و به امر تو زنده می‌شویم و به امر تو می‌میریم، و زنده‌شدن دوباره در روز رستاخیز به سوی توست». و شامگاه بگو: «اللَّهُمَّ بِكَ أَمْسَيْنَا وَبِكَ أَصْبَحْنَا وَبِكَ نَحْيَا وَبِكَ نَمُوتُ وَإِلَيْكَ النُّشُورُ». [صحیح؛ ابوداود: ۵۰۶۸؛ ترمذی: ۳۳۹۱] ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ﴾

رهنمودها

۱. الله تعالی کیفر سختی بر نافرمانان فرو می‌فرستد؛ چنان‌که آنان را با یک فریاد نابود کرد: ﴿إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ خَٰمِدُونَ﴾

۲. به یاد داشته باش که تمام مخلوقات در برابر الله تعالی حاضر می‌شوند، ﴿وَإِن كُلّٞ لَّمَّا جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ﴾

۳. در مخلوقات الله تعالی، در زمین و ثمراتش، و در آسمان و ستارگانش، تفکّر کن، ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ﴾

ترجمه آیات

پس از [شهادت] او، هیچ سپاهی از آسمان بر قومش نفرستادیم و [پیش از این نیز] فروفرستنده نبودیم. (۲۸) [کیفرشان] جز یک بانگ مرگبار نبود؛ به‌ناگاه همگی [مرده و] خاموش گشتند. (۲۹) ای افسوس بر این بندگان! هیچ پیامبری به سویشان نیامد، مگر آنکه او را مسخره می‌کردند. (۳۰) آیا ندیده‌اند [و نمی‌دانند] که قبل از آنان چه بسیار نسل‌ها را هلاک کرده‌ایم که دیگر نزد اینها [به دنیا] بازنمی‌گردند؟ (۳۱) و [روز قیامت] هیچ کس نیست، مگر آنکه همگی [برای حسابرسی و جزادهی] نزد ما احضار می‌شوند. (۳۲) برای آنان [که قیامت را باور ندارند،] زمین خشک نشانه‌ای [عبرت‌آموز] است: ما آن [زمین] را زنده کردیم و از [خاک] آن دانه‌هایی رویاندیم که [مخلوقات الهی] از آن می‌خورند. (۳۳) و در آن [زمین] باغ‌هایی از نخل و انگور پدید آوردیم و چشمه‌ها در آن جاری ساختیم. (۳۴) تا [مردم] از میوه‌اش بخورند در حالی که این [محصولات، حاصل تلاش آنها نیست و آنها] را با دستان خود به عمل نیاورده‌اند [بلکه به رحمتی از جانب الله از آنها برخوردار شده‌اند]. پس آیا شکر به جای نمی‌آورند؟ (۳۵) پاک و منزه است آن [پروردگاری] که همهٔ گونه‌ها را آفریده است؛ از آنچه زمین می‌رویاند [= گیاهان و درختان] و از خودشان [=انسان‌ها] و از آنچه نمی‌دانند. (۳۶) و شب نشانه‌ای [دیگر از قدرت الهی] برایشان است [که] روز را از آن برکنار می‌کنیم و ناگهان [همه] در تاریکی فرومی‌روند. (۳۷) و خورشید [نیز پیوسته] به سوی قرارگاهش در حرکت است. این تقدیرِ [پروردگارِ] شکست‌ناپذیرِ داناست. (۳۸) و برای ماه [نیز] منزلگاه‌هایی مقرر نموده‌ایم تا [سرانجام از قرص کامل به هلال و] به شکل شاخهٔ خشک خرما بازگردد. (۳۹) نه خورشید را سزاوار است که [در سیر خود] به ماه برسد و نه شب بر روز پیشی می‌گیرد؛ و هر یک از [کُرات و سیارات] در مداری شناورند. (۴۰)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ﴾

یعنی: الله تعالی آنان را با یک فریاد که جبریل کشید نابود کرد و در عذاب‌کردن آنان نیازی نداشت لشکری از آسمان بفرستد؛ زیرا ضعیف‌تر از این امر بودند. ابن جزی: ۲/ ۲۲۳.

پرسش: بر اساس آیه ضعف و خواری آبادی‌ها را وقتی که الله عذاب آن‌ها را اراده کند توضیح دهید.

❷ ﴿وَمَآ أَنزَلۡنَا عَلَىٰ قَوۡمِهِۦ مِنۢ بَعۡدِهِۦ مِن جُندٖ مِّنَ ٱلسَّمَآءِ وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ﴾

یعنی: نیازی نبود که در عذاب آنان به خود سختی دهیم و لشکری از آسمان برای نابودی‌شان بفرستیم، ﴿وَمَا كُنَّا مُنزِلِينَ﴾ به سبب عدم نیاز به این کار، و بزرگی اقتدار الله و شدت ضعف انسان و این‌که اگر کوچک‌ترین عذاب الله به آنان می‌رسید برای‌شان کافی بود. سعدی: ۶۹۵.

پرسش: ضعف جنس انسان را بر اساس آیه توضیح دهید.

❸ ﴿يَٰحَسۡرَةً عَلَى ٱلۡعِبَادِۚ مَا يَأۡتِيهِم مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾

ای دریغ و افسوس و پشیمانی بندگان بر خودشان بدین سبب که رسولان الله را مسخره می‌کردند. قرطبی: ۱۷/ ۴۳۶.

پرسش: سبب وقوع افسوس و پشیمانی بندگان چیست؟

❹ ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلۡأَرۡضُ ٱلۡمَيۡتَةُ أَحۡيَيۡنَٰهَا وَأَخۡرَجۡنَا مِنۡهَا حَبّٗا فَمِنۡهُ يَأۡكُلُونَ﴾

الله تعالی با این مثال، از زنده‌گردانیدن مردگان خبر داد و توحید و قدرت کامل خویش را برای‌شان یادآوری کرد، که این زمین مرده را با رویش گیاهان و اخراج دانه‌ها زنده گردانید. قرطبی: ۱۷/ ۴۴۰.

پرسش: بیان زمین مُرده و زنده‌گرانیدن آن در این موضع چه فایده‌ای دارد؟

❺ ﴿سُبۡحَٰنَ ٱلَّذِي خَلَقَ ٱلۡأَزۡوَٰجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنۢبِتُ ٱلۡأَرۡضُ وَمِنۡ أَنفُسِهِمۡ وَمِمَّا لَا يَعۡلَمُونَ﴾

یعنی: شگفت است که با وجود مشاهدهٔ این آیات باز هم کفر می‌ورزند. انسان هر گاه از چیزی تعجب کند می‌گوید: سبحان الله. قرطبی: ۱۷/ ۴۴۱.

پرسش: انسان هنگام تعجب چه سخنی بر زبان می‌آورد؟

❻ ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمُ ٱلَّيۡلُ نَسۡلَخُ مِنۡهُ ٱلنَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظۡلِمُونَ ﴿٣٧﴾ وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَٱلۡقَمَرَ قَدَّرۡنَٰهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَٱلۡعُرۡجُونِ ٱلۡقَدِيمِ ﴿٣٩﴾ لَا ٱلشَّمۡسُ يَنۢبَغِي لَهَآ أَن تُدۡرِكَ ٱلۡقَمَرَ وَلَا ٱلَّيۡلُ سَابِقُ ٱلنَّهَارِۚ وَكُلّٞ فِي فَلَكٖ يَسۡبَحُونَ ﴿٤٠﴾﴾

هر یک از این امور، دلیل روشن و برهان آشکاری است بر عظمت آفریدگار و عظمت صفاتش، به‌خصوص صفت قدرت و حکمت و علم در این موضع. سعدی: ۶۹۶.

پرسش: بارزترین صفات الهی که آیات مذکور بر آن‌ها دلالت می‌کنند چیست؟

❼ ﴿وَٱلشَّمۡسُ تَجۡرِي لِمُسۡتَقَرّٖ لَّهَاۚ ذَٰلِكَ تَقۡدِيرُ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾

دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾ به سبب ارتباط معنای‌شان با نظام حرکت ستارگان بیان شدند؛ یعنی صفت عزت، با رام‌کردن این ستارگان بزرگ و صفت علم، با نظم دقیق و بدیع مناسبت دارد. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۱.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾ پایان یافت؟

ترجمه آیات

نشانه‌ای [دیگر از قدرت پروردگار] برای آنان، این است که پدرانشان را در کشتی انباشته [از سرنشین و بار] حمل کردیم. (۴۱) همچنین، چیزی همانند آن [کشتی] برایشان آفریده‌ایم که بر آن سوار شوند. (۴۲) اگر بخواهیم، غرقشان می‌کنیم؛ در این صورت، نه فریادرسی دارند و نه [از تقدیر الهی] رهایی می‌یابند؛ (۴۳) مگر اینکه رحمتی از جانب ما [ببینند] و بهره‌مندی [از نعمت‌های دنیا] تا زمانی [معیّن شامل حالشان شود]. (۴۴) و چون به آنان [= مشرکان] گفته می‌شود: «از آنچه [عذاب و سختی دنیا و آخرت] پیش رو و پشت سر دارید، پروا کنید؛ باشد که مورد رحمت قرار گیرید»، [هیچ اعتنا نمی‌کنند]. (۴۵) هیچ یک از نشانه‌های [قدرت و بزرگی] پروردگارشان بر آنان عرضه نمی‌گردد، مگر اینکه از آن روی می‌گردانند. (۴۶) و چون به آنان گفته می‌شود: «از آنچه الله روزی‌تان کرده است انفاق کنید»، کسانی که کفر ورزیده‌اند به کسانی که ایمان آورده‌اند می‌گویند: «آیا به کسی غذا بدهیم که اگر الله می‌خواست، [خود] به او غذا می‌داد؟ شما جز در گمراهی آشکار نیستید». (۴۷) و [با تمسخر به مؤمنان] می‌گویند: «اگر راستگویید، این وعده [قیامت] کی خواهد بود؟» (۴۸) [این منکران قیامت] جز در انتظار یک بانگ مرگبار نیستند که ناگهان، در حالی که سرگرم جدال [در امور دنیا] هستند، آنان را فراگیرد. (۴۹) [در آن هنگام] نه می‌توانند [به کسی] وصیت کنند و نه به سوی خانوادهٔ خود بازگردند. (۵۰) و [هنگامی که برای دومین بار] در صور دمیده شود و ناگهان از قبرهایشان [بیرون می‌آیند و] به سوی پروردگارشان می‌شتابند. (۵۱) [و با ناباوری] می‌گویند: «وای بر ما! چه کسی ما را از قبرهایمان برانگیخت؟» [به آنان گفته می‌شود:] «این همان [روزی] است که [پروردگار] رحمان وعده داده بود؛ و پیامبران [در این باره] راست می‌گفتند. (۵۲) [برانگیختن مردگان از گور،] جز یک بانگ هولناک [= دومین دمیدنِ صور] نیست و ناگهان همه را نزد ما حاضر می‌کنند. (۵۳) [بدانید که] امروز، به هیچ کس ستمی نمی‌شود و جز در برابرِ آنچه [در دنیا] کرده‌اید، جزا نمی‌بینید. (۵۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَءَايَةٌ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

فرزندان به سبب ناتوانی از سفر بیان شدند، بنابراین نعمت در مورد آنان اهمیت بیشتری دارد. ابن عطیه: ۴/ ۴۵۵.

پرسش: چرا واژهٔ ذریه (فرزندان) در آیه بیان شد؟

۲ ﴿مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ﴾

﴿وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ﴾ یعنی: از آن غافل بودند، در حالی که با یکدیگر جدال و مشاجره می‌کردند بر دل‌شان خطور نکرد، اما اغلب در وقت غفلت واقع می‌شود. سعدی: ۶۹۷.

پرسش: چرا عذاب وقتی نازل شد که آنان با یکدیگر دشمنی می‌کردند؟

۳ ﴿مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ يَخِصِّمُونَ﴾

یعنی: در مورد امر دنیایی خرید و فروش با یکدیگر نزاع می‌کردند و در مجالس بازارها با یکدیگر سخن می‌گفتند. بغوی: ۳/ ۶۴۳.

پرسش: حالِ غفلت بندگانی را که قیامت در میان آنان برپا می‌شود توضیح دهید.

۴ ﴿فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ تَوۡصِيَةٗ وَلَآ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ يَرۡجِعُونَ﴾

خانواده به این دلیل به صورت خاص بیان شد که سخن‌گفتن با آنان در این وقت، برای انسان مهم‌تر و مؤکدتر از سخن‌گفتن با بیگانگان است. ابن عطیه: ۴/ ۴۵۷.

پرسش: چرا در این آیه فقط خانواده بیان شد؟

۵ ﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾

بنابر قولی: وقتی کافران از یکدیگر بپرسند: ﴿مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَا﴾ به سبب این‌که اخبار رسولان را با چشم دیده‌اند آنان را تصدیق می‌کنند، سپس می‌گویند: ﴿هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾ ولی ما آن را تکذیب کردیم. زمانی که اقرار هیچ سودی به آنان نمی‌رساند اقرار می‌کنند. قرطبی: ۱۷/ ۴۶۵.

پرسش: چه زمانی پشیمانی کافران بر عدم ایمان و توبه آشکار می‌شود؟

۶ ﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَا﴾

منظور آنان قبرهای‌شان است که در دنیا اعتقاد داشتند از آن‌ها برانگیخته نمی‌شوند، اما وقتی آن‌چه را تکذیب می‌کردند در محشر ببینند می‌گویند: ﴿قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَا﴾. این سخن، عذاب آنان در قبر را نفی نمی‌کند؛ زیرا عذاب قبر در برابر عذابی که پس از آن می‌بینند از نظر سختی مانند خواب است. ابن کثیر: ۳/ ۵۵۲.

پرسش: آیا این سخن مشرکان با عذاب قبر منافات دارد که می‌گویند: ﴿يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَا﴾؟

۷ ﴿هَٰذَا مَا وَعَدَ ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ﴾

بیان نام رحمان در این‌جا فقط برای بیان وعدهٔ الله نیست، بلکه خبر می‌دهد از این‌که در آن روز بزرگ، مواردی از رحمت الله خواهند دید که به گمان هیچ‌کس نمی‌رسد و هیچ‌کس نمی‌تواند آن را برشمارَد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿ٱلۡمُلۡكُ يَوۡمَئِذٍ ٱلۡحَقُّ لِلرَّحۡمَٰنِ﴾ [الفرقان: ۲۶] و ﴿وَخَشَعَتِ ٱلۡأَصۡوَاتُ لِلرَّحۡمَٰنِ﴾ [طه: ۱۰۸] و مانند این موارد که نام رحمان در آن‌ها بیان می‌شود. سعدی: ۶۹۷.

پرسش: چرا در این‌جا از میان نام‌های نیکوی الله نام ﴿ٱلرَّحۡمَٰنُ﴾ انتخاب شد؟

سورة (يس) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٣)

وَءَايَةٞ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ٤١ وَخَلَقۡنَا
لَهُم مِّن مِّثۡلِهِۦ مَا يَرۡكَبُونَ ٤٢ وَإِن نَّشَأۡ نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ
وَلَا هُمۡ يُنقَذُونَ ٤٣ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ ٤٤ وَإِذَا
قِيلَ لَهُمُ ٱتَّقُواْ مَا بَيۡنَ أَيۡدِيكُمۡ وَمَا خَلۡفَكُمۡ لَعَلَّكُمۡ تُرۡحَمُونَ
٤٥ وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا
مُعۡرِضِينَ ٤٦ وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ إِنۡ
أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ ٤٧ وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ
صَٰدِقِينَ ٤٨ مَا يَنظُرُونَ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ تَأۡخُذُهُمۡ وَهُمۡ
يَخِصِّمُونَ ٤٩ فَلَا يَسۡتَطِيعُونَ تَوۡصِيَةٗ وَلَآ إِلَىٰٓ أَهۡلِهِمۡ
يَرۡجِعُونَ ٥٠ وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَإِذَا هُم مِّنَ ٱلۡأَجۡدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمۡ
يَنسِلُونَ ٥١ قَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا مَنۢ بَعَثَنَا مِن مَّرۡقَدِنَاۜۗ هَٰذَا مَا وَعَدَ
ٱلرَّحۡمَٰنُ وَصَدَقَ ٱلۡمُرۡسَلُونَ ٥٢ إِن كَانَتۡ إِلَّا صَيۡحَةٗ
وَٰحِدَةٗ فَإِذَا هُمۡ جَمِيعٞ لَّدَيۡنَا مُحۡضَرُونَ ٥٣ فَٱلۡيَوۡمَ لَا تُظۡلَمُ
نَفۡسٞ شَيۡـٔٗا وَلَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ ٥٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
فَلَا صَرِيخَ	هیچ فریادرسی نیست.
يَخِصِّمُونَ	در امور زندگی‌شان با یکدیگر جدال می‌کنند.
ٱلۡأَجۡدَاثِ	قبرها.
يَنسِلُونَ	به سرعت خارج می‌شوند.
مَّرۡقَدِنَا	قبرهای‌مان.

عمل به آیات

۱. در این امر بیندیش که اگر وسایل نقلیهٔ امروزی نبودند چه اندازه رنج و سختی می‌کشیدی، سپس از الله سپاس‌گزاری کن که این وسایل را رام ما قرار داد، ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ٤١ وَخَلَقۡنَا لَهُم مِّن مِّثۡلِهِۦ مَا يَرۡكَبُونَ﴾

۲. با اصرار این‌گونه از الله بخواه: «اللَّهُمَّ أَعُوذُ بِرِضَاكَ مِنْ سَخَطِكَ، وَبِمُعَافَاتِكَ مِنْ عُقُوبَتِكَ» [صحیح مسلم: ۴۸۶] «یا الله! از خشم تو به خشنودی‌ات و از عذاب تو به عفوت پناه می‌برم»، ﴿وَإِن نَّشَأۡ نُغۡرِقۡهُمۡ فَلَا صَرِيخَ لَهُمۡ وَلَا هُمۡ يُنقَذُونَ ٤٣ إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ﴾

۳. مقداری از مالت را به یک فقیر یا مسکین صدقه بده، ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمۡ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقَكُمُ ٱللَّهُ قَالَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوٓاْ أَنُطۡعِمُ مَن لَّوۡ يَشَآءُ ٱللَّهُ أَطۡعَمَهُۥٓ إِنۡ أَنتُمۡ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ مُّبِينٖ﴾

رهنمودها

۱. یکی از ضعف‌های بشریت این است که برای بقای خویش در زمان نوح ﷺ نیازمند یک کشتی بود، ﴿وَءَايَةٞ لَّهُمۡ أَنَّا حَمَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُمۡ فِي ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

۲. بنده فقط به رحمت الله تعالی از عذاب دنیوی و اخروی نجات می‌یابد، ﴿إِلَّا رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَمَتَٰعًا إِلَىٰ حِينٖ﴾

۳. هر گاه نشانه و اندرزی را شنیدی با جان و دل آن را بپذیر و به مفادش عمل کن، ﴿وَمَا تَأۡتِيهِم مِّنۡ ءَايَةٖ مِّنۡ ءَايَٰتِ رَبِّهِمۡ إِلَّا كَانُواْ عَنۡهَا مُعۡرِضِينَ﴾

سورة (يس) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٤)

إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ٥٥ هُمۡ وَأَزۡوَٰجُهُمۡ
فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ ٥٦ لَهُمۡ فِيهَا فَٰكِهَةٞ
وَلَهُم مَّا يَدَّعُونَ ٥٧ سَلَٰمٞ قَوۡلٗا مِّن رَّبّٖ رَّحِيمٖ ٥٨ وَٱمۡتَٰزُواْ
ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ ٥٩ ۞أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ
أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ ٦٠ وَأَنِ
ٱعۡبُدُونِيۚ هَٰذَا صِرَٰطٞ مُّسۡتَقِيمٞ ٦١ وَلَقَدۡ أَضَلَّ مِنكُمۡ
جِبِلّٗا كَثِيرًاۖ أَفَلَمۡ تَكُونُواْ تَعۡقِلُونَ ٦٢ هَٰذِهِۦ جَهَنَّمُ ٱلَّتِي
كُنتُمۡ تُوعَدُونَ ٦٣ ٱصۡلَوۡهَا ٱلۡيَوۡمَ بِمَا كُنتُمۡ تَكۡفُرُونَ ٦٤
ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم
بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ ٦٥ وَلَوۡ نَشَآءُ لَطَمَسۡنَا عَلَىٰٓ أَعۡيُنِهِمۡ
فَٱسۡتَبَقُواْ ٱلصِّرَٰطَ فَأَنَّىٰ يُبۡصِرُونَ ٦٦ وَلَوۡ نَشَآءُ لَمَسَخۡنَٰهُمۡ
عَلَىٰ مَكَانَتِهِمۡ فَمَا ٱسۡتَطَٰعُواْ مُضِيّٗا وَلَا يَرۡجِعُونَ
٦٧ وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ ٦٨
وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ
٦٩ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٠

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَرَآئِكِ	تخت‌های آراسته.
وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ	از مومنان جدا شوید و کناره بگیرید.
لَمَسَخۡنَٰهُمۡ	قطعاً آفرینش آنان را تغییر می‌دهیم.
مَكَانَتِهِمۡ	اماکن‌شان.
مُضِيّٗا	که به جلو حرکت کنند.
نُّعَمِّرۡهُ	عمرش را طولانی کنیم.
نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِ	او را به حالت نخستینش، یعنی ضعف، بازمی‌گردانیم.

عمل به آیات

۱. بگو: پروردگارا! نعمتی جاویدان از تو می‌خواهم، ﴿إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ﴾

۲. یک عمل صالح انجام بده؛ مانند کمک به یک مسلمان، برداشتن آزار از سر راه، پیاده‌رفتن به نماز و...، ﴿ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

۳. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أُرَدَّ إِلَى أَرْذَلِ العُمُرِ، أَوْ أَنْ يَتَخَبَّطَنِي الشَّيْطَانُ عِنْدَ الْمَوْتِ»؛ «یا الله! به تو پناه می‌برم از این‌که به پست‌ترین دوران زندگی بازگردم یا این‌که شیطان مرا هنگام مرگ بلغزاند»، ﴿وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِۚ أَفَلَا يَعۡقِلُونَ﴾

رهنمودها

۱. بهره‌مندی بهشتیان از نعمت‌های جاویدان، به پاداش طاعاتی است که در دنیا انجام داده‌اند، ﴿إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ ٥٥ هُمۡ وَأَزۡوَٰجُهُمۡ فِي ظِلَٰلٍ عَلَى ٱلۡأَرَآئِكِ مُتَّكِـُٔونَ﴾

۲. آیاتی از قرآن کریم را به آرامی و دقت بخوان و در آن‌ها تدبر کن؛ زیرا آیات کتاب الله دل‌ها را زنده می‌کند، ﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ ٦٩ لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۳. شعر و چیزهایی مانند سرودها که شبیه شعر هستند را زیاد نخوان تا تو را از قرآن کریم بازندارد، ﴿وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ﴾

ترجمه آیات

بی‌تردید، اهل بهشت امروز با شادمانی سرگرم [نعمت‌های الهی] هستند. (۵۵) آنان و همسرانشان در سایه‌ها[ی گستردهٔ بهشتی] بر تخت‌ها تکیه زده‌اند. (۵۶) در آنجا [هر گونه] میوه و هر چه بخواهند برایشان [فراهم] است. (۵۷) [برتر از این نعمت‌ها] سلامی است که سخن پروردگار مهربان است. (۵۸) [آنگاه به مشرکان خطاب می‌شود:] «ای گناهکاران، امروز [از مؤمنان] جدا شوید. (۵۹) ای فرزندان آدم، آیا با شما پیمان نبستم [و فرمان ندادم] که شیطان را عبادت نکنید [که] قطعاً او دشمن آشکارِ شماست؟ (۶۰) و اینکه [تنها] مرا عبادت کنید [که] راه راست همین است؟ (۶۱) و بی‌تردید، شیطان بسیاری از شما را گمراه ساخت. آیا اندیشه نمی‌کردید؟ (۶۲) این [همان] دوزخی است که به شما وعده داده می‌شد. (۶۳) امروز به سزای آنکه کفر می‌ورزیدید به آن [آتش] وارد شوید». (۶۴) امروز بر دهان‌هایشان مُهر می‌نهیم و دست‌هایشان با ما سخن می‌گویند و پاهایشان به آنچه می‌کردند گواهی می‌دهند. (۶۵) و اگر بخواهیم، بی‌تردید چشمانشان را محو می‌کنیم، آنگاه [با چشم بسته] به سوی [پل] صراط [از یکدیگر] پیشی می‌گیرند [تا به بهشت راه یابند]؛ اما مگر کجا را می‌بینند؟ (۶۶) و اگر بخواهیم، [ظاهرشان را تغییر می‌دهیم و چنان] آنان را در جای خود مسخ [و زمینگیر] می‌کنیم که نه بتوانند پیش بروند و نه به عقب بازگردند. (۶۷) و ما به هر کس که عمر طولانی بدهیم، در آفرینش دگرگونش می‌کنیم [و او را به ناتوانی ذهنی و بدنیِ دوران کودکی برمی‌گردانیم]. پس آیا [دربارهٔ قدرت پروردگار] نمی‌اندیشند؟ (۶۸) و ما به او [= محمد] شعر نیاموخته‌ایم و [شاعری،] شایستهٔ او نیست. این [که آموخته‌ایم، چیزی] نیست مگر اندرز و قرآنی روشن. (۶۹) تا هر کس را که زنده[دل] باشد، بیم دهد و فرمان [عذاب الهی] بر کافران محقّق گردد. (۷۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ أَصۡحَٰبَ ٱلۡجَنَّةِ ٱلۡيَوۡمَ فِي شُغُلٖ فَٰكِهُونَ﴾

آیه بیان می‌دارد قبل از این‌که جهنمیان به سوی جهنم برانگیخته شوند بهشتیان وارد نعمت‌های بهشتی می‌شوند و اهل بهشت در آستان مذکور حاضر نمی‌شوند. ابن عاشور: ۲۳/ ۴۱.

پرسش: یکی از بخشش‌های الله تعالی به بهشتیان این است که در ورود آنان به بهشت شتاب می‌کند. دلالت آیه بر این مطلب را توضیح دهید.

۲ ﴿وَٱمۡتَٰزُواْ ٱلۡيَوۡمَ أَيُّهَا ٱلۡمُجۡرِمُونَ﴾

مقاتل می‌گوید: امروز از صالحان کناره گیرید... ضحاک می‌گوید: هر کافری یک خانه در جهنم دارد که وارد آن می‌شود و در آن خانه با انبوهی آتش بسته می‌شود، بنابراین برای همیشه در آن می‌ماند. بغوی: ۳/ ۶۴۵.

پرسش: روز قیامت مجرمان چگونه از مومنان جدا می‌شوند؟

۳ ﴿أَلَمۡ أَعۡهَدۡ إِلَيۡكُمۡ يَٰبَنِيٓ ءَادَمَ أَن لَّا تَعۡبُدُواْ ٱلشَّيۡطَٰنَۖ إِنَّهُۥ لَكُمۡ عَدُوّٞ مُّبِينٞ﴾

توبیخ و سرزنش از تمام انواع کفر و گناهان مصداق این توبیخ است؛ زیرا تمام آن‌ها طاعت و عبادت شیطان به شمار می‌رود. سعدی: ۶۹۸.

پرسش: توبیخ مذکور در آیه بر چه امری وارد می‌شود؟

۴ ﴿ٱلۡيَوۡمَ نَخۡتِمُ عَلَىٰٓ أَفۡوَٰهِهِمۡ وَتُكَلِّمُنَآ أَيۡدِيهِمۡ وَتَشۡهَدُ أَرۡجُلُهُم بِمَا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ﴾

بنابر قولی: دست عمل را انجام می‌دهد و پا در محل انجام عمل حاضر است؛ سخن حاضر در مورد دیگری شهادت به شمار می‌رود اما سخن فاعل علیه خودش اقرار است به سخن یا عملی که از او سر زده است؛ بنابراین، آن‌چه را که از دستان سر می‌زند به قول و آن‌چه را که از پاها صادر می‌شود به شهادت تعبیر کرد. قرطبی: ۱۷/ ۴۷۶.

پرسش: چرا در مورد دستان واژهٔ کلام و در مورد پاها واژهٔ شهادت بیان شد؟

۵ ﴿وَمَن نُّعَمِّرۡهُ نُنَكِّسۡهُ فِي ٱلۡخَلۡقِ﴾

الله تعالی خبر می‌دهد که هر چه عمر انسان طولانی شود به سستی پس از قدرت و ناتوانی بعد از نشاط بازمی‌گردد... منظور این است که دنیا سرای نابودی و جابه‌جایی است نه سرای پایداری و آرمیدن- والله اعلم-. ابن کثیر: ۳/ ۵۵۵.

پرسش: منظور از این خبر که انسان در کهنسالی سرنگون می‌شود چیست؟

۶ ﴿وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓۚ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ وَقُرۡءَانٞ مُّبِينٞ﴾

ابن قاسم از مالک روایت کرده که وقتی در مورد سرودن شعر از او سوال شد، گفت: زیاد شعر نگو؛ زیرا یکی از عیوبش این است که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَمَا عَلَّمۡنَٰهُ ٱلشِّعۡرَ وَمَا يَنۢبَغِي لَهُۥٓ﴾. قرطبی: ۱۷/ ۴۸۴.

پرسش: آیا زیاد شعرسرودن، پسندیده است؟ چرا؟

۷ ﴿لِّيُنذِرَ مَن كَانَ حَيّٗا وَيَحِقَّ ٱلۡقَوۡلُ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

تا با قرآن بیم دهد ﴿مَن كَانَ حَيّٗا﴾ یعنی مومن است، قلبش زنده است؛ زیرا کافر از این نظر که تدبر و تفکر نمی‌کند مانند مرده است. بغوی: ۳/ ۶۴۹.

پرسش: منظور از زنده و مرده در آیه چیست؟

ترجمه آیات

آیا ندیده‌اند که ما از آنچه دست‌هایمان ساخته است، چهارپایانی برایشان آفریده‌ایم که مالک آنها هستند؟ (۷۱) و آنها را برایشان رام کردیم تا بر برخی سوار شوند و از [گوشت] برخی تغدیه کنند. (۷۲) و از آن [حیوانات،] بهره‌های دیگر و نوشیدنی‌هایی [= شیر] دارند. پس آیا شکر به جای نمی‌آورند؟ (۷۳) [با این همه نعمت، مشرکان] به جای الله معبودانی برگزیده‌اند؛ به این امید که [از سوی آنها] یاری شوند. (۷۴) آن [معبودهای باطل] قادر به یاری‌شان نیستند و این [مشرکان نیز در قیامت] لشکری برای آنها [= معبودهای باطل] خواهند بود که [همگی به آتش دوزخ] فراخوانده می‌شوند. (۷۵) [ای پیامبر،] سخن آنان تو را غمگین نسازد. بی‌تردید، ما آنچه را پنهان می‌کنند و آنچه را آشکار می‌سازند، [به خوبی] می‌دانیم. (۷۶) آیا انسان ندیده است که ما او را از نطفه‌ای آفریده‌ایم؛ [آنگاه مراحل رشد را طی کرد و] سپس دشمنی آشکار شد؟ (۷۷) و برای ما مثالی زد و آفرینش خویش را فراموش کرد [و] گفت: «چه کسی این استخوان‌ها را [دوباره] زنده می‌کند در حالی که پوسیده است؟» (۷۸) بگو: «همان ذاتی زنده‌اش می‌کند که نخستین بار آن را پدید آورد و او به هر آفرینشی داناست. (۷۹) همان ذاتی که از درخت سبز، آتشی برایتان پدید آورد و شما [در صورت نیاز،] خود از آن [درخت] آتش می‌افروزید». (۸۰) آیا ذاتی که آسمان‌ها و زمین را آفریده است، نمی‌تواند همانند اینها را [پس از مرگشان دوباره] بیافریند؟ آری [می‌تواند] و او آفرینندهٔ داناست. (۸۱) فرمان او چون چیزی را اراده کند تنها این است که به آن می‌گوید: «موجود شو»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود. (۸۲) پس پاک و منزه است پروردگاری که [حاکمیت و] اختیارِ همه چیز به دست اوست و [همگی] به سوی او بازگردانده می‌شوید. (۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَوَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا مَٰلِكُونَ﴾

یعنی: این چهارپایان را نگهداری می‌کنند و بر آن‌ها چیره هستند. به این معنا که: چهارپایان، وحشی و رمنده از انسان‌ها آفریده نشده‌اند که نتوانند آنان را نگاه دارند، بلکه رام انسان‌ها هستند. بغوی: ۳/ ۶۴۹.

پرسش: نعمت تملیک و رام‌کردن چهارپایان به بندگان را توضیح دهید؟

۲ ﴿وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾

یادآوری و منت‌نهادن با عبارت ﴿أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾ سؤال از سر تعجب را در بر دارد؛ زیرا سپاس‌گزاری از این نعمت‌های فراوان را تکرار نکردند؛ پس فعل مضارع که تکرار و استمرار را می‌رساند بیان شد؛ به این دلیل که نعمت‌های مذکور همیشه و پی در پی نازل می‌شد. ابن عاشور: ۲۳/ ۶۹.

پرسش: آیه بر اهمیت تجدید سپاس‌گزاری از الله تعالی در هر لحظه دلالت دارد. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ ۘ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾

ما می‌دانیم که حسادت باعث می‌شود این سخن را بگویند، در حالی که می‌دانند آن‌چه را تو نزدشان آورده‌ای شعر نیست و هیچ شباهتی به شعر ندارد و این‌که تو دروغگو نیستی؛ بنابراین ما می‌دانیم که آنان از حقیقت دعوت تو آگاه هستند اما آن را پنهان می‌دارند و این امر را در آشکار و با زبان انکار می‌کنند. طبری: ۲/ ۵۵۳.

پرسش: دعوتگر چه فایده‌ای از این آیه برداشت می‌کند؟

۴ ﴿إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ﴾

یعنی: ما تمام امور آنان را می‌دانیم و بر این اساس به آنان جزا خواهیم داد؛ روزی که هیچ یک از اعمال مهم یا بی‌ارزش و کوچک یا بزرگ‌شان را گم نمی‌کنند، بلکه تمام کارهای قدیم و جدیدشان بر آنان عرضه می‌شود. ابن کثیر: ۳/ ۵۵۸.

پرسش: الله تعالی به چه منظور خبر داد که اعمال آشکار و پنهان کافران را می‌داند؟

۵ ﴿قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾

یعنی: از وجود استخوان‌ها در کرانه‌ها و اطراف زمین آگاه است که کجا هستند و کجا ریزه ریزه و متلاشی شده‌اند. ابن کثیر: ۳/ ۵۵۹.

پرسش: گستردگی علم الله عزوجل را بر اساس آیه توضیح دهید.

۶ ﴿ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ﴾

در این‌جا سومین دلیل رستاخیز را بیان کرد: ﴿ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم مِّنْهُ تُوقِدُونَ﴾ یعنی وقتی آتش خشک را از درختی سبز و کاملاً مرطوب درآورد، در حالی که این دو کاملاً ضد و مخالف یکدیگر هستند، می‌تواند مردگان را از قبرهای‌شان خارج کند. سعدی: ۷۰۰.

پرسش: نحوهٔ استدلال آیه بر رستاخیز را توضیح دهید؟

۷ ﴿فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾

الله را آن‌گونه که شایسته است نشناختند. هر کس رستاخیز را انکار کند از قدرت الله سبحانه آگاهی ندارد. ابن جزی: ۲/ ۲۳۰.

پرسش: چرا کافران رستاخیز را انکار می‌کنند؟

أَوَلَمْ يَرَوْاْ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا
مَٰلِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ
﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ ﴿٧٣﴾ وَٱتَّخَذُواْ
مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ
نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ ﴿٧٥﴾ فَلَا يَحْزُنكَ قَوْلُهُمْ ۘ
إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ ﴿٧٦﴾ أَوَلَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا
خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ ﴿٧٧﴾ وَضَرَبَ لَنَا
مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ ۖ قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾
قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ
﴿٧٩﴾ ٱلَّذِى جَعَلَ لَكُم مِّنَ ٱلشَّجَرِ ٱلْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَآ أَنتُم
مِّنْهُ تُوقِدُونَ ﴿٨٠﴾ أَوَلَيْسَ ٱلَّذِى خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ
بِقَٰدِرٍ عَلَىٰٓ أَن يَخْلُقَ مِثْلَهُم ۚ بَلَىٰ وَهُوَ ٱلْخَلَّٰقُ ٱلْعَلِيمُ ﴿٨١﴾
إِنَّمَآ أَمْرُهُۥٓ إِذَآ أَرَادَ شَيْـًٔا أَن يَقُولَ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ﴿٨٢﴾
فَسُبْحَٰنَ ٱلَّذِى بِيَدِهِۦ مَلَكُوتُ كُلِّ شَىْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ ﴿٨٣﴾

سُورَةُ الصَّافَّاتِ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَذَلَّلْنَٰهَا	آن‌ها را رام کردیم.
رَكُوبُهُمْ	حیواناتی که در سفرهای‌شان بر آن‌ها سوار می‌شوند.
خَصِيمٌ	دشمن و ستیزه‌گری سرسخت.
رَمِيمٌ	پوسیده و ریزه‌ریزه‌شده.

عمل به آیات

۱. از الله تعالی در قبال نعمت سواری و خوردنی و نوشیدنی و پوشیدنی سپاس‌گزاری کن، ﴿أَوَ لَمْ يَرَوْاْ أَنَّا خَلَقْنَا لَهُم مِّمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَآ أَنْعَٰمًا فَهُمْ لَهَا مَٰلِكُونَ ﴿٧١﴾ وَذَلَّلْنَٰهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ ﴿٧٢﴾ وَلَهُمْ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَمَشَارِبُ ۖ أَفَلَا يَشْكُرُونَ﴾

۲. بگو: یا الله!! به اندازهٔ چشم به‌هم زدنی و حتی کمتر از آن، مرا به خودم وامگذار، ﴿لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ﴾

۳. بگو: یا الله! به من یاری رسان و دیگران را علیه من یاری نکن، مرا پیروز گردان و دیگران را بر من مسلط مگردان، مرا هدایت کن و هدایت را برایم آسان گردان، ﴿لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ﴾

رهنمودها

۱. در تمام نیازهایت فقط به سوی الله تعالی رجوع کن، ﴿وَٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ ﴿٧٤﴾ لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُندٌ مُّحْضَرُونَ﴾

۲. به مادهٔ اصلی خلقت خویش بیندیش تا حدود توان خویش را دریابی، ﴿أَوَ لَمْ يَرَ ٱلْإِنسَٰنُ أَنَّا خَلَقْنَٰهُ مِن نُّطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ﴾

۳. برای خرده‌گیری و رد حق، مجادله و ستیز نکن، ﴿وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِىَ خَلْقَهُۥ ۖ قَالَ مَن يُحْىِ ٱلْعِظَٰمَ وَهِىَ رَمِيمٌ ﴿٧٨﴾ قُلْ يُحْيِيهَا ٱلَّذِىٓ أَنشَأَهَآ أَوَّلَ مَرَّةٍ ۖ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ﴾.

سورة (الصافات) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٦)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا ﴿١﴾ فَٱلزَّٰجِرَٰتِ زَجۡرٗا ﴿٢﴾ فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا ﴿٣﴾ إِنَّ
إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ﴿٤﴾ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ
ٱلۡمَشَٰرِقِ ﴿٥﴾ إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ ﴿٦﴾ وَحِفۡظٗا
مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ﴿٧﴾ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ
مِن كُلِّ جَانِبٖ ﴿٨﴾ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ ﴿٩﴾ إِلَّا مَنۡ خَطِفَ
ٱلۡخَطۡفَةَ فَأَتۡبَعَهُۥ شِهَابٞ ثَاقِبٞ ﴿١٠﴾ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ أَهُمۡ أَشَدُّ خَلۡقًا أَم
مَّنۡ خَلَقۡنَآۚ إِنَّا خَلَقۡنَٰهُم مِّن طِينٖ لَّازِبِۭ ﴿١١﴾ بَلۡ عَجِبۡتَ وَيَسۡخَرُونَ
﴿١٢﴾ وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ ﴿١٣﴾ وَإِذَا رَأَوۡاْ ءَايَةٗ يَسۡتَسۡخِرُونَ ﴿١٤﴾
وَقَالُوٓاْ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا سِحۡرٞ مُّبِينٌ ﴿١٥﴾ أَءِذَا مِتۡنَا وَكُنَّا تُرَابٗا وَعِظَٰمًا
أَءِنَّا لَمَبۡعُوثُونَ ﴿١٦﴾ أَوَءَابَآؤُنَا ٱلۡأَوَّلُونَ ﴿١٧﴾ قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ
﴿١٨﴾ فَإِنَّمَا هِيَ زَجۡرَةٞ وَٰحِدَةٞ فَإِذَا هُمۡ يَنظُرُونَ ﴿١٩﴾ وَقَالُواْ يَٰوَيۡلَنَا
هَٰذَا يَوۡمُ ٱلدِّينِ ﴿٢٠﴾ هَٰذَا يَوۡمُ ٱلۡفَصۡلِ ٱلَّذِي كُنتُم بِهِۦ تُكَذِّبُونَ ﴿٢١﴾
۞ ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِن دُونِ
ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ ﴿٢٣﴾ وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡـُٔولُونَ ﴿٢٤﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا	سوگند به فرشتگان آن‌گاه که برای عبادت صف می‌بندند.
فَٱلزَّٰجِرَٰتِ	قسم به فرشتگان آن‌گاه که ابر را می‌رانند و به حرکت درمی‌آورند.
فَٱلتَّٰلِيَٰتِ ذِكۡرًا	قسم به فرشتگان آن‌گاه که ذکر و کلام الله را تلاوت می‌کنند.
مَّارِدٖ	جنّ سرکش و خارج از طاعت.
دُحُورٗا	برای راندن شیاطین از گوش‌دادن.
وَاصِبٌ	همیشگی و دردناک.
خَطِفَ ٱلۡخَطۡفَةَ	سخن را به سرعت بدزد و برباید.
لَّازِبِۭ	گِلی چسبنده.

عمل به آیات

۱. در آفرینش ستارگان بیندیش، سپس از الله تعالی سپاس‌گزاری کن که شیاطین را از استراق سمع بازداشت تا بندگان در فتنه نیفتند، ﴿وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ﴾

۲. از شر شیطانِ ملعون، به الله تعالی پناه ببر، ﴿وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ﴾

۳. نصیحتی را که شنیده‌ای به یاد آور و هر چه سریع‌تر آن را انجام بده، ﴿وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ﴾

رهنمودها

۱. در حالت شیاطین و رانده‌شدن آنان بعد از بعثت محمد ﷺ بیندیش، ﴿وَحِفۡظٗا مِّن كُلِّ شَيۡطَٰنٖ مَّارِدٖ ﴿٧﴾ لَّا يَسَّمَّعُونَ إِلَى ٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰ وَيُقۡذَفُونَ مِن كُلِّ جَانِبٖ ﴿٨﴾ دُحُورٗاۖ وَلَهُمۡ عَذَابٞ وَاصِبٌ﴾

۲. از کسانی مباش که پند و اندرز هیچ تأثیری در آنان ندارد، ﴿وَإِذَا ذُكِّرُواْ لَا يَذۡكُرُونَ﴾

۳. مراقب زبان و کارهایت باش تا در جایگاهی که دوست نداری در برابر الله قرار نگیری، ﴿وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡـُٔولُونَ﴾

سورهٔ صافات

ترجمه آیات

به نام الله بخشندهٔ مهربان

سوگند به فرشتگان صف‌به‌صف [که برای عبادت پروردگار ایستاده‌اند] (۱) و سوگند به فرشتگانی که ابرها را می‌رانند (۲) و سوگند به فرشتگانی که قرآن تلاوت می‌کنند (۳) [که] بی‌تردید، معبود شما یکتاست. (۴) [همان] پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست و پروردگار [خورشید در غروب‌گاه‌ها و] طلوع‌گاه‌ها. (۵) به راستی که ما آسمان دنیا را با زیورِ ستارگان آراستیم (۶) و [آن را] از [دسترس] هر شیطان سرکشی حفظ کردیم. (۷) [آن شیاطین، هرگز] نمی‌توانند [سخنان فرشتگان] عالم بالا را بشنوند و از هر سو [با شهاب‌های آتشین] تیرباران می‌شوند. (۸) [از ورود آنان، به عالم فرشتگان جلوگیری می‌شود و همواره به] عقب رانده می‌شوند و عذابی جاودان [در پیش] دارند؛ (۹) مگر کسی [از شیاطین] که ناگهان چیزی [از گفتگوی فرشتگان را] برباید که [در این صورت،] شهابی درخشان او را دنبال می‌کند. (۱۰) پس از آنان [= کافران] بپرس که آیا آفرینش [پیکرهای] آنان سخت‌تر است یا آنچه که ما [از زمین و آسمان‌ها و جهان بیکران] آفریده‌ایم؛ [در حالی که] ما آنها از گِلی [بی‌ارزش و] چسبنده پدید آوردیم. (۱۱) تو [از انکار آنان] در شگفتی و آنها [نیز سخنانت را دربارهٔ قیامت] مسخره می‌کنند. (۱۲) و چون پند داده شوند، نمی‌پذیرند. (۱۳) و چون نشانه‌ای [در مورد راستگویی پیامبر] می‌بینند، [آن را] به تمسخر می‌گیرند (۱۴) و می‌گویند: «این [قرآن، چیزی] نیست، مگر جادویی آشکار. (۱۵) آیا هنگامی که مردیم و خاک و استخوان شدیم، برانگیخته خواهیم شد؟ (۱۶) آیا پدران ما [نیز برانگیخته می‌شوند]؟» (۱۷) بگو: «آری؛ شما در حالی که خوار هستید [زنده می‌شوید]». (۱۸) [وقوع قیامت،] تنها با یک بانگ [سهمناک] است و ناگهان [همه از قبرها بیرون می‌آیند و در انتظار دستور پروردگار، وحشت قیامت را] نظاره می‌کنند. (۱۹) و می‌گویند: «وای بر ما! این [همان] روز جزاست». (۲۰) [گفته می‌شود: «آری،] این همان روز داوری است که آن را انکار می‌کردید». (۲۱) [به فرشتگان گفته می‌شود:] «کسانی را که [با شرک به خویش] ستم کرده‌اند با [همفکران و] همانندهایشان و آنچه به جای الله عبادت می‌کردند گرد آورید و آنان را به راه دوزخ هدایت کنید. (۲۲-۲۳) و آنان را نگه دارید که قطعاً [پیش از رفتن به دوزخ] بازخواست خواهند شد». (۲۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلصَّٰٓفَّٰتِ صَفّٗا﴾

آن‌گونه که مردم در دنیا برای نماز صف می‌بندند، فرشتگان در آسمان در صف می‌ایستند. بنابر قولی: بال‌های‌شان را در هوا می‌گسترانند و بدون حرکت می‌ایستند تا الله دستوری را که می‌خواهد به آنان بدهد. قرطبی: ۱۸/ ۶.

پرسش: فرشتگان در فروتنی و عبادت برای الله تعالی چه حالی دارند؟

۲ ﴿إِنَّ إِلَٰهَكُمۡ لَوَٰحِدٞ ﴿٤﴾ رَّبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا وَرَبُّ ٱلۡمَشَٰرِقِ﴾

یعنی: او آفریدگار، روزی‌دهنده و تدبیرکنندهٔ این مخلوقات است؛ پس همان‌گونه که در ربوبیت خویش هیچ شریکی ندارد در الوهیتش نیز بدون شریک است. الله تعالی در موارد زیادی توحید الوهیت را با توحید ربوبیت تایید می‌کند. مشرکان در عبادت نیز بر توحید ربوبیت اقرار داشتند؛ پس آنان را از طریق چیزهایی که اقرار داشتند به چیزهایی که انکار می‌کردند ملزم کرد. سعدی: ۷۰۰.

پرسش: چرا الله تعالی پس از بیان توحید الوهیت، توحید ربوبیت را ذکر کرد؟

۳ ﴿إِنَّا زَيَّنَّا ٱلسَّمَآءَ ٱلدُّنۡيَا بِزِينَةٍ ٱلۡكَوَاكِبِ﴾

الله تعالی فقط آسمان دنیا را بیان کرد؛ زیرا ما فقط این آسمان را مشاهده می‌کنیم و نیز به این دلیل که محافظت آسمان از شیطان فقط در این آسمان صورت می‌گیرد. ابن عطیه: ۴/ ۴۶۶.

پرسش: آسمان دنیا به دو دلیل در این‌جا به صورت خاص بیان شد. این دو دلیل چیست؟

۴ ﴿بَلۡ عَجِبۡتَ وَيَسۡخَرُونَ﴾

قتاده می‌گوید: پیامبر ﷺ از گمراهی انسان‌ها هنگام نزول قرآن شگفت‌زده شد؛ زیرا گمان می‌کرد هر کس قرآن را بشنود به آن ایمان می‌آورد، اما مشرکان وقتی قرآن را شنیدند آن را به ریشخند گرفتند و به آن ایمان نیاوردند. پیامبر ﷺ از این امر تعجب کرد. بغوی: ۳/ ۶۵۶.

پرسش: چرا پیامبر ﷺ از کفر مشرکان به قرآن تعجب کرد؟

۵ ﴿قُلۡ نَعَمۡ وَأَنتُمۡ دَٰخِرُونَ﴾

خوار و ذلیل؛ زیرا وقتی وقوع آن‌چه را که انکار می‌کردند ببینند ناگزیر خوار می‌شوند. قرطبی: ۱۸/ ۲۲.

پرسش: سبب خواری گناهکاران در روز قیامت چیست؟

۶ ﴿ٱحۡشُرُواْ ٱلَّذِينَ ظَلَمُواْ وَأَزۡوَٰجَهُمۡ وَمَا كَانُواْ يَعۡبُدُونَ ﴿٢٢﴾ مِن دُونِ ٱللَّهِ فَٱهۡدُوهُمۡ إِلَىٰ صِرَٰطِ ٱلۡجَحِيمِ﴾

آنان را برای حسابرسی و جزادهی، به سوی توقفگاه گرد آورید. ﴿وَأَزۡوَٰجَهُمۡ﴾: همانندها و پیروان و امثال آنان را. قتاده و کلبی می‌گویند: کسانی که اعمال آنان را انجام داده‌اند؛ یعنی شراب‌نوشان با شراب‌نوشان و زناکاران با زناکاران. بغوی: ۳/ ۶۵۷.

پرسش: انسان در روز قیامت با چه کسی محشور می‌شود؟ چه درسی از این موضوع می‌گیریم؟

۷ ﴿وَقِفُوهُمۡۖ إِنَّهُم مَّسۡـُٔولُونَ﴾

وقتی به سوی جهنم کشیده شوند آنان را کنار صراط متوقف می‌کنند، آن‌گاه گفته می‌شود: آنان را نگاه دارید که بازخواست می‌شوند. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: از تمام سخنان و کارهای‌شان بازخواست می‌شوند. بغوی: ۳/ ۶۵۷.

پرسش: ایستادن در برابر الله تعالی در کجا انجام می‌شود؟ و روز قیامت در مورد چه چیزی سؤال می‌شود؟

سورة (الصافات) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٧)

مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ ﴿٢٥﴾ بَلۡ هُمُ ٱلۡيَوۡمَ مُسۡتَسۡلِمُونَ ﴿٢٦﴾ وَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ
عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٢٧﴾ قَالُوٓاْ إِنَّكُمۡ كُنتُمۡ تَأۡتُونَنَا عَنِ ٱلۡيَمِينِ ﴿٢٨﴾
قَالُواْ بَل لَّمۡ تَكُونُواْ مُؤۡمِنِينَ ﴿٢٩﴾ وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيۡكُم مِّن سُلۡطَٰنِۭۖ
بَلۡ كُنتُمۡ قَوۡمٗا طَٰغِينَ ﴿٣٠﴾ فَحَقَّ عَلَيۡنَا قَوۡلُ رَبِّنَآۖ إِنَّا لَذَآئِقُونَ ﴿٣١﴾
فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ
﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ ﴿٣٤﴾ إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ
لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ ﴿٣٥﴾ وَيَقُولُونَ أَئِنَّا لَتَارِكُوٓاْ ءَالِهَتِنَا
لِشَاعِرٖ مَّجۡنُونِۭ ﴿٣٦﴾ بَلۡ جَآءَ بِٱلۡحَقِّ وَصَدَّقَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿٣٧﴾ إِنَّكُمۡ
لَذَآئِقُواْ ٱلۡعَذَابِ ٱلۡأَلِيمِ ﴿٣٨﴾ وَمَا تُجۡزَوۡنَ إِلَّا مَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَ
﴿٣٩﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿٤٠﴾ أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٤١﴾
فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ
﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيۡهِم بِكَأۡسٖ مِّن مَّعِينِۭ ﴿٤٥﴾ بَيۡضَآءَ لَذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ
﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ
ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ ﴿٤٩﴾ فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ
بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ ﴿٥١﴾

ترجمه آیات

[از دوزخیان می‌پرسند:] «چرا [مانند دنیا] از یکدیگر حمایت نمی‌کنید؟» (۲۵) بلکه امروز [همگی] تسلیم [امرِ پروردگار] هستند. (۲۶) و سرزنش‌کنان به یکدیگر رو می‌کنند (۲۷) [و به رهبران و بزرگان خود] می‌گویند: «شما [برای به کفر کشاندنِ ما، با ادعای دین راستین و] از موضع حق به سراغمان می‌آمدید». (۲۸) [رهبرانشان] می‌گویند: «[ما مقصر نیستیم؛] بلکه شما خود ایمان نداشتید؛ (۲۹) و ما هیچ تسلطی بر شما نداشتیم؛ بلکه شما خود گروهی سرکش بودید. (۳۰) [اکنون] فرمان مجازاتِ پروردگارمان بر ما محقق شده و به راستی، ما [همگی عذاب دوزخ را] خواهیم چشید. (۳۱) شما را گمراه نمودیم [چرا که] در حقیقت، خود نیز گمراه بودیم». (۳۲) یقیناً آن روز [همهٔ آنان] در عذاب شریکند. (۳۳) بی‌تردید، ما با گناهکاران اینچنین [رفتار] می‌کنیم. (۳۴) آنان بودند که وقتی به آنان گفته می‌شد: «معبودی [به‌حق] جز الله نیست» سرکشی [و تکبر] می‌کردند. (۳۵) و می‌گفتند: «آیا ما معبودانمان را به خاطر [سخن] شاعری دیوانه رها کنیم؟» (۳۶) [چنین نیست] بلکه او حق [= توحید] را آورده و پیامبران [پیشین] را تصدیق کرده است. (۳۷) شما [کافران] قطعاً عذاب دردناک [دوزخ] را می‌چشید. (۳۸) و جز [در برابر] آنچه می‌کردید مجازات نمی‌شوید. (۳۹) [همه عذاب می‌بینند؛] مگر بندگان مخلص الله. (۴۰) آنان [در پیشگاهِ پروردگار،] روزیِ مشخصی دارند: (۴۱) [انواع] میوه‌ها [را در اختیار خواهند داشت] و گرامی داشته می‌شوند. (۴۲) در باغ‌های پرنعمت [بهشت]؛ (۴۳) در حالی که مقابل یکدیگر بر تخت‌ها [تکیه زده‌اند]؛ (۴۴) جامی از شراب ناب [و زلال] پیرامونشان می‌گردانند؛ (۴۵) [شرابی روشن و] سپید که برای نوشندگانش لذت‌بخش است؛ (۴۶) [شرابی که خماری و] سردردی در نوشیدنش نیست و از آن مست نمی‌گردند. (۴۷) و نزدشان زنانی زیباچشم است که تنها [به شوهران خود] نظر دارند [و تنها به آنها عشق می‌ورزند]. (۴۸) [زنانی که] گویی پردهٔ سفید داخلی تخم [پرندگان] هستند که [از دسترس همگان] پنهان مانده‌اند. (۴۹) [بهشتیان دربارهٔ رخدادهای دنیا صحبت می‌کنند و] برخی از آنان پرسش‌کنان رو به برخی دیگر می‌کنند. (۵۰) یکی از آنان می‌گوید: «من [در دنیا] همنشینی داشتم. (۵۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ﴾

گویی به این سوال پاسخ نمی‌دهند؛ زیرا خواری و حقارت بر آنان چیره گشته و تسلیم عذاب جهنم شده‌اند و خوار و فروتن و نومید هستند بنابراین سخن نمی‌گویند. سعدی: ۷۰۲.

پرسش: چرا الله تعالی سوال از جهنمیان را ذکر کرد اما پاسخ آنان را بیان نکرد؟

۲ ﴿فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ ﴿٣٣﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَفۡعَلُ بِٱلۡمُجۡرِمِينَ﴾

همین رفتار را در برابر کسانی داریم که در دنیا معاصی الله را بر طاعتش و کفر به او را بر ایمان ترجیح دادند؛ یعنی عذاب دردناک را به آنان می‌چشانیم و آنان را با همنشینان‌شان در جهنم گرد می‌آوریم. طبری: ۲۱/ ۳۳.

پرسش: اشتراک و تشابه در دنیا به اشتراک در آخرت منجر می‌شود. این مطلب را توضیح دهید.

۳ ﴿أُوْلَٰٓئِكَ لَهُمۡ رِزۡقٞ مَّعۡلُومٞ ﴿٤١﴾ فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ ﴿٤٣﴾ عَلَىٰ سُرُرٖ مُّتَقَٰبِلِينَ ﴿٤٤﴾ يُطَافُ عَلَيۡهِم بِكَأۡسٖ مِّن مَّعِينِۭ ﴿٤٥﴾ بَيۡضَآءَ لَذَّةٖ لِّلشَّٰرِبِينَ ﴿٤٦﴾ لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ ﴿٤٧﴾ وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ ﴿٤٨﴾ كَأَنَّهُنَّ بَيۡضٞ مَّكۡنُونٞ﴾

خوراکی و نوشیدنی و مجالس بهشتیان را ذکر کرد. تمام نعمت‌ها و جزئیات آن‌ها در عموم عبارت ﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ﴾ قرار دارد، اما به تفصیل این موارد پرداخت تا مردم مایل و مشتاق آن‌ها شوند. سعدی: ۷۰۳.

پرسش: چرا به تفصیل نعمت‌های بهشتیان پرداخت در حالی که عبارت ﴿فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ﴾ تمام این نعمت‌ها را شامل می‌شود؟

۴ ﴿فَوَٰكِهُ وَهُم مُّكۡرَمُونَ ﴿٤٢﴾ فِي جَنَّٰتِ ٱلنَّعِيمِ﴾

الله تعالی با بالابردن درجات آنان و شنواندن کلامش و دیدار خود، آنان را گرامی می‌دارد. قرطبی: ۱۸/ ۲۹.

پرسش: یکی از موارد اکرام الله تعالی به بهشتیان را بیان کنید؟

۵ ﴿لَا فِيهَا غَوۡلٞ وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ﴾

یعنی: عقل‌شان نمی‌پرد و به بیماری و سردرد دچار نمی‌شوند. الله تعالی مستی را از بهشتیان زدوده است تا لذت‌بردن از نعمت‌ها قطع نشود. قرطبی: ۱۸/ ۳۱- ۳۳.

پرسش: چرا الله تعالی مستی را از بهشتیان برداشته است؟

۶ ﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ عِينٞ﴾

به سبب پاکدامنی خویش، فقط به شوهران‌شان نگاه می‌کنند و به سبب زیبایی و کمال شوهران‌شان به دیگران نمی‌نگرند؛ به‌گونه‌ای که در بهشت فقط شوهران‌شان را می‌خواهند و فقط به آن‌ها متمایل می‌شوند... این موضوع بر زیبایی مردان در بهشت دلالت دارد. سعدی: ۷۰۳.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر کمال زیبایی مردان در بهشت را توضیح دهید؟

۷ ﴿فَأَقۡبَلَ بَعۡضُهُمۡ عَلَىٰ بَعۡضٖ يَتَسَآءَلُونَ ﴿٥٠﴾ قَالَ قَآئِلٞ مِّنۡهُمۡ إِنِّي كَانَ لِي قَرِينٞ﴾

مسلماً لذت علما از مباحثهٔ علمی، فراتر از لذات موجود در سخنان دنیاست، بنابراین سهم فراوانی در این نوع پاداش دارند و حقایق علمی‌ای در بهشت برای‌شان آشکار می‌گردد که قابل بیان نیست. سعدی: ۷۰۴.

پرسش: علما نعمتی مخصوص در بهشت از طریق گفتگو با یکدیگر کسب می‌کنند، این نعمت چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَنِ ٱلۡيَمِينِ	از جانب حق و دین.
سُلۡطَٰنِۭ	دلیل یا قدرتی.
طَٰغِينَ	متجاوزان از حد در نافرمانی.
فَحَقَّ عَلَيۡنَا	بر ما واجب شد.
ٱلۡمُخۡلَصِينَ	کسانی که در عبادت الله اخلاص ورزیدند، در نتیجه الله نیز آنان را برگزید و رحمت خویش را به آنان اختصاص داد.
لَا فِيهَا غَوۡلٞ	عقل‌شان را از بین نمی‌برد.
وَلَا هُمۡ عَنۡهَا يُنزَفُونَ	نه مست می‌شوند و نه آسیب جسمی می‌بینند.
مَّكۡنُونٞ	محفوظی که هیچ دستی به آن نرسیده است.
قَرِينٞ	دوست و همنشینی برایم.

عمل به آیات

۱. با یکی از برادرانت به خاطر الله دیدار کن، ﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ﴾

۲. با نوشتن پیامی، از یکی از دعوتگران دفاع کن، ﴿مَا لَكُمۡ لَا تَنَاصَرُونَ﴾

۳. امروز عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ» را زیاد بگو، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾

رهنمودها

۱. با مردم صالح همنشین شو و افراد پست و فرومایه را رها کن، ﴿فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ﴾

۲. از پیشوایان گمراه‌کننده و خواسته‌های‌شان برحذر باش که آنان در روز قیامت به دشمن تبدیل می‌شوند، ﴿فَأَغۡوَيۡنَٰكُمۡ إِنَّا كُنَّا غَٰوِينَ ﴿٣٢﴾ فَإِنَّهُمۡ يَوۡمَئِذٖ فِي ٱلۡعَذَابِ مُشۡتَرِكُونَ﴾

۳. در برابر حق فروتن و متواضع باش و تکبر را رها کن، ﴿إِنَّهُمۡ كَانُوٓاْ إِذَا قِيلَ لَهُمۡ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا ٱللَّهُ يَسۡتَكۡبِرُونَ﴾

سورة (الصافات) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٨)

يَقُولُ أَءِنَّكَ لَمِنَ ٱلْمُصَدِّقِينَ ٥٢ أَءِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظَٰمًا أَءِنَّا
لَمَدِينُونَ ٥٣ قَالَ هَلْ أَنتُم مُّطَّلِعُونَ ٥٤ فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ
ٱلْجَحِيمِ ٥٥ قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ٥٦ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى
لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ ٥٧ أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ ٥٨ إِلَّا مَوْتَتَنَا
ٱلْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ ٥٩ إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلْفَوْزُ ٱلْعَظِيمُ ٦٠
لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ ٦١ أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ
ٱلزَّقُّومِ ٦٢ إِنَّا جَعَلْنَٰهَا فِتْنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ ٦٣ إِنَّهَا شَجَرَةٌ
تَخْرُجُ فِىٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ ٦٤ طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ
٦٥ فَإِنَّهُمْ لَءَاكِلُونَ مِنْهَا فَمَالِـُٔونَ مِنْهَا ٱلْبُطُونَ ٦٦ ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ
عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ ٦٧ ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ ٦٨
إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ ٦٩ فَهُمْ عَلَىٰٓ ءَاثَٰرِهِمْ يُهْرَعُونَ ٧٠
وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ ٧١ وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِم
مُّنذِرِينَ ٧٢ فَٱنظُرْ كَيْفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلْمُنذَرِينَ ٧٣
إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلْمُخْلَصِينَ ٧٤ وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ
ٱلْمُجِيبُونَ ٧٥ وَنَجَّيْنَٰهُ وَأَهْلَهُۥ مِنَ ٱلْكَرْبِ ٱلْعَظِيمِ ٧٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَمَدِينُونَ	جزا داده می‌شویم و مورد محاسبه قرار می‌گیریم.
إِن كِدتَّ	قطعاً نزدیک بود.
لَتُرْدِينِ	مرا با گمراهی و فریب نابود کنی.
ٱلْمُحْضَرِينَ	کسانی که همراه تو در عذاب حاضر شده‌اند.
طَلْعُهَا	میوه‌اش.
لَشَوْبًا	آمیزه و ترکیبی.
أَلْفَوْا۟	یافتند.
يُهْرَعُونَ	بر پیروی از آنان در گمراهی شتاب می‌کنند.

عمل به آیات

۱. امروز در کار مادرت به او کمک کن، ﴿لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ﴾

۲. یک روز به نیت تقرب به سوی الله تعالی روزه بگیر تا از گرمای روز قیامت نجات یابی، ﴿لِمِثْلِ هَٰذَا فَلْيَعْمَلِ ٱلْعَٰمِلُونَ﴾

۳. با ندا و تضرع و زاری، به درگاه الله تعالی دعا کن، ﴿وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ﴾

رهنمودها

۱. یک دوست صالح، از ده دوست جاهل بهتر است، ﴿فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ ۝٥٥ قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ۝٥٦ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ﴾

۲. به هیچ‌کس ستم نکن که درخت زقّوم عذاب ستمکاران است، ﴿أَذَٰلِكَ خَيْرٌ نُّزُلًا أَمْ شَجَرَةُ ٱلزَّقُّومِ ۝٦٢ إِنَّا جَعَلْنَٰهَا فِتْنَةً لِّلظَّٰلِمِينَ﴾

۳. بدان که هیچ اجابت‌کننده و هیچ فریادرسی جز الله وجود ندارد، ﴿وَلَقَدْ نَادَىٰنَا نُوحٌ فَلَنِعْمَ ٱلْمُجِيبُونَ﴾

ترجمه آیات

[که پیوسته به من] می‌گفت: آیا تو واقعاً [به قیامت] باور داری؟ (۵۲) آیا هنگامی که مُردیم و خاک و استخوان شدیم، آیا حقیقتاً [زنده می‌شویم و در قبال کارهایمان مورد محاسبه قرار می‌گیریم و] به ما کیفر می‌دهند؟!» (۵۳) [سپس به دوستان بهشتی‌اش] می‌گوید: «آیا [شما نیز همراه من] سر می‌کشید [تا بدانیم او کجاست]؟» (۵۴) آنگاه خود سر می‌کشد و او را در میان دوزخ می‌بیند. (۵۵) به وی می‌گوید: «به الله سوگند که نزدیک بود مرا [با وسوسه‌های کفرآمیزت] نابود سازی. (۵۶) اگر نعمتِ [هدایتِ] پروردگارم نبود، من نیز از حاضرشدگان [در دوزخ] بودم». (۵۷) [آنگاه به بهشتیان می‌گوید:] «آیا ما جز مرگ نخستین، مرگ دیگری نخواهیم داشت و عذاب نمی‌شویم؟ (۵۸-۵۹) به راستی که این همان کامیابی بزرگ است». (۶۰) اهل عمل، باید برای چنین [پاداشی] بکوشند. (۶۱) آیا این [نعمت بهشت، کریمانه‌تر و] برای پذیرایی بهتر است یا درختِ زَقّوم [در دوزخ]؟ (۶۲) بی‌تردید، ما آن درخت را مایهٔ آزمایش ستمکاران [مشرک] قرار داده‌ایم [چرا که می‌گویند: «هیچ درختی در آتش نمی‌روید»]. (۶۳) در حقیقت، آن [مایهٔ عذاب،] درختی است که از ژرفای دوزخ می‌روید. (۶۴) میوه‌اش [چنان بدمنظر است که] گویی سرهای شیاطین است. (۶۵) آنان [= دوزخیان] از [میوه‌های تلخ] آن می‌خورند و شکم‌ها را از آنها انباشته می‌کنند. (۶۶) آنگاه بر روی این [غذای ناپاک، به جای نوشیدنی] آمیزه‌ای از آب جوشان دارند. (۶۷) سپس یقیناً بازگشتشان به دوزخ است. (۶۸) آنان پدران خود را گمراه یافتند؛ (۶۹) و [همچنان] در پیِ آنان می‌شتافتند. (۷۰) و قطعاً قبل از آنان نیز بیشتر پیشینیان گمراه شدند. (۷۱) و بی‌تردید، ما هشداردهندگان [بسیاری] میان آنان فرستادیم. (۷۲) پس بنگر که سرانجامِ هشداریافتگان چگونه بود. (۷۳) [همه گرفتار عذاب شدند] مگر بندگان مخلص الله. (۷۴) نوح به درگاه ما دعا کرد و [ما] چه نیکو اجابت‌کننده بودیم! (۷۵) و او و خانواده‌اش را [به همراه مؤمنان] از بلای بزرگ [طوفان] نجات دادیم (۷۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ ۝٥٥ قَالَ تَٱللَّهِ إِن كِدتَّ لَتُرْدِينِ ۝٥٦ وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ﴾

آیه بر دوری از دوستان ناباب و وجوب خویشتنداری از مهلکه‌هایی که می‌آرایند و بدان فرا می‌خوانند اندرز می‌دهد. ابن عاشور: ۲۳/ ۱۱۹.

پرسش: خطر همنشین بد را بر اساس آیه توضیح دهید؟

۲ ﴿فَٱطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِى سَوَآءِ ٱلْجَحِيمِ﴾

یکی از علما گفته است: اگر الله دوست جهنمی‌اش را به او نشناساند نمی‌تواند او را بشناسد؛ زیرا رنگ و شکلش تغییر کرده است. قرطبی: ۱۸/ ۳۹.

پرسش: انسان چگونه دوستش را در جهنم می‌شناسد در حالی که رنگ و شمایلش تغییر یافته است؟

۳ ﴿وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ﴾

﴿وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّى﴾ اگر الله بر من مهربانی نمی‌کرد و نعمت اسلام را بر من نمی‌بخشید، ﴿لَكُنتُ مِنَ ٱلْمُحْضَرِينَ﴾ همراه تو در آتش می‌بودم. بغوی: ۳/ ۶۶۱.

پرسش: آیا مؤمن فقط به سبب عمل و طاعتش از جهنم و آتش آن نجات می‌یابد؟

۴ ﴿إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِىٓ أَصْلِ ٱلْجَحِيمِ﴾

یعنی این محل رویش و عنصر درخت زقوم است که بدترین و زشت‌ترین عنصر است؛ بدی کشتزار بر بدی و پستی کشت دلالت می‌کند؛ از این رو، الله با ذکر بیان این‌که از کجا می‌روید و با ذکر صفت ثمره‌اش، از بدی آن خبر داد. سعدی: ۷۰۴.

پرسش: توصیف درخت زقّوم به این‌که از قعر جهنم می‌روید چه نکته‌ای در بر دارد؟

۵ ﴿طَلْعُهَا كَأَنَّهُۥ رُءُوسُ ٱلشَّيَٰطِينِ﴾

این عبارت، زشتی و ناپسندی میوهٔ درخت زقوم را می‌رساند... هر چند سرهای شیاطین برای مخاطبان ناشناخته است، اما چون در دل‌ها چنین جا افتاده که شیاطین زشت منظر هستند، میوهٔ درخت را به سرهای آنان تشبیه کرد. ابن کثیر: ۴/ ۱۲.

پرسش: چرا میوهٔ درخت زقوم به چیزی ناشناخته یعنی سرهای شیاطین تشبیه شد؟

۶ ﴿ثُمَّ إِنَّ مَرْجِعَهُمْ لَإِلَى ٱلْجَحِيمِ ۝٦٨ إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ﴾

گویی سوال می‌شود: چه چیزی آنان را به این سرا رسانید؟ آن‌گاه پاسخ داده می‌شود که: ﴿إِنَّهُمْ أَلْفَوْا۟ ءَابَآءَهُمْ ضَآلِّينَ﴾؛ «آنان نیاکان‌شان را گمراه یافتند». سعدی: ۷۰۴.

پرسش: چه ارتباطی میان دو آیهٔ فوق وجود دارد؟

۷ ﴿وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ ٱلْأَوَّلِينَ﴾

فرمود قبل از آنان، بیشترِ پیشینیان گمراه شدند، تا کم‌خردان فریب فراوانی مشرکان را نخورند و بدانند تعداد زیاد، گمراهی گمراهان و خطای خطاکاران را توجیه نمی‌کند... پس وقتی یکی از آنان زیاد یا کم شد، کوته‌نظران و کم‌خردان را به فتنه نیندازد؛ الله تعالی می‌فرماید: ﴿قُل لَّا يَسْتَوِى ٱلْخَبِيثُ وَٱلطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ ٱلْخَبِيثِ﴾ [المائده: ۱۰۰] «بگو: ناپاک و پاک یکسان نیست و اگر چه کثرت ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد». ابن عاشور: ۲۳/ ۱۲۸.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که فراوانی یا کمی، دلیل هدایت یا گمراهی نیست.

سورة (الصافات) الجزء (٢٣) صفحة (٤٤٩)

وَجَعَلۡنَا ذُرِّيَّتَهُۥ هُمُ ٱلۡبَاقِينَ ٧٧ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ٧٨ سَلَٰمٌ
عَلَىٰ نُوحٖ فِي ٱلۡعَٰلَمِينَ ٧٩ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ٨٠ إِنَّهُۥ
مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ٨١ ثُمَّ أَغۡرَقۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ٨٢ ۞ وَإِنَّ مِن
شِيعَتِهِۦ لَإِبۡرَٰهِيمَ ٨٣ إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ ٨٤ إِذۡ قَالَ
لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ ٨٥ أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ
٨٦ فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٨٧ فَنَظَرَ نَظۡرَةٗ فِي ٱلنُّجُومِ ٨٨
فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٞ ٨٩ فَتَوَلَّوۡاْ عَنۡهُ مُدۡبِرِينَ ٩٠ فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ
فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ ٩١ مَا لَكُمۡ لَا تَنطِقُونَ ٩٢ فَرَاغَ عَلَيۡهِمۡ ضَرۡبَۢا
بِٱلۡيَمِينِ ٩٣ فَأَقۡبَلُوٓاْ إِلَيۡهِ يَزِفُّونَ ٩٤ قَالَ أَتَعۡبُدُونَ مَا تَنۡحِتُونَ
٩٥ وَٱللَّهُ خَلَقَكُمۡ وَمَا تَعۡمَلُونَ ٩٦ قَالُواْ ٱبۡنُواْ لَهُۥ بُنۡيَٰنٗا فَأَلۡقُوهُ
فِي ٱلۡجَحِيمِ ٩٧ فَأَرَادُواْ بِهِۦ كَيۡدٗا فَجَعَلۡنَٰهُمُ ٱلۡأَسۡفَلِينَ ٩٨
وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ ٩٩ رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ
١٠٠ فَبَشَّرۡنَٰهُ بِغُلَٰمٍ حَلِيمٖ ١٠١ فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ
إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ
ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ ١٠٢

ترجمه آیات

و [پس از طوفان، فقط پیروان مؤمن و] خانوادهٔ او را [در زمین] باقی گذاشتیم (۷۷) و در میان آیندگان [نام نیک] برایش به جا نهادیم. (۷۸) سلام [و ستایش] جهانیان بر نوح باد. (۷۹) به راستی، ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۸۰) بی‌تردید، او از بندگان مؤمن ما بود. (۸۱) آنگاه دیگران را [که در طوفان مانده بودند] غرق کردیم. (۸۲) و قطعاً ابراهیم از پیروان او [= نوح] بود. (۸۳) [یاد کن از] هنگامی که وی با دلی پاک [و خالی از شرک] به [درگاه] پروردگارش آمد. (۸۴) آنگاه که به پدر و قومش گفت: «چه چیزی عبادت می‌کنید؟ (۸۵) آیا به جای الله، این معبودان دروغین را می‌خواهید؟ (۸۶) گمانتان دربارهٔ پروردگار جهانیان چیست؟» (۸۷) سپس نگاهی به ستارگان افکند [و اندیشید]. (۸۸) و گفت: «من بیمارم [و در جشن شرکت نمی‌کنم]». (۸۹) پس [مردم] او را ترک کردند و رفتند. (۹۰) آنگاه پنهانی نزد معبودهایشان رفت و [با تمسخر] گفت: «چیزی نمی‌خورید؟ (۹۱) شما را چه شده است که سخن نمی‌گویید؟» (۹۲) سپس با دست راست خود ضربه‌ای [محکم] بر آنها وارد آورد [و جز بُت بزرگ، همه را شکست]. (۹۳) قومش شتابان به سوی او آمدند. (۹۴) [ابراهیم] گفت: «آیا چیزی را که خود می‌تراشید عبادت می‌کنید؟ (۹۵) و حال آنکه الله، [هم] شما و [هم] آنچه را انجام می‌دهید آفریده است». (۹۶) [وقتی بُت‌پرستان از پاسخ درماندند،] گفتند: «بنایی [بلند] برایش بسازید و او را در آتش بیفکنید». (۹۷) برای [نابودی] او نیرنگی خواستند و[لی] ما آنان را پست و [مغلوب] ساختیم [و آتش بر ابراهیم سرد و بی‌اثر شد]. (۹۸) و گفت: «من به سوی [سرزمین دیگری برای عبادتِ] پروردگارم می‌روم [و هجرت می‌کنم] و او مرا هدایت خواهد کرد. (۹۹) پروردگارا، [فرزندی] از شایستگان به من عطا کن». (۱۰۰) ما [دعایش را مستجاب کردیم و] او را به تولد پسری بردبار بشارت دادیم. (۱۰۱) و چون [اسماعیل] به [سن نوجوانی و] حد تلاش [و همکاری] با او [= ابراهیم] رسید، به وی گفت: پسرم، در خواب [به من وحی می‌شود و] می‌بینم که تو را ذبح می‌کنم. نظرت در این باره چیست؟» [اسماعیل] گفت: «پدرجان، آنچه را به تو امر شده است انجام بده. ان شاء الله مرا [در برابر اجرای این فرمان،] شکیبا خواهی یافت». (۱۰۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ﴾

پاک‌شده از شرک و شک. عوف أعرابی می‌گوید: از محمد بن سیرین پرسیدم: قلب سلیم چیست؟ گفت: خیرخواه برای الله در میان مخلوقاتش. قرطبی: ۱۸/ ۵۰.

پرسش: قلب سلیم چه نشانه‌هایی دارد تا خود را با آن بیاراییم؟

۲ ﴿فَمَا ظَنُّكُم بِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

در مورد پروردگار جهانیان گمان بردید چه برخوردی با شما خواهد داشت که دیگران را همراه او عبادت کردید؟ این تهدیدی است برای آنان مبنی بر جزا به کیفر در قبال ماندن بر شرک‌شان. سعدی: ۷۰۵.

پرسش: تهدید و ترهیبی را که در آیه برای مشرکان وجود دارد توضیح دهید.

۳ ﴿فَرَاغَ إِلَىٰٓ ءَالِهَتِهِمۡ فَقَالَ أَلَا تَأۡكُلُونَ﴾

ابراهیم عليه السلام این سخن را برای تمسخر کسانی که آن نمادها (بت‌ها) را عبادت می‌کردند گفت. ابن جزی: ۲/ ۲۳۸.

پرسش: ابراهیم عليه السلام چرا نمادها (بت‌ها) را که نمی‌فهمند مورد خطاب قرار داد؟

۴ ﴿وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهۡدِينِ﴾

این آیه دلیلی است بر هجرت و گوشه‌نشینی. نخستین کسی که این کار را انجام داد ابراهیم عليه السلام بود. وقتی که الله او را از آتش نجات داد گفت: ﴿إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي﴾ یعنی: از سرزمین قوم و زادگاهم مهاجرت می‌کنم به جایی که بتوانم عبادت پروردگارم را به جای آورم. قرطبی: ۱۸/ ۵۹.

پرسش: گوشه‌گیری یا هجرت چه زمانی برای مومن جایز است؟

۵ ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

فرزند صالح از الله خواست؛ زیرا نعمت فرزند زمانی کامل می‌شود که صالح باشد. صلاح فرزندان باعث روشنی چشم پدران است و یکی از اعمال صالح، نیکی به پدر و مادر است. ابن عاشور: ۲۳ ۱۴۸.

پرسش: اهمیت دعا در خواستن فرزند صالح را توضیح دهید.

۶ ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ ٱلسَّعۡيَ قَالَ يَٰبُنَيَّ إِنِّيٓ أَرَىٰ فِي ٱلۡمَنَامِ أَنِّيٓ أَذۡبَحُكَ فَٱنظُرۡ مَاذَا تَرَىٰۚ قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

اگر سوال شود چرا ابراهیم عليه السلام در امری واجب و قطعی از جانب الله با فرزندش مشورت کرد؟ پاسخ این است که ابراهیم عليه السلام با فرزندش مشورت نکرد تا به نظرش رجوع کند، بلکه می‌خواست او نیز از موضوع آگاه شود آن‌گاه قلبش را استوار و خودش را بر صبر آماده کند، اسماعیل عليه السلام نیز بهترین پاسخ را به پدر داد. ابن جزی: ۲/ ۲۳۸.

پرسش: چرا با این‌که خواب پیامبران حقیقت است، ابراهیم عليه السلام در مورد خواب با پسرش مشورت کرد؟

۷ ﴿سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

اسماعیل عليه السلام به پدرش خبر داد که خودش را بر صبر آماده کرده و این امر را با مشیت الله تعالی همراه کرد؛ زیرا هیچ‌چیز بدون اراده و خواست الله تعالی ایجاد نمی‌شود. سعدی: ۷۰۶.

پرسش: چرا اسماعیل عليه السلام صبرش را با مشیت الله همراه کرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ	یادی نیکو برایش باقی گذاشتیم.
فِي ٱلۡأٓخِرِينَ	در میان مردمی که پس از او آمدند.
شِيعَتِهِۦ	کسی که از دین و راه او پیروی کند.
أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ	آیا معبودان مختلفی می‌خواهید عبادت کنید؟!
فَنَظَرَ	چشمش را به سوی ستارگان بالا برد تا عذری برای نرفتن با آنان بیابد.
سَقِيمٞ	بیمار. این لفظ، کنایه‌ای از جانب ابراهیم عليه السلام بود به این هدف که بگوید: من نیز مانند سایر مردم از بیماری خالی نیستم یا ضعیف هستم، یا به سبب این‌که شما غیر الله را عبادت می‌کنید قلبم بیمار و رنجور است.
يَزِفُّونَ	شتابان و خشمگین بازگشتند.

عمل به آیات

۱. از شهوات و شبهات به الله تعالی پناه ببر، ﴿إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي ذُرِّيَّةً صَالِحَةً؛ إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ»؛ «یا الله! فرزندانی صالح به من عطا کن؛ قطعاً تو دعا را می‌شنوی»، ﴿رَبِّ هَبۡ لِي مِنَ ٱلصَّٰلِحِينَ﴾

۳. به پدرت کمک کن و خواسته‌اش را هر چه سریع‌تر انجام بده، ﴿قَالَ يَٰٓأَبَتِ ٱفۡعَلۡ مَا تُؤۡمَرُۖ سَتَجِدُنِيٓ إِن شَآءَ ٱللَّهُ مِنَ ٱلصَّٰبِرِينَ﴾

رهنمودها

۱. با انجام عبادت نیکو برای پروردگارت و نیکی به مردم، از نیکوکاران باش، ﴿إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۲. قلبت را از تمام آلودگی‌ها پاک گردان و قلبی پاک و سالم از الله تعالی تقاضا کن، ﴿إِذۡ جَآءَ رَبَّهُۥ بِقَلۡبٖ سَلِيمٍ﴾

۳. هر گاه منکری دیدی با حکمت بر آن اعتراض کن، هر چند توسط نزدیک‌ترین خویشاوندت مانند پدر انجام شده باشد، ﴿إِذۡ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوۡمِهِۦ مَاذَا تَعۡبُدُونَ ٨٥ أَئِفۡكًا ءَالِهَةٗ دُونَ ٱللَّهِ تُرِيدُونَ﴾

سورة (الصافات) الجزء (٢٣) صفحة (٤٥٠)

فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾
قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٠٥﴾ إِنَّ
هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ ﴿١٠٦﴾ وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ ﴿١٠٧﴾ وَتَرَكۡنَا
عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ ﴿١٠٩﴾ كَذَٰلِكَ نَجۡزِي
ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١١٠﴾ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١١١﴾ وَبَشَّرۡنَٰهُ
بِإِسۡحَٰقَ نَبِيّٗا مِّنَ ٱلصَّٰلِحِينَ ﴿١١٢﴾ وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ
وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ ﴿١١٣﴾ وَلَقَدۡ مَنَنَّا
عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَٰرُونَ ﴿١١٤﴾ وَنَجَّيۡنَٰهُمَا وَقَوۡمَهُمَا مِنَ ٱلۡكَرۡبِ
ٱلۡعَظِيمِ ﴿١١٥﴾ وَنَصَرۡنَٰهُمۡ فَكَانُواْ هُمُ ٱلۡغَٰلِبِينَ ﴿١١٦﴾ وَءَاتَيۡنَٰهُمَا
ٱلۡكِتَٰبَ ٱلۡمُسۡتَبِينَ ﴿١١٧﴾ وَهَدَيۡنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ
﴿١١٨﴾ وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِمَا فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١١٩﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰ مُوسَىٰ
وَهَٰرُونَ ﴿١٢٠﴾ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٢١﴾ إِنَّهُمَا
مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ ﴿١٢٢﴾ وَإِنَّ إِلۡيَاسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٢٣﴾
إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا وَتَذَرُونَ أَحۡسَنَ
ٱلۡخَٰلِقِينَ ﴿١٢٥﴾ ٱللَّهَ رَبَّكُمۡ وَرَبَّ ءَابَآئِكُمُ ٱلۡأَوَّلِينَ ﴿١٢٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَسۡلَمَا	تسلیم فرمان الله شدند.
وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ	او را بر روی پیشانی به زمین زد.
ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ	آزمایش دشواری که راستی ایمانش را آشکار کرد.
وَفَدَيۡنَٰهُ	جایگزینی برایش قرار دادیم.
بِذِبۡحٍ	با قوچی.
أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا	آیا بت موسوم به «بَعل» را عبادت می‌کنید.

عمل به آیات

۱. در صورت برادر مسلمانت تبسم بزن، یا در حمل کالای همسایه‌ات به او کمک کن، یا سخنی نیکو به دوستانت بگو، تمام این موارد نوعی احسان به شمار می‌روند، ﴿كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ اهْدِنِي الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»؛ «یا الله! مرا به راه راست هدایت فرما»، ﴿وَهَدَيۡنَٰهُمَا ٱلصِّرَٰطَ ٱلۡمُسۡتَقِيمَ﴾

۳. با توزیع یک کلیپ یا کتابچه میان دوستان یا همسایگانت، آنان را به سوی الله دعوت کن، ﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ﴾

رهنمودها

۱. نسب و جایگاه، بنده را نجات نمی‌دهند، بلکه نجات او بعد از رحمت اَرحَم الراحمین، به عمل صالح خودش بستگی دارد، ﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ﴾

۲. بدان که آسانی پس از سختی و دشواری حاصل می‌شود؛ پس اندوه مدار و بدان که هر کس چیزی را به خاطر الله ترک کند الله بهتر از آن را به او روزی می‌دهد، ﴿فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ ﴿١٠٣﴾ وَنَٰدَيۡنَٰهُ أَن يَٰٓإِبۡرَٰهِيمُ ﴿١٠٤﴾ قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآۚ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

۳. خواندن غیر الله، با تقوا منافات دارد؛ پس بکوش که با خواندن الله سبحانه به تنهایی، تقوا را به دست آوری، ﴿إِذۡ قَالَ لِقَوۡمِهِۦٓ أَلَا تَتَّقُونَ ﴿١٢٤﴾ أَتَدۡعُونَ بَعۡلٗا وَتَذَرُونَ أَحۡسَنَ ٱلۡخَٰلِقِينَ﴾

ترجمه آیات

هنگامی که هر دو تسلیم [فرمان پروردگار] شدند و [ابراهیم] او را به پیشانی [بر خاک] نهاد. (۱۰۳) به او ندا دادیم که: «ای ابراهیم، (۱۰۴) یقیناً که خوابت را تحقق بخشیدی». ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۱۰۵) بی‌تردید، این [خواب،] آزمایشی آشکار بود [و ابراهیم از آن سربلند بیرون آمد]. (۱۰۶) و [جان] او را در ازای قربانی بزرگی بازخریدیم (۱۰۷) و در میان آیندگان، [نام نیک] برایش بر جای نهادیم. (۱۰۸) سلام بر ابراهیم. (۱۰۹) ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۱۱۰) بی‌تردید، او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۱۱) و او را به [تولد] اسحاق که پیامبری از شایستگان بود بشارت دادیم. (۱۱۲) [ما] به او و اسحاق برکت دادیم؛ و [برخی] از افرادِ دودمانشان نیکوکار بودند و [برخی دیگر] آشکارا نسبت به خویشتن ستمکار بودند. (۱۱۳) و به راستی، بر موسی و هارون منت نهادیم (۱۱۴) و آن دو را همراه قومشان از اندوه بزرگ [= ستم فرعون و خطر غرق شدن در نیل] نجات دادیم (۱۱۵) و یاری‌شان کردیم تا پیروز شدند (۱۱۶) و به آن دو، کتاب روشنگر [= تورات] دادیم (۱۱۷) و آن دو را به راه راست هدایت کردیم (۱۱۸) و در میان آیندگان [نام نیک] برایشان بر جای نهادیم. (۱۱۹) سلام بر موسی و هارون. (۱۲۰) ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۱۲۱) بی‌تردید، آن دو از بندگان مؤمن ما بودند. (۱۲۲) و قطعاً الیاس [نیز] یکی از پیامبران [ما] بود. (۱۲۳) [یاد کن از] هنگامی که او به قومش گفت: «آیا [از الله] پروا نمی‌کنید؟ (۱۲۴) آیا [نماد یا همان بتِ] «بَعل» را [به عبادت] می‌خوانید و بهترین آفریننده را رها می‌کنید؟ (۱۲۵) الله [را ترک می‌کنید] که پروردگار شما و پروردگار پدرانتان است». (۱۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَلَمَّآ أَسۡلَمَا وَتَلَّهُۥ لِلۡجَبِينِ﴾

به فرمان الله تعالی تسلیم شدند و گردن نهادند. ابن عباس رضی الله عنه می‌گوید: ابراهیم علیه السلام فرزندش را به گونه‌ای روی زمین خوابانید که پیشانی‌اش روی زمین قرار گیرد. بغوی: ۳/ ۶۶۷.

پرسش: بیان صیغهٔ مثنی ﴿أَسۡلَمَا﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۲ ﴿قَدۡ صَدَّقۡتَ ٱلرُّءۡيَآ﴾

یعنی: هدف خواب و ذبح فرزند را محقق کردی. ابن کثیر: ۴/ ۱۷.

پرسش: ابراهیم علیه السلام چگونه خوابش را محقق گردانید در حالی که فرزندش را ذبح نکرده بود؟

۳ ﴿إِنَّ هَٰذَا لَهُوَ ٱلۡبَلَٰٓؤُاْ ٱلۡمُبِينُ﴾

ابراهیم علیه السلام خلیلِ رحمان است. خلّت بالاترین نوع محبت به شمار می‌رود و منصبی است که مشارکت نمی‌پذیرد و می‌طلبد که تمام اجزای قلب وابسته به محبوب باشد، پس وقتی که یکی از شاخه‌های قلب ابراهیم علیه السلام به پسرش اسماعیل علیه السلام معلق شد الله تعالی خواست دوستی او را پاک و خالص گرداند و خلّتش را بیازماید؛ از این رو، به او دستور داد کسی را که محبت او مزاحم محبت پروردگارش شده است قربانی کند. وقتی ابراهیم علیه السلام محبت الله را مقدم کرد و آن را بر هوس خویش ترجیح داد و تصمیم جدی بر ذبح فرزندش گرفت و مزاحم موجود در قلبش از بین رفت، دیگر فایده‌ای برای ذبح باقی نماند. سعدی: ۷۰۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که موضوع ذبح اسماعیل علیه السلام، نوعی امتحان و به هدف پاکیزه‌ساختن قلب ابراهیم علیه السلام بود.

۴ ﴿وَفَدَيۡنَٰهُ بِذِبۡحٍ عَظِيمٖ﴾

این ذبح از جهات زیر بزرگ بود: فدای اسماعیل علیه السلام شد، یکی از عبادات بزرگ است، قربانی و یک سنت تا روز قیامت قرار گرفت. سعدی: ۷۰۶.

پرسش: چرا قربانی مذکور، ﴿عَظِيمٖ﴾ نامیده شد؟

۵ ﴿وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٠٨﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِبۡرَٰهِيمَ﴾

ابراهیم علیه السلام این‌گونه دعا کرد: ﴿وَٱجۡعَل لِّي لِسَانَ صِدۡقٖ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ﴾ [الشعراء: ۸۴]؛ «و برای من در میان آیندگان آوازه‌ای نیک (و ذکر خیر) قرار بده». الله نیز یادی نیکو در میان آیندگان برایش باقی گذاشت، چنان‌که آوازه‌ای بد بر فرعون و امثالش باقی گذاشت. طبری: ۲۱/ ۹۱.

پرسش: یکی از نشانه‌هایی را که پس از مرگ انسان آشکار می‌گردد و مشخص می‌کند که الله سبحانه ارادهٔ خیر برایش داشته است نام ببرید؟

۶ ﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ﴾

آیه بیانگر این امر است که پاکی و ناپاکی به رگ و نژاد بستگی ندارد؛ زیرا گاهی نیکوکار صاحب فرزندی بدکار و بدکار صاحب فرزندی نیکوکار می‌شود. نیز فساد فرزندان، عیب پدران به شمار نمی‌رود و این‌که معیار فضیلت، فقط خوی و خصلت و نیکی‌های خود انسان است و کرامت پدران، تکملهٔ کمال و باعث معروف‌شدن به خصلت‌های نیکوست. ابن عاشور: ۲۳/ ۱۶۲.

پرسش: پاکی و ناپاکی انسان وابسته به نسب و نژاد نیست. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۷ ﴿وَبَٰرَكۡنَا عَلَيۡهِ وَعَلَىٰٓ إِسۡحَٰقَۚ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحۡسِنٞ وَظَالِمٞ لِّنَفۡسِهِۦ مُبِينٞ﴾

پس از این‌که برکت و کثرت در فرزندان را بیان کرد، فرمود: برخی از آنان نیکوکار و برخی بدکار هستند و نبوتِ پدر سودی به پسر بدکار نمی‌رساند؛ بنابراین یهود و نصارا هر چند از نسل اسحاق علیه السلام هستند و عرب هر چند از نسل اسماعیل علیه السلام هستند، اما قطعاً میان افراد نیکوکار و بدکار و مومن و کافر آنان تفاوت وجود دارد. قرطبی: ۱۸/ ۸۳.

پرسش: آیا نیکوکاری پدر برای فرزند کافی است؟ و آیا فساد پدر بر فرزند زیان می‌رساند؟

ترجمه آیات

اما او را دروغگو انگاشتند و مسلّماً [برای عذاب] احضار می‌شوند. (۱۲۷) مگر بندگان مخلص الله. (۱۲۸) ما در میان آیندگان [نام نیک] برایش بر جای نهادیم. (۱۲۹) سلام بر الیاس. (۱۳۰) به راستی، ما نیکوکاران را اینچنین پاداش می‌دهیم. (۱۳۱) بی‌تردید، او از بندگان مؤمن ما بود. (۱۳۲) و قطعاً لوط [نیز] یکی از پیامبران [ما] بود. (۱۳۳) [یاد کن از] هنگامی که او و همهٔ خانواده‌اش را نجات دادیم. (۱۳۴) مگر پیرزنی که از باقی‌ماندگان [در عذاب] بود. (۱۳۵) سپس دیگران را هلاک کردیم. (۱۳۶) و شما [در سفر به سرزمین شام] صبحگاهان بر [ویرانه‌های شهرهای] آنان می گذرید. آیا نمی‌اندیشید [و عبرت نمی گیرید]؟ (۱۳۷ - ۱۳۸) و قطعاً یونس [نیز] یکی از پیامبران [ما] بود. (۱۳۹) [یاد کن از] هنگامی که [خشمگین از کفر قومش، بدون اجازهٔ پروردگار] به کشتیِ انباشته [از مسافر و بار] گریخت. (۱۴۰) [چون کشتی در حال غرق شدن بود، یونس با سرنشینان کشتی برای بیرون انداختنِ برخی افراد] قرعه انداخت و خود از باختگان شد [و او را به دریا انداختند]. (۱۴۱) سپس ماهی [بزرگی] او را بلعید؛ در حالی که [خود را به خاطر ترک وظیفه] سرزنش می کرد. (۱۴۲) اگر در زمرهٔ تسبیح‌گویان [پروردگار] نبود، (۱۴۳) یقیناً تا روزی که [مردم] برانگیخته می‌شوند، در شکم آن [ماهی] باقی می‌ماند. (۱۴۴) آنگاه او را در حالی که [ضعیف و] بیمار بود به سرزمینی خشک [و بی گیاه] افکندیم (۱۴۵) و بوتهٔ کدو بر [سرِ] او رویاندیم [تا از سایه و میوه‌اش بهره گیرد]؛ (۱۴۶) و [دوباره] او را به سوی صد هزار نفر یا بیشتر [به رسالت] فرستادیم. (۱۴۷) آنان ایمان آوردند و ما نیز آنان را تا مدتی [از نعمت‌های زندگی] بهره‌مند ساختیم. (۱۴۸) از آنان [=مشرکان] بپرس آیا دخترها برای پروردگارِ تو و پسرها برای آنهاست؟ (۱۴۹) آیا ما فرشتگان را دختر آفریدیم و آنان حضور داشتند؟ (۱۵۰) آگاه باش! آنان از [روی تهمت و] دروغگویی می گویند: «الله فرزند دارد» و یقیناً دروغ می گویند. (۱۵۱ - ۱۵۲) آیا [الله] دختران را بر پسران ترجیح داده است؟ (۱۵۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلۡ يَاسِينَ۝١٣٠ إِنَّا كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ۝١٣١ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ﴾

در قصهٔ الیاس ﵇ این نکته وجود دارد که فقط ادای رسالت بر عهدهٔ رسول است و از این امر لازم نمی‌آید که عذاب و نابودی کافران را ببینند. مشرکان گفتند: ﴿وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَٰذَا ٱلۡوَعۡدُ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ﴾ [یونس: ۴۸]؛ «و می گویند: اگر راست می گویید این وعده (عذاب) کی خواهد بود؟!». و الله تعالی این‌گونه پاسخ داد: ﴿قُل رَّبِّ إِمَّا تُرِيَنِّي مَا يُوعَدُونَ۝٩٣ رَبِّ فَلَا تَجۡعَلۡنِي فِي ٱلۡقَوۡمِ ٱلظَّٰلِمِينَ۝٩٤ وَإِنَّا عَلَىٰٓ أَن نُّرِيَكَ مَا نَعِدُهُمۡ لَقَٰدِرُونَ﴾ [المؤمنون: ۹۳-۹۵]؛ «(ای پیامبر!) بگو: پروردگارا! اگر آن‌چه را که به آن‌ها وعده داده می‌شود، به من نشان دهی (که شاهدش باشم)، مرا در (زمرهٔ) قوم ستمگران قرار مده. و یقیناً ما تواناییم که آن‌چه را به آن‌ها وعده می‌دهیم؛ به تو نشان دهیم». ابن عاشور: ۲۳/ ۱۷۰.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که فقط تبلیغ دعوت بر عهدهٔ دعوتگر است و نباید در انتظار عذاب مخالفانش بنشیند.

۲ ﴿وَإِنَّكُمۡ لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ۝١٣٧ وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

روز و شب بر آن‌ها می گذرید؛ وقتی که به سفر می‌روید و بازمی‌گردید، ﴿أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾ تا از آنان پند بگیرید. بغوی: ۳/ ۶۷۸.

پرسش: بر جای ماندن آثار گذشتگان برای پندگرفتن و ترسیدن است نه برای ماتَم و سرگرمی؟

۳ ﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ۝١٣٩ إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ۝١٤٠ فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُدۡحَضِينَ۝١٤١ فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٞ۝١٤٢ فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ۝١٤٣ لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ﴾

هدف از بیان قصهٔ یونس ﵇ در این‌جا این است که در برابر بار سنگین رسالت به پیامبر ﷺ دلداری داده شود؛ یعنی رسولان پیشین نیز این بار سنگین را به دوش کشیده‌اند. مرتبهٔ پیامبر اسلام ﷺ در صبر و گله‌نکردن وی بر این کار آشکار می گردد. نیز به این هدف که به تمام مردم اعلام کند پیامبر ﷺ از جانب الله تعالی مامور است پیوسته به سوی دین دعوت دهد؛ زیرا مشرکان، او را بر این امر سرزنش می‌کردند که در برابر آنان پافشاری می کرد و در زمان‌ها و شرایط مختلف آنان را دعوت می‌داد. ابن عاشور: ۲۳/ ۱۷۸.

پرسش: هدف از بیان قصهٔ یونس ﵇ چیست؟

۴ ﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ۝١٣٩ إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

الله تعالی بیان نکرد که یونس ﵇ بر چه چیزی خشم گرفت و چه گناهی مرتکب شد؛ زیرا فایده‌ای در دانستن این امر وجود ندارد، بلکه از این مطلب فایده می‌بریم که یونس ﵇ مرتکب گناه شده و الله تعالی او را با وجود این‌که رسولی گرامی بود مجازات کرد، سپس او را نجات داد و سرزنش را از او برداشت و آن‌چه را به صلاحش بود برای او مقدر کرد. سعدی: ۷۰۷.

پرسش: دانستن این امر که یکی از پیامبران به سبب گناه مجازات شده است چه فایده‌ای می‌رساند؟

۵ ﴿إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

یعنی: به قصد فرار وارد دریا شد. فرار یونس ﵇ از این جهت که بندهٔ الله است به إباق [= گریختن بنده از اربابش] تعبیر شد؛ یعنی بدون اذن اربابش فرار کرد و این معنای حقیقی إباق است. ابن عطیه: ۴/ ۴۸۵.

پرسش: إباق واژه‌ای است که برای گریختن بنده از اربابش به کار می‌رود، چرا در مورد یونس ﵇ با این‌که آزاد بود ﴿أَبَقَ﴾ گفته شد؟

۶ ﴿إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

یعنی: به سوی کشتی گریخت. ﴿ٱلۡفُلۡكِ﴾ در این‌جا واحد و ﴿ٱلۡمَشۡحُونِ﴾ به معنای پُر است. سبب فرار یونس ﵇ این بود که وقتی قومش ایمان نیاوردند بر آنان خشم گرفت. ابن جزی: ۲/ ۲۴۱.

پرسش: چرا یونس ﵇ به سوی کشتی پُر [از بار و مسافر] فرار کرد؟

۷ ﴿فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ﴾

الله تعالی خبر داد که یونس ﵇ از تسبیح‌کنندگان بود و تسبیح او سبب نجاتش شد؛ از این رو گفته می‌شود: عمل صالح انسان را وقتی که به خطا افتد از خطا درمی‌آورد. حسن می‌گوید: یونس در شکم ماهی دعا نکرد بلکه قبلا در حال آسایش عمل صالحی انجام داده بود که الله تعالی این عمل او را در حال سختی یادآور شد. قرطبی: ۱۸/ ۹۹.

پرسش: سبب نجات یونس ﵇ چه بود؟

سورة (الصافات) الجزء (۲۳) صفحة (۴۵۱)

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ﴿١٢٧﴾ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ﴿١٢٨﴾
وَتَرَكۡنَا عَلَيۡهِ فِي ٱلۡأٓخِرِينَ ﴿١٢٩﴾ سَلَٰمٌ عَلَىٰٓ إِلۡ يَاسِينَ ﴿١٣٠﴾ إِنَّا
كَذَٰلِكَ نَجۡزِي ٱلۡمُحۡسِنِينَ ﴿١٣١﴾ إِنَّهُۥ مِنۡ عِبَادِنَا ٱلۡمُؤۡمِنِينَ
﴿١٣٢﴾ وَإِنَّ لُوطٗا لَّمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٣٣﴾ إِذۡ نَجَّيۡنَٰهُ وَأَهۡلَهُۥٓ أَجۡمَعِينَ
﴿١٣٤﴾ إِلَّا عَجُوزٗا فِي ٱلۡغَٰبِرِينَ ﴿١٣٥﴾ ثُمَّ دَمَّرۡنَا ٱلۡأٓخَرِينَ ﴿١٣٦﴾ وَإِنَّكُمۡ
لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ ﴿١٣٧﴾ وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ ﴿١٣٨﴾ وَإِنَّ
يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ ﴿١٣٩﴾ إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ ﴿١٤٠﴾
فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ ٱلۡمُدۡحَضِينَ ﴿١٤١﴾ فَٱلۡتَقَمَهُ ٱلۡحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٞ
﴿١٤٢﴾ فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ ﴿١٤٣﴾ لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ
يُبۡعَثُونَ ﴿١٤٤﴾ ۞ فَنَبَذۡنَٰهُ بِٱلۡعَرَآءِ وَهُوَ سَقِيمٞ ﴿١٤٥﴾ وَأَنۢبَتۡنَا
عَلَيۡهِ شَجَرَةٗ مِّن يَقۡطِينٖ ﴿١٤٦﴾ وَأَرۡسَلۡنَٰهُ إِلَىٰ مِاْئَةِ أَلۡفٍ أَوۡ
يَزِيدُونَ ﴿١٤٧﴾ فَـَٔامَنُواْ فَمَتَّعۡنَٰهُمۡ إِلَىٰ حِينٖ ﴿١٤٨﴾ فَٱسۡتَفۡتِهِمۡ
أَلِرَبِّكَ ٱلۡبَنَاتُ وَلَهُمُ ٱلۡبَنُونَ ﴿١٤٩﴾ أَمۡ خَلَقۡنَا ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ إِنَٰثٗا
وَهُمۡ شَٰهِدُونَ ﴿١٥٠﴾ أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ ﴿١٥١﴾ وَلَدَ
ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ ﴿١٥٢﴾ أَصۡطَفَى ٱلۡبَنَاتِ عَلَى ٱلۡبَنِينَ ﴿١٥٣﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡغَٰبِرِينَ	بازماندگان در عذاب.
أَبَقَ	از شهر خویش بدون اذن پروردگارش گریخت.
فَسَاهَمَ	مسافران کشتی از ترس غرق‌شدن، برای سبک‌کردن بار قرعه‌کشی کردند.
ٱلۡمُدۡحَضِينَ	شکست‌خوردگان در قرعه‌کشی.
فَٱلۡتَقَمَهُ	او را بلعید.
مُلِيم	کاری در خور سرزنش انجام داده بود.
فَنَبَذۡنَٰهُ	او را از شکم ماهی بیرون افکندیم.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي مِنْ عِبَادِكَ الْمُخْلَصِينَ»؛ «یا الله! مرا از بندگان برگزیده‌ات قرار بده»، ﴿إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾

۲. یکی از دوستانت را که دعوت داده‌ای و از هدایت او نومید شده‌ای به یاد آور، آن‌گاه به سبب این یأس و نومیدی، از الله تعالی طلب آمرزش کن؛ زیرا این یأس، نافرمانی از الله سبحان به شمار می‌رود، ﴿وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ ٱلۡمُرۡسَلِينَ۝١٣٩ إِذۡ أَبَقَ إِلَى ٱلۡفُلۡكِ ٱلۡمَشۡحُونِ﴾

۳. تسبیح الله را بگو، امید است الله مصیبتی را از تو دور کند، ﴿فَلَوۡلَآ أَنَّهُۥ كَانَ مِنَ ٱلۡمُسَبِّحِينَ۝١٤٣ لَلَبِثَ فِي بَطۡنِهِۦٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ﴾

رهنمودها

۱. در این امر بیندیش که هر کس رسولان را تکذیب کند و آنان را بیازارد مورد تهدید شدیدی قرار گرفته است، ﴿فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ﴾

۲. عقل سالم، بندهٔ مومن را به پندگیری و تفکر در سنت‌های الله تعالی می کشاند، ﴿وَإِنَّكُمۡ لَتَمُرُّونَ عَلَيۡهِم مُّصۡبِحِينَ۝١٣٧ وَبِٱلَّيۡلِۚ أَفَلَا تَعۡقِلُونَ﴾

۳. بزرگ‌ترین دروغ و بهتان، آن است که در مورد حقوق الله گفته شود، ﴿أَلَآ إِنَّهُم مِّنۡ إِفۡكِهِمۡ لَيَقُولُونَ۝١٥١ وَلَدَ ٱللَّهُ وَإِنَّهُمۡ لَكَٰذِبُونَ﴾

مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ ١٥٤ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ ١٥٥ أَمۡ لَكُمۡ سُلۡطَٰنٞ مُّبِينٞ ١٥٦
فَأۡتُواْ بِكِتَٰبِكُمۡ إِن كُنتُمۡ صَٰدِقِينَ ١٥٧ وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ
نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ ١٥٨ سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا
يَصِفُونَ ١٥٩ إِلَّا عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٠ فَإِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ ١٦١
مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ ١٦٢ إِلَّا مَنۡ هُوَ صَالِ ٱلۡجَحِيمِ ١٦٣ وَمَا مِنَّآ إِلَّا
لَهُۥ مَقَامٞ مَّعۡلُومٞ ١٦٤ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ ١٦٥ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡمُسَبِّحُونَ
١٦٦ وَإِن كَانُواْ لَيَقُولُونَ ١٦٧ لَوۡ أَنَّ عِندَنَا ذِكۡرٗا مِّنَ ٱلۡأَوَّلِينَ ١٦٨ لَكُنَّا
عِبَادَ ٱللَّهِ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ١٦٩ فَكَفَرُواْ بِهِۦۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ١٧٠ وَلَقَدۡ
سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١ إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ ١٧٢
وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ ١٧٣ فَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ ١٧٤ وَأَبۡصِرۡهُمۡ
فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ١٧٥ أَفَبِعَذَابِنَا يَسۡتَعۡجِلُونَ ١٧٦ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمۡ
فَسَآءَ صَبَاحُ ٱلۡمُنذَرِينَ ١٧٧ وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ ١٧٨ وَأَبۡصِرۡ
فَسَوۡفَ يُبۡصِرُونَ ١٧٩ سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ
١٨٠ وَسَلَٰمٌ عَلَى ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٨١ وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ١٨٢

سُورَةُ صٓ

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَا لَكُمۡ كَيۡفَ تَحۡكُمُونَ	حکم بسیار بدی صادر می‌کنید.
سُلۡطَٰنٞ	دلیل.
لَمُحۡضَرُونَ	قطعاً کافران برای عذاب روز قیامت حاضر می‌گردند.
بِفَٰتِنِينَ	گمراه‌کنندۀ هیچ‌کس.
صَالِ ٱلۡجَحِيمِ	کسی که راهیِ جهنم است تا در آن وارد شود و از گرمایش رنج ببرد.
ٱلصَّآفُّونَ	کسانی که در عبادت الله به صفت ایستاده‌اند.
بِسَاحَتِهِمۡ	حیاط خانه‌های‌شان.

عمل به آیات

۱. بگو: «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ، عَدَدَ خَلْقِهِ وَرِضَا نَفْسِهِ وَزِنَةَ عَرْشِهِ وَمِدَادَ كَلِمَاتِهِ» [صحیح مسلم: ۲۷۲۶] «حمد و تسبیح الله را می‌گویم به تعداد مخلوقاتش، برای خشنودی او، به وزن عرش او و به اندازۀ مرکّب سخنانش»، ﴿سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾.

۲. هنگام نماز، راست و مرتب در صف بایست، ﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ﴾.

۳. با ارسال پیامی به امت اسلامی کمک کن تا از آن دسته از بندگان الله باشی که به دینش یاری می‌رسانند، ﴿وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١ إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ ١٧٢ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾.

رهنمودها

۱. یقین داشته باش که دین الله پیروز است، ﴿وَلَقَدۡ سَبَقَتۡ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا ٱلۡمُرۡسَلِينَ ١٧١ إِنَّهُمۡ لَهُمُ ٱلۡمَنصُورُونَ ١٧٢ وَإِنَّ جُندَنَا لَهُمُ ٱلۡغَٰلِبُونَ﴾.

۲. الله تعالی دستور داده از تکذیب‌کنندگان روی بگردانیم، ﴿وَتَوَلَّ عَنۡهُمۡ حَتَّىٰ حِينٖ﴾.

۳. هنگام شنیدن سخن دروغ‌پردازان، الله را به پاکی یاد کن و تسبیح او را بگوی، ﴿سُبۡحَٰنَ ٱللَّهِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾.

ترجمه آیات

شما را چه شده است؟ چگونه حکم می‌کنید؟ (۱۵۴) آیا [نمی اندیشید و] پند نمی‌گیرید؟ (۱۵۵) آیا [بر ادعای باطل خویش] دلیل روشنی دارید؟ (۱۵۶) اگر راستگویید، کتابتان را بیاورید. (۱۵۷) [مشرکان] بین او [= الله] و فرشتگان، خویشاوندی قائل شده‌اند؛ در حالی که فرشتگان به یقین می‌دانند که [مشرکان روز قیامت، برای حسابرسی] احضار می‌شوند. (۱۵۸) الله از آنچه [مشرکان] توصیف می‌کنند منزّه است. (۱۵۹) [مردم در توصیف پروردگار، سخن گزاف می‌گویند؛] مگر بندگان مخلص الله. (۱۶۰) شما [مشرکان] و آنچه عبادت می‌کنید [هرگز] گمراه‌گر [کسی از دین حق] نیستید؛ (۱۶۱ - ۱۶۲) مگر کسی که [به تقدیرِ الهی،] اهل دوزخ باشد. (۱۶۳) و [فرشتگان می‌گویند:] «هیچ‌یک از ما نیست، مگر آنکه مقام مشخصی [در پیشگاه الهی] دارد. (۱۶۴) ماییم که [برای عبادت و نیایش به درگاه پروردگار] به صف ایستاده‌ایم (۱۶۵) و بی‌تردید، ماییم که تسبیح‌گوی [او] هستیم». (۱۶۶) و [کافران، پیش از بعثت] همواره می‌گفتند: (۱۶۷) «اگر کتابی از [کتاب‌های آسمانی] پیشینیان نزدمان بود، (۱۶۸) یقیناً از بندگان مخلصِ الله می‌شدیم». (۱۶۹) اما [هنگامی که پیامبر با قرآن به سویشان آمد، حقانیتِ] آن را انکار کردند؛ به زودی [نتیجۀ انکارشان را] خواهند دانست. (۱۷۰) و قطعاً سخن ما دربارۀ بندگان فرستاده‌شده‌مان از پیش صادر شده است [که]: (۱۷۱) آنان قطعاً [از جانب ما] یاری‌شده‌اند. (۱۷۲) و بی‌تردید، لشکر ما پیروزند. (۱۷۳) پس [ای پیامبر،] تا مدتی از آنان [= مشرکان] روی بگردان. (۱۷۴) و آنان را [در هنگام نزول عذاب] بنگر؛ به زودی خود [نیز نتیجۀ کفرشان را] خواهند دید. (۱۷۵) آیا عذاب ما را به شتاب خواستارند؟ (۱۷۶) آنگاه که [عذاب الهی] بر خانه‌هایشان فرود آید، چه بد است بامداد هشداریافتگان! (۱۷۷) و تا مدتی از آنان روی بگردان، (۱۷۸) و آنان را [در هنگام نزول عذاب] بنگر؛ به زودی خود [نیز نتیجۀ کفرشان را] خواهند دید. (۱۷۹) پروردگارت ـ پروردگار عزت و قدرت ـ از آنچه [مشرکان به دروغ] توصیف می‌کنند پاک و منزه است. (۱۸۰) و سلام بر پیامبران (۱۸۱) و سپاس [و ستایش] از آنِ الله ـ پروردگار جهانیان ـ است. (۱۸۲)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿وَجَعَلُواْ بَيۡنَهُۥ وَبَيۡنَ ٱلۡجِنَّةِ نَسَبٗاۚ وَلَقَدۡ عَلِمَتِ ٱلۡجِنَّةُ إِنَّهُمۡ لَمُحۡضَرُونَ﴾

یعنی: این مشرکان به الله، میان الله و جن‌ها، پیوند خویشاوندی قرار دادند... در حالی که جن‌ها به خوبی می‌دانند در برابر الله احضار خواهند شد تا آنان را همانند بندگانی خوار جزا دهد، پس اگر نسبی میان آنان و الله وجود داشت چنین نبودند. سعدی: ۷۰۸.

پرسش: چه هدفی در پشت این خبر وجود دارد که جن‌ها برای حسابرسی احضار می‌شوند؟

❷ ﴿فَإِنَّكُمۡ وَمَا تَعۡبُدُونَ ١٦١ مَآ أَنتُمۡ عَلَيۡهِ بِفَٰتِنِينَ ١٦٢ إِلَّا مَنۡ هُوَ صَالِ ٱلۡجَحِيمِ﴾

یکی از نکات موجود در آیات مذکور این است که شیاطین نمی‌توانند هیچ‌کس را گمراه کنند مگر کسی که الله بر او حکم کرده باشد که هدایت نمی‌یابد، و اگر الله می‌دانست هدایت می‌یابد قطعا میان الله و شیاطین جدایی می‌انداخت. قرطبی: ۱۸/ ۱۱۲.

پرسش: آیا شیطان هر گاه بخواهد می‌تواند انسان را گمراه کند؟ چه نکته‌ای در این موضوع وجود دارد؟

❸ ﴿وَمَا مِنَّآ إِلَّا لَهُۥ مَقَامٞ مَّعۡلُومٞ﴾

یعنی: در میان ما هیچ فرشته‌ای نیست مگر این‌که مکان مشخصی در آسمان‌ها دارد و الله را در آن‌جا عبادت می‌کند. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: یک وجب هم در آسمان‌ها نیست مگر این‌که فرشته‌ای در آن نماز می‌گزارد یا تسبیح می‌گوید. بغوی: ۳/ ۶۸۱.

پرسش: فرشتگان در عبادت چه حالی دارند؟

❹ ﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ﴾

یعنی برای عبادت در صف‌ها ایستاده‌ایم؛ از این رو مسلمانان فرمان یافته‌اند تا به پیروی از فرشتگان، در نماز صف‌های‌شان را راست و برابر کنند. فقط مسلمانان هستند که در صف نماز می‌خوانند و هیچ امت دیگری این کار را انجام نمی‌دهد. ابن جزی: ۲/ ۲۴۴.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که فرشتگان قدرتمندترین مخلوقات، اما فروتن‌ترین آن‌ها در برابر الله هستند.

❺ ﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ ١٦٥ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡمُسَبِّحُونَ﴾

از ابونضره روایت شده که گفت: عمر رضی الله عنه هنگام اقامۀ نماز به مردم رو می‌کرد و می‌گفت: ای مردم صف‌های‌تان را راست کنید که الله دوست دارد شما سنت فرشتگان را برپا دارید ﴿وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلصَّآفُّونَ ١٦٥ وَإِنَّا لَنَحۡنُ ٱلۡمُسَبِّحُونَ﴾ صف‌ها را راست کنید، ای فلانی تو جلو بیا، ای فلانی تو عقب برو. وقتی مردم صف‌های‌شان را راست می‌کردند جلو می‌رفت و تکبیر می‌گفت. طبری: ۲۱/ ۱۲۸.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که مومنان در امر بزرگی که سبب تعظیم الله تعالی است خود را شبیه فرشتگان می‌کنند.

❻ ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ رَبِّ ٱلۡعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ﴾

چون سخنان ناپسند زیادی در این سوره وجود دارد که به الله نسبت دادند الله تعالی خودش را از این سخنان پاک و منزه برشمرد و فرمود: ﴿سُبۡحَٰنَ رَبِّكَ﴾. سعدی: ۷۰۹.

پرسش: چرا الله تعالی سوره را با تسبیح خودش به پایان برد؟

❼ ﴿وَٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

الله تعالی می‌فرماید: تمام ستایش‌ها مخصوص الله پروردگار دو گروه جن و انس است و هیچ‌کس در این امر با او شریک نیست. تمام نعمت‌هایی که به بندگانش می‌رسد از جانب اوست؛ پس حمد و ستایش نیز باید خالص و بدون شریک برای او باشد، همان‌گونه که در نعمت‌هایی که به بندگان می‌رساند هیچ شریکی ندارد. طبری: ۲۱/ ۱۳۴.

پرسش: چرا حمد و ستایش در قبال نعمت‌ها، باید به الله اختصاص داده شود؟

سورۀ ص

ترجمه آیات

به نام الله بخشندۀ مهربان

ص [= صاد]. سوگند به قرآن پندآموز [که الله هیچ شریکی ندارد] (۱) بلکه کسانی که کفر ورزیدند در سرکشی و ستیزند. (۲) چه بسیار نسل‌ها پیش از آنان نابود کردیم که [در هنگام نزول عذاب] فریاد [توبه] برمی‌آوردند؛ ولی آن زمان، دیگر] وقت [توبه و] رهایی نبود. (۳) و [مشرکان] از اینکه بیم‌دهنده‌ای از میان خودشان به سراغشان آمده است تعجب کردند و گفتند: «این مرد، جادوگری دروغگوست. (۴) آیا معبودان [مختلف و متعدد] را [تبدیل به] معبودی یگانه کرده است؟ این واقعاً چیز عجیبی است». (۵) بزرگانشان [= سران قریش] به پا خاستند [و به پیروان خود گفتند]: «بروید و بر [عبادت و حفظ] معبودانتان شکیبا [و پایدار] باشید؛ زیرا این [دعوت به عبادت معبودی یگانه] چیزی است که [برنامه‌ریزی و] خواسته شده است [تا محمد بر شما برتری یابد]. (۶) ما در آیین اخیر [= نصرانیت] نیز چنین [ادعایی دربارۀ توحید] نشنیده‌ایم. این جز دروغ [چیزی] نیست. (۷) آیا از میان [همۀ] ما، قرآن بر او نازل شده است؟» [چنین نیست که می‌گویند؛] بلکه آنان دربارۀ وحی من [بر تو] تردید دارند؛ بلکه هنوز عذاب [الهی] را نچشیده‌اند [که چنین گستاخند]. (۸) آیا گنجینه‌های رحمت پروردگار شکست‌ناپذیر بخشنده‌ات نزدشان است؟ (۹) یا فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه بین آنهاست از آنِ آنان است؟ [اگر چنین است،] باید با وسایل [و امکانات خود به آسمان] اوج بگیرند [و مانع یا باعث نزول نعمت‌ها گردند]. (۱۰) [این کافران] لشکری شکست‌خورده از جمله گروه‌ها[و فرقه‌های مخالف پیامبران] هستند. (۱۱) [پیش از آنان نیز] قوم نوح و عاد و فرعونِ صاحب‌سپاه [نیز پیامبران ما را] دروغگو انگاشتند. (۱۲) و قوم ثمود و قوم لوط و اصحاب اَیکه [= قوم شعیب] نیز [از] آن گروه‌ها بودند [که به تکذیب پیامبران پرداختند]. (۱۳) هر یک [از این کافران] پیامبران را دروغگو انگاشتند و کیفر من [در موردشان] تحقق یافت. (۱۴) اینان [= مشرکان] جز یک بانگ [سهمگین] را انتظار نمی‌کشند؛ [بانگی] که هیچ بازگشتی ندارد. (۱۵) و [با تمسخر] گفتند: «پروردگارا، پیش از فرارسیدن روز حساب، بهرۀ ما را [از عذاب] به شتاب بده». (۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ ۝١ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ﴾

یعنی: قطعاً در این قرآن پند و اندرزی وجود دارد برای کسی که پند و عبرت بگیرد اما کافران از آن فایده نمی‌برند؛ زیرا ﴿فِي عِزَّةٖ﴾: در برابر آن تکبر و عصبیت می‌ورزند، ﴿وَشِقَاقٖ﴾: با آن مخالفت و دشمنی می‌کنند و از آن دور می‌شوند. ابن کثیر: ۴/ ۲۷.

پرسش: بر اساس آیه بیان کنید چه موانعی باعث می‌شود انسان از قرآن فایده نبرد؟

۲ ﴿بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ﴾

برخی علما گفته‌اند: ﴿شِقَاقٖ﴾ از مشقت گرفته شده است؛ زیرا دشمن ستیزه‌جو تلاش می‌کند به طرف مقابل، مشقت برساند. برخی دیگر گفته‌اند: شقاق از شق العصا گرفته شده است که به معنای اختلاف و جدایی است. شنقیطی: ۶/ ۳۳۰.

پرسش: چرا الله تعالی فرمود کافران در ﴿شِقَاقٖ﴾ هستند؟

۳ ﴿وَعَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ﴾

مشرکان برای تحقیر پیامبرﷺ، با واژۀ ﴿هَٰذَا﴾ به سوی او اشاره کردند. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۰۹.

پرسش: چرا مشرکان به جای نام پیامبرﷺ، ضمیر اشاره به کار بردند؟

۴ ﴿وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ﴾

یعنی: خواسته می‌شود. منظورشان این بود که: او قصد و نیت بدی در این کار دارد. این شبهه فقط بر بی‌خردان وارد می‌شود؛ زیرا کسی که به سوی سخن حق یا ناحقی فرا بخواند، دعوت او با عیبجویی در نیتش رد نمی‌شود؛ چون نیت و عمل او برای خودش است و فقط باید با دلیل و برهان به مبارزه با او برخواست. سعدی: ۷۱۰.

پرسش: بر اساس آیه هر کس در نیت علما و دعوتگران عیبجویی کند چه پاسخی دریافت می‌دارد؟

۵ ﴿أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ﴾

در واقع فریب مهلت‌های طولانی را خورده‌اند و اگر عذاب من در قبال شرک را می‌چشیدند قطعاً شک و تردیدشان برطرف می‌شد. قرطبی: ۱۸/ ۱۳۵- ۱۳۶.

پرسش: سبب فریب‌خوردن کافران و اصرار آنان بر شرک چیست؟

۶ ﴿جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ﴾

تهدیدی است بر این‌که در جنگ مغلوب می‌شوند، چنان‌که در روز بدر و غیر آن شکست خوردند. ابن جزی: ۲/ ۲۴۸.

پرسش: الله تعالی در ابتدای دعوت پیامبر ﷺ و در حالی که مسلمانان ضعیف بودند شکست مشرکان را به پیامبرش وعده داد، این وعده چه زمانی محقق شد؟

۷ ﴿كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ﴾

فرعون به سبب پادشاهی و قدرت بزرگش به ﴿ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ﴾ توصیف شد؛ یعنی این امر نیز نتوانست میان او و عذاب الله فاصله بیندازد. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۲۰.

پرسش: توصیف فرعون به ﴿ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

سورة (ص) الجزء (۲۳) صفحة (۴۵۳)

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ ١ بَلِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فِي عِزَّةٖ وَشِقَاقٖ ٢
كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ ٣ وَعَجِبُوٓاْ
أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ ٤
أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ ٥ وَٱنطَلَقَ ٱلۡمَلَأُ
مِنۡهُمۡ أَنِ ٱمۡشُواْ وَٱصۡبِرُواْ عَلَىٰٓ ءَالِهَتِكُمۡۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٞ يُرَادُ ٦
مَا سَمِعۡنَا بِهَٰذَا فِي ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ إِنۡ هَٰذَآ إِلَّا ٱخۡتِلَٰقٌ ٧ أَءُنزِلَ
عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ
٨ أَمۡ عِندَهُمۡ خَزَآئِنُ رَحۡمَةِ رَبِّكَ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡوَهَّابِ ٩ أَمۡ لَهُم مُّلۡكُ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَاۖ فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ ١٠ جُندٞ
مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ ١١ كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ
وَعَادٞ وَفِرۡعَوۡنُ ذُو ٱلۡأَوۡتَادِ ١٢ وَثَمُودُ وَقَوۡمُ لُوطٖ وَأَصۡحَٰبُ
لۡـَٔيۡكَةِۚ أُوْلَٰٓئِكَ ٱلۡأَحۡزَابُ ١٣ إِن كُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ ٱلرُّسُلَ
فَحَقَّ عِقَابِ ١٤ وَمَا يَنظُرُ هَٰٓؤُلَآءِ إِلَّا صَيۡحَةٗ وَٰحِدَةٗ مَّا لَهَا
مِن فَوَاقٖ ١٥ وَقَالُواْ رَبَّنَا عَجِّل لَّنَا قِطَّنَا قَبۡلَ يَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ١٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡمِلَّةِ ٱلۡأٓخِرَةِ	دین پدران‌مان و دین نصارا.
ٱخۡتِلَٰقٌ	دروغ و افترا.
فَلۡيَرۡتَقُواْ فِي ٱلۡأَسۡبَٰبِ	اسباب رسیدن به آسمان را به‌کار گیرند و مانع وحی شوند.
وَأَصۡحَٰبُ لۡـَٔيۡكَةِ	صاحبان درختان و باغ‌ها؛ یعنی قوم شعیب.
فَوَاقٖ	رجوع.
قِطَّنَا	سهم ما از عذاب.

عمل به آیات

۱. بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، ﴿أَجَعَلَ ٱلۡأٓلِهَةَ إِلَٰهٗا وَٰحِدًاۖ إِنَّ هَٰذَا لَشَيۡءٌ عُجَابٞ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ اهْزِمِ الْكَفَرَةَ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ، وَيُعَادُونَ أَهْلَ دِينِكَ»؛ «یا الله! کافران را که از راه تو بازمی‌دارند و با پیروان دینت دشمنی می‌کند مغلوب کن»، ﴿جُندٞ مَّا هُنَالِكَ مَهۡزُومٞ مِّنَ ٱلۡأَحۡزَابِ﴾

۳. امروز توضیح درسی را که از قرآن فرا گرفته‌ای از یک تفسیر بخوان، ﴿صٓۚ وَٱلۡقُرۡءَانِ ذِي ٱلذِّكۡرِ﴾

رهنمودها

۱. از امت‌های پیشین که الله تعالی آنان را نابود کرد پند بگیر، ﴿كَمۡ أَهۡلَكۡنَا مِن قَبۡلِهِم مِّن قَرۡنٖ فَنَادَواْ وَّلَاتَ حِينَ مَنَاصٖ﴾

۲. یکی از سنت‌های الله تعالی که تا برپایی قیامت باقی است، دشنام دادن و تمسخر بر دعوتگران حق است، پس این امر زیانی به تو نمی‌رساند، ﴿وَعَجِبُوٓاْ أَن جَآءَهُم مُّنذِرٞ مِّنۡهُمۡۖ وَقَالَ ٱلۡكَٰفِرُونَ هَٰذَا سَٰحِرٞ كَذَّابٌ﴾

۳. نسبت به نعمت‌هایی که الله به مردم ارزانی داشته است حسادت نورز؛ زیرا اعتراض بر قضا و قدر الله به شمار می‌رود، ﴿أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَاۚ بَلۡ هُمۡ فِي شَكّٖ مِّن ذِكۡرِيۚ بَل لَّمَّا يَذُوقُواْ عَذَابِ﴾

سورة (ص) الجزء (٢٣) صفحة (٤٥٤)

ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٧﴾ إِنَّا
سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِشْرَاقِ ﴿١٨﴾ وَٱلطَّيْرَ
مَحْشُورَةً ۖ كُلٌّ لَّهُۥٓ أَوَّابٌ ﴿١٩﴾ وَشَدَدْنَا مُلْكَهُۥ وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ
وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ ﴿٢٠﴾ ۞ وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا۟
ٱلْمِحْرَابَ ﴿٢١﴾ إِذْ دَخَلُوا۟ عَلَىٰ دَاوُۥدَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۖ قَالُوا۟ لَا تَخَفْ ۖ
خَصْمَانِ بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَٱحْكُم بَيْنَنَا بِٱلْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ
وَٱهْدِنَآ إِلَىٰ سَوَآءِ ٱلصِّرَٰطِ ﴿٢٢﴾ إِنَّ هَٰذَآ أَخِى لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً
وَلِىَ نَعْجَةٌ وَٰحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِى فِى ٱلْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ
لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى
بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ
مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩
﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ ﴿٢٥﴾
يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ
وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ
عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ ﴿٢٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ذَا ٱلْأَيْدِ	نیرومند بر انجام طاعت و در جنگ.
أَوَّابٌ	بسیار بازگشت‌کننده به آن‌چه الله می‌پسندد.
وَلَا تُشْطِطْ	در حکم خویش، جور و ستم نکن.
أَكْفِلْنِيهَا	آن را به من بده و واگذار کن.
ٱلْخُلَطَآءِ	شُرکا.
لَزُلْفَىٰ	نزدیکی و مقام.
مَـَٔابٍ	بازگشتگاه.

عمل به آیات

۱. از تسبیح و سایر اذکار صبحگاه و شامگاه، وِردی برای خودت انتخاب کن، ﴿إِنَّا سَخَّرْنَا ٱلْجِبَالَ مَعَهُۥ يُسَبِّحْنَ بِٱلْعَشِىِّ وَٱلْإِشْرَاقِ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ أَنْ أَضِلَّ أَوْ أُضَلَّ أَوْ أَزِلَّ أَوْ أُزَلَّ أَوْ أَظْلِمَ أَوْ أُظْلَمَ أَوْ أَجْهَلَ أَوْ يُجْهَلَ عَلَيَّ» [صحیح؛ ابوداود: ۵۰۹۴] «یا الله! به تو پناه می‌برم از این‌که گمراه کنم یا گمراه شوم، منحرف کنم یا منحرف شوم، ستم کنم یا مورد ستم قرار گیرم، دیگران را به نادانی بکشانم یا خود گرفتار آن شوم»، ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ﴾

۳. صد مرتبه نزد الله طلب آمرزش کن و از او تعالی بخواه استغفارت را بپذیرد، ﴿فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ ۖ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَـَٔابٍ﴾

رهنمودها

۱. همیشه قصص پیامبران و صالحان را به یاد داشته باش و از آن‌ها سخن بگو، ﴿وَهَلْ أَتَىٰكَ نَبَؤُا۟ ٱلْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا۟ ٱلْمِحْرَابَ﴾

۲. در برابر اذیتِ آزاردهندگان شکیبا باش، ﴿ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾

۳. از پیروی هوای نفس بپرهیز؛ زیرا سبب گمراهی و گمراه‌کردن است، و در قضاوت، به عدالت و حقیقت پایبند باش، ﴿يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ﴾

ترجمه آیات

[ای پیامبر،] در برابر گفتارشان شکیبا باش و از بندهٔ ما ـ داود توانمند ـ یاد کن [که] بی‌تردید، بسیار توبه‌کار بود. (۱۷) به راستی، ما کوه‌ها را همراهش به خدمت گماشتیم که [هم‌نوا با او] شامگاهان و بامدادان [پروردگار را] به پاکی می‌ستودند. (۱۸) و پرندگان را نیز گِردآمده [در آسمان، به خدمت گماشتیم و] همگی به پیروی از وی تسبیح‌گوی بودند. (۱۹) و فرمانروایی‌اش را استوار نمودیم و پیامبری و کلامی فیصله‌بخش به او عطا کردیم. (۲۰) و آیا خبر آن شاکیان به تو رسیده است، آنگاه که [برای دادخواهی نزد داود] از دیوار عبادتگاه [او] بالا رفتند؟ (۲۱) چون [بدون اطلاع] بر داود وارد شده بودند، از آنان ترسید؛ گفتند: «نترس؛ ما دو نفر شاکی هستیم که یکی بر دیگری ستم کرده است؛ به عدالت در میان ما داوری کن و ستم روا مدار و ما را به راه راست هدایت کن». (۲۲) [یکی از آن دو گفت:] «این [مرد،] برادرم است. او نود و نُه میش دارد و من یک میش دارم و [به اصرار] می‌گوید: "آن [یک میش] را هم به من واگذار"؛ و در بحث بر من پیروز شده است». (۲۳) [داود] گفت: «بی‌تردید، او با خواستنِ میش تو [برای افزودن] به میش‌های خودش، بر تو ستم کرده است؛ و البته بسیاری از شریکانَ [و همکاران] در حق یکدیگر ستم می‌کنند، مگر کسانی که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند که آنها [نیز بسیار] اندکند»؛ و داود [که بدون توضیح خواستن از طرف دیگر، حکم صادر کرده بود] دریافت که قطعاً او را امتحان کرده‌ایم؛ بنابر این، از پروردگار خویش آمرزش خواست و سجده‌کنان بر زمین افتاد و [به درگاه الهی] توبه کرد. (۲۴) آن [اشتباه] را بر او بخشیدیم؛ و به راستی، او نزد ما مقامی والا و [در آخرت] بازگشتی نیکو دارد. (۲۵) ای داود، ما تو را جانشین [خود] در زمین قرار دادیم؛ پس به حق میان مردم داوری کن و پیرو هوای [نفس] نباش که تو را از راه الله گمراه می‌کند. بی‌تردید، کسانی که از راه الله گمراه می‌شوند، به سزای آنکه روز حساب را فراموش کرده‌اند، عذاب شدیدی [در پیش] دارند. (۲۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ ۖ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ﴾

نام داود عليه السلام و پیامبرانِ پس از او در این سوره برای تسکین و دلداری پیامبر ﷺ، و وعدهٔ پیروزی به او و زدودن اندوهش بیان شد، و به این هدف که در برابر صبری که بدان فرمان یافته است تقویت شود؛ زیرا وقتی الله رام‌کردن پرندگان و کوه‌ها و پادشاهی قوی و حکمت و فصاحتی که به داود عليه السلام ارزانی داشته بود و سرانجام، نزدیکی به الله و بازگشتگاه نیکوی او در آخرت را ذکر کرد، گویی می‌فرماید: ای محمد همان‌گونه که این نعمت‌ها را به داود عليه السلام بخشیدیم به تو نیز ارزانی می‌داریم، پس صبر کن و از سخنان آنان اندوه مدار. ابن جزی: ۲/ ۲۴۹.

پرسش: چه ارتباطی میان فرمان الله بر محمد ﷺ به صبر و یادآوری قصهٔ داود عليه السلام وجود دارد؟

۲ ﴿ٱصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَٱذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُۥدَ ذَا ٱلْأَيْدِ﴾

یکی از فواید و حکمت‌های قصهٔ داود عليه السلام این است که الله تعالی قوت قلبی و جسمی در طاعتش را دوست دارد و می‌ستاید؛ زیرا باعث می‌شود طاعت بیشتر و موثرتر و بهتری انجام شود؛ بنابراین بنده باید اسباب توانایی و قدرت را فراهم آورد و به تنبلی و بطالت که سبب نابودی نیرو و ضعف نفس است روی نیاورد. سعدی: ۷۱۳.

پرسش: الله تعالی قوّت و نیرو در طاعتش را دوست دارد. این مطلب را با توجه به این‌که الله تعالی داود عليه السلام را به ذوالقوه (صاحب نیرو و قدرت) توصیف کرد شرح دهید؟

۳ ﴿وَءَاتَيْنَٰهُ ٱلْحِكْمَةَ وَفَصْلَ ٱلْخِطَابِ﴾

یکی دیگر از فواید و حکمت‌های قصهٔ داود عليه السلام این است که بزرگ‌ترین نعمت الله بر بنده‌اش این است که علم نافع بر او ارزانی دارد و حکمت و داوری میان مردم به او بیاموزاند، چنان‌که این نعمت را به بنده‌اش داود عليه السلام بخشید. سعدی: ۷۱۳.

پرسش: از این‌که الله تعالی حکمت را به داود عليه السلام ارزانی داشت چه فایده‌ای می‌بریم؟

۴ ﴿إِنَّ هَٰذَآ أَخِى لَهُۥ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِىَ نَعْجَةٌ وَٰحِدَةٌ فَقَالَ أَكْفِلْنِيهَا وَعَزَّنِى فِى ٱلْخِطَابِ ﴿٢٣﴾ قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعْجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِۦ ۖ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩﴾

گزارش‌های ناروایی از قصهٔ داود عليه السلام در کتاب‌های بنی‌اسرائیلی وجود دارد و در صدر اسلام برخی داستان‌سرایان آن را بیان می‌کردند؛ علی بن ابی طالب رضي الله عنه می‌گوید: هر کس مانند اینان در مورد داود سخن بگوید دو حد بر او جاری می‌کنم، چون حرمت کسی را شکسته است که الله جایگاه بلندی برایش قائل شده است. ابن عطیه: ۴/ ۴۹۹.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که روایت علی بن ابی طالب رضي الله عنه در مورد این قصه، از مقام پیامبری پاسداری می‌کند.

۵ ﴿وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ ٱلْخُلَطَآءِ لَيَبْغِى بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩﴾

﴿إِلَّا ٱلَّذِينَ ءَامَنُوا۟ وَعَمِلُوا۟ ٱلصَّٰلِحَٰتِ﴾؛ زیرا به هیچ‌کس ستم نمی‌کنند، ﴿وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ﴾ یعنی: صالحان. قرطبی: ۱۸/ ۱۷۲.

پرسش: آیه بر اهمیت رعایت ایمان و نیکوکاری در انتخاب شریک تشویق می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

۶ ﴿وَظَنَّ دَاوُۥدُ أَنَّمَا فَتَنَّٰهُ فَٱسْتَغْفَرَ رَبَّهُۥ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۩ ﴿٢٤﴾ فَغَفَرْنَا لَهُۥ ذَٰلِكَ﴾

استغفار و عبادت- به‌خصوص نماز- گناهان را می‌پوشانند؛ زیرا الله تعالی آمرزش گناه داود عليه السلام را بر استغفار و سجدهٔ او مترتب کرد. سعدی: ۷۱۳.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که نماز چه جایگاهی در پوشاندن گناهان دارد؟

۷ ﴿يَٰدَاوُۥدُ إِنَّا جَعَلْنَٰكَ خَلِيفَةً فِى ٱلْأَرْضِ فَٱحْكُم بَيْنَ ٱلنَّاسِ بِٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ ٱلْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ ٱللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌۢ بِمَا نَسُوا۟ يَوْمَ ٱلْحِسَابِ﴾

اکثر فضایل و شایستگی‌ها، بر نفس دشوار است؛ زیرا به تهذیب نفس و صعود از صفت پست حیوانی بستگی دارد، و پیروی از هوای نفس در اغلب موارد به وقوع در رذیلت‌ها منجر می‌شود. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۴۴.

پرسش: پیروی از هوای نفس با دست‌یابی به فضایل منافات دارد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

سورة (ص) الجزء (٢٣) صفحة (٤٥٥)

وَمَا خَلَقۡنَا ٱلسَّمَآءَ وَٱلۡأَرۡضَ وَمَا بَيۡنَهُمَا بَٰطِلٗاۚ ذَٰلِكَ ظَنُّ ٱلَّذِينَ
كَفَرُواْۚ فَوَيۡلٞ لِّلَّذِينَ كَفَرُواْ مِنَ ٱلنَّارِ ٢٧ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ كَٱلۡمُفۡسِدِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ أَمۡ نَجۡعَلُ ٱلۡمُتَّقِينَ كَٱلۡفُجَّارِ
٢٨ كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ
ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٢٩ وَوَهَبۡنَا لِدَاوُۥدَ سُلَيۡمَٰنَۚ نِعۡمَ ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٌ
٣٠ إِذۡ عُرِضَ عَلَيۡهِ بِٱلۡعَشِيِّ ٱلصَّٰفِنَٰتُ ٱلۡجِيَادُ ٣١ فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ
حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ ٣٢ رُدُّوهَا عَلَيَّۖ
فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ ٣٣ وَلَقَدۡ فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ
وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ ٣٤ قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ
لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٣٥
فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ ٣٦ وَٱلشَّيَٰطِينَ
كُلَّ بَنَّآءٖ وَغَوَّاصٖ ٣٧ وَءَاخَرِينَ مُقَرَّنِينَ فِي ٱلۡأَصۡفَادِ ٣٨ هَٰذَا
عَطَآؤُنَا فَٱمۡنُنۡ أَوۡ أَمۡسِكۡ بِغَيۡرِ حِسَابٖ ٣٩ وَإِنَّ لَهُۥ عِندَنَا لَزُلۡفَىٰ وَحُسۡنَ
مَـَٔابٖ ٤٠ وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ
بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ ٤١ ٱرۡكُضۡ بِرِجۡلِكَۖ هَٰذَا مُغۡتَسَلُۢ بَارِدٞ وَشَرَابٞ ٤٢

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلصَّٰفِنَٰتُ	اسب‌هایی که به سبب نجابت و تیزروی‌شان، بر روی سه پا می‌ایستند و چهارمی را بالا نگه می‌دارند.
ٱلۡجِيَادُ	اسب‌های اصیل و تیزرو.
فَطَفِقَ	شروع کرد.
مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ	ساق‌ها و گردن‌های‌شان را مسح می‌کرد، یا به هدف تقرب به الله قطع می‌کرد.
رُخَآءً	نرم و فرمانبردار.
بِنُصۡبٍ	مشقت و رنج.

عمل به آیات

۱. یک سوره از جزء عمّ را با ترجمه بخوان، سپس در فواید و علم و عمل موجود در آن تدبر کن، ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

۲. مالی که تو را بسیار از طاعت الله بازداشته است در راه او تعالی صدقه بده، امید است که الله بهتر از آن را به تو ارزانی دارد، ﴿رُدُّوهَا عَلَيَّۖ فَطَفِقَ مَسۡحَۢا بِٱلسُّوقِ وَٱلۡأَعۡنَاقِ﴾ ﴿فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ﴾

۳. با اقتدا به پیامبران، خیر دنیا و آخرت را از الله تعالی تقاضا کن، ﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ﴾

رهنمودها

۱. بدان که فقط صاحبان عقل سلیم از اندرزها فایده و پند می‌گیرند، ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

۲. مبادا کالای دنیا تو را از طاعت الله تعالی بازدارد، ﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ﴾

۳. هر گاه گناه کردی یا مصیبت یا اندوهی به تو رسید، به سوی الله تعالی رجوع کن، ﴿وَلَقَدۡ فَتَنَّا سُلَيۡمَٰنَ وَأَلۡقَيۡنَا عَلَىٰ كُرۡسِيِّهِۦ جَسَدٗا ثُمَّ أَنَابَ ٣٤ قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي﴾

ترجمه آیات

ما آسمان و زمین و آنچه را که میان آنهاست، بیهوده نیافریده‌ایم. این، گمان کسانی است که کفر ورزیده‌اند. پس وای بر کسانی که کفر ورزیدند از آتش [دوزخ]! (۲۷) آیا کسانی را که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند مانند مفسدان در زمین به حساب می‌آوریم؟ آیا پرهیزگاران را مانند بدکاران به حساب می‌آوریم؟ (۲۸) [ای محمد، این قرآن] کتابی است پربرکت که بر تو نازل کردیم تا [مردم] در آیاتش به دقت بیندیشند و خردمندان پند گیرند. (۲۹) و سلیمان را به داود عطا کردیم؛ نیکو بنده‌ای بود [و] بی‌تردید، بسیار توبه‌کار بود. (۳۰) [یاد کن از] هنگامی که عصرگاهان، اسب‌های [اصیل و] تیزرو را بر او عرضه کردند [و این اسب‌ها پیوسته تا غروب خورشید بر او عرضه می‌شد]. (۳۱) [سلیمان سرگرم تماشای اسب‌ها شد و وقت عبادت گذشت؛] گفت: «به راستی که دوست‌داشتن مال [و تماشای اسب‌ها] مرا از یاد پروردگارم غافل کرد تا [آنکه خورشید] در پرده [مغرب] پنهان گشت. [بار دیگر] آنها را نزدم بازگردانید». آنگاه [به نشانهٔ وقف در راهِ الله] به ساق‌ها و گردن‌ها[ی آن اسب‌ها] دست کشید. (۳۲-۳۳) و بی‌تردید، سلیمان را آزمودیم و جسد [نوزاد]ی را [که ـ بدون گفتن ان‌شاءالله- مشتاقانه در انتظار تولدش بود، مُرده] بر تختش افکندیم [تا دریابد که ادارهٔ امور، به دست الله است]؛ سپس [توبه کرد و به درگاه الهی] بازگشت. (۳۴) گفت: «پروردگارا، مرا بیامرز و حکومتی به من ارزانی دار که پس از من بی‌نظیر باشد [که] بی‌تردید، تو بسیار بخشاینده‌ای». (۳۵) [ما] باد را در خدمتش گماشتیم که هر کجا اراده می‌کرد به فرمانش به آرامی روانه می‌شد (۳۶) و هر بنّا و غواصی از جنیان را [که می‌خواست، به فرمانش درآوردیم] (۳۷) و گروه دیگری [از جنیان] را [که همگی] در غل و زنجیر بودند [تحت سلطه‌اش قرار دادیم]. (۳۸) [به او گفتیم:] «این عطای ماست؛ بی‌شمار [به هر که می‌خواهی] ببخش یا [از هر کس که می‌خواهی] بازدار». (۳۹) و به راستی، او نزد ما مقامی والا و [در آخرت] بازگشتی نیکو دارد. (۴۰) [ای پیامبر،] از بندهٔ ما ـ ایوب ـ یاد کن؛ آنگاه که پروردگارش را ندا داد که: «شیطان مرا به رنج و درد آورده است». (۴۱) [به او فرمان دادیم:] «پایت را بر زمین بکوب [تا چشمه‌ای بجوشد]. این، چشمه‌ساری خنک برای شستشو و آشامیدن است». (۴۲)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

بنابر ظاهر آیه، تدبر یکی از اسباب نازل شدن قرآن است و در این صورت، ترتیل از خواندنِ سریع بهتر است؛ چون تدبر بدون ترتیل حاصل نمی‌شود. ابن عطیه: ۴/ ۵۰۳.

پرسش: چه رابطه‌ای میان تدبر و ترتیل وجود دارد؟

۲ ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

برکت در تمام آیات قرآن وجود دارد؛ زیرا یا به سوی خیر راهنمایی می‌کند یا از شر و فساد بازمی‌دارد که این امر در دنیا و آخرت سبب خیر است و برکتی بزرگ‌تر از آن وجود ندارد. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۵۱.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که در تمام کتاب الله تعالی برکت نهاده شده است.

۳ ﴿كِتَٰبٌ أَنزَلۡنَٰهُ إِلَيۡكَ مُبَٰرَكٞ لِّيَدَّبَّرُوٓاْ ءَايَٰتِهِۦ وَلِيَتَذَكَّرَ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

﴿أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾: خردمندان. اشاره دارد به این‌که کسانی که از قرآن پند نمی‌گیرند، خردمند نیستند و این‌که پندپذیری، صفت مسلمانان است که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین سخن پیروی می‌کنند؛ زیرا آنان هستند که در آیات قرآن می‌اندیشند و معانی جدیدی استنباط می‌کنند... اما کافران از تدبر روی می‌گردانند؛ پس قطعاً پند نخواهند پذیرفت. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۵۳.

پرسش: با توجه به آیه، خردمندان چه نشانه‌ای دارند؟

۴ ﴿فَقَالَ إِنِّيٓ أَحۡبَبۡتُ حُبَّ ٱلۡخَيۡرِ عَن ذِكۡرِ رَبِّي حَتَّىٰ تَوَارَتۡ بِٱلۡحِجَابِ﴾

اسب‌ها به این سبب، خیر نامیده شدند که در پیشانی آن‌ها خیر یعنی اجر و غنیمت، گره خورده است. بغوی: ۳/ ۷۰۳.

پرسش: چرا اسب، خیر نامیده شده است؟

۵ ﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ﴾

سلیمان ﷺ قبل از این‌که پادشاهی تقاضا کند استغفار کرد؛ زیرا دین را از دنیا مهم‌تر می‌دانست، پس امر مهم‌تر و شایسته‌تر را مقدم کرد. ابن جزی: ۲/ ۲۵۵.

پرسش: چرا سلیمان ﷺ قبل از طلب پادشاهی، استغفار کرد؟

۶ ﴿قَالَ رَبِّ ٱغۡفِرۡ لِي وَهَبۡ لِي مُلۡكٗا لَّا يَنۢبَغِي لِأَحَدٖ مِّنۢ بَعۡدِيٓۖ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡوَهَّابُ ٣٥ فَسَخَّرۡنَا لَهُ ٱلرِّيحَ تَجۡرِي بِأَمۡرِهِۦ رُخَآءً حَيۡثُ أَصَابَ﴾

از حسن نقل شده که وقتی اسب‌ها بر پیامبر الله، سلیمان ﷺ عرضه شد، او را از نماز عصر غافل کرد؛ بنابراین به خاطر الله خشم گرفت و دستور داد آن‌ها را بکشند و این کار انجام شد، الله نیز به جای اسب‌ها، نعمتی سریع‌تر به او بخشید: باد را رامش کرد که به فرمان او به نرمی و فروتنی به هر کجا که می‌خواست حرکت می‌کرد. طبری: ۲۱/ ۲۰۱-۲۰۲.

پرسش: بر اساس آیه توضیح دهید که هر کس چیزی را به خاطر الله ترک کند او تعالی بهتر از آن را به او پاداش می‌دهد؟

۷ ﴿وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ أَيُّوبَ إِذۡ نَادَىٰ رَبَّهُۥٓ أَنِّي مَسَّنِيَ ٱلشَّيۡطَٰنُ بِنُصۡبٖ وَعَذَابٍ﴾

از میان احوال ایوب ﷺ به این دلیل فقط حالت مذکور بیان شد که توکل او بر الله و اجابت دعای او از جانب الله با زدودن آسیبش را آشکار می‌کند. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۶۸.

پرسش: چرا از میان احوال ایوب ﷺ، فقط این حالت که پروردگارش را ندا داد بیان شد؟

سورة (ص) الجزء (۲۳) صفحة (٤٥٦)

وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةً مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ
٤٣ وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثًا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرًاۚ نِّعۡمَ
ٱلۡعَبۡدُ إِنَّهُۥٓ أَوَّابٞ ٤٤ وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي
ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ ٤٥ إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى ٱلدَّارِ ٤٦
وَإِنَّهُمۡ عِندَنَا لَمِنَ ٱلۡمُصۡطَفَيۡنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٧ وَٱذۡكُرۡ إِسۡمَٰعِيلَ
وَٱلۡيَسَعَ وَذَا ٱلۡكِفۡلِۖ وَكُلّٞ مِّنَ ٱلۡأَخۡيَارِ ٤٨ هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ
لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ ٤٩ جَنَّٰتِ عَدۡنٖ مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ ٥٠ مُتَّكِـِٔينَ
فِيهَا يَدۡعُونَ فِيهَا بِفَٰكِهَةٖ كَثِيرَةٖ وَشَرَابٖ ٥١ ۞وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ
ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ ٥٢ هَٰذَا مَا تُوعَدُونَ لِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٥٣ إِنَّ هَٰذَا
لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ ٥٤ هَٰذَاۚ وَإِنَّ لِلطَّٰغِينَ لَشَرَّ مَـَٔابٖ
٥٥ جَهَنَّمَ يَصۡلَوۡنَهَا فَبِئۡسَ ٱلۡمِهَادُ ٥٦ هَٰذَا فَلۡيَذُوقُوهُ حَمِيمٞ
وَغَسَّاقٞ ٥٧ وَءَاخَرُ مِن شَكۡلِهِۦٓ أَزۡوَٰجٌ ٥٨ هَٰذَا فَوۡجٞ
مُّقۡتَحِمٞ مَّعَكُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِهِمۡۚ إِنَّهُمۡ صَالُواْ ٱلنَّارِ ٥٩ قَالُواْ
بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ ٦٠
قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ ٦١

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ضِغۡثًا	یک بسته سرشاخهٔ خرما یا یک دسته گیاه خشک.
وَلَا تَحۡنَثۡ	سوگندت مبنی بر این‌که همسرت را بزنی نشکن.
أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ	خصلتی بزرگ را به آنان اختصاص داده‌ایم.
قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ	به غیر شوهران‌شان نگاه نمی‌کنند.
أَتۡرَابٌ	هم سنّ و سال.
نَّفَادٍ	قطع و انفصال.
لَشَرَّ مَـَٔابٖ	بدترین بازگشتگاه در آخرت.

عمل به آیات

۱. امری را که بر آن صبر کرده‌ای به یاد آور و از الله بخواه صبر تو را عبادتی در ترازوی نیکی‌هایت قرار دهد، ﴿وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثًا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرًا﴾

۲. سوگندی را که ایراد کرده‌ای به یاد آور و تلاش کن آن را به هدف تعظیم فرمان الله محقق کنی، ﴿وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثًا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡ﴾

۳. از الله بخواه دنیا را بزرگ‌ترین غم و اندوه تو قرار ندهد، ﴿إِنَّآ أَخۡلَصۡنَٰهُم بِخَالِصَةٖ ذِكۡرَى ٱلدَّارِ﴾

رهنمودها

۱. الله گاهی بنده‌ای را که دوست دارد امتحان می‌کند؛ تا مقامش را بالا برد و بر منزلتش بیفزاید، ﴿وَوَهَبۡنَا لَهُۥٓ أَهۡلَهُۥ وَمِثۡلَهُم مَّعَهُمۡ رَحۡمَةً مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

۲. رابطه‌ای که بر اساس خشم الله بنا نهاده شود در آخرت به دشمنی تبدیل می‌شود، ﴿قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ﴾

۳. هرگز سبب انجام گناه کسی نباش، ﴿قَالُواْ رَبَّنَا مَن قَدَّمَ لَنَا هَٰذَا فَزِدۡهُ عَذَابٗا ضِعۡفٗا فِي ٱلنَّارِ﴾

ترجمه آیات

و خانواده‌اش و مانند آنها [= نوادگان] را همراه آنان به وی بخشیدیم تا [نشانهٔ] رحمتی از جانب ما و اندرزی برای خردمندان باشد. (۴۳) و [به او فرمان دادیم:] «دسته‌ای گیاه برگیر و [همسرت را] با آن بزن و سوگندت را [که در هنگام خشم یاد کرده بودی] نشکن. به راستی، ما او را شکیبا یافتیم. نیکو بنده‌ای بود [و] بی‌تردید، بسیار توبه‌کار بود. (۴۴) و [ای پیامبر،] از بندگان ما ابراهیم و اسحاق و یعقوب یاد کن که [در عبادت] توانمند و [در شناخت حق] بابصیرت بودند. (۴۵) ما آنان را با خصلتی [ممتاز] ویژه ساختیم که [همانا] یاد آخرت بود. (۴۶) و آنان نزد ما از برگزیدگان و نیکانند. (۴۷) و از اسماعیل و یَسَع و ذوالکِفل یاد کن [که] همگی از نیکانند. (۴۸) این [قرآن] پندی است و یقیناً پرهیزگاران [در آخرت] بازگشتی نیکو دارند. (۴۹) باغ‌هایی جاودان که درها[یش] برای آنان گشوده است. (۵۰) در حالی که [بر تخت‌ها] تکیه زده‌اند، [از خدمتکارانشان] میوه‌های فراوان و نوشیدنی می‌خواهند. (۵۱) و زنانی نزدشان است که تنها [به شوهران خود] نظر دارند و [همگی] هم‌سن و سال هستند. (۵۲) این است آنچه برای روز حساب به شما وعده داده می‌شد. (۵۳) این روزی [و لطف] ماست که پایانی ندارد. (۵۴) این [پاداش پرهیزگاران] است؛ و بی‌تردید، سرکشان بدترین بازگشتگاه را دارند. (۵۵) [همان] دوزخ که در آن وارد می‌شوند؛ و چه بد قرارگاهی است! (۵۶) این [مجازات،] آب جوشان و خونابهٔ چرک‌آلودی است که باید آن را بچشند. (۵۷) و از همین گونه، انواع دیگری [عذاب‌ها را خواهند دید]. (۵۸) [هنگام ورود دوزخیان به آتش، برخی از آنان به دیگران می‌گویند:] «این گروهی است که همراه شما [به آتش] داخل می‌شوند». [آنان پاسخ می‌دهند:] «خوشامد بر آنان مباد! به راستی که به آتش درمی‌آیند». (۵۹) [آنان به رهبران خود] می‌گویند: «بلکه بر شما خوشامد مباد؛ [زیرا] شما بودید که این [عذاب] را پیش پای ما نهادید. پس [دوزخ] چه بد قرارگاهی است!» (۶۰) [آنگاه] می‌گویند: «پروردگارا، هر کس این [عذاب] را برای ما فراهم کرده است، عذابش را در آتش چندین برابر بیفزای». (۶۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَخُذۡ بِيَدِكَ ضِغۡثًا فَٱضۡرِب بِّهِۦ وَلَا تَحۡنَثۡۗ إِنَّا وَجَدۡنَٰهُ صَابِرًا﴾

ایوب عليه السلام بر همسرش خشم گرفته بود... و سوگند یاد کرد که اگر الله تعالی او را شفا بخشد صد ضربه به همسرش خواهد زد... اما وقتی الله شفا و سلامتی به او بخشید، جزای همسرش این نبود که با وجود خدمت و مهربانی و شفت و احسانی کاملی که از ایوب عليه السلام دریغ نداشته بود شلاق بخورد؛ پس الله تعالی به ایوب عليه السلام دستور داد یک بسته صدتایی از سرشاخه‌های نازک بگیرد و آن را یک مرتبه به همسرش بزند که در این صورت، از سوگندش بری خواهد شد و نذرش ادا می‌شود. این مورد یکی از مصادیق ایجاد گشایش و گریزگاه برای کسانی است که تقوای الله را پیشه کنند و به سوی او بازگردند. ابن کثیر: ۴/ ۴۱.

پرسش: هر کس تقوای الله تعالی را محقق گرداند، الله گریزگاهی برایش ایجاد می‌کند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ إِبۡرَٰهِيمَ وَإِسۡحَٰقَ وَيَعۡقُوبَ أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾

الأید: جمع ید است که در این‌جا عبارت است از توانِ پیامبران مذکور در انجام اعمال صالح. به این سبب به أیدی تعبیر شد که اکثر اعمال توسط دست انجام می‌شود. منظور از ابصار نیز، فهم و درک قوی و علم زیاد آنان است؛ چنان‌که اگر انسان به امور آگاه شود، می‌گویند بصیر (بینا) شد. ابن جزی: ۲/ ۲۵۷.

پرسش: در عبارت ﴿أُوْلِي ٱلۡأَيۡدِي وَٱلۡأَبۡصَٰرِ﴾ که الله تعالی پیامبرانش را با آن توصیف می‌کند صفات نیکویی وجود دارد. این صفات را نام ببرید.

۳ ﴿هَٰذَا ذِكۡرٞۚ وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ﴾

﴿هَٰذَا ذِكۡرٞ﴾ یعنی: یادی نیکو در دنیا، و فضیلتی که در دنیا برای همیشه با آن یاد می‌شوند. ﴿وَإِنَّ لِلۡمُتَّقِينَ لَحُسۡنَ مَـَٔابٖ﴾ یعنی: افزون بر این یاد نیکو در دنیا، بازگشتگاه نیکویی در قیامت دارند. قرطبی: ۱۸/ ۲۲۶.

پرسش: کدام پاداش پرهیزگاران در دنیا و آخرت در آیه بیان شده است؟

۴ ﴿مُّفَتَّحَةٗ لَّهُمُ ٱلۡأَبۡوَٰبُ﴾

بر امنیت کامل دلالت دارد و این‌که در بهشت‌های جاویدان و پرنعمت، امر ناگواری وجود ندارد که درها را به خاطر آن ببندند. سعدی: ۷۱۵.

پرسش: آیه به نعمت بزرگی اشاره دارد که الله تعالی آن را بر بهشتیان ارزانی می‌دارد. این نعمت چیست؟

۵ ﴿وَعِندَهُمۡ قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ أَتۡرَابٌ﴾

﴿وَعِندَهُمۡ﴾ همسران‌شان حور عین هستند، ﴿قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ﴾ چشم آنان به شوهران‌شان است و چشم شوهران‌شان به آنان؛ زیرا همگی زیبا هستند و یکدیگر را دوست دارند و رغبتی به دیگران ندارند، و بدل یا عوضی به جای یارشان نمی‌جویند. سعدی: ۷۱۵.

پرسش: توصیف حوریان بهشتی با عبارت ﴿قَٰصِرَٰتُ ٱلطَّرۡفِ﴾ به اخلاق والایی اشاره دارد که زن مسلمان در دنیا باید به آن آراسته باشد و امید است که این خصلت اخلاقی، سبب ورود او به بهشت شود. این صفت اخلاقی چیست؟

۶ ﴿إِنَّ هَٰذَا لَرِزۡقُنَا مَا لَهُۥ مِن نَّفَادٍ﴾

هر گاه میوه‌ای از هر یک از درخت‌های بهشت بچینند و بخورند، میوه‌ای دیگر مثل همان میوه در مکانش قرار می‌گیرد؛ بنابراین میوه‌های بهشتی همیشگی و دائمی است و هرگز قطع نمی‌شوند. طبری: ۲۱/ ۲۲۳.

پرسش: کدام یک از تفاوت‌های میوه‌های بهشتی و میوه‌های دنیا در آیه بیان شده است؟

۷ ﴿قَالُواْ بَلۡ أَنتُمۡ لَا مَرۡحَبَۢا بِكُمۡۖ أَنتُمۡ قَدَّمۡتُمُوهُ لَنَاۖ فَبِئۡسَ ٱلۡقَرَارُ﴾

یعنی: شما ما را به نافرمانی فرا خواندید، پس قرارگاه بسیار بدی برای ما و شماست. پیروان می‌گویند: پروردگارا به کسی که ما را به این‌جا درآورد عذابی مضاعف از آتش بچشان. قرطبی: ۱۸/ ۲۳۳.

پرسش: کسانی که از پیشوایان گناهکار پیروی کردند در روز قیامت چه وضعیتی دارند؟ و چه نکته‌ای از این موضوع به دست می‌آید؟

سورة (ص) الجزء (۲۳) صفحة (۴۵۷)

وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ ٦٢ أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ
سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ ٦٣ إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ
ٱلنَّارِ ٦٤ قُلۡ إِنَّمَآ أَنَا۠ مُنذِرٞۖ وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ ٦٥
رَبُّ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ وَمَا بَيۡنَهُمَا ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ٦٦ قُلۡ هُوَ نَبَؤٌاْ
عَظِيمٌ ٦٧ أَنتُمۡ عَنۡهُ مُعۡرِضُونَ ٦٨ مَا كَانَ لِيَ مِنۡ عِلۡمِۢ بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ
إِذۡ يَخۡتَصِمُونَ ٦٩ إِن يُوحَىٰٓ إِلَيَّ إِلَّآ أَنَّمَآ أَنَا۠ نَذِيرٞ مُّبِينٌ ٧٠ إِذۡ قَالَ
رَبُّكَ لِلۡمَلَٰٓئِكَةِ إِنِّي خَٰلِقُۢ بَشَرٗا مِّن طِينٖ ٧١ فَإِذَا سَوَّيۡتُهُۥ وَنَفَخۡتُ
فِيهِ مِن رُّوحِي فَقَعُواْ لَهُۥ سَٰجِدِينَ ٧٢ فَسَجَدَ ٱلۡمَلَٰٓئِكَةُ كُلُّهُمۡ
أَجۡمَعُونَ ٧٣ إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤ قَالَ
يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ
مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ
٧٦ قَالَ فَٱخۡرُجۡ مِنۡهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٞ ٧٧ وَإِنَّ عَلَيۡكَ لَعۡنَتِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلدِّينِ
٧٨ قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ
ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ ٨١ قَالَ فَبِعِزَّتِكَ
لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ ٨٣

ترجمه آیات

[دوزخیان متکبر] می‌گویند: «چرا کسانی را که [در دنیا] از اشرار می‌پنداشتیم، [در دوزخ] نمی‌بینیم؟ (۶۲) آیا [در دنیا، بی‌جهت] آنان را به تمسخر می‌گرفتیم یا [اینجا هستند و] چشمان [ما] به آنان نمی‌افتد؟» (۶۳) بی‌تردید، این ستیز [و مجادله] اهل آتش، راست است [و قطعاً رخ می‌دهد]. (۶۴) [ای پیامبر، به کافران] بگو: «من فقط بیم‌دهنده‌ام و معبودی [به‌حق] نیست، مگر الله یگانهٔ پیروزمند. (۶۵) پروردگار آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنهاست، [آن ذاتِ] شکست‌ناپذیرِ آمرزنده». (۶۶) [به کافران] بگو: «این [قرآن،] خبری بزرگ است. (۶۷) [ولی] شما از آن رویگردانید. (۶۸) [اگر به من وحی نمی‌شد، هرگز] از عالم بالاتر ـ آنگاه که [فرشتگان در مورد آفرینشِ بشر] جدال می‌کردند ـ اطلاعی نداشتم. (۶۹) به من وحی نمی‌شود، مگر از آن روی که من بیم‌دهنده‌ای آشکارم». (۷۰) [یاد کن از] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری از گِل می‌آفرینم. (۷۱) آنگاه که او را سامان دادم و از روح خویش در او دمیدم، [به نشانهٔ بزرگداشتِ الله] برایش به سجده بیفتید». (۷۲) [چون آدم پدید آمد،] فرشتگان همگی سجده کردند (۷۳) مگر ابلیس [که] تکبر نمود و کافر شد. (۷۴) [الله] فرمود: «ای ابلیس، چه چیز مانع تو شد از اینکه در برابر آنچه به دستان خویش آفریده‌ام سجده کنی؟ آیا تکبر ورزیدی یا برتری‌جویی کردی؟» (۷۵) او گفت: «من از او برترم: مرا از آتش آفریده‌ای و او را از گِل». (۷۶) [الله] فرمود: « از آن [بهشت برین] بیرون شو [که] بی‌تردید، تو [منفور و] رانده‌شده‌ای. (۷۷) و لعنت من تا روز جزا [= قیامت] بر تو خواهد بود». (۷۸) [ابلیس] گفت: «پروردگارا، پس تا روزی که [بندگانت] برانگیخته می‌شوند، به من مهلت بده». (۷۹) [الله] فرمود: «مهلت خواهی داشت، (۸۰) تا روز [قیامت،] آن وقت معیّن». (۸۱) [ابلیس] گفت: «پس به عزت تو سوگند که قطعاً همهٔ آنان را گمراه می‌کنم (۸۲) مگر بندگان مخلصت را از میان آنان». (۸۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَالُواْ مَا لَنَا لَا نَرَىٰ رِجَالٗا كُنَّا نَعُدُّهُم مِّنَ ٱلۡأَشۡرَارِ﴾

یعنی: گمان می‌کردیم آنان بدبختانی هستند که به سبب پیروی از اسلام و خشنودی به زندگی سخت، لذت زندگی را از دست داده‌اند. ابن عاشور: ۲۳/ ۲۹۲.

پرسش: یکی از عذاب‌های روحی جهنمیان این است که اشتباه معیارهای‌شان که در دنیا مردم را با آن‌ها می‌سنجیدند برای‌شان آشکار می‌گردد. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۲ ﴿وَمَا مِنۡ إِلَٰهٍ إِلَّا ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ﴾

الله الوهیت خویش را با این برهان قاطع، یعنی یگانگی و چیرگی او تعالی بر همه‌چیز، ثابت می‌کند؛ زیرا غلبه و چیرگی، ملازم یگانگی است و هرگز دو قهار در قهر و چیرگی با هم یکسان نیستند؛ بنابراین ذاتی که بر همه‌چیز پیروز و چیره است، همان ذات یگانه‌ای است که هیچ همتایی ندارد و سزاوار است که به تنهایی عبادت شود، همان‌گونه که به تنهایی برتر و چیره است. سعدی: ۷۱۶.

پرسش: چرا الله تعالی دو صفت ﴿ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ﴾ خود را در کنار هم ذکر کرد؟

۳ ﴿قُلۡ هُوَ نَبَؤٌاْ عَظِيمٌ﴾

برای تهدید و تحذیر و تحریک و انذارشان به آنان بگو: رستاخیز و زنده‌شدن دوباره و جزای اعمال که شما را از آن آگاه کردم خبر بزرگی است که باید اهمیت زیادی به آن بدهید و هرگز از آن غافل نشوید. سعدی: ۷۱۶.

پرسش: وقتی دانستی که روز قیامت و حساب، خبری بزرگ و امری بسیار مهم است، چه تکلیفی داری؟

۴ ﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

خصلتی از شیطان آشکار شد که در سرشت او قرار داشت؛ یعنی خوی تکبر و سرکشی. این خصلت قبلا به این دلیل از او آشکار نشده بود که در گروه فرشتگان قرار داشت و آنان نیکوترین همنشین هستند و هیچ سببی در میان آنان نبود که طبیعت متکبرانه و عصیانگر شیطان را تحریک کند، اما وقتی مخلوق جدیدی بر این گروه وارد شد و فرشتگان عالم بالا دستور یافتند این مخلوق را محترم و بزرگ دارند، ماشهٔ تکبر در نفس شیطان کشیده شد و باعث گشت که به الله کفر ورزد و از او فرمان نبرد. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۰۱.

پرسش: سبب آشکارشدن خوی تکبر در ابلیس چه بود؟

۵ ﴿قَالَ يَٰٓإِبۡلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَن تَسۡجُدَ لِمَا خَلَقۡتُ بِيَدَيَّۖ أَسۡتَكۡبَرۡتَ أَمۡ كُنتَ مِنَ ٱلۡعَالِينَ ٧٥ قَالَ أَنَا۠ خَيۡرٞ مِّنۡهُ خَلَقۡتَنِي مِن نَّارٖ وَخَلَقۡتَهُۥ مِن طِينٖ﴾

این مطلب، سرزنش سختی است از جانب الله بر مشرکانی که به محمد ﷺ کفر ورزیدند... و از این‌که پیرو یکی از خودشان باشند سر باز زدند، آن‌گاه که گفتند: ﴿أَءُنزِلَ عَلَيۡهِ ٱلذِّكۡرُ مِنۢ بَيۡنِنَا﴾ [ص: ۸]؛ «آیا از میان (همهٔ) ما قرآن بر او نازل شده است؟!» و ﴿هَلۡ هَٰذَآ إِلَّا بَشَرٞ مِّثۡلُكُمۡ﴾ [الأنبیاء: ۳]؛ «آیا جز این است که او بشری مانند شماست؟!». بنابراین الله سرگذشت و نابودی ابلیس را به سبب خودداری از سجده در برابر آدم علیه السلام با این ادعا که از آدم علیه السلام بهتر است برای‌شان حکایت کرد. طبری: ۲۱/ ۲۳۹.

پرسش: چه وجه تناسبی میان قصهٔ شیطان و موضع کفار قریش در برابر پیامبر اسلام محمد ﷺ وجود دارد؟

۶ ﴿قَالَ رَبِّ فَأَنظِرۡنِيٓ إِلَىٰ يَوۡمِ يُبۡعَثُونَ ٧٩ قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ ٱلۡمُنظَرِينَ ٨٠ إِلَىٰ يَوۡمِ ٱلۡوَقۡتِ ٱلۡمَعۡلُومِ﴾

شیطان از الله خواست تا روز رستاخیز به او مهلت دهد، ذات حلیم نیز که در مورد کسانی که از او نافرمانی کنند عجله نمی‌کند به او مهلت داد. شیطان وقتی خودش را تا روز قیامت از نابودی ایمن یافت، سرکشی و طغیان کرد و گفت: ﴿لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾ [ص: ۸۲-۸۳]؛ «همهٔ آن‌ها را گمراه خواهم کرد، مگر بندگان مخلص تو را، از میان آن‌ها». ابن کثیر: ۴/ ۴۵.

پرسش: کدام صفت الهی باعث شد الله تعالی درخواست مهلت شیطان را بپذیرد؟

۷ ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

شیطان چون به سبب آدم علیه السلام رانده شد، به عزت الله سوگند یاد کرد که فرزندان آدم علیه السلام را با آراستن شهوات و افکندن شبهات گمراه خواهد کرد. قرطبی: ۱۸/ ۲۴۰.

پرسش: شیطان چه روش‌هایی برای گمراه‌کردن انسان‌ها به کار می‌گیرد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا	آیا به اشتباه آنان را تحقیر می‌کردیم؟
زَاغَتۡ	منحرف شده و به آنان نیفتاده است.
بِٱلۡمَلَإِ ٱلۡأَعۡلَىٰٓ	فرشتگان.
يَخۡتَصِمُونَ	در مورد آفرینش آدم علیه السلام با یکدیگر مجادله می‌کنند.
سَوَّيۡتُهُۥ	بدنش را کامل و با اعضایی هماهنگ و موزون آفریدم.
سَٰجِدِينَ	سجدهٔ تحیت و احترام، نه سجدهٔ عبادت و تعظیم.
لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ	قطعاً آنان را گمراه خواهم کرد.

عمل به آیات

۱. از کسی که او را مسخره کرده‌ای بخواه که تو را ببخشد یا به جای او صدقه بده و برایش آمرزش بخواه؛ به‌علاوه، از سر اخلاص و صادقانه توبه کن، ﴿أَتَّخَذۡنَٰهُمۡ سِخۡرِيًّا أَمۡ زَاغَتۡ عَنۡهُمُ ٱلۡأَبۡصَٰرُ﴾

۲. از فریب شیطان و پیروی از گام‌هایش به الله پناه ببر، ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۳. از الله بخواه تو را در زمرهٔ بندگان برگزیدهٔ خویش قرار دهد، ﴿قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغۡوِيَنَّهُمۡ أَجۡمَعِينَ ٨٢ إِلَّا عِبَادَكَ مِنۡهُمُ ٱلۡمُخۡلَصِينَ﴾

رهنمودها

۱. خصومت جهنمیان با یکدیگر، عذابی روحی و فراتر از عذاب حسی است، ﴿إِنَّ ذَٰلِكَ لَحَقّٞ تَخَاصُمُ أَهۡلِ ٱلنَّارِ﴾

۲. بیماری‌های قلبی - مانند تکبر و حسادت - با دعا درمان می‌شوند، ﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۳. از ننگ و عار بی‌جا و تکبر بپرهیز؛ زیرا سبب ورود شیطان به جهنم شد، ﴿إِلَّآ إِبۡلِيسَ ٱسۡتَكۡبَرَ وَكَانَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

قَالَ فَٱلۡحَقُّ وَٱلۡحَقَّ أَقُولُ ﴿٨٤﴾ لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ
أَجۡمَعِينَ ﴿٨٥﴾ قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ
﴿٨٦﴾ إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ ﴿٨٧﴾ وَلَتَعۡلَمُنَّ نَبَأَهُۥ بَعۡدَ حِينِۭ ﴿٨٨﴾

سُورَةُ الزُّمَرِ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ ﴿١﴾ إِنَّآ أَنزَلۡنَآ إِلَيۡكَ
ٱلۡكِتَٰبَ بِٱلۡحَقِّ فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿٢﴾ أَلَا
لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُۚ وَٱلَّذِينَ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِهِۦٓ أَوۡلِيَآءَ
مَا نَعۡبُدُهُمۡ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَآ إِلَى ٱللَّهِ زُلۡفَىٰٓ إِنَّ ٱللَّهَ يَحۡكُمُ
بَيۡنَهُمۡ فِي مَا هُمۡ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَۗ إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ
كَٰذِبٞ كَفَّارٞ ﴿٣﴾ لَّوۡ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدٗا لَّٱصۡطَفَىٰ
مِمَّا يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ
﴿٤﴾ خَلَقَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضَ بِٱلۡحَقِّۖ يُكَوِّرُ ٱلَّيۡلَ عَلَى
ٱلنَّهَارِ وَيُكَوِّرُ ٱلنَّهَارَ عَلَى ٱلَّيۡلِۖ وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ
كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمًّىۗ أَلَا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ ﴿٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
أَجۡرٍ	جزا و مزدی در قبال هدایت و دعوت.
ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ	کسانی که با تکلّف بر الله دروغ می‌بندند.
نَبَأَهُۥ	خبر قرآن و راستی آن.
مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ	عبادت و طاعت را فقط برای الله قرار بده.
ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُ	عبادت کامل و خالی از شرک.
زُلۡفَىٰٓ	نزدیکی.
لَّٱصۡطَفَىٰ	برمی‌گزید.
يُكَوِّرُ	داخل می‌کند.

عمل به آیات

۱. از جهنم که مقصد پیروان ابلیس است به الله پناه ببر، ﴿لَأَمۡلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنۡهُمۡ أَجۡمَعِينَ﴾

۲. به درگاه الله دعا کن که توفیق دهد او را به تنهایی عبادت کنی و ذره‌ای به شرک و ریا مبتلا نشوی، ﴿فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾

۳. در گردش خورشید و ماه و پندهایی که در آن وجود دارد بیندیش، ﴿وَسَخَّرَ ٱلشَّمۡسَ وَٱلۡقَمَرَۖ كُلّٞ يَجۡرِي لِأَجَلٖ مُّسَمًّىۗ أَلَا هُوَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡغَفَّٰرُ﴾

رهنمودها

۱. در برابر دعوت، هیچ مزدی جز از جانب الله تعالی درخواست نکن، ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾

۲. الله فقط عبادت خالص را می‌پذیرد، پس بکوش که تمام اعمالت خالص باشد، ﴿فَٱعۡبُدِ ٱللَّهَ مُخۡلِصٗا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾

۳. بستن دروغ بر الله و رسول و مومنان مورد سرزنش قرار گرفته است، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ﴾

ترجمه آیات

[الله] فرمود: «[سخنِ من] حق است و حق را می‌گویم. (۸۴) و یقیناً جهنم را از تو و از هر یک از آنان که از تو پیروی کند ـ از همه ـ انباشته خواهم ساخت». (۸۵) [ای پیامبر، به مشرکان] بگو: «من [در برابر رسالتم] هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و فریبکار نیستم [و به دروغ ادعای نبوت نمی‌کنم]». (۸۶) این [قرآن] جز پندی برای جهانیان [= انسان و جن] نیست. (۸۷) و قطعاً پس از چندی [که مرگ به سراغتان آمد] از خبرِ [راستیِ] آن آگاه خواهید شد. (۸۸)

سورهٔ زمر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

نزول این کتاب، از سوی الله شکست‌ناپذیرِ حکیم است. (۱) این کتاب را به‌حق بر تو نازل کردیم؛ پس الله را با خلوص اعتقاد عبادت کن. (۲) آگاه باشید که دین خالص [و خالی از شرک]، از آنِ الله است و افرادی که غیر الله را [دوست و] کارساز خود انتخاب کرده‌اند [پندارشان این است که:] «آنها را فقط به این دلیل عبادت می‌کنیم که ما را به الله نزدیک گردانند [و منزلتمان را بیشتر کنند]. الله در مواردی که با هم اختلاف دارند میان آنان [و موحدانِ راستین] داوری خواهد کرد. بی‌تردید، الله کسی را که دروغگوی ناسپاس باشد، هدایت نخواهد کرد. (۳) اگر الله می‌خواست فرزندی برگزیند، از میان آفریدگان خود هرچه می‌خواست برمی‌گزید. او تعالی [از این نسبت‌ها] منزه است، و اوست الله یگانهٔ پیروزمند. (۴) آسمان‌ها و زمین را به‌حق [و با هدف] آفرید. شب را بر روز می‌گستراند و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را در خدمت [شما] گماشت که هر یک تا سرآمدِ معیّنی در حرکت است. آگاه باشید! او شکست‌ناپذیرِ آمرزگار است. (۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾

از مسروق روایت شده که گفت: عبدالله بن مسعود ﵁ نزد ما آمد و گفت: ای مردم هر کس چیزی می‌داند باید آن را بگوید و هر کس چیزی نمی‌داند باید بگوید: الله داناتر است؛ زیرا یکی از درجات علم این است که انسان در مورد چیزی که نمی‌داند بگوید: الله بهتر می‌داند؛ الله خطاب به پیامبرتان فرمود: ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾. ابن کثیر: ۴۵/۴.

پرسش: عبدالله بن مسعود ﵁ کدام یک از آداب طالب علم را از طریق تدبر در این آیه استنباط کرد؟

۲ ﴿قُلۡ مَآ أَسۡـَٔلُكُمۡ عَلَيۡهِ مِنۡ أَجۡرٖ وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾

از عبارت ﴿وَمَآ أَنَا۠ مِنَ ٱلۡمُتَكَلِّفِينَ﴾ این نکته به دست می‌آید که هیچ رنجی در احکام دین وجود ندارد؛ یعنی: تکالیف دین مشقت‌آور نیست و این مطلب، به معنای آسانی اسلام است. راحتی و آسایش دین بر این امر استوار است که الله تعالی بر اساس حکمت خویش، میان طبع رسول الله ﷺ و روح شریعتش تناسب ایجاد می‌کند. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۰۹.

پرسش: با توجه به آیه، آسانی اسلام را توضیح دهید.

۳ ﴿إِنۡ هُوَ إِلَّا ذِكۡرٞ لِّلۡعَٰلَمِينَ﴾

این سوره مشتمل بر ذکر حکیم است... بنابراین در ابتدای سوره سوگند یاد کرد که دارای ذکر (پند) است و در پایان، آن را چنین توصیف کرد که پندی برای جهانیان است. به‌علاوه، یادآوری و پندهای زیادی در میان سوره ذکر شده است؛ از جمله: ﴿وَٱذۡكُرۡ عَبۡدَنَآ﴾، ﴿وَٱذۡكُرۡ عِبَٰدَنَآ﴾، ﴿رَحۡمَةٗ مِّنَّا وَذِكۡرَىٰ﴾ و ﴿هَٰذَا ذِكۡرٞ﴾. سعدی: ۷۱۷.

پرسش: موضوع اصلی سورهٔ (ص) چیست؟ دو مورد از فواید این موضوع را بیان کنید.

۴ ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡحَكِيمِ﴾

کلام، صفت متکلم است و صفت نیز، تابع موصوف است؛ پس همان‌گونه که الله تعالی از تمام جهات کامل است و هیچ همتایی ندارد، کلامش نیز از تمام جهات کامل و بی‌نظیر است. همین امر به تنهایی برای توصیف قرآن و دلالت بر مقامش کافی است. سعدی: ۷۱۸.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه از عظمت قرآن خبر می‌دهد.

۵ ﴿أَلَا لِلَّهِ ٱلدِّينُ ٱلۡخَالِصُ﴾

ابن العربی می‌گوید: این آیه بر وجوب نیت خالص در تمام اعمال دلالت دارد. قرطبی: ۲۴۶/۱۸.

پرسش: کدام عمل قلبی از آیه استنباط می‌شود؟ آیا این عمل واجب است؟

۶ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ كَٰذِبٞ كَفَّارٞ﴾

قطعاً هر اندازه که بنده بیشتر بر الله دروغ بگوید و کفر ورزد، الله بیشتر بر او خشم می‌گیرد و از هدایت الهی دورتر می‌شود؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿كَيۡفَ يَهۡدِي ٱللَّهُ قَوۡمٗا كَفَرُواْ بَعۡدَ إِيمَٰنِهِمۡ وَشَهِدُوٓاْ أَنَّ ٱلرَّسُولَ حَقّٞ وَجَآءَهُمُ ٱلۡبَيِّنَٰتُۚ وَٱللَّهُ لَا يَهۡدِي ٱلۡقَوۡمَ ٱلظَّٰلِمِينَ﴾ [آل عمران: ۸۶]؛ «چگونه الله قومی را هدایت می‌کند که بعد از ایمان‌شان و (پس از آن‌که) گواهی دادند به این‌که پیامبر بر حق است، و برای‌شان دلایل روشن آمد، کافر شدند؟! و الله قوم ستمکار را هدایت نمی‌کند». ابن عاشور: ۳۲۴/۲۳.

پرسش: خطر دروغ بر الله تعالی را بر اساس آیه بیان کنید.

۷ ﴿لَّوۡ أَرَادَ ٱللَّهُ أَن يَتَّخِذَ وَلَدٗا لَّٱصۡطَفَىٰ مِمَّا يَخۡلُقُ مَا يَشَآءُۚ سُبۡحَٰنَهُۥۖ هُوَ ٱللَّهُ ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ﴾

الله تعالی خود را از انتخاب فرزند منزه کرد، سپس خودش را با صفت واحد توصیف فرمود؛ زیرا وحدانیت و یگانگی، با انتخاب فرزند منافات دارد؛ یعنی اگر فرزندی داشته باشد این فرزند قطعا از جنس خودش است، در حالی که هیچ جنسی ندارد؛ چون واحد است. همچنین خودش را با صفت قهار توصیف کرد تا بر نفی شرکا و همانندها دلالت کند؛ همه‌چیز مقهور و تحت قهر و قدرت الله تعالی قرار دارد، پس چگونه ممکن است که شریکی داشته باشد. ابن جزی: ۲۶۳/۲.

پرسش: ختم آیه با عبارت ﴿ٱلۡوَٰحِدُ ٱلۡقَهَّارُ﴾ تناسب بسیار زیبایی با مضمون آیه دارد. این مطلب را توضیح دهید.

خَلَقَكُم مِّن نَّفۡسٖ وَٰحِدَةٖ ثُمَّ جَعَلَ مِنۡهَا زَوۡجَهَا وَأَنزَلَ لَكُم
مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۚ يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ
خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ
ٱلۡمُلۡكُۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ ٦ إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ
ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَۖ وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ
لَكُمۡۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٞ وِزۡرَ أُخۡرَىٰۚ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرۡجِعُكُمۡ
فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمۡ تَعۡمَلُونَۚ إِنَّهُۥ عَلِيمُۢ بِذَاتِ ٱلصُّدُورِ ٧
۞وَإِذَا مَسَّ ٱلۡإِنسَٰنَ ضُرّٞ دَعَا رَبَّهُۥ مُنِيبًا إِلَيۡهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ
مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ وَجَعَلَ لِلَّهِ أَندَادٗا لِّيُضِلَّ
عَن سَبِيلِهِۦۚ قُلۡ تَمَتَّعۡ بِكُفۡرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ مِنۡ أَصۡحَٰبِ ٱلنَّارِ
٨ أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ
وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦۗ قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ
لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٩ قُلۡ يَٰعِبَادِ ٱلَّذِينَ
ءَامَنُواْ ٱتَّقُواْ رَبَّكُمۡۚ لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۗ
وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌۗ إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ ١٠

ترجمه آیات

او شما را از یک تن آفرید، آنگاه همسرش را نیز از وی پدید آورد؛ و برای [استفادهٔ] شما، هشت نوع از چهارپایان [= نر و مادهٔ شتر، گاو، گوسفند و بز] را آفرید. شما را در شکم مادرتان طی مراحل مختلف در نهانگاه‌های سه‌گانه [پردهٔ مَشیمه، رحِم و شکم] می‌آفریند. این است الله، پروردگار شما که فرمانروایی، خاص اوست. معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس چگونه [از عبادت الله] به بیراهه می‌روید؟ (۶) اگر ناسپاسی کنید، [بدانید که] الله از شما بی‌نیاز است و هرگز ناسپاسیِ بندگانش را نمی‌پسندد؛ و اگر شکر او را به جای آورید، این کار را برایتان می‌پسندد؛ و هیچ گناهکاری، بارِ گناه دیگری را بر دوش نمی‌کشد؛ بازگشتتان به سوی پروردگارتان است؛ آنگاه او شما را از آنچه انجام می‌دادید، آگاه می‌کند. یقیناً او از رازِ دل‌ها آگاه است. (۷) هر گاه انسان دچار [رنج و] زیانی می‌شود، پروردگارش را [با تضرّع و زاری] می‌خواند و به درگاهش بازمی‌گردد؛ اما هنگامی که نعمتی از جانب خود به وی می‌بخشیم، مشکلی را که قبلاً برایش دعا می‌کرد از یاد می‌بَرد و برای الله [در قدرت،] همتایانی قائل می‌شود تا [دیگران را نیز] از راه او گمراه کند. [ای پیامبر، به چنین کسی] بگو: «چند صباحی با ناسپاسی [از نعمت‌های دنیا] بهره‌مند شو که قطعاً دوزخی خواهی بود». (۸) آیا [چنین مشرکی بهتر است یا] کسی که در طول شب، در حال سجده و قیام، به عبادت [الله] مشغول است و از [عذاب] آخرت ترسان است و به رحمت پروردگارش امید دارد؟ بگو: «آیا کسانی که [حق بندگی پروردگار را] می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسانند؟ تنها خردمندان پند می‌پذیرند». (۹) [ای پیامبر،] بگو: «ای بندگان باایمانِ من، از پروردگارتان پروا کنید. افرادی که نیکویی می‌کنند، [علاوه بر آخرت، در این دنیا نیز] پاداش نیکو دارند. زمین الله گسترده است [پس اگر برای حفظ عقیدهٔ خود دچار مشکل شدید، هجرت کنید]. قطعاً پاداش پایداران، کامل و بی‌دریغ عطا خواهد شد». (۱۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَنزَلَ لَكُم مِّنَ ٱلۡأَنۡعَٰمِ ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖ﴾

منظور از این هشت جفت چهارپا، حیواناتی است که در سورهٔ انعام بدین قرار ذکر شد: ﴿ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖۖ مِّنَ ٱلضَّأۡنِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡمَعۡزِ ٱثۡنَيۡنِ﴾ [الأنعام: ۱۴۳]؛ «هشت جفت (از چهارپایان آفرید) از میش یک جفت (نر و ماده) و از بز یک جفت (نر و ماده)» ﴿وَمِنَ ٱلۡإِبِلِ ٱثۡنَيۡنِ وَمِنَ ٱلۡبَقَرِ ٱثۡنَيۡنِ﴾ [الأنعام: ۱۴۴]؛ «و از شتر یک جفت (نر و ماده) و از گاو یک جفت (نر و ماده، آفرید)». الله تعالی چهارپایان دیگری نیز برای مصالح بندگانش فرو فرستاده است اما موارد مذکور به این سبب اختصاص یافتند که: نفع زیادی دارند، مصالح‌شان عام است، با فضیلت هستند، ویژگی‌هایی دارند که سایر چهارپایان از آنان بی‌نصیب هستند؛ مانند: قربانی، هَدْی، عقیقه، وجوب زکات در آن‌ها و اختصاص آن‌ها به دیه. سعدی: ۷۱۹.

پرسش: چرا از میان تمام چهارپایان فقط هشت جفت مذکور بیان شد؟

۲ ﴿يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ﴾

﴿خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ﴾ یعنی انسان ابتدا نطفه است، سپس علقه (پاره‌ای خون بسته)، سپس مضغه (یک تکه گوشت)، تا این‌که آفرینش او کامل می‌گردد سپس روح در او دمیده می‌شود.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه ضعف مخلوق و قدرت خالق را آشکار می‌کند.

۳ ﴿يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ﴾

﴿فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ﴾ یعنی: تاریکی شکم، تاریکی رحم و تاریکی زهدان. جزائری: ۴/ ۴۶۸.

پرسش: منظور از تاریکی‌های سه‌گانه در آیه چیست؟

۴ ﴿ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ لَهُ ٱلۡمُلۡكُ﴾

توصیف الله تعالی به ربوبیت، برای یادآوری نعمت آفرینش و کمک‌رسانی به مردم است. این مطلب، معنای ربوبیت و مقدمه‌ای است برای آگاه‌کردن مردم از حکم ناسپاسی نعمتش که در ادامه چنین آمده است: ﴿إِن تَكۡفُرُواْ فَإِنَّ ٱللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمۡۖ وَلَا يَرۡضَىٰ لِعِبَادِهِ ٱلۡكُفۡرَ﴾. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۳۶.

پرسش: توصیف الله تعالی به ربوبیت در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

۵ ﴿أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦ﴾

تخصیص شب برای عبادت در این‌جا، به این دلیل است که عبادت شبانه، قلب را برای ذکر الله پاکیزه‌تر می‌سازد، برای دورکردن ریا بهتر است و بر ترجیح عبادت الله بر آسایش و خواب دلالت بیشتری دارد؛ زیرا شب بهترین زمان برای استراحت است و هر کس که در آن عبادت کند، قلبش را با تقرّب به سوی الله تعالی روشن می‌گرداند. الله تعالی می‌فرماید: ﴿إِنَّ نَاشِئَةَ ٱلَّيۡلِ هِيَ أَشَدُّ وَطۡـٔٗا وَأَقۡوَمُ قِيلًا﴾ [المزمل: ۶]؛ «بی‌گمان شب زنده‌داری (بر نفس) دشوار است و برای گفتار (و نیایش) مناسب و استوارتر است». ابن عاشور: ۲۳/ ۳۴۶.

پرسش: در آیهٔ فوق، چرا شب برای عبادت اختصاص یافت؟

۶ ﴿لِلَّذِينَ أَحۡسَنُواْ فِي هَٰذِهِ ٱلدُّنۡيَا حَسَنَةٞۗ وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ﴾

این حکم عام است که هر کس نیکی کند پاداش نیکویی در دنیا دارد، اما این سوال مطرح می‌شود که مومن اگر در وطن خودش در مضیقه قرار داشت و قادر بر ادای احکام اسلامی نبود چه وظیفه‌ای دارد؟ الله تعالی این گمان را با عبارت ﴿وَأَرۡضُ ٱللَّهِ وَٰسِعَةٌ﴾ دفع کرد... یعنی خبر داد که زمین او تعالی گسترده است؛ پس هر گاه از عبادت او در یک موضع بازداشته شدید به مکانی دیگر مهاجرت کنید. سعدی: ۷۲۱.

پرسش: چرا الله تعالی پس از این‌که فرمود هر نیکوکاری پاداش نیکویی در این دنیا دارد فرمود زمین او تعالی گسترده است؟

۷ ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾

علی ﷺ می‌گوید: «پیمانه و ترازو برای تمام فرمانبرداران نصب می‌شود مگر شکیبایان، که بدون شمارش مورد لطف و بخشش قرار می‌گیرند». در روایتی آمده است: «[در آخرت] اجر مصیبت‌دیدگان به آنان داده می‌شود بدون این‌که ترازویی برای‌شان برپا شود و بدون این‌که دفتر حسابی برای‌شان گشوده شود و پاداش، بدون شمارش بر آنان سرازیر می‌گردد... چنان‌چه کسانی که در دنیا سالم بودند، به سبب فضل و بخششی که به مصیبت‌دیدگان می‌رسد آرزو می‌کنند که [کاش] بدن‌های آن‌ها [نیز] با قیچی قطعه قطعه می‌شد». بغوی: ۴/ ۹.

پرسش: منظور از این‌که پاداش صابران نزد الله بدون حساب پرداخت می‌شود چیست؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ثَمَٰنِيَةَ أَزۡوَٰجٖ	هشت نوع نر و ماده؛ از شتر و گاو و میش و بز.
فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ	تاریکی شکم، رحم و مشیمه (پرده‌ای که جنین را در داخل رحم احاطه کرده است).
فَأَنَّىٰ تُصۡرَفُونَ	چگونه از عبادت الله بازمی‌گردید؟!
خَوَّلَهُۥ	به او عطا کرد و بخشید.
قَٰنِتٌ	فرمانبردار و فروتن در برابر الله.
يُوَفَّى	کامل دریافت می‌کند.

عمل به آیات

۱. به مادرت که الله تو را در شکم او آفرید نیکی کن، ﴿يَخۡلُقُكُمۡ فِي بُطُونِ أُمَّهَٰتِكُمۡ خَلۡقٗا مِّنۢ بَعۡدِ خَلۡقٖ فِي ظُلُمَٰتٖ ثَلَٰثٖ﴾

۲. به پاس شکرگزاری از الله در قبال نعمت‌هایی که پیاپی بر تو می‌فرستد، به مسکینی صدقه بده، ﴿وَإِن تَشۡكُرُواْ يَرۡضَهُ لَكُمۡ﴾

۳. شب از خواب برخیز و این‌گونه از الله بخواه: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَرْجُو رَحْمَتَكَ، وَأَخْشَى عَذَابَكَ، إِنَّ عَذَابَكَ الْجِدَّ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ»؛ «یا الله! به رحمت تو امید دارم و از عذاب تو می‌ترسم، به‌راستی که عذاب تو بسیار سخت است و به کافران خواهد رسید»، ﴿أَمَّنۡ هُوَ قَٰنِتٌ ءَانَآءَ ٱلَّيۡلِ سَاجِدٗا وَقَآئِمٗا يَحۡذَرُ ٱلۡأٓخِرَةَ وَيَرۡجُواْ رَحۡمَةَ رَبِّهِۦ﴾

رهنمودها

۱. پروردگارت را همان‌گونه که در سختی به یاد می‌آوری در آسانی نیز به یاد داشته باش، ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُۥ نِعۡمَةٗ مِّنۡهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدۡعُوٓاْ إِلَيۡهِ مِن قَبۡلُ﴾

۲. الله تعالی جایگاه والایی برای علما قرار داده است، پس بکوش تا عالم شوی، ﴿قُلۡ هَلۡ يَسۡتَوِي ٱلَّذِينَ يَعۡلَمُونَ وَٱلَّذِينَ لَا يَعۡلَمُونَۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُوْلُواْ ٱلۡأَلۡبَٰبِ﴾

۳. از شکیبایان باش که مزد بی‌شماری دارند، ﴿إِنَّمَا يُوَفَّى ٱلصَّٰبِرُونَ أَجۡرَهُم بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾

سورة (الزمر) الجزء (٢٣) صفحة (٤٦٠)

قُلْ إِنِّيٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ
أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ ﴿١٢﴾ قُلْ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ
﴿١٣﴾ قُلِ ٱللَّهَ أَعْبُدُ مُخْلِصًا لَّهُۥ دِينِي ﴿١٤﴾ فَٱعْبُدُوا۟ مَا شِئْتُم مِّن دُونِهِۦ ۗ
قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ
أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ ﴿١٥﴾ لَهُم مِّن فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ
وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۚ ذَٰلِكَ يُخَوِّفُ ٱللَّهُ بِهِۦ عِبَادَهُۥ ۚ يَٰعِبَادِ فَٱتَّقُونِ ﴿١٦﴾
وَٱلَّذِينَ ٱجْتَنَبُوا۟ ٱلطَّٰغُوتَ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوٓا۟ إِلَى ٱللَّهِ لَهُمُ ٱلْبُشْرَىٰ ۚ
فَبَشِّرْ عِبَادِ ﴿١٧﴾ ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ
أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿١٨﴾
أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ ﴿١٩﴾
لَٰكِنِ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوْا۟ رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرَفٌ مِّن فَوْقِهَا غُرَفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي
مِن تَحْتِهَا ٱلْأَنْهَٰرُ ۖ وَعْدَ ٱللَّهِ ۖ لَا يُخْلِفُ ٱللَّهُ ٱلْمِيعَادَ ﴿٢٠﴾ أَلَمْ تَرَ
أَنَّ ٱللَّهَ أَنزَلَ مِنَ ٱلسَّمَآءِ مَآءً فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ فِي ٱلْأَرْضِ ثُمَّ
يُخْرِجُ بِهِۦ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَٰنُهُۥ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَىٰهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ
يَجْعَلُهُۥ حُطَٰمًا ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَذِكْرَىٰ لِأُو۟لِي ٱلْأَلْبَٰبِ ﴿٢١﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ظُلَلٌ مِّنَ ٱلنَّارِ	طبقه‌هایی از عذاب آتش مانند سایه‌بان‌های نصب‌شده.
ٱلطَّٰغُوتَ	معبودهای غیر از الله؛ شامل بت‌ها و شیاطین.
وَأَنَابُوٓا۟	با توبه و طاعت به سوی الله بازگردند.
فَسَلَكَهُۥ يَنَٰبِيعَ	آن را در چشمه‌ها و آبراه‌ها درآورد.
يَهِيجُ	خشک می‌شود.
حُطَٰمًا	شکسته و ریزه ریزه شده.

عمل به آیات

۱. با همکاری یکی از افراد خانواده‌ات عملی صالح انجام بده، امید است که همگی در روز قیامت رستگار شوید، ﴿قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ﴾

۲. به آیاتی از کتاب الله گوش بده و به آن‌ها عمل کن، ﴿ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

۳. به یک سخنرانی یا خطابه‌ای در مسجد گوش بده و به آن عمل کن، ﴿ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

رهنمودها

۱. اخلاص در دین و عبادت، یکی از صفات پیامبر گرامی اسلام است، ﴿قُلْ إِنِّيٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ﴾

۲. انسان خردمند قبل از این‌که مرتکب گناه شود عذاب بزرگ را به یاد می‌آورد، ﴿قُلْ إِنِّيٓ أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ﴾

۳. زیانکارترین مردم کسی است که در روز قیامت به خود و خانواده‌اش زیان رسانده است، ﴿قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۗ أَلَا ذَٰلِكَ هُوَ ٱلْخُسْرَانُ ٱلْمُبِينُ﴾

ترجمه آیات

بگو: «من مأمورم با خلوصِ اعتقاد، الله را عبادت کنم، (۱۱) و مأمور شده‌ام نخستین کسی [در این امت] باشم که تسلیم [محض در مقابل پروردگار] است». (۱۲) بگو: «اگر در برابر پروردگارم نافرمان باشم، از عذاب روز بزرگ [قیامت] می‌ترسم». (۱۳) [ای پیامبر] بگو: «من الله را با خلوصِ اعتقاد خود عبادت می‌کنم؛ (۱۴) شما نیز غیر از الله، هر چه را می‌خواهید عبادت کنید». بگو: «زیانکاران [واقعی] کسانی هستند که [به طمع دنیا] خود و خانواده‌هایشان را در رستاخیز به زیان انداختند. آگاه باشید که این، همان زیان آشکار است. (۱۵) بر بالای سر و زیر پایشان طبقاتی از آتش است. این است آنچه الله بندگانش را از آن می‌ترساند. ای بندگان من، از [نافرمانی] من پروا کنید. (۱۶) بشارت برای کسانی است که از عبادت طاغوت [=معبودان غیر الله] اجتناب ورزیدند و [توبه‌کنان] به درگاه الهی بازگشتند؛ پس [ای پیامبر،] [بهشت را] به بندگانم بشارت بده. (۱۷) [همان] کسانی که سخن[های مختلف] را می‌شنوند و از بهترین آن پیروی می‌کنند. آنان کسانی هستند که الله هدایتشان کرده و خردمندند. (۱۸) آیا کسی را که فرمان مجازات بر او قطعی شده است [می‌توان هدایت نمود]؟ آیا تو می‌توانی کسی را که در آتش است، نجات دهی؟ (۱۹) اما کسانی که از [عذاب] پروردگارشان پروا دارند، برای آنان [در بهشت] غرفه‌هایی است که بر فراز آنها غرفه‌های دیگری ساخته شده [و] جویبارها از زیر آنها جاری است. این وعده را الله داده است و الله در وعده خلاف نمی‌کند. (۲۰) آیا ندیده‌ای که الله بارانی از آسمان فرستاد و آن را [به صورت] چشمه‌هایی در زمین جاری ساخت؛ آنگاه به وسیلهٔ آن، کشتزاری با رنگ‌های گوناگون پدید می‌آورد؛ سپس پژمرده می‌گردد و می‌بینی که زرد شده است؛ آنگاه آن را خُرد و خاشاک می‌سازد؟ بی‌تردید، در این [دگرگونی‌ها] پندی برای خردمندان است. (۲۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قُلْ إِنِّيٓ أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ ٱللَّهَ مُخْلِصًا لَّهُ ٱلدِّينَ ﴿١١﴾ وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾

اگر سوال شود: چرا در این دو آیه فعل ﴿أُمِرْتُ﴾ تکرار شد در حالی که هر دو جا یک معنا دارد؟ پاسخ این است که فعل اولی به معنای امر به عبادت و اخلاص و فعل دومی امر به سبقت‌گرفتن به سوی اسلام است که دو معنای متفاوت به شمار می‌روند. ابن جزی: ۲/ ۲۶۶.

پرسش: تکرار فعل ﴿أُمِرْتُ﴾ در دو آیهٔ فوق، به دو امر تشویق می‌کند. این دو امر چیست؟

۲ ﴿وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ ٱلْمُسْلِمِينَ﴾

چون دعوتگر و هدایتگرِ مردم به سوی پروردگارشان هستم، پس باید نخستین کسی باشم که به آن‌چه فرمان می‌دهم عمل کنم و نخستین مسلمان باشم. این امر قطعا باید توسط محمد ﷺ و کسانی که ادعای پیروی از او را دارند محقق شود. سعدی: ۷۲۱.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که قرآن کریم بر تمسک قوی به دین تشویق می‌کند.

۳ ﴿قُلْ إِنَّ ٱلْخَٰسِرِينَ ٱلَّذِينَ خَسِرُوٓا۟ أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ﴾

یعنی: از آنان جدا افتاده‌اند؛ هرگز با آنان دیدار نخواهند کرد، چه خانواده‌های‌شان به بهشت و خودشان به جهنم رفته باشند، یا این‌که همگی در جهنم ساکن شوند؛ هیچ اجتماع و سُروری برای‌شان حاصل نشود. ابن کثیر: ۴/ ۴۹.

پرسش: اگر گناهکاران همراه خانواده‌های‌شان در روز قیامت وارد جهنم شوند آیا در کنارشان خوشبخت هستند؟

۴ ﴿ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: «یعنی کسی که سخن نیکو و ناپسند را می‌شنود، آن‌گاه سخن نیکو را به زبان می‌آورد و از گفتن سخن ناپسند خودداری می‌کند». بنابر قولی: «قرآن و سایر سخنان را می‌شنوند، آن‌گاه از قرآن پیروی می‌کنند». قرطبی: ۱۸/ ۲۶۰.

پرسش: منظور از شنیدن سخنان و پیروی از نیکوترین آن‌ها چیست؟

۵ ﴿ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

واژهٔ قول در این‌جا اسم جنس و شامل تمام سخنان است؛ یعنی سخنان را می‌شنوند تا تشخیص دهند به کدام یک باید عمل کرد و از کدام یک باید اجتناب کرد؛ بنابراین با هوشیاری و دوراندیشی، از نیکوترین آن پیروی می‌کنند. نیکوترین سخن به صورت مطلق کلام الله و کلام رسولش است؛ چنان‌که در همین سوره می‌فرماید: ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا﴾... بنابراین کسی که سخنان پسندیده و ناپسند را از یکدیگر تشخیص نمی‌دهد، عقل سالمی ندارد؛ یا کسی که این موضوع را تشخیص می‌دهد اما شهوت او بر عقلش غلبه می‌کند و عقل او تابع شهوتش باقی می‌ماند، و نیکوترین سخن را تشخیص نمی‌دهد، ناقص العقل است. سعدی: ۷۲۲.

پرسش: چه انسانی صاحب عقل برتر و دوراندیش است؟

۶ ﴿ٱلَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ ٱلْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُۥٓ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ ٱلَّذِينَ هَدَىٰهُمُ ٱللَّهُ ۖ وَأُو۟لَٰٓئِكَ هُمْ أُو۟لُوا۟ ٱلْأَلْبَٰبِ﴾

قرآن را می‌شنوند آن‌گاه نیکوترین آن را با اعمال‌شان پیروی می‌کنند؛ یعنی عفو که بهتر از انتقام است و شبیه آن. ابن جزی: ۲/ ۲۶۷.

پرسش: با توجه به آن‌چه در تفسیر آیه گفته شده است، انسان چگونه از نیکوترین سخن پیروی می‌کند؟

۷ ﴿أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ ٱلْعَذَابِ أَفَأَنتَ تُنقِذُ مَن فِي ٱلنَّارِ﴾

فعل إنقاذ (نجات‌دادن) در این‌جا اشتیاق پیامبر ﷺ بر هدایت مردم را می‌رساند در حالی که آنان موجبات این تهدید را فراهم آورده‌اند؛ همانند کسی که می‌خواهد شخصی را که از تمام جهات در آتش گرفتار شده است نجات دهد. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۷۱.

پرسش: اشتیاق پیامبر ﷺ بر هدایت مردم را از طریق آیه توضیح دهید.

سورة (الزمر) الجزء (٢٣) صفحة (٤٦١)

أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ فَوَيْلٌ
لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ ﴿٢٢﴾
ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ
جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ
إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن
يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٢٣﴾ أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ
ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ
﴿٢٤﴾ كَذَّبَ ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَأَتَىٰهُمُ ٱلْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ
لَا يَشْعُرُونَ ﴿٢٥﴾ فَأَذَاقَهُمُ ٱللَّهُ ٱلْخِزْىَ فِى ٱلْحَيَوٰةِ ٱلدُّنْيَا ۖ وَلَعَذَابُ
ٱلْءَاخِرَةِ أَكْبَرُ ۚ لَوْ كَانُوا۟ يَعْلَمُونَ ﴿٢٦﴾ وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى
هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ ﴿٢٧﴾ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا
غَيْرَ ذِى عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ ﴿٢٨﴾ ضَرَبَ ٱللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ
شُرَكَآءُ مُتَشَٰكِسُونَ وَرَجُلًا سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۚ
ٱلْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٢٩﴾ إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم
مَّيِّتُونَ ﴿٣٠﴾ ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ ﴿٣١﴾

ترجمه آیات

پس آیا کسی که الله دلش را پذیرای اسلام کرده و از جانب پروردگارش، از نور [هدایت و بصیرت] برخوردار گشته، [همانند سختدلان است]؟ وای بر آنان که در برابرِ ذکر الله سنگدل شده‌اند! آنان در گمراهیِ آشکارند. (۲۲) الله بهترین سخن را به صورت کتابی نازل کرده که [برخی از آیاتش] همانند یکدیگر و [برخی نیز] مکرر است. کسانی که از [مجازات] پروردگارشان بیم دارند، [با شنیدن این آیات،] مو بر تنشان راست می‌شود و سپس دل و جانشان با یاد الله آرام می‌گیرد. این هدایتِ الله است که هر کس را بخواهد، به آن راه می‌نماید؛ و هر کس که الله او را گمراه سازد، هیچ هدایتگری نخواهد داشت. (۲۳) پس آیا کسی که در روز قیامت [دستانش بسته است و ناچار] با صورتش آن عذاب سخت را دفع می‌کند، [همچون کسی است که در آسایش بهشت قرار دارد]؟ به ستمکاران [مشرک] گفته می‌شود: «[نتیجهٔ] دستاوردتان را بچشید». (۲۴) کسانی که پیش از آنان بودند [نیز آیات الله را] دروغ شمردند و از جایی که گمان نمی‌کردند، عذاب دامنگیرشان شد. (۲۵) الله [طعم] رسوایی و خواری را در زندگی دنیا به آنان چشاند؛ و مسلّماً عذاب آخرت بزرگ‌تر [و سخت‌تر] است. اگر مشرکان می‌دانستند [که رفتارشان چه پیامدی دارد، عبرت می‌گرفتند]. (۲۶) در این قرآن، از هر [گونه] مَثلی برای مردم آورده‌ایم؛ باشد که پند پذیرند. (۲۷) قرآنی به زبان فصیح عربی و بدون هیچ گونه ابهام و انحراف [نازل کردیم]؛ باشد که [تحت تعلیماتش، از پروردگار یکتا] پروا کنند. (۲۸) الله [برای مقایسهٔ مشرک و موحد،] مردی را مثال می‌زند که چند شریک دربارهٔ [مالکیتِ] او پیوسته با هم اختلاف و مشاجره دارند؛ و در مقابل آن، مردی که تحت فرمان یک نفر قرار دارد. آیا این دو نفر، [از نظرِ موقعیت] یکسانند؟ ستایش مخصوص الله است؛ ولی بیشتر آنان نمی‌دانند. (۲۹) [ای پیامبر،] قطعاً تو خواهی مُرد و آنان [نیز] خواهند مُرد. (۳۰) آنگاه [شما مردم] در روز قیامت، نزد پروردگارتان [دربارهٔ مسایل مورد اختلاف،] مجادله خواهید کرد. (۳۱)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ﴾

انتخاب واژهٔ (شرح) برای دلالت بر پذیرش اسلام است؛ زیرا انسان مسلمان، تعالیم و اخلاق و آداب اسلام را برای آسایش خودش و خوشحالی از خشنودی پروردگارش و سبک‌کردن مصیبت و غم و اندوه‌ها کسب می‌کند؛ زیرا یقین دارد به این‌که بر حق قرار دارد، در برابر آسیبی که به او می‌رسد پاداش می‌گیرد، به رحمت پروردگارش در دنیا و آخرت امیدوار است و شک و تردید در دلش راه نمی‌یابد. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۸۰.

پرسش: نحوهٔ دلالت واژهٔ (شرح) بر پذیرش اسلام را بیان کنید.

۲ ﴿فَوَيْلٌ لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ﴾

مالک بن دینار می‌گوید: «بنده به عذابی بزرگ‌تر از سنگدلی گرفتار نمی‌شود و الله عز وجل بر هر قومی که خشم بگیرد قطعاً رحمت را از آنان برمی‌دارد». بغوی: ۴/ ۱۲.

پرسش: بزرگ‌ترین کیفری که بر بنده نازل می‌شود چیست؟

۳ ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ﴾

احسن الحدیث بودن قرآن به این معناست که برترین خبر است؛ زیرا مشتمل بر بهترین اموری است که یک خبر می‌تواند داشته باشد؛ شامل معانی نافع و جامع برای اصول ایمان، تشریع، استدلال، آگاه‌کردن از جهان‌ها و مخلوقاتش، شگفتی‌های آفرینش انسان، عقل، آشکارساختن آداب، فراخواندن خردها به دقت و استدلال درست، و فصاحت الفاظ و بلاغت معانی‌اش که به حد اعجاز رسیده است. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۸۵.

پرسش: وجه تسمیهٔ قرآن به احسن الحدیث را به صورت مختصر بیان کنید.

۴ ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ﴾

یعنی: قصص و احکام، وعده و وعید، صفات نیکوکاران و صفات بدکاران، و اسما و صفات الله در قرآن تکرار می‌شود... این مفاهیم برای دل‌ها، به منزلهٔ آب برای آبیاری درختان است، یعنی اگر زمانی طولانی از آبیاری درخت بگذرد معیوب و بلکه گاهی تلف می‌شود و اگر به تکرار آبیاری شود سرسبز می‌شود و میوه‌های مفیدی ثمر می‌دهد؛ دل نیز همیشه نیاز دارد که معانی کلام الله تعالی بر آن تکرار شود... بنابراین قاری قرآن که در معانی‌اش تدبر می‌کند باید در تمام این مواضع به تدبر بنشیند و به سبب این کار، به خیر و منفعتی فراوان و بزرگ دست می‌یابد. سعدی: ۷۲۳.

پرسش: برخی معانی در مواضع زیادی از قرآن تکرار شده‌اند، این تکرار چه حکمتی دارد؟

۵ ﴿تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ﴾

اگر سوال شود چرا ابتدا فقط پوست‌ها و در ادامه، قلب‌ها و پوست‌ها با هم بیان شد؟ پاسخ این است که: ابتدا فعل (﴿تَقْشَعِرُّ﴾؛ می‌لرزد) آمد و لرزیدن فقط صفت پوست است، اما وقتی در ادامه که فعل (﴿تَلِينُ﴾؛ نرم می‌شود) آمد هم پوست‌ها و هم قلب‌ها بیان شد؛ زیرا نرمی صفتی است که پوست و قلب به آن متصف می‌شوند... یعنی ابتدا از ترس می‌لرزد سپس با امیدواری نرم می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۲۶۸.

پرسش: چرا ابتدا پوست‌ها به تنهایی ذکر شد سپس پوست‌ها و قلب‌ها با هم ذکر شدند؟

۶ ﴿أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ﴾

عذاب بزرگ به سوی او می‌آید، آن‌گاه با صورتش که بهترین و ضعیف‌ترین عضو در برابر تاثیر عذاب است سختی عذاب را از خود دور می‌سازد؛ زیرا دست‌ها و پاهایش بسته شده است. سعدی: ۷۲۳.

پرسش: چرا جهنمیان عذاب را با صورت‌های‌شان از خود دور می‌کنند؟

۷ ﴿وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِى هَٰذَا ٱلْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ﴾

از میان فواید و مزیت‌های قرآن، امثال قرآن به این دلیل به صورت خاص بیان شد که عقل مردم را به تدبر در یکی از وجوه بزرگ اعجاز قرآن یعنی بلاغت امثالش بکشاند؛ زیرا آنان در زمینهٔ امثال با هم رقابت می‌کردند. ابن عاشور: ۲۳/ ۳۹۷.

پرسش: در این آیه چرا فقط امثال قرآن بیان شد؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
مَّثَانِىَ	احکام و قصص و دلایل، در آن تکرار می‌شود.
تَقْشَعِرُّ	ناآرام و مضطرب می‌شود.
تَلِينُ	آرام و مطمئن می‌شود.
عِوَجٍ	شک و شبهه.
مُتَشَٰكِسُونَ	نزاع‌کنندگان.

عمل به آیات

۱. اذکار صبح و شام را بخوان که سینه را می‌گشاید، ﴿أَفَمَن شَرَحَ ٱللَّهُ صَدْرَهُۥ لِلْإِسْلَٰمِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِۦ ۚ فَوَيْلٌ لِّلْقَٰسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ ٱللَّهِ ۚ أُو۟لَٰٓئِكَ فِى ضَلَٰلٍ مُّبِينٍ﴾

۲. کتابی کوچک در مورد اسباب خشوع هنگامِ قرائت قرآن کریم بخوان، ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾

۳. امروز بیش از قبل در قرآن کریم تدبر کن، ﴿ٱللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ ٱلْحَدِيثِ كِتَٰبًا مُّتَشَٰبِهًا مَّثَانِىَ تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ ٱلَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ ٱللَّهِ﴾

رهنمودها

۱. هدایت فقط در دست الله است و هیچ‌کس دیگر اختیاری در آن ندارد؛ پس همیشه هدایت را از الله بخواه، ﴿ذَٰلِكَ هُدَى ٱللَّهِ يَهْدِى بِهِۦ مَن يَشَآءُ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ﴾

۲. کسی که از معصیت الله در دنیا دوری نکند، روز قیامت چهره‌اش را از عذاب سخت دور نخواهد کرد، ﴿أَفَمَن يَتَّقِى بِوَجْهِهِۦ سُوٓءَ ٱلْعَذَابِ يَوْمَ ٱلْقِيَٰمَةِ ۚ وَقِيلَ لِلظَّٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ﴾

۳. همگی می‌میرند، پس باید برای روز قیامت آماده شویم، ﴿إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُم مَّيِّتُونَ﴾

سورة (الزمر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٢)

۞ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدْقِ
إِذْ جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَـٰفِرِينَ ﴿٣٢﴾ وَٱلَّذِى
جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ ۙ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ ﴿٣٣﴾
لَهُم مَّا يَشَآءُونَ عِندَ رَبِّهِمْ ۚ ذَٰلِكَ جَزَآءُ ٱلْمُحْسِنِينَ ﴿٣٤﴾
لِيُكَفِّرَ ٱللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ ٱلَّذِى عَمِلُوا۟ وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُم
بِأَحْسَنِ ٱلَّذِى كَانُوا۟ يَعْمَلُونَ ﴿٣٥﴾ أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ
عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ ۚ وَمَن يُضْلِلِ ٱللَّهُ
فَمَا لَهُۥ مِنْ هَادٍ ﴿٣٦﴾ وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ ۗ
أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ ﴿٣٧﴾ وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَ
ٱلسَّمَـٰوَٰتِ وَٱلْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ ٱللَّهُ ۚ قُلْ أَفَرَءَيْتُم مَّا تَدْعُونَ
مِن دُونِ ٱللَّهِ إِنْ أَرَادَنِىَ ٱللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَـٰشِفَـٰتُ
ضُرِّهِۦٓ أَوْ أَرَادَنِى بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَـٰتُ رَحْمَتِهِۦ ۚ
قُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ ۖ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ ﴿٣٨﴾ قُلْ يَـٰقَوْمِ
ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَـٰمِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾
مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ ﴿٤٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
بِٱلصِّدْقِ	حق.
مَثْوًى	پناهگاه و مسکن.
حَسْبِىَ	برایم کافی است.
مَكَانَتِكُمْ	حالتی که برای خودتان انتخاب کردید.
يُخْزِيهِ	او را خوار و ذلیل می‌کند.

عمل به آیات

۱. بکوش از همین امروز در جدی و شوخی راست بگویی، ﴿وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ﴾

۲. بگو: «اللّٰهُمَّ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ، ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَى دِينِكَ» [صحیح؛ ترمذی: ۲۱۴۰ و ۳۵۲۲] «یا الله! ای گردانندۀ دل‌ها، دلم را بر دینت پایدار گردان». ﴿وَمَن يَهْدِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِن مُّضِلٍّ﴾

۳. این دعا را بخوان: «حَسْبِيَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»، ﴿قُلْ حَسْبِىَ ٱللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ ٱلْمُتَوَكِّلُونَ﴾

رهنمودها

۱. راستگویی اهمیت بزرگی در تقوای الهی دارد؛ پس هم با خودت و هم با دیگران راستگو باش، ﴿وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ﴾

۲. هر گاه بندۀ واقعیِ الله شدی، الله برایت کافی است و از تو محافظت می‌کند، ﴿أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ﴾

۳. هر گاه با بازدارندگانِ از راه الله روبه‌رو شدی باید بیشتر از الله بترسی، ﴿وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ﴾

ترجمه آیات

و کیست ستمکارتر از کسی که به الله، دروغ نسبت می‌دهد و سخن راستی را که به وی رسیده است، دروغ می‌شمارد؟ آیا در دوزخ، جایگاهی برای کافران نیست؟ (۳۲) اما کسانی که پیام راستین بیاورند [و دیگران را به پذیرش آن دعوت کنند] و خود نیز آن را تصدیق نمایند، به راستی پرهیزگارند. (۳۳) هر چه بخواهند، نزد پروردگارشان دارند. پاداش نیکوکاران همین است. (۳۴) تا الله، بدترین رفتارشان را از [کارنامۀ] آنان بزداید و بر اساس بهترین اعمالشان، به آنان پاداش دهد. (۳۵) آیا الله برای دفاع از بنده‌اش کافی نیست؟ اما [مشرکان] تو را از معبودان[باطل]شان می‌ترسانند؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، هیچ هدایتگری نخواهد داشت. (۳۶) و هر کس که الله او را هدایت کند، هیچ کس او را گمراه نخواهد ساخت. آیا الله شکست‌ناپذیر و انتقام‌گیرنده نیست؟ (۳۷) [ای پیامبر،] اگر از مشرکان بپرسی: «چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده است؟»، مسلماً می‌گویند: «الله». به آنان بگو: «پس به نظر شما، اگر الله ناخوشی و رنجی برایم بخواهد، آیا آنچه به جای الله [به نیایش] می‌خوانید، می‌توانند آسیب او را برطرف کنند؟ یا اگر الله رحمتی برای من بخواهد، آیا می‌توانند مانع او شوند؟» بگو: [پشتیبانیِ] الله برایم کافی است. اهل توکل، تنها بر او توکل می‌کنند». (۳۸) بگو: «ای قوم من، شما بر روش خود عمل کنید، من نیز [به وظایف خود] عمل می‌کنم. (۳۹) به زودی خواهید دانست که کیست آنکه [در دنیا] گرفتارِ عذاب رسواگر می‌شود و [در آخرت،] عذاب پاینده بر سرش می‌بارد». (۴۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن كَذَبَ عَلَى ٱللَّهِ وَكَذَّبَ بِٱلصِّدْقِ إِذْ جَآءَهُۥٓ ۚ أَلَيْسَ فِى جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَـٰفِرِينَ﴾

کافران ستم‌های بزرگ و مختلفی مرتکب شدند: ستم تجاوز بر حرمت پروردگار با گفتن دروغ در صفاتش؛ آن‌گاه که ادعا کردند شریکانی در ربوبیت دارد، بستن این دروغ که الله آن‌ها را بر انجام کار باطل‌شان دستور داده است، ستم به رسول با تکذیب او، ستم به قرآن با باطل دانستن آن، ستم به مومنان با آزار و اذیت، ستم به حقایق عالم با تحریف و فاسدکردن آن‌ها، و ستم به خودشان با افکندن خویش در عذاب همیشگی. ابن عاشور: ۲۴/ ۵.

پرسش: برخی از ستم‌هایی را که باعث شد مشرکان ستمکارترین مردم نامیده شوند نام ببرید؟

۲ ﴿وَٱلَّذِى جَآءَ بِٱلصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِۦٓ أُو۟لَـٰٓئِكَ هُمُ ٱلْمُتَّقُونَ﴾

تمام صفات تقوا به سخن راست و تصدیق آن بازمی‌گردد. سعدی: ۷۲۴.

پرسش: تقوا چه رابطه‌ای با سخن راست و تصدیق آن دارد؟

۳ ﴿أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ﴾

نسبت دادنِ صفت عبودیت به رسول و اضافه‌کردن آن به ضمیر جلاله، بیانگر بزرگی و احترام پیامبر است و این حقیقت را اظهار می‌کند که الله او را به دشمنانش تحویل نمی‌دهد. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۳.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که الله تعالی چگونه پیامبرش را بزرگ و گرامی داشت؟

۴ ﴿أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ ۖ وَيُخَوِّفُونَكَ بِٱلَّذِينَ مِن دُونِهِۦ﴾

عبارت ﴿أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُۥ﴾ سبب تقویت نفس پیامبر ﷺ است؛ زیرا کافران قریش، او را از بت‌ها ترساندند و گفتند: ای محمد تو به بت‌ها ناسزا می‌گویی و ما می‌ترسیم که دیوانگی یا آسیبی به تو وارد کنند. آیه در این مورد نازل شد. ابن عطیه: ۴/ ۵۳۲.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که مومن وقتی با مخلوقات ترساننده می‌شود باید چه موضعی اتخاذ کند؟

۵ ﴿أَلَيْسَ ٱللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ﴾

وقتی به دو صفت مذکور برای الله اقرار داشتند قطعاً باید می‌دانستند که ذات نیرومند و شکست‌ناپذیر، برای بنده‌اش کافی است، یعنی هیچ‌کس نمی‌تواند آسیبی به بنده‌اش برساند و از کسانی که قصد آزار به بنده‌اش را دارند انتقام می‌گیرد. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۵.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿بِعَزِيزٍ ذِى ٱنتِقَامٍ﴾ پایان یافت؟

۶ ﴿قُلْ يَـٰقَوْمِ ٱعْمَلُوا۟ عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّى عَـٰمِلٌ ۖ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ ﴿٣٩﴾ مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾

پس از این‌که الله تعالی آنان را به بهترین وجه اندرز داد و واضح‌ترین دلایل را برای‌شان عرضه کرد و رسولش را به محکم‌ترین روش فرستاد، کاملا مناسب بود به رسولش امر کند از دشمنی با آنان دست بردارد و آنان را از زیان‌هایی که برای‌شان آماده شده است باخبر سازد. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۹.

پرسش: چه ارتباطی میان این آیات و آیات قبلی وجود دارد؟

۷ ﴿مَن يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾

﴿عَذَابٌ يُخْزِيهِ﴾ یعنی: با قتل و اسارت و گرسنگی و قحطی، او را خوار می‌سازد و غرورش را در هم می‌شکند. این عذاب در مکه و بدر به مشرکان رسیده است. اما منظور از عذاب مذکور در عبارت ﴿وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ﴾ عذاب جهنم در آخرت است. از هر دو عذاب به الله پناه می‌بریم: عذاب خوارکننده در زندگی دنیا و عذاب آتش جهنم در سرای آخرت. جزائری: ۴/ ۴۹۰.

پرسش: چه تفاوتی میان عذاب خزی و عذاب مقیم وجود دارد؟

سورة (الزمر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٣)

إِنَّآ أَنزَلۡنَا عَلَيۡكَ ٱلۡكِتَٰبَ لِلنَّاسِ بِٱلۡحَقِّۖ فَمَنِ ٱهۡتَدَىٰ
فَلِنَفۡسِهِۦۖ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيۡهَاۖ وَمَآ أَنتَ عَلَيۡهِم
بِوَكِيلٍ ﴿٤١﴾ ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي
لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَاۖ فَيُمۡسِكُ ٱلَّتِي قَضَىٰ عَلَيۡهَا ٱلۡمَوۡتَ
وَيُرۡسِلُ ٱلۡأُخۡرَىٰٓ إِلَىٰٓ أَجَلٖ مُّسَمًّىۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ
يَتَفَكَّرُونَ ﴿٤٢﴾ أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ
أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ ﴿٤٣﴾ قُل
لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۖ ثُمَّ
إِلَيۡهِ تُرۡجَعُونَ ﴿٤٤﴾ وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ
قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِۖ وَإِذَا ذُكِرَ ٱلَّذِينَ مِن
دُونِهِۦٓ إِذَا هُمۡ يَسۡتَبۡشِرُونَ ﴿٤٥﴾ قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ
وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ
فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ ﴿٤٦﴾ وَلَوۡ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُواْ مَا فِي
ٱلۡأَرۡضِ جَمِيعٗا وَمِثۡلَهُۥ مَعَهُۥ لَٱفۡتَدَوۡاْ بِهِۦ مِن سُوٓءِ ٱلۡعَذَابِ
يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِۚ وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ ﴿٤٧﴾

ترجمه آیات

این کتاب آسمانی را برای [هدایت] مردم، به‌حق بر تو نازل کردیم؛ هر کس هدایت شود، به سودِ خود اوست و هر کس گمراه گشت، به زیان خویش گمراه شده است؛ و تو [نگهبان و] کارسازشان نیستی [که آنان را به هدایت اجبار کنی]. (۴۱) الله جان‌ها را در لحظهٔ مرگ می‌گیرد و [نیز] جان کسی را که نمرده است، به هنگام خوابش [می‌گیرد]؛ آنگاه جان‌هایی را که حکم مرگ بر آنها رانده است، نگه می‌دارد و جانِ دیگران را تا هنگام معین [مرگ] بازپس می‌فرستد. در این [امر] برای هر کس که بیندیشد، نشانه‌هایی [از قیامت] وجود دارد. (۴۲) آیا مشرکان غیر از الله، شفیعانی [برای خود از میان معبودان باطلشان] انتخاب کرده‌اند؟ [ای پیامبر، به آنان] بگو: «حتی اگر آنها مالک چیزی نباشند و [چیزی را] درک نکنند [باز هم آنها را به شفاعت می‌طلبید]؟» (۴۳) بگو: «تمام شفاعت‌ها، فقط از آنِ الله است. فرمانروایی آسمان‌ها و زمین [نیز] از آن اوست؛ سپس [در روز قیامت، همگی] به پیشگاهِ او بازگردانده می‌شوید». (۴۴) هنگامی که الله به یکتایی [و توحید] یاد می‌شود، دل‌های کسانی که به آخرت ایمان ندارند، متنفر [و بیزار] می‌گردد؛ و چون از معبودانی غیر از الله یاد شود، آنگاه است که مشرکان شادمان می‌گردند. (۴۵) بگو: «بار الها، [ای] آفرینندهٔ آسمان‌ها و زمین، ای دانای نهان و آشکار، تو [به تنهایی] میان بندگانت راجع به آنچه [در دنیا] در آن اختلاف می‌ورزیدند داوری خواهی کرد». (۴۶) اگر دو برابر آنچه در زمین است، در اختیار ستمکاران [مشرک] باشد، همه را برای نجات خود از سختیِ عذابِ روز قیامت فدا می‌کنند؛ [ولی پذیرفتنی نیست]؛ و اموری از جانب الله برایشان آشکار می‌گردد که تصورش را هم نمی‌کردند. (۴۷)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا﴾

این خبر که الله تعالی جان‌ها را قبض می‌کند و این کار را به خودش نسبت داد، منافاتی با این امر ندارد که فرشتهٔ مرگ و دستیارانش را بر این کار گماشته باشد... زیرا کارها را به این اعتبار به خودش نسبت می‌دهد که آفریننده و مدبر است، و به این اعتبار آن‌ها را به اسبابش نسبت می‌دهد که بر اساس سنت و حکمت خویش، برای هر امری سببی قرار داده است. سعدی: ۷۲۵.

پرسش: این دو مطلب که الله نفس‌ها را قبض می‌کند و این‌که فرشتهٔ مرگ این کار را انجام می‌دهد، چگونه با هم قابل جمع هستند؟

❷ ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

یعنی: دلالت‌هایی است بر قدرت الله تعالی؛ زیرا در نگاه‌داشتن ارواحی که نگاه می‌دارد و در رهاکردن ارواحی که رها می‌سازد هرگز اشتباه نمی‌کند. مقاتل می‌گوید: نشانه‌هایی است برای کسانی که در مورد رستاخیز می‌اندیشند؛ یعنی: قبض جان شخص خوابیده و سپس رها کردن آن، بر رستاخیز دلالت دارد. بغوی: ۴/ ۱۹.

پرسش: نگاه‌داشتن نفس سپس رهاکردن آن در خواب چگونه بر رستاخیز دلالت دارد؟

❸ ﴿أَمِ ٱتَّخَذُواْ مِن دُونِ ٱللَّهِ شُفَعَآءَۚ قُلۡ أَوَلَوۡ كَانُواْ لَا يَمۡلِكُونَ شَيۡـٔٗا وَلَا يَعۡقِلُونَ﴾

چون شفاعت، امری معنوی است، مالک‌بودن آن، به معنای تحصیل اجابتش است؛ و این عبارت برای سرزنش و تمسخر آمده است؛ یعنی: چیزی که نمی‌اندیشد چگونه شفاعت می‌کند؟! پس چون عقل ندارد، شفاعت از جانب او قابل تصور نیست؛ چه رسد به این‌که قصد شفاعت داشته باشد؛ بنابراین انتخاب آن‌ها به عنوان شفیع، حماقت و نادانی است. ابن عاشور: ۲۴/ ۲۷.

پرسش: چرا مشرکان به سبب انتخاب بت‌ها به عنوان شفیع، سرزنش شدند؟

❹ ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗاۖ لَّهُۥ مُلۡكُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾

تصریح دارد بر این‌که شفاعت فقط از آنِ الله است؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿مَن ذَا ٱلَّذِي يَشۡفَعُ عِندَهُۥٓ إِلَّا بِإِذۡنِهِۦ﴾ [البقرة: ۲۵۵] «کیست که نزد الله جز به فرمان او شفاعت کند؟». بنابراین هیچ شفاعتگری وجود ندارد مگر کسی که الله به او اجازهٔ شفاعت دهد. قرطبی: ۱۸/ ۲۸۹.

پرسش: آیا کسی غیر از الله تعالی مالک شفاعت است؟

❺ ﴿وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ﴾

یعنی: کافران یگانه‌دانستن الله را نمی‌پسندند و شرک‌ورزی به او را دوست دارند. ﴿ٱشۡمَأَزَّتۡ﴾: دل‌های‌شان به سبب کراهیتِ زیاد می‌گیرد. ابن جزی: ۲/ ۲۷۱.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که توحید شامل اعمال قلبی می‌شود.

❻ ﴿قُلِ ٱللَّهُمَّ فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ عَٰلِمَ ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ أَنتَ تَحۡكُمُ بَيۡنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُواْ فِيهِ يَخۡتَلِفُونَ﴾

عبارت ﴿فَاطِرَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ﴾ به صفت قدرت اشاره دارد و به این سبب بر صفت علم مقدم شد که مردم پیش از این‌که علم الله را دریابند قدرت او تعالی را احساس می‌کنند؛ به‌علاوه، قدرت، ارتباط بیشتری با طلب حکم دارد؛ حکم به معنای الزام و غلبه است که یکی از آثار مستقیم قدرت به شمار می‌رود. ابن عاشور: ۲۴/ ۳۱.

پرسش: چه ارتباطی میان این آیات با آیات قبلی وجود دارد؟

❼ ﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ﴾

از مجاهد چنین نقل شده است: اعمالی را انجام دادند که گمان می‌کردند نیکوست اما مشخص می‌شود که اعمال بدی بوده است، این امکان نیز وجود دارد که گمان می‌کردند الله این اعمال‌شان را بدون توبه می‌بخشد، ﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ﴾ یعنی ورود به جهنم. سفیان ثوری در مورد این آیه می‌گوید: وای بر ریاکاران، وای بر ریاکاران، این آیه و قصهٔ آنان است. عکرمه ابن عمار می‌گفت: محمد بن منکدر هنگام مرگش به شدت بی‌قراری می‌کرد. به او گفتند: چرا بی‌تابی می‌کنی؟ گفت: از این آیهٔ قرآن می‌ترسم که می‌فرماید: ﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ﴾، می‌ترسم خلاف آن‌چه گمان می‌کردم برایم آشکار شود. قرطبی: ۱۸/ ۲۸۹.

پرسش: آیا امکان دارد انسان آن‌چه را که نیکی می‌پندارد در روز قیامت بدی ببیند؟

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَتَوَفَّى	قبض می‌کند.
ٱشۡمَأَزَّتۡ	متنفر می‌شود.
فَاطِرَ	آفریدگار و پدیدآورنده.
ٱلۡغَيۡبِ وَٱلشَّهَٰدَةِ	نهان و آشکار.
يَحۡتَسِبُونَ	گمان می‌کنند و انتظار می‌کشند.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللَّهُمَّ أَسْلَمْتُ نَفْسِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَأَلْجَأْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، رَغْبَةً وَرَهْبَةً إِلَيْكَ، لاَ مَلْجَا وَلاَ مَنْجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، آمَنْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَبِنَبِيِّكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» [صحیح بخاری: ۶۳۱۳ و ۶۳۱۵ و ۷۴۸۸؛ صحیح مسلم: ۲۷۱۰] «یا الله! جانم را به تو تسلیم کردم، کارم را به تو سپردم، چهره‌ام را به سوی تو گردانیدم و پشتم را به تو تکیه دادم، به خاطر ترس از تو و رغبت به سوی تو، هیچ محل نجات و پناهگاهی از تو جز به سوی تو نیست، به کتابی که نازل کردی و پیامبری که فرستادی ایمان آوردم»، ﴿ٱللَّهُ يَتَوَفَّى ٱلۡأَنفُسَ حِينَ مَوۡتِهَا وَٱلَّتِي لَمۡ تَمُتۡ فِي مَنَامِهَا﴾

۲. با اذکار مأثور فراوانی که وجود دارد الله را یاد کن، ﴿وَإِذَا ذُكِرَ ٱللَّهُ وَحۡدَهُ ٱشۡمَأَزَّتۡ قُلُوبُ ٱلَّذِينَ لَا يُؤۡمِنُونَ بِٱلۡأٓخِرَةِ﴾

۳. عملی را که در مورد صحت آن تردید داری مشخص کن و حکم آن را از یکی از علما بپرس، ﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ﴾

رهنمودها

۱. چنان‌که گفته شده، تفکر یک ساعت از احیای یک شب بدون تفکر بهتر است، ﴿إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَأٓيَٰتٖ لِّقَوۡمٖ يَتَفَكَّرُونَ﴾

۲. تمام شفاعت‌ها فقط در دست الله است، پس شفاعت را از او سبحانه بخواه، ﴿قُل لِّلَّهِ ٱلشَّفَٰعَةُ جَمِيعٗا﴾

۳. تمام اعمالت را از سر اخلاص و طبق سنت رسول الله ﷺ انجام بده، ﴿وَبَدَا لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مَا لَمۡ يَكُونُواْ يَحۡتَسِبُونَ﴾

سورة (الزمر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٤)

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ
يَسْتَهْزِءُونَ ﴿٤٨﴾ فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَـٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَـٰهُ
نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ ﴿٤٩﴾ قَدْ قَالَهَا ٱلَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَمَآ
أَغْنَىٰ عَنْهُم مَّا كَانُوا۟ يَكْسِبُونَ ﴿٥٠﴾ فَأَصَابَهُمْ سَيِّـَٔاتُ
مَا كَسَبُوا۟ ۚ وَٱلَّذِينَ ظَلَمُوا۟ مِنْ هَـٰٓؤُلَآءِ سَيُصِيبُهُمْ سَيِّـَٔاتُ
مَا كَسَبُوا۟ وَمَا هُم بِمُعْجِزِينَ ﴿٥١﴾ أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ
ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ
﴿٥٢﴾ ۞ قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟
مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ
ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ ﴿٥٣﴾ وَأَنِيبُوٓا۟ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا۟ لَهُۥ مِن
قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ ﴿٥٤﴾ وَٱتَّبِعُوٓا۟ أَحْسَنَ
مَآ أُنزِلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُم مِّن قَبْلِ أَن يَأْتِيَكُمُ ٱلْعَذَابُ
بَغْتَةً وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ ﴿٥٥﴾ أَن تَقُولَ نَفْسٌ يَـٰحَسْرَتَىٰ
عَلَىٰ مَا فَرَّطتُ فِى جَنۢبِ ٱللَّهِ وَإِن كُنتُ لَمِنَ ٱلسَّـٰخِرِينَ ﴿٥٦﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَحَاقَ	آنان را از تمام جهات احاطه می‌کند.
خَوَّلْنَـٰهُ	به او عطا کنیم و ببخشیم.
وَأَنِيبُوٓا۟	با توبه و طاعت به سوی الله بازگردید.
فَرَّطتُ	تباه کردم.
جَنۢبِ ٱللَّهِ	طاعت و حق الله.

عمل به آیات

۱. سه مورد از بزرگ‌ترین نعمت‌هایی که الله به تو ارزانی داشته است به یاد آور، سپس شکر الله تعالی را در قبال آن‌ها بگزار، ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَـٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾

۲. بگو: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّهُ، وَجِلَّهُ، وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرَّهُ» [صحیح مسلم: ۴۸۳] «یا الله! تمام گناهانم، کوچک و بزرگ، اولی و آخری و آشکار و نهانش را بیامرز»، ﴿قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

۳. از الله تعالی بخواه نعمت‌هایی را که به تو ارزانی داشته است سبب فروتنی و نزدیکی به سوی پروردگارت قرار دهد و از فتنهٔ آن‌ها به الله پناه ببر، ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَـٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

رهنمودها

۱. مبادا به سبب نعمت‌هایی که الله به تو بخشیده است گرفتار عذاب شوی؛ زیرا افراد مرفه و ثروتمند زیادی هستند که به سبب فتنهٔ مال، به تدریج به سوی عذاب می‌روند اما خودشان احساس نمی‌کنند، ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَـٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

۲. در تمام قضا و قدرهای الله از او تعالی خشنود باش؛ زیرا روزی را برای هر کس که بخواهد می‌گشاید و برای هر کس که بخواهد محدود می‌گرداند، ﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ﴾

۳. وقتی کسی که در گناهان زیاده‌روی کرده به مغفرت و رحمت بشارت داده شده است، به طریق اولی این بشارت برای دیگران نیز وجود دارد، پس به سرعت توبه کن، ﴿قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا﴾

ترجمه آیات

[در آن روز،] دستاورد زشتشان بر آنان آشکار می‌شود و عذابی که مسخره می‌کردند، دامنگیرشان خواهد شد. (۴۸) هر گاه انسان دچار [رنج و] زیانی شود، ما را [به نیایش] می‌خواند؛ و چون از جانب خویش نعمتی به وی ارزانی داریم، می‌گوید: «فقط [لیاقت و] داناییِ خودم موجب این نعمت شده است. [نه،] بلکه این آزمایش [الهی] است؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۴۹) پیشینیان آنان نیز همین سخن را گفتند؛ ولی [به هنگام عذاب،] دستاوردشان سودی به حالشان نداشت. (۵۰) و [عقوبت] دستاورد زشت آنان دامنگیرشان شد. این ستمکاران [مشرک] نیز به عقوبت دستاوردشان گرفتار خواهند شد و [پروردگار متعال را] به تنگ نخواهند آورد. (۵۱) آیا مشرکان نمی‌دانند که الله [نعمت و] روزی را بر هر کس که بخواهد، گسترده می‌دارد و یا تنگ می‌گرداند؟ بی‌گمان در این امر، نشانه‌هایی [از تدبیر و حکمت الهی] برای مومنان است. (۵۲) [ای پیامبر،] به بندگانم که [در ارتکاب به شرک و گناه] زیاده‌روی کرده‌اند، بگو: «از رحمت الهی مأیوس نباشید؛ چرا که [اگر توبه کنید،] الله همهٔ گناهانتان را می‌بخشد. به راستی که او تعالی بسیار آمرزنده و مهربان است. (۵۳) پیش از آنکه عذاب به سراغتان بیاید و هیچ کس نتواند یاری‌تان کند، به سوی پروردگارتان بازگردید و تسلیم [فرمانِ] او شوید. (۵۴) و پیش از آنکه ناگهان ـ در حالی که غافلید ـ عذاب به سراغتان بیاید، از بهترین دستورهایی که از جانب پروردگارتان بر شما نازل شده است، پیروی کنید. (۵۵) [هم‌اکنون بر حذر باشید] تا کسی [در روز قیامت] نگوید: «ای دریغ بر من که در حقِ الله کوتاهی نمودم و [مؤمنان را] مسخره می‌کردم!» (۵۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَبَدَا لَهُمْ سَيِّـَٔاتُ مَا كَسَبُوا۟ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا۟ بِهِۦ يَسْتَهْزِءُونَ﴾

فعل ﴿كَسَبُوا۟﴾ به این دلیل بر فعل (عملوا) ترجیح داده شد تا شکایت آنان از عذاب قطع شود با بیان این مطلب که خودشان اسباب عذاب را کسب کردند؛ چنان‌که اندکی پیش بدون فعل (تعملون) فرمود: ﴿وَقِيلَ لِلظَّـٰلِمِينَ ذُوقُوا۟ مَا كُنتُمْ تَكْسِبُونَ﴾ [الزمر: ۲۴]. ابن عاشور: ۳۴/۲۴.

پرسش: چرا به جای فعل (عملوا) فعل ﴿كَسَبُوا۟﴾ بیان شد؟

۲ ﴿فَإِذَا مَسَّ ٱلْإِنسَـٰنَ ضُرٌّ دَعَانَا﴾

این حقیقت در آیه بیان شده است که: کافران قریش به ربوبیت الله ایمان داشتند، بنابراین از کمونیست‌های کافر بهتر هستند که به الله تعالی ایمان نمی‌آورند، چنان‌که کافران قریش از برخی مسلمانان جاهل امروزی نیز وضعیت بهتری دارند؛ زیرا آنان در سختی، الله را خالصانه می‌خواندند، اما مسلمانان جاهل، هم در آسایش و هم در سختی شرک می‌ورزند؛ این کار را با خواندن اولیا و مردگان و کمک‌خواستن از آنان در هر شرایطی انجام می‌دهند. جزائری: ۴۹۸/۴.

پرسش: چرا کفار قریش از برخی مسلمانان امروزی وضعیت بهتری داشتند؟

۳ ﴿قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍ﴾

دو احتمال وجود دارد: وجه واضح‌تر این است که به سبب دانشی از جانب خودم، اموال و منافع به من داده شده است. وجه دیگر: به سبب علم الله به این‌که استحقاق آن را دارم. ابن جزی: ۲/ ۲۷۱.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آیه به غرور صاحب مال اشاره دارد.

۴ ﴿ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَـٰهُ نِعْمَةً مِّنَّا قَالَ إِنَّمَآ أُوتِيتُهُۥ عَلَىٰ عِلْمٍۭ ۚ بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

یعنی: به سبب علمی از جانب الله که من اهلیت آن را دارم. مقاتل می‌گوید: به سبب خیری که دارم و الله از آن آگاه است... ﴿بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ﴾ یعنی: این نعمت، فتنه و امتحان و آزمایشی از جانب الله تعالی است [تا به تدریج او را به سوی عذاب بکشاند]. بغوی: ۴/ ۲۱.

پرسش: آیا تمام روزی و نعمت‌ها برای انسان خیر به شمار می‌رود؟ بر اساس آیه توضیح دهید.

۵ ﴿بَلْ هِىَ فِتْنَةٌ وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾

﴿وَلَـٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾ بنابراین فتنه را عطا و بخشش به شمار می‌آورند، و خیر محض با آن‌چه هم می‌تواند سبب خیر باشد و هم سبب شر، بر آنان مشتبه می‌شود. سعدی: ۷۲۷.

پرسش: خطر وجود نعمت بر انسان جاهل و غافل چیست؟

۶ ﴿أَوَلَمْ يَعْلَمُوٓا۟ أَنَّ ٱللَّهَ يَبْسُطُ ٱلرِّزْقَ لِمَن يَشَآءُ وَيَقْدِرُ ۚ إِنَّ فِى ذَٰلِكَ لَـَٔايَـٰتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ﴾

یعنی: فراخی و محدودبودن روزی، به حکمت و رحمت بازمی‌گردد، و این‌که الله تعالی به حال بندگانش داناتر است؛ بنابراین از سر مهربانی روزی را بر آنان محدود می‌گرداند؛ زیرا اگر روزی را بر آنان بگستراند قطعا در روی زمین فساد برپا می‌کنند؛ بنابراین الله تعالی در این مورد، صلاح دین‌شان را که اساس سعادت و رستگاری است در نظر می‌گیرد. سعدی: ۷۲۷.

پرسش: چرا روزیِ اندک یکی از اسباب لطف و مهربانی الله به بندگانش است؟

۷ ﴿قُلْ يَـٰعِبَادِىَ ٱلَّذِينَ أَسْرَفُوا۟ عَلَىٰٓ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا۟ مِن رَّحْمَةِ ٱللَّهِ ۚ إِنَّ ٱللَّهَ يَغْفِرُ ٱلذُّنُوبَ جَمِيعًا ۚ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلْغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ﴾

آیات تهدید و وعید با تمامی انواع پیشینش به گونه‌ای طولانی شد که بر دل شنوندگانش رعب و وحشت می‌اندازد، علی‌رغم این‌که تظاهر می‌کنند توجهی به آن‌ها ندارند، ولی این آیات آن‌قدر تأثیر دارد که به کلی از این‌که کسی آنان را نجات دهد، ناامید می‌شوند، ولی الله دوباره امید را در دل‌های‌شان زنده می‌کند تا هر گاه بخواهند به ساحل نجات روی آورند؛ چنان‌چه قرآن مجید جان‌ها را با آمیزه‌ای از تشویق و تهدید شفا می‌بخشد. ابن عاشور: ۳۹/۲۴.

پرسش: این آیه چه ارتباطی با آیات قبلی دارد؟

ترجمه آیات

یا [گناه خود را بر گردن تقدیر نیندازد و] نگوید: «اگر الله مرا هدایت کرده بود، قطعاً پرهیزگار بودم» (۵۷) یا هنگامی که عذاب را می‌بیند، نگوید: «ای کاش بازگشتی [به دنیا] داشتم تا در زمرهٔ نیکوکاران قرار می‌گرفتم». (۵۸) [الله می‌فرماید:] «آری، آیات من برایت آمد و تو آنها را دروغ پنداشتی و تکبر نمودی و کفر ورزیدی». (۵۹) و روز قیامت کسانی را که بر الله دروغ بسته‌اند، سیه‌روی می‌بینی. آیا در دوزخ جایگاهی برای متکبران نیست؟ (۶۰) الله، پرهیزگاران را با درآوردن به مکان کامیابی‌شان، [از عذاب] نجات می‌دهد. [در بهشت،] نه رنجی به آنان می‌رسد و نه اندوهگین می‌شوند. (۶۱) الله آفریدگار هر چیزی است و او تعالی بر همه چیز [نگهبان و] کارساز است. (۶۲) کلید گنجینه‌های آسمان‌ها و زمین از آنِ اوست؛ و کسانی که به آیات الهی کافر شدند، قطعاً زیانکارند. (۶۳) [ای پیامبر،] بگو: «ای بی‌خبران، آیا به من فرمان می‌دهید که [معبودی] غیر از الله را عبادت کنم؟» (۶۴) به تو و پیامبرانِ پیش از تو وحی شده است که: «اگر شرک بورزی، [پاداشِ] کارهایت قطعاً بر باد خواهد رفت و زیانکار خواهی شد؛ (۶۵) بلکه تنها الله را عبادت کن و سپاسگزار باش». (۶۶) مشرکان، الله را چنان که سزاوار اوست، ارج ننهادند؛ حال آنکه در روز قیامت، زمین یکسره در قبضهٔ اوست؛ و آسمان‌ها به دست وی درهم‌پیچیده خواهد شد. پاک و منزه است الله؛ و از چیزهایی که با [وی] شریک می‌سازند، برتر است. (۶۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ۝٥٧ أَوۡ تَقُولَ حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ﴾

کلام نفس در این‌جا به ترتیب طبیعی خودش در ذهن، حکایت شده است؛ ابتدا بر عذابی که خودش را در آن افکنده است افسوس می‌خورد، سپس به عذرخواهی و اعلام بیزاری از گناه می‌رسد و امیدوار است که این امر او را نجات می‌دهد، سپس آرزو می‌کند که به دنیا بازگردد تا اعمال صالح انجام دهد؛ چنان‌که می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ ٱرۡجِعُونِ ۝٩٩ لَعَلِّيٓ أَعۡمَلُ صَٰلِحٗا فِيمَا تَرَكۡتُ﴾ [المؤمنون: ۹۹-۱۰۰]؛ «گوید: پروردگارا! مرا (به دنیا) بازگردان، باشد که در آن‌چه (در دنیا) ترک (و کوتاهی) کرده‌ام، کار شایسته‌ای انجام دهم». این نظم و ترتیب، دقیق‌ترین ترتیب است. ابن عاشور: ۲۴/ ۴۷.

پرسش: تناسب آیات در حکایت از کلام نفس در روز قیامت را توضیح دهید.

۲ ﴿وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾

عذاب متکبران با سیاه‌شدن چهره، متناسب با غرورشان است و متکبر وقتی چهره‌اش سیاه شود غرورش می‌شکند؛ زیرا به همان اندازه که متکبر احساس کند مردم از عیوبش آگاه هستند، غرورش ضعیف می‌شود. ابن عاشور: ۲۴/ ۵۱.

پرسش: سیاه‌شدن چهرهٔ متکبران در روز قیامت چه حکمتی دارد؟

۳ ﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

یعنی: ﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ﴾ از جهنم؛ زیرا متکبر نیستند. بنابراین تقوا با تکبر منافات دارد؛ زیرا تقوا کمال اخلاق شرعی است و سبب دوری از مناهی و اجرای اوامر در ظاهر و باطن است؛ اما تکبر، یک بیماری قلبی و باطنی است. ابن عاشور: ۲۴/ ۵۲.

پرسش: چرا پس از متکبران، پرهیزگاران بیان شدند؟

۴ ﴿ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيۡءٖ وَكِيلٞ﴾

این عبارت و عبارات مشابه که در قرآن بسیار آمده است دلالت دارند بر این‌که همه‌چیز غیر از الله مخلوق هستند؛ بنابراین سخن کسانی را رد می‌کند که قائل به قدیم‌بودن برخی مخلوقات هستند؛ مانند فلاسفه که به قدیم‌بودن زمین و آسمان‌ها و ارواح اعتقاد دارند و سایر سخنان پیروان باطل که متضمن معطل‌گذاشتن آفریدگار از آفرینش است. سعدی: ۷۲۸.

پرسش: پاسخ کسانی که قائل به قدیم‌بودن برخی مخلوقات هستند چیست؟ دلیل فساد این دیدگاه کدام است؟

۵ ﴿قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ﴾

یعنی: این امر به سبب جهل از شما سر زد، و اگر علم داشتید به این‌که الله تعالی از تمام وجوه کامل است، تمام نعمت‌ها را او می‌بخشد و فقط او مستحق عبادت است، نه کسی که از تمام وجوه ناقص است و هیچ نفع و زیانی نمی‌رساند، مرا به این کار دستور نمی‌دادید. سعدی: ۷۲۹.

پرسش: چرا صفت جهل به مشرکان نسبت داده شد؟

۶ ﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾

﴿وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾ سپاس‌گزار الله به شکرانهٔ توفیق او تعالی باش؛ یعنی همان‌گونه که در قبال نعمت‌های دنیوی مانند سلامتی و عافیت جسم و کسب روزی از الله تعالی سپاس‌گزاری می‌شود، در قبال نعمت‌های دینی مانند توفیق به اخلاص و تقوا نیز مورد شکر و ستایش قرار می‌گیرد، بلکه نعمت‌های واقعی همان نعمت‌های دینی هستند. سعدی: ۷۲۹.

پرسش: چرا آیه با عبارت ﴿وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾ پایان یافت؟

۷ ﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾

تدبر در این‌که نعمت‌های دینی از جانب الله تعالی است و سپاس‌گزاری از الله در قبال آن‌ها، باعث سالم‌ماندن از خودبینی‌ای است که برای بسیاری از عاملان به سبب جهل‌شان حاصل می‌شود، وگرنه بنده اگر از حقیقت حال آگاه باشد هرگز به سبب نعمتی که باید شکر بیشتری به جای آورد مغرور نمی‌شود. سعدی: ۷۲۹.

پرسش: آیه به زدودن خودپسندی و غروری که برای برخی از نیکوکاران عارض می‌شود راهنمایی می‌کند. این مطلب را توضیح دهید.

سورة (الزمر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٥)

أَوۡ تَقُولَ لَوۡ أَنَّ ٱللَّهَ هَدَىٰنِي لَكُنتُ مِنَ ٱلۡمُتَّقِينَ ۝٥٧ أَوۡ تَقُولَ
حِينَ تَرَى ٱلۡعَذَابَ لَوۡ أَنَّ لِي كَرَّةٗ فَأَكُونَ مِنَ ٱلۡمُحۡسِنِينَ
۝٥٨ بَلَىٰ قَدۡ جَآءَتۡكَ ءَايَٰتِي فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ
مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ ۝٥٩ وَيَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ تَرَى ٱلَّذِينَ كَذَبُواْ عَلَى
ٱللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسۡوَدَّةٌۚ أَلَيۡسَ فِي جَهَنَّمَ مَثۡوٗى لِّلۡمُتَكَبِّرِينَ
۝٦٠ وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ
وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ ۝٦١ ٱللَّهُ خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ
شَيۡءٖ وَكِيلٞ ۝٦٢ لَّهُۥ مَقَالِيدُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِۗ وَٱلَّذِينَ
كَفَرُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ أُوْلَٰٓئِكَ هُمُ ٱلۡخَٰسِرُونَ ۝٦٣ قُلۡ
أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ ۝٦٤ وَلَقَدۡ
أُوحِيَ إِلَيۡكَ وَإِلَى ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِكَ لَئِنۡ أَشۡرَكۡتَ
لَيَحۡبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ ٱلۡخَٰسِرِينَ ۝٦٥ بَلِ
ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ ۝٦٦ وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ
قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ
مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ ۝٦٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
كَرَّةٗ	بازگشت.
بِمَفَازَتِهِمۡ	با رستگاری و دستیابی‌شان به مطلوب.
مَقَالِيدُ	کلیدهای خزینه‌ها.
لَيَحۡبَطَنَّ	قطعاً باطل می‌شود.
قَبۡضَتُهُۥ	در مُشت او.
مَطۡوِيَّٰتُۢ	آن‌ها را با دستش در هم می‌پیچد.

عمل به آیات

۱. به خاطر نعمت‌های الله که بزرگ‌ترین آن‌ها نعمت اسلام است از او تعالی سپاس‌گزاری کن، ﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾

۲. سپاس‌گزاری باعث زدودن غرور از اعمال صالح می‌شود، پس امروز تا می‌توانی به این سبب شکر الله تعالی را به جای آور که توفیق انجام اعمال صالح را به تو داد، ﴿بَلِ ٱللَّهَ فَٱعۡبُدۡ وَكُن مِّنَ ٱلشَّٰكِرِينَ﴾

۳. با نوشتن پیامی کوتاه، مظاهر عظمت الله را مشخص کن، ﴿وَمَا قَدَرُواْ ٱللَّهَ حَقَّ قَدۡرِهِۦ وَٱلۡأَرۡضُ جَمِيعٗا قَبۡضَتُهُۥ يَوۡمَ ٱلۡقِيَٰمَةِ وَٱلسَّمَٰوَٰتُ مَطۡوِيَّٰتُۢ بِيَمِينِهِۦۚ سُبۡحَٰنَهُۥ وَتَعَٰلَىٰ عَمَّا يُشۡرِكُونَ﴾

رهنمودها

۱. از بیماری تکبر دوری کن؛ زیرا متکبران در روز قیامت خوار و ذلیل هستند، ﴿فَكَذَّبۡتَ بِهَا وَٱسۡتَكۡبَرۡتَ وَكُنتَ مِنَ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

۲. به تقوا پایبند باش که راه نجات است، ﴿وَيُنَجِّي ٱللَّهُ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ بِمَفَازَتِهِمۡ لَا يَمَسُّهُمُ ٱلسُّوٓءُ وَلَا هُمۡ يَحۡزَنُونَ﴾

۳. جهل، یکی از اسباب شرک است، پس تا می‌توانی علم شرعی بیاموز و خودت را با آن مجهز کن، ﴿قُلۡ أَفَغَيۡرَ ٱللَّهِ تَأۡمُرُوٓنِّيٓ أَعۡبُدُ أَيُّهَا ٱلۡجَٰهِلُونَ﴾

سورة (الزمر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٦)

وَنُفِخَ فِي ٱلصُّورِ فَصَعِقَ مَن فِي ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَمَن فِي ٱلۡأَرۡضِ
إِلَّا مَن شَآءَ ٱللَّهُۖ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخۡرَىٰ فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ
٦٨ وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ ٱلۡكِتَٰبُ وَجِاْيٓءَ
بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ
٦٩ وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ ٧٠
وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا
فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَآ أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ
يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ
هَٰذَاۚ قَالُواْ بَلَىٰ وَلَٰكِنۡ حَقَّتۡ كَلِمَةُ ٱلۡعَذَابِ عَلَى ٱلۡكَٰفِرِينَ
٧١ قِيلَ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى
ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٢ وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ
زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا
سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ ٧٣ وَقَالُواْ
ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ ٱلَّذِي صَدَقَنَا وَعۡدَهُۥ وَأَوۡرَثَنَا ٱلۡأَرۡضَ
نَتَبَوَّأُ مِنَ ٱلۡجَنَّةِ حَيۡثُ نَشَآءُۖ فَنِعۡمَ أَجۡرُ ٱلۡعَٰمِلِينَ ٧٤

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
وَنُفِخَ	یعنی: دمیدن اول [در صور] که بر اثر آن مخلوقات می‌میرند. نفخهٔ صَعق (بیهوش‌شدن) نیز نامیده می‌شود.
فَصَعِقَ	بمیرد.
زُمَرًا	گروه‌هایی.
فَبِئۡسَ	چه زشت است.
طِبۡتُمۡ	از پلیدی گناهان پاکیزه بوده‌اید.
نَتَبَوَّأُ	منزل می‌گیریم.

عمل به آیات

۱. امروز در نماز به نیکویی در برابر الله بایست تا ایستادن در برابر او تعالی در آخرت بر تو آسان شود، ﴿فَإِذَا هُمۡ قِيَامٞ يَنظُرُونَ﴾

۲. امروز کاری انجام بده که باعث دوری تکبر از نفست می‌شود؛ مانند همنشینی با فقرا و کارگران، یا تناول غذا با آنان یا دعوت آنان به منزل، ﴿فَبِئۡسَ مَثۡوَى ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ﴾

۳. امروز عبادت‌های گوناگونی مانند نماز، روزه و صدقه انجام بده؛ امید است از درهایی که به این اعمال اختصاص داده شده است به بهشت وارد شوی، ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ﴾

رهنمودها

۱. بنده تمام اعمالی را که انجام داده است روز قیامت دریافت می‌کند، ﴿وَوُفِّيَتۡ كُلُّ نَفۡسٖ مَّا عَمِلَتۡ وَهُوَ أَعۡلَمُ بِمَا يَفۡعَلُونَ﴾

۲. مبادا از دعوتگر به خوبی، روی بگردانی و دعوتش را اجابت نکنی، ﴿أَلَمۡ يَأۡتِكُمۡ رُسُلٞ مِّنكُمۡ يَتۡلُونَ عَلَيۡكُمۡ ءَايَٰتِ رَبِّكُمۡ وَيُنذِرُونَكُمۡ لِقَآءَ يَوۡمِكُمۡ هَٰذَا﴾

۳. باطن و ظاهر و خوراک و پوشاکت را پاکیزه کن تا روز قیامت به تو گفته شود: ﴿طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ﴾

ترجمه آیات

[در آستانهٔ قیامت،] در «صور» دمیده می‌شود؛ آنگاه هر کس که در آسمان‌ها و در زمین است، مدهوشِ مرگ خواهد شد ـ مگر کسی که الله بخواهد؛ آنگاه بار دیگر در آن دمیده می‌شود و ناگهان [همه از مرگ] برمی‌خیزند و چشم‌به‌راه [فرمان پروردگار] هستند. (۶۸) [در روز قیامت،] زمین به نورِ پروردگارش روشن خواهد شد و نامهٔ [اعمال] نهاده می‌شود و پیامبران و گواهان را می‌آورند و به حق و عدالت میان مردم داوری می‌شود و هرگز به آنان ستم نخواهد شد. (۶۹) و جزای عملکردِ هر کس، به تمام و کمال داده می‌شود؛ و الله نسبت به اعمالشان داناتر است. (۷۰) کافران گروه‌گروه به سوی دوزخ رانده می‌شوند. همین که به آنجا می‌رسند، درهایش [به روی آنان] گشوده می‌گردد و نگهبانانش می‌گویند: «آیا پیامبرانی از میان خود شما به سراغتان نیامدند که آیات پروردگارتان را برای شما می‌خواندند و دربارهٔ دیدار این روز هشدار می‌دادند؟» آنان [در پاسخ] می‌گویند: «آری؛ ولی [ما آنان را انکار کردیم و] فرمان مجازات، سزای کافران است». (۷۱) [به آنان] گفته می‌شود: «از درهای دوزخ وارد شوید و جاودانه در آن به سر بَرید؛ و [به راستی] جایگاه متکبران، چه بد [جایگاهی] است!» (۷۲) و کسانی که از پروردگارشان پروا داشتند، گروه‌گروه به سوی بهشت هدایت می‌شوند؛ همین که به آنجا می‌رسند ـ در حالی که درهای بهشت گشوده شده است ـ [با عزت و احترام وارد می‌شوند] و نگهبانان آنجا می‌گویند: «سلام بر شما. خوش آمدید. [و] برای همیشه [در آن بمانید]». (۷۳) بهشتیان می‌گویند: «ستایش و سپاس مخصوص الله است که وعدهٔ خویش را در مورد ما تحقق بخشید و سرزمین [پهناور بهشت] را به ما میراث داد که در هر جای آن بخواهیم، منزل می‌گیریم؛ و [به راستی] پاداش اهل عمل، چه نیکوست!» (۷۴)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَأَشۡرَقَتِ ٱلۡأَرۡضُ بِنُورِ رَبِّهَا﴾

از این عبارت مشخص می‌شود که نورهای موجود، در روز قیامت، نیست و نابود می‌شود، و قطعاً این امر رخ می‌دهد؛ زیرا الله تعالی خبر داده که خورشید جمع و در هم پیچیده می‌شود، ماه می‌گیرد و ستارگان ناپدید می‌شوند، و مردم در تاریکی قرار می‌گیرند، آن‌گاه زمین با نور پروردگارش روشن می‌شود، آن‌گاه که برای داوری میان آنان تجلی و نزول می‌کند. در این روز الله تعالی نیرویی به مخلوقات می‌دهد و آنان را به حالتی درمی‌آورد که نورش آن‌ها را نمی‌سوزاند و آنان می‌توانند او تعالی را ببینند، وگرنه نور الله چنان بزرگ است که اگر آشکار شود انوار و جلال و عظمت او تعالی، به هر یک از مخلوقاتش که بتابد آن را می‌سوزاند. سعدی: ۷۳۰.

پرسش: چه دلیلی بر این مطلب وجود دارد که مردم ابتدا در تاریکی حشر می‌شوند؟ چگونه می‌توان میان این آیه و احادیثی جمع کرد که اشاره دارند به این‌که نور الله تعالی به هر یک از مخلوقاتش بتابد آن را می‌سوزاند؟

۲ ﴿وَجِاْيٓءَ بِٱلنَّبِيِّـۧنَ وَٱلشُّهَدَآءِ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ وَهُمۡ لَا يُظۡلَمُونَ﴾

پیامبران را می‌آورند و از آنان در مورد پاسخی که امت‌های‌شان به آنان داده‌اند می‌پرسند... کسانی که در راه الله شهید شده‌اند نیز آورده می‌شوند و به نفع کسانی که از دین الله دفاع کرده‌اند گواهی می‌دهند. قرطبی: ۱۸/ ۳۱۵.

پرسش: چرا در روز سخت قیامت، پیامبران و شهدا آورده می‌شوند؟

۳ ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا﴾

ابتدا خبر مستحقین عذاب ذکر شد؛ زیرا در این موضع از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ یعنی جایی که موعظه و ترهیب برای کسانی که از چنین پند و اندرزهایی پند نمی‌گیرند تکرار می‌شود؛ اما صاحبان پاداش، امر مطلوب را انجام داده‌اند و آن‌چه در مورد آنان بیان می‌شود، تکرار بشارت و تمجید است. ابن عاشور: ۲۴/ ۶۹.

پرسش: در آیهٔ فوق، چرا ابتدا مستحقین عذاب ذکر شدند؟

۴ ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ كَفَرُوٓاْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًاۖ حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا فُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا﴾

جهنمیان به سبب اختلاف درجات کفرشان، در گروه‌های مختلفی قرار می‌گیرند؛ زیرا در این‌جا مشرکان قریش تهدید شده‌اند و از نظر شدت سرسختی در کفر و تندخویی و درشتی با مسلمانان، میان آن‌ها تفاوت وجود دارد. ابن عاشور: ۲۴/ ۶۹.

پرسش: چرا کافران هنگام رانده‌شدن به جهنم گروه گروه می‌شوند؟

۵ ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًا﴾

بر اساس مراتب تقوی، گروه گروه می‌شوند. ابن عاشور: ۲۴/ ۷۱.

پرسش: چرا پرهیزگاران برای ورود به بهشت گروه گروه می‌شوند؟

۶ ﴿وَسِيقَ ٱلَّذِينَ ٱتَّقَوۡاْ رَبَّهُمۡ إِلَى ٱلۡجَنَّةِ زُمَرًا﴾

در مورد هر دو گروه جهنمی و بهشتی، لفظ واحد ﴿سِيقَ﴾ بیان شد؛ سوق جهنمیان عبارت است از راندن آنان به سوی جهنم با تحقیر و خواری؛ آن‌گونه که اسرا و باغیان را به زندان یا محل اعدام می‌کشانند. اما راندن بهشتیان، به معنای راندن مرکب‌های‌شان به سوی بهشت پُرنعمت است؛ زیرا در حال سواره آنان را به بهشت می‌برند؛ آن‌گونه که مهمانان برخی پادشاهان با عزت و احترام مورد استقبال قرار می‌گیرند. بنابراین راندن جهنمیان به جهنم با راندن بهشتیان به بهشت متفاوت است. قرطبی: ۴/ ۱۴۲.

پرسش: آیا تفاوتی میان راندن جهنمیان و راندن بهشتیان وجود دارد؟

۷ ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا وَفُتِحَتۡ أَبۡوَٰبُهَا وَقَالَ لَهُمۡ خَزَنَتُهَا سَلَٰمٌ عَلَيۡكُمۡ طِبۡتُمۡ فَٱدۡخُلُوهَا خَٰلِدِينَ﴾

جواب شرط در این‌جا ذکر نشده و تقدیر عبارت چنین است: ﴿حَتَّىٰٓ إِذَا جَآءُوهَا﴾، برای احترام و تعظیم آن‌ها درها به روی‌شان گشوده می‌شود و فرشتگان نگهبان بهشت با بشارت و سلام و ستایش از آنان استقبال می‌کنند؛ چنان‌که نگهبانان جهنم با توبیخ و سرزنش به استقبال کافران می‌آیند. بنابراین تقدیر عبارت چنین است: وقتی این امور اتفاق بیفتد، به اندازهٔ تمام نعمت‌هایی که در بهشت برای‌شان وجود دارد شاد و مسرور و خوشحال می‌شوند. چون جواب در این‌جا حذف شده است ذهن را به اوج امید و آرزو می‌برد. ابن کثیر: ۴/ ۶۸.

پرسش: حذف جواب شرط در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

ترجمه آیات

[در آن روز،] فرشتگان را خواهی دید که پیرامون عرش حلقه زده‌اند و پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند؛ و به حق و عدالت میان مردم داوری خواهد شد و گفته می‌شود: «ستایش و سپاس، مخصوص الله - پروردگار جهانیان- است». (۷۵)

سورهٔ غافر

به نام الله بخشندهٔ مهربان

حم [حا. میم] (۱) نزول [این] کتاب، از سوی الله شکست‌ناپذیرِ داناست. (۲) [پروردگاری که] آمرزندهٔ گناه و توبه‌پذیر، سخت‌کیفر و نعمت‌بخش است؛ هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست و بازگشت [همه] به سوی اوست. (۳) تنها کافران هستند که دربارهٔ آیات الهی مجادله می‌کنند؛ پس مبادا رفت و آمدشان در شهرها [برای تجارت و بهره‌مندی‌شان از نعمت‌های دنیا] تو را بفریبد. (۴) پیش از آنان قوم نوح، و پس از آنان نیز گروه‌های دیگری [همچون قوم عاد و ثمود و لوط نیز پیامبرانشان را] دروغگو شمردند و هر قومی خواست پیامبرش را دستگیر کند [و به قتل برساند]. آنان به باطل مجادله کردند تا به وسیله آن، حق را از میان بردارند؛ من نیز آنان را عذاب کردم؛ [پس بنگرید که] عذابِ من چگونه بود. (۵) و فرمان عذابِ پروردگارت درباره کافران اینچنین به تحقق پیوست که آنان اهل آتشند. (۶) فرشتگانی که عرش را حمل می‌کنند و فرشتگانی که گردِ آن حلقه زده‌اند، پروردگارشان را به پاکی می‌ستایند و به او ایمان دارند و [این گونه] برای اهل ایمان آمرزش می‌خواهند: «پروردگارا، رحمت و دانشت، هر چیزی را فراگرفته است؛ پس کسانی را که توبه کردند و پیرو راه تو شدند، بیامرز و از عذاب دوزخ دور نگاه دار». (۷)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

فاعل قول به این سبب حذف شد که غیر معین است، بلکه تمام مخلوقات، الله تعالی را به خاطر صدور این حکم در روز قیامت می‌ستایند؛ یعنی ساکنان آسمان‌ها و زمین، نیکان و بدان، انسان‌ها و جن‌ها و حتی جهنمیان حمد و ستایش او تعالی را می‌گویند... گویی تمام هستی این ستایش را به زبان می‌آورد. ابن قیم: ۲/ ۴۰۳.

پرسش: چرا فعل ﴿وَقِيلَ﴾ در آیه با صیغهٔ مبنی و مجهول آمد؟

۲ ﴿وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

یعنی: تمام هستی، چه زباندار و چه زبان‌بسته، به سخن می‌آیند و پروردگار جهانیان را در حکم و عدالتش می‌ستایند؛ بنابراین گویندهٔ این قول تعیین نشد و آن را مطلق گذاشت تا دلالت کند بر این‌که تمام مخلوقات به حمد و ثنای او تعالی گواهی می‌دهند. ابن کثیر: ۴/ ۷۰.

پرسش: چرا در آیه به جای واژهٔ (قالوا) واژهٔ ﴿قِيلَ﴾ آمد؟

۳ ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾

توصیف الله با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾ اشاره دارد به این‌که منکرانِ نزول قرآن از جانب الله، مغلوب و شکست‌خورده هستند و الله آن‌چه را که نفس‌های‌شان پنهان می‌کند می‌داند و آنان را در قبال آن مورد محاسبه قرار می‌دهد. به‌علاوه بیانگر این امر است که قرآن، کلام ذاتی نیرومند و داناست؛ بنابراین هیچ‌کس غیر از الله بر نزول مانند آن علم و توانایی ندارد. ابن عاشور: ۲۴/ ۷۹.

پرسش: چرا آیه با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ﴾ پایان یافت؟

۴ ﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ﴾

مانند این آیه است که می‌فرماید: ﴿نَبِّئۡ عِبَادِيٓ أَنِّيٓ أَنَا ٱلۡغَفُورُ ٱلرَّحِيمُ (٤٩) وَأَنَّ عَذَابِي هُوَ ٱلۡعَذَابُ ٱلۡأَلِيمُ﴾ [الحجر: ۴۹-۵۰] «(ای پیامبر!) بندگانم را خبر ده که یقیناً من آمرزندهٔ مهربانم. و این‌که عذاب من همان عذاب دردناک است!». دو صفت مذکور در مواضع متعددی به کثرت کنار هم قرار گرفته است تا بنده میان بیم و امید قرار داشته باشد. ابن کثیر: ۴/ ۷۱.

پرسش: چرا در این آیه و سایر آیات، دو صفت غفران و عقاب در کنار یکدیگر قرار گرفته‌اند؟

۵ ﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ﴾

انسانِ گناهکارِ توبه‌کننده را میان دو رحمت قرار داد: این‌که توبه‌اش پذیرفته می‌شود و آن را برایش طاعت به شمار می‌آورد، و این‌که به سبب توبه، گناهانی را که از آن‌ها توبه کرده و از ارتکاب‌شان پشیمان شده است محو می‌کند؛ گویی هرگز آن‌ها را انجام نداده است. این فضل و بخششی از جانب الله است. ابن عاشور: ۲۴/ ۸۰.

پرسش: چرا ﴿وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ﴾ بر ﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ﴾ عطف شد؟

۶ ﴿مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾

﴿فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾ الله تعالی می‌فرماید: ای محمد فعالیت و توقف و بقای آنان در شهرها با این‌که به پروردگارشان کفر می‌ورزند تو را نفریبد، یعنی گمان نکنی که آن‌ها به این دلیل که بر حق هستند مهلت یافته‌اند و در شهرها رفت و آمد و فعالیت می‌کنند و با وجود این‌که به الله کفر می‌ورزند به خشم و عذاب سریع گرفتار نیامده‌اند؛ ما بدین سبب به آنان مهلت نداده‌ایم، بلکه هدف آن است که حکم به سررسیدش برسد و سخن عذاب، یعنی عذاب پروردگارت بر آنان محقق گردد. طبری: ۲۱/ ۳۵۲.

پرسش: چرا با وجود این‌که کافران بر کفر اصرار می‌ورزند الله تعالی به آنان مهلت می‌دهد و از نعمت‌هایش بهره‌مند می‌گرداند؟

۷ ﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾

اگر سوال شود: چرا عبارت ﴿وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾ آمد در حالی که ایمانِ حاملانِ عرش و فرشتگانی که پیرامون آن قرار دارند مسلّم است؟ پاسخ این است که: این عبارت برای بیان فضیلت و برتری ایمان بیان شد. ابن جزی: ۲/ ۲۷۶.

پرسش: چرا عبارت ﴿وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾ در آیه بیان شد، با این‌که ایمان حاملان عرش امری مسلّم و قطعی است؟

وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ
رَبِّهِمۡۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ (٧٥)

سُورَةُ غَافِرٍ

بِسۡمِ ٱللَّهِ ٱلرَّحۡمَٰنِ ٱلرَّحِيمِ

حمٓ (١) تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ (٢) غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ
وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِۖ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ إِلَيۡهِ
ٱلۡمَصِيرُ (٣) مَا يُجَٰدِلُ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ إِلَّا ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ فَلَا يَغۡرُرۡكَ
تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ (٤) كَذَّبَتۡ قَبۡلَهُمۡ قَوۡمُ نُوحٖ وَٱلۡأَحۡزَابُ
مِنۢ بَعۡدِهِمۡۖ وَهَمَّتۡ كُلُّ أُمَّةِۭ بِرَسُولِهِمۡ لِيَأۡخُذُوهُۖ
وَجَٰدَلُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ فَأَخَذۡتُهُمۡۖ فَكَيۡفَ
كَانَ عِقَابِ (٥) وَكَذَٰلِكَ حَقَّتۡ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى ٱلَّذِينَ
كَفَرُوٓاْ أَنَّهُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ (٦) ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ
وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ وَيَسۡتَغۡفِرُونَ
لِلَّذِينَ ءَامَنُواْۖ رَبَّنَا وَسِعۡتَ كُلَّ شَيۡءٖ رَّحۡمَةٗ وَعِلۡمٗا فَٱغۡفِرۡ
لِلَّذِينَ تَابُواْ وَٱتَّبَعُواْ سَبِيلَكَ وَقِهِمۡ عَذَابَ ٱلۡجَحِيمِ (٧)

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
حَآفِّينَ	احاطه‌کنندگان.
وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّ	به عدالت میان مردم داوری می‌شود.
ذِي ٱلطَّوۡلِ	نعمت‌دهنده و بخشنده.
فَلَا يَغۡرُرۡكَ	تو را نفریبد.
لِيُدۡحِضُواْ	تا باطل کنند.
وَقِهِمۡ	آنان را دور نگه دار.

عمل به آیات

۱. بگو: «اللّٰهُمَّ أَحْسِنْ عاقِبَتِي فِي الْأُمُورِ كُلِّهَا، وَأَجِرْنِي مِنْ خِزْيِ الدُّنْيَا، وَعَذَابِ الْآخِرَةِ»؛ «یا الله! مرا در تمام امور عاقبت به‌خیر بگردان و از خواری دنیا و عذاب آخرت نجاتم بده»، ﴿وَتَرَى ٱلۡمَلَٰٓئِكَةَ حَآفِّينَ مِنۡ حَوۡلِ ٱلۡعَرۡشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡۖ وَقُضِيَ بَيۡنَهُم بِٱلۡحَقِّۚ وَقِيلَ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

۲. هر وقت عبارت ﴿غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ﴾ را خواندی بگو: ای بخشایندهٔ گناهان، گناهانم را ببخش و ای پذیرندهٔ توبه، توبه‌ام را بپذیر.

۳. کتابی در مورد صفات و تکالیف فرشتگان مطالعه کن، ﴿ٱلَّذِينَ يَحۡمِلُونَ ٱلۡعَرۡشَ وَمَنۡ حَوۡلَهُۥ يُسَبِّحُونَ بِحَمۡدِ رَبِّهِمۡ وَيُؤۡمِنُونَ بِهِۦ﴾

رهنمودها

۱. عظمت پروردگار در نام‌های نیکویش نمایان است: عزیز، علیم، غافر الذنب، قابل التوب، شدید العقاب، ذی الطول، ﴿تَنزِيلُ ٱلۡكِتَٰبِ مِنَ ٱللَّهِ ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡعَلِيمِ (٢) غَافِرِ ٱلذَّنۢبِ وَقَابِلِ ٱلتَّوۡبِ شَدِيدِ ٱلۡعِقَابِ ذِي ٱلطَّوۡلِ﴾

۲. برحذر باش از این‌که فریب ثروت دنیایی که به دشمنان اسلام داده شده است بخوری، ﴿فَلَا يَغۡرُرۡكَ تَقَلُّبُهُمۡ فِي ٱلۡبِلَٰدِ﴾

۳. به باطل مجادله نکن و تمام همت خویش را در راه حق به‌کار گیر، ﴿وَجَٰدَلُواْ بِٱلۡبَٰطِلِ لِيُدۡحِضُواْ بِهِ ٱلۡحَقَّ﴾

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٨)

رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ
مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ
ٱلۡحَكِيمُ ٨ وَقِهِمُ ٱلسَّيِّـَٔاتِۚ وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ
يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥۚ وَذَٰلِكَ هُوَ ٱلۡفَوۡزُ ٱلۡعَظِيمُ ٩ إِنَّ
ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ
أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ ١٠ قَالُواْ رَبَّنَآ
أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ
إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ ١١ ذَٰلِكُم بِأَنَّهُۥٓ إِذَا دُعِيَ ٱللَّهُ
وَحۡدَهُۥ كَفَرۡتُمۡ وَإِن يُشۡرَكۡ بِهِۦ تُؤۡمِنُواْۚ فَٱلۡحُكۡمُ لِلَّهِ
ٱلۡعَلِيِّ ٱلۡكَبِيرِ ١٢ هُوَ ٱلَّذِي يُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ وَيُنَزِّلُ لَكُم مِّنَ
ٱلسَّمَآءِ رِزۡقٗاۚ وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَن يُنِيبُ ١٣ فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ
مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ١٤ رَفِيعُ
ٱلدَّرَجَٰتِ ذُو ٱلۡعَرۡشِ يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ
مِنۡ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ ١٥ يَوۡمَ هُم بَٰرِزُونَۖ لَا يَخۡفَىٰ
عَلَى ٱللَّهِ مِنۡهُمۡ شَيۡءٞۚ لِّمَنِ ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَۖ لِلَّهِ ٱلۡوَٰحِدِ ٱلۡقَهَّارِ ١٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَمَقۡتُ ٱللَّهِ	مقت: بغض شدید.
يُنِيبُ	به طاعت الله بازمی‌گردد.
يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ	روزی که پیشینیان و پسینیان [= همگی] به هم می‌رسند.
بَٰرِزُونَ	در برابر پروردگارشان آشکار می‌شوند.

عمل به آیات

۱. برادران و خانواده‌ات را به نماز امر کن؛ امید است همراه تو در بهشت باشند، ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

۲. با اقتدا به فرشتگان، همان‌گونه که برای خودت دعا می‌کنی برای سایر مومنان نیز دعا کن، ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ﴾

۳. برخی از گناهان و عیب‌هایت را مشخص کن، سپس از الله تعالی بخواه آن‌ها را ببخشد قبل از این‌که در روز قیامت اعتراف کنی اما سودی به حالت نداشته باشد، ﴿فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ﴾

رهنمودها

۱. سعید بن جبیر می‌گوید: مومن وقتی وارد بهشت شود در مورد پدر و فرزند و برادرش می‌پرسد که کجا هستند؟ به او گفته می‌شود: آنان از نظر اعمال، به مرتبهٔ تو نرسیده‌اند. می‌گوید: من برای خودم و آنان عمل کردم. آن‌گاه به درجهٔ او ملحق می‌شوند. سعید بن جبیر آن‌گاه این آیه را تلاوت کرد: ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

۲. بزرگ‌ترین رحمت الله به بنده این است که او را از پیامدهای گناهان حفظ کند، ﴿وَمَن تَقِ ٱلسَّيِّـَٔاتِ يَوۡمَئِذٖ فَقَدۡ رَحِمۡتَهُۥ﴾

۳. هر گاه کاری انجام دادی که الله را خشنود می‌کند و کافران بر تو خشم می‌گیرند، به خشم آنان اهمیت نده، ﴿فَٱدۡعُواْ ٱللَّهَ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَ وَلَوۡ كَرِهَ ٱلۡكَٰفِرُونَ﴾

ترجمه آیات

پروردگارا، آنان و پدران [و مادران] و همسران و فرزندان صالحشان را در باغ‌های جاودان بهشت که وعده داده‌ای، داخل کن، که بی‌تردید، تو شکست‌ناپذیر و حکیمی. (۸) [بار الها،] آنان را از [کیفرِ] بدی‌ها حفظ کن؛ و قطعاً هر کس را که در آن روز از [کیفرِ] بدی‌ها نگاه داری، مشمول رحمتت قرار داده‌ای. این، همان کامیابی بزرگ است». (۹) [در دوزخ] به کافران ندا می‌دهند که: «دشمنی و خشم الله، سخت‌تر از دشمنی و خشم شما نسبت به خودتان است؛ چرا که به ایمان دعوت می‌شدید، ولی [با دشمنی نسبت به خود، عقیدهٔ توحیدی را] انکار می‌کردید». (۱۰) آنان [در پاسخ] می‌گویند: «پروردگارا، ما را دوبار میراندی و دو بار زنده کردی؛ پس [اکنون که] به گناهان خود اعتراف کردیم، آیا راهی برای خروج [از دوزخ] وجود دارد؟» (۱۱) [به آنان گفته می‌شود:] «این [عذاب] به سبب آن است که چون الله به یگانگی خوانده می‌شد، انکار می‌کردید؛ ولی اگر به او شرک آورده می‌شد ایمان می‌آوردید. [اکنون] داوری از آن الله بلندمرتبهٔ بزرگ است. (۱۲) او همان ذاتی است که نشانه‌های [توان و تدبیر] خود را به شما ارائه می‌دهد و [با نزول باران] از آسمان روزی برایتان می‌فرستد؛ ولی تنها کسانی پند می‌گیرند که [خالصانه به درگاه الهی] توبه کنند. (۱۳) [ای مردم! تنها] الله را با خلوصِ اعتقاد بخوانید؛ هر چند کافران خوششان نیاید. (۱۴) او دارای درجات رفیع و صاحبِ عرش است؛ و به سوی هر یک از بندگانش که بخواهد، به فرمان خویش وحی می‌فرستد تا دربارهٔ روز ملاقات [به آنان] هشدار دهد. (۱۵) روزی که مردم حاضر و نمایان می‌شوند و چیزی از آنان بر الله پوشیده نخواهد ماند، [الله می‌فرماید:] «امروز فرمانروایی از آنِ کیست؟» [آنگاه خود می‌فرماید:] «از آنِ الله یگانه پیروزمند». (۱۶)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡۚ إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

اشاره دارد به این‌که انسان از بودن با همسر و فرزند و دوستش لذت می‌برد و پیوستن با آن‌ها، خیری است که افزون بر عمل خودش برای او حاصل می‌شود، چنان‌که فرشتگان برای مومنان و پدران و همسران و فرزندان صالح آنان دعا می‌کنند. سعدی: ۷۳۳.

پرسش: آیه به همنشینی با صالحان تشویق کرده است. این مطلب را توضیح دهید.

❷ ﴿رَبَّنَا وَأَدۡخِلۡهُمۡ جَنَّٰتِ عَدۡنٍ ٱلَّتِي وَعَدتَّهُمۡ وَمَن صَلَحَ مِنۡ ءَابَآئِهِمۡ وَأَزۡوَٰجِهِمۡ وَذُرِّيَّٰتِهِمۡ﴾

یعنی اینان را با آنان یکجا جمع کن؛ تا به سبب اجتماع در منازلی نزدیک به هم چشم‌شان روشن شود. ابن کثیر: ۴/ ۷۴.

پرسش: چرا در آیه فقط پدران و همسران و فرزندان بیان شدند؟

❸ ﴿إِنَّكَ أَنتَ ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾

﴿ٱلۡعَزِيزُ﴾: چیره بر همه‌چیز؛ به عزت خویش گناهان‌شان را می‌بخشی و ترس و گرفتاری‌ها را از آنان برمی‌داری و آنان را به سوی تمام خوبی‌ها سوق می‌دهی. ﴿ٱلۡحَكِيمُ﴾: ذاتی که هر چیزی را در سر جای خودش قرار می‌دهد؛ بنابراین ای پروردگار ما! چیزی را که حکمت تو مخالف آن باشد از تو نمی‌خواهیم و آمرزش مومنان، یکی از مظاهر حکمت توست که بر زبان رسولانت از آن خبر دادی و فضل و بخشش تو نیز این امر را می‌طلبد. سعدی: ۷۳۲.

پرسش: چرا دعای فرشتگان با دو صفت ﴿ٱلۡعَزِيزُ ٱلۡحَكِيمُ﴾ پایان می‌یابد؟

❹ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ يُنَادَوۡنَ لَمَقۡتُ ٱللَّهِ أَكۡبَرُ مِن مَّقۡتِكُمۡ أَنفُسَكُمۡ إِذۡ تُدۡعَوۡنَ إِلَى ٱلۡإِيمَٰنِ فَتَكۡفُرُونَ﴾

﴿مَقۡت﴾: کینهٔ شدیدی است که بر اثر گناه یا عیب ایجاد می‌شود. کافران هنگام ورود به جهنم این حالت را دارند؛ یعنی هنگامی که وارد جهنم می‌شوند نسبت به یکدیگر کینه و دشمنی به دل می‌گیرند، و نیز احتمال دارد هر کدام دشمن خودش شود؛ بنابراین فرشتگان این‌گونه بر آنان ندا می‌زنند: خشم الله از شما در دنیا به سبب کفرتان بزرگ‌تر است از عداوتی که امروز بر خودتان دارید. ابن جزی: ۲/ ۲۷۷.

پرسش: کافران چگونه در جهنم دشمن خودشان می‌شوند؟

❺ ﴿قَالُواْ رَبَّنَآ أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ فَٱعۡتَرَفۡنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلۡ إِلَىٰ خُرُوجٖ مِّن سَبِيلٖ﴾

﴿أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ﴾: اقرار به رستاخیز با کامل‌ترین وجه است، امید دارند از کینه‌ای که الله بر آنان گرفته است خارج شوند؛ آنان به اسلام فرا خوانده می‌شدند اما کفر می‌ورزیدند... اگر سؤال شود: این سخن‌شان که می‌گویند ﴿أَمَتَّنَا ٱثۡنَتَيۡنِ وَأَحۡيَيۡتَنَا ٱثۡنَتَيۡنِ﴾ چگونه سبب اعتراف آنان به گناهان است؟ پاسخ این است که: آنان به رستاخیز کافر بودند، اما وقتی ببینند که مُردن و زنده‌شدن بر آنان تکرار شده است، می‌دانند که الله تعالی بر رستاخیز تواناست؛ پس به گناهان‌شان اعتراف می‌کنند. منظور از این گناهان، انکار رستاخیز و گناهانی است که به سبب این انکار مرتکب شده‌اند؛ زیرا کسی که به آخرت ایمان نداشته باشد، بر انجام سایر گناهان نیز گستاخ می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۲۷۸.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که اعتقاد فاسد، سبب ارتکاب گناهان است.

❻ ﴿يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ﴾

﴿يُلۡقِي ٱلرُّوحَ﴾: وحی را می‌فرستد. وحی به این دلیل روح نامیده شد که دل‌ها با آن زنده می‌شوند. بغوی: ۴/ ۳۸.

پرسش: چرا وحی، روح نامیده شد؟

❼ ﴿يُلۡقِي ٱلرُّوحَ مِنۡ أَمۡرِهِۦ عَلَىٰ مَن يَشَآءُ مِنۡ عِبَادِهِۦ لِيُنذِرَ يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ﴾

﴿يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ﴾ یعنی: روز قیامت؛ چون مخلوقات در این روز با یکدیگر دیدار می‌کنند. بنابر قولی: ساکنان آسمان‌ها و زمین با یکدیگر دیدار می‌کنند. بنابر قولی دیگر: مخلوقات با پروردگارشان دیدار می‌کنند. ابن جزی: ۲/ ۲۷۸.

پرسش: ﴿يَوۡمَ ٱلتَّلَاقِ﴾ چیست؟ و چرا با این عنوان نامیده شد؟

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٦٩)

ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ
ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ ﴿١٧﴾ وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ
لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَۚ مَا لِلظَّٰلِمِينَ مِنۡ حَمِيمٖ وَلَا شَفِيعٖ
يُطَاعُ ﴿١٨﴾ يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ ﴿١٩﴾ وَٱللَّهُ
يَقۡضِي بِٱلۡحَقِّۖ وَٱلَّذِينَ يَدۡعُونَ مِن دُونِهِۦ لَا يَقۡضُونَ
بِشَيۡءٍۗ إِنَّ ٱللَّهَ هُوَ ٱلسَّمِيعُ ٱلۡبَصِيرُ ﴿٢٠﴾ ۞أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي
ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡۚ
كَانُواْ هُمۡ أَشَدَّ مِنۡهُمۡ قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُ
بِذُنُوبِهِمۡ وَمَا كَانَ لَهُم مِّنَ ٱللَّهِ مِن وَاقٖ ﴿٢١﴾ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمۡ
كَانَت تَّأۡتِيهِمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَكَفَرُواْ فَأَخَذَهُمُ ٱللَّهُۚ
إِنَّهُۥ قَوِيّٞ شَدِيدُ ٱلۡعِقَابِ ﴿٢٢﴾ وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا
وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ ﴿٢٣﴾ إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ
فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ
عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ
نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ ﴿٢٥﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ	روز نزدیک قیامت.
لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ	دل‌های‌شان از شدت اندوه به گلو می‌رسد.
كَٰظِمِينَ	سرشار از غم و اندوه.
خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ	نگاه‌های دزدانه به آن‌چه حلال نیست.
وَاقٖ	دفع‌کننده.

عمل به آیات

۱. از کسی که به او ستم کرده‌ای طلب بخشش کن یا پنهانی برایش دعا کن و از گناهت آمرزش بخواه، ﴿ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡۚ لَا ظُلۡمَ ٱلۡيَوۡمَۚ إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

۲. قلبت را پاکیزه نگاه دار و در خیابان یا بازار یا موبایل یا کامپیوتر نگاه حرام نینداز، ﴿يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾

۳. لحظاتی را که در غفلت یا گناه سپری کرده‌ای به یاد آور و همان اندازه به آیات قرآن نظر بینداز، چون نیکی‌ها بدی‌ها را از بین می‌برند، ﴿يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾

رهنمودها

۱. هیچ‌کس در روز قیامت مورد ستم قرار نمی‌گیرد، به این نحو که بر بدی‌هایش افزوده شود یا از نیکی‌هایش بکاهند، ﴿ٱلۡيَوۡمَ تُجۡزَىٰ كُلُّ نَفۡسِۭ بِمَا كَسَبَتۡ﴾

۲. روز قیامت دل‌ها بر اثر هول و هراس زیاد به گلو می‌رسند، ﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ كَٰظِمِينَ﴾

۳. مردم برای سرگرمی و گذرانیدن اوقات فراغت از آثار امت‌های گذشته بازدید می‌کنند و غافلند از این‌که الله دستور داده که در عذاب آنان بیندیشند، ﴿أَوَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ مِن قَبۡلِهِمۡ﴾

ترجمه آیات

امروز هر کس در برابر آنچه کرده است، پاداش داده می‌شود و هیچ ستمی در میان نیست. بی‌گمان، الله در حسابرسی سریع است. (۱۷) در مورد روز قیامت [که بسیار نزدیک است] به آنان هشدار بده؛ آنگاه که جان‌ها [از شدت وحشت] به گلوگاه می‌رسد، در حالی که سرشار از اندوه شده‌اند. [در آن روز،] ستمگران نه دوستی مهربان دارند و نه شفیعی که سخنش پذیرفته شود. (۱۸) [الله] حرکات شرورانهٔ چشم‌ها و آنچه را که در دل‌های افراد نهفته است، [به خوبی] می‌داند. (۱۹) الله به عدالت داوری می‌کند؛ و معبودانی که [مشرکان] به جای الله عبادت می‌کنند، هیچ گونه [حق] داوری ندارند. به راستی که الله شنوای بیناست. (۲۰) آیا مشرکان در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آن اقوام گذشته، نیرومندتر از اینها بودند و آثار و بناهای [استوارتر و] بیشتری در زمین پدید آوردند؛ اما الله آنان را به [سبب] گناهانشان عذاب کرد، در حالی که در برابرِ [عذاب] الله، هیچ [یار و] مدافعی نداشتند. (۲۱) این [کیفر] به سبب آن بود که پیامبرانشان نشانه‌های روشن برایشان ارائه می‌کردند، ولی آنان انکار می‌ورزیدند و الله [نیز] آنان را عذاب کرد. بی‌گمان، او توانمندی سخت‌کیفر است. (۲۲) ما موسی را با معجزاتِ خود و دلیلی قاطع فرستادیم. (۲۳) به سوی فرعون و هامان و قارون؛ ولی [آنان] گفتند: «[او] جادوگری دروغگوست». (۲۴) اما هنگامی که موسی، معجزات الهی و دلایل محکم را از جانب ما بر آنان ارائه کرد، [فرعون و یارانش سرکشی کردند و] گفتند: «پسران کسانی را که به موسی ایمان آورده‌اند، بکشید و زنانشان را [برای کنیزی] زنده نگاه دارید»؛ و[لی] نیرنگ کافران، محکوم به فناست. (۲۵)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿إِنَّ ٱللَّهَ سَرِيعُ ٱلۡحِسَابِ﴾

ذات دانایی که هیچ‌چیز بر او پوشیده نباشد، جزای هیچ‌کس را به سبب پرداختن به دیگری به تاخیر نمی‌اندازد؛ و همان‌گونه که در یک لحظه به همگی روزی می‌رساند، در یک لحظه به حساب همه می‌پردازد. قرطبی: ۱۸/ ۳۴۱.

پرسش: عظمت الله تعالی در حسابرسی سریع بندگانش را توضیح دهید.

۲ ﴿وَأَنذِرۡهُمۡ يَوۡمَ ٱلۡأٓزِفَةِ إِذِ ٱلۡقُلُوبُ لَدَى ٱلۡحَنَاجِرِ﴾

روز قیامت به این سبب که نزدیک است ﴿ٱلۡأٓزِفَةِ﴾ نامیده شد؛ زیرا هر آن‌چه آمدنی باشد نزدیک است... ؛ دل‌ها بر اثر ترس از جای خود کنده می‌شوند تا این‌که به گلو می‌رسند؛ آن‌گاه نه به مکانش بازمی‌گردد و نه از دهان خارج می‌شود تا بمیرند و آسوده شوند. بغوی: ۴/ ۳۹.

پرسش: چرا روز قیامت ﴿ٱلۡأٓزِفَةِ﴾ نامیده شد؟ دل‌ها چگونه در گلو قرار می‌گیرد؟

۳ ﴿يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾

الله عزوجل از علم کامل و فراگیر خویش بر تمام اشیای بزرگ و کوچک و ارزشمند و ناچیز خبر می‌دهد؛ تا مردم بدانند الله آگاهی کامل به آنان دارد، در نتیجه آن‌گونه که سزاوار او تعالی است از او حیا کنند و تقوایش را برپا دارند و مانند کسی که می‌داند الله او را می‌بیند از او تعالی بترسد. ابن کثیر: ۴/ ۷۷.

پرسش: ثمرهٔ عملی آیه چیست؟

۴ ﴿يَعۡلَمُ خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: مردی است که همراه گروهی می‌نشیند، آن‌گاه زنی از آن‌جا عبور می‌کند و آن مرد مترصد است تا زیرچشمی و به‌گونه‌ای که دیگران نفهمند به آن زن نگاه کند. همچنین از وی روایت شده است که: مردی است که به زنان نگاه می‌کند، اما وقتی دوستانش به او بنگرند نگاهش را بازمی‌گرداند و به محض این‌که دوستانش به او توجه نکنند دوباره نگاه می‌اندازد و این امر تکرار می‌شود، الله می‌داند که او دوست دارد کاش می‌توانست به عورت آن زن نگاه کند... ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: ﴿وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾ یعنی: آیا اگر با زن تنها باشد با او زنا می‌کند یا نه؟ قرطبی: ۱۸/ ۳۴۳.

پرسش: منظور از ﴿خَآئِنَةَ ٱلۡأَعۡيُنِ﴾ و ﴿وَمَا تُخۡفِي ٱلصُّدُورُ﴾ چیست؟

۵ ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا مُوسَىٰ بِـَٔايَٰتِنَا وَسُلۡطَٰنٖ مُّبِينٍ﴾

الله تعالی قصهٔ موسی علیه السلام و فرعون را برای رسولش حکایت کرد تا به او دلداری و صبر دهد و بفماند که مصیبت هر اندازه شدت یابد گشایش را در پی دارد و این‌که الله در برابر قومش به او یاری می‌رساند؛ چنان‌که موسی علیه السلام را بر فرعون و قومش پیروز کرد. جزائری: ۴/ ۵۲۷.

پرسش: قصهٔ موسی علیه السلام و فرعون چه رابطه‌ای با آیات قبلی دارد؟

۶ ﴿إِلَىٰ فِرۡعَوۡنَ وَهَٰمَٰنَ وَقَٰرُونَ فَقَالُواْ سَٰحِرٞ كَذَّابٞ ﴿٢٤﴾ فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ﴾

فرعون و هامان و قارون بر این نظر متفق شدند که پسران و جوانان و افراد نیرومند بنی‌اسرائیل که پیرو موسی علیه السلام هستند به قتل برسند و زنان‌شان برای خدمت و بردگی زنده نگاه داشته شوند... عبارت ﴿وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ﴾ دلالت دارد بر این‌که الله تعالی این سه نفر را بر قتل هیچ یک از افراد بنی‌اسرائیل موفق نکرد و نیازشان برآورده نشد بلکه تلاش و نیرنگ‌شان را باطل کرد. ابن عطیه: ۴/ ۵۵۴.

پرسش: بر اساس دو آیهٔ فوق توضیح دهید که ارادهٔ الله بالاتر از ارادهٔ پادشاهان قرار دارد؟

۷ ﴿فَلَمَّا جَآءَهُم بِٱلۡحَقِّ مِنۡ عِندِنَا قَالُواْ ٱقۡتُلُوٓاْ أَبۡنَآءَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ مَعَهُۥ وَٱسۡتَحۡيُواْ نِسَآءَهُمۡۚ وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ﴾

این موضوع به کثرت در قرآن مشاهده می‌شود که: وقتی در مورد قصه‌ای یا امر معینی سخن گفته می‌شود و الله حکمی عام که مختص این قصه یا امر معین نباشد اراده می‌کند، حکم را معلق به صفت عام بیان می‌دارد تا اعم از موضوعی باشد که سیاق در مورد آن سخن می‌گوید و نیز این ابهام که حکم به آن موضوعِ مشخص اختصاص دارد دفع شود؛ بنابراین نفرمود: «وما كيدهم إلا في ضلال» بلکه می‌فرماید: ﴿وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٖ﴾. سعدی: ۷۳۶.

پرسش: چرا آیه با عبارت عام ﴿وَمَا كَيۡدُ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾ به پایان رسید نه با عبارت «وما كيد فرعون» یا «وما كيدهم»؟

وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ
أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ ٢٦
وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ
بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ ٢٧ وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ
يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ
جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡۖ وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ
كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡۖ
إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ ٢٨ يَٰقَوۡمِ لَكُمُ
ٱلۡمُلۡكُ ٱلۡيَوۡمَ ظَٰهِرِينَ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَن يَنصُرُنَا مِنۢ بَأۡسِ ٱللَّهِ
إِن جَآءَنَاۚ قَالَ فِرۡعَوۡنُ مَآ أُرِيكُمۡ إِلَّا مَآ أَرَىٰ وَمَآ أَهۡدِيكُمۡ
إِلَّا سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ٢٩ وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ
عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ ٣٠ مِثۡلَ دَأۡبِ قَوۡمِ نُوحٖ وَعَادٖ
وَثَمُودَ وَٱلَّذِينَ مِنۢ بَعۡدِهِمۡۚ وَمَا ٱللَّهُ يُرِيدُ ظُلۡمٗا لِّلۡعِبَادِ ٣١
وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ ٣٢ يَوۡمَ تُوَلُّونَ مُدۡبِرِينَ
مَا لَكُم مِّنَ ٱللَّهِ مِنۡ عَاصِمٖۗ وَمَن يُضۡلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُۥ مِنۡ هَادٖ ٣٣

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عُذۡتُ	پناه بردم.
ظَٰهِرِينَ	چیره و قوی.
يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ	روز قیامت که مردم یکدیگر را صدا می‌زنند.
مُدۡبِرِينَ	فرار کننده.
عَاصِمٖ	مانعی که شما را بازمی‌دارد.

عمل به آیات

۱. هر گاه از جنایتکاری ترسیدی بگو: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَدْرَأُ بِكَ فِي نُحُورِهِمْ وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شُرُورِهِمْ»؛ «یا الله! با پناه آوردن به تو آنان را از خود دفع می‌کنیم و از شرارت‌های‌شان به تو پناه می‌بریم»، ﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ﴾

۲. با اقتدا به مومنِ خاندان فرعون، از علما و دعوتگرانی که مورد تمسخر افراد نادان قرار می‌گیرند دفاع کن، ﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡ﴾

۳. از اسراف و دروغ و تکبر به الله پناه ببر، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ﴾

رهنمودها

۱. عمل انسان، نشانهٔ راستی یا دروغگویی‌اش است، ﴿إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ﴾

۲. الله سبحانه پناهگاه مومنان در برابر تمام ترس‌هاست، ﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ﴾

۳. دورترین مردم از هدایت کسی است که در گناهان زیاده‌روی کند سپس به دروغ ادعا کند که الله تعالی او را بر این امور دستور داده است، ﴿إِنَّ ٱللَّهَ لَا يَهۡدِي مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ كَذَّابٞ﴾

ترجمه آیات

فرعون گفت: «بگذارید موسی را بکشم؛ و [چون کسی را ندارد،] ناگزیر است پروردگارش را به یاری بخواند [و من از وی هراسی ندارم]. می‌ترسم که او دینتان را دگرگون سازد یا در این سرزمین تباهی به بار آورد». (۲۶) موسی گفت: «من از [شر] هر متکبری که به روز حساب باور ندارد، به پروردگار خویش و پروردگار شما پناه می‌برم». (۲۷) و مرد مؤمنی از خانوادهٔ فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت، گفت: «آیا می‌خواهید این مرد را [فقط به این جرم] بکشید که می‌گوید: "پروردگارم الله است" و [در تأیید سخنش نیز] دلایل روشنی از سوی پروردگارتان برای شما آورده است؟ اگر دروغگو باشد، [گناه] دروغش بر عهدهٔ خودِ اوست؛ و اگر راست گفته باشد، [دست‌کم] برخی از عذاب‌هایی که وعده می‌دهد، به شما خواهد رسید. بی‌تردید، الله، کسی را که اسرافکار و دروغگوست، هدایت نمی‌کند. (۲۸) ای قوم من، امروز فرمانروایی در اختیار شماست [و] در این سرزمین سُلطه دارید؛ ولی اگر سختگیریِ الله دامنگیرمان شود، چه کسی ما را یاری خواهد کرد؟» فرعون گفت: «من فقط آنچه را صلاح می‌دانم می‌گویم و شما را به راه راست هدایت می‌کنم». (۲۹) آن مرد مؤمن گفت: «ای قوم من، می‌ترسم عذابی همچون عذاب اقوام پیشین [که از پیامبرانشان سرپیچی کردند] بر سرتان بیاید؛ (۳۰) مانند شیوهٔ [عذاب] قوم نوح و عاد و ثمود و کسانی که بعد از آنان بودند؛ در حالی که الله ستمی برای بندگانش نمی‌خواهد. (۳۱) و ای قوم من، از روزی بر شما می‌ترسم که مردم به فریاد از یکدیگر یاری می‌خواهند. (۳۲) [همان] روزی که همگی [از ترس] به عقب بازمی‌گردید و در برابر [مجازاتِ] الله، هیچ محافظی ندارید؛ و هر کس که الله او را گمراه کند، هیچ هدایتگری نخواهد داشت. (۳۳)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ ذَرُونِيٓ أَقۡتُلۡ مُوسَىٰ وَلۡيَدۡعُ رَبَّهُۥٓۖ إِنِّيٓ أَخَافُ أَن يُبَدِّلَ دِينَكُمۡ أَوۡ أَن يُظۡهِرَ فِي ٱلۡأَرۡضِ ٱلۡفَسَادَ﴾

غرور و کوته‌فکری فرعون باعث شد گمان کند هر آن‌چه مخالف دین او باشد فاسد است. آنان هیچ دلیلی بر دین‌شان نداشتند جز عادت و بهره‌مندی در دنیا. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۲۵.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که آداب و رسوم آبا و اجدادی اگر فاسد باشد، مانع هدایت قرار می‌گیرند.

۲ ﴿وَقَالَ مُوسَىٰٓ إِنِّي عُذۡتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُم مِّن كُلِّ مُتَكَبِّرٖ لَّا يُؤۡمِنُ بِيَوۡمِ ٱلۡحِسَابِ﴾

کسی که به روز حساب ایمان نیاورَد و آن را تصدیق نکند، به پاداش اعمال نیک امید ندارد و از کیفر اعمال بد و ناپسندی که مرتکب می‌شود نمی‌ترسد. طبری: ۲۱/ ۳۷۵.

پرسش: چرا موسی عليه السلام از کسانی که به روز حساب ایمان نمی‌آورند به الله پناه برد؟

۳ ﴿وَقَالَ رَجُلٞ مُّؤۡمِنٞ مِّنۡ ءَالِ فِرۡعَوۡنَ يَكۡتُمُ إِيمَٰنَهُۥٓ أَتَقۡتُلُونَ رَجُلًا أَن يَقُولَ رَبِّيَ ٱللَّهُ وَقَدۡ جَآءَكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ مِن رَّبِّكُمۡ﴾

الله مرد مومن خاندان فرعون را که ایمانش را کتمان می‌کرد ستوده است، چنان‌که او را در کتابش ذکر کرده و در مصاحف از او نام برده شده است به سبب سخنی که در یکی از مجالس کفر به زبان آورد. این کجا و عمر بن خطاب رضي الله عنه کجا که در مکه شمشیرش را کشید و گفت: «سوگند به الله که از امروز به بعد آشکارا به عبادت الله می‌پردازم». ابن عطیه: ۴/ ۵۵.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر فضایل صحابه را بیان کنید.

۴ ﴿وَإِن يَكُ كَٰذِبٗا فَعَلَيۡهِ كَذِبُهُۥۖ وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡ﴾

این سخن به سبب شک و تردید مرد مومن در رسالت و راستی موسی عليه السلام صادر نشد، بلکه خواست دیگران به سخن او توجه کنند و آسیبی به او نرسانند. قرطبی: ۱۸/ ۳۴۸- ۳۴۹.

پرسش: آیا سخن مومنِ خاندان فرعون به این دلیل بود که به راستی موسی عليه السلام شک داشت؟ چه ادبی از این اسلوب می‌آموزیم؟

۵ ﴿وَإِن يَكُ صَادِقٗا يُصِبۡكُم بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡ﴾

با وجود این‌که تمام عذابی را که موسی عليه السلام به آنان وعده می‌دهد به آنان خواهد رسید، مرد مومن به این دلیل ﴿بَعۡضُ﴾ گفت و نه (کُلّ)؛ که به نرمی با آنان سخن گفته باشد و در موضع دفاع از موسی عليه السلام قرار نگیرد و خیرخواهی برای فرعون و قومش را آشکار کند، به این امید که حق را بپذیرند. ابن جزی: ۲/ ۲۸۰.

پرسش: چرا مومنِ خاندانِ فرعون گفت (﴿بَعۡضُ ٱلَّذِي يَعِدُكُمۡ﴾؛ برخی از آن‌چه به شما وعده می‌دهد) در حالی که تمام آن‌چه را موسی عليه السلام وعده داده بود به آنان خواهد رسید؟

۶ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُم مِّثۡلَ يَوۡمِ ٱلۡأَحۡزَابِ﴾

با تکرار دعوت قومش، بدون این‌که از هدایت‌شان نومید شود، همانند دعوتگران به سوی الله، که پیوسته به سوی پرودگارشان دعوت می‌دهند و هیچ‌چیز مانع آنان از انجام این کار نمی‌شود، و تکبر و نافرمانیِ شخصی که مورد دعوت قرار می‌گیرد، آنان را از تکرار دعوت بازنمی‌دارد. سعدی: ۷۳۷.

پرسش: راهنمایی بزرگی برای دعوتگران به سوی الله پس از نومیدی وجود دارد. این راهنمایی را با توجه به آیه بیان کنید.

۷ ﴿وَيَٰقَوۡمِ إِنِّيٓ أَخَافُ عَلَيۡكُمۡ يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ﴾

روز قیامت تمام مردم به همراه پیشوای‌شان خوانده می‌شوند و یکدیگر را صدا می‌زنند؛ یعنی بهشتیان جهنمیان و جهنمیان بهشتیان را صدا می‌زنند و اصحاب اعراف ندا می‌زنند، و به خوشبختی و بدبختی ندا زده می‌شود: فلانی پسر فلانی به چنان سعادتی دست یافته که پس از آن هرگز بدبخت نخواهد شد و فلانی فرزند فلانی به چنان بدبختی‌ای گرفتار شده است که بعد از آن هرگز خوشبخت نخواهد شد. نیز هنگامی که مرگ ذبح می‌شود ندا زده می‌شود: ای بهشتیان همیشه زنده هستید و دیگر نمی‌میرید، و ای جهنمیان همیشه زنده هستید و دیگر نمی‌میرید. بغوی: ۴/ ۴۲.

پرسش: چرا روز قیامت ﴿يَوۡمَ ٱلتَّنَادِ﴾ نامیده شد؟

ترجمه آیات

پیش از این نیز یوسف با دلایل روشن نزدتان آمد؛ اما شما از آنچه برایتان آورده بود پیوسته در شک بودید، تا زمانی که از دنیا رفت [و بر تردیدتان افزوده شد]؛ آنگاه گفتید: «الله هرگز پس از وی پیامبری را مبعوث نخواهد کرد». الله، اسرافکارِ بدگمان را این‌گونه گمراه می‌سازد. (۳۴) کسانی که در مورد آیات الهی ـ بدون اینکه دلیلی داشته باشند ـ به مجادله برمی‌خیزند، [رفتارشان] نزد الله و مؤمنین، سخت ناپسند است. الله این‌گونه بر دل هر متکبرِ خودکامه‌ای مهر [غفلت] می‌نهد». (۳۵) فرعون [به وزیرش] گفت: «ای هامان، بنای بلندی برایم بساز؛ شاید به راه‌هایی برسم؛ (۳۶) راه‌هایی در آسمان‌ها [که مرا تا عرش الهی ببرد] تا به معبود موسی بنگرم [و از او آگاه شوم]؛ هر چند که من قطعاً او را دروغگو می‌پندارم». این‌گونه، زشتیِ کردارِ فرعون، [در نظرش] آراسته گشت و از راه [حق] بازماند؛ و نیرنگ فرعون، به زیان و تباهی انجامید. (۳۷) آن مرد مؤمن گفت: «ای قوم من، از من پیروی کنید تا شما را به راه راست هدایت کنم. (۳۸) ای قوم من، این زندگی دنیا، بهره‌ای [اندک و زودگذر] است؛ و آخرت، سرای جاودان است. (۳۹) هر کس کار بدی مرتکب شود، به تناسبِ آن کیفر خواهد دید؛ و مردان و زنان مؤمن و نیکوکار، به بهشت وارد می‌شوند و در آنجا از نعمتِ بی‌شمار برخوردار خواهند شد. (۴۰)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَلَقَدۡ جَآءَكُمۡ يُوسُفُ مِن قَبۡلُ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلۡتُمۡ فِي شَكّٖ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلۡتُمۡ لَن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ مِنۢ بَعۡدِهِۦ رَسُولٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ مُّرۡتَابٌ﴾

دانست که پند و نصیحت، فایدهٔ اندکی در آنان دارد و بر تکذیب موسی مصمم هستند؛ بنابراین آنان را در قبال رفتارهای گذشته سرزنش کرد و برای‌شان یادآوری نمود از نسل مردمی هستند که یوسف را وقتی که دلایل روشن نزدشان آورد تکذیب کردند؛ یعنی تکذیب هدایتگران به سوی حق... در میان گذشتگان‌شان معروف است و خوی و خصلت آنان شده است. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۳۸.

پرسش: آیه چه ارتباطی با آیات گذشته دارد؟

۲ ﴿كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ﴾

و بندگان مومن نیز به سبب موافقت با پروردگارشان، به شدت بر این کار خشم می‌گیرند و آن را ناپسند می‌دانند. اینان مخلوقات برگزیدهٔ الله تعالی هستند؛ بنابراین خشم آنان، بر ناپسندی کسی که مورد خشم قرار گرفته است دلالت می‌کند. سعدی: ۷۳۸.

پرسش: هر کس که علما و صالحان بر او خشم گیرند، شرایط مناسبی ندارد و باید گذشته‌اش را جبران کند. این مطلب را بر اساس آیه توضیح دهید.

۳ ﴿أَسۡبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗا﴾

فرعون وقتی در حضور سران قومش گفت ﴿فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ﴾ کلامش اقرار به معبود موسی را تقاضا می‌کرد، بنابراین این‌گونه از سخنش بازگشت: ﴿وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗا﴾. ابن عطیه: ۴/ ۵۶۰.

پرسش: چه ارتباطی میان ابتدای آیه و عبارت ﴿وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗا﴾ وجود دارد؟

۴ ﴿أَسۡبَٰبَ ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗاۚ وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِۚ وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ﴾

فرعون جملهٔ ﴿وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗا﴾ را به این دلیل گفت تا هامان و قومش گمان کنند دعوت موسی عليه السلام، یقین او به دین و معبودانش را سست کرده است و می‌خواهد در ادلهٔ معرفت جستجو و درنگ کند، پس تاکید کرد که قصدش از انجام این کار فقط آن است که ادعای موسی عليه السلام را با دلیل حسی نفی کند. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۴۷.

پرسش: احتیاط فرعون با گفتن ﴿وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗا﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

۵ ﴿وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ﴾

این کار بدین سبب ﴿كَيۡد﴾ نامیده شد که ظاهر امر مراد نبود، بلکه فرعون خواست این گمان را در ذهن قومش بیفکند که موسی عليه السلام دروغ می‌گوید. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۴۸.

پرسش: چرا ساختن کاخ که فرعون به آن دستور داد ﴿كَيۡد﴾ نامیده شد؟

۶ ﴿وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ﴾

نیرنگ فرعون برای اطلاع از معبود موسی، جز ضرر و زیان و اتلاف مال نبود؛ زیرا مالی را که برای ساختن قصر هزینه کرد باطل شد و هرگز به مرادش نرسید و این امر، عین زیان و تباهی است. طبری: ۲۱/ ۳۸۸.

پرسش: ﴿تَبَاب﴾ به چه معناست؟ و چرا در مورد نیرنگ فرعون گفته شد که در ﴿تَبَاب﴾ است؟

۷ ﴿يَٰقَوۡمِ إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ﴾

یعنی: اندکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد، سپس زایل می‌شود و از بین می‌رود. ﴿وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ دَارُ ٱلۡقَرَارِ﴾ یعنی: سرای سکونت و جاودانگی. بهشت و جهنم منظور هستند؛ چون هرگز از بین نمی‌روند. قرطبی: ۱۸/ ۳۶۱.

پرسش: مرد مؤمن چگونه با بیان حقیقت دنیا و آخرت، آنان را به سوی الله تعالی دعوت داد؟

وَلَقَدۡ جَآءَكُمۡ يُوسُفُ مِن قَبۡلُ بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَمَا زِلۡتُمۡ فِي
شَكّٖ مِّمَّا جَآءَكُم بِهِۦۖ حَتَّىٰٓ إِذَا هَلَكَ قُلۡتُمۡ لَن يَبۡعَثَ ٱللَّهُ
مِنۢ بَعۡدِهِۦ رَسُولٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ مَنۡ هُوَ مُسۡرِفٞ
مُّرۡتَابٌ ﴿٣٤﴾ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ
أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْۚ كَذَٰلِكَ
يَطۡبَعُ ٱللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ قَلۡبِ مُتَكَبِّرٖ جَبَّارٖ ﴿٣٥﴾ وَقَالَ فِرۡعَوۡنُ
يَٰهَٰمَٰنُ ٱبۡنِ لِي صَرۡحٗا لَّعَلِّيٓ أَبۡلُغُ ٱلۡأَسۡبَٰبَ ﴿٣٦﴾ أَسۡبَٰبَ
ٱلسَّمَٰوَٰتِ فَأَطَّلِعَ إِلَىٰٓ إِلَٰهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُۥ كَٰذِبٗاۚ
وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ وَصُدَّ عَنِ ٱلسَّبِيلِۚ
وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ ﴿٣٧﴾ وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ
يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُونِ أَهۡدِكُمۡ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ ﴿٣٨﴾ يَٰقَوۡمِ
إِنَّمَا هَٰذِهِ ٱلۡحَيَوٰةُ ٱلدُّنۡيَا مَتَٰعٞ وَإِنَّ ٱلۡأٓخِرَةَ هِيَ
دَارُ ٱلۡقَرَارِ ﴿٣٩﴾ مَنۡ عَمِلَ سَيِّئَةٗ فَلَا يُجۡزَىٰٓ إِلَّا مِثۡلَهَاۖ
وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ
يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ ﴿٤٠﴾

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
شَكّٖ	تردید.
مُّرۡتَابٌ	شک‌کننده در مورد الله.
يَطۡبَعُ	مُهر می‌زند.
صَرۡحٗا	بنایی مرتفع.
تَبَابٖ	زیانکاری و تباهی.

عمل به آیات

۱. از جدال بدون علم و از خشم الله به الله پناه ببر، ﴿ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾

۲. یکی از غافلان را با حکمت و روشی نیکو به پیروی از صالحان امت‌های پیشین به سوی الله تعالی دعوت بده، ﴿وَقَالَ ٱلَّذِيٓ ءَامَنَ يَٰقَوۡمِ ٱتَّبِعُونِ أَهۡدِكُمۡ سَبِيلَ ٱلرَّشَادِ﴾

۳. با امید به این‌که الله تعالی تو را به بهشت درآورد، امروز عمل صالحی را که تاکنون انجام نداده‌ای انجام بده، ﴿وَمَنۡ عَمِلَ صَٰلِحٗا مِّن ذَكَرٍ أَوۡ أُنثَىٰ وَهُوَ مُؤۡمِنٞ فَأُوْلَٰٓئِكَ يَدۡخُلُونَ ٱلۡجَنَّةَ يُرۡزَقُونَ فِيهَا بِغَيۡرِ حِسَابٖ﴾

رهنمودها

۱. از جدال بدون علم بپرهیز، ﴿ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡۖ كَبُرَ مَقۡتًا عِندَ ٱللَّهِ وَعِندَ ٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ﴾

۲. آغاز نابودی این است که اعمال بد انسان برایش آراسته شود آن‌گاه آن‌ها را نیکو ببیند، ﴿وَكَذَٰلِكَ زُيِّنَ لِفِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ عَمَلِهِۦ﴾

۳. قطعاً الله تعالی دوستانش را پیروز و قوی می‌گرداند و دشمنانش را خوار می‌کند، ﴿وَمَا كَيۡدُ فِرۡعَوۡنَ إِلَّا فِي تَبَابٖ﴾

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٧٢)

۞ وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ
٤١ تَدۡعُونَنِي لِأَكۡفُرَ بِٱللَّهِ وَأُشۡرِكَ بِهِۦ مَا لَيۡسَ لِي بِهِۦ
عِلۡمٞ وَأَنَا۠ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلۡعَزِيزِ ٱلۡغَفَّٰرِ ٤٢ لَا جَرَمَ أَنَّمَا
تَدۡعُونَنِيٓ إِلَيۡهِ لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ فِي ٱلدُّنۡيَا وَلَا فِي ٱلۡأٓخِرَةِ
وَأَنَّ مَرَدَّنَآ إِلَى ٱللَّهِ وَأَنَّ ٱلۡمُسۡرِفِينَ هُمۡ أَصۡحَٰبُ ٱلنَّارِ
٤٣ فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ
إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْۖ
وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ ٤٥ ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ
عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ
فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ ٤٦ وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ
فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ
تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ ٤٧ قَالَ
ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ
بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ ٤٨ وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ
ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ ٤٩

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا جَرَمَ	قطعاً.
لَيۡسَ لَهُۥ دَعۡوَةٞ	شایسته نیست که به عبادت او دعوت داده شود و به او پناه جسته شود؛ زیرا ناتوان است.
وَأُفَوِّضُ	متوسل می‌شوم و پناه می‌برم و توکل می‌کنم.
وَحَاقَ	فرود آمد و احاطه کرد.
يَتَحَآجُّونَ	با یکدیگر خصومت و ستیز می‌کنند.
مُّغۡنُونَ	بازدارندگان.

عمل به آیات

۱. گناهکاری را به توبه و کافری را به اسلام دعوت بده، و دلسوزی خویش بر آنان را آشکار کن، ﴿وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ﴾

۲. در کاری که ذهنت را به خود مشغول کرده است به الله توکل کن؛ زیرا او تعالی برایت کافی است، ﴿وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ﴾

۳. به زیارت قبور برو و از عذاب قبر به الله پناه ببر، ﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ﴾

رهنمودها

۱. با اسلوبی موثر در دعوت به سوی الله پناه ببر، ﴿وَيَٰقَوۡمِ مَا لِيٓ أَدۡعُوكُمۡ إِلَى ٱلنَّجَوٰةِ وَتَدۡعُونَنِيٓ إِلَى ٱلنَّارِ﴾

۲. مومنِ خاندان فرعون چه زیبا قومش را پند و اندرز داد: ﴿فَسَتَذۡكُرُونَ مَآ أَقُولُ لَكُمۡۚ وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ﴾

۳. کم‌خردان فریب شدیدی می‌خورند؛ در دنیا زیردست هستند و در آخرت از آن‌ها اعلام بیزاری می‌شود، ﴿وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ﴾

ترجمه آیات

ای قوم من، چه شده که من شما را به راه نجات دعوت می‌کنم، و[لی] شما مرا به آتش فرامی‌خوانید؟ (۴۱) مرا دعوت می‌کنید که الله را انکار کنم و چیزی را [در قدرت] با الله شریک گردانم که هیچ اطلاعی از آن ندارم؛ در حالی که من شما را به سوی [پروردگار] شکست‌ناپذیر و آمرزگار فرامی‌خوانم. (۴۲) قطعاً، آنچه مرا به آن دعوت می‌دهید، در دنیا و آخرت [توان اجابت] دعایی را ندارد؛ و بازگشت ما به پیشگاه الله است، و اسرافکاران [در کفر و گناه،] دوزخی هستند. (۴۳) به زودی سخنان مرا به یاد خواهید آورد؛ و من کار خود را به الله واگذار می‌کنم؛ زیرا الله نسبت به [کردار] بندگان بیناست». (۴۴) الله او را از آسیب دسیسهٔ آنان حفظ نمود و عذاب سخت، دامنگیر فرعونیان شد. (۴۵) همان آتشی که [در قبرهایشان] بامداد و شامگاه بر آن عرضه می‌شوند؛ و روزی که قیامت برپا گردد، [فرمان می‌رسد که:] «فرعونیان را در سخت‌ترین عذاب درآورید». (۴۶) آنگاه که در آتش دوزخ کشمکش [و مجادله] می‌کنند، مردمانِ زیردست به رهبران گمراهگر می‌گویند: «ما پیرو شما بودیم؛ آیا ممکن است بخشی از عذاب آتش را از ما دور کنید؟» (۴۷) رهبران گمراهگر می‌گویند: «بی‌تردید، همهٔ ما در آتش خواهیم بود. الله میان بندگان [خود] داوری کرده است». (۴۸) و کسانی که در آتشند، به نگهبانان دوزخ می‌گویند: «از پروردگارتان بخواهید که برای یک روز، این عذاب را از ما بردارد». (۴۹)

نکته‌های قابل تدبر

۱ ﴿وَأُفَوِّضُ أَمۡرِيٓ إِلَى ٱللَّهِۚ إِنَّ ٱللَّهَ بَصِيرُۢ بِٱلۡعِبَادِ ۝٤٤ فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْ﴾ دلالت دارد بر این‌که هر کس کارش را به الله واگذار کند الله همراه اوست. ابن جزی: ۲/ ۲۸۲.

پرسش: چه نکته‌ای از این دو آیه استنباط می‌شود؟

۲ ﴿فَوَقَىٰهُ ٱللَّهُ سَيِّـَٔاتِ مَا مَكَرُواْ﴾ یعنی: او را از آسیب‌ها و شکنجه‌ها حفظ کرد، پس به جستجویش پرداختند اما او را نیافتند؛ زیرا امرش را به الله واگذار کرد. قرطبی: ۱۸/ ۳۶۳.

پرسش: مومنِ خاندان فرعون وقتی کارش را به الله تعالی واگذار کرد چه اتفاقی برایش افتاد؟

۳ ﴿وَحَاقَ بِـَٔالِ فِرۡعَوۡنَ سُوٓءُ ٱلۡعَذَابِ﴾ غرق‌شدن به این سبب بدترین عذاب نامیده شد که انسانِ غرق‌شده مدتی با محبوس‌شدنِ نفس عذاب می‌بیند، در حالی که بر روی آب می‌آید و در آن فرو می‌رود و هول و هراس امواج، او را به وحشت می‌اندازد و یقین دارد که نابود می‌شود، سپس به صورت زنده و مرده خوراک کوسه‌ها و نهنگ‌ها می‌شود. آن‌چه گفته شد درد و عذاب غرق‌شده در دنیاست، خواری و رسوایی او پس از مرگ نیز به این قرار است که مردم در مورد او سخن می‌گویند. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۵۸.

پرسش: چرا غرق‌شدن، بدترین عذاب نامیده شد؟

۴ ﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗاۚ وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ﴾ ارواحشان تا برپایی قیامت هر صبح و شام بر آتش عرضه می‌شود؛ و در روز قیامت ارواح و بدن‌های‌شان با هم در آتش جمع می‌شوند؛ بنابراین فرمود: ﴿وَيَوۡمَ تَقُومُ ٱلسَّاعَةُ أَدۡخِلُوٓاْ ءَالَ فِرۡعَوۡنَ أَشَدَّ ٱلۡعَذَابِ﴾ یعنی: دردناک‌ترین و بزرگ‌ترین عذاب. ﴿ٱلنَّارُ يُعۡرَضُونَ عَلَيۡهَا غُدُوّٗا وَعَشِيّٗا﴾: بر عذاب برزخ در قبرها دلالت دارد. ابن کثیر: ۴/ ۸۳.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر وجود عذاب قبر را بیان کنید.

۵ ﴿وَإِذۡ يَتَحَآجُّونَ فِي ٱلنَّارِ فَيَقُولُ ٱلضُّعَفَٰٓؤُاْ لِلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُنَّا لَكُمۡ تَبَعٗا فَهَلۡ أَنتُم مُّغۡنُونَ عَنَّا نَصِيبٗا مِّنَ ٱلنَّارِ﴾ امکان دارد که این سخن ضعیفان به بزرگان، حقیقت داشته باشد و به قصد کنایه و امثال آن نباشد؛ چون برخاسته از عادت‌شان است که در دنیا برای حل مشکلات‌شان به آنان پناه می‌بردند؛ بنابراین گمان می‌کنند که در این مکان نیز آنان سرپرست امورشان هستند، به همین سبب، مستکبران به گونه‌ای پاسخ می‌دهند که در آن روز مثل ضعیفان ناتوان و دست خالی هستند و می‌گویند: ﴿إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ﴾؛ یعنی اگر می‌توانستیم مشکل شما را برطرف سازیم، مشکل خودمان را برطرف می‌کردیم. همچنین امکان دارد که ضعیفان این سخن را از روی کنایه و به قصد سرزنش بر زبان آورند؛ یعنی شما ما را به آیین شرک فرا می‌خواندید و نتیجه آن شد که ما گرفتار عذاب شدیم، پس آیا اکنون می‌توانید عذاب را از ما دور کنید؟!. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۶۱.

پرسش: قول ضعفا به بزرگان که در آیه آمده است چه فایده‌ای در بر دارد؟

۶ ﴿قَالَ ٱلَّذِينَ ٱسۡتَكۡبَرُوٓاْ إِنَّا كُلّٞ فِيهَآ إِنَّ ٱللَّهَ قَدۡ حَكَمَ بَيۡنَ ٱلۡعِبَادِ﴾ این آیه، مایهٔ پند و عبرت بزرگان و رهبران امت‌هاست... زیرا اگر کارها و اعمال اشتباهِ آنان در مورد خودشان و امت‌های‌شان، بر اساس علم به پیامدها باشد، قطعا سزاوار هستند که در دنیا و آخرت خوار و رسوا شوند؛ چنان که الله تعالی می‌فرماید: ﴿وَلَيَحۡمِلُنَّ أَثۡقَالَهُمۡ وَأَثۡقَالٗا مَّعَ أَثۡقَالِهِمۡ﴾ [العنکبوت: ۱۳] «و حتماً بارِ سنگین (گناه) خود و بارهای سنگین (گناه پیروان‌شان) را همراه بارِ سنگین خود به دوش خواهند کشید»، ولی اگر از عواقب کوتاهی‌ها و اشتباهات‌شان اطلاع ندارند و خودشان را در تنگناهای سرپرستی قرار می‌دهند، قطعا از این‌که به کفایت و لیاقت‌شان برای اداره امور امت اطمینان نداشته‌اند و آن را بدون تفکر و کورکورانه پذیرفته‌اند تا دچار لغزش شوند و به پرتگاه بیفتند، مورد نکوهش هستند. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۶۳.

پرسش: چه پند و عبرتی از آیه برای رهبران و سران به دست می‌آید؟

۷ ﴿وَقَالَ ٱلَّذِينَ فِي ٱلنَّارِ لِخَزَنَةِ جَهَنَّمَ ٱدۡعُواْ رَبَّكُمۡ يُخَفِّفۡ عَنَّا يَوۡمٗا مِّنَ ٱلۡعَذَابِ﴾ اضافه‌شدن ﴿رَبَّ﴾ به ضمیر جمع مخاطب، نوعی تشویق به دعا است؛ یعنی امکان این‌که دعای شما اجابت شود، بیشتر است، و از آن‌جا که گمان می‌کنند دعای فرشتگان زودتر و بهتر اجابت می‌شود، درخواست می‌کنند که یک روز از مدت عذاب‌شان کم شود و این درخواست برای‌شان سودمندتر از کم‌کردن شدت آتش است که از بزرگان‌شان طلب می‌کنند. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۶۴.

پرسش: اضافه‌شدن واژهٔ ﴿رَبَّ﴾ به ضمیر مخاطب ﴿كُمۡ﴾ چه نکته‌ای در بر دارد؟

ترجمه آیات

آنان پاسخ می‌دهند: «مگر پیامبرانتان نشانه‌های روشن بر شما ارائه نکردند؟ دوزخیان می‌گویند: «بله»؛ و مأموران می‌گویند: «پس [بی‌نتیجه] درخواست کنید که درخواست کافران، [مردود و] تباه است». (۵۰) بی‌گمان، ما پیامبران خویش و اهل ایمان را در زندگی دنیا و روزی که گواهان [به شهادت] برمی‌خیزند، یاری می‌کنیم. (۵۱) روزی که عذرخواهیِ ستمگران سودی به حالشان نخواهد داشت؛ آنان از رحمت الهی به دورند و دشواری عذاب آخرت را [در پیش] دارند. (۵۲) ما [مقام] هدایت به موسی بخشیدیم و بنی‌اسرائیل را وارثان تورات قرار دادیم؛ (۵۳) [کتابی‌که] برای خردمندان، هدایت و پند است. (۵۴) پس [ای پیامبر، بر آزارِ مشرکان] شکیبا باش [که] قطعاً وعدهٔ الهی راست است و برای گناهت آمرزش بخواه و پروردگارت را شامگاه و بامداد، به پاکی ستایش کن. (۵۵) کسانی که در مورد آیات الهی ـ بدون اینکه دلیلی در اختیارشان باشد ـ به مجادله برمی‌خیزند، در دل‌هایشان [غرور و] تکبری است که هرگز به آن نخواهند رسید؛ پس [از شرِ آنان] به الله پناه ببر که به راستی، او شنوای بیناست. (۵۶) مسلماً آفرینش آسمان‌ها و زمین بزرگ‌تر از آفرینشِ انسان‌هاست؛ [بنابر این برپاییِ قیامت، برای الله دشوار نیست]؛ ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. (۵۷) نابینا و بینا هرگز برابر نیستند، و مؤمنان نیکوکار با بدکاران یکسان نخواهند بود؛ [ولی] عدهٔ کمی از شما پند می‌پذیرید. (۵۸)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿قَالُوٓاْ أَوَ لَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ﴾

یعنی: همان‌گونه که به نظر خودتان از رسولان روی گرداندید، امروز نیز کار خود را بر عهده بگیرید و خودتان دعا کنید. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۶۶.

پرسش: فرمان‌دادن به مشرکان که علیه خودشان دعا کنند چه ارتباطی با عبارت قبلی دارد؟

۲ ﴿وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ﴾

کفر تمام اعمال را نابود می‌کند و مانع اجابت دعاست. سعدی: ۷۳۹.

پرسش: برخی از معایب و نقاط ضعف کافران بر اثر کفر را نام ببرید؟

۳ ﴿إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ﴾

ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: با غلبه و چیرگی. ضحاک می‌گوید: با دلیل، و در آخرت با عذر. بنابر قولی: با انتقام از دشمنان در دنیا و آخرت. تمام این امور برای پیامبران و مومنان است؛ یعنی با دلیل بر مخالفان‌شان پیروز می‌شوند و الله آنان را بر مخالفان‌شان مسلط می‌گرداند و دشمنان‌شان را نابود می‌کند، و پس از این‌که کشته شدند با گرفتن انتقام از دشمنان‌شان به آنان یاری می‌رساند؛ چنان‌که هفتاد هزار نفر را به انتقام خون یحیی بن زکریا علیهما السلام کُشت. یعنی پیامبران به یکی از روش‌های مذکور یاری رسانده می‌شوند. بغوی: ۴/ ۴۷.

پرسش: آیا یاری مذکور مخصوص رسولان است؟ و آیا یاری‌رساندن به آنان، با نابودی دشمنان‌شان خاتمه می‌یابد؟

۴ ﴿وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ﴾

این قصه از آشکارترین مثال‌ها برای یاری رساندن الله به رسولانش و کسانی است که همراه آنان ایمان آوردند، و مناسب‌ترین مثال است برای نصرتی که الله تعالی برای پیامبر اسلام و مومنان مقدر کرده است؛ قطعاً پیروزی موسی علیه السلام بر قوم فرعون باعث تشکیل امت بزرگی شد که هرگز کسی نمی‌توانست در برابر آن قیام کند و شریعتی مهم و مُلکی بزرگ به او بخشیده شد، پیروزی پیامبر و مؤمنان نیز همین‌گونه و بلکه از آن بزرگ‌تر و کامل‌تر گشت. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۶۹.

پرسش: چرا قصهٔ موسی علیه السلام واضح‌ترین مثال بر یاری الله به مومنان است؟

۵ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ﴾

یعنی: غرور و تکبری که آنان را از پیروی و اطاعت تو منع می‌کند. ابن جزی: ۲/ ۲۸۳.

پرسش: به چه سبب، کافران از پیامبر پیروی نمی‌کنند؟

۶ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ﴾

قید مذکور برای تقبیحِ مجادلهٔ آنان آمد وگرنه هر مجادله‌ای در آیات الله، بدون دلیل و حجت است؛ زیرا آیات الله هرگز مخالف واقع نیستند. این قید شبیه قید مذکور در آیهٔ زیر است: ﴿وَمَنۡ أَضَلُّ مِمَّنِ ٱتَّبَعَ هَوَىٰهُ بِغَيۡرِ هُدٗى مِّنَ ٱللَّهِ﴾ [القصص: ۵۰]؛ «و گمراه‌تر از آن کس که هوای نفس خویش را بدون (هیچ) هدایتی از (سوی) الله پیروی می‌کند؛ کیست؟!». ابن عاشور: ۲۴/ ۱۷۳.

پرسش: چرا گفته شد مجادله در آیات الله بدون دلیل است؟

۷ ﴿وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ﴾

نابینا زودتر از بینا ذکر شد با این‌که بینایی از کوری و نیز مشبّه‌بهِ بینا بهتر از مشبّه‌بهِ نابیناست؛ زیرا مشبّه‌بهِ بینا، مومنان هستند. بنابراین تشبیه کافران به این سبب زودتر بیان شد که آن‌چه در این‌جا مهم‌تر است، بیان حال کسانی است که در آیات جدال می‌کنند و موعظه و اندرز متوجه آنان است. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۷۸.

پرسش: چرا نابینا قبل از بینا ذکر شد با این‌که بینا بهتر است؟

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٧٣)

قَالُوٓاْ أَوَلَمۡ تَكُ تَأۡتِيكُمۡ رُسُلُكُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِۖ قَالُواْ بَلَىٰۚ
قَالُواْ فَٱدۡعُواْۗ وَمَا دُعَٰٓؤُاْ ٱلۡكَٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَٰلٍ ٥٠
إِنَّا لَنَنصُرُ رُسُلَنَا وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ فِي ٱلۡحَيَوٰةِ ٱلدُّنۡيَا
وَيَوۡمَ يَقُومُ ٱلۡأَشۡهَٰدُ ٥١ يَوۡمَ لَا يَنفَعُ ٱلظَّٰلِمِينَ مَعۡذِرَتُهُمۡۖ
وَلَهُمُ ٱللَّعۡنَةُ وَلَهُمۡ سُوٓءُ ٱلدَّارِ ٥٢ وَلَقَدۡ ءَاتَيۡنَا مُوسَى
ٱلۡهُدَىٰ وَأَوۡرَثۡنَا بَنِيٓ إِسۡرَٰٓءِيلَ ٱلۡكِتَٰبَ ٥٣ هُدٗى
وَذِكۡرَىٰ لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ ٥٤ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ
حَقّٞ وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ
وَٱلۡإِبۡكَٰرِ ٥٥ إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ
مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِۚ فَٱسۡتَعِذۡ بِٱللَّهِۖ إِنَّهُۥ هُوَ ٱلسَّمِيعُ
ٱلۡبَصِيرُ ٥٦ لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ
خَلۡقِ ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَعۡلَمُونَ ٥٧
وَمَا يَسۡتَوِي ٱلۡأَعۡمَىٰ وَٱلۡبَصِيرُ وَٱلَّذِينَ ءَامَنُواْ وَعَمِلُواْ
ٱلصَّٰلِحَٰتِ وَلَا ٱلۡمُسِيٓءُۚ قَلِيلٗا مَّا تَتَذَكَّرُونَ ٥٨

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
ٱلۡأَشۡهَٰدُ	فرشتگان و پیامبران و مومنان که علیه تکذیب‌کنندگان گواهی می‌دهند.
مَعۡذِرَتُهُمۡ	عذرشان.
لِأُوْلِي ٱلۡأَلۡبَٰبِ	برای صاحبان خردهای سلیم.
بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ	در پایان و ابتدای روز.
سُلۡطَٰنٍ	دلیلی روشن.
مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ	به برتری بر تو و به فضیلتی که الله به تو اختصاص داده است نخواهند رسید.

عمل به آیات

۱. گناهی را که انجام داده‌ای به یاد آور سپس بسیار استغفار کن، ﴿وَٱسۡتَغۡفِرۡ لِذَنۢبِكَ﴾

۲. شامگاه و صبحگاه صد مرتبه «سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ» بگو، ﴿وَسَبِّحۡ بِحَمۡدِ رَبِّكَ بِٱلۡعَشِيِّ وَٱلۡإِبۡكَٰرِ﴾

۳. از تکبر به الله پناه ببر که مانع پذیرش سخن حق است، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ﴾

رهنمودها

۱. در راه حق صبور و ثابت‌قدم باش؛ یقین به این‌که وعدهٔ الله حقیقت است تو را شکیبا و استوار می‌گرداند، ﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ﴾

۲. اکثر کسانی که برای نابودی حق، به باطل جدال می‌کنند متکبر هستند، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ بِغَيۡرِ سُلۡطَٰنٍ أَتَىٰهُمۡ إِن فِي صُدُورِهِمۡ إِلَّا كِبۡرٞ مَّا هُم بِبَٰلِغِيهِ﴾

۳. ذاتی که بر آفرینش مخلوقی بزرگ توانایی داشته باشد بر زنده‌گردانیدن ضعیف تواناتر است، ﴿لَخَلۡقُ ٱلسَّمَٰوَٰتِ وَٱلۡأَرۡضِ أَكۡبَرُ مِنۡ خَلۡقِ ٱلنَّاسِ﴾

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٧٤)

إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ
لَا يُؤۡمِنُونَ ٥٩ وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ
إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ
دَاخِرِينَ ٦٠ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ
فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ
أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ ٦١ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡ
خَٰلِقُ كُلِّ شَيۡءٖ لَّآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَۖ فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ ٦٢
كَذَٰلِكَ يُؤۡفَكُ ٱلَّذِينَ كَانُواْ بِـَٔايَٰتِ ٱللَّهِ يَجۡحَدُونَ ٦٣
ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ
وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ وَرَزَقَكُم مِّنَ
ٱلطَّيِّبَٰتِۚ ذَٰلِكُمُ ٱللَّهُ رَبُّكُمۡۖ فَتَبَارَكَ ٱللَّهُ رَبُّ
ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٤ هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ
لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٥ ۞ قُلۡ إِنِّي
نُهِيتُ أَنۡ أَعۡبُدَ ٱلَّذِينَ تَدۡعُونَ مِن دُونِ ٱللَّهِ لَمَّا جَآءَنِيَ
ٱلۡبَيِّنَٰتُ مِن رَّبِّي وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ ٦٦

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
لَا رَيۡبَ فِيهَا	هیچ شکی در آن نیست.
دَاخِرِينَ	خوارشدگان.
لِتَسۡكُنُواْ	تا آرام گیرید.
مُبۡصِرًا	روشنایی‌بخش.
فَأَنَّىٰ تُؤۡفَكُونَ	چگونه از ایمان به الله منحرف می‌شوید؟!
يُؤۡفَكُ	منحرف می‌شود.

عمل به آیات

۱. امروز بسیار دعا کن تا از افراد رویگردان از عبادت الله نباشی، ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

۲. امروز عملی انجام بده که در آن خواری در برابر پروردگارت آشکار می‌گردد، ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

۳. امشب زود بخواب و زود بیدار شو، تا موافق طبیعت و فطرتی که الله تو را بر آن آفریده است باشی، ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًا﴾

رهنمودها

۱. باید به شکرانهٔ نعمت و بخشش الله، شکر او تعالی به جای آورده شود، ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلَّيۡلَ لِتَسۡكُنُواْ فِيهِ وَٱلنَّهَارَ مُبۡصِرًاۚ إِنَّ ٱللَّهَ لَذُو فَضۡلٍ عَلَى ٱلنَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يَشۡكُرُونَ﴾

۲. قیامت نزدیک است چه چیزی برایش آماده کرده‌ای؟! ﴿إِنَّ ٱلسَّاعَةَ لَأٓتِيَةٞ لَّا رَيۡبَ فِيهَا وَلَٰكِنَّ أَكۡثَرَ ٱلنَّاسِ لَا يُؤۡمِنُونَ﴾

۳. تمام اعمالت را خالصانه برای الله تعالی قرار بده، ﴿هُوَ ٱلۡحَيُّ لَآ إِلَٰهَ إِلَّا هُوَ فَٱدۡعُوهُ مُخۡلِصِينَ لَهُ ٱلدِّينَۗ ٱلۡحَمۡدُ لِلَّهِ رَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

ترجمه آیات

هیچ تردیدی در این نیست که روز قیامت فرامی‌رسد؛ ولی بیشتر مردم ایمان نمی‌آورند. (۵۹) پروردگارتان فرمود: «مرا به دعا بخوانید، تا [دعای] شما را اجابت کنم. کسانی که از عبادت من سرکشی می‌کنند، به زودی با خواری به جهنم وارد می‌شوند». (۶۰) الله است که شب را برایتان پدید آورد تا در آن آرامش یابید و روز را روشنی‌بخش [قرار داد تا به تلاش پردازید]. به راستی، الله نسبت به مردم [لطف و] بخشش دارد؛ ولی بیشتر مردم سپاس نمی‌گزارند. (۶۱) این است الله، پروردگار شما [که] آفرینندهٔ هر موجودی [است]. هیچ معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس چگونه [از عبادت او] منحرف می‌شوید؟ (۶۲) به همین صورت، کسانی که آیات الهی را انکار می‌کنند نیز [از حق] منحرف می‌گردند. (۶۳) الله است که زمین را قرارگاه و آسمان را سرپناهتان مقرر داشت و شما را صورتگری کرد و نیکو صورتگری کرد و از نعمت‌های پاکیزه به شما روزی داد؛ این است الله، پروردگار شما؛ پس پر برکت و بزرگوار است الله که پروردگار جهانیان است. (۶۴) الله زنده [و پاینده] است و معبودی [به‌حق] جز او نیست؛ پس او را با خلوص اعتقاد بخوانید. ستایش و سپاس مخصوص الله، پروردگار جهانیان است. (۶۵) [ای پیامبر،] بگو: «من از عبادت افرادی که شما به جای الله [به نیایش] می‌خوانید، نهی شده‌ام؛ زیرا نشانه‌های روشنی از جانب پروردگارم به من رسیده است و فرمان یافته‌ام که [تنها] در برابر پروردگار جهانیان تسلیم باشم». (۶۶)

نکته‌های قابل تدبّر

۱ ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

﴿يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي﴾ یعنی: از تمایل به سوی من سرکشی می‌کنند؛ چنان‌که رسول الله ﷺ می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْأَلِ اللهَ يَغْضَبْ عَلَيْهِ» [حسن؛ ترمذی: ۳۳۷۳] «هر کس از الله نخواهد الله بر او خشم می‌گیرد». اما حدیث «الدُّعَاءُ هُوَ العِبَادَةُ» [صحیح؛ ابوداود: ۱۴۷۹؛ ترمذی: ۲۹۶۹ و ۳۲۴۷ و ۳۳۷۲] به این معناست که دعا و تمایل به سوی الله، عبادت است؛ زیرا نیاز و خواری بنده به سوی الله در دعا آشکار می‌شود. ابن جزی: ۲/ ۲۸۴.

پرسش: نحوهٔ دلالت آیه بر این‌که دعا عبادت است را توضیح دهید.

۲ ﴿وَقَالَ رَبُّكُمُ ٱدۡعُونِيٓ أَسۡتَجِبۡ لَكُمۡۚ إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

سفیان ثوری می‌گفت: «ای ذاتی که دوست‌داشتنی‌ترین بندگانش نزد او، کسی است که بیش از همه از او بخواهد، و ای ذاتی که منفورترین بندگانش نزد او کسی است که از او نخواهد، پروردگارا! هیچ‌کس جز تو چنین نیست». شاعر در بیان همین معنا چنین می‌سراید: «اللهُ يَغْضَبُ إِنْ تَرَكْتَ سُؤَالَهُ * وَبُنَيُّ آدَمَ حِينَ يُسْأَلُ يَغْضَبُ»؛ «الله اگر از او خواسته نشود خشم می‌گیرد، اما آدمیزاد اگر چیزی از او خواسته شود خشمگین می‌شود». ابن کثیر: ۴/ ۸۷.

پرسش: خواستن از الله و خواستن از مردم را با هم مقایسه کنید.

۳ ﴿إِنَّ ٱلَّذِينَ يَسۡتَكۡبِرُونَ عَنۡ عِبَادَتِي سَيَدۡخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾

یعنی: خوار و ذلیل؛ به سزای سرکشی‌شان، عذاب و خواری بر آنان جمع می‌شود. سعدی: ۷۴۱.

پرسش: قاعدهٔ «جزا از جنس عمل است» را بر اساس آیه توضیح دهید.

۴ ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَرۡضَ قَرَارٗا وَٱلسَّمَآءَ بِنَآءٗ﴾

چون هدف اصلی آیه، بیان نعمت و احسان است - چنان‌که عبارت ﴿لَكُمُ﴾ بر این امر دلالت دارد- زمین بر آسمان مقدم شد؛ زیرا فایده‌بردن از زمین محسوس است، سپس آسمان ذکر شد. ابن عاشور: ۲۴/ ۱۸۹.

پرسش: در این آیه چرا زمین قبل از آسمان بیان شد؟

۵ ﴿وَصَوَّرَكُمۡ فَأَحۡسَنَ صُوَرَكُمۡ﴾

مقاتل می‌گوید: شما را نیکو آفرید. ابن عباس رضی الله عنهما می‌گوید: آدمیزاد را راست و معتدل و به‌گونه‌ای آفرید که با دستش می‌خورَد و تناول می‌کند، بر خلاف سایر مخلوقات که با دهان‌شان تناول می‌کنند. بغوی: ۴/ ۵۲.

پرسش: آفرینش آدمیزاد چه امتیازی بر سایر مخلوقات دارد؟

۶ ﴿وَرَزَقَكُم مِّنَ ٱلطَّيِّبَٰتِ﴾

یعنی: روزی‌های لذیذ؛ زیرا ﴿ٱلطَّيِّبَٰتِ﴾ در این‌جا برای بیان احسان و بخشش آمده است، اما وقتی که در صدد بیان تحلیل و تحریم باشد، حلال و حرام منظور است. ابن جزی: ۲/ ۲۸۴.

پرسش: واژهٔ ﴿ٱلطَّيِّبَٰتِ﴾ در قرآن به دو معنا می‌آید، این دو معنا را توضیح دهید.

۷ ﴿وَأُمِرۡتُ أَنۡ أُسۡلِمَ لِرَبِّ ٱلۡعَٰلَمِينَ﴾

در برابر پروردگار جهانیان خوار و فروتن باشم. قرطبی: ۱۸/ ۳۷۸.

پرسش: تسلیم‌شدن در برابر الله تعالی چگونه محقق می‌شود؟

ترجمه آیات

او تعالی ذاتی است که شما را از خاک، و سپس [طی مراحل مختلف] از نطفه و آنگاه خون بسته [= جنین ابتدایی] آفرید؛ سپس شما را [به صورت] کودکی [به دنیا] می‌آورد، و امکان می‌دهد تا به حد رشد [و کمال نیرو] برسید؛ سپس [سال‌ها زندگی می‌کنید تا] سالخورده می‌شوید. برخی از شما دچار مرگِ زودرس خواهند شد و [به گروهی دیگر امکان می‌دهد] تا به اجل معیّن برسید؛ باشد که بیندیشید. (۶۷) او ذاتی است که زنده می‌کند و می‌میراند و هنگامی که چیزی را می‌خواهد، تنها به آن می‌گوید: «موجود شو»؛ پس [بی‌درنگ] موجود می‌شود. (۶۸) آیا ندیدی کسانی که دربارهٔ آیات الهی مجادله می‌کنند، چگونه [از راه حق] منحرف می‌گردند؟ (۶۹) کسانی که کتاب [آسمانی] و پیام پیامبران ما را دروغ شمردند، به زودی [نتیجهٔ کردارشان را] خواهند دانست. (۷۰) آنگاه که غل و زنجیر بر گردنشان قرار گرفته و کشیده می‌شوند. (۷۱) [ابتدا] در آب داغ [و] سپس در آتش دوزخ افروخته می‌شوند. (۷۲) سپس به آنان گفته می‌شود: «چیزهایی که شریک [الله] قرار می‌دادید، کجا هستند؟ (۷۳) [همان معبودانی که آنها را] به جای الله [عبادت می‌کردید]. آنان گویند: «از [نظر] ما ناپدید شدند؛ گویی ما هرگز پیش از این چیزی را [به عبادت] نمی‌خواندیم». این‌گونه الله کافران را گمراه می‌کند. (۷۴) این [عذاب] از آن جهت است که به ناحق در زمین شادمانی و سرمستی می‌کردید و فخر می‌فروختید. (۷۵) [اکنون] از درهای جهنم وارد شوید و جاودانه در آنجا بمانید. و [به راستی که] جایگاه متکبران چه بد [جایگاهی] است! (۷۶) [ای پیامبر، بر آزار مشرکان] شکیبا باش که وعدهٔ الهی حق است؛ و اگر برخی از مجازات‌هایی را که به آنان وعده داده‌ایم، [در زندگی] به تو بنماییم یا [پیش از نزول عذاب،] جان تو را بگیریم، در هر حال، به پیشگاه ما بازگردانده می‌شوند [و راه گریزی از عذاب ندارند]. (۷۷)

نکته‌های قابل تدبّر

❶ ﴿إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ﴾

حسن بن أبی‌الحسن می‌گوید: بستن زنجیرها بر گردن جهنمیان به این دلیل نیست که آنان می‌توانند از عذاب پروردگار فرار کنند؛ بلکه به این دلیل است که وقتی که فوران آتش آنان را بالا ببرد، دوباره به پایین کشیده می‌شوند. ابن عطیه: ۴/ ۵۶۹.

پرسش: چرا زنجیر بر گردن جهنمیان انداخته می‌شود؟

❷ ﴿أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ﴾ ﴿فِي ٱلۡحَمِيمِ ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسۡجَرُونَ﴾

وقتی کسی تنور را از آتش پر می‌کند می‌گوید: «سجرت التنور؛ تنور را روشن و گرم کردم». یعنی: آنان همانند هیزم که وارد تنور می‌شود وارد آتش جهنم می‌شوند؛ بنابراین مجاهد در تفسیر خویش می‌گوید: آتش با آنان برافروخته می‌گردد. ابن جزی: ۲/ ۲۸۵.

پرسش: نحوهٔ دلالت این آیات بر خطر بزرگ جدالِ بدون علم در آیات الله را بیان کنید؟

❸ ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ ۝٧٣ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡـٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ﴾

کجا هستند معبودان و نمادهایی (بت‌هایی) که آن‌ها را به جای الله عبادت می‌کردید تا به شما کمک کنند و از مصیبت و عذابی که در آن قرار دارید نجات دهند؛ زیرا معبود، به بندگان و خدمتکارانش یاری می‌رساند. این سخن برای سرزنش و توبیخ آنان است به سبب اعمالی که در دنیا انجام می‌دادند. طبری: ۲۱/ ۴۱۶.

پرسش: مشرکان هنگام روبه‌رو شدن با عذاب، چه درخواستی از معبودهای‌شان دارند؟

❹ ﴿ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ﴾

سوال در این‌جا به منظور آگاه‌کردن از خطا و آشکارساختن دیدگاه اشتباه به کار رفته است؛ زیرا آنان ادعا می‌کردند نمادها (بت‌ها) را به این دلیل عبادت می‌کنند تا شفیعان آنان در برابر خشم الله باشند، اما وقتی که عذاب بر آنان واقع شود و هیچ شفیعی نیابند، برای یادآوری ادعای‌شان به آنان گفته می‌شود: ﴿أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ تُشۡرِكُونَ﴾. ابن عاشور: ۲۴/ ۲۰۴.

پرسش: سؤال مذکور در آیه چه نکته‌ای در بر دارد؟

❺ ﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ﴾

این عذاب بدان سبب است که از گناهان شادمان می‌شدید. این سخن برای توبیخ به آنان گفته می‌شود؛ یعنی: این عذاب بدین سبب به شما رسید که در دنیا از انجام گناه و فراوانی مال و پیروان و سلامتی شاد و مسرور بودید. قرطبی: ۱۸/ ۳۸۳.

پرسش: سبب نزول عذاب مذکور در آیه چیست؟ و چه پندی از آن می‌گیریم؟

❻ ﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ﴾

یعنی: بر باطلی که بر آن قرار دارید شادمانی می‌کنید، و این شادمانی، ناپسند و موجب عذاب است، بر خلاف شادی پسندیده که الله تعالی در مورد آن می‌فرماید: ﴿قُلۡ بِفَضۡلِ ٱللَّهِ وَبِرَحۡمَتِهِۦ فَبِذَٰلِكَ فَلۡيَفۡرَحُواْ﴾ [یونس: ۵۸]؛ «بگو: به فضل الله و به رحمت او، پس باید بدان خوشحال شوند». منظور از این مورد، شادشدن از علم نافع و عمل صالح است. سعدی: ۷۴۳.

پرسش: کدام نوع شادی پسندیده و کدام نوع ناپسند است؟

❼ ﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ﴾

اگر بخشی از عذابی را که به آنان وعده می‌دهیم به تو نشان دهیم چشمت بدان روشن می‌شود و اگر قبل از آن تو را بمیرانیم بازگشت آنان به سوی ماست، آن‌گاه سخت‌ترین انتقام را از آنان می‌گیریم. ابن جزی: ۲/ ۲۸۶.

پرسش: این مطلب را توضیح دهید که عبارت ﴿فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ﴾ سبب تسکین و دلداری به پیامبر ﷺ است.

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٧٥)

هُوَ ٱلَّذِي خَلَقَكُم مِّن تُرَابٖ ثُمَّ مِن نُّطۡفَةٖ ثُمَّ مِنۡ عَلَقَةٖ ثُمَّ
يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخٗاۚ
وَمِنكُم مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبۡلُۖ وَلِتَبۡلُغُوٓاْ أَجَلٗا مُّسَمّٗى وَلَعَلَّكُمۡ
تَعۡقِلُونَ ٦٧ هُوَ ٱلَّذِي يُحۡيِۦ وَيُمِيتُۖ فَإِذَا قَضَىٰٓ أَمۡرٗا فَإِنَّمَا
يَقُولُ لَهُۥ كُن فَيَكُونُ ٦٨ أَلَمۡ تَرَ إِلَى ٱلَّذِينَ يُجَٰدِلُونَ
فِيٓ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ ٦٩ ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ
وَبِمَآ أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ ٧٠ إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ
فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ ٧١ فِي ٱلۡحَمِيمِ
ثُمَّ فِي ٱلنَّارِ يُسۡجَرُونَ ٧٢ ثُمَّ قِيلَ لَهُمۡ أَيۡنَ مَا كُنتُمۡ
تُشۡرِكُونَ ٧٣ مِن دُونِ ٱللَّهِۖ قَالُواْ ضَلُّواْ عَنَّا بَل لَّمۡ نَكُن
نَّدۡعُواْ مِن قَبۡلُ شَيۡـٔٗاۚ كَذَٰلِكَ يُضِلُّ ٱللَّهُ ٱلۡكَٰفِرِينَ ٧٤
ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ
تَمۡرَحُونَ ٧٥ ٱدۡخُلُوٓاْ أَبۡوَٰبَ جَهَنَّمَ خَٰلِدِينَ فِيهَاۖ فَبِئۡسَ مَثۡوَى
ٱلۡمُتَكَبِّرِينَ ٧٦ فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞۚ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ
بَعۡضَ ٱلَّذِي نَعِدُهُمۡ أَوۡ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيۡنَا يُرۡجَعُونَ ٧٧

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
عَلَقَةٖ	خون غلیظ؛ که به دیوارهٔ رحم چسبیده است. یکی از مراحل زندگی جنین است.
لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ	تا نیروی‌تان کامل شود.
أَنَّىٰ يُصۡرَفُونَ	با وجود راستی‌اش، چگونه از آن منحرف می‌شوند؟!
يُسۡجَرُونَ	بر آنان افروخته می‌شود.
ضَلُّواْ عَنَّا	از دید ما پنهان شده‌اند.
تَمۡرَحُونَ	بر اثر تکبر و سرمستی، بیش از حد شادمانی می‌کنید.
مَثۡوَى	پناهگاه و مسکن.

عمل به آیات

۱. به الله پناه ببر از این‌که به پست‌ترین دوران زندگی بازگردی، ﴿ثُمَّ يُخۡرِجُكُمۡ طِفۡلٗا ثُمَّ لِتَبۡلُغُوٓاْ أَشُدَّكُمۡ ثُمَّ لِتَكُونُواْ شُيُوخٗا﴾

۲. قصص پیامبران را از صحیح بخاری بخوان، ﴿ٱلَّذِينَ كَذَّبُواْ بِٱلۡكِتَٰبِ وَبِمَآ أَرۡسَلۡنَا بِهِۦ رُسُلَنَاۖ فَسَوۡفَ يَعۡلَمُونَ﴾

۳. در مورد انسانِ غافلی بیندیش که عمل فاسدی را انجام می‌دهد و به آن خوشحال است، و الله تعالی را به پاکی ستایش کن که تو را از این حالت نجات داد، ﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ﴾

رهنمودها

۱. مجادله‌کنندگان به باطل به بدترین وجه محشور می‌شوند، ﴿إِذِ ٱلۡأَغۡلَٰلُ فِيٓ أَعۡنَٰقِهِمۡ وَٱلسَّلَٰسِلُ يُسۡحَبُونَ﴾

۲. هر گاه مردم از باطل شاد شوند، باید منتظر عذاب بود، ﴿ذَٰلِكُم بِمَا كُنتُمۡ تَفۡرَحُونَ فِي ٱلۡأَرۡضِ بِغَيۡرِ ٱلۡحَقِّ وَبِمَا كُنتُمۡ تَمۡرَحُونَ﴾

۳. در برابر معاصی الله و بر طاعت و قضا و قدر او تعالی صبور باش که گشایش نزدیک است، ﴿فَٱصۡبِرۡ إِنَّ وَعۡدَ ٱللَّهِ حَقّٞ﴾

سورة (غافر) الجزء (٢٤) صفحة (٤٧٦)

وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ
وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَۗ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَن يَأۡتِيَ
بِـَٔايَةٍ إِلَّا بِإِذۡنِ ٱللَّهِۚ فَإِذَا جَآءَ أَمۡرُ ٱللَّهِ قُضِيَ بِٱلۡحَقِّ وَخَسِرَ
هُنَالِكَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ ٧٨ ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمَ
لِتَرۡكَبُواْ مِنۡهَا وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ ٧٩ وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ
وَلِتَبۡلُغُواْ عَلَيۡهَا حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى
ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ ٨٠ وَيُرِيكُمۡ ءَايَٰتِهِۦ فَأَيَّ ءَايَٰتِ ٱللَّهِ
تُنكِرُونَ ٨١ أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ
كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡۚ كَانُوٓاْ أَكۡثَرَ مِنۡهُمۡ وَأَشَدَّ
قُوَّةٗ وَءَاثَارٗا فِي ٱلۡأَرۡضِ فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم مَّا كَانُواْ يَكۡسِبُونَ
٨٢ فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ
ٱلۡعِلۡمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ ٨٣ فَلَمَّا رَأَوۡاْ
بَأۡسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥ وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ
مُشۡرِكِينَ ٨٤ فَلَمۡ يَكُ يَنفَعُهُمۡ إِيمَٰنُهُمۡ لَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَاۖ سُنَّتَ
ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ فِي عِبَادِهِۦۖ وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡكَٰفِرُونَ ٨٥

مفاهیم واژگان

واژه	معنا
قُضِيَ بِٱلۡحَقِّ	میان رسولان و تکذیب‌کنندگانش با عدالت داوری می‌شود.
حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ	کار مهمی که به آن اهتمام می‌کنید.
فَمَآ أَغۡنَىٰ عَنۡهُم	از آنان دفاع نکرد.
وَحَاقَ	نازل شد و احاطه کرد.
بَأۡسَنَا	عذاب ما.
خَلَتۡ	گذشته است.

عمل به آیات

۱. یکی از قصه‌های قرآن را بر دوستان و نزدیکانت بخوان، ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَ﴾

۲. از الله تعالی سپاس‌گزاری کن بدین سبب که منافع متعددی از چهارپایان مهیا کرد، ﴿ٱللَّهُ ٱلَّذِي جَعَلَ لَكُمُ ٱلۡأَنۡعَٰمَ لِتَرۡكَبُواْ مِنۡهَا وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ﴾

۳. در آثار اقوامی که الله آنان را نابود کرده است بیندیش سپس به خاطر تقصیر و گناهانت طلب آمرزش کن تا عذابی که به آنان رسید تو را فرا نگیرد، ﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ﴾

رهنمودها

۱. قصه‌های رسولان که در قرآن حکایت شده‌اند مایهٔ پند و اندرز هستند، ﴿وَلَقَدۡ أَرۡسَلۡنَا رُسُلٗا مِّن قَبۡلِكَ مِنۡهُم مَّن قَصَصۡنَا عَلَيۡكَ وَمِنۡهُم مَّن لَّمۡ نَقۡصُصۡ عَلَيۡكَ﴾

۲. باطل هر اندازه که مشهور شود و مردم آن را بپسندند سرانجام به تباهی می‌رسد، ﴿وَخَسِرَ هُنَالِكَ ٱلۡمُبۡطِلُونَ﴾

۳. دین صحیح بر وحی صحیح استوار است نه بر بدعت‌ها و خرافات، ﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُواْ بِهِۦ يَسۡتَهۡزِءُونَ﴾.

ترجمه آیات

پیش از تو نیز پیامبرانی فرستاده‌ایم که [سرگذشت] برخی از آنان را برایت حکایت کرده‌ایم و [سرگذشت] برخی دیگر را حکایت نکرده‌ایم؛ و هیچ رسولی نمی‌توانست بدون فرمان الهی معجزه‌ای ارائه کند؛ و آنگاه که فرمان الله [برای پاداش و کیفر] فرارسد، به حق و عدالت داوری خواهد شد و باطل‌اندیشان زیانکار خواهند بود. (۷۸) الله است که چهارپایان را برایتان آفرید تا از برخی برای سواری و از برخی برای تغذیه استفاده کنید. (۷۹) و سودهای دیگری نیز در آنها برایتان است؛ و [نیز] برای آنکه سوار بر آنها به مقصدی که در دل دارید برسید؛ و بر آنها و بر کشتی‌ها [به هر جا که می‌خواهید] منتقل می‌شوید. (۸۰) الله نشانه‌های [قدرت و تدبیرِ] خود را به شما نشان می‌دهد؛ پس کدام یک از نشانه‌های الهی را انکار می‌کنید؟ (۸۱) آیا مشرکان در زمین نگشته‌اند تا ببینند سرانجامِ کسانی که پیش از آنان بودند، چگونه بوده است؟ آن اقوام گذشته، نفراتشان از اینها افزون‌تر بود و آثار و بناهای بیشتری در زمین پدید آورده بودند؛ اما [در هنگام نزول عذاب،] دستاورد آنان سودی به حالشان نداشت. (۸۲) هنگامی که پیامبرانشان با نشانه‌های روشن به سراغشان آمدند، به دانش و کاردانیِ خود سرمست [و از توحید، رویگردان] شدند و همان عذابی که آن را مسخره می‌کردند، دامنگیرشان شد. (۸۳) هنگامی که عذاب ما را دیدند، گفتند: «تنها به الله ایمان آوردیم و معبودانی را که شریک او قرار داده بودیم، انکار می‌کنیم». (۸۴) اما ایمان‌آوردنشان به هنگام مشاهدهٔ عذاب، هیچ سودی نداشت. این سنت الهی [که در هنگام عذاب، توبهٔ کسی پذیرفته نمی‌گردد، همواره] در مورد بندگانِ الله جاری بوده است؛ و در این هنگام، کافران زیانکار شده‌اند. (۸۵)

نکته‌های قابل تدبر

❶ ﴿وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ وَلِتَبۡلُغُواْ عَلَيۡهَا حَاجَةٗ فِي صُدُورِكُمۡ وَعَلَيۡهَا وَعَلَى ٱلۡفُلۡكِ تُحۡمَلُونَ﴾
منظور از منافع در این آیه، مواردی است که در برابر منفعتِ خوردن گوشت چهارپایان در عبارت ﴿وَمِنۡهَا تَأۡكُلُونَ﴾ قرار دارد؛ یعنی: استفاده از پشم و شیر و بهای‌شان و پرداخت آن‌ها به عنوان دیه و مهر، نیز استفاده از پوست آنان برای تولید خیمه و سایر موارد و نشستن بر روی آن، و فایده‌بردن از زیبایی آنان در مراتع و چراگاه‌ها. ابن عاشور: ۲۴/ ۲۱۵- ۲۱۶.

پرسش: برخی منافع مندرج در عبارت ﴿وَلَكُمۡ فِيهَا مَنَٰفِعُ﴾ را ذکر کنید؟

❷ ﴿أَفَلَمۡ يَسِيرُواْ فِي ٱلۡأَرۡضِ فَيَنظُرُواْ كَيۡفَ كَانَ عَٰقِبَةُ ٱلَّذِينَ مِن قَبۡلِهِمۡ﴾
نگاهی همراه با تفکر و استدلال، نه از سر غفلت و سهل‌انگاری. سعدی: ۷۴۴.

پرسش: بررسی آثار اقوامی که الله تعالی آنان را نابود کرده است در چه صورتی مفید و در چه صورت مضر است؟

❸ ﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾
منظور از این علم، تمام علومی است که در تناقض با رسالت رسولان قرار دارد و بارزترین آن‌ها علم فلسفه و منطق یونانی است که بسیاری از آیات قرآن را رد می‌کند و از ارزش آن در دل‌ها می‌کاهد و دلایل یقینی و قاطعِ آن را دلایلی لفظی و غیر یقینی قرار می‌دهد و افراد نادان و باطل را می‌فریبد. این بزرگ‌ترین الحاد در آیات الله و در تعارض و تناقض با آن است. سعدی: ۷۴۴.

پرسش: با توجه به آیه توضیح دهید که گاهی برخی علوم ناپسند هستند؟

❹ ﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾
ضمیر به امت‌های تکذیب‌کننده بازمی‌گردد و در مورد معنای علم‌شان چند وجه وجود دارد: وجه اول این‌که اعتقاد نداشتند بر این‌که دوباره زنده می‌شوند و مورد محاسبه قرار می‌گیرند. وجه دوم این‌که: علم به منافع دنیا و روش‌های کسب این منافع منظور است. وجه سوم این‌که: علم فلاسفه منظور است که علوم شریعت‌ها را بی‌ارزش می‌دانند. ابن جزی: ۲/ ۲۸۶.

پرسش: آیه دلالت دارد بر این‌که برخی از علوم، باری بر دوش صاحبانش هستند. چند مثال در این مورد بیان کنید.

❺ ﴿فَلَمَّا جَآءَتۡهُمۡ رُسُلُهُم بِٱلۡبَيِّنَٰتِ فَرِحُواْ بِمَا عِندَهُم مِّنَ ٱلۡعِلۡمِ﴾
بر اساس آن‌چه خودشان می‌پنداشتند و ادعا می‌کردند علم نامیده شد اما در حقیقت جهل بود. قرطبی: ۱۸/ ۵۵.

پرسش: آیا تکذیب‌کنندگان رسولان واقعاً عالم بودند؟

❻ ﴿فَلَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَا قَالُوٓاْ ءَامَنَّا بِٱللَّهِ وَحۡدَهُۥ وَكَفَرۡنَا بِمَا كُنَّا بِهِۦ مُشۡرِكِينَ﴾
صفت برخی از کسانی را بیان می‌کند که بعد از فرارسیدن عذاب ایمان آوردند اما سودی به حال‌شان نداشت. این خبر، عرب‌ها را تشویق می‌کند به این‌که هر چه زودتر و بدون درنگ ایمان بیاورند؛ تا مبادا عذابی آنان را فرا گیرد که توبهٔ پس از آن، سودی به حال‌شان نداشته باشد. ابن عطیه: ۴/ ۵۷۲.

پرسش: آگاه‌کردن قریش از این امر که ایمانِ گذشتگان پس از مشاهدهٔ عذاب، هیچ سودی نداشت چه نکته‌ای در بر دارد؟

❼ ﴿فَلَمۡ يَكُ يَنفَعُهُمۡ إِيمَٰنُهُمۡ لَمَّا رَأَوۡاْ بَأۡسَنَاۖ سُنَّتَ ٱللَّهِ ٱلَّتِي قَدۡ خَلَتۡ فِي عِبَادِهِۦ﴾
یعنی: سنت الله در مورد کافران این است که وقتی عذاب را ببینند ایمان فایده‌ای به آنان نمی‌رساند... و این‌که توبه بعد از مشاهدهٔ عذاب و حصول علم ضروری پذیرفته نمی‌شود. قرطبی: ۱۸/ ۳۸۶.

پرسش: سنت الله تعالی در مورد مخلوقاتش را که در آیه ذکر شده است بیان کنید؟